الله
هو تعالی

چون کتاب
مستطاب مجمع
الدعوات در ایران
بارها بطبع رسیده و از
حیث کاغذ و خط و طبع و تصحیح آن
دقت کامل نشده بود لهذا بر حسب
خواهش بعضی از ارباب شوق اینجانب
آقا محمد حسن مدیر شرکت نسبی
کتابخانه و مطبعه علمی اقدام به
طبع آن نموده امید است که
منظور نظر قارئین محترم
گردیده والتمس
حقیر را یاد
فرمایند

محل فروش
طهران

خیابان
ناصریه

مطبعه
علمی

مغازه
کتابخانه

۱۳۵۳

واستخوان و عروق
بدن

در دفتر کتابخانه علمی بشماره ۲۶۴۳۳

هذا مجمع الدعوات کبیر

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی خیر خلقه وافض
بریته محمد واله الطاهرین ولعنة الله علی اعدائهم ومخالفی
اجمعین من الان الی یوم الدین اما بعد چنین گوید فقیر حق
صاحب التقصیر المسیئ للذنب ابن غیاث الدین محمد عبد المطلب که چ
بعضی از اسرار که در افشای ان چندان مفسده مترتب نمیشو
بلکه دفع مکروهات امم و منتج بود بنا بر تاثیرانها ایراد نموده که
ارباب حوایج وصاحبان امراض وعلل بدان رجوع نموده منتفع گردن
این کتاب مستطاب را بمجمع الدعوات مسمی نموده و مبوب بهشت
بیک مقدمه وخاتمه نموده من الله التوفیق وعلیه التکلان

در کیفیت آب
نیسان هر یک استسقا
از آب باران نیسان و
ان قرائت بایستی ها
دو دهم کرد از عید نو
روز اشت و بران
فاتحه و آیة الکرسی و
و حمد و سبعه اسم و
معوذتین و قل
هو الله هر یک را
هفتاد مرتبه و هفتاد
مرتبه لا اله الا الله و
هفتاد مرتبه الله اکبر
و هفتاد مرتبه اللهم صل
علی محمد و ال محمد هفتاد
مرتبه سبحان و الحمد لله
و لا اله الا الله و الله
اکبر بشرطی که بر زمین
نگذاشته باشد
هفت روز صبح و شام
شفا یابد و هر کس درد
که در بدن او باشد دفع گردد
هر کس [illegible] باشد و اگر
عشق او زایل شود

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران
اهداء

ومرض زنگی که دارد از ان مری
دیکور و دانات از او ضیق و بینی
شود و درد چشم
نافع باشد و بند دندان
ها را محکم کند و دهان
را خوشبو کند و دفع بلغم
هضم کند و بلغم و [illegible] و
زیاد ها را دفع کند و فالج
و درد کام و درد پشت و
و دندان و [illegible]
انزاو و البدو حجبن و
حکه و البلد و رعاف و رنیع و
و برص و کریع و کنیع و زمه
کوری و کری و رحیم فرود امدن
وابیشاه از رحیم و صلوه و وسوس
و دفع سموم و صلوه و خنازیر
جن و نسیان الطبن و خنازیر و کبد و
و غش و عسب و حسد و غضب و
بخل و حرص و افتادن در زنا
عداوت
از عیب هر مرض
مردم و غیر ان نافع است
و تجربه بیغمبر گفت
هر که ۰ در که از الرحم معقد
شده باشد محو گردد و
هر که ۰ از این ابه
بیاشامد جمیع دردها
بنگه مردم باز عرب
شده باشد از
شفاء
فیکی

اما **مقدمه** در مداوای جمیع علل و امراض و اوجاع و دران چند فصل است **باب اول** در دفع علل مشوهه مستکرهه و دفع ان مشتمل بر چند فصل است **باب دویم** در دفع شرور و بلیات و در ان چند فصل است **باب سیم** در دفع اقسام تب **باب چهارم** در دفع دردهای اعضا **باب پنجم** در دفع ضرر و ترسها **باب ششم** در دفع هموم و غموم **باب هفتم** در دفع ضرر دواب و هوام **باب هشتم** در دفع اطفال و زنان **خاتمه** در ذکر بعضی از تجارب حکما و در معرفت احوال مریض والله اعلم **اما مقدمه** در مداوای جمیع علل و امراض و اوجاع و در این مقدمه چند فصل است **فصل اول** در بیان ادعیه و تعویذ و دفع هر علل و مرض و در حدیث صحیح از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام منقولست که چون بر سر بیماری روی هفت مرتبه بگو اُعِیذُکَ بِاللّٰهِ مِنْ شَرِّ کُلِّ عِرْقٍ نَعَّارٍ وَمِنْ شَرِّ حَرِّ النَّارِ و در حدیث حسن منقولست که چون بعضی از فرزندان حضرت صادق بیمار میشد حضرت بدو میفرمود این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اشْفِنِی بِشِفَائِکَ وَدَاوِنِی بِدَوَائِکَ وَعَافِنِی مِنْ بَلَائِکَ فَاِنِّی عَبْدُکَ وَابْنُ عَبْدِکَ و از حضرت امام رضا علیه السلام مرویست که بجهت هر مرضی که بوده باشد و از امراض بخواند شفا یابد یَا مُنَزِّلَ الشِّفَاءِ وَمُذْهِبَ الدَّاءِ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَاَنْزِلْ عَلٰی وَجَعِیْ الشِّفَاءَ و در روایت معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقولست که فرمود برای هر آزاری این دعا را بخواند

و استخوان و عروق
بیرون
از علت ها را از بدن
همه علتها و الم بیاشامند
رسول صلعم فرمود برای
از ان بیاشامند حضرت
هر صبح و شام قدح
مبتلا بران بخوانند
بنی هر یک را هفت
محمد نوح بید
بر هر یک بگویند

یا جواد یا کریم و صلی الله علی محمد و آله اجمعین اما
دعی ما ظهر منها و ما بطن
الالام [illegible] فی جمیع جو[illegible]
موسی بن جعفر الکاظم ع
بگوید اللهم بحق ولیک
فان بدین طریق [illegible] است که
مجرب [illegible] دیده اند
[illegible] اعضا خصوص صداع درد
بجهة شفاء جمیع درد
[illegible] موسی کاظم ع
بیرون برود انشاء الله تعالی

و دست بر موضع درد گذارد و هفت نوبت بخواند اقلش سه نوبت بخوانند
ایها الوجع اسکن بسکینة الله وقر بوقار الله وانحجز بحاجز الله واهدء
بهدء الله واعبد ایها الانسان بما اعاذ الله به عرشه وملائکته
یوم الرجفة والزلازل **و در فردوس** شیخ شهید ره آورده که
کسی را که درد او اشتداد داشته باشد بر قدح ابی جهل نوبت سوره
حمد را بخواند و آن آب را بر مریض بپاشند و مکیالی را گندم پر کنند و به
سائل مستحق بدست خود بدهد و او را امر کند بجهت او دعا کند تا
عافیت یابد و خواندن هفتاد مرتبه حمد برای هر درد نافع است و در
نسخهٔ دفع و رفع آورده که بمشک و زعفران بنویسد و با آب بشوید
صاحب درد بیاشامد شفا یابد و آن این است بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله المبارک العظیم یا طعسحها یا کیاعرها ططفشا رحبلا یا بحهشا
العشا المحبط یا هسبطا یا شیشا یا برهبشا یا شمحشا یا بحبشا طاعهطبیا یا لفا
کهبشا وصلی الله علی محمد و آله الطیبین **ایضاً** بزعفران بنویسد و
بشوید بیاشامد اللهم لا تقتلنا بغضبک و لا تهلکنا بعذابک و عافنا
قبل ذلک اللهم لا تؤاخذنا بسوء اعمالنا و لا تسلط علینا من لا یرحمنا و حصل
مرادنا و یسر امورنا برحمتک یا ارحم الراحمین **ایضاً** روایت کرده اند از
ائمهٔ دین بوسایط علما تا بحضرت پیغمبر صلعم هر که را مرضی و رنجی واقع میشد
با یدعا استشفای از مخصوص میداشته اند بعضی میخواندند و بعضی
خود نگاه میداشتند و بعضی بتربت مقدسه کتابت میکرده اند و با آب محو کرده

دعای [illegible] ما [illegible]
حجم فرزند و آن
بدین طریق [illegible] اول [illegible]
[illegible] است که [illegible] درد
[illegible] دردو [illegible] مجرود
بگوید اللهم [illegible]
[illegible] جدید [illegible] بگوید [illegible]

دفع جمیع مرض

دائم و حصر [illegible] امد
علیه [illegible] من [illegible]
چون جمیع [illegible] مرا [illegible]
[illegible] معنون [illegible]
[illegible] صباح [illegible]
[illegible] منزل [illegible]
[illegible] کرد [illegible]
انبیا [illegible] در
و این دعا [illegible]
[illegible] بکرد [illegible]
[illegible] بعد [illegible]
[illegible] لطف [illegible]
[illegible] معلوم [illegible]
[illegible] بسم [illegible]
[illegible] اللهم [illegible]
اللهم

مبجوردند شفا مییابند ولو ان قرآنا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا و من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین **و ایندعا را** بر سر مریض بندد و بعد اینی بر قدح چینی نویسند مریض بشوید بخورد الله قدیم ازلی لم یزل و لایزال برحمتک یا ارحم الراحمین ایندعا را بر بیمار بندد یا من اسمه دواء وذکره شفاء یا من یجعل الشفاء فیما یشاء من الاشیاء صل علی محمد و آل محمد واجعل شفائی فی هذا الدواء فی اسمک یا الله ده بار و ده بار یارب بعد یا ارحم الراحمین

فصل سیم

در بیان مداوای علل و امراض بترتیب مقدس و ایندعا را بر ترتیب مقدس بخواند و بیمار از آن بخورد و بعد کمتر از نخودی بسم الله الرحمن الرحیم اللهم بحق هذه التربة المبارکة الطاهرة المطهرة و بحق الملک الذی هو خازنها والملائکة الموکلین علیها و بحق الوصی الذی وارثه و بحق الذی هو مدفون بکربلا اجعل لی فی هذه التربة رزقا واسعا وعلما نافعا و عقلا کاملا و فهما و ادراکا و ذهنا فی العلم و شفاء من کل داء و امانا من کل خوف و خصم و امانا من کل ظالم و حفظا من کل سوء برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد و آله

و بجهت طلب علم

و وسعت روزی و قضاء حوائج نیز نافع است و در حدیث معتبر

اللهم انی استوهبکه منبئشا فاعرضه دوقی ادنسکه ماعد و بیمار بن سوره بامر د و د و مفعمه از سبیر داد د و معه ابیمان کنعوده بامره اللهم وانت اعطیتنیه وانت وهبتنیه فاجعل هبتک النعیم حدیث ربک مفعلت هیعوز مرتبه با نیش شفا ایابرتر کرفته با نش شفا ... نقل نموده کره کفیت خط شهید ره یا فقیر دست راست مریض را دست و هفت مرتبه سوره حمد را بخواند تا ازان ایند عا را بخواند تا آنکه ابید عا و مرض ... اشد سبک دو ... سوره مبارکه فیها و الا

جهة جمیع امراض

بار حمد را هفتاد بار بخواند انشاء الله شفا می بخشد دعا ابید اللهم رب ... العلل و اعده الی الصحة والشفاء و امده بحسن الوقایة و رده الی حسن العافیة ولا تطول السقم و لا تیدة من سوء ... ما نال الا لم و اجعل هذا ما من مرضه ... کفاره ده بحوم لیتانه علی محمد و اله المعصومین اللهم صل علی محمد و آل محمد احصی سوره الحمد را ... کور معظمه ... فی بسید ... بحفرت

ازحضرت صادق علیه السلام مرویست که فرمود هر که تربت را بقصد شفا بخورد چنان است که گوشت ما را خورده و چون بقصد شفا بخورد بگوید بسم الله وبالله اللهم رب هذه التربة المبارکة و رب النور الذی انزل فیه و رب الجسد الذی سکن فیه و رب الملئکة الموکلین به اجعله لی شفاء من کل داء کذا وکذا و ان ازارزا ذکر کند پس تربت را بقدر نخود بخورد و بجرعه اب بعد بخورد و بگوید اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء وسقم انک علی کل شیء قدیر و چون چنین کند دفع میشود انچه در خود میبابد از درد و بیماری و غم و اندوه **و در روایت دیگر** در وقت خوردن تربت این دعا بخوان بسم الله وبالله اللهم اجعله رزقا واسعا وعلما نافعا وشفاء من کل داء انک علی کل شیء قدیر اللهم رب هذه التربة المبارکة و رب الوصی الذی وارثه صل علی محمد وال محمد واجعل هذا الطین شفاء من کل خوف و داء بتجربه رسیده

طریقه دیگر است که همین تربت مقدسه را با قدری زعفران با اب باران و اب روان معجون ساخته مداوا نمایند **طریقه دیگر** که هفت حب از این تربت مقدسه که هر یک بقدر عدسی باشد و هفت دانه سیاه دانه و هفت قطره عسل را در اب با روغنی کنند و سوره حمد و معوذتین و ایة الکرسی و اول سوره حدید تا ترجع الامور و اخر لو انزلنا تا اخر سوره حشر را بران بخوانند و استعمال نماید شفا یابد انشاء الله تعالی

فصل چهارم در بیان مداوای علل و امراض بتصدق و دادن و

وابن شکل را بنویسید
بخورد دارد که باعث شفا شود

٢ ٢ ٢ ١ ١ ١ ٥ ٩ ٩ ٨ ٩

کنزم قد مرضیم

مجرب از داود در زرع دو در حدیث
کدو که بیمار شدم دو
مدینه بر بیماری شدیده
بجون انجیر بعضی تصادق
علیه السلام رسید به
من نوشت که یک صاع
کندم بجهة بیرون بخواب
وان کندم را ببرید بخورد
ببزد و نثار کن و بگو اللهم
انی اسئلک باسمک الذی
اذا سألک به المضطر کشفت
ما به من ضر و مکنت له
فی الارض و جعلته
خلیفتک علی خلقک
ان تصلی علی محمد و
ال محمد و علی اهل بیته
ان تعافینی من علتی پس
درست بنشین و کندم را
جمع کن و بان ابند عا را
بخوان وجهاد قسمت کن
دهر قسمی را بیک فقیر بده
و بان ابند عا را بخوان
داود کفت منیچنان
کردم که کویا از بند
رها شدم و دیگر
کسان کردند بشفا
یافتند . بصدقه دفع
و جمیع بیماری
دادن دعا دیگر که
منقول است که
تصدق بلاها
را انتهای دفع
کنند و قضاهای

محکم

وقربانی کردن وعیران بدانکه صدقه دادن بلیّات را دفع میکند وعلل وامراض را زایل میگرداند ودر عمر وروزی میافزاید ودعای سایل را درحق معطی اجابت میکند واحادیث برطبق این اسباب زیاده از حدّ واحصا وارد شده اما دستور دعا کردن درحین تصدّق بیمار بدینسان چنان است که اوّل دعا را بخواند وبعد از ان موازی یکدینار شرعی که چهار دانگ ونیم مثقال است از طلا تصدّق کند بر پنج نفر یا بیشتر از مستحقان که علوی نباشند مگر انکه بیمار علویه باشد که در اینصورت بمستحق علوی دادن ضرر ندارد ودعا اینست بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اَللّٰهُمَّ اِنِّی اَسْئَلُکَ بِاسْمِکَ الَّذِی اِذَا ذُکِرْتَ بِهٖ وَسَجَدَتْ لَهُ الْمَلَائِکَةُ وَسَبَّحَتْ وَبِالْاِسْمِ الْقُدُّوْسِ الْقَدِیْمِ وَبِالْاِسْمِ الْمَخْزُوْنِ الْمَکْنُوْنِ وَبِالْاِسْمِ الَّذِی سَمَّیْتَ بِهٖ نَفْسَکَ وَبِالْاِسْمِ الَّذِی هُوَ مَکْتُوْبٌ عَلٰی سُرَادِقِ الْعَرْشِ وَبِالْاِسْمِ الَّذِی هُوَ مَکْتُوْبٌ عَلٰی سُرَادِقِ الْبَهَاءِ وَبِالْاِسْمِ الَّذِی هُوَ مَکْتُوْبٌ عَلٰی سُرَادِقِ الْعَرْشِ الْجَلَالِ وَبِالْاِسْمِ الْاَکْبَرِ الْاَکْبَرِ وَبِالْاِسْمِ الْاَعْظَمِ الْاَعْظَمِ الْمُحِیْطِ بِمَلَکُوْتِ السَّمٰوَاتِ وَالْاَرْضِ وَبِالْاِسْمِ الَّذِی مَشٰی بِهِ الْخِضْرُ عَلَی الْمَاءِ فَلَمْ تَبْتَلَّ قَدَمَاهُ وَبِالْاِسْمِ الَّذِی کَشَفْتَ ضُرَّ اَیُّوْبَ وَبِالْاِسْمِ الَّذِی وَهَبْتَ لِذَکَرِیَّا یَحْیٰی اَنْ تَشْفِیَنِی مِنَ الْمَرَضِ الَّذِی اَنَا فِیْهِ —

اما طریقه قربانی کردن اینست که بجهة بیمار گوسفندی بگیرد به نیّت قربانی فدای بیمار وسه نوبت این دعا را بخواند وبر دهان گوسفند بدمد ودرحین ذبح نیز بخواند اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ الشَّاةَ لَکَ

وقضای حاجت بحکم وابوطرفی میکنند وحضرت امام رضا ؑ فرمود که بیمار را بهبود مانند دعا وتصدّق وابتری و فرمود که مستطیع به خیر وامثال الدجهاد درو است ودیگر همه میزان است که تجربه نخود بد بلکه انست که کسیکه میخورد بد وحضرت رسول صلّی الله علیه واله فرمودند که مداوا کنید بیماران خود را بتصدّق مشغول است که شخصی باامام موسی ؑ عرض کرد که من ده نفر از عیالم بیمار اند فرمود ایشانرا مداوا کن بتصدّق که هیچ چیز بیشتر وبهتر و زودتر از تصدّق دفع نمیکند بشرط انکه به فقیر شرعی بدهند نه هر فاجر بدبخت وسائل بکف بناشند بعضی اکابر در بعض از کتب و مسطور داشته برای شفای بیمار چهل ویک نخود سیاه که هریک عیار ازیک قار نباشد ازیر بیمار بچینند یا یعنی واقعه بیمار وچهل بار سورهٔ انعم یا اسم را بخوانند و در هر بار که بخوانند یک نخود سیاه را از دوری او بردارند وبعد نخودها را جمله بکفی بدهند وتصدّق نمایند مجرّب است برای درد

ومن فضلک

درد ها و باد
ها در مجرب النافع اورد
ده که از تالیفات بنده
خواجها هند نیست که
دا بجوید تا موضع درد
دانجها بکرد واین دعا را
بخواند وبکارد در زمین
خطی بکشد بکوبد شود
بسم الله الرحمن الرحیم
اسکن یا ریح بحق البارئ
وهمچنین کوبدا ست که
دو زمین هفت خط به
کشند
طعنی ۱۱۱
یا بی ۱۱۱
در وقت کشیدن خط به
بکوبد اسکن یا ریح البارئ
بحق البارئ جدا ازان
کاوید وانجا بنشاند و
برد و بجمل و درد را بجام
بکند و هفت بار بگوید

وَمِنْ فَضْلِكَ وَكَرَمِكَ وَصَلِّ عَلَىٰ وَاَنَا اَفْدِيهَا بِعَبْدِكَ فُلَانِ بْنِ فُلَانٍ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذِهِ فِدَاءُ لِحَمْدِ الْمَجِيدِ وَدَمُهُ وَلَحْمُهُ اَللّٰهُمَّ تَقَبَّلْ مِنِّي كَمَا تَقَبَّلْتَ مِنْ خَلِيلِكَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ فَدَىٰ لِوَلَدِهِ اِسْمَاعِيلَ بِحُرْمَةِ مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللّٰهِ ص وَآلِهِ اَللّٰهُمَّ اِنَّ هٰذَا لَكَ فِدَاءٌ فَتَقَبَّلْهُ مِنِّي وبعد سه مرتبه بگوید الله اکبر بعد بسم الله الرحمن الرحیم بگوید وذبح کند در محل خالی که مسقف باشد و خون او را در گودی بریزند که مردمان پای ننهند وسر کبش را دفن کنند و در دست وپای او را از پوست جدا کنند چنانکه پوست و دست وپای یکجا باشد وانچه در شکم است یکجا بیرون اورند که از هم جدا نشده باشد و گوشت او را پنجاه وهفت پاره کنند و در میان پوست کنند وهر پاره را بر بنت فقیرے ومسکینے بیرون اورد و بهمان کس که بنت آبیرون اورده دهد تا تمام شود انشاء شفا یابد **فصل پنجم** در دعا عبد ودواء درد مفاصل وجمیع دردها وضربان عضوها مرویست که شخصے بحضرت امام محمد باقر علیه السلام شکایت کرد از درد مفاصل فرمود که این دعا را بخوان اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَسْاَلُكَ بِاسْمِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَدَعْوَةِ نَبِيِّكَ الطَّيِّبِ الْمُبَارَكِ الْمَكِينِ عِنْدَكَ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَبِحَقِّ اِبْنَتِهِ فَاطِمَةَ الْمُبَارَكَةِ وَبِحَقِّ وَصِيِّهِ اَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَبِحَقِّ سَيِّدَيْ شَبَابِ اَهْلِ الْجَنَّةِ اِلَّا اَذْهَبْتَ عَنِّي مَا اَجِدُ بِحَقِّهِمْ يَا اِلٰهَ الْعَالَمِينَ چون این دعا را خواند در ساعت درد ساکن شد در کتاب مکارم آورده که مجمع الآلام واسقام بنویسند بر کاغذے وبر مریض ببندد نافع است

دم خواند اسکن
یا ریح بحق البارئ و
بعد از فراغ ضربی را
بکوبد تا بدرد فی الحال
افضل
بهتر شود
لبقال اب بد پاره را
بشکنند و هفت و وصله
بجا درد و بموضع درد
دند و بکوبید که هفت
بهفت ابجد دو درد
وضربان درفع
شود وانجا
بهتر درد هفت
زیرا که بار اول واستغفار
هم با شکننا از درد بدر
سعی اتا فضا با از اول
نصا غز انبوتنه
بجوید بیجید بعد دو بعض بود
بیا بد بیجید ابتنغ بیاد
انبکا ماد بیشد درد
جمع

وبالحق

صبح و شام بخوانند و
اعضاء باد دار بدمد
دفع شود دردها را ، بسم الله
و بادها را انه بسم الله
الرحمن الرحیم بسم الله الکافی
الشافی بسم الله المعافی بسم الله
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض و لا فی
السماء و هو السمیع العلیم
باد الف باد سعفند باد
باد سباه باد دران
باد ویثت باد دفنیم
سنج باد سنحوا باد
باد کنف باد بکنت باد
باد دمو باد بر باد دوکی
کشلک باد اشلا باد
باد ایتوبحیا باد حوبیلا باد
باد عیشم باد ترک باد دلیلا باد
انقار باد اقشار باد شلا باد
باد شقوا و سر باد تشقوا باد

ایسون بادها

بپناه یسکن الریح
فیظللن رواکد علی
ظهره ان فی ذلک لایات
لکل صبار شکور ایضا
بگوید اخرج باذن الله
اخرج بقدرة الله اخرج
بقوة الله موضع
بجلال عیسی در بتو و
داود و صحف ابراهیم
و فرقان محمد المصطفی
صلی الله علیه و آله

وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا مبشرا ونذیرا وننزل
من القران ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین وما محمد الا رسول قد
خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم ومن ینقلب
علی عقبیه وامنوا بما نزل علی محمد وهو الحق من ربهم کفر عنهم
سیئاتهم واصلح بالهم ما کان محمد ابا احد من رجالکم ولکن رسول
الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا
یبتغون فضلا من الله ورضوانا سیماهم فی وجوههم من اثر السجود
ذلک مثلهم فی التوریة ومثلهم فی الانجیل کزرع اخرج ومبشرا برسول
یاتی من بعدی اسمه احمد فلما جاءهم بالبینات قالوا هذا سحر مبین
ولو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی
بل لله الامر جمیعا الملک لله الواحد القهار پس بگوید بسم الله
المکتوب علی ساق العرش و از خواص این حروف است که بجهة
جمیع دردهای بدن با خود دارد ا ح ح ط ک ل م
ن و س ص ه ی ایضا بجهة ضربان او درد سر و مفاصل
این اشکال را بر کاغذی یا ورقی نوشته بر موضع درد نهد و هر گاه
درد بعضو دیگر نقل کند نوشته را بآن موضع نقل نماید و بالکلیه زایل گردد انشاء الله

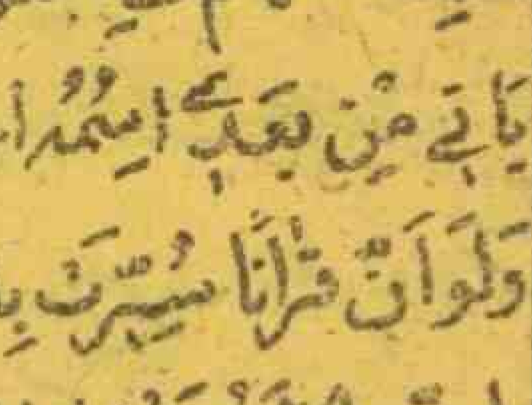

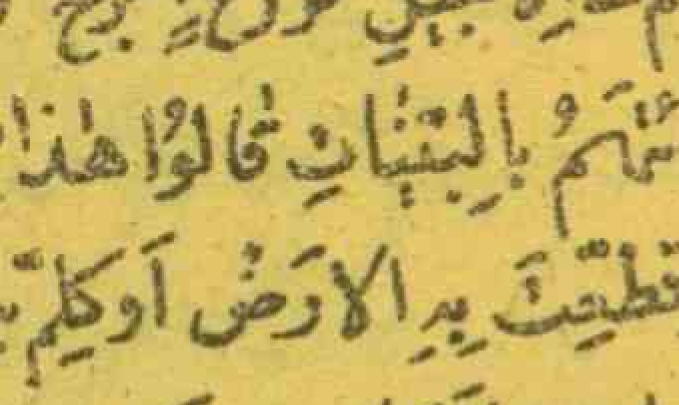

اعلم از سرد جنیم و
گوشت و پوست و
رگ و استخوان فلان
بن فلانة بحق
لا اله الا الله
محمد رسول الله
علینا صلی الله توضع
بالتعوذ نا
قهار یا عزیز یا

یا رباه یا رباه یا رباه
بسم الله الشافی بسم
الله الکافی بسم الله المعافی بسم الله
بسم الله الذی لا یضر مع
اسمه شیء فی الارض و
لا فی السماء و هو السمیع
العلیم بسم جن باد باد
سرخ باد کبود باد سیاه
باد سفید باد زرد باد
خام باد روح باد استسقاء
باد شقاق باد ارتبوس
باد خارش باد نزله باد
کرم باد سرد باد مبارک
باد خود رشک باد دیوانه
مرید باد بسم هفتاد دیگر
ریح عظیم از تن و گوش
و چشم و گوشت و پوست
و دهان و پای فلان
بن فلان از سر تا ناخن
بیرون آی باد بخور گوشت

دعای ابلیس

ضماد مسکن الاوجاع منقول از تحفه حکیم میر محمد مؤمن تنکابنی

ره در تسکین درد مفاصل حار و بارده مجرب است حلبه را با آب و سرکه بالسویه طبخ نمایند تا مهرا شود و عسل بوزن حلبه اضافه کرده بجوشانند تا غلیظ گردد نیم گرم کرده ضماد نمایند نافع بود **در کتاب تسهیل** چنین است که صاحب در مکنون آورده که این یازده حروف را خواص عجیب ذکر کرده است ا ب ت ث ط ظ ف ل لا ی یکی از آن خاصیت آنستکه اگر کسیرا درد عضوی از اعضاء دردی بهم رسد مثل درد دندان یا طحال صداع یا درد سینه یا شکم یا درد عران از دردهای ظاهری و باطنی باید حرف اول اسم عربی آن عضو را بگیرد و در میان این حروف یازده گانه درج کند مثل درد چشم حرف اول از اسم عربی آن ع است بجهت آنکه چشم در عربی عین است و سر در عربی راس است حرف اول آن را است و علی هذا القیاس سایر اعضاء و امتزاج بدینگونه دهد اع بع تع ثع طع ظع فع لع لاع یع بعد از امتزاج ترکیب دهد اعبع تعثع طعظع فعلع لعلاعیع و را را امتزاج داده باشد ترکیب آن بدین وجه است ار بر تر ثر طر ظر فر لر لار یر بعد از آن صاحب درد آنرا با خود دارد تا نتیجه مترتب شود و اگر فائده نداد حرف دوم آن عضو را بهمان اسلوب و ضابطه در بالا معمول امتزاج و ترکیب داده با خود دارد و اگر تاثیر نبخشید حرف سیم را امتزاج و ترکیب داده در ذیل انشاء الله درد زایل گردد و دو دیگر سایر امراض که در بدن وارد گردد

زینب پوست آی
باد عزیز ای باد ریح ای
باد رحمت ای باد شفقت
اگر مطیع و اگر مسلمانی
و اگر کافرای بفرمان بیرون آی
سوار شو بکنج کوه منا
سه و تنگ مغزا آی
از سر کوچه فلان بن
فلان بیرون آی و گرنه
حکم خدا و نبی و آل و حکم
سلیمان پیغمبر بکار
فولادت بکشم و دیو
آتش سوزانت بسوزانم
زانم و باب درانم
غوی گردانم و بحق
انزل الله الکلام
البعوضه و جعلنا
من بین ایدیهم
سدا و من
اغشیناهم
من

من خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون وقل جاء
الحق وزهق الباطل ان
الباطل کان زهوقا و
وننزل القران ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین برحمتک
یا ارحم الراحمین کرکرد
فی اوامثمان بزمین بزمین
امدی از زمین برادم
امدی ازادم به مغز
امدی از مغز بر
استخوان امدی از
استخوان بر پوست
واز استخوان بر پوست بیرون
امدی واز پوست بیرون
بحکم سلیمان پیغمبر بسم
سیصد و شصت و شش رگ د
رگ چهارصد و چهل و چهار
پاره پاره استخوان او و پنج و
بنشر باد بحق الله واله
بحق محمد رسول الله صلی الله علیه واله

عمل بدین وجه است و در اکثر مطالب و مقاصد این عمل را اجرا میتوان نمود والله اعلم **باب اول** در علل مشوهه مستکرهه و دفع آن و در این ۱۲ فصل است **فصل اول** در دفع ابله طفلان و در مکارم الاخلاق این شکل را برای دفع ابله طفلان و کم بیرون آوردن ایشان نقل کرده است بر بازو ببندد واگر بزعفران عدد بنویسند بهتر است و شکل این است

١۶	٣	٢	١٣
۵	١٠	١١	٨
٩	۶	٧	١٢
۴	١۵	١۴	١

این شکل را بنویسد
و بر بازو ببندد اگر
بیرون نیامده باشد زود
بیرون آید و اگر آمده باشد
زود سلامت یابد
و ریش ایشان ... ایمن

ایضا این شکل را بجهت ابله همین خاصیت دارد بسم و بالعرعل سرالود در ثلثه ما لیه ما نوسی **و در خواص الایات** مذکور است که بجهت ابله چشم مجرب است ریسمانی دختر کودکی که هنوز دندان او نیفتاده باشد هفت لا کند و الم نشرح بخواند و بهر کاف که برسد یک گره بران بزند تا هفت گره بشود و بعد از ان هفت بار سوره مزبور را بران بخواند و بر پیش چشم کسیکه ابله داشته باشد ببندد ابله زایل شود **و گفته اند که اگر پاهای** مجدور را حنا بر بندند ابله در چشم او بیرون نیاید **و ابن تمیمی** در خواص خود ذکر کرده که اب طرحون و رازیانه تر و شربت گاوزبان

دفع دمل

عمل دفع د

در طب الائمه مسطور است این آیات را بر کاغذی بنویسند صاحب دمل بلع نماید دفع شود ان شاء الله الاول بالله مجید عمل گ ل ع ع دن واز مجرب است

اجتماع حاذق است
که در ابتداء برون
دمل تا دعنکور
را بر که بر کنند
دیران صماد غاز
دفع ان میکند
هم چنین صماد طحال
که از اخر القفا
دع کو بند مریم
الاول فشت و
هکذا در اغاز دعم

صبع اطلہ و حصبہ میکند اما اگر ابلہ در چشم افتد این ایہ را بر کندم پا لمہ یا عدس خوانند و در آب اندازد بَمْیِ وَیَمْنتَرِ وَذَارِهِی وَرَادهیبَر فَاِنَّمَا هِیَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ اَوْلٰى لَكَ فَاَوْلٰى ثُمَّ اَوْلٰى لَكَ فَاَوْلٰى اَيَحْسَبُ الْاِنْسَانُ اَنْ يُتْرَكَ سُدًى اَلَمْ يَكُ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُمْنٰى بِقُدْرَةِ اللّٰهِ ثم بو طرف شود **فصل** در تدبیر دیو مدا وا و دفع دمل و قرحہ و جراحت بثور و خراج و جرب و ناسور و مانند ان در حدیث صحیح منقولست از حضرت امام جعفر صادق ع کہ هیچ کس از بنی ادم نیست مگر انکہ او را دو رك در بدن میباشد یکی در سر است کہ خون را بحرکت میاورد یکی در بدن است کہ پیسی وا در حرکت میاورد پس چون رك سر بحرکت میاید حقتعالی زکام را بر او مسلط میکرداند کہ درد هاء سر را میکشد و اگر از رك بدن بحرکت میاید حقتعالی دمل را بهم میرساند پس خدا را شکر کنند و در روایت دیکر فرمود کہ این دملها و بثور اکثرش از خون فاسد بیست کرد و وقت طغیان از بدن بیرون بمیکنند بیرون میاید پس اگر کسی اینها در او حادث میشود چون بر خیزد خواب میرود بکوید اَعُوذُ بِوَجْهِ اللّٰهِ الْعَظِيمِ وَكَلِمَاتِهِ التَّامَّاتِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ كُلِّ شَرٍّ ذِي شَرٍّ تا از اینها رستا بود و دها عافیت یابد و در روایت دیکر فرمود کہ بثور و دملهای ریزه کہ در بدن بیرون میاید در اول

دمل موم را نیم گرم کرده
بر اماس دمل بندد
فرو نشیند والله اعلم

انفجار دمل

و ورم طلاء نشاسته
کبولبره کوبیده است
در سنگ افشا مجرب است
مؤود بنابت مجرب است

انفصال جراحت منفجر

کشوده شدن خراج امام
علی التقی علیه السلام بجهة
متوکل که باین بلا و مبتلا
شده بود مداوا فرمود که
سرگین گوسفند را که
در زیر دست ریزه باشد
گوسفندان سرشته
مشبود کرده باگلاب
خلوط کرده بدان بر
آن گذارند منفجر گردد

انفجار و ورود دمل

بجهت دفع بثور و دمل
و اماس انفجار
میل را کردن نویسند
یا مشبوت نخ حسد الذی
بجوت مت مت بحق
الحمد الذی لا یموت

ایضا بنویسد و در

ان جستاند ابن

العوج ایضا ابن

اسباب را براب بخوانند
و بخورانند نافع
شد و دمل و خراج
و اماس نیز
نشینند چون
ابله عوذ از شده
باشد چنین کنند
فایده دارد آنها
العدوی یحتفل
تفال لا او
کل بحتفل
لا عدوی
آنرش

که اثرش ظاهر شد انگشت شهادت بود ودش بگرداند وهفتم مرتبه
بگوید لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ الحَلِیمُ الکَرِیم ودر مرتبه هفتم انگشت رابقوت بگرد
بعنے ببفشرد **ودر حدیث** دیگر منقولست که براے جرب بعنے
گری ودمل وقوبا این ابات را بخواند وبنویسد باخود دارد بسم
اللّٰه الرحمٰن الرحیم وَمَثَلُ کَلِمَةٍ خَبِیثَةٍ کَشَجَرَةٍ خَبِیثَةٍ اجْتُثَّتْ فَوْقَ الْاَرْض
مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ مِنْهَا خَلَقْنَاکُمْ وَفِیهَا نُعِیدُکُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُکُمْ تَارَةً
اُخْرٰی اللّٰه اکبر انت لاتکبر اللّٰه یبقی وانت لا تبقی اللّٰه علی کل شی
قدیر **ایضاً** این ایه را بر خاک خواند وبرجراحت افکند و بر
جراحت خواند وبعد صحت یابد مِنْهَا خَلَقْنَاکُمْ وَفِیهَا نُعِیدُکُمْ
وَمِنْهَا نُخْرِجُکُمْ تَارَةً اُخْرٰی **ایضاً** این افسون را بر سر انگشت مسحوق
خواند وبر زخم تیر وتیغ وغیره بندد نیکو شود درد سخت نشود
ابهنت لطابرمتے تمشے سرورا **ایضاً** اگر از زخم یاجراحتے خون بسیار
اید ونه ایستد خون کاویران بمالند درحال باز ایستد واگر کے
ترکودل نابالغ باخاکستر مرهم کند وبرجراحت مالد نیکو شود
وخاکستر پر زاغ نیز همین خاصیت رادارد **دفع لکه خشکی** که در
بدن بهم رسد باجوشش که زود اب اید خطی برد کوران بکشد و
دومیان ان بنویسد بومًا بومًا مرثامًا ادعی اصوانا وهی تمر مر السحاب
صُنْعَ اللّٰهِ الَّذِی اَتْقَنَ کُلَّ شَیْءٍ اِنَّهُ خَبِیرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ **ایضاً** بسم اللّٰه
دمستور در صباح بناشتا بنویسد واگر روز چهارشنبه باشد بهتر

نتحمل

امّا و معالجه

مجوب ملتجه کرادن را
اناد فاوعیه نیز کوبند
وان بشود ی تاوقتیکه
از حرارت و چون ها
دث می شود زود
آب نباونش کنند وزرد
خشک و در نیز کرده با
او حکمه و جرئت باشد
و درد انار درون او آب
آب نبلک و بمهود باشد دو
اینها ی منح مانند وزانبر
هلی سخ و معالجه وزان
انث با شد و کافور ابالعاج
صفصف و کافور مانند
بنکو ضماد نمانند و ابرکه
مازوج و فوفل و ابرکه
نیز مفید بود از حلوا و
گوشت نیز احتراز نماید
وهکذا مردار سنگ با برگ

معالجه عرق مدنی

ممحوق بمالند و بروغن
گل بعطر عوده بسعید
آب قلعه سرشته ضماد
نمایند و افسون چند
نجمه تروح و جروح
در فصل خنازیر مند
کور خواهد شد انشا

معالجه بنات اللیل

یعنی بثور غیر منفتح
با حمرت و خارش
قطعه قطعه کرده بعده
انرا آب میکوبند
دکهیر خوانند جز
درد و حکات
عدس با سرکه وعسل
بمالند و بد مسود
سرکه دیوده و حنا
و زعفران بر غایت
مفید است انشاء عیون
یکدرم قاقله با آب مورد
ابرز
است

مجربست طلا نمودن
هلیلهٔ زرد و انجیر با
حرارت باشد مالیدن
اب جو و اب کاسنی و
اب کشنیز و بید مشک و
اب درخت بید و صندل
و بعوش و بنفشه از
مجربا نشد و درنا عد
دفع نماید **معالجه**
ناسور و ان دانه
فاینست که بعدد نخود
بزرکتر و کوچکتر که بر
حوالی مقعد و کوشه چشم
و بیخ و ساید محلها بر
میاید و فادش لیباد
کند و چون شکافته شود
زرداب بالکف بیرون اید
استخوان ادمی را سوزانیده
بیاید و خاکستر انرا با النابد
صبر سحق و طلا بر ان نمایند

عرق مدنی
معالجه

نافع اید و هم چنین
خراطین را با خون دراز
کوبش لبابند و تر با
سود طلا به نمایند اگر
چرکهنه باشد دفع
شود **دو** مخصص
اورده این مرهم را ازرد
بجوید مرداسنک هر
یک ده درم نرم ساییده
با چهار مثقال روغن
کل و دو دو موم
و اب خالص بعد
دیکر ادویه را بر
بجوشانند باتش نرم
چندان بجوشانند
تا مرهم شود ضماد
نمایند از طبیبی
استماع و تجربه
نموده شد بارها و
دفعه ازان هر بار
دیده
یشفاالد

است هر بقه مربقه حتی تحت الطرقه **ایضا** بتجربه رسیده که بر سه قطعه
چوب بید تر این اشکال را بنویسد و بجانی بیاویزد چون چوب خشک
شود اثران برطرف شود **اول** خلقه ملقه خلق خالق بالغ برجواد
الله **دویم** خلقه ملقه خالق بالغ خشک من نصر الامور **سیم**
خلقه ملجه خلق خالق بالغ کشته ارد بوم باسم فلان بن فلان
اما معالجه عرق مدنی که رشته گویند و دهو نیز گویند از اهویه
کثیفه و میاه غلیظ بهم رسد خصوصا در بلاد لار و فارس و اکثر از
مفاصل مانند خیاطه بیرون میاید باید بچوبی و مانند ان هر
روز به پیچید برفق تا تمام بیرون اید و پاره نشود که هر گاه قطع شود
از جای دیگر بروز میکند **دو** در مکارم الاخلاق مذکور است
بجهة عرق مدنی پشم شتر را بدست بکند نه بکارد و مقراض و
تابد و هفت گره بزند بران و بر هر گرهٔ سه مرتبه سورهٔ حمد بر
بخواند پس سه مرتبه دیگر بر شخص ابتدا بخواند بسم الله الابد
المحصی العددِ القریبُ لما یبعدَ الظاهرُ عن الولدِ العالی عن
اَن یولدُ المنجزُ لما وعدَ العزیزُ بلا عددٍ القویّ بلا مددٍ لم یلد
وَلَم یولَد وَلَم یکن لَهُ کفواً احدٌ یا خالقَ الخلیقةِ یا عالمَ السرّ و
الخفیّة یا مَن السمواتِ بعدَدِ مزجاه یا مَن الارضُ بعزته مدحوّة یا من
الجبال بارادته مرساة یا من یحیی بر صاحبُ العرقِ من کلّ افیر
وَبلیّة صلّ علی محمّدٍ وَالِ محمّدٍ خیر خلقک وَاشفِ اللّهمّ فلان بن فلان

بشفائك وداثر بدوائك وعافنى من بلائك انّك قادرٌ على ما تشاء وانت ارحم الراحمين وصلّى الله على محمّد و آله **ایضاً** هنوز بیرون نیامده باشد چون شروع بخار بدن کند بران بنویسد ویسئلونك عن الجبال فقل ینسفها ربّی نسفا فیذرها قاعا صفصفا لاتری فیها عوجا ولا امتا **و در بحر المنافع** آورده که بریسمانی که دختر نابالغ رشته هفت گره بزند و بر هر گرهی هفت بار این آیات را بخواند و بر صاحب عرق مدنی ببندد دفع شود و اگر بر عودلی ببندد که فرزند نارسیده ازاو جدا شود سالم ماند انّ کلّ نفس لمّا علیها حافظ فلینظر الانسان ممّ خلق خلق من ماء دافق فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین **ایضاً** مکرّر این دعا را بخواند و بران دمد دفع شود الهی دردها را دارو از تو شفا بخشی مرا از درد نارو شفا بده از این درد دم الهی بحقّ نور لم یمسسه نار **و ایضاً** بران موقع بقلم خشك بنویسد یا علیقا یا طلیقا انت **ایضاً** برحوالی شکل بنویسد

ایضا برحوالی ان بنویسد

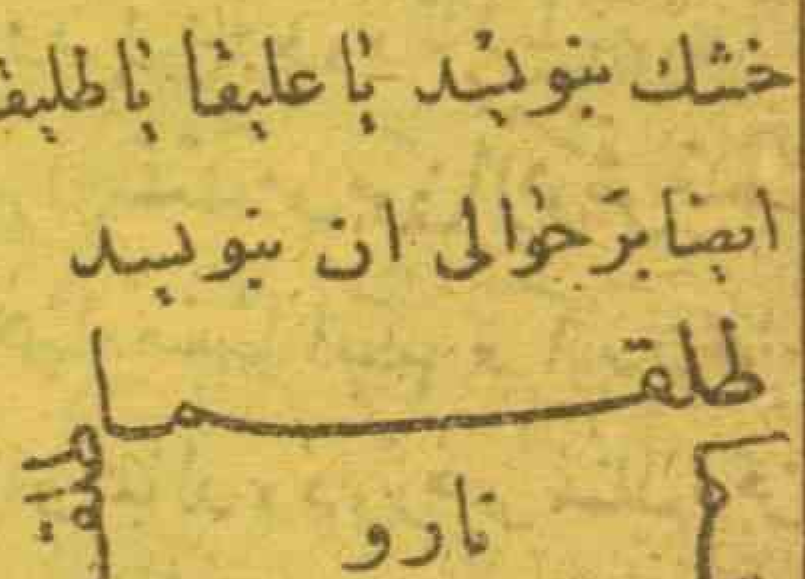

ایضا برحوالی ان این شکل بنویسد

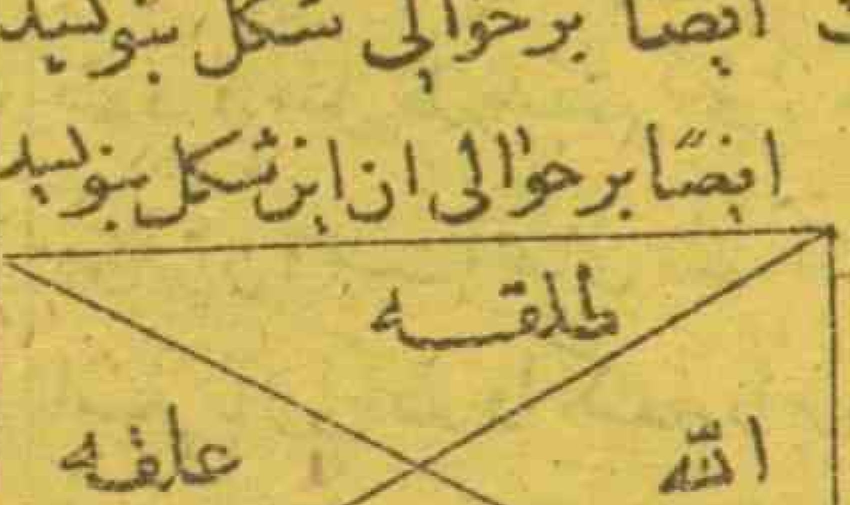

در دفع ثالول و خراز بغیه کچلی و مداوای ان از علی بن نعمان منقولست که بخدمت امام رضا ع عرض کردم که ثالول

بکبار آنک هوه جوم
بکیتقال کو بیارد باثع
البیض بر شیشه ابادرقن
بکمب با اجنبید ضم بهوده
ضماد نمانید نافع ناتبار
رثما معالجه سلعه کران
کوشت زائد البنت
که در زیر پوست ادمی
بهم رسد حرکت مینماید
در کوشت بدن دران
غلاف انرا غلاف باشد
که از عضو خارج باشد
مقدار او از نخودی بیشتر
باشد و در حدیث است
منقولست که شخصی بر
خدمت حضرت امام رضا ع
عرض کرد که کبد و ماند
در بدن من ظاهر شده است

دعاء ثالول

بحضرت فرمود سه روز
روزه بدار و در روز
دوم و روز چهارم در وقت
زوال غسل کن و به صحرا
با بام بلندی بر دو
چهار رکعت نماز بگذارد
و بعد سوره که خواهد
بخوان تا تواضع و
کریم و تضرع و
خضوع قلب با
جون از نماز فارغ

را بخوان و در ده
بحضرع این دعا
بکذار و بزارع
دورع جود را بر خاک
و بعلوی راست
بر خاک بجه
لزان بر جود
کفنه بکنه
جود را بعید
شنه عجا
جون از

دبباری که از بغار سی کند مرگو بند دو بدن من بهم رسیده است
و باین مسبب غمگینم حضرت فرمود که از برای هر ثالولی هفت جو بر گیر
و بر هر جوی هفت بار سوره اذا وقعت را تا هباء منبثا و هفت نوبت
و یسئلونک عن الجبال فقل ینسفها ربی نسفا فیذرها قاعا صفصفا
لا تری فیها عوجا ولا امتا و در بعضی نسخه یومئذ یتبعون الداعی
لا عوج له وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا را بخوان
بس هر جو را یکبار بر ثالول بمال و مجموع را در پارچه نوی ببند و
و در چاهی بینداز و بهتر انست ابغل را در تحت الشعاع بکنی راوی گفت
چنان کردم بعد از یکهفته تمام برطرف شد از حضرت صادق علیه السلام
منقولست که دست بر ثالول بمالد سه نوبت این دعا را بخواند بسم
الله و بالله محمد رسول الله ص واله ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم اللهم امح عنی ما اجد از حضرت امیر المؤمنین ع
مرویست که در کسر ماه هفت روز پی در پی بر ثالول بخواند زایل
شود و مثل کلمة خبیثة کشجرة خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها
من قرار ونسفت الجبال نسفا فکانت هباء منبثا ایضا بر گندم بخواند
استر یا ولی الله وانگندم را بر دو ران بمالد و در زمین نمناک دفن
کند ایضا سوره توحید را بعد دان بر گندم خواند و بران مالد
و بر زمین نمناک دفن کند بزودی دفع شود ایضا وصله نمد را بر
دارد و بران مالد و سه نوبت این لو انزلنا هذا القران الی اخر سوره

والمجد
نح من ضر
نح العبا
الراحمین صل علی محمد
یا قدیر یا مجید و آل محمد
یا مجید یا رحیم یا رحم
یا منت یا کریم یا جبار
دی قا صفت یا واحد یا احد
ان منحنی خیفی دعا
یا حی که ادنی مسجد کو برو
مطلمی توبی که میتخند
تابعین و صاحب جبین
کند که خاطر
اخر فرمود که در دفع

و النفع انا فتحنا
و الاخرة و
امعن علی بتمام النعمة
و اذهب ما بی فتا
و ان و عنی امنا
معا بعجبه خزانه که بغار
سی یجلی نامند بغایت
از مود اینست مرد
تراشند و بر روغن بجید

دفع خنازیر

چرب کند و کشک
سوخته و نیم سوخته
سوخته را با السوخته
و جو سوخته انضا بجهت خراز
بپاشند ایضا بلحنا و
زرد چوبه برابر زوج
هلیله زرد و امله
و نیم دار سنک وابله
مغز و بر که هر اید
خبزی و روغن کل سرخ
دمار جزو ضماد نماید
دفع شود مجرب
است فی موالکبا
مجرب دانشمند
مجرب است یکم که ان
زینتا و منحصر نیکقید
زیب تا اخر تماید
نصل از ان
عصاره
العالمین را که ان
را

حشرا بران بخواند و در تنور اتش سوزان اندازد دفع شود **ایضا** این اشکال را بر کاغذی نویسد و بر ثالول و در زمین نمناک دفن کند چون کاغذ مضمحل شود ثالول نیز تحلیل رفته زایل کردد اشکال این است سحالی ولدکسوا سحدوم الطبّاء در خواص نخود کفته اند که چون در اول ماه بعدد ثالول هر یک از ان یکعدد نخود را مالیده مجموع را در لته ببندد از میان هر دو پا از بالای شانه انلته را بجانب عقب اندازد و در اخر ماه جمیع ثالول بر طرف شود **و در بحر المنافع** اورده بعدد ثالول در شب یکشنبه دانه ماش شماره کند و در لته بندد و در بامداد و شبانگاه هر ماشی را هفت بار بر ثالول مالد و با هیچ کس سلام و سخن نکوید و در مبرز یا اب چاه اندازد چون ماش پوسیده شود ثالول زایل شود **ایضا** انکشت وسطای خود دست راست را بر کف دست چپ مالد سه بار این افسون را بخواند و بر ثالول مالد دفع شود عَنْ زُخٍ زخامِنْ تنبدُ تلبدُ زخٍ و زخا فما له من قوة ولا ناصر **ایضا** سه بار بعد از نماز صبح بخواند بر طرف شود بعد از بسمله ازُخٍ زخ مزخَ شدد زخذ فما له من قوة ولا ناصر و در بعضی نسخ الطبّاء بنظر رسیده که اکر وزغ را درمیان اب در وقتی که بیرون میاید بکیرد بعد بخراشد و در زیر سنکی نهد ثالول بر طرف شود **ایضا** بجهة دفع ثالول و قوبا را با جعل سائیده بمالند در همان روز زایل کردد انۂ تعم

راهیشه بکار کوبند و رانموضع طلا و نمایند و بخو بکیر خون ۱۱ ب مخلوط کرده والفصد و جهه باد بسنج وکلاو را حادثه مجربست و جمیع ۱۱ ب از ثالول که پنجم ۱۱ ب کشنیز بسیار و قیق سر شیشه و اعفدار د بعد هم زنند که جمیع ر لبسر یکی زایل کردد و مکرر طلا و نمایند و و در خزانه اورده از حضرت امام جعفر صادق علیه السلم روایت کرده که سوره غاشیه را بید بلیس مرتبه بخواند بچهر باد هاشیکرد و اندام باشد زایل کردد و خاصیت باد مرنج بخواند زایل شود ازین

ایضا بتجربه یافته اند که چون سربه زیا این کاشنج بیابند تا غلیظ شود و روغن کل بار روغن بادام با لیمو به سرطان ا منفتح وجرب حاد دحکه حاد واورام حاد ضماد نمایند نافع باشد و اکر با ایکنیز باب بارهنک بیابند ۲۰ د مسنود نافع اند **ایضا** بجهت باد سینه و در جوز عا بد دح بشود مجربست بعد از بسمله لبسم الله دفن قل هو الله درخ و بر کوه مشیره از داخم جوهر شتبریع بو وا بد در حوتمل تسوع

فصل

شوی عن لا اله الا الله
محمد رسول الله علیه
ولا الله صلی الله علیه
دفع
واله در بحر الناخ
اوفلیج
اورده ابن الاباد را بم
زعفران بنویسد و بسم
دور بد مد تا بخورد
صحن با بد من بسم الله
الرحمن الرحیم

یطع الله فقد اطاع
الرسول فمن تولی فما
ارسلناک علیهم حفیظا
ویقولون طاعة فاذا
برزوا من عندک بیت
طائفة منهم غیر الذی تقو
ل والله یکتب ما یبیتون
فاعرض عنهم وتوکل
علی الله وکفی بالله وکیلا
ایضا بر سه دانه بادام و

فصل چهارم در دفع خنازیر و سرطان و حمره و آتشك و

افلیج و لقوه و کلف و حدره و داء الثعلب و غزان و در حدیث معتبر از حضرت امام رضا ع منقول است که دختری در خانه ما درد در گردنش خنازیر احمر بهم رسیده بود شخصی در خواب بمن گفت بگو این دعا را تکرار کند یا رؤف یا رحیم یا رب یا رب یا رب یا سیدی پس چنان کرد عافیت یافت **ایضا** در زوال یا در یك چهل و یك گره بزند و بر هر گره این دعا بخواند و بر گلو ببندد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم اعوذ بعزة الله وقدرة الله وعظمة الله وبرهان الله وسلطان الله وکنف الله وجوار الله وامان الله وحرز الله وبطش الله وبهاء الله وجلال الله وکمال الله وبلا اله الا الله محمد رسول الله من شر ما اجد برحمتك یا ارحم الراحمین **ایضا** در کتاب تسهیل است که اگر کسی را خنازیر باشد اگرچه بسر حد زخم رسیده باشد بیاورد بعدد گره ها و زخم ها تخم مرغ و بر هر یك این طلسم را بنویسد و در حین نوشتن این آیه را بخواند حرمت علیکم المیتة والدم ولحم الخنزیر وما اهل لغیر الله به فمن اضطر غیر باغ ولا عاد و آن تخم ها را در گورستان کهنه دفن نماید بطریقی که در بالای هم نباشد چون این تخم را بنا در خشکیدن نماید آن خنازیر که مجرب است طلسم این است

۸۱۱۱ط ۸۸۸۸۸ ۶۲۳ ۸۱ ۸۱۱۱۱ لواد

و بر سر دانه بیدل
کارد و بر بهر دانه بنویسد
بخواند رو تا غدو سنن
و انعم له ما فی السموات
وما فی الارض و در
هن اندازد و بیرون
بیاورد و در روایت
است که صباح بن محمد
بحضرت امام موسی ع
عرض کرد که شخصی را
لقوه دارد و بهم رسیده
و [illegible] و چشمش [illegible]
بر گرد [illegible] ده مثقال از [illegible]
یک پیچ نقل بکوبد و در
شیشه بکند و
سر شیشه را محکم ببندد
و در آفتاب بگذارد
و بعد [illegible]

فهـ۱۸۸۱۱ع۲و ط ۱۱۱ع ۱۱ ع ک ا یع

حمطام ۹ ۱۱۱ ه ۱۱ ل ۱۱ ا د ا

ک ع ع م ۱۱۱۱۱۱۱ محجد

ه ۱۱۱ ۹ ه ۱۱۱ ع ۱۱۱ ط لیا

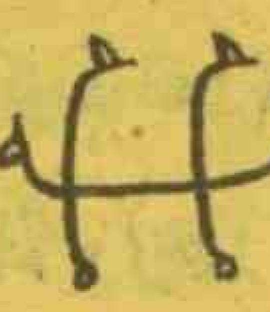

و بخوهد الرحمن الرحیم [illegible]
الملک العظیم [illegible]
یا [illegible] یا [illegible]
[illegible]

ایضا این شکل را بنویسد و بر موضع خنازیر ببندد و دفع شود انشاءالله تعالی لخو الوح افسون هندی بجهت جمله بادها و دردها و زهرها و قروح و جروحی که در هفت اندام بهم رسد مانند خنازیر و سرطان و نقرس و هر علتی که بهیچ دوا چاره پذیر نباشد بنویسد و بهر جا که علت بود بر بندد و بر پارچه کاغذی بنویسد بنویسند سه روز متوالی مجوزد و صحت یابد و با بر روغن بادام تلخ سی و یکبار بخواند و بر بدن مالد نفع یابد **و بجهت دفع دیو و پری** و سحر دها دو و بدستور بران روغن خواند و بر اعضا مالد یا جمل و پنج بار بر آب خواند و ازان غسل کند و بیا شامد دفع شود **و بجهت دفع درد شکم** پانزده بار بخواند و مجوراند صحت یابد و ان این است بسم الله الرحمن الرحیم او ام امرها ام هکلا کیجما ارحما رحما اوام مت بهت سواها بحق محمد سراها **افسون دیگر بجهت باد سرخ** و انست سه روز بعد از طلوع افتاب و غروب ان بران خواند و کارد آهنی که دسته آن نیز اهن باشد بدست بگیرد و بدان حمله اورد با چند خاشاک

تابستان و دو روز در
زمستان یک بار از تنقیه
بیرون اورده و مرهم
کوبد و یاب بادان مخلوط
سازد و بر پشت بخوابد
بر بدن بمالد تا خشک
شود و چون چنین کند
رنج مرض از او بر طرف
شود و اصلا

دفع ورم و صوم

در طب الائمه از ان
حضرت روایت کرده
که بجهت فالج و لقوه و
کوفتگیها و غیره استعمال بابونه
عقود و انزا [illegible] سنبل
و زعفران و قاقله و عاقر
قرحا و اقاقیا خرنوب سفید
و بذر البنج و فلفل سفید
مساوی هم قرنفون دو
جیلان هر یک از اجزا

دفع فالج

درهم بکوبد و
از حریر بریان کنند و
با عسلی که کف ان را
گرفته باشند خمیر کنند
و حبها سازند و در
وقت احتیاج بکار برند
حضرت فرمود بجهت
امتلا با [illegible]
[illegible] حکما شد نافع است
و حضرت فرمود بجهت ازار
[illegible] یبرد زبل حب [illegible]
بار بر سرد و اندکی
نرم کرده بخورد منفعت
حب کرده و از حرارت
اقام علی النفع [illegible]
کرد بلغم را از ابدان
جلت بکیهی بخوراند
که اورا ماده و عقرب
گزیده باشند و پیچ
حلال در باشد

ببسته بند و برصاحب ان فرود اورد و بعوض کارد سر دو زخم کند دفع کردد وان اینست ابر سرخ براید بارِان سرخ ببارد کیاه سرخ بر اید ابر سرخ بجرد پس نه بار بکوید. هل هو هو هل هو هو پس بکوید وننزل لمن القران ما هو شفاءٌ و رحمة للمؤمنین و بالحقّ انزلناه و بالحقّ نزل پس پنج بار بکوید هل هو هو هل هو پس بکوید ایها الحمراء تحوّل الی من یزعم انّ مع الله الها اخر فانّه یشهد ان لا اله الّا الله الحی القیّوم برحمتک یا ارحم الرّاحمین **اما معالجه باد سرخ** دعبره و دردان واورام حارّه هر یا مداد بر لعاب دهن بخواند و بدید وانرا بر درد طلا کند دفع کردد بسم الله الرّحمن الرّحیم الحار فوا والمیا دعوا قم یا فتا بحرمة لعاب دهان مصطفی **اما معالجه فلج** وان علتی است که دست و پا و اعضا را سست و بحس میکرداند بر جنبتی که صاحبان تصوّر میکند که ان عضو از او افتاده است این ایاترا بنویسد با خود دارد وبران نیز بخواند نافع است بسم الله الرّحمن الرّحیم یمحو الله ما یشاء و یثبت وعنده امّ الکتاب الحمد لله فاطر السّموات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی و ثلاث و رباع باسم فلان بن فلان ایضا از امام محمّد باقر علیه السّلام مرویست که بر جهت فالج و قولنج و بادها از هر علتی که بوده باشد ابتدا میکند است سورهٔ حمد و معوّذتین و توحید را بر جامی بمشک و زعفران بنویسد ابتدا از دادرد بلا ان بنویسد اعوذ بوجه الله العظیم وبعزته التی لا ترام

زعفران در حوالی آن پیدا میشود و بچکان انرا
طلا نماید غایت نابد
و اگر بجهت انرا با آب بسایند
با آب زیره بجهت مجرب بدیم
جهت اسهال نافع است در
از حضرت امام رضا علیه
السلام روایت شده که
بجهت اسهال بکجب انرا با
آب مورد بجهت بخورد بود
از برای درد پهلو

دفع کلف

باید خشش را که با آب
زیره بجهت باشند در درد پهلو
جغرزند و بجهت کرفس که
حب باب بشند بخورد
بجهت باشند بجهت حادث
و این دو ادویه بنا بر اختصار
شقر مد بوده و بنا بر
و اختصار ذکر شد بر فصل

جهت اکله

بجهت اکله بجهت دفع
اکله و بخفیف
شدن دفع مجرب است
بوی سوختن
دو جزو و پوست
بار سوختن بجهت
تخم ریحان بود ارد
نصف جزو کافور
[illegible]
[illegible]
ابن بدرد

گردد دیده ضلع و عضو
ورمی است یا دعا است
یابد و فی موم بجهت اثر
بجهت باشند بخورد و
عمران را با آب و زیره که
معده و خفقان قلب بد
کرد و ثابت که بجهت سرد
از حضرت امام محمد تقی
دو ساعت شفا یابد

وبعد رته التی لا یمنع منه شیٔ من شرّ هذا الوجع ومن شرّه فیه ومن شرّ ما احذر منه واگر خواهد بر لوحی یا شانه گوسفندی بنویسد سبز خوبست وباب باران بشوید وبیاشامد و وقت خواب بیاشامد نافع است ومبارک بود **امّا برای بالغوه** در نسخهٔ بنظر رسیده که اگر کسی را روی ودهان کج شده باشد این آیات را بشوید و روی را بدان بشوید شفا یابد انشاء الله تعالی فسخّرنا له الرّیح تجری بامره رخاء حیث اصاب والشّیاطین کلّ بنّاء وغوّاص وآخرین مقرّنین فی الاصفاد هذا عطاؤنا فامنن او امسک بغیر حساب الم نجعل له عینین ولسانا وشفتین وهدیناه النّجدین ودر روایت دیگر سوره اذا زلزله را بنویسد وبران نظر کند ودر نسخه دیگر بنظر رسیده که این سوره را در آئینه فولاد بنویسد وبشوید وصاحب لغوه بیاشامد شفا یابد ودر کتاب تسهیل مرویست که شخصی بحضرت صادق علیه السّلام عرض کرد که بادی سرتا پای مرا گرفته فرمود که عنبر وروغن زنبق را بیاشامد بدماغ بچکان ودر روایت دیگر شخصی را لغوه عارض شده بود بآنحضرت عرض کرد فرمود برو بروضه رسول الله صلعم چنین کرد عافیت یافت **امّا معالجه خدر** شدن اعضا در خبر آمده که چون نام کسی را کرد دوست عزیز داود بر زبان راند خدره برطرف میگردد **ودر معالجهٔ کلف** وغش وداء الثّعلب در بحر المنافع آورده که خون خرگوش تازه وگرم بر کلف مالد وزایل می

بجهت اکله وقروح منتن [illegible]
وبعایب الانف ونواصیر
مجرّبست دمیم باسوخته
صبر زرد بالسّویه زرد
نمایند وهمچنین برگ
عناب خشک را زردود
نمایند بجهت اکله
[illegible] وضماد برگ
زردود نیز همین خاصیت
دارد واشنا [illegible]
دردیم [illegible] که بول
[illegible] درناک
روغنها منجمد [illegible]
دوو با سکنجبین تا [illegible]
روز باعث شفا [illegible]
مستحکم [illegible] اند اکو
[illegible] وبخش الطراف
رسیده باشد امّا معالجه
جرب وحکه وقوبا و[illegible]
گفته اند که [illegible]

برص و بهق و دفع

[illegible] در [illegible]
وقوبا [illegible] در دهان
دوو زایل کند طلا
کنند را با بوره وگوگرد
بجهت جرب وحکه وبا
سرکه بجهت بهق وبرص
العاب ها بجهت [illegible]
شدن موره
داشته اند طلا [illegible]
مجرّب [illegible]
[illegible] بجهت
[illegible] حرارت
[illegible] حرارت
باشند [illegible]
وهمچنین [illegible]
[illegible] حکه را
بجهت دفع [illegible]
حرارت باشند [illegible]
است وهمچنین [illegible]
[illegible] العالم
باجز بجهت [illegible] بود
از [illegible]

کردد

کردد ایضا بجهة ورم روی و کلف بنویسد و بشوید و بر روی کلف
مالد زایل کردد اما باید بنحوی باشد که آب بر زمین نریزد بعد از آن
بسمله قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا
ایضا بدستور مذکور این دعا را سر روز بعمل آورد کلف و نمش زایل
کردد یا سمیع انت صاحب کل غریب لا اله الا انت سبحانک انی کنت من
الظالمین فاستجبنا له ونجیناه من الغم وکذلک ننجی المؤمنین استجب
دعوتی واقض حاجتی وفرج همی وغمی برحمتک یا ارحم الراحمین اما
معالجه داء الثعلب در بحر المنافع اورده که بجهة رستن موی سبیل
بروغنی بخوانند و بمالند بران ویرسل الصواعق فیصیب بها من یشاء و
یجادلون فی الله وهو شدید المحال ایضا بجهة کلف ازموده اند که انزروت
را در زهره گاو حل نموده بمالند و بدستور جهة ازاله کلف و نمش
و امثال بتجربه رسیده است که بیخ سوسن را و سرگین گنجشک را
و قسط تلخ با آب و سرکه طلا کنند و روز دیگر با آب سبوس گندم بشوید
بجهة داء الثعلب کندش شیطرج هریک جزوی و در زیج سرخ
دو جزو با روغن زیتون طلا کنند که بسیار مفید است و کلف در رو
بهم میرسد و رنگ او میانه سرخی و سیاهی است و شبیه بنجد است
فصل بیستم در دفع بهق منقول و برص و جذام و اکله و جرب و
قوبا و حکه و نقرس در حدیث معتبر است که یونس بن عمار شکایت
کرد بحضرت صادق ع از آن بیسی که در روی او بهم رسیده بود فرمود که چون

اند وطلای سفال نود
باشد که جهة حکه و جوشش
بخار و مقعد و جرب
و نقرس نافع است و دم
جنین ضماد اب حی العالم
بالا و جهة جمیع قروح جنبه
و درد مفاصل حاره و
زخمهای خبیثه و سوختن
کی از آتش دیگر را و ورام
عاده و جرب و نقرس مجرب
یافته اند ضماد بد بینم
با روغن گل جهة نقرس
بعید بل دانسته اند و د
ر بحر المنافع اورده کتاب
مخ را به بهق مالند دفع
شود از حضرت امیر المؤ
منین ع مرویست که مو
زیر بغل را کندن کند
بغل را بد طرف میکند
و بالا کندن است بیسنت و
رسول خداست —

اما معالجه اورام
از فصل ششم از امام
جعفر صادق ع منقول
است هر ورمی که در
بدن بهم رسد و ترس
کرد بجای به برسد در آن
وقتیکه وضوء میسازی
برای نماز واجب بیش
از نماز بران ورم و دم
اخر سوره حشر
لو انزلنا هذا القرآن
تا اخر بخوان و بران
ورم جون جنین دمد
به نوبت ورم
تا کن شود از
خواص الایات
اورده که دود
متوالی هر درد

هفت

ثلث اخر شب شود برخیز و وضو بساز و دو رکعت اول از نماز شب
در سجده اخر این دعا را بخوان یا علیّ یا عظیم یا رحمن یا رحیم یا سامع الدّ
عوات یا معطی الخیرات صلّ علی محمّد و آل محمّد و اعطنی من خیر الدّنیا و الآ(خرة)
ما انت اهله و اصرف عنّی من شرّ الدّنیا و الآخرة و اذهب عنّی الوجع و نام
ان ازار را ببرد فانّه قد غاظنی و احزننی و مبالغه کن در دعا و تضرّع را
وی گفت هنوز بکوفه نرسیده بودم که بیماری از من زایل شد و در روایت
دیگر منقولست که اسحق بن عمّار و غیره از همین علّت بهمان حضرت شکایت
کردند فرمودند که وضو بسازید و دو رکعت نماز بکنید و حمد و ثنای
الهی را بجا آورید و صلوات بر محمّد و آل محمّد بفرستید و بگوئید یا الله سه
مرتبه یا رحمن سه مرتبه یا رحیم سه مرتبه یا واحد سه مرتبه یا احد سه بار یا
صمد سه بار یا ارحم الرّاحمین سه بار یا اقدر القادرین سه بار یا ربّ
العالمین سه بار یا سامع الدّعوات سه بار یا منزل البرکات سه بار یا معطی
الخیرات سه بار صلّ محمّد و آل محمّد و اعطنی خیر الدّنیا و الآخرة و اصرف
عنّی شرّ الدّنیا و الآخرة و اذهب عنّی ما اجد فقد غاظنی الامر و احزننی
راویان گفتند والله که از مجلس بیرون نیامده بودیم که مانند سبوس
از ما فرو ریخت و از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست که خوردن
شوربا با گوشت گاو برص و جذام را زایل میکند و حضرت صادق ع
فرمود که سورهٔ انعام را با عسل بر ظرفی بنویس و آب بشوی و بخور
تا برص برطرف شود نوع دیگر فرمود هیچ چیز نافع تر از این نیست از

هفت بار این آیات را
که آخر سورهٔ حشر است
بخواند بعد از دوز
مشک بر جام آبگینه با
زعفران بنویسد و آب
آن را محو کند و صا
حب درد و ورم بیاشامد
زایل شود

ایضا

این حروف را بنویسد
بر صاحب درد و ورم بندد
فرو نشیند و ورم [illegible]
ی طرح و در حدیث
دیگر از امام محمّد باقر ع
منقولست که برای هر درد
ی آیات آخر سوره
حشر را سه مرتبه [illegible]
بر آن موضع ببندد [illegible]
[illegible] کرده و در فضل
دفع [illegible] مذکور د
شد و در فصل هشتم
نیز مذکور خواهد
شد انشاء الله تعالی

معالجه مرض ابرص

در حدیث حسن مروی
است که شخصی بحضرت
صادق ع شکایت کرد
از مرض حضرت فرمود
[illegible] دو ربع را با آن
قدر نبات سفوف
کن بگیر و زیاد دو روز
بخوردن آن شخص گفت
[illegible] بهتر شد **ایضا**
شخصی بخدمت امام
رضا ع عرض کرد از
مرض کهنه و نادره
هر درد و شکایت کرد
فرمود بگیر از فلفل
سعیند و خربق و
سعیند و سنبل
و [illegible]

برص از تربت مقدس قبر امام حسین ع با اب باران خوردن و بران موضع مالیدن شخصی از برص و بهق بدو شکایت کرد فرمود بحمام برو و حنا را با نوره مخلوط کن و بران موضع بمال کرد بکر اثر انرا نخواهی دید اطبا بتجربه یافته اند که موضع پیسی را سوزنی بخلانند اگر خون براید علاج پذیر باشد و اگر خون بر نیامد مداوا اثر نکند **و در بحر المنافع** اورده که خاکستر چوب سپندان را با اب تر کند وابند غارا بیست و یکبار براو خواند و بدمد تا هفت روز بران طلا کند دفع شود بعد از بسمله و توکل علی الحی الذی لا یموت **اما معالجه بهق** مجرب شده که بنویس بر محل بهق این ایات را وان من شیء الا عندنا خزائنه وما ننزله الا بقدر معلوم هل یسمعونکم اذ تدعون او ینفعونکم او یضرون و در بحر المنافع اورده که بجهة بهق و برص این ایات بخوانند و تعویذ کنند وسخر لکم ما فی السموات وما فی الارض جمیعا منه ان فی ذلک لایات لقوم یتفکرون **اما معالجه جذام و اکله** این ایات را بخواند و بنویسد و با خود دارد بعد از بسمله یمحوا الله ما یشاء و یثبت و عنده ام الکتاب الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائکة رسلا اولی اجنحة مثنی و ثلاث و رباع باسم فلان بن فلانه نام خودش و مادرش را بنویسد از حضرت امام محمد باقر ع و امام موسی کاظم ع مرویست که شلغم رگ خوره را می گدازد حوام بجنبد و از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که شارب گرفتن در هر جمعه امانست از خوره و در بحر المنافع اورده که بجهة خوره این ایات را تعویذ

وفاطمه هر یک جزوی و
ازسرفیعون د و جزو به
کعبد واز حریر بیدونکند
و بعسل کف کرفته سرشته
کنت واز جای سرفه کهنه اید
حر ازان تا بالین ادیان
نیم یکم د دوفیخواب
بخورد **و در بحر المنا**
فع اورده که بجهة سرم
این ایات را تعوید کند و
بخوانند بسم الله الرحمن
الرحیم ملعونین اینما ثقفوا
اخذوا و قتلوا تقتیلا و
یوم تشقق السماء بالغمام
ونزل الملائکة تنزیلا —
لقد انزلنا ایات مبینات
والله یهدی من یشاء
الی صراط مستقیم مرض
مسیبا کودکان بوبار
جه علیان کند و بنویسد

دفع مرض

وبدکردن اطفال
اویزان کند ی اا
ال ل ه ی ه ی ا
اف اط ه ه ی ا
ص اح د ال ذ م
ان ا د ل ن ی و
ل اف ه ل ل ل ی
ایضاً ساییده پنج
نے را باعسل جند مرض
نافع دانسته اند
و در کتاب خزانه
خزانة الاسرار مدکو
راست که از حضرت
امام جعفر صادق
مروی است
هر که سوره
[illegible] را بخواند
[illegible] کند

نماید من یات ربّہ مجرما فانّ له جهنّم لا یموت فیها ولا یحیی ومَن یاته
مؤمنًا قد عمل الصّالحات فاولئك لهم الدّرجات العُلی کلّ نفس ذائقة
الموت ونبلوکم بالشرّ والخیر فتنة والینا ترجعون ایضًا هرگاه وکرمی
وخارش در بدن کسی باشد این شکل را در سلخ هر ماهی که بوده باشد
بنام او نوشته شود در زیر خاك دفن کنند تا هفته دیگر خلاص شود
باذن الله ا۵ ع ی ۵۵۵ سعلعل جمال هفهما علی ا۵ ج وما قلی یمهون
عمل الحاجات ودر بحر المنافع اورده که این ویشف صدور قوم مؤمنین
را با این قد جائتکم موعظة من ربّکم وشفا لما فی الصّدور وهدی ورحمة
للمؤمنین با آیه ونزّل من القران ما هو شفاء للمؤمنین را تا اخر بنویسد
وبشوید واز ان وضو بسازد ونماز کند وکرم اینها را ان اب بشوید و
در ان روز هیچ کرمی نباشد صحت یابد فصل ششم در دفع کند دهان
ودرد بغل وسایر اعضاء وعروق ودفع ودم مرویست که شخصی بحضرت
امام موسی ع از کند دهان شکایت کرد حضرت فرمود در سجود بگو
یا الله یا الله یا رحمن یا ربّ الارباب یا اله الالهة یا مالك الملك
وملك الملوك اشفنی بشفائك من هذه الدّاء واصرف عنّی فانّی عبدك
وابن عبدك انقلّب فی قبضتك راوی گفت که یك مرتبه این دعا را در
سجود خواندم شفا یافتم واز امام رضا ع منقولست که بجو ریدن بجر را
که برای دفع قولنج نافع است وفرمود که کند دهان را برطرف میکند و
استخوان را محکم میکند وموی در بدن میرویاند ودرد دهان را میبرد

کند اذان بنا شامد شفا
یابد وایضا از خواص
رغایب است که چون
جراب خورند صاحب
سرغم بنا شامد شفا
یابد ایضا افحسبتم انما
خلقناکم عبثا وانکم
الینا لا ترجعون فتعا
لی الله الملك الحق لا
اله الا هو رب العرش
الکریم انما معالجه
فی وادوق در کتاب
خواص القرآن مذکور است
که رکیکی رفع بسیار را
با قولنج باشد اینا بر
نویسد وبشوید وبخورد
شفا یابد ولو نشا لمسخناهم
علی مکانتهم فما استطاعوا
مضیا ولا یرجعون ومن
نعمره ننکسه فی الخلق افلا
یعقلون ودر
بحر المنافع اورده که
هر که سوره والطارق
بر چیزی خورد دفع بخواند و
بخورد واز دفع اعمی کرده
ایضا بجهة دفع مجرب
واز موده است
وا باید بخواند ابو نام
وله ما سکن فی اللیل
والنهار وهو السمیع
العلیم قل اغیر الله اتخذ
ولیا فاطر السموات و
الارض وهو یطعم
ولا یطعم بجهة دفع
ارده بخواند وبخورد
دفع ارد فخ واهتما
وامثال ان کرده
بسم الله الرحمن الر
حیم وان الق عصاك
فاذا هی تلقف
جان ودعده بر

علی النقی منقولست که خوردن خرمای برنی کند دهان را بو طرف میکند ایضا سنون و مضمضه کردن جلنار را با سرکه بجهت بد بوی دهان و استحکام لثه و اسنان و قلاع مؤثر دانسته اند بجهت بد بوئی زیر بغل الحبا گفته اند اول آن موضع را با تیغ خدشها نمود و این دوا را اطلیه نا قدری خون دفع شود بعد از یکشبانه روز موضع را بشویند و تصریح نموده اند که دیگر عود نمیکند و مجرب است و آن حنظل محرق زراوند طویل محرق فرعونی محرق و زعفران هر یک جزوی با آب موی تازه سرشته قرص سازند و بجهت بد بوئی عرق مؤثر است مرداسنج توتیای مغسول خاکستر برگ سوسن مر صاف صبر زرد گل سرخ بالسویه با گلاب و امثال آن طلا کنند ایضا بجهت بد بوئی انگشتان پا بستن برگ سوسن از مجربات اما بد بوئی بغل و کنج ران صندل سلیخه سنبل اشهب مر صاف مشك گل سرخ هر یک سه جزو کافور نیم جزو با گلاب حب سازند و استعمال نمایند

فصل هفتم در زکام و ضیق نفس و قی و سرفه و قی از امام جعفر صادق ع منقولست که در معالجه زکام بینی بروغن بنفشه آلوده کند و در وقت خواب بر مقعد گذارند دفع شود و در چند روایت وارد شده که زکام را معالجه مکنید و در روایت دیگر فرمود که یکدانه سیاه دانه و نیم دانه نمك رس را نرم بکوبند و در دماغ بدمند زکام را برطرف میکند ایضا بجهت زکام سیاه دانه را بو روی مسك تا فته و بیخته و آنرا استنشاق نمودن مجرب و نافع دانسته اند ایضا سیاه دانه را نیم گرم کرده و چند قطره

ولو یعقوب یا موسی لا تخف
انی لا یخاف لدیّ المرسلون
ایضا این افسون را که
تعویذ است از فصل هشتم
بجهت باد ها که در بدن
بهم رسد بران خواند اللهم
انی اسئلك باسمك الطا
هر المطهر القدوس المبا
رك الذی من سئلك به
اعطیته و من دعاك به
اجبته ان تصلی علی محمد
و آل محمد و ان تعافینی مما
اجده من رایح و من سمعی
و من بصری و من بطنی و
من ظهری و من یدی و
من رجلی و من جسدی و من
جمیع اعضائی و جوارحی
انك لطیف لما تشاء و
انت علی کل شیء قدیر
جهت دفع نزله از

ضیق النفس

این شکل را بنویسید بر
ورق و بقبله متوجه کرده
جیم جیم زند که ذالك طاء و
فنا و اراد در جیم عین المنزل
اراد در جیم نه مقطع انما
کید دانه را افکندت
در معالجه مکارم الاخلاق
در کتاب مکارم الاخلاق
اورده که هرگاه در
عضوی از جای خود
افکنده شود احد
این ایه را بخوانند
و یکی از انگشتان خود
را حرکت کند که از اراد
باسم صاحب
درد نافع باشد
او لم یر الذین
کفروا ان السموات
و الارض کانتا
رتقا ففتقناهما و
جعلنا

بران پاشیده نیم گرم بر سر بستن و مدون گویند بر ستو را استعمال نمودن بغایت نافع است و بجهت زکام که بسته شده باشد خواه گشاده شود - زعفران و قند را بر آتش بر برد و سر را بخار آن دارد گشاده شود اما بجهت ضیق نفس در روایت آمده که مفضل بخدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که تنگی نفس دارم که اندک راهی میروم نفسم تنگ میگردد و می نشینم فرمود بول شتر را تا ساکن شود و بتجربه اطبا رسیده بجهت عسر النفس که هدهد بیضه پر پا را در سفال نو نوبسند و سوزانند و با عسل مخلوط کنند روزی یک قبه یا دو قبه بنوشند و قیه هفت مثقال و نیم است ایضا غرغره و نفوخ و ضماد سرگین خشک سگ را جهت خناق مجرب دانسته اند خصوصا چون تعلیف با ستخوان ایضا غرغره با لی که عدس در آن جوشانیده و جو شانیده باشند و در بحر النافع بجهت ضیق نفس در بود هفت هفت این آیه را بخواند بعد از بسمله تبارک الذی ان شاء جعل لک خیرا من ذلک جنات تجری من تحتها الانهار و یجعل لک قصورا ایضا بخواند و بوی خود اند و ان فاتکم شیء من ازواجکم الی الکفار فعاقبتم فاتوا الذین ذهبت ازواجهم مثل ما انفقوا واتقوا الله الذی انتم به مؤمنون متکئین ولکل وجهة هو مولیها فاستبقوا الخیرات و در طب الائمه از امام محمد باقر ع روایت شده که از پدرانش نقل شده نقل فرمود که حضرت امیر المؤمنین ع فرموده که هر که درد گلو داشته باشد پس باید که تعوید کند باین کلمات و این تعوید را از برای هر چیز نام کرده بود و آن اینست

جعلنا من الماء کل شیء حی
افلا یؤمنون ایضا بم
جهته برچیدن ولدیع
باشد که در شب منع
روشن کند و دو مشارد
نظر کند و سه بار این کلمات
را بگوید هر بار صاحب
مرض بگوید عجب و
چون عجب شد از درد
خلاص شود و اگر درد
طرف طلوع و غروب یا
کار دع بردارد و جهی
بار بخواند
کلمات را سه بار اشاره
و بموضع درد اشاره
کند و هر بار سر کارد
بر زمین فرو برد چون
درد بگوید تا حرکت
کند خلاص شود کلمات
اینست اعوذ بالله من
الشیطان الرجیم و مارمیت
اذ رمیت ولکن الله
رمی ولیبلی المؤمنین
منه بلاء حسنا ربنا
اکشف عنا العذاب انا
مؤمنون اهیا شراهیا
ادونای اصباوت آل
شدای نذیب اید در
معالجه درد حریم و
کوفتن شدن اعضا و بر
بجهت رسیدن گوشت بر مو
را با شاخ و برد
ضع درد منزد شاکن
گرد درد و در بحر النافع
اودرده کرا کریته را
زخم و ضرب سال باحسنا
با چوب رسیده باشد و
افکار شود و سینه
درد جرم بار و صلیب
سایده و درد و غیر کند
انداز درد و درد آتش
کرم

درقانه بادبرزد احینا
ازف و ابن اشکال دا بحثه
دفع وبا وطاعون
دردسنای کرده انتهی
دود بدو دابرو ان بیرزد
صنع دبد بندد وازلولم خنامه
جامه دابرتکند ودو
نازده دو ان بیغرار با نند
انبیرنا اسر کلدو دو بکنز
بنا مو شود ایضا اکر کی
کم کرده وطلا عابد

اللّهمّ انتَ رجائی وثقتی وعمادی وغیاثی ورفعتی وجمالی وانت مفزع الفزعین
لیس للهاربین مهربٌ الّا الیک ولا للعالمین معوّل الا علیک ولا للرّاغبین مرغبٌ
الّا لدیک ولا للمظلومین ناصرٌ الّا انت ولا لذی الحوائج مقصد الّا الیک ولا للطا
لبین عطاء الّا لدیک ولا للتّائبین متابٌ الّا الیک ولیس الرزق والفرج والخیر
الّا بیدیک ضربتنی الامور الفادحة واعیتنی المسالک الضّیقة واخرستنی الّا
وجاع الموجعة ولم اجد فتح باب الفرج الّا بیدک فاقمت تلقاءک ذهبت واستفتحت
علیک بالدّعا اغلاقه فافتح یاربّ للمستفتح واستجب للدّاعی وفرّج الکرب و
اکشف الضرّ وسدّ الفقر واجل الحزن وانف الهمّ واستنقذنی من الهلکة
فانّی قد اشفیت علیها ولا اجد لخلاصی منها غیرک یا اللّه یا من یجیب دعاء المضطرّین
اذا دعاه ویکشف السّوء ارحمنی واکشف ما بی من غمّ وکرب ووجع وداء ربّ ان
لم تفعل لم ارج فرجی من عند غیرک فارحمنی یا ارحم الرّاحمین هذا مکان البائس
الفقیر هذا مکان المستغیث هذا مکان الخائف المستجیر هذا مکان المکروب
الضریر هذا مکان الملهوف المستعیذ هذا مکان العبد المشفق الهالک
الغرق الخائف الوجل هذا مکان من انتبه من رقدته واستیقظ من غفلته
وافرق من علّته وشدّة وجعه وخاف من خطیئته واعترف بذنبه واخبت الی
ربّه وبکی من حذره واستغفر واستعبر واستقال واستعفی واناب الی
ربّه ورهب من سطوته وارسل من عبرته ورجا وبکی ودعا ونادی
ربّ انّی مسّنی الضرّ فتلافنی قد تری مکانی وتسمع کلامی وتعلم سرائری
وعلانیتی وتعلم حاجتی وتحیط بما عندی ولا یخفی علیک شیء من امری وتعلم

اردها طبوما . صالح
هموهم شاهو متا انس
اهاادوبا دوبا دوما نوهم
اساکر هالی لوهد امد
هم اصعها برلها دام
ادصعر ابر هوا
هو برا نوده
هیر ادر دوع ۵ ۱
عد صالح هم وهم سمو

هم هم اسا هم هم بن
لو ود علیو یا الوساه
شوال ایضا با حوذ دارد
۱۱۱ و ط ۱۱ ۹
درابر تشسه باشا مد
ارته ابن ماند ۱۱۱ ط
عط الا ۱۱۱ صم ایضا
ابن اشکال با بنوئید
ودو برا با و برزد دو

بادجه کلد وشح نبه بجه بزبازدو
نولیبل صرع بزبازدو
ی داسشت بندد ودو
بزبازدوع جبه بندد
بیم الله الرحمن الر
جیم بهما ع ممحح
عع عع عع یحیی
صع اللهم صل علی
محمد وآل محمد بر علیه حنیفی
کل داء ودوام یا
احفظ فلان بن فلان
لطیف

من علانیتی

یا لطیف یا حفیظ ایضا
بجهت سر و باء و طاعون ب
بعد از هر فریضه هفت
بار بخوانند و در هر مرتبه
یکبار صلوات بفرستند
بحق محمد و آل محمد ص م
یا من لطیف لمن ی
الطف عنا فیما نزل
انت الغوث نجنا
عن قهرك یوم الحلل
و در نیمه شب دیگر بیدار لی بخمسة
تکرار نماید
اطفی بهم حر الوباء
الحاطمة المصطفی والمرتضی ابع
وابناهما والفاطمة و
بعدهم من نسلهم
جاءنی من نسلهم العابد
والباقر والصادق و
الکاظم والرضا ثم التقی
ثم النقی والعسکری
ثم محمد هادیا
بحق امام الخاتمة ایضا

من علانیتی وسری وما ابدی وما یکننه صدری فاسئلك بانك اعلم علی الناس علی التدبیر وتقبل المعاذیر وتمضی المقادیر وسؤال من اساء و اعترف فظلم واقترف وندم علی ما سلف واناب الی ربه واسف ولاذ بفناء وعلف واناخ رجائه وعطف وتبتل الی مقبل عثرته وقابل توبته و غافر حوبته وراحم عبرته وکاشف کربته وشافی علته فاغفر لی جمیع ما اخطائه واحصاه کتابك وما مضی من علمك من ذنوبی وخطایای وجوائری فی خلواتی وجراتی وسیاتی وهفواتی وجمیع ما تشهد به حفظتك وکتبته ومما تکتبك فی الصغر وبعد البلوغ والشیب والشباب باللیل والنهار والغدو والاصال وبالعشی والابکار والضحی والاسحار فی السفر والحضر فی الخلاء والملاء وان تجاوز عن سیئاتی فی اصحاب الجنة وعد الصدق الذی کانوا یوعدون اللهم انی اسئلك بحق محمد واله و تکشف عنی العلل الغاشیة فی جسمی وشعری وبشری وعروقی وعصبی وجوارحی فان ذلك لا یکشفها غیرك یا ارحم الراحمین ومجیب دعوة المضطرین **فصل هشتم** در دفع شقاق وترکیدن دست و پای ودفع نزلات بادها و دفع رد باد افکندن اما تضمید عنب الثعلب بر ترکیدن دست و پا مجرب است و دوای کبرا وطلای کبرا بجهة شقاق لب مجرب است و بجهة شقاق ازموده است که زاج صبر سیاه با سوی بانفط سیاه بمالند و دست بر دبب آتشی بگذارند و بجهة شقاق پا مشتبها وکف پا پنج مثقال مردار سنگ و بیست مثقال روغن زیتون بجوشانند

دفع طاعون

بجهت دفع وباء و طاعون
بخوانند دفع میشود بسم
الله الرحمن الرحیم اللهم
یا ولی الولاء و یا کاشف
الضر والبلاء ۳ بار یا
الله ۳ بار الامان ۳
بار من الطاعون والو
باء بحق محمد المصطفی
و بحق علی المرتضی
و فاطمة الزهراء و بحق
الحسن المجتبی و بحق
الحسین الشهید بکربلا
یا الله ۳ بار یا
الامان ۳ بار من
الطاعون والوباء
۳ بار یا الله احفظنا
من کل مکروه و محذور
من مرض الطاعون
و ا یا

تا بهوام رفت رسد و بعد از ان کرباد داب کرم کذاشته باشند ولبساد نرم شده باشد ضماد نمایند و قدری ابسباد کرم کرده در شکاف بچکانند و بد سیتود پیه بز کداخته پنج مثقال عفص سائیده مثل غبار مخلوط و در شقاق مزمن بچکانند اما معالجه نزلات و بادهای رو و غیره جمع کثیر تجربه نموده اند که هرگاه سوره مدد را بر رشته که دختر غیر بالغ رشته باشد هفت گره کرده و هفت نوبت بخواند و بران بدمد و گره بزند و بگوید عقدت نزله فلان بن فلان بحوله و ننزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمومنین صاحب نزله انرا باخود دارد ایضا بنظر رسیده که بدستور مذکور برانو رشته هفت نوبت این ایات را بخواند و هر نوبت گرهی بزند و بران دمد صاحب نزله از دیما نرا بر انگشت وسطی یا خنصر ببندد بعد از شفا یافتن ازان باب اندازد تجربه رسیده است بسم الله الرحمن الرحیم کهیعص ذکر رحمة ربک عبده زکریا اذ نادی ربه نداء خفیا قال رب انی وهن العظم منی واشتعل الراس شیبا ولم اکن بدعاءک رب شقیا فمن کان منکم مریضا او به اذی من راسه ففدیة من صیام او صدقة او نسک وننزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمومنین شفا یابد انشاء الله تعالی ایضا باسم مادر صاحب نزله و اسم خودش و بر دیوار میان خ حطی هیج بزند کهیعص حمعسق قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین بستم نزله فلان بن فلان را بحق جبرئیل و میکائیل و بحق اسرافیل و بحق عزرائیل و بحق قل هو الله احد الله الصمد لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد

و الهو جا و بفضل المجود له و
کرباط یا ارحم الراحمین
و یا اکرم الاکرمین بحق
محمد و اله الطاهرین ـ
ایضا جهة دفع وبا این
کلمات را بخواند و بر کاغذ نو
شته همراه داشته مجرب کرده
بجود در بحق الطط الطط
نفس مرفع ایضا جهة و با
وطاعون این اسم را باخود
دارد یا عبد الرشید بعد
از این نسخه مجرب کرده
بنت ابن جهاد اسم را با
خود دارد یا عبد الرشید
یا عبد الرزاق یا عبد
الکریم یا عبد الرحیم
ایضا این کلمات را بخواند
تا با بر تشسته بخود بندد با
خود دارند دفع وبا و
طاعون میشاید از زمانی

دفع طاعون

سنغاش سرغاش
اگر خواهی که پاشه از بلاد
دور بخوان این ها را هیچ
ماکر التور جهة بول
کردن کودکان در خواب
الحناء شربت سم سوخته
بزنند با عسل جهة ـ
دفع بول در فراش مجرب
دانسته اند و قند و تر
نبت تاد و و درهم
گفته اند
جنین نقد درهم
و درهم بابکشد در
درهم سربکین خرکی
هم بیابشیب جهة ـ
سلسل بول و بول
کسی دن در دخراشی
مانع دانسته اند
و هم جحص حجر و سرد از
از حب تا دو دانگ با ابا زیر کنید
مفید

احد

اعد و بحق الله محمد علی فاطمه حسن و حسین بستم نزله فلان بن فلانه را
در مدت ده سال کامل که نگیرد بحق و ننزل من القران ما هو شفاءٌ و
ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا بجهة نزله شدی از این نسخه
از این بهتر ندیدم و بارها آزموده شد ایضا این کلمات را بر تخم مرغ سیاه
نوشته و در جائیکه بیاویزند که درد بدان نرسد از باد نزله خلاص شود
بفرمان الله تعالی لطیطوس طظوعش بشداد عزور اسکن اسکن اسکن
اخرج اخرج اخرج لی ع ه ه ه برسد ✕ ع ع ع ع ع ع ع
وه ص م مرم

فصل نهم در دفع وباء و طاعون

گوسفند سیاه قربانی کند و در محل ذبح بخواند الهی بحرمة محمد صلی الله
علیه و آله الهی بحرمة جبرائیل الهی بحرمة میکائیل الهی بحرمة اسرافیل
الهی بحرمة عزرائیل الهی بحرمة محمد ص و علی و فاطمة الزهراء ع و الحسن
والحسین ع احفظنا واحفظ اولادنا و احبائنا و اتباعنا و جمیع المؤمنین
والمؤمنات من الوباء والطاعون یا حفیظ سه بار ادرکنی یا رسول الله

ایضا برای وبا و طاعون این دعا ماثور است چنین بنظر رسیده
که پیغمبر ص در مسجد نشسته بود که دران مجلس مذکور شد که در زمان
عیسی ع طاعون واقع شد و افلاطون حکیم در دفع آن اهتمام بلیغ مینمود
پیغمبر پرسید که آیا طاعون در آن عصر بچه مرتبه بود گفتند که از ابتدا طاعون
تا حین برطرف شدن نصف مردم برطرف شدند پیغمبر ص دلگیر شد و
مناجات نمود که الهی آیا در میان امتان من وبا خواهد شد یا نه جبرئیل

مفید دانسته اند و همه
چنین بود مجرب المنافع اوبد
ده کرا کس بعلبه دورانس
کردن در هوای می‌شود
دیابشد از سردی خواهد
بعد بیم سبب بسیار ان
و همه وزنان قند و دق
غنی کاو حلوا کردن و
خوردن نامسرد و دره
نفع دهد انفصا بیم سب
کنجد سیاه را باشکر بیم
بکفته در دروقت خواب و
خوردن مفید باشد و
اگر در هوای گرم باشد
از گرم باشد دو درم
و نیم کشنیز خشک را سحق
خوردن باد و رخصار نافع
سرخ بکفته بخورد ربع
باشد و اگر زیره سیاه ربع
باشد هانا کشنیز را بکلید
ل باشد

دفع درد بول در خواب

بخورد هر دو نفع دهد
دو درم با شکر سرخ
و همچنین تخم شبث انبغر
با ابن عقال در شب
خوردن نفع باید و اگر
دل خروس را بریان
کرده بکفته بخورد
دهند در دو خواب
بول انکند و همچنین
خایه گوسفند نر را
بریان کرده بخورد
جمیع خاصیت را دارد
واگر در بیخ را دو
طعام پخته اند و خورد
ده اند بامداد ان د
بکار شود و بود
خورده اند و بسر دور
چنین کند با امر الله
دفع شود و جمله قطع
سیلان منی و ملک و دوع

ایضا

نازل

نازل شد گفت یا محمد ص هرگاه در میان امت تو طاعون بهم رسد این دعا
راهفت بار بر گوسفندی بخواند و انرا ذبح کرده هر که ازان گوشت بخورد
از طاعون ایمن گردد و اگر این دعا را بخوانند و بر اهل و اولاد خود بدمند
ایمن شوند دعا این است بسم الله الرحمن الرحیم اللّهمّ انّا نسئلك باسمائك
یا مؤمن یا مهیمن یا مزیّن یا معلن خلّصنا من الوباء ٣ بار یا الله ٣ بار
الامان بعد بگو یا خالق یا رازق یا ذا النّعم السّابغة یا ذا الکرامة الظّاهرة
یا ذا الحجة البالغة خلّصنا من الوباء ٣ بار یا الله ٣ یا الامان بعد بگو
یا ملیکا لا یرام یا عزیزا لا یضام یا قیّوما لا ینام خلّصنا من الوباء ٣ بار
یا الله ٣ بار الامان پس بگو یا دائما لا یزول یا عالما لا ینسی یا باقیا لا
یفنی خلّصنا من الوباء ٣ بار یا الله ٣ بار الامان پس بگو یا حیّا لا یموت
یا صمد لا یطعم یا غنیا لا یفتقر خلّصنا من الوباء ٣ بار یا الله ٣ یا الامان
پس بگو یا ارحم من کلّ رحیم یا اعظم من کلّ عظیم یا احکم من کلّ حکیم یا اقدم
من کلّ قدیم یا اکبر من کلّ کبیر یا اکرم من کلّ کریم خلّصنا من الوباء ٣ بار یا
الله ٣ بار الامان پس بگو یا من هو فی سلطانه قدیم یا من هو فی ذاته قوی
یا من هو فی علمه محیط یا من هو فی عزّه لطیف یا من هو فی لطفه شریف
یا من هو فی ملکه غنیّ خلّصنا ٣ بار یا الله ٣ بار الامان و بگو یا من
علیه یتوکّل المتوکّلون یا من الیه یلجأ الملجئون یا من الیه یفزع المذنبون
خلّصنا من الوباء ٣ بار یا الله ٣ مرتبه الامان پس بگو نسئلك باسمائك
یا عالم یا قائم یا حاکم یا غفور یا شکور یا صبور یا ودود یا رؤف یا غفور یا

لیف سفوف را اطبا مجرب
دانسته اند تخم کاهو
تخم شکراب تخم تیغ انگشت
۲ درم سعد و شاهدانه
تا ۲ درم کلنار یکدرم
کتیرا ازان ۲ درم بابر
کرده نوشیدن و همچنین
خوردن معجون بوست
تاغ کردکان را هر روز
تا ۲ مثقال جهت تقطیر
بول سفند دادنش اند درهم
چنین زهرهٔ خفد را با فا
کسنه جوب کز بعسل امیخته
نوشیدن جهة سلس
البول و بول الفراش و
درهم چنین خوردن کوشت
حقنه بول الفراش و ریخته
دنابیج و امراض بادو نافع ا
درهم چنین خوردن تخم کاهو
جهة نزله و زکام و درد

دافع سلس البول

سینه و تقطیر البول و
سیلان منی نیز نافع است
والله اعلم معجون ما سلس
البول و تحقیر سلس البول
و تقطیر ان نافع است بلوط
مقشر صد ۳ درم تخم بستان
هلیله یکید درم و کندر و
حب الاس و جوز بویا و
بسباسه و قرنفل و هلیله
از هلیله ۲ درم و سعد
شونیز و هل ازهر
یک ۲ درم انجیر خشک
پنج درم با عسل سرشته
و قدر شربت ازان یک
۲ مثقال نافع
دو حب النافع اود
که بو سته بشد
منع بربان کرد
ن و خوردن بجنبه
نقطه

قدس

تقطیر بول نافع و معینه
است بجهت وسوسه از
ف اا شیخ ابو القاسم
شیخ ابو العباس یونانی
آورده که هرکه سوره
قل اعوذ برب الناس
را در چهاردهم ماه بر
ظرفی نویسد و بشوید
و از ان اب بجوید
و وضو بسازد از وسوسه
ایمن گردد و از فصل

یا قدوس یا قیوم یا سمیع یا منیع یا مرتفع یا رفیع یا شفیع یا بدیع یا واسع یا خافض
یا مغیث یا ممیت یا خالق النور یا نور قبل کل نور خلصنا من الوباء ۳
بار یا الله ۳ بار الامان رب بکو یا من فی الاموات قدرته یا من قوله
فضل یا من ذکره حلو یا من انسه لذیذ یا من ملکه قدیم یا من فعله
لطیف و یا من هو عطائه شریف یا من هو امره حکم یا من هو عذابه عدل
خلصنا من الوباء ۳ بار یا الله ۳ بار الامان رب بکو یا من هو فی الاموات
قدرته یا من هو فی القبور قضائه یا من هو فی القیمة حکمته یا من هو فی
الموقف هیبته یا من هو فی العفو عدله یا من فی النار عذابه یا من
هو فی الجنة رحمته خلصنا من الوباء ۳ بار یا الله ۳ بار رب بکو اللهم
انا نسئلک یا اول الاولین و یا اخر الاخرین یا من هو ارحم الراحمین
اسألک بحق هذه الاسماء ان تصلی علی محمد و ال محمد یا من انت الذی
نجیت ابرهیم من النار و جعلتها بردا و سلاما یا من انت الذی کشفت
الضر عن ایوب و وهبت له اهله مثلهم معهم رحمة من عندک و ذکری
للعالمین یا من انت الذی مننت علی موسی و هرون و نجیتهما من الکرب العظیم
یا من انت الذی سمعت نداء زکریا و وهبت له من الکبر غلاما زکیا یا
من انت الذی اخرجت یوسف من الجب و السجن یا من انت الذی رددت
علی یعقوب بصره بعد ان ابیضت عیناه من الحزن یا من انت الذی تنجینا
من شر الوباء و افة الدنیا و تجیرنا عذاب القبر و تنقذنا من اهوال
القیمة و تسلمنا من عذاب النار و تدخلنا الجنة اللهم انت القادر و نحن

دوازدهم در دفع بجوابه
تعلیم خواب از حضرت
امام موسی کاظم منقول
هرکه خواهد که در شب
شود در وقت خواب
بگوید اللهم لا تؤمنی مکرک و لا
تنسنی ذکرک و لا
تجعلنی من الغافلین و
ایقظنی فی احب الساعات

جهت دفع خواب

الیک ادعوک بها
فتستجیب لی و اسالک
فتعطینی و استغفرک
فاغفر لی انه لا یغفر
الذنوب الا انت یا ارحم
الراحمین چون این
دعا بخواند خدا
دو ملک بفرستد که
اورا بیدار کنند و اگر
بیدار نشود آن
دو ملک را امر کند
که از برای او استغفار
کنند و اگر دران شب
بمیرد شهید مرده
و هر حاجت که طلب
کند باو عطا فرماید
و از امام جعفر صادق
علیه السلام منقول
است که هرکه در
حمامیدن
ایم

المقدرون

المقدّرون وانت القوی ونحن المضعفون وانت القوی ونحن المقترون
وانت الغفور ونحن الخاطئون وانت الباقی ونحن الفانی وانت المعطی
ونحن السائلون وانت الباعث ونحن المبعوثون وانت حیّ لا یموت و
نحن عبادٌ سوف نموت اجرنا من النار بعفوک وادخلنا الجنة برحمتک و
ارزقنا النظر الی وجهک الکریم فی الآخرة بکرمک واصرف عنا الوباء و
الطعن والطاعون بفضلک واغفر لنا ولآبائنا وامهاتنا واولادنا وازواجنا
وذریاتنا ولجمیع المؤمنین والمؤمنات عامة انک علی کل شیء قدیر وبالاجابة
جدیر برحمتک یا ارحم الراحمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین یا حی یا قیوم
بحق بسم الله الرحمن الرحیم وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین
پس فاتحة الکتاب بخوان **فصل دهم** در دفع بول کردن در خواب
وبر فراش بول کردن وسلس البول وتقطیر البول وسیلان منی ومذی
وودی از عبدالله بن عباس منقولست که هر که را بول بسیار آید در اول
صباح ناشتا هفت بار لو انزلنا هذا القرآن الی آخر سورهٔ حشر را بخواند شفا
یابد ودر کتاب دیگر منقولست که شخصی بحضرت امام محمد باقر ع شکایت کرد
از آنکه بولش قطع نمیشود وهمیشه قطرات بول از او میآید فرمود که
اسفند را بگیر وشش نوبت باب سرد بشوی ویکنوبت باب گرم بشوی و
در سایه خشک کن پس با روغن گل چرب وسفوف کن وبخورد در کتاب
مکارم الاخلاق بجهة دفع بول کردن اطفال در فراش خواب در شب
این اشکال را بر ورق آهو بنویسد وبر آنکمر او بندد هف هف هد هد

ثم قل انما انا بشر مثلکم
یوحی الی انما الهکم اله
واحد فمن کان یرجوا
لقاء ربه فلیعمل عملا صالحا
ولا یشرک بعبادة ربه احدا
را هم بخواند هر وقت که
خواهد بود که بیدار شود
[illegible] ودر حدیث شریف
از آنحضرت منقولست که
هر که خواهد در آخر شب
سبب بیدار نشود و برخیزد
چون بخواهد که بخوابد در
بستر بگوید اللهم لا تؤمنا مکرک
ولا تنسنا ذکرک ولا تجعلنا
من الغافلین اقوم ساعة
کذا وکذا چون بخسبد در
فلان ساعت برخیزد چون
این دعا را بخواند حقتعالی
ملکی را بر او موکل گرداند
که او را در آن ساعت

علاج بیداری از خواب

بیدار گرداند ودر
خلاصة الاذکار منقولست که اگر خوا
هد متنبه را در خواب
بر بیند در وقت خواب
این دعا را بخواند اللهم
ابعثنی الثنیة لا بوصف
انت [illegible]
ولا ایمان بعود فیها فلیک
الا انشاء والیک یعود
منها کنت منجاه وملجاه
ومالی منها لمکین
لا ملجاء ولا منجاء
منک فاسئلک بحق
[illegible] وانت انصاف
آنکه هر که خواهد که
[illegible] که هر چه [illegible]
دوا ملتفت شود [illegible]
این کلمات را ابتدا
[illegible] دستی
[illegible]

نویسید و بخوانند الم نشرح
در خواب ببیند از [illegible]
کفایت شود اگر نه [illegible]
در خواب بیند [illegible]
بر ابهام انگشت ۱
بزرد هو انگشت ۱
سبابه هو انگشت ۱
وسطی باسم هو ۱
خنصر [illegible] بنصر
اثنا دین از حضرت امیر
المؤمنین ع مرویست
که چون طفلی در خواب بر
از بیم در دیده بخوابد
مستولی باشد این آیه
بخوانند فضربنا علی آذانهم
فی الکهف سنین عددا
ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین
احصی لما لبثوا امدا و
اگر طفلی که بسیار گرید
و بخواب نرود این دعا

دفع بیخوابی

را براو خوانند از
گریه باز ایستد و آرام
گیرد و ایضا سوره معوذ
تین و توحید و حمد
و آیة الکرسی را وقت
با طهارت بخوانند و
در وقت خواب با
طهارت بخوانند و بر
پهلوی راست بخوابد
از بلاها ایمن باشد

هف هف هاث هاث انا لد کف کف هف هفف هففف مسعر ثم قل
هو الله احد الغالب من حیث یبخر تبخر العلیا ابلیس یشیخ لبنی ادم
کالذی سجد لادم الملائکة باذن الله انه کریمة بنت کریمة و ولد فلان
بن فلانه لالالالالالا شددث تسوده بسورة صفة صفة ختمت
بخاتم سلیمان بن داود لله رب العالمین ایضا دفع پیشاب کردن در
خواب و از برای جستن در خواب اطفال بر ایشان بندد و یا بر ورق
اهو بنویسد و بر صاحب علت بندد بسم الله الرحمن الرحیم من محمد رسول
الله النبی الامی العربی الهاشمی الابطحی التهامی صلی الله علیه و
اله الی من حضر الدار من العمار اما بعد فان لنا و لکم فی الحیوة سعة
فان یکن فاجرا مقتحما و داعی حق مبطلا او من یؤذی الولدان و یفزع
الصبیان و یبکیهم و یبولهم علی الفراش فلیتوصلوا الی اصحاب الاصنام
الی عبدة الاوثان و لیخلوا عن اصحاب القران فی جوار الرحمن و محاذر الشیطان و عن ایمانهم القرار و صلی الله علی محمد و اله ع ایضا
بجهة بول کردن اطفال در رختخواب بر صفحه مس یا ورق اهو این
اشکال را نقش کند و بر او بود و باید در روز جمعه یا یکشنبه یا سه
شنبه باشد بعد از بسمله پانزده با هو هو بنویسد او و الله
اول کیف هو هو سف قل هو الله را تا اخر بنویسد در جمال الصبح
بجهة غلیکی بول در خواب اورده که بر جام نوی بزعفران بنویسد
بسم الله الرحمن الرحیم این ابه را مکرر بنویسد اینقدر که جام پر شود

پهلوی دیگر
نشان ببیند ۳۰
خواب شوریده و بر
دانی بخوانند دفع
ان فی خلق السموات
تا آخر سورة عمران
الله و قل اللهم
الرسول و آیة مقعد
والمجد و آیة
از بلاها ایمن [illegible] امن

مان امد

ان الله یمسک السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان حلیما غفورا پس باب سرد بشوید و بعد از ان بر پارچه پوستی یا مداد همین ایه را بنویسد با الحمد سه مرتبه قل هو الله و معوذتین و ایة الکرسی و ایه لو انزلنا تا اخر حشر و ایه قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن تا اخر سوره بنی اسرائیل و همین ایه ان الله یمسک تا اخر بنویسد با بسمله و بعد بنویسد یا من هو هکذا و لا هکذا عجزه امسک عن فلان بن فلانه ما یجده من غلبة البول پس اگر مرد باشد تعویذ را بر پشت ظهار بر ذکرش ببندد و اگر زن باشد بر زانویش ببندد پس قدری زعفران و دو برابر ان سعد هندی هر یکرا جدا بکوبد و سعد را از حریر بیرون کند و هر دو را با عسل بموم معجون ساخته گلوله ها بسازد و در وقت خواب یک گلوله از ان معجون با قدری اب بیاشامد و در ان ایام اب کمتر بخورد چون علت زایل شود تعویذ را بگشاید تا حبس البول نشود و از خواص این ایه است که بنویسد و بر کمر ببندد و تقطیر البول و مذی و ودی زایل گردد و ما قدروا الله حق قدره والارض جمیعا قبضته یوم القیمة والسموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون

فصل یازدهم

در دفع خیالات فاسده و وساوس و دزدها و در خواص ایات قرانی مذکور است که چون کسیرا خیالات فاسده و تشویش و وهم بر او غالب باشد این ایات را

و این ایه را بخواند و یا کسی نقل نکند حقتعالی بفضل خود بدیها را بنیکی بدل کند ایه این است انما النجوی من الشیطان لیحزن الذین امنوا و لیس بضارهم شیئا الا باذن الله و علی الله فلیتوکل المؤمنون و بعد از ان این دعا را به خواند عذت بما عاذت به الملئکة المقربون و انبیاء المرسلون و عباده الصالحون من شر ما رایت و رؤیای و شر الشیطان الرجیم و صلی الله علی محمد و اله الطاهرین مجرب رسیده که هرکه را مهمی پیش اید و در ان سراسیمه باشد

دفع خوابهای پریشان

یا حاجتی روی دهد و خواهد بران مطلع شود که براورده میشود یا نه سوره اذا زلزلت را هفت بار در وقت خواب بخواند و بعد از ان بگوید یا ملئکة ربی بحق هذه السوره و من انزلتها و بحق من انزلت علیه و بحق اسم الله علیکم و بایاته التامات کلها الا ما اخبرتمونی بحجتی کذا و کذا و ذکر حاجت نماید بعد که انچه طلب نمود در خواب بوی نموده میشود ایضا جهت دفع احتلام در

براو

براو خواند زایل کردد ازاو واکر بر قطعه صوف کبود یا ورق اهو نویسد
واکر بر کسیکه براو جن و پری زحمت رسیده باشد ببندد خلاص شود
ایات اینست واذا قرئت القران جعلنا بینك وبین الذین لا یؤمنون
بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا علی قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی اذا
نهم وقرا واذا ذکرت ربك فی القران وحده ولوا علی ادبارهم نفورا فان
تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم
ودر حدیث وارد شده که شخصی بخدمت حضرت رسالت ص شکایت
کرد از بسیاری خیالات فاسده ووساوس شیطانی براو دست یافتم
فرمود که دست بر دل بکذار و سه مرتبه بکو بسم الله وبالله اللهم
انت مننت علی بالایمان واودعتنی القران ورزقتنی صیام شهر رمضان
فامنن علی بالرحمة والرضوان والرافة والامتنان وتمام اولیتنی من
النعم والاحسان یا حنان یا منان یا دائم یا رحمن سبحانك لیس لی احد
سواك سبحانك اعوذ بك بعد هذه الکرامات من الهوان واسالك
ان تحل من قلبی الاحزان وصلی الله علی محمد واله الطاهرین ودر
حدیث دیکر وارد شده که شخصی بانحضرت شکایت کرد که از زوما
بسیار کردن ووسوسه های سینه ازار بسیار میکشم فرمود دست
بر سینه بکش وبکو بسم الله وبالله محمد رسول الله صلی الله علیه
واله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امح عنی ما اجد
پس دست بشکم بمال وسه مرتبه اینرا بخوان انشخص چنین کرد ان

درحدیث صحیح از
حضرت صادق مرویست
و دیست که هرکه نرسد
که محتلم شود چون بر
رختخواب رود ابتدا
رابخواند تا ایمن شود
اللهم انی اعوذ بك
من الاحتلام ومن
سوء الاحلام ومن
ان یتلاعب بی الشیطان
فی الیقظة والمنام
انتهی چون سوره
والطارق را بخوانند
محتلم شدن ایمن مانند
واز خواص این اشکال
انست که هرکه با خود
دارد محتلم نشود

دفع احتلام

دفع طاعون

در کتاب مقال جنیون
که در کتب ادعیه مذ
کور است که از برای
خوف طاعون اینها
را بر چند پاره کاغذ
باید نوشت و بر در
هاء خانه چسبانند
دعا اینست اللهم ا
سکن هیبته صدمه
قهرمان الجبروت با
اللطیفة النازلة الوا
ردة من فیضان الملکو
ت حتی نتشبث باذ
یال لطفك عن انزال
قهرك ونعتصم عن
انزال سخطك یا ذا
القوة الكاملة و
القدرة الشاملة
برحمتك الواسعة
یا رب

حالت ازاو زائل شد ایضاً جهت وسوسه و حدیث نفس و حدیث
وارد شده که بگوید توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم
یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل
وکبره تکبیرا و در حرز الامان مسطور است که هر که این آیات را در
روز جمعه وقت طلوع آفتاب بزعفران وگلاب بر هفت ورق کتابت
کند و هر روز یکورق در هم پیچد و ابتلاع نماید و در سه شنبه و بر دو
و بربالای آن بکجر عذاب ناشتا بخورد و بعد از تمام این عمل حق سبحانه و تعالی
وسوسه و فزع و حدیث نفس و خیالات از دماغ او بیرون برد و هر خوف و رعبی
که داشته باشد بالتمام زائل کرده بمنه وجوده آیه اینست واما ینزغنک من الشیطان
نزغ فاستعذ بالله انه سمیع علیم ان الذین اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان
تذکروا فاذا هم مبصرون **فصل دوازدهم** در دفع بیخوابی و رفع غلبهٔ
خواب و دفع احتلام و دیدن خواب و غیره در خواص آورده که هر که آیهٔ
واذ جعلنا البیت مثابة للناس وامنا الی قوله والرکع السجود را از سورهٔ
بقره در وقت خواب بخواند و از خدا بخواهد که در وقت معین
از شب بیدار شود مطلوب حاصل شود و در روایت آورده که آیات
سحره را از سورهٔ اعراف ان ربکم الله الذی خلق السموات تا من المحسنین
را در وقت خواب بخواند و بیخواب را مسئلت کند خواب و کم شود هر که
آیه وذا النون اذ ذهب مغاضبا فظن ان لن نقدر علیه فنادی فی الظلمات
ان لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین را بر پوست آهو بنویسد

یا رب سکن سکن
سکن یا حی یا محیی الموتی
اللهم یا ولی الاولیاء
یا مجیب الدعاء و یا کافی
من البلاء اصرف عنا
و عن اولادنا و اقربائنا
القحط و الطاعون و الوباء
بحق محمد المصطفی و علی
المرتضی و حمزه الاعم
و الشهداء و ما دعیت از
یمیت و کفی الله د سح
و یلیطی المؤمنین منه
بزه حسنا یا غوثاه یا
غوثاه یا غوثاه یا حی یا
قیوم یا دائم یا وتر یا ذا
الجلال و الاکرام اللهم
خذ ضلعی و الطاعون و
من موت الفجاة و من
سوء القضاء و من درک
الشقاء و من شماتة الاعداء
من مضرة الحیاة اللهم
انی اعوذ بک من جمیع
ذلک بحق محمد المصطفی
و علی المرتضی و الائمة
من ولده النجباء المعصومین
بنجبة و سپید ذبح نکند
حن بمشک و زعفران
بر قدح نو جام آب کند
با جمیع بنو لبید و آب
ایادان و ابا ب کلاب
و نبات حل کرده و
هفت روز ربنا
مد خلو و صبح یا ب
انه و یفقر
تحته احرمک ثم
الابیح ملائن ف
خه هم هم هم
هم هم هم
هم هم هم
١٥١٥١٥١
سم

سح سح سح سح
لهو لهو لهو لهواوه
اوه اوه اوه

۱۱۱ ۱۱۱۱۷ ا ع ٥ ۱۱ ۱۱ ۱۱۱۸

ك ۱۱۱۹۲۱۲۱ ۹۲٥ ع ا ط ۱۱ ج

بسم الله العلیّ العظیم المرسعه احرفك احمرامس وها الثامن تا انب

درمیان بندد و بخواب رود بیدار نشود تا این دعا را ازو جدا نکند و این
دعا برای بیماران و کسیکه بخواب نرود مناسب است و در مجرّ المنافع
آورده که اگر کسی را یا بیماری را خواب نیاید پنج کاکنج که انرا عروسک پس
پرده نامند با ریسمان لعل در گوش او ببندند خواب کند ایضاً آورده
اند که اگر کسی خواهد خواب کردد بحیثیتی که چون در خواب رود بیدار
نشود این آیات را بنویسد و در زیر بالین آنکس نهد بیدار نشود و
جعلنا نومکم سباتا و جعلنا اللّیل لباسا و جعلنا النّهار معاشا و بنینا
فوقکم سبعا شدادا و جعلنا سراجا وهّاجا و در مکارم الاخلاق
آورده برای غلبگی خواب این آیه را بر آب خواند و روی خود را بدان
شوید و لمّا جاء موسی لمیقاتنا و کلّمه ربّه قال ربّ ارنی انظر الیک
قال لن ترانی ولکن انظر الی الجبل فان استقرّ مکانه فسوف ترانی فلمّا
تجلّی ربّه للجبل جعله دکّا و خرّ موسی صعقا فلمّا افاق قال سبحانک تبت
الیک و انا اوّل المؤمنین ایضاً جهة دفع غلبگی خواب بخواند یا-
تحیثا لا تأخذه سنة ولا نوم برای بیخوابی در حدیث معتبر منقول ا
که حضرت فاطمه ع بحضرت رسول ص شکوه نمود از بیخوابی فرمود این
دعا را بخوان یا مشبع البطون الجائعة یا کاسی الجنوب العاریة یا
یا مسکّن العروق الضاربة و یا منوّم العیون السّاهرة سکّن عروق
الضّاربة و ائذن لعینی نوما عاجلا و در حدیث دیگر از حضرت
صادق علیه السّلام منقولست که هر که را بیخوابی عارض شود و

مع عع
الصّوع
نحرقك لنبعاب من نار و نحاس
الطفال من احرقك -
فلا تنتصران احرقك اتق
بقاع من الفواع عذاب
احرقها ذروقوا جرجها
الحریق لفوّ دبر
الذین کفروا وبئس المصیر
احرقك بساطا فلس
احرقك الشمس ویعذاب مالك

بوع
ع د
جن

وهو مالك جهنم و
معه تسعة عشر احرقك
بعذاب الله بغضب -
الله ان تقدموا عن
عصى الله والذافو
بئس المعهود عن السبیل
وعذابا قد سلطان الله
فاحرقك بعذاب الیم
اللهم انت القادر
القاهر القادم ولا
حول ولا قوة الا با
الله العلی العظیم
و در کتاب مقال
مذکور داشت از
برای دور کردن
شیاطین از خانه
و اهل آن هر گاه
اذیت رسانند
بسنگ انداختن
یا ر ز ا ین

حرز

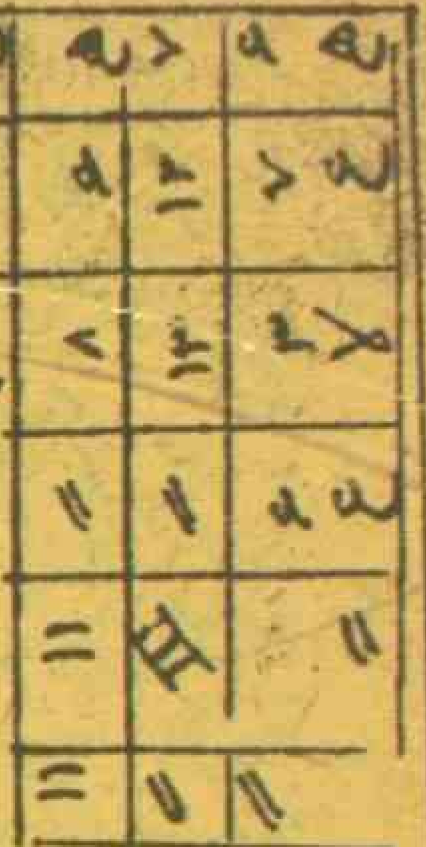

بسوزانیدن دخنه و
فاسدن باید ابند عا
زبان این طلسم نوشته
دبیر دواد فاتحه بخوانند
کرشنا ... وعینوند
فلاهم یخوفون سبحانك
اللّهم وتحمل انتشفعاون
لا اله الّا انت استغفرك
واتوب الیك طلسم این

خوابش بزد این دعا بخواند سبحان ذی الشّان دائم السّلطان کلّ یوم هو فی شان **خواب دیدن انبیا وائمّه ع** از مشایخ رحمهم الله نقل کرده اند که اگر کسی خواهد که یکی از انبیاء یا ائمّه هدی ع یا سایر مردم را در خواب ببیند این دعا را بخواند اللّهمّ انت الحیّ الذی لا یوصف والایمان یعرف منه منك بدات الاشیاء والیك تعود فما اقبل منها کنت ملجاه ومنجاه وما ادبر منها لم یکن له ملجاه ولا منجا منك الّا الیك فاسئلك بلا اله الّا انت ان تصلّی علی محمّد وال محمّد ان تری فلانا بعد از ان سورهٔ والشّمس یا واللّیل و قدر وجحد واخلاص و معوّذتین را بخواند و بعد صد مرتبه توحید را بخواند وصد مرتبه صلوات بفرستد و با وضو بجاست بخوابد هر کس را بخواهد انشاء الله در خواب می بیند سؤال وجوابی که خواهد در میانشان میشود ودر روایت دیگر آمده که این طریقه را هفت شبانه باید عمل نمود **ودر کتاب بلد** الامین کفعمی ومشایخ در کتب خود ذکر کرده اند که اگر کسی را حاجتی یا مهمّی یا مشکلی پیش آید وراه باز شدن آن نداند ودرمانده باشد با طهارت در فراش ولحاف پاکی بخوابد وزنی با او خواب نباشد در وقت خواب سوره والشّمس واللّیل را هر یك را هفت بار بخواند وبعد از ان بگوید اللّهمّ اجعل لی من امری فرجا ومخرجا ودر شب اول یا سیم یا پنجم شخصی بخواب او در آید وبر شدن آن مهمّ برای او بیان نماید کفعمی روایت کرده که در کتاب لفظ الفواید مذکور است که هر که آیه افحسب الّذین

دعاء
مشهور چشم آدمی
دفع جن وجن زده وصرع
را خواندن وباخود داشتن فائده عظیم دارد
ادعیه بسم الله الرّحمن الرّحیم

دفع اجنه

یا ایمخ دالا وهّا معادا
شبطشون اللّهم یا
بوملخو نود یموت ادرش و
رطشوا میمون یا و
اغلیثون اللّهم
غشبط اخلا وخون
یا رحیم رحیم یا رحیم
رحیموت راهیا شراهیا
ادوی اصناوث و
اصباؤثون اللّهم یا
هتیخ مشتخبت اللّهم یا شتخا
رامعون یا منا امش وانغث
هیب الکاف وانغث
انّما امره اذا اراد
شیئا ان یقول له
کن فیکون فسبحان
الذی بیده ملکوت
کل شیء والیه
ترجعون سوره یس
رب ارابعر تیم
ابجد

کفرو

کفروا ان یتخذوا عبادی من دونی اولیاء انا اعتدنا جهنم للکافرین نزلا
را بخواند پس بگوید اللهم صل علی محمد وال محمد وارنی بیاضا وحمرة ان کان
لی کذا وکذا اجرة وان کان لی کذا وکذا شرا فارنی سوادا وحمرة پس بخواب
رود کوسفندی در خواب ببیند ان مقصد خوب باشد بعمل اورد واگر
سیاهی یا سرخی ببیند بد باشد ترک نماید البته یکی از ان دو را در خواب
ببیند انشاء الله **باب دویم در دفع شر و بلیات** و در این باب ـ
شش فصل است **فصل اول** در دفع هر شر و بلیات عموما بجهة
دفع شر هرچه باشد بنویسد این تعویذ را با خود دارد ایمن ماند
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك ان تحفظنی من الجن والانس
اعوذ بوجهك الکریم وبکلماتك التامات التی لا یجاوزهن بر ولا فاجر
من شر ما ینزل من السماء وما یعرج فیها ومن شر ما ینزل الی الارض ومن
شر ما یخرج منها ومن شر اللیل والنهار الا طارقا یطرق بخیر منك یا
رحمن یا رحیم بفضلك وجودك وکرمك یا ارحم الراحمین باسم فلان
بحق هذه الاسماء مح۴ لا ۱۳ هوه ۱۱۱ مه ۱۱ ۱۱ا ق
الساعة الساعة العجل العجل الوحا الوحا
ایضا بنویسد با خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم یا هو یا من هو یا
من لیس الا هو صل علی محمد وال محمد واجعل لحامل کتابی هذا من
من کل هم وغم والم وخوف فرجا ومخرجا برحمتك یا ارحم الراحمین محمد وعلی
وفاطمة والحسن والحسین وعلی ومحمد وجعفر وموسی وعلی ومحمد وعلی

بخود داری محفوظ ـ
شوی از ضرر جن وچو
سوره جاثیه را بنویسی
ودر زیر سر گذاری محفوظ
شوی از شر جن وانس
ایضا حرز ابودجانه
که انما کمال الدین دمیری
کتاب حیوة الحیوان
ذکر نموده ملخص ان
چنان است که ابودجانه
شکوه بحضرت رسول صلعم
نمود که شبهاء جرجره
نظرم میاید بغایت هو
لناک وانرا صدائی است
مانند اسیا وزنبور عسل
کاهی مانند برق میدرخشد
وگاهی بره میشود مثل
ظلمت شب ودر صحن خانه
من ایستاده گاهی بلند
میشود گاهی دراز وگاهی
کوتاه میشود مضطرب

دفع شر جن

برخواستم ودستم بد
رسید پوست اورا
مثل پوست خارپشت
یافتم دیدم که ازاو دود
من اتش بادید [illegible]
فرمود ای ابودجانه
او عامر خانه تست ـ
بعد ازان حضرت امیر
طلبیدند واین حرف
بدو املاء کردند
پس ان نوشته را
بابودجانه گرفت
وبخانه خود رفت ابو
دجانه گفت چون
خوابیدم این نوشته
را بزیر سر خود نها
دم ناگاه از خواب
صدای ناله وزاری
شنیدم که شخصی
میگوید

والحسن

۲	۹	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

والحسن و محمّد صلوات الله علیهم اجمعین با این مثلث
ایضا جمیع هر بلیه که در شب و روز نازل میشود
این مربّع را که وفق ان موافق عدد بسمله است ترجی
کرد ذکر میشود با خود دارد فائده عظیم دارد بدان این مربّع را که وفق ان موا
فق عدد بسمله است بترتیب عدد بطریقیکه ارباب علوم این فن کفته اند با اشکال لیکن
در حوالی ان ثبت است مضمرا و مظهرا با اسماء الله سبحانه و تمم برخی کرد را اینجا بیان
نموده اند انستکه بسمله نوزده حرفست بعدد زبانه دوزخ که هرکه ملازم
ان شود از انها ایمن شود و شرور دیکر از نتایج قوای نوزدکانه ایمن میشود و نجات
یابد و مراد ازان قوای خمسه ظاهری که ان باصره و سامعه و ذائقه و شامّه
ولامسه است و حواس خمسه باطنی که ان حسّ و مشترک و متخیّله و متوهّمه و حافظه
و خیال است پنج باطنی تمام و قوّه شهویّه و غضبیّه و هفت قوای دیکر که طبیعیه
است که ان غاذیه و نامیه و مولده و محرّکه و مدرکه و عاقله و عملیّه است و
کفته اند که الله تعالی زبانه جهنّم را نوزده حرف مقرّر داشته بی زیاد و کم و در
ازای هر قوتی خزانه است بنا بر انکه این زبانها و قواها منبع شرور و وسیله
ذنوب میباشد قوله و ما اصابکم من مصیبة فبما کسبت ایدیکم اشاره بر
نتایج این قواها هست و هکذا هر شبانه روزی بیست و چهار ساعت است
و پنج ساعت ان بازاء پنج وقت نماز است و نوزده ساعت دیکر باقی میماند
بملازمت و مواظبت بسمله از شرور و بلیات کرد این ساعات میشود
امان و نجات حاصل میشود زیرا که حروف ان بعدد ان ساعات مساوی است

میکیر این ابو دجانه
امان امان این نوشته
را از خود دور کنی که هلاک
بشیم و عهد کردیم که
دیکر در خانه تو بیایم و
دیدم اینها انند عقاربه
درانجا امیش بروم ابو
دجانه کفت دیکر انجار
ومن وارد شد و اندعا
اینست بسم الله الرحمن
الرحیم هذا کتاب محمد رسول
الله صلعم علیه واله رب العالمین
الی من طرق الدار من
العمار والزوار الا طارقا
یطرق بخیر اما بعد فان لنا
ولکم فی الحق سعة فان
تک عاشقا مولعا او فاجرا
مقتحما فهذا کتاب الله ینطق
علینا وعلیکم بالحق انا کنا
نستنسخ ما کنتم تعملون

دفع شیاطین

ورسلنا یکتبون ما
تمکرون اترکوا صاحب
کتابی هذا وانطلقوا الی
عبدة الاوثان والی من یزعم
ان مع الله الها اخر لا اله الا
هو کل شیء هالک الا وجهه
له الحکم والیه ترجعون
لا یبصرون حم عسق
تفرقت اعداء الله و
بلغت حجة الله والحول
ولا قوة الا بالله العلی
العظیم فسیکفیکهم
الله وهو السمیع
العلیم وانا بجله
در کتاب مقال
عجیب عاابنست کرد
کلام شیخ کفعمی ره
مذکور است حضرت
در حدیث علیحده
اول اخبر از اما
جعفر

جعفر صادق علیه السلم روایت شده خواندنش باعث ایمنیست که از شر شیاطین جن و انس و از شر حیوانات موذی و غیرها باشد و ان این است اعوذ بقدرة الله واعوذ بعزة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بعفو الله واعوذ بمغفرة الله واعوذ [illegible] الله الذی هو علی کل شیء قدیر واعوذ بکرم الله و اعوذ بجمیع الله من شر کل جبار عنید وکل شیطان مرید و شر کل قریب و بعید او ضعیف او شدید و من شر السامة و الهامة و العامة و من شر کل دابة صغیرة او کبیرة بلیل او نهار و من شر فساق العرب و العجم و من شر فسقة الجن و الانس

دفع اجنه

دویم از امام موسی کاظم و امام رضا مروی شده که ان باعث ایمنی است از شر هر درنده و شیطان و دزد و نیش و هرجا بوزد که [illegible] دندان و نیش کند مثل مار و عقرب و غیره و غیره [illegible] خود دارد [illegible] چون تکلم کند از خود دزد و [illegible] دان این است که چون [illegible] شود افتد کند و بگوید بسم الله و بالله و بالحجة الله

العاقل یکفیه الاشاره وخواص بسیار مذکور نموده اند همین قدر اکتفا شد هو العالم مربع اینست

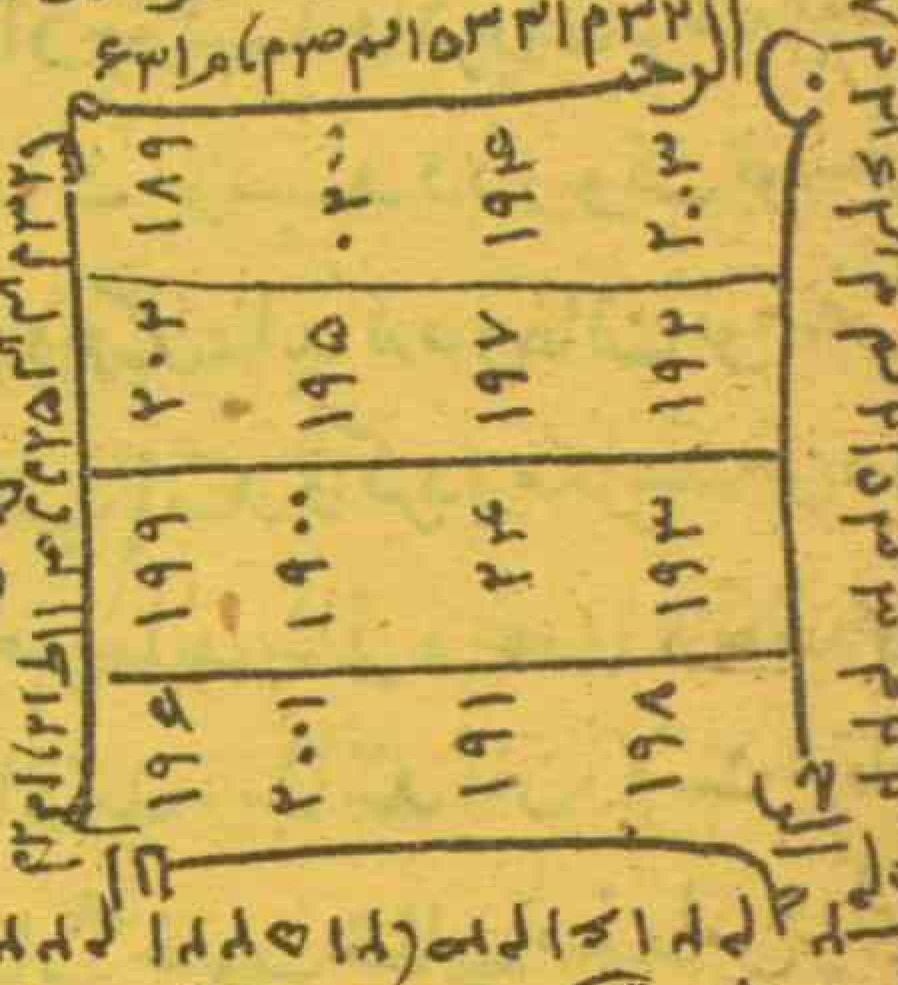

۲۰۳	۱۹۴	۲۰۰	۱۸۹
۱۹۲	۱۹۷	۱۹۵	۲۰۲
۱۹۳	۲۰۴	۱۹۰	۱۹۹
۱۹۸	۱۹۱	۲۰۱	۱۹۶

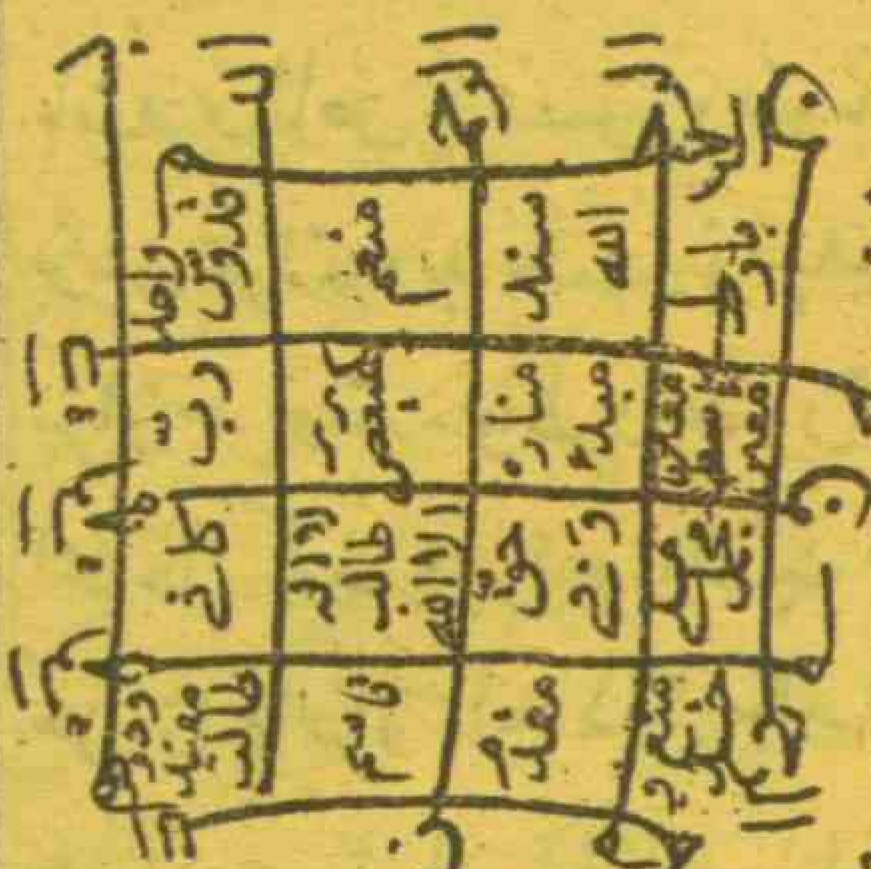

فصل دویم در دفع شر جن و شیاطین واختلال دماغ مرویست که شخصی را اختلال دماغ بهم رسیده بحضرت صادق علیه السلم عرض نمود حضرت فرمود هر شب و هر روز در هنگام خواب این دعا بخوان بسم الله وبالله وامنت بالله وکفرت بالطاغوت اللهم احفظنی فی منامی و فی یقظتی اعوذ بعزة الله وجلاله مما اجد واحذر و از حضرت رسول واله منقولست که هر که از شیاطین و جادو گران ترسد ایه سحره را در اعراف تا قریب من المحسنین را بخواند از شر ایشان ایمن باشد ایضا بجهة شر جن و شیاطین بنویسد با خود دارد اعوذ بنور وجه الله الکریم تا انجا که یطرق بخیر منک یا رحمن یا رحیم چنانچه در فصل سابق گذشت و ایضا دعای اوقاش که از سید علی همدانی نقل شده بجهة دیو و پری زده کسی را که جن و شیاطین براو مسلط باشند یا

عظیم دارد وچون براو بخوانند بروزدی خلاص شود وطریق خواندن
ان انستکه برکوش چپ یا راست مصروع بنانی از توجه وتحکم وهیبت
واکر بر کف جب مجنون یا راست او بنویسند واکر برکف نوشتن معذور
باشد بر بیاض بدستور وتعویذات بنویسند ودر وقت نوشتن
بزبان بخواند وبدست بنویسد وجهد نماید کر در حالت نوشتن
نیز از سر توجه خواطر وحضور قلب باشد واکر در مکانیکه جن در
انجا جای کرفته ومردم را اذیت میرساند بنانی وحضور وتوجه بخوانند
جن از انجا فرار نماید دیکر بکسی اذیت نرسانند وان اینست ارقاش
فاعش مرقایش استطفا استطقاب خطوف خطاف سعد امین فرداش
الله رب العزة یا طهسلوا شبوح ارقح شموح ارمواحیثا القدیم
الازلی الابدی ان الذین فتنوا المؤمنین والمؤمنات ثم لم یتوبوا فلهم
عذاب جهنم ولهم عذاب الحریق انشدکم یا معشر الجن بالله العزیز القهار
الوافی بالعهد الذی اخذ علیکم لسلیمان بن داود ع ان لا تضروا بحامل
هذا الهیکل فلان بن فلانه وان تترکوه فی حرز الله وحمایته بحق محمد و
اله اجمعین **فصل سیم** در دفع صرع وترسانیدن جن مرویست
که حضرت امام رضا ع شخصی را دیدند که صرع کرفته است قدح
ابی طلبیدند وسوره حمد واخلاص ومعوذتین بر ان خواندند و
بر سر وروی او پاشیدند بهوش امد ویا بنویسند وباخود دارند
در حدیث دیکر از امام محمد باقر ع منقولست کسیرا که باد جن کرفته باشد

الذی لم یتخذ صاحبة و
لا ولدا ولم یکن له شریک
فی الملک ولم یکن له ولی
من الذل وکبره تکبیرا و
الحمد لله الذی یصف و
لا یوصف ویعلم ولا
یعلم ویعلم خائنة الا
عین وما تخفی الصدور واعوذ
بوجه الله الکریم وباسم
الله العظیم من شر ما برء
وذرء ومن شر ما تحت الثری
ومن شر ما بطن وما
ظهر ومن شر ما وصفت
وما اصف والحمد لله رب
العالمین سیم اعجاز
امام جعفر صادق ع در د
ابت شق خواند فی بر
انکه از شر جن و انس
وحیوانات موذی محفوظ
و از جمیع بد و در امان

دفع اجنه

باشد وان اینست
بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الجلیل اعیذ
جسم فلان نام انکس
فلان بن فلان من
دارید بالله العظیم والاو
الهامة والسامة واللا
الغامة ومن شر
مة والعامة ومن
الجن والانس ومن
العرب والعجم ومن نفثهم
ونفخهم وبغیهم وما
الله الکریم یعبد
ازان ابتدا الکرسی ومن بعید
بخوانند ویعید کو
بر اعید فلان وما
لله الجلیل من الها
ثم تا اخر انچه گفته
ودفع جهار دم
انچه از امام جعفر
صادق در دفع
شده که کفتند
بعد

براد

براو سوره حمد و معوذتین هر یک را ده بار بخوانند و ایضاً بنویسند در
جامی بمشک و زعفران و با آب بشویند و باو بخورانند و در آب وضوء و
غسلش داخل کنند خلاص شود و در روایت دیگر با خود دارد و در
خواص سورهٔ الرحمن است تا اخر بنویسد و آیة الکرسی بر حوالی آن
بنویسند و بر کسی او بندد جنّ بر او اذیت میرساند ترک اذیت او نماید
و از حضرت رسول صلّی الله علیه و آله منقولست که در خانهٔ که جنیان
سنگ اندازند آن سنگ را بردارد و بگوید حسبی الله وکفی سمع الله لمن
دعا لیس وراء الله المنتهی و در مکارم اورده که آیهٔ و ما لنا ان
لا نتوکّل علی الله و قد هدینا سبلنا و لنصبرنّ علی ما اذیتمونا و علی
الله فلیتوکّل المتوکّلون را بنویسد و بروی او بندد جنّ ایذا نرساند
ایضاً بنویسد و با خود دارد و ایضاً در گوش راست مصروع سه مرتبه بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم علی امیر المؤمنین بن ابیطالب یقول لک هشاشنز
محاجا اخرج و در گوش چپ او نیز همین را بخواند بشرط تقدیم محاجا بر لفظ
هشاشا اما در نسخهٔ مقال حشاشا فحاخا بود و در نسخهٔ دیگر هشاماذ بود
شد احتیاطاً هر سه را بخوانند تا فائده دهد و در رفع الصرع اوذا ئل کرد
و در بحر المنافع اورده اگر کسی را باد صرع گرفته باشد سورهٔ
واللیل را بخواند و باید مد بهوش آید در مقال است در
خواص السوّر سورهٔ مبارکه جنّ را بر مصروع بخوانند از مجربات است
و سوره شوری را بشویند و بر مصروع پاشند و سورهٔ تحریم را

بعد از نماز فریضه یا عشا ایمنست که بحیله شود بعلت بلی از ابطاء جبرئیل در حق خودش و مغفور باشد و مالش و جمیع اینها از شر [illegible] و داود در امان شوند و این اینست استودع الله العظیم الجلیل نفسی و اهلی و ولدی و من یعنینی امره استودع الله المرهوب المخوف المتضعضع لعظمته کل شیء نفسی و اهلی و مالی و ولدی و من یعنینی امره بنجمه انحضرت پیغمبر بعلی ع تعلیم بود و در موود و خواندنش باعث اینست که الله تعالی برکت داند بسبب آن انواع بلاها و ان لا یبعث بسم الله الرحمن

دفع اجنه

[illegible]

الرحیم والحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم

حرز فاطمه

بسم الله الرحمن الرحیم یا حی یا قیوم برحمتک استغیث فاغثنی ولا تکلنی الی نفسی طرفة عین ابدا واصلح لی شأنی کله برحمتک یا ارحم الراحمین

حرز حسنین ع اللهم یا ذا السلطان العظیم والمن القدیم والوجه الکریم یا ذا الکلمات التامات والدعوات المستجابات عاذ الحسن والحسین من انفس الجن واعین الانس

ایضاً حرز دیگر

بر مصروع

بو مصروع خواند صرعش زائل شود بسم الله الرحمن الرحیم فخلف من بعدهم خلف اضاعوا الصلوة واتبعوا الشهوات فسوف یلقون غیا وصلی الله علی محمد وآله اجمعین حرز امیر المؤمنین ع ایضا این حرز را از حضرت امیر المؤمنین ع در مهج الدعوات مسطور است بجهت مسحور و مصروع و مسموم تاثیر عظیم دارد ایضا بجهت هر چیزی که آدمی از آن ترسان وهراسان باشد از شر شیطان و دزدان و ددان و جانوران وایذاء رسانند باشد نافع ومعتمد است بنویسد و بر زانوی راست بندد بسم الله الرحمن الرحیم ایکوش ایکوش ایکوش اره شمش عطیطبیطح یا مبططرون قریالیسون ما وما سا ماسوها الهیطا لوش لهیطلشالوش حنطوش مسفقش مشفقیش غل مشاصعوش افر کطبعوش بطعیکس لطیفنکس هذا وما کنت بجانب الغربی اذ قضینا الی موسی الامر وما کنت من الشاهدین اخرج بقدرة الله ایها اللعین بعزة رب العالمین اخرج منها والا کنت من المسجونین اخرج منها فما یکون لک ان تتکبر فیها فاخرج فانک من الصاغرین اخرج منها مذموما مدحورا کما لعنا اصحاب السبت وکان امر الله مفعولا اخرج یا ذوی المخزون اخرج یا سوردا سورد وبالاسم المخزون یا مبططرون طرعون عرا عون فتبارک الله احسن الخالقین یا هیا شراهیا حیا قیوما وبالاسم المکتوب علی جبهة اسرافیل المرد عن صاحب هذا الکتاب کل جنی و جنیة و شیطان و شیطانة و تابع و تابعة و ساحر و ساحرة وغول وغولة

بخود دارد بسم الله الرحمن
الرحیم اعیذ نفسی ودینی
واهلی ومالی وولدی و
خواتیم عملی وما رزقنی ربی
بعزة الله وعظمة الله
بجبروت الله وسلطان
الله ورحمة الله وغفران الله
بعزة الله وقدرة الله
وقوة الله وبصنع الله و
وبالاء الله وبجمع الله
بارکان الله عز وجل وبرسول الله
وقدرة الله علی ما یشاء
من شر السامة والهامة
ومن شر الجن والانس
ومن شر ما ذرأ فی الارض
ومن شر ما یخرج منها و
من شر ما ینزل من السماء
وما یعرج فیها ومن شر کل دابة
ربی هو آخذ بناصیتها

دفع همزات

ان ربی علی صراط
مستقیم وهو علی کل شیء
قدیر ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم وصلی الله
علی محمد وآله اجمعین حرز
دیگر ایضا وارد شده که این
دعا را بنویسد و در کیسه
خود دارد از بلاها محفوظ
ماند انشاء الله بسم الله
الرحمن الرحیم
انی اعوذ بالرحمن
منک ان کنت تقیا
وغیر تقی اخرج
انه السمیع علی تعمیل
العیب بسلطان علی
بالک علی ولا علی
سمعه ولا علی بصره
ولا علی بصره ولا علی
ولا

وکل

و کل منبعث و غابث یعبث بابن آدم و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی محمد و آله با این اشکال 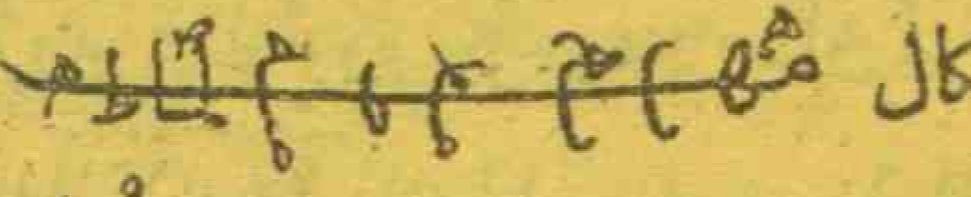

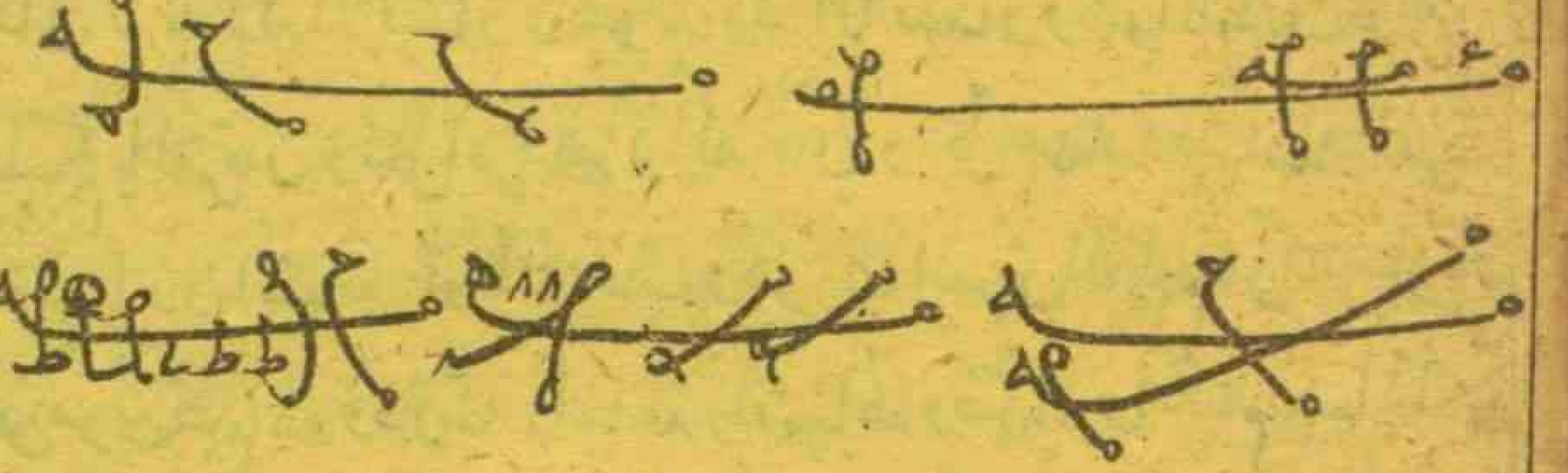

خبر خبر خبر خبر ثم ثم سرحه حلدائیل و سرجلدائیل

و ایضا عزائم بجهت دفع جنی منقول از ائمه معصومین ع بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله و من الله و الی الله و الله علی کل شیء قدیر عزمت علیکم یا معشر الجن و الجنیه و المجوس و المجوسیه و النصرانی و النصرانیه و المسلمین و المسلمات بعزیمة سلیمان بن داود علیه السلام الذی یسخر به الجن و الجنیه و الطیور و الوحوش باسماء الله نعم عزمت علیکم بالتوریة و بکل سورة فی التوریة و بکل کلمة فی التوریة و بکل امر و نهی فی التوریة و بکل عدد فی التوریة و بکل عهد و میثاق فی التوریة اخرج باذن الله نعم عالم الغیب و الشهادة و هو الرحمن الرحیم عزمت علیکم بالانجیل و بکل اسم فی الانجیل و بکل آیة فی الانجیل و بکل آیة فی الانجیل و بکل کلمة فی الانجیل و بکل سورة فی الانجیل و بکل امر و نهی فی الانجیل و بکل عهد و میثاق فی الانجیل اخرج اخرج باذن الله تعالی کل شیء هالک الا وجهه له الحکم و الیه ترجعون عزمت علیکم یا

و لا علی دمی و لا علی عصبی
و لا علی عظامی و لا علی ن
در دفع ربی و بینی
و بینک بستر النبوة الذی
استتر انبیاء الله به من
سطوات الجبابرة و
الفراعنة جبرئیل عن یمینک
و میکائیل عن شمالک
و اسرافیل من ورائک
و محمد رسول الله صلعم
امامک و الله مطلع علی
یمنعک و یمنع الشیطان
منی اللهم لا تغلب جهلی
انا ملک ان یستفزنی و
یستحفظنی اللهم الیک التجائی
حرز دیگر باخود دارد
از همه بلیات محفوظ ماند
بسم الله استعیذ ربی
و اعوذ بالواحد من کل
حاسد قائم او قاعد و کل

ام الصبیان

و کل خلق زائد و طر
ق الموارد دا القضة فی یقظة
و لا فی منام و لا فی لصف
و لا فی مقام مجلس الکبار
و او اخر الایام ید الله
فوق ایدیهم و حجابه
فوق عادیهم ایضا
در مفتاح مسطور است
که بجهت محافظت از
بلاها این دعا را بر
حریر سفید بنویسد
و باخود دارد اعید
فلان بن فلان نام او
و مادر او را بنویسد
بالواحد من شر کل
حاسد قائم او قاعد
او نافث علی الفساد
جاهد و کل خلق
قادر باخذ بالمرصد
فی طرق الموارد دان
بسم

الزبور

الزبور وبكلّ كلمة في الزبور وبكلّ اسم في الزبور وبكلّ اية في الزبور وبكلّ
امر ونهي في الزبور وبكلّ عهد وميثاق في الزبور اخرج اخرج باذن الله
تعالى لا تدركه الابصار وهو يدرك الابصار وهو اللطيف الخبير عزمت
عليكم بالفرقان وبكلّ امر ونهي في الفرقان وبكلّ عهد وميثاق في الفرقان
اخرج باذن الله تع توكّلت عليه وهو ربّ العرش العظيم فان كنتم يهوديا او
بحق موسى كليم الله وذرّيته واتباعه واشياعه وذرّياته وان كنتم عيسائيا بحق
عيسى رسول الله وروح الله وبحقّ دينه واتباعه واشياعه وذرّياته
اخرج باذن الله وان كنتم داوديا بحقّ داود خليفة الله وذرّيته واتباعه
واشياعه وذرّياته اخرج باذن الله تع وان كنتم مسلما بحقّ محمّد رسول
الله وذرّياته واتباعه واشياعه عليهم السّلام اخرج باذن الله تعالى
توكّلت عليه وهو ربّ العرش العظيم وان كنتم مجوسيا او نصرانيا او حبشيا
او هنديا او داوديا اخرج اخرج باذن الله تع وقل جاء الحقّ وزهق البا
طل انّ الباطل كان زهوقا وننزل من القران ما هو شفاء ورحمة
للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الّا خسارا دعاء امّ الصّبيان
در منهاج مسطور است بجهة دفع اذيّت اجنّه وشياطين خواندن
وباخود داشتن وبه مصروع دمیدن فائده كلّی دارد —

حرز کبیر

بسم الله الرحمن الرحيم بسم الله وبالله ومن الله والى الله ولا غالب
الّا الله وهذا كتاب من الله العلىّ العظيم ومن نقش خاتم سليمان

سمع الله لمن دعا واعتذ [illegible]
کفى [illegible] حسبي الله وکفى
بعزة الله [illegible] اعوذ من
[illegible]

بعزة الله وبنور الله
وبعزة العرش من جلال
الله وبالاسم الذي نقش
في جبين النور والظلمة
واحتجب بدون خلقه
شهد الله انه لا اله
الا هو والملائكة واولو
العلم قائما بالقسط
لا اله الا هو العزيز

ام
الصّبيا
ن

الحكيم واعوذ
بالله المحيط بكلّ شيء
ولا يحيط بشيء وهو محيط
بشيء محيط لا اله الا الله
محمد رسول الله صلى
الله عليه وآله وسلم
دعاء دفع ال زنان
در كتاب منهاج مذ
كور است كه بجهت —
دفع ال زنان وان كه
مرضع است كه [illegible]
رضع زنان نفسا
مبكردد و بعضی
گفته اند موشبیه
بجن است و درد دن
زنان را شدید
ایشان نضد ر
شاید این شكل
بران زن اویزند
اعنی كرده اند نعم
بیم
بن داود

بن داود ع وهو ملك الجن والشیاطین وکل بناء وغواص الی جمیع ما فی الا
رض کان او یکون لصاحب هذا الکتاب من الزلازل والتوابع والغیلان
وام الصبیان من الدهش والارض وجمیع الارواح الخبیثة والنجسة
عزمت علیکم یا معشر الجن ویا معشر الارواح انکنتم من الارواح
الیهودیین فانی اعزمت علیکم ایتها الارواح الیهودیین من معشر الجن
بربکم وهو الواحد القهار الکبیر المتعال وبنبیکم موسی وبکتابکم التوریة
فتبارك الله احسن الخالقین وانکنتم من الارواح المجوسیین فانی عزمت
علیکم ایتها الارواح المجوسیین بربکم وهو الواحد القهار وبنبیکم
داود ع وبکتابکم الزبور فتبارك الله رب العالمین وانکنتم من الارواح
النصرانیین فانی عزمت علیکم ایتها الارواح النصرانیون بربکم
وهو الله الحافظ الجبار وبنبیکم عیسی ع وبکتابکم الانجیل فتبارك
الله احفظ الحافظین وانکنتم من الارواح المسلمین فانی عزمت
علیکم ایتها الارواح المسلمون وهو الواحد الرحمن الرحیم الملك
القدوس السلام له الاسماء الحسنی وبنبیکم المصطفی ص وبکتابکم
القرآن العظیم یا بز وابنین وحرف وحروف فانی عزمت علیکم بمعاشر
الارواح فتبارك الله احفظ الحافظین انتم ایها الجاهلون انکنتم
من الارواح المجوسیین فانی عزمت علیکم بابز وابنین وحرف و
حروف ان لا تقربوا صاحب هذا الکتاب لا فی اللیل ولا فی النهار
ولا فی سفر ولا فی حضر واعیذه بحق التوریة والانجیل والزبور و

بسم الله الرحمن الرحیم
ااااا اب ااا ات اا
اث ااا اج ااا اح اا
اخ ااا اد ااا اذ ااا ار
ااا از ااا اس ااا ـ
ش ااا اص ااا اض
ااا اط ااا اظ ااا اع
ااا اغ ااا اف ااا اق
ااا اك ااا ال ااا ام
ااا ان ااا او ااا اه
ااا ای ااا اه اا اه
اااا ع ۴ ۸ اه اه ا
ااا ۵ ۷ ۰ ۸ ۰ لا ۰ لا

دو مثقال چهار درم ا
مذکور است در ادعیه
پناه جستن از جن و دیو
وان مشهور است بسم ا
الذئب ده دان ابن ا
بسم الله الرحمن الرحیم
الله الله لا شریک له

ام الصبیان

بالله نؤمن وبالله نعتصم
وبالله نستعین وبالله
نستجیر من الشیطان الرجیم
ومن شر ما خلق وذرء
وبرء ومن شر الجن و
الانس ومن شر جنود
ابلیس اجمعین و من
شر ما نزل من السماء
وما یعرج فیها ومن طوا
رق اللیل والنهار
الا طارق یطرق
بخیر یا رحمن ومن
شر کل دابة انت
اخذ بناصیتها ان
ربی علی صراط مستقیم
اعتقاد عاقبت کی
در جمیع الدعوات
ابن طاوس ره اخرز
بعض صم نقل
شده که از بزرگ
بم

بابات

وبآیات القرآن وکتابتها لا اله الا انت سبحانك انی کنت من الظالمین فاستجبنا
له ونجیناه من الغم وکذلك ننجی المؤمنین لا اله الا الله الغنی المغنی العلی
العظیم الکبیر المتعال الحی القیوم المنان الاحد الصمد الواحد الفرد المعز
المذل الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد بعد ایه الکرسی الی وهو
العلی العظیم الجبار المتکبر القدیم الستار العلیم القهار القوی شهد الله
انه لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الدین عند الله الاسلام ختمت هذا التعویذ
بسم الله العظیم العالی تعالی الله عما یصفون وباسم محمد صلی الله علیه و
آله وسلم تسلیما کثیرا لمن علق علیه صغیرا او کبیرا ذکرا او انثی حرا او عبدا
وبحق تعالی الله وبخاتم سلیمان بن داود وبخاتم آصف بن برخیا وبخاتم
شعیب النبی وبخاتم یوشع بن نون وبخاتم یوسف و یعقوب وبخاتم یحیی
وزکریا یا زکریا انا نبشرك بغلام اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیا وبخاتم
عیسی بن مریم وبخاتم پیغمبر محمد وبحق مائة واربع عشر سورة وحروفها و
کلامها وامر ونهی یا ذا الجلال والاکرام والجمال والبهاء احفظ عبدك
الضعیف من هذه الآفة ام الصبیان ومن کل ذی شر ومن کل هامة
ومن شر آفات الدنیا والآخرة عن جبلها وسهلها وخرابها وعمرا
نها یا غیاث المستغیثین یا جار المستجیرین یا جبار المتجبرین ویا دیان
یوم الدین وشریعة المسلمین وبحق انه من سلیمان وانه بسم الله
الرحمن الرحیم ان لا تعلوا علی واتونی مسلمین لا اله الا انت سبحانك
انی کنت من الظالمین لا اله الا انت الکریم الدیان یا اله الاولین و

ایمن شدن از جن و انس
باید نوشت و با خود نگاه
داشت تا ایمن شود انشاء
الله
وان اینست بسم الله
الرحمن الرحیم لا اله الا
الله علیه توکلت وهو
رب العرش العظیم ما شاء
الله کان وما لم یشاء
لم یکن اشهد ان لا اله
الا الله علی کل شیء قدیر
وان الله قد احاط بکل شیء
علما اللهم انی اعوذ بک
من شر نفسی ومن شر کل دابة
انت آخذ بناصیتها ان ربی
علی صراط مستقیم وان
اینجمله دعا ثبت
در مصباح کفعمی نقل
شده که تعلیم آنرا جبرئیل
بپیغمبر کرد از برای دفع جن
با خود باید داشت و خواند

ام الصبیان

اعوذ بوجه الله و
بکلمات الله التامات التی
لا یجاوزهن بر ولا فاجر
ومن شر ما ذرء فی الارض
وما یخرج فیها ومن شر
طوارق اللیل والنهار الا
طارقا یطرق بخیر یا رحمن
انتهی دعای ام
الصبیان صغیر از
جهت دفع جن و ریح
و شیاطین و خوف
وعزت یافتن در
شغل بزرگان واز
دریا گذشتن و فتح
مهمات وگشایش
کارها امید است
که در مطلب
مفید و عدو ابتدعا
موثر است
بسم الله الرحمن الرحیم

لاوزن

والاحزن رب السموات السبع وبا اله العالمین بحق طه ویس کهیعص حمعسق
وبحق الواحد الاحد الفرد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد بسم
بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا هو الحی القیوم العلی العظیم سبحان الله وتعالی
عما یصفون رب العرش العظیم الحمد لله رب العالمین کانهم یوم یرون ما
یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقین
کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحها یا مخلص عیسی بن مریم خلص
من خلق علیه هذا بسم الله الرحمن الرحیم ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و
فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر ویوم تشقق الماء بالغمام
ونزل الملائکة تنزیلا الملک یومئذ الحق وکان یوما علی الکافرین عسیرا
انا صببنا الماء صبا ثم شققنا الارض شقا فانبتنا فیها حبا وعنبا وقضبا
وزیتونا وحدائق غلبا وفاکهة وابا ومتاعا لکم ولانعامکم فاذا جاءت الصاخة
بسم الله الرحمن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا لیغفر لک الله ما تقدم من ذنبک
وما تاخر ویتم نعمته علیک ویهدیک صراطا مستقیما وینصرک الله نصرا عزیزا
اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا
من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون اذا السماء انشقت واذنت لربها وحقت
واذا الارض مدت والقت ما فیها وتخلت وبالحق انزلناه وبالحق نزل و
ما ارسلناک الا مبشرا ونذیرا ان ولی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی
الصالحین فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب
العرش العظیم بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا الله رب ابرهیم واسمعیل واسحق

بسم الله الاعز المعز
الذی خلق عز عواد
عز اعز بدیع العز
فاز والعزة له العزة
عز الله لا اله الا الله
ادم صفی الله ونوح نجی
الله وابرهیم خلیل الله
وموسی کلیم الله وعیسی
روح الله ومحمد ص ا
رسول الله وحبیب
الله یا معشر الجن و
الشیاطین والغیلان
وام الصبیان والتبم
والزوبع احضروا بارد
الله علیکم بحق عزة الله
واعظم الله وعون الله
وقوة الله وکتب الله
وقدرة الله وحجة الله
وامان الله وحرز الله
وضمان الله وهیبة الله

ع ۲
اجنه

وجود بهم القلم من
عند الله خلق الله
محمد رسول الله صم
عزمت علیکم بعزائم ا
سلیمان بن داود م
ملک الجن والشیاطین
والغیلان وام الصبیان
احضروا بارک الله علیکم
واعیذ الله من شر الاو
هام والحرمان والاو
بر والصحار عالم
اسل والجبال ودمن
ثرما یبلغ فی الارض
والجن ومن شر طه
عن بلغنه حاسد
فی کل تقوة یا معشر
الجن والتوابع وام
الصبیان اخرجوا بسم
الله الرحمن الرحیم
بسم الله العظیم یا ذا الجلال
والاکرام الذی
رد

ویعقوب

و یعقوب والاسباط وربّ جبرئیل ومیکائیل واسرافیل وعزرائیل
واعیذ من علّق کتابی هذا باسمك الاکبر وبکلماتك التّامّات الّتی لا یجاوز
هنّ برّ ولا فاجر باسمآء الله الحسنی وبعزّة ملکوت الله وعظمته وعزیمته
وجبروته وعزّته وعرشه وکرسیّه ومن شرّ ما خلق وذرء وبرء ومن
الصّامت والنّاطق والظّاهر والباطن والشّاهد والغائب والعادی
ومن شرّ کلّ دابّة فی البرّ والبحر والشجر والنّخیل والهواء والرّیح عربیّ او
عجمیّ او فصیح او قاعدًا او نائمًا او یقظانًا او ساکنًا السّحاب الظّلمة واعیذ
من علّق کتابی هذا وهو حرز الله حیث ما کان معه وبحیث ما کان
او کائن ما کان والله معزّه وولیّه وحافظه وحارسه وعافیته من عزّ
او بعرضهما به من عین او نفث او لمس او مسّ بما شاء الله لا قوّة
الّا بالله وباذن الله وبالله خمنت وبالله فخت واعیذه بالله الواحد
الاحد الصّمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوًا احد واعیذه بالله
ربّ الفلق من شرّ ما خلق ومن شرّ غاسق اذا وقب ومن شرّ النّفّاثات
فی العقد ومن شرّ حاسد اذا حسد واعیذه بالله ربّ النّاس ملك النّاس
اله النّاس من شرّ الوسواس الخنّاس الّذی یوسوس فی صدور النّاس
من الجنّة والنّاس اللّهمّ احفظ عبدك صاحب هذا التعویذ بحقّ محمّد
عبدك الکریم واله وکلامك المجید وصلّی الله علی محمّد واله اجمعین الطّیّبین
الطّاهرین والحمد لله ربّ العالمین

در باب احضار کردن اجنّه و پری

بحق نوره للجبل جعله
دکا وخر موسی صعقا
اللّهمّ بحقك بذکرك
ویرعوع انهد فتبارك
الله ربّنا وتعالی الله
الّذی هو فی السّماء اله
والجبال عبیده واکرمه
وهو الائم الّذی رابع
سواء جلّ جلاله او
تقدّس اسمائه ولا اله
غیره وعظمت الاؤه
واعیذ بالاوّل قبل کلّ
شیء والاخر بعد کلّ شیء
فتبارك الله ربّ العالمین
اخرج ایّها الشّیطان
الرّجیم باذن الله الملك
القدیم ان کنتم من الاز
واج المسلمین ومن ازواج
المجوس ومن ازواج
النّصاری ومن ازواج

وقع
اجنّه

الیهود فانّه عزمت
علیکم بالتوراة موسی
بن عمران والانجیل عیسی
والزبور داود وبصحف
ابرهیم وبفرقان محمّد
صلوات الله وسلامه
علیه واله ولا اله الّا الله الملك
وحده لا شریك له الملك
وله الحمد یحیی ویمیت بیده
الخیر وهو علی کلّ شیء
قدیر ربّ یس والقرآن
الحکیم انزل علی محمّد
سیّد المرسلین من
ربّنا الّذی لم یلد
ولم یولد ولم یکن
له کفوًا احد واحد
ولا قوّة الّا بالله
العلیّ العظیم انتهی
ابن زهره در خواص
خود آورده که
بابابا

از نسخه

بابان انا صلیب کونید چون بر مصروع ببندند هر عشن زایل کردد امضا کفته اند که خطاف دو دیناله که دو بچه میکنند هر که در چشن زیاد به نعد بماه ببندند اول بچه او را ابتکا خند سنکریزه کلا هر مبکند دو دیکه سفید دیکری ملعون چون بعد ملعون زاد در پوست کو دنا اکر در حین زائیدن باشند بر وبا اکر فیر باشند و ذبح کردن مبن نرسید بستر بر بازوی باشد صاحب صرع یا بکردن او بندند درد صرع مجرب و از معوده است

از نسخهٔ معتبره صحیح مذکور است که اکر کسی را جن کرفته باشد و بخواهند او را بحال اورند اکر جن بنظرش بیاید بیاورند ظرف ابی و در پیش ناخوش بر بکذارند و باو بکوید در اب نظر کند و بخور تخم اسپند نماید و بخواند و عزیمت شروع نماید و بخواند تا بنظرش بیاید اکر چهار نفر یا هفت نفر بنظرش بیاید باید بکوید باذن استاد دیکه باد اجازه داده یکی از شما برود قطیر را بیاورد باز شروع در خواندن نماید تا وقتیکه قطیر را حاضر نمایند از ناخوش بپرسد هر وقت او را اورند بمن بکو بعد از امدن او را خوش نموده بر اینکه خوش امدی و صفا نمودی و صفا کردی و زحمت کشیدی غرض از زحمت دادن شما اینست که بروید شیخ مرشد را زود برداشته حاضر کنی باز شروع در خواندن نماید تا وقتیکه شیخ را حاضر سازند او را نیز بطریق سابق بهمان لفظ بکوید که غرض از زحمت دادن شما اینست باذن فلانکس بروید تخت پادشاه را یعنی شاه کاظم را با تخت برودی بیاورید باز شروع در خواندن کند تا پادشاه را با تخت حاضر سازند او را نیز بیا خوش امد نموده بکوید غرض از زحمت دادن شما اینست که بعضی از بشما عرض کنم اوّلا بفرستید که یک کوسفند از کلهٔ کافر و سنّی بیاورند و شروع در خواندن نماید تا کوسفند را بیاورند بعد بر کوید که کوسفند را سر بریده بپزند و بخورند بعد قدری نمک را در آب بریزند بناخوش بکویند که اکر ترا تکلیف نمایند تو هم بخور و قبول نکند و نخورد باز شروع در خواندن کنند تا کوسفند را بخورند چون تمام کردند اکر بر

بر جسم هند و بکوید و الکفر و فساد باشند انکشت یعنی او کیجی زده بکرفته هم فشدوا الوثاق الرقاب حتی اذا اثخنتمو الذین کفروا فضرب را بخواند فاذا لقیتم جسمش هر بلا بی بر نیاید ببندند در اورا بر داشته از قوع خواهی

صرع

و از خواص ابن اشکال مجرب است که چون بنوشند و اب انرا بروی جن زده و مصروع باشند جن بد ابو خنن ابو انرا تعر ابون اندا خنن و ان اواه اه لبستن چون صرع در مصروع ظاهر شود انکشت ابهام دستها و پاها

بسم الله حسبنا الله رسول
الله نبی دیوانه برخیزد
ایضا بجهت دفع صرع دد
کتاب معالم و غیره که
عطا مصروع در هم بخوره
افتاده باشد باید گفت
از پای خود بیرون آورد
ببرد و در مصروع بخواند
کشند و دعا که ملا کرد
میشود باید خواند و
گفت را بر دامن مصروع
باید زد و دیو بالای پیشانی
مصروع بگذارد و نهیب
داده که برخیز مصروع
برخیزد و دعا این است
بسم الله الرحمن الرحیم
هو الحی القیوم وعنت
الوجوه الرحمن الرحیم
هو یا من هو یا من
لیس احد الا هو (و)

حرز کبیر

یا من اخر کیف الا هو
الرحمن امره بین الکاف
والنون اذا اراد شیئا
ان یقول له کن فیکون
سبحان الذی بیده
ملکوت کل شیء والیه
ترجعون یا من هو هو
ولا هو احد الا هو الا
الله واحد لا اله الا
انت یا فتاح [illegible]

[illegible]

خواهی تحقیق حالات نمائی مثل اینکه فلان مطلب چطور باید بشود چه باید کرد و فلان کس مرضش از چیست و معالجه چه باید کرد فلان چیز معالجه میشود فلان ناخوش بحال میاید فلان چیز در فلان مکان هست فلان مال را که برده دزد کیست وغیر ذلک بعد از اینکه گوسفند را خوردند بناخوش بگویند که اظهار خوش آمد گفتن بگوید فلان کس میگوید باذن فلان کس اگر فلان مطلب را میدانید بگوئید و اگر نمیدانید مشخص نمائید و بگوید که چه باید کرد و چه میشود آنچه بگویند راست خواهند گفت و خلاف نمیشود دیگر از زبان بناخوش بگوید ای پادشاه تو پادشاه اسلام هستی بچه سبب و علت این مسلمان را اذیت مینمائید اگر ناخوش بگوید میگویند اذیت شده یا کشته اند آدم یا دیگر فلانی میگوید باذن فلان کس اگر اذیت شده یا کشته شما را بحال میآورد دست از این بیچاره بردارید اگر بگویند بلی بگوید بناخوش نگاه کند هر وقت اذیت شده یا کشته بحال آید خبر کند و عزیمت که اشاره میشود بخواند تا بحال بگو ای پادشاه حال ناخوش شما بحال آمده دست از این مسلمان بیچاره بردارید اگر بگویند بلی فیها والا بیاورند شیشه را سر او را در کنار ظرف آب گذارند و شروع در خواندن عزیمت که اشاره میشود نمایند تا وقتی که ناخوش بگوید همه داخل شیشه شدند آنوقت سر شیشه را بموم گرفته این اعداد را دور او نقش کن و ۶۲ ۱۴ ۱۳ ۵ شیشه را در جائی نگاه دارد که تمام شود و اگر ناخوشی ۲ ۸ ۴ ۱ ۵ ۲ ۸ که جن بنظرش میاید ولکن ناخوش او از جن باشد در سه ۴۱ روز هر روز عزایم این را که اشاره میشود

دهمان را عونشد یانچو
داده ازوش جن و دیو
ویرا دو دامان خدا
باشد اثر در دو حال
بحال اول دون جن زده
ومعلوم شود ان این
طلسم را بر در دماغ دیوانه
دو دو دهد تا معلوم شود
اطلیم اصلیم اطلیم
اطلیم ع ر ان ع ع اطلیم
اطلیم اصلیم فرعون
اد عمرود هامان علیقا
شیطان انت سکنت ملیقا
ملیقا بر دماغ دیوانه
انصبا دو دو دهد این شکل
۹۶۰ ۷۸۱۱ ۱۱۱ ۹
طلسم را ابن بیر ربد
کبیر حرف
این ودرد دماغ جن زده
و بیهوش درد کند
بیهوش ابد اثر
۲۸ ط
[illegible]
اگر خواهد معلوم کند
جن زده هست یا نه
این طلسم را در دود کند
دماغ او دود تا معلوم شود

براو بخواند تا سه روز بحال بیاید رباد تر باید خواند و دیگر انکه
بر جن گرفته عزائم کنند بعد از عزائم ده مرتبه ده ابر از سوره قل اوحی باید
خواند و بنا خوش دهد واگر بجهت زنی که اولادش نمیشود با بیماند ده ابر
از سورهٔ کهیعص بخواند بدمد اما عزائم که باید خواند حاضر شوند جن
است بسم الله الذی سخر له الشیاطین اجیبونی اجیبونی الطالبون
میرزا قریش میرزا قریش جا هوش جا هوش کنوش ملک الحجاب احضرو
بحث جنبک السن السن تلسن تلسن احضر احضر یا پادشاه بکتانوش
یا مالک العرب و العجم یا صاحب الجن و الانس اخول اخول تاج الملک
بحبا بحبا ساغر ساغر کهلا کهلا مهلا مهلا حتما حتما حیثا حیثا بحق
میمون حبشی و میمون زنگی و میمون بن المیمون هاهبا هاهبا بحجمل بحجد ملد
بحجد و مهلد بحجد و مهلک بیلا بیلا کونی بحی تشکری برزنکی و انکسم
یهودیا او نصرانیا او مجوسیا او هندیا او شرقیا او غربیا او یمینیا او یسریا
یا احسن المجوس و المجوسیه و النصرانی و النصرانیه فی قلوب بنی ادم و بنات
حوا عرفت علیکم بتوریة موسی و انجیل عیسی و زبور داود و صحف
ابرهیم و فرقان محمد انبعثونی الی مجلس هذا بحق انکوش و تنکوش
و محبوبوش انه لقسم لو تعلمون عظیم امتوهن فاجرا یا بنا هلیکا ملیکا
نفیطا طارش طورشا یا رحمن یا رحیم اجیبوا هن اذ هن نعطی بحرمة
مشمشمه طلح و بحرمة سلیمان بن داود و نقش الخاتم و ما فیه
اقصوا حاجتی و الا فسلط الله علیکم شواظ ملائکة من نار و نحاس

۱۱۱ ۱۱۱ ع ع ع ۱۱ ۱ ه
۱٥ ۱٥ ۱٥ ۱٥ ۱٥ ۱٥ ۱٥ ۱٥ ۱٥ ۱٥
۱۱ ۱۱۱۱ ۷ ۶ ۲ ۱۱۱ ۱۱ ۹ ۴
۳ ۸ ۹ ه ه ۱۱۱ ه ه ه ه

اکبر جن
گرفتن باشد
بیهوش باشد
با جنی

مرجع و کتابخانه علوم باطنی

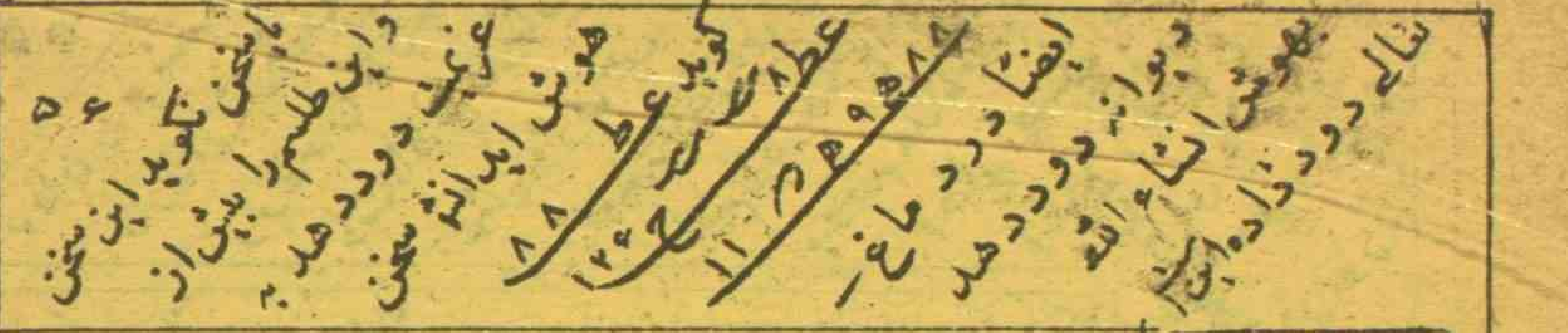

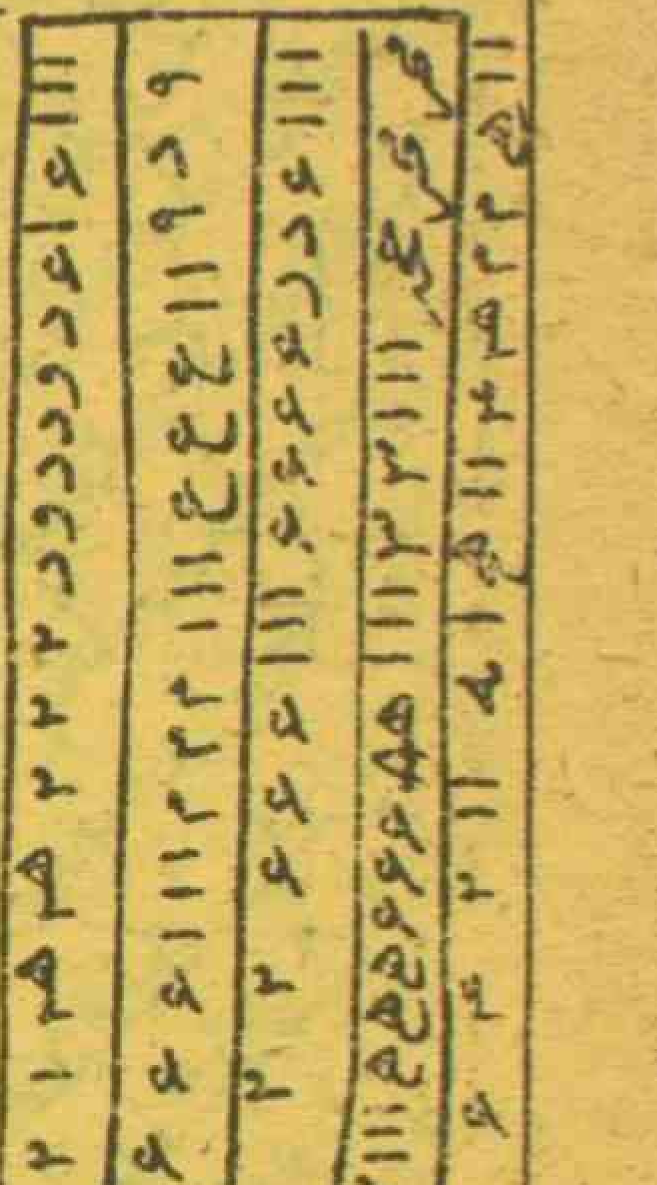

٩	٩	٨	١١
٧	١٢	٣	ک
٤	لا	٣	ک
ط	ع	١٩	ع

ایضا
این طلسم را بر دماغ
دیوانه دود دهد
بهوش آید انشاء الله

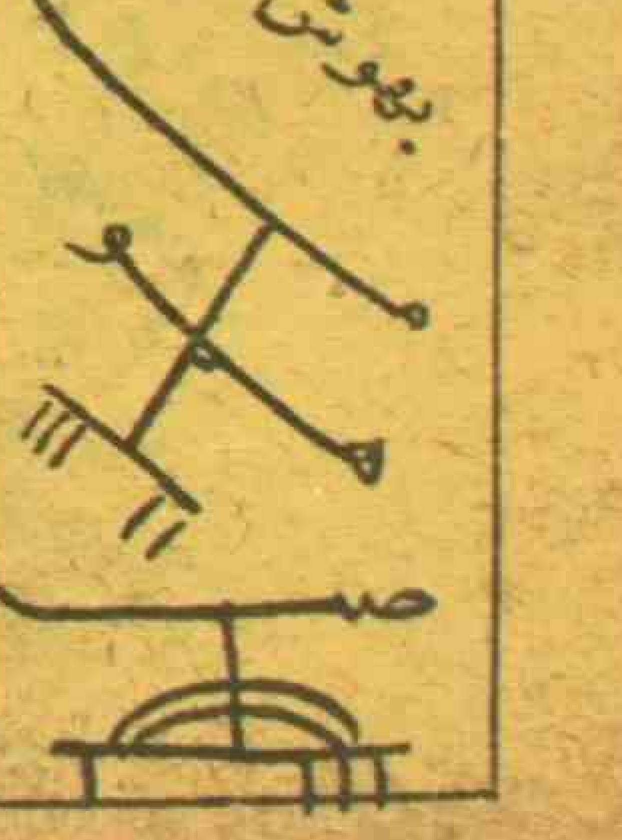

فلا تنضران بضربون وجوهکم وابدبکم باذن شیخ محمد نام استاد برابرد که اجازه باو داده. و در وقت مرخص کردن سه مرتبه باید گفت انصرفوا وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل اما هر وقت برای ازادی عزیمت کند دو مثقال نقره در آب اندازد و او متعلق بمعزم دارد خودش میداند بهرچه صرف کند مختار است و باید هرچه ازین باب پیدا کند هر ساله عشری از ان بجهت مرشد تصدق نماید تا خطا واقع نشود اما عزیمت که باید خوانده شود اذیت شده یا کشته جنیان بحال بیاید این است – عزمت علیکم یا جن بالعزمة التی عزم بها رسول الله ص و علی بن ابیطالب علی جن وادی الصفراء واطاعوا واجابوا لما اجبت واطعت وخرجت عنه بحق ونزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین باید خواند تا بحال آید و عزیمت خوانده شود تا جنهائی که موذی بیمارند در شیشه روند بشرحیکه ذکر شد این است اخذتك و بطشتك مثل اخذ سلیمان بن داود ع الشیاطین والجن بالعذاب والیعود اعزم علیکم بالذی سخر محمد صلی الله علیه واله ان لا تبرح من هذه القارورة الا باذن فلان نام استاد را ببرد که او را اجازه داده. اعلموا ان الله علی کل شیء قدیر اجب یا مطیخو طاش بحق بش بعطش ببی سه مرتبه العجل العجل العجل سه بار الوحا سه بار الساعة ایضاً عزیمت که باید خواند از برای عرب بضی که جن بنظرش بنماید سه روز اگر خوب نشد زیاد تا هر دو روزی سه بار باید خواند وان این است بسم الله الرحمن الرحیم

ع ھ ھ ھ ۸ ۸ ۸ م م م ااا صح صح ااا ع ع ع صم صم صم

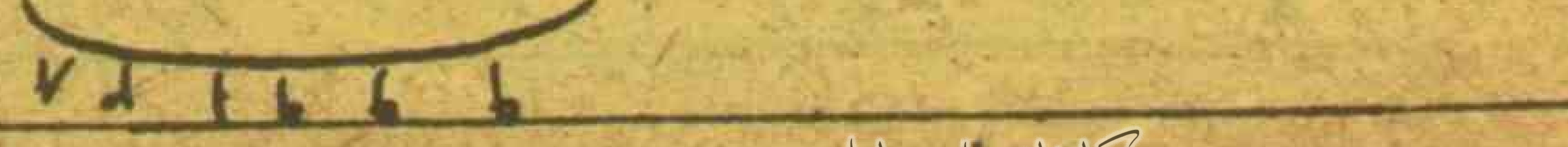

ایضاً در درد بینی ۱
عکیده در درد دامن
دود دهد بهوش آید
هططططططط ططوم
ایضاً در درد دماغ دود
دهد ع ع ع
بشکل ۵ ... ایضا این
را بخود دیوانه
سر روز بند بند بعد
در قبرستان قدیم دفن
نماید مجرب است الخ

الحمد لله الذی خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذین کفروا بربهم یعدلون عزمت علیکم یا معشر الجن والجنیة والیهود والیهودیة والنصرانی والنصرانیة والمؤمنین والمؤمنات والمسلمین والمسلمات بعزمت الله وعزمت رسول الله صلی الله علیه واله وعزمت سلیمان بن داود ع ابتدا و عزمت علیکم بکل اسم فی التوریة وبکل سورة وکلمة وحروف فی التوریة قم اخرج یا جنی یا جنیة یا ملعون یا ملعونة یا شقی یا شقیة یا داء یا ریح یا انة یا زحمة یا علة من جسد فلان نام مریض را برد من مخ الی العظم ومن العظم الی الشحم ومن الشحم الی اللحم ومن اللحم الی الجلد ومن الجلد الی بین السماء والارض قم اخرج باذن الله وبقوة الله وبقدرة الله وبعزة الله وبجلال الله وبجمال الله وبعظمة الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم انتهی وعزمت علیکم بکل اسم فی الانجیل وبکل سورة وکلمة وحروف فی الانجیل تا لا اله الا هو که در توریة نوشته شد ابتدا و انتها اشاره رفته است وعزمت علیکم بکل اسم فی الزبور تا لا اله الا هو الحی القیوم وعزمت علیکم بکل اسم فی القرآن وبکل سورة وکلمة وحروف وهی فی القرآن قم اخرج تا الذی لا اله الا هو الحی القیوم و در همه عزائم از قم اخرج بخواند تا لا اله الا هو مکرر در قرآن بر یاد نی امر و نهی پس بگوید وان کنتم یهودیا بحرمة موسی کلیم الله وان کنتم نصرانیا بحرمة عیسی روح الله وان کنتم مسلما بحرمة محمد رسول الله ص ان لا تقربوا لهذا المریض اگر دنی باشد

فی الصحف وبکل سورة الی لا اله الا هو وعزمت علیکم بکل اسم فی ۲

۹	۳	۸
۲۹	۵	۱۶
۲	۲	۹

۲	۷	۵
۹	۵	۱
۴	۳	۸

۴ ۴ ہو ۸ ۸ ۸ م م ۱۱۱ لو صح ۱۱ ع ع ع

ـــ ـــ ـــ ۹ ۶ ۹ ۸ ۱ ۴ عو عو ـــ

این طلسم را
تعوید بجوید دیوانه جهد
احنه دفع
مجال ابد ابد انم

ایضاً احضار جنه
احضار دیگر از نسخه
طریق دیگر جامع الدعوات
باین طریق که هرگاه
زن یا مرد یا کودک
را جنه بر کی بر
بیاورند طاس در
دور طاس این آیه
قومنا اجیبوا داعی
الله در سوره ۲۰
احقاف [illegible]

اهذا المریض و الا فسلّط الله علیکم شواظ ملائکة من نار و نحاس فلا تنتصران
یضربون وجوهکم و ادبارکم باذن فلان که با و اجازه داده نسخهٔ
دیگر بجهت احضار جنّ ازجمله مجرّبات است در حضور مصروع
و افغی هفت مرتبه بخواند و بهر کجا بخواند جنها تمام حاضر شوند و اگر
در میان دو انگشت خود بدمد تمام حاضر شوند و مصروع تمام را
دیده و سؤال و جواب نماید در خواندن بگوید بسم الله الرّحمن الرّ
حیم اجم الجاجام اجم دیم غلبام برسیم برسین الجام الجام اگر کسی -
خواهد که جن و دیو و پری حاضر شوند و باوی سخن گویند این اسما
را چهل مرتبه بخواند حاضر شوند اَشدَهَشَ وَهَشَ وَهشَتَ وَهَلَیلَ
وَهَیلَ وَهَانَ وَهَفوُرَ وَصَدّعَ **دعای دیگر** ترس از دیوان
و پریان زده باشد بسم الله الرّحمن الرّحیم عزمت علیکم یا ملک الرّبّان
اجیبوا الی الله تاخ ناخ بوارش نوریشا حدثٌ هِدَاثٍ مُکدَّثٍ
ببنهآءٍ متجاج هَل هَل مَهلَهِلِ السبح ابح طبیبٍ طمرطمٍ ند خادقَ -
بمحارق یا معقوشبتر طیبّتر نوراً نوراً ولا نوراً حیّاً محبّاً حقّاً حقّاً ان -
یکلّمنا وَاجبنی مسخّرتی وَلاحول وَلا قوّة الّا بالله العلی العظیم ای
جنّیان و دیوان و پریان و همزاد برّی و بحری و کافر و مسلمان
صاحب دعوت حاضر شوید هر مضرّت و رنج و اسیبی از شما به
صاحب این دعوت رسیده باشد بیرون کنید از سیصد و شصت
و شش رگ و چهار صد و چهل و چهار پاره استخوان و هفت اندام او

٣ ٨ ١ ٨ ١ ٣ ١ ١ وی می ک ل م ١
لا ١ ٣ ٤ ١ ١ سح ٩١ ٨ ١ ٨ ١ ح ١ اهیّا
شراهیاوده ٨ لط وحی ٨ ال ایّ هیّ
سلهم عو ٢ ١ ١ م لی ٥

و بر دست راست
دیوانه
بیرون

دیوانه بعد تا نکاه
فرو بسد در دست
دو و این دعا را بر
دو دیگر دیوانه بگذ
بار دو طاسی بریزد
العظیم را بخواند و آب
آیة الکرسی تا الخالد
کرد دیو ملبوس شود بکشد
بنویسد و حفظ منزل
ناخن غلام مبینی را

کنید بسم الله الرحمن
الرحیم طوما الرحمن و نعم الوکیل و
بطسوما الرحیم و نعم النصیر و
حسبنا الله و نعم المولی
و صلی الله علی محمد و آله
اجمعین الطیبین الطاهرین
هر بن علیخا مکسشتا
مرنوش دبرنوش شا
نوش کنطیطوس قطرس

حرز دیگر کبیر

ناحره و بجهت دیوانه این شکل
دست دیوانه
رانو بنید رو و ارس
حوکود رو و ارس جود
ور و ارس جود
ور و ارس
سک رو و ارس
سک
اللبب
ایضا ابن طلسم را
بنویسد بخورد دیوانه
دهند انشاء الله

دیوانه یا پری نعش

۴ح مر عهه اسه عرده عسهسهلی اباع لا

بیرون رود و دیگر بگرد پیرامون او نگردد و دست دیگر از او باز
دارد بعزة الله و قدرة الله و حکمة الله و بحق سلیمان بن داود ع یا
یا معشر الارواح قم اخرج باذن الله تعالی بحق اهیا شراهیا اذونی
اصباوت یا معنوش طوش منطوش اشحالوش پرده بحق نور لی یا
یا نور یا لا اله الا انت و بحق عزمت علیکم یا بکتانوش ملک الجن و العرب و
العجم و بحق اعل وابول و اخول اونارا بجنبا ملکا صارا اصاد اکبهوله
خنا خما منبرا اعجل عجل یا بکتانوش یا کبکاوش بحق رب العالمین باسم فلان
بن فلانه یا رب العالمین و قل او حی را تا آخرش بخواند که حاضر گردد بدبر
حول الله تعالی ایضا ناخوشی که غش و اغماء عارض شود در دماغ ناخوش
دود کرده که یحال ابد علیقا ملیقا تلیفا حا فوق ما فوق سافوقا
لافوق ۲۱ ۱۳ع ۴۱۵ ۵ و بعد از تمام احضار دعاها
و احراز مذکور شد مثل ام الصبیان و حرز کبیر و غیره را بنو
بیند و برو ببندند و اگر دعای سیفی و علوی مصر را برای جن
زده با خود داشتن فائده تمام دارد. اما باید بیمار را تا چهل روز
از خوردن حیوانی و ترشی منع نماید خطر دارد و این دعا با مربعات را
ببازوی او ببندند بسم الله الرحمن الرحیم یا تمحیثا یا مشطیا یا تمثا
حیثا یا نغضی یا هانی یا سمطلطی ما شیطح یا مشطع یا طوریا دلحی یا با
لوکی یا سمیا یا طوشیا یا منفسا یا کریما مفشیل یا مهشل هشا یا ذویا
یا شا یا دیود آتا یا الفتح یا تملیخا یا شلمکینا یارد وا یا ملکا یا مشابغی یاد

ایضا بو دست جن دیو
انه نویسید یا الله یا الله
یا لا اله الا انت ای سر
مهم عسخم ایضا بگوید
نگاه کند و کارد بر طاس
زند بگوید بسر بار تقوه
ادخلوه اول برایه بر نفس
خود این دعا را بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله العزیز الروعز

احضار
اجنه

العزیز فی علوه
عزه فانه العزیز ا
المتعذر فی ع العزیز
ذل بعزته کل عزیز
الله لا اله الا هو
علیه توکلت و هو
رب العرش العظیم
ما شاء الله کان و ما
لم یشاء لم یکن ابدا الکب
سمیع تا و الله سمیع
علیم احد ذوه من
نفخ من جمیع تم د
بلاء و عمل کره عن
حذر الله الا شناط
بنی اسرائیل الف
امر بعضهم بعضا سحر
نفخ من کل شیطان
تحضر و منطط
و عیلته و اعینه
بما عادت م
مدیم

زنور

سطرس بكهنموث جبرائيل ميكائيل اسرافيل عزرائيل

صعهاع
صاء حص
هـ هـ هـ هـ
سمرا
معطاطا
معى

لعيم اتقوا الشيطان الرجيم
آية الكرسى را بخوانند
منديل ابو مبين

طلسم

اما صفر مرد روز غرة
با هيبت و تسلط و عبادتهم
فوايد فائده دارد
و از جميع و از آنكه اغاز عزيمت
كند با نظر يق نقوه هذا
مهش ما رهشا شعبان
يتهل بالمهش
المندل المندل المهش
المندل المندل

احنه
احصا

الوحى الوحى الوحى
ايضا بكوبيد تا جن حاضر
شود بادابت عزيمت بخوانند
احضروا يا عدوا فه
و مقام جميع احيوا داع
الله فليس بمعجز في الارض
وليس له من دونه اولياء
اولئك في ضلال مبين

بوجمل تبتشا الى الله بصير الامور اللهم يا سفيح له مح بعطى مهسما يا سمل و و مره بحق هذا الخاتم وقل جاء الحق وزهق الباطل ان الباطل كان زهوقا وننزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمؤمنين ولا يزيد الظالمين الا خسارا يا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان وبحق انه من سليمان وانه بسم الله الرحمن الرحيم الا تعلوا على واتونى مسلمين برحمتك يا ارحم الراحمين

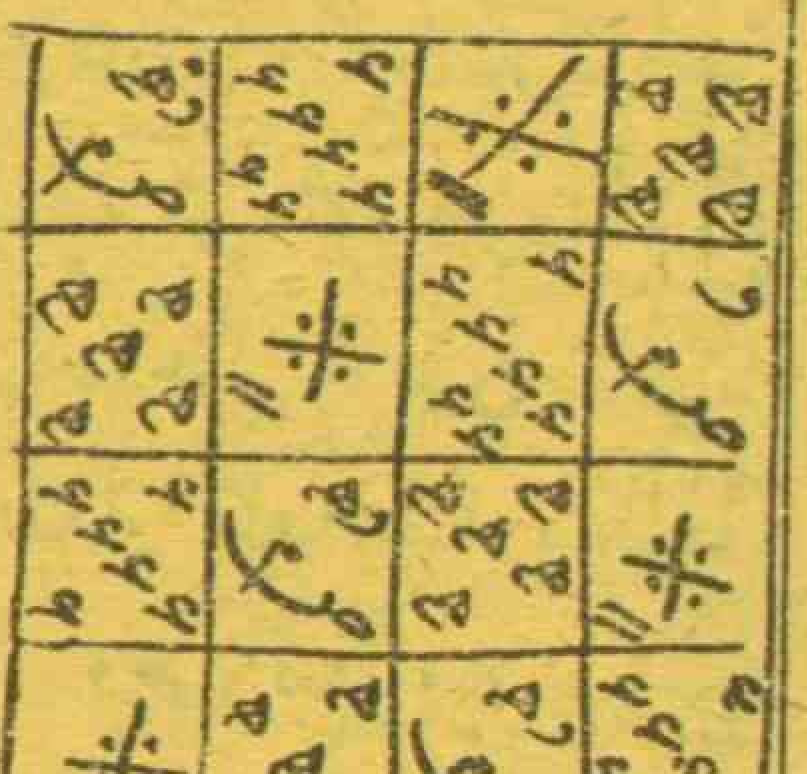

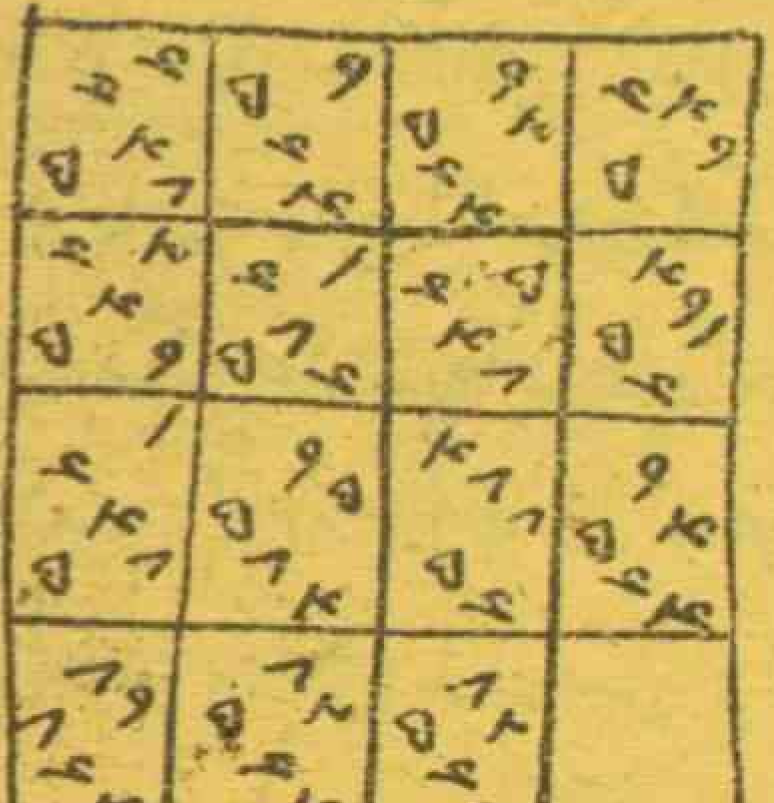

بحق فالله خير حافظا وهو ارحم الراحمين وبحق هذا الشكل

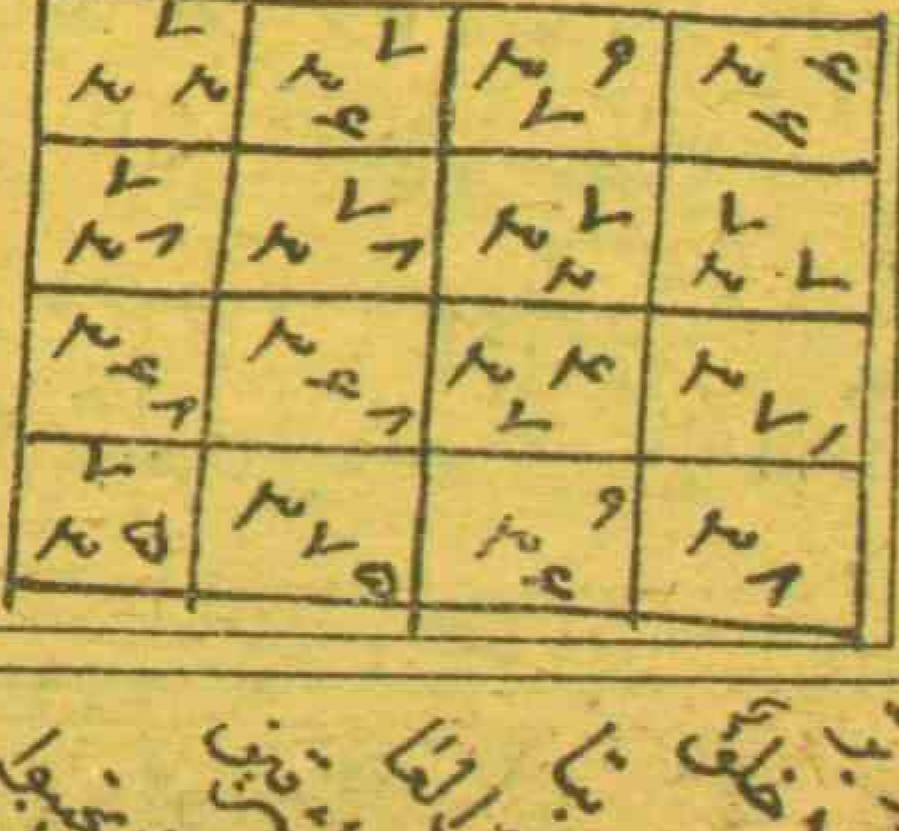

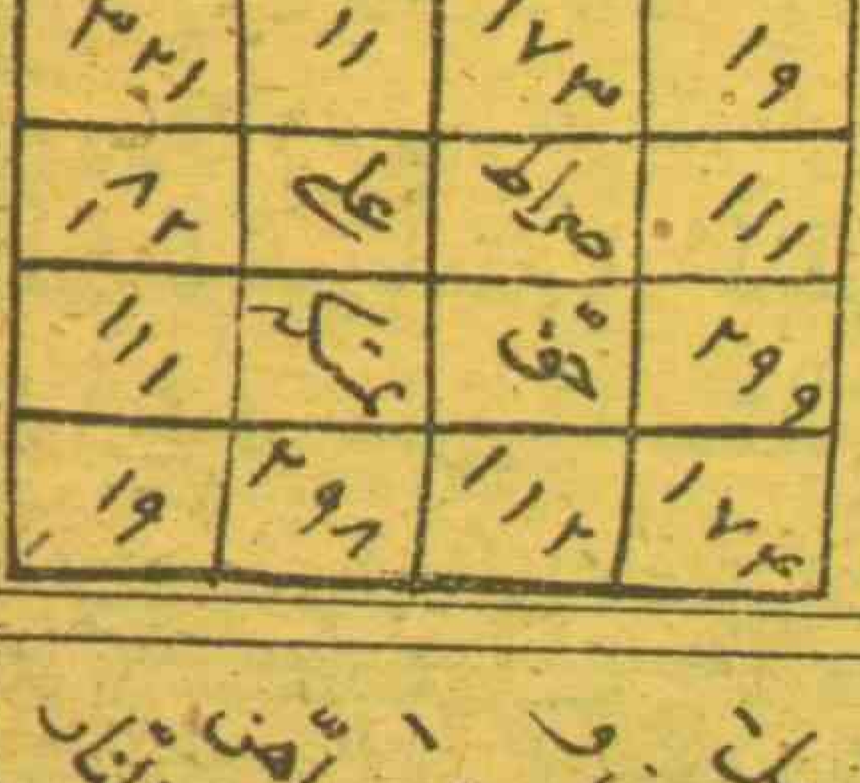

و لا تقلك ارض و لا
سماء و لا مجب و لا جبل و لا خلق
من خلق الله و لا بنا
و لا الله و رب العا
لمين و رب المشرقين
و المغرب جميعا
و احضروا و ملك
تنها بمبين و
ثنها بمبين و
معشر كل ها هن
كل ها هن النار
عن

بسم

من النار وعن یمینك
والنار عن شمالك
والنار من تحت ا
فہ میلیخ خخ یحیبوا
واحضر و ا ا الواحی ا
الوحی الوحی العجل
الساعہ الساعہ ان
ربی علی صراط مستقیم
وچون سر بار بخواند
از دیوانہ پری مثل
کہ مبتلیح میکوید
پری پس زن اثبت
ی بیم مسلمان یا جهود
یا مرد مسلمان عقد کنند
معلوم شد عقد نکرد ابتها
دیکھو بد عقد شہطلب
الوو وراح شهشها حنا نا اعنا نا
فرد قبها راجون انجلج
راخواند عقد بستہ شود
دیکھو بد بیم سب انار
یجاره چه میخواهد و از این
از این بردارید و کنہ
دیگر از این غرض را بہ
خوانم بسم اللہ الرحمن
الرحیم انا فتحنا لك
فتحا مبینا ودع و دع
میمونہ ضدیقہ و

بسم اللہ الرحمن الرحیم اللہ قدیم ازلیٌ یزیل العلل وهو قائم ازلیٌ بالا
ذلیٌ یزیل العلل لم یزل ولا یزال برحمتك یا ارحم الراحمین یا حیّ یا قیوم
یا رؤف یا رحیم یا حافظ یا حفیظ یا قهار یا جبار یا غفار

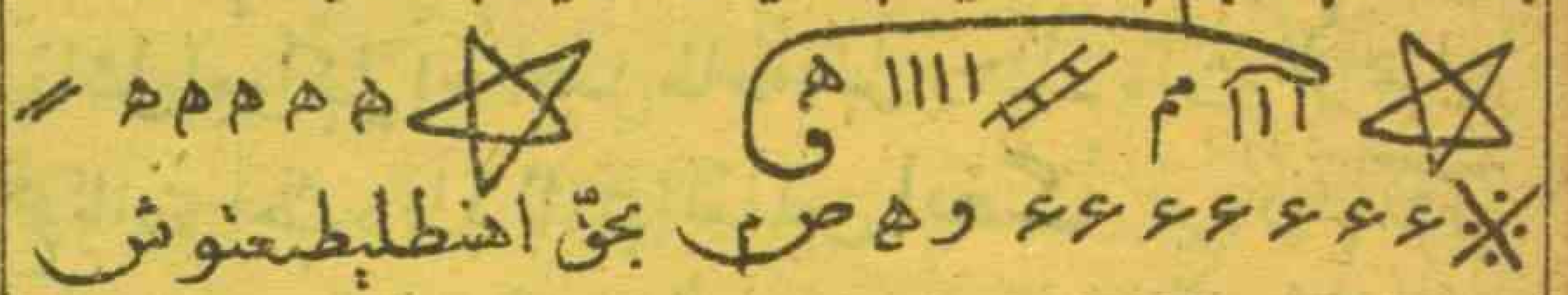

بحق اهطلیطعنوش
عجـ یا عبد الرحمن بحق میطظرون طرعون مراعون اهیا ـ
شراهیا بحق ۳۱۹۴۵ بسم اللہ ارقیك من كل عین حاسد اللہ
یشفیك بحق هذا الشکل

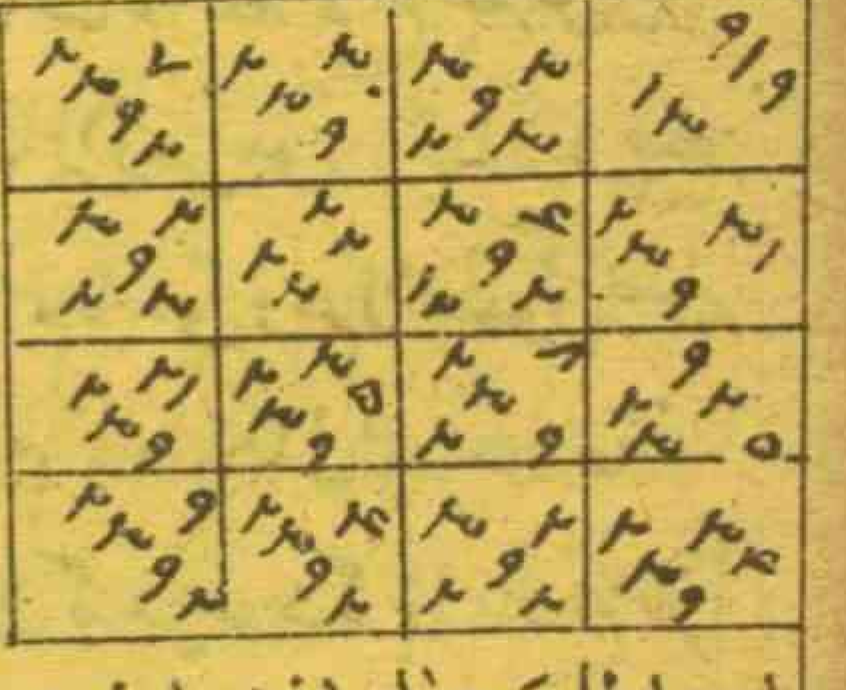

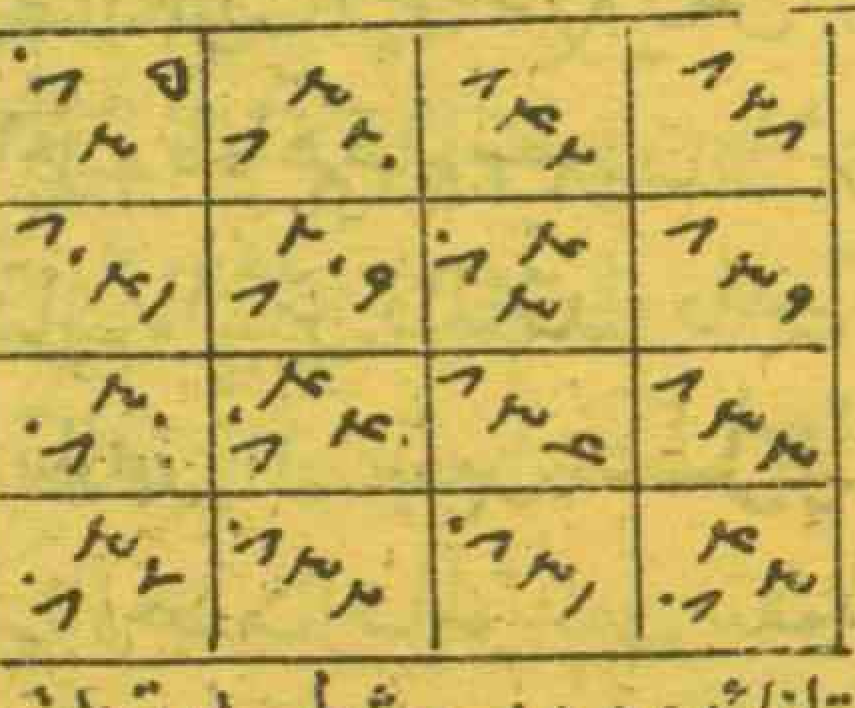

احتیاط هر چهار نسخہ را بنویسند تا فائدہ دهد و شرط است ترتیب
نوشتن اعداد بر نظم طبعی و مجموع هر سطری با سطر دیگری هذا باتطرا

سلام	قولا	من رب	رحیم
رحیم	من رب	قولا	سلام
قولا	سلام	رحیم	من رب
من رب	رحیم	سلام	قولا

یا رحمن	کله	شی	وراحمه
وراحمه	شی	کله	یا رحمن
کله	یا رحمن	وراحمه	شی
شی	وراحمه	یا رحمن	کله

لتہ و ترنخ ویبا
الکرسی تا عبد بحق و بین
بحق از دیر بدین
والظل والحرور
منذ بحق النادر
اورا ادبیت نزلت
تابع متوبد ودیکی
نکاح ایم کی نکاحدو
کی بیند و تامن
مثان تامن بندم
جناد یا حنان
میمونہ مبارکہ

مرجع و کتابخانہ علوم باطنی

اعیذ کلما بکلمات الله التامات واسمائه الحسنی کلها من شر السامة
والهامة ومن شر عین اللامة ومن شر حاسد اذا حسد سبحانک یا
لا اله الا انت خالق کل شیء ووارثه ما له الالهة الرفیع جلاله بحق
دردائیل امواکیل اسماعیل طاطاعیل برحمتک یا ارحم الراحمین
بمعجح یا الله اجب دعائی یا رب العالمین **ایضا** بتجربه رسیده است
که اگر کسیرا جنون گرفته باشد و مصروع شده باشد اینرا در پنج سطر
طوریکه حروفات اورا مفتوح قلمی نمایند و بر بازوی راست او بندند
بزودی شفا یابد آنست تمّ بسم الله الرحمن الرحیم ونفخ فی الصور فصعق
من فی السموات ومن فی الارض الا ما شاء الله ثم نفخ فیه من روحی
فیه اخری فاذا هم قیام ینظرون واشرقت الارض بنور ربها ووضع
الکتاب مالنبیین والشهداء وقضی بینهم بالحق وهم لا یظلمون صلی
الله علی محمد واله اجمعین **فصل چهارم** در ابطال سحر در حدیث
معتبر از حضرت امیر المؤمنین منقولست که فرمود که برای دفع سحر این
تعویذ را بر پوست آهو بنویسند و با خود نگاه دارند بسم الله وبا
الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم قال موسی ما جئتم به
السحر ان الله سیبطله ان الله لا یصلح عمل المفسدین ویحق الله
الحق بکلماته ولو کره المجرمون فوقع الحق وبطل ما کانوا یعملون فغلبوا
هنالک وانقلبوا صاغرین ودر روایت دیگر فرمود که اگر از ظالمی یا ساحری
ترسی بعد از نماز شب ویا پیش از شروع در نماز صبح روی بجانب خانه او

وتجلینا ثم خر علیه و
اکر یهودید بحق توریة
موسی وعصاء موسی
وبحق موسی بن عمران
وبحق طور سینا والحر
مسلمانید بحق الرکن
والمقام بحق رجب و
شعبان و رمضان و
بابرزو بریدن هفت
اندامش بجایگاه نگاه
دادید والسلام
علیک یا معشر الارواح
شیشم تقیه یا طلاطش
وابن طلاطلیس یا جا
ورد بکبریکف دنشد بوا
بولیسند جق حاضر شو
وجفهاء دبکبریا بید
لنحشرنهم والشیاطین
ثم لنحضرنهم حول جهنم
جثیا ولقد علمت الجن

اجتنب
اخصا

انهم لمحضرون انه
من سلیمان وانه بسم الله
الرحمن الرحیم الا تعلوا
علی وأتونی مسلمین و
دیگر اینعزیمت بخوانند
عزمت علیکم بالله
الذی بعث فی الامیین
محمدا وبحق نبینا وبالکتاب
الذی نزل علی موسی
وهرون ثم الله
الذی عزتها علی
الحق وباسمائه
المکتوبات فی العرش
التوریة والانجیل
والزبور وبحق نبی
محمد صلعم وباسمه
الاعظم الاجل
الاکرم المخزون
المکنون الذی
اذا دعی اجابه
واذا

کن

کن وهفت نوبت بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله سنشد
عضدک باخیک ونجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بایاتنا انتما ومن
اتبعکما الغالبون **ایضا** بجهة ابطال سحر با خود دارد بسمله وقدمنا
الی ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا وجعلنا من ایدیهم سدا
ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون والقی السحرة ساجدین
قالوا امنا برب موسی وهرون قال امنتم به قبل ان اذن لکم انه لکبیرکم
الذی علمکم السحر قالوا ان هذان لساحران یریدان ان یخرجاکم
من ارضکم بسحرهما بحق کهیعص وبحق حمعسق وبحق صم بکم
عمی فهم لا یسمعون ولا یتکلمون **و در خزانة الاسرار**
اورده اند که هرکه ایه ما تتلوا الشیاطین علی ملک سلیمان الی قوله
لو کانوا یعلمون را از سورهٔ بقره بر طشتی نویسند و بکند و بخور کند و
به اب بشوید وازان اب بخورد سحر درا و اثر نکند واگر مسحور باشد بر طرف
گردد واگر مسحور یا مجنون یا چشم بد رسیده از اب غسل کند بر طرف
گردد اورده است که اگر ایه کریمه وما محمد الا رسول قد خلت الی قوله
وسیجزی الشاکرین را از ال عمران بر دامن زنی نویسند السحر باطل
شود **ایضا** هرکس ایه ومن یهاجر فی سبیل الله یجد فی الارض
مراغما الی قوله عفوا رحیما را بر دست راست بنویسد وازا بلیسد
تا هفت روز متوالیا در مدت عمر وجود سحر برا و کار نکند شیخ ابو
العباس یونانی گفته که شرط نیست بر دست راست نوشتن وهفت

اذا دعی اجابه واذا
سئلت اعطی وانکتم
جنبا ضروس وانکتم
ینفخ علیه المبکار ان
کنتم سحرة منا عمال دان
افضنا ثم حسید اخنج
عنق واثم فیر بر
عینک ذلک باذن
الله ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم
وجون بنجن ابایمی
ازاو از کجا میناثی وجم
ازاو از کجا وازکدام
نام دارید وابنا سیچرکناه
قبیله اید چون حال و
کرده است چون بکوید در
وابکوید بیی بکوید بیجاره
رویه ازتن ابن بیجاره
اخرج باذن الله تعالی
اخرج بما فیها ان بکبران
کنتم بکبیر ایها اخرج

احضار اجنه

فقال یا معشر اهل لم
المنصورون بیجارگ
بکدون بباید بکوید
اخرج باذن الله ان
یخرج الله بالامر الله
اخرج فانک رجیم
وان علیک لعنتی الی
یوم الدین ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی
العظیم پس هرگاه
دبانی کرده باشد
ابن تعویذ را
بنویسد بخور دهند
دهند کشاده کی
بفرمان خدا تعالی
ابنوا یا ابنوا المعلی
سمعلوی تا
الجلال والاکرام
زنده کی من الغفران
ما هو الاشفاء ورحمة

نوبت استعمال کردن بلکه بر هر دست باشد و مکتوب کردن نیز همین فائده
میدهد اما بر روغن کاو باید نوشت و بعضی کفته اند تعلیق این اسم نیز
ابطال سحر میکند و سورهٔ مبارکهٔ معوذتین را خواندن و با خود داشتن
سحر را باطل میکند **و از خواص** اسم قائم و واحد که اکر امید و اسم بدیع
را بطریق امتزاج بر کف دست مسحور بنویسد سحر باطل کردد و امتزاج
آن بدین طریق است ق و ای اح م د و اکر این حروف را نوشته و شستند
بکژدم کزیده دهند درد ساکن **فصل پنجم** در دفع چشم بد و
در احادیث وارد شده که چشم بد را تاثیر میباشد مرویست که با
باشد که آدمی را بقبر و شتر را در دیک داخل میکنند پس کسیکه چیزی
او را خوش آید او را از کسی الله اکبر و در روایت دیکر فرمود که نام
خدا ببرد و از حضرت صادق ع منقولست که چون چشم کسی در او باشد
و با چشم او در کسی تاثیر کند سه مرتبه بکوید ما شاء الله لا حول و
لا قوة الا بالله العلی العظیم و فرمود که هر کاه با هیئت نیکو خواهد
که از خانه بیرون رود تا چشم بد در او تاثیر نکند معوذتین را بخواند
ایضاً فرمود هر که اثر چشم بد باو رسد دستها برو بلند کند و
سورهٔ حمد و توحید و معوذتین را بخواند و در پیش سر بکشد و منقول
است از زراره که کفت از برای دفع چشم زخم بدمند بر سوراخ بینی
راست چهار بار و در سوراخ بینی چپ سه بار و در هر بار بکوید
بسم الله لا باس اذهب الناس رب الناس اشف انت الشافی و لا

للمؤمنین برحمتک یا
ارحم الراحمین **دوکا**
ب مقال از شیخ بهائی ره
ه نقل است که اکر کسی را
جن کرفته باشد این ـ
طلسم را نوشته بر بازوی
او ببندد در ساعت
شفا یابد و اکر غده دور
دابد نوشته بر سر او ببندد
زود زایل و اکر کسی ـ
کنغشه باشد این طلسم را
در جای هوا باو دفن
کرده و منجمد در وسط او
فرو برد باز کردد و در
ساعت فهم اکر بنکار د
با خود دارد از جمیع مکاره
محفوظ ماند اما باختیار
بلکه بکر احتیاط چهار
نسخه را بنویسد تا ماند
دهد و بر طلسم بزنید

احضار اجنّه

نوشتن اعداد
بر نظم طبیعی و مجموع هر
سطری با سطر دیکر یکسان

٤		٢
٣	٥	٧
٨	١	٦

٤	٢	٨
	٥	١
٢	٧	٦

٦	٧	٢
١	٥	
٨	٣	٤

٢	٩	٤
٧	٥	٣
[illegible]	١	٨

و از خواص
حفیظ و کفته اند
که اکر کسی اشیائه
او را در وقتی
جمعه خراب کند و
در آب حل کنند
بدن را با آن
بشویند باعث
بطلان سحر و دفع

بکشف الباس الا انت ایضاً تعوید بجهة چشم زخم رسیده اللّهمّ ربّ مطر حابس و حجر یابس و لیل دابس و رطب و یابس ردّ العین و عین العاین فی کبده و سحره و ماله فارجع البصر هل تری من فطور ثمّ ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئاً و هو حسیر ایضاً بخواند ما شاء الله کان و ما لم یشا لم یکن اشهد انّ الله علی کلّ شئ قدیر و انّ الله قد احاط بکلّ شئ علماً و احصی کلّ شئ عدداً و لا حول و لا قوة الا بالله **ایضاً** و ان یکاد الذین تا اخر سوره بخواند یا با خود نگاهدارد و ایضاً افسون را در زبدة البیان اورده جبرئیل عم اسمعیل در ساعت سیم روز چهارشنبه باشد و در حین نوشتن بر اعداء اهل بیت لعنت کند خصوصاً د و قبی را عید و ل سکن قل کسور رل واو یا موساد **طریقهٔ دیگر** بتجربه رسیده که چهل و یکمرتبه بیلمد را بمشک و زعفران بر کوزه نوی نویسند و حل کرده بیاشامند **ایضاً** چهار قل را بنویسد بدین ترتیب بر خود بندد گشاده شود توحید بر بازوی راست و جحد بر بازوی چپ فلق بر ران راست و ناس بر ران چپ بعنایة الله تعم گشاده شود **ایضاً** بنویسد بر کاسه اب نارسیده و یا بر طشت اب نارسیده اذا جاء و توحید و معوذتین و فاتحة الکتاب را و بعد از ان شش بار این هذا رحمة من ربّی فاذا جاء وعد ربّی حقّا کلّا انّ الانسان لیطغی ان راه استغنی را بران بخوانند و بدهند و محو

ثبات کردد و از خواص
تراب المربعات یعنی خاک
چهار راه انست که چون
قبل از طلوع افتاب در
یوم شنبه بدست بر
دارند و در خرقه کبود
بسته تعلیق نمایند
سحر را باطل کند و
چون در بنا غشته
روز چهارشنبه جهة
دفع عداوت و تفریق
مؤثر است در کتاب
مقال جهة دفع چشم بد
اگر کسی را چشم بد بزنند سو
ره فاتحه را بخواند و این
دعا را هم بخواند و هم
بنویسد و بانکس بند بر
تا از نظر محفوظ باشد
بسم الله الرحمن الرحیم
اعیذ فلان بن فلانه

جهة چشم بد

بکلمات الله التامات
من شر ما خلق و ذرء
و برء و من کل عین نا
ظرة و اذن سامعة
و لسان ناطقة انّ
ربی علی صراط مستقیم
و من شر الشیطان و
عمل الشیطان و حیله
و دجله و قال یا بنی
لا تدخلوا من باب
واحدة و ادخلوا
من ابواب متفرقة
دعاء سیم کاغذی
در خانشه دفع جن
ذکر شده فائده
دارد ایضاً خوانند
دعاء حجاب در
مقال است از برای
دفع شیاطین انس
و جن از جمیع جنیان
و ان

مرجع کتابخانه علوم باطنی

نموده معقود بیا شامد در حال کشاده گردد ایضاً برمد عدد
تمم مع نوشته بخورد شفا بخشد اخشعتن ایضاً عا زوج چند
نرم بکوبد و با روغن جوز جمیر کنند و بر کمر و ذکر مالد و بر بالای
آتش بابسند وقدری مردار سنج در زیر خود بخور کند و این طلسم را بکمر
بند کشوده گردد و بر کمر ذکر بمالد و بر بالای آتش بابسند وقدری مردار
سنج در زیر خود بخور کند و این طلسم را بر کمر بند کشوده گردد
و لہ ٨٨٨٨١١١١١١١١١١١٨٨١١٨٨١١١١١٣١١٦٩ مِ ا١١١لا١١
ودر بحر المنافع اورده که بر قرنفل این افسون را بخواند
و بخورد شهوت کشاده گردد وان هبسنا هنسنا سر ستے ایضاً ادرنه
که بنویسد و بر بازوی راست بندد کشاده گردد بعد بسمله الحمد لله رب
العالمین اشهد ان کل معبود دون عرشك باطل مضمحل دون وجهك
الکریم الحاوی مکانی واغنی اسئلك بتخبطه رب العرش لیس بغافل
عما تعملون هوه هوه ببببببببببببب ایضاً یکی از افاضل نقل
نموده که جمیع این دعا کشودم مجرب وازموده است بنویسد مرد با خود
دارد یا طعهعنا یا کنعهعیا ما لنعحعها ما لعهعنا ما بمعکهسا ما
لنهطط طعهعحا بسم الله الرحمن الرحیم نصر من الله وفتح قریب
وبشر المؤمنین یا محمد و علی کشودم مردی فلان بن فلانه را بر
فلانه بنت فلانه ببرکت فاذا سویته انت ومن معك علی الفلك
فقل الحمد لله الذی نجینا من القوم الظالمین رب انزلنی منزلا

وان لبی است بسم الله
الرحمن الرحیم واذا قرأت
القرآن جعلنا بینك و
بین الذین لا یؤمنون
بالآخرة حجابا مستورا
وجعلنا علی قلوبهم اکنة
ان یفقهوه وفی اذانهم
وقرا واذا ذکرت ربك
فی القرآن وحده ولوا
علی ادبارهم نفورا اللهم
انی اسئلك باسمك
الذی به تحیی الموتی وتمیت
الاحیاء وترزق من تشاء
وتمنع وتعطی یا ذا الجلال
والاکرام اللهم من ارا
دنی بسوء فاردده و
من جمیع خلقك فاعم
عنا عینه واضمم عنا
سمعه واشغل عنا قلبه و
اعقل عنا یده واصرف عنا

بجهت چشم بد

کیده وضره منه بغیب
بدیه ومن خلفه وعن
شماله ومن تحته ومن
فوقه یا ذا الجلال والا
کرام **دفع ابطال**
سحر از شیخ
[illegible] از فرمایه کفته
ابو العباس بونی
این کلمات را بجای کرد
و اب بدیهان برکف
یابد و اب مسعود و
مسعود را بنا بر انه تا
زانه بلبسد و ریشم
روند منزل الی انبعث
را بجا اورده بسم الملك
کرده بسم الله الرحمن الرحیم البحش یا
جن ازدل اسم الله یا من
مو بیع [illegible]
الهی [illegible] نبصاه ؟
ذاهم تعبان
مبین

مبارکا

مبارکا وانت خیر المنزلین کشودم شهوت فلان بن فلانہ بر.... فلانہ
بنت فلانہ ببرکت فاذا استویت انت ومن معک فی الفلک فقل الحمد
للہ الذی نجّٰنا من القوم الظّٰلمین ربّ انزلنی منزلا مبارکا وانت
خیر المنزلین کشودم شهوت فلان بن فلانہ را بر... فلانہ بنت فلانہ
بحقّ بسم اللہ الرحمٰن الرحیم انا فتحنا لک فتحا مبینا وبحقّ بسم اللہ الرحمٰن
الرحیم اذا جاء نصر اللہ تا آخر مکسکمسنا تملیخا ودبن انش برطوبن
فلبوتس لبعسطونس قطمیر الٓمٓ الٓمٓ المٓصٓ الٓر الٓر الٓر الٓر الٓر۔
کہیعص طٰہٰ طٰسٓ طٰسٓمٓ طٰسٓمٓ یٰسٓ حٰمٓ حٰمٓ حٰمٓ عسق حٰمٓ حٰمٓ حٰمٓ
قٓ نٓ والقلم وما یسطرون ایضاً این شکل را در قدحی بنویسد و
بشوید مرد از آن بخورد کشادہ شود باذن اللہ تعالیٰ ل مـلہ
مرہ مہہ مطمہم ہے ہ ایضاً بر ران راست بندد کشادہ شود
بامر اللہ تعم ھم ہ ھم وہ ہہ مصلت عہ ۵۶
امّا معالجہ سرعت انزال بر کاغذی بنویسد و بر دہن گیرد تا بیرون
نیاورد انزال نشود ع۱۱۹ ظمہ ہ ط ۹ ۲ ایضاً این طلسم را بر صفحہ طلا
یا نقرہ نقش کند و در دہن گیرد تا در دہن باشد انزال نشود۔
الر ۹۱۱ ط ط ۹ ہ ایضاً آوردہ کہ این حروف را بر کاغذ حریر یا بر
نویسد و در زیر زبان گیرند از مجامعت ماندہ نگردد فاذا جاء
وعد ربّی جعلہ دکّا وکان وعد ربّی حقّا طسہ مراو ۲۱۱ م اع ۸ ۱ ۹ ۲ ۱۱۸ہ
ط۵ صہ ۱۹ ۸۸۸۸ ۱۱۱ ۹ ۱ ۸ ۱۱۱ ع ایضاً این شکل را بر حریر

ازل عنی قصد الشخص
وکید الفجرۃ انک علی
کل شئ قدیر ودو
عبالمنافع اوردہ
رنب ابابت را وتعویذ
را برابر خواندہ وسعود
بعد بخورد صحت یابد
وبحق الملک یکبید د ا
انتہ فالقی الشخص یا
جبین قالوا امنا برب
العالمین رب موسیٰ و
ھرون واعیذ باللہ
وعزۃ اللہ وکبریائہ من
شر الشیطان ومن شر
الشیطان انہم یکید
ون کیدا واکید کیدا
فمہل الکافرین امہلہم
رویدا ایضاً این افسون
را ہفت بار خواندہ و بر
آب دمد وبخورد و

دفع سحر

آب باطل گردد ملو
سا سا جاسوما اسو
سا سہ دوز دام
داد بر کاغذ نویسد
و انزا آب جاری اندا
زد سحر باطل گردد
بیلہ دیگر ما من حیث
بلنا وصلنا من حیث
قطعنا وصلنا من حیث
قطعنا وصلی اللہ علیٰ
محمد وآلہ اجمعین
و او خواص
عمل است نفع موثر
کور کہ چون او را
در آستانہ بدر فن
کنند آنکہ سحر از اہل
انخانہ برطرف گردد
انہ تعویذ مثل اعجاز نوید
کہ باب بیضی ودافع
حسن وامام حسین
را

نویسد

ابن طاوس ره از حضرت
مهج الدعوات
و د د
واسمعیل را تعویذ میکرد ابرهیم
بعوذات که جبرئیل
ومن ... التامة والهامة
الحسنین کلها عامة من
اللهم التامات واسمائک
اعیذ بکلمات
را بانها من کبیر کرد

روایت شده که آنحضرت
فرمود که پناه خدا
تعالی بدهید زنان و
فرزندان خود را باین
تعویذ اللهم یا ذا السلطان
العظیم والمن القدیم و
الوجه الکریم والکلمات
التامات والدعوات
المستجابات والحسن
والحسین من
انفس الجن واعین
الانس ودد
بد چشم دفع

مصباح الکفعمی
از برای تاثیر چشم بد
ان نقل بعوده بسم
الله العظیم الشان
القوی السلطان
الشدید الارکان
حبس حابس وشهاب
قابس ولیل دامس
وماء فارس
عین العائن علیه
احب خلق الله الیه
ارجع البصر هل ترى
من فطور ثم
ارجع البصر کرتین
ینقلب الیک البصر خاسئا
وهو حسیر
انتهی

نو بسند و در ادیم و در میان بندد اگر با ده زن نزدیکی کند همه را خوشحال کند ۱۹۱۱۱۱۸۵۱۱۹۵ ط ۹۴۹۱۱۱ **نوع** دیگر اگر خواهد بسیار مجامعت کند و انزال نشود بر پوست آهو بنویسد و بر پشت بندد لملح ملح دح هیح هیح سملس طوی ماه ماه سحا سحا عجبا عجبا عجبا این شکل را نوشته بر کمر بندد اگر با صد زن مقاربت کند بر قرار بماند ه ه ط ا ه ۱۱ ۳

۱۱۱ ادوم آآ۱۱ ب ۲ ط ظ ع ۲ والله والله لله لله لله لله لله
الله الله الله الله الله الله الله
ه ۱۱۴ م ۱۱۱ ح ط ۱۱۸ ۱۱ کم لا ال ه ۹۹۹۹۹۱۱ م ۱۱۲ ط ۱۱۱۱۱ م ۲ ه

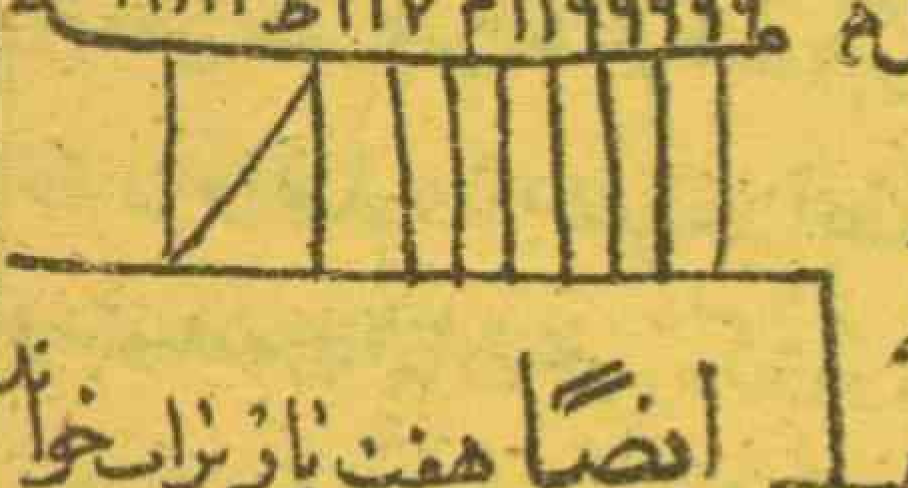

۱۱ ۱۱ ۱۱ ۹ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ع ا ه
۱۱ ۱۱ ۱۱ ۹ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ال ع ا ه

ومریم ابنت عمران التی که یکشاید بر آب خواند ایضا سنبل را بر ناف مالد انزال نشود و در نسخه دیگر بنظر رسید که اگر کسی را شهوت کم شده باشد این شکل را بنویسد و باب بشوید و بیاشامد با نبات که مجربست ۱۱۱۸ ۱ ح د ه ه ح ی م

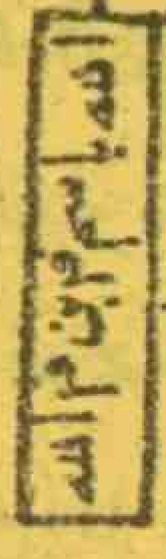

ایضا هفت بار بر آب خواند و بخورد امساک حاصل اید و چون خواهد احصنت فرجها را بنویسد و بخورد انزال نشود و مجرب و ازموده است انتم تم فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم بحق اهیا شراهیا بحق کهیعص بحق حمعسق بحق لا اله الا الله - محمد رسول الله

باب سیم در دفع اقسام تب

ودراین دو فصل است **فصل اوّل** در دفع تب از امام جعفر صادق ع مرویست که حضرت رسول ص را تب گرفت جبرئیل بعیادت ان حضرت امد واین افسون را براو خواند در ساعت زایل شد - بسم الله ارقیك بسم الله اشفیك بسم الله اداویك من کل داء یعنیك بسم الله والله شافیك بسم الله خذها فلتهنئك بسم الله الرحمن الرحیم فلا اقسم بمواقع النجوم لتبرئنّ باذن الله واز حضرت امام رضا علیه السلام منقولست که این تعویذ تب برای شیعیان سه مرتبه این دعا را مے خوانی تا خدا بنعم شفا دهد بحول وقوّت خود ارسل یا الله یا ربّ الارباب یا سیّد السادات یا اله الالهة یا ملك الملوك یا جبّار السموات والارض اشفنی وعافنی من دائی هذا فانی عبدك وابن عبدك اتقلّب فی قبضتك وناصیتی بیدك **و در روایت** امده که شخصے بحضرت صادق ع شکایت کرد از تب بگاه است تب میکنم وانچه اطبّاء گفته اند بعمل اورده ام برطرف نشده حضرت فرمود بندهاے پیراهن خود را بکشا و سر در گریبان پیراهن داخل کن و اذان و اقامه بگو و هفت مرتبه سوره حمد و معوذتین و توحید را بخوان ان شخص گفت چنان کردم گویا از بند رها شدم **حرز فاطمه ع** که بسلمان فارسی رض تعلیم فرمود و گفت پدرم بمن اموخت اگر خواهے تا در دنیا باشے از آزار تب نکشے براے این دعا مواظبت نما سلمان گفت که این دعا را زیاده از هزار نفر اهل مکّه و مدینه تعلیم کردم

ایضا همین دعائے که در مصباح در نسخه دیگر مرقوم است که با ب خوانند و بعضے گفته اند ابد بیضه باید نوشت و در ما بین چشم هاے حیوان و ما بین پاهاے انسان باید زد تا شکسته شود بجا باید [illegible] و سوره یس را با خود دارد و از ضرر چشم ایمن شود و اگر سوره بقره را بر کسے ببندند که ضرر جن یا وحشت باشد آن ضرر زایل شود و در مکارم چنین است که [illegible] غالب با امام رضا ع [illegible] حرز امام را [illegible] فرمود [illegible]

حسم بیجمد بد

بنویس سوره فاتحه و قل هو الله و معوذتین و آیة الکرسی را در غلاف حاکنی که محفوظ ماند کشادن و بستن از خواص این حروف است که چون [illegible] و زعفران بنویسند و در موم گرفته باشند و بر زن ببندد کشاده شود

و برع براے تنگی کذارد بعضے بنویسند این اشکال را یاه یاه نواه نواه نواه اقیعا اقیع یاه یاه نواه ح الواح الواح انواح انواح انوا محمد باذن الله تم

دبرکت

نوع دیگر د نجم خمه

ووالحج ۸۱ ۱۱ ۴ ۹ ۸

طلا ۱۱۱ ع ۹ ۹ ۹ ه ۸ ع ه

کشاده کرده انخ نعم

تا ان بخار بدود رسد

و سرد با الاعیان با لیند

و سنتر بر نهد تا انکه بر

بیضه را در سوراخ

کنار و تا سرخ شود

بسناه و بید و ود در دیل

خارج انداز دود و در ان اتش

اسعوذ و وعود بر بالاء

دیلب بابستد تا انکه بر کند

کشاده کرده و شکل اینست

مدح ۱۱۱۱ م ۱۱ ۲ ۱۱ ع ۱۱۱۱

۱۱۲۸ ۸ ۹

ولا قوة لعلهم الا معالی الیم

وبرکت اینه عاهه تب داشتند نجات یافتند دعا این است بسم الله - الرحمن الرحیم بسم الله النور بسم الله النور النور بسم الله نور علی نور بسم الله الذی خلق النور من النور والحمد لله الذی خلق النور من النور و انزل النور من الطور فی کتاب مسطور فی رق منشور بقدر مقدور علی نبی محبور والحمد لله الذی هو بالعز مذکور و بالفخر مشهور و علی السراء و الضراء مشکور و صلی الله علی محمد و اله الطاهرین **و در بعضی** از کتب معتبر منقول است که برای تب این تعوید را بنویسد و بر بازوی راست ببندد بسم الله الرحمن الرحیم فاتحة الکتاب الخ بسم الله و بالله و اعوذ بکلمات الله التامات کلها التی لا یجاوزهن بر و لا فاجر من شر ما خلق و ذرء و برء و من شر الهامة و السامة و العامة و اللامة و من شر طوارق اللیل و النهار و من شر فساق العرب و العجم و من شر الفسقة الجن و الانس و من شر الشیطان الرجیم و شرکه و من شر کل ذی شر کل دابة انت اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم ربنا علیک توکلنا و الیک المصیر و انبنا و الیک یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم و ارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین کونی بردا و سلاما علی فلان بن فلان ربنا لا تواخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا و لا تحمل علینا اصرا کما حملته علی الذین من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به و اعف عنا و اغفر لنا و ارحمنا انت مولینا فانصرنا علی القوم الکافرین

مجرب بسحر دفع

که عقد الرجال نموده

باشند یا غیر از این

اشکال را بنویسد و در

گردن بندد عقد فتح

سحر باطل گردد و هر که

بسلامت بدل گردد -

اشراهیا الجیبوغ -

الطیعوغ بامر که بحق

بحق القوه وهیکلهوت شاه

شبین باذن الله تم

کرمنی هبجر جنج

عوادی معمادی ماسرع

نادی سلیمان کتشیح

اوهم بحق توریة وانجیل

و زبور و فرقان

بحق محمد رسول

الله و اله و سلم

یا الله یا حافظ

یا رقیب یا وکیل یا حفیظ
یا کفیل فسیکفیکهم الله
وهو السمیع العلیم و در
مقال الانس در مصباح
که بدبرے از زنبور ن ا
ابر بونش کرده انگاه
وبما بنیا ها یا بدوانا
لمو سعون نیمج ا آیه
وادوفرو بردو بدبرے
از زنبون دیکبرا بر
نوشت والارض فرشنا
فنعم الماهدون در
زن باید داد در و برد
انزال

معالجه سرعت انزال

حب زیبق بجهه سرعت
انزال مجرب سبب نیم مثقال
زیبق با سرکه نیند در
لبنا بند تا انکم
هاون نمایند و مخلوط سازند
منحل شود و مخلوط هندی
بار و بسم مثقال صلح هندی

جهة سحر

و ظرف اهنی را سرکه
پر کرده و زیبق را بران
بجوشانند و او را
سحق مسحوق سه
مثقال در آن اندا
ریخته بر سنگ هاون
لبنا بند تا
ملغمه شود
کرباس سطبری
بعضی کرده بند و ریخته در
کرباس ما ندباشد
بار بر سه جوش بند
تا بجز از او ا
و ذالک مجموع را
بلجبر ساخته و
در و سلطان سود کا
باشد و دیگدان نهم
در آن سود آب کذ
منه بر آید بیوانه
اخته یکجا نم

حسبی الله لا اله الا هو فاتخذه وکیلا و توکل علی الحی الذی لا یموت
و سبح بحمده و کفی به بذنوب عباده خبیرا بصیرا لا اله الا الله
وحده لا شریک له صدق وعده و نصر عبده و هزم الاحزاب وحده
ما شاء الله لا قوة الا بالله کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله
قوی عزیز اولئک حزب الله الا ان حزب الله هم الغالبون -
ومن یعتصم بالله فقد هدی الی صراط مستقیم وصلی الله علی محمد
واله الطاهرین **در مجرب المنافع** اورده از اطباء اهل هند -
مذکور و بیان شده که گفته اند که هر تبی که اغاز او بامداد باشد
از بلغم بود و هرچه در میان روز باشد از سودا بود و هر تبی که
در نماز خفتن باشد از خون بود و هرچه در میان شب بود از
باد بود یعنی صفرا **و در خلاصة التجارب** بجهة تب های
گفته اورده که دختر نارسیده را بگویند تا سه روز سه بادام برنیت
محموم بشکنند بجویکه مغزان درست باشد و هوای بیرون نه
بیند و در زیر محموم گذارند علی الصباح پیش از طلوع افتاب
باکسی تکلم نکنند و برانها بنویسید اول بسم الله دوم بسم الله
الله سیم بسم الله الله الله هر روز تا شنا مریض یکی را بخورد
شفا یابد **نوع دیگر** بر تخم مرغ در صباح چهارشنبه قبل از سخن
گفتن بران تخم بنویسید بسم الله جارما طارما الرحیم ابرما بیتم
بت فلان بن فلان را براو منا بحق محمد رسول الله و بحق علیا ولی الله

و بعد

وبعد از آن ریسمانی که بکر رشته باشد بهمین سه تو بر میان تخم بپیچد و در زیر خاکستر بخته کند و روز دوم آن را محموم برو زنا شتا بخورد و سعیده از ابسلچها رحشم بدهد به نیت رفتن تب او و پوستهای از ادر آب روان قوی انداز د به همان نیت و ریسمان را بر بازوی راست محموم ببندد شفا یابد **نوع دیگر** محمد بن الحسن الصفار روایت کرده که بخدمت مولای خود امام جعفر صادق ع رفتم در حالتی که تب داشتم انحضرت فرمود که سبب چیست که ترا حزین میبینم گفتم ای مولای من تب ادم فرمود که هرگاه یکی از شما را تب کرد تنها بخانه درود و دو رکعت نماز کند و جانب رخساره خود را بر زمین نهد و ده بار بگوید یا فاطمه بنت محمد ص اتشفع الی الله بک فیما نزل بی شفا یابد

طریقه دیگر ازموده شده و مشهور است ابن مربع را بنویسد و در زیر سر صاحب تب نهد زایل کرددانشم تم شرح مربع

از امام رضا ع روایت شده جهة دفع تب ابن مربع را بنویسد و با خود دارد البته از تب شفا یابد انشا ‌و مربع این است

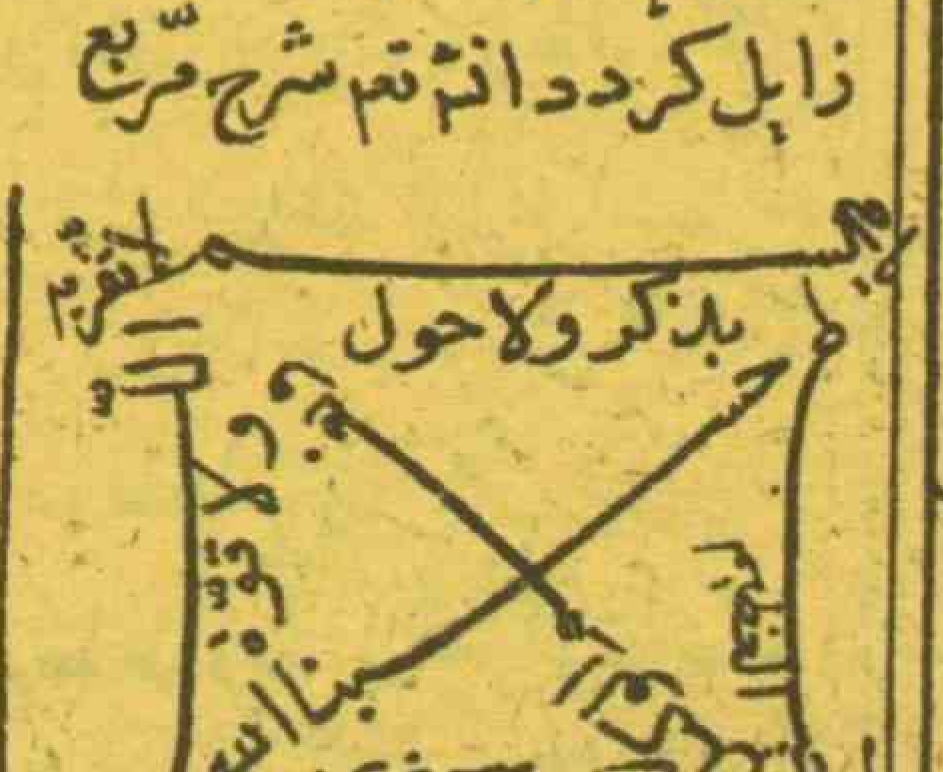
بسم الله الرحمن الرحیم
بذکر ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی العظیم
بسم الله

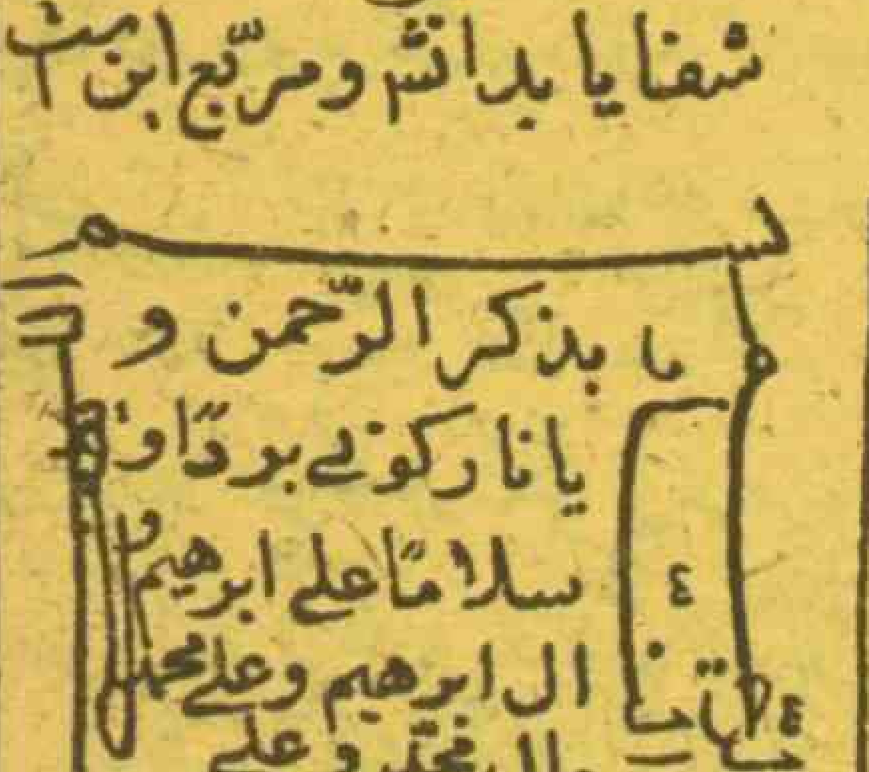
بسم الله الرحمن الرحیم
یا بذکر الرحمن و
یا نار کونی بردا و
سلاما علی ابرهیم
ال ابرهیم وعلی محمد
وال محمد و علی
بیحیی بن زکریا

بچینانند و دو زنا مخفی شود
بی‌ببو روغن با بوم
انداخته با آتش ملایم
طبخ نماید و در وقت
احتیاج در دهان نگهدا
رد که دیدان او بیرون
باشد و بلع نشود تا و
قتیکه اراده انزال
داشته باشد بیرون
اورد ابن زهرؒ در
خواص خود اورده که
اگر کسی پیاز سفید را
با عسل طبخ نماید و
استعمال نماید و
بیفزاید و اگر قرطم یعنی
تخم کافشه را با اشیاء
حاره کسی تناول نماید
قوة باهش بیفزاید بسیار
را بیفزاید زیاد شود
وجود دن قسط عجیب

در قوة باه

باه اورد و احلیل
واگر احلیل را با روغن
قسط تدهین نماید
اورا قوة عظیمی در جماع
حاصل آید معجون
لبوب که اطبا ترکیب
نموده اند بجهة الکثاب
منی و قوة باه و نفع
کلیه و مثانه و دماغ
وهد و زنبل روزرا
بنکو کرده اند و در
کفایت منصوری
مذکور است و
اجزاء آن این ا
بادام و مغز جوز
و جلغوزه و حبة
کنجد و فندق
و فستق و نارجیل
و خشخاش و نخو
دو بیع مسیح و سبیند
سنبل

اما معالجه **حمی اللیل** یعنی تب شب این ایه ام حسبت
ان اصحاب الکهف والرقیم کانوا من ایاتنا عجبا اذ اوی الفتیة الی
الکهف فقالوا ربنا اتنا من لدنک رحمة وهیئ لنا من امرنا رشدا را
بنویسند و در زیر کسی که تب میکند تب او زایل شود **فصل**
دویم در معالجه تب ربع و تب غب و قشعریره و تب سرد
که انرا لرز میکویند اما جهت تب ربع منقولست که این ایه نویسند
و بر او بندند و در نسخه دیکر بر نان نویسند بدهند بخورد
یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین
طریقه دیکر از حضرت امام موسی کاظم ع مرویست که بر دست راست
او بنویسد بسم الله جبرئیل و بر دست چپ او بنویسد بسم الله میکائیل
و بر پای راست بسم الله اسرافیل و بر پای چپ لا یرون فیها شمسا
ولا زمهریرا و بر بالای کتف او بسم الله العزیز الجبار حضرت فرمود
که اکر کسی شک اورد نفع نمیبابد وانچه بجاتر فامر این حقیر میرسد
اولی انست که مریض بالطهارت باشد در اثنای نوشتن تا تاثیر
بخشد **در جمال الصالحین** است رؤسا روایت کرده اند
مردی بر امام رضا ع متغیر دید سبب را پرسید عرض کرد تب ربع
با من لجاجت مینماید حضرت دوات و قلم طلبید بر کاغذی نوشت
بسم الله الرحمن الرحیم ابجد هوز حطی عن فلان بن فلان بعد نوشت
نقش نکین خاتم سلیمان را باین طریق هفت 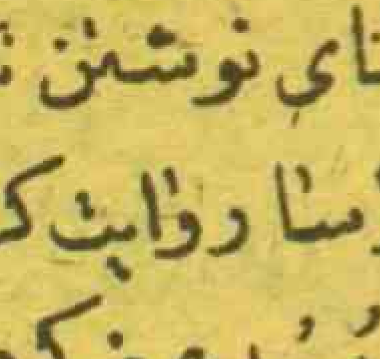 دفعه

و سنبل و کنجد و تخم [illegible] و تخم
جزر و تخم جرجیر و تخم شلغم و تخم
پیاز و تخم شبت و بهمنین و
زنجبیل و دار فلفل
و قرنفل و دار چینی
و شقاقل و خولنجان
و جلبون باعسل سه
چندان ادویه را با
میزند و شربتی بیک مثقال
تا دو مثقال تناول نمایند

ایضاً کفته اند که از دم
وزغ را بحوبه کرده باشند
اخر جدا نموده با ماده جیبر
در وقتیکه نر با ماده جفت
باشد و جماع کند بر ران
خود بندد یا با خود دارد
نعوظ اورد و بمجرد رسیده
ایضاً ابن زهر و در هوامی
اورده که عسل با بوره

دفع تب نوبه

و حلبته مخلوط نموده و بر احلیل
و مراق شکم طلا کنند
نعوظ بخشد اورده
والله یعلم **دفع تب**
بخط امام رضا علیه
یافتند بجهت دفع تب
بر سه قطعه کاغذ بـ
نویسند و یک دانه را
هر روز و بتعداد
بلع نماید بعد از
انکه بر سر تا دو
قطعه ها سه با
سوره توحید
خوانده شود
بسم الله الرحمن
الرحیم لا تخف
نجوت من القوم الظالمین
نجی من القوم الظالمین
دوم

مقال

(لا تخف انك انت الاعلى
و برهیم الا له الخلق
والامر تبارک الله رب
العالمین ایضا در مجامع
آورده بر سه قطعه
کاغذ بنویسد با زیت
چاغند بنوازند خوانند
بنویسد از آن به پیچید
مدور و در صبح روز ناشتا
مجموم یکی از انها را بلع
نماید بسم الله ذو القرن و
النور اقصم بو بسر یاره
قند نویسد هر دو ربع
را بخورد اول عقدت
باذن الله دوم بسدد
باذن الله سیم سکنت
باذن الله جهر بستن بر
بیاورد و در دست [illegible] بر
بید و بنویسد بر هر یک
از اینها این اسم را و هر دو
در صینکه [illegible] تب
بسوزانند که دود آن بر
بدن مریض برسد البته
قطع شود اول نشد
دوم [illegible] سیم بسوزد
اول یا [illegible] فرعون دوم
[illegible] سوم
[illegible] ۲۲۳ حصم
فرج شداد [illegible]
دفع تب درهم سر دو
مجموم منسنه با بخور
دفع تب خواهد اول

مقال پس بخادم خود فرمود رشته بیاورد که آب جهن ندیده باشد
خادم او زود بیاورد پس این رقعه نبشت و بر جانب راست چهار گره زده و بجانب
چپ سه گره زدند و بر هر گره فاتحه و معوذتین و اخلاص و آیة الکرسی
خواند و بامرد گفت ببازوی راست خود ببندد و در اثنای بستن آیة
الکرسی بخوان تا این رقعه با تو باشد مجامعت مکن و در هر حال تب دار
باید پاک باشد مجرب است تا شفا یابد انتهی و هکذا بتجربه رسیده اند
باقلا را سوراخ نمایند و عدد شپش در آن جای داده بلع نماید
زایل گردد انتهی جهت تب غب از هر درختی برگی یا از درخت
توت سه برگ بگیرد بر هر یک بنویسد این اشکال را و در هر نوبت در آب
روان اندازد شفا یابد برگ اول طلیسوما دوم اوحوما سیم
ابرسوما **نوع** دیگر در بحر المنافع آورده در کف دست و پای
مریض بنویسد شفا یابد شاماخ شاماخ عجل عجل صحت صحت
ایضا رشته که دختر نابالغ رشته باشد و بر سبزه خام اسپند عار اینو بنویسد
رشته را بر آن بپیچد و سبزه را بخورد و در زیر خاکستر کند بقدرت الله
تعالی رشته بسوزد بعد از پوست کندن بخورد وهم بانوله انونه
ابنونه باخوسطه ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر و فتحت السماء
فکانت ابوابا **نوع** دیگر بر کف دست راست بیمار بنویسند
قوس منقوط مغرب و بر کف دست چپ بنویسد منقوض منقوط
ده ناخن دست را بترتیب اول ابهام الخ از یا کبر تا ناخنهای چپ بترتیب

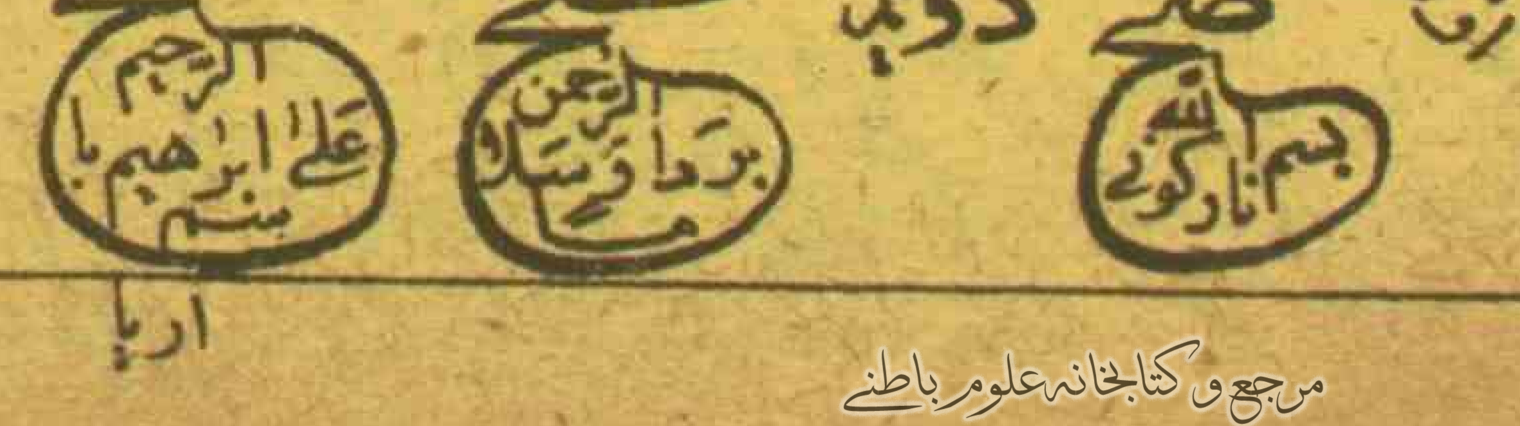

وباکریا اربا کریا وبرکف دست راست مریض بنویسد هلج فلج
موت مات وبرکف چپ مریض فلج هلج جهت دفع تب لرز بر سه
قطعه کاغذ نویسد هر روز یکی را زیر دامن مریض با کهی از اسفند
دود دهد اول نمرود دوم شداد سیم فرعون ایضا بر سه
برگ انجیر باید بنویسد سه روز بر دهان مریض دود دهد اول
فرعون نمرود شداد هامان دوم نمرود شداد هامان -
سیم شداد فرعون نمرود شیطان **نوع دیگر** بر سه پاره
کاغذ نوشته هر روز یکی را شسته بخورد اول بسم الله اربط دوم
بسم الله اربطط سیم بسم الله اربططا بر سه برگ انار نویسد
هر روز در دامن دود دهد اول جمهور دوم جمهورات سیم
جمهوراث نسخه بدل اول اجمهی دوم جمهیات سیم جمهیرات ایضا
بر سه پارچه نار و یا سیب نویسد هر روز یکی را بخورد اول الان خفف الله
عنکم وعلم ان فیکم ضعفا دوم یرید الله ان یخفف عنکم وخلق الانسان
ضعیفا سیم ذلک تخفیف من ربکم ایضا بر سه عدد سیب نوشته هر
روز یکی را در وقت لرز بخورد اول بسم الله الرحمن الرحیم انا اعطیناک
الکوثر فصل لربک وانحر الان خفف الله عنکم وعلم ان فیکم ضعفا
دوم فصل لربک وانحر ذلک تخفیف من ربکم ورحمة سیم ان شانئک
هو الابتر وخلق الانسان ضعیفا **نوع دیگر** بر سه مغز بادام
بنویسد هر روز سه عدد را بخورد در دو روز اول بر هر سه نوشته

انقص بت دار هر دو دو
بکیر تا کاغذ فرو برد
دفع شود اول
بسم الله فی ضلال
مبین دوم الرحمن
فی ضلال مبین سیم
الرحیم فی ضلال مبین
انقص بت دار هر دو دو
بکیر را زیر دامن دود
کند اول شداد و
جوده من النار
دوم نمرود وجوده
من النار سیم فرعون
وجوده من النار ایضا باشد
هرکه بیند اشنا باشد
این شکل را بالای ابرو
نوشته بر کمر بندد شفا
شفا یابد انشاء الله قلنا یا نار
کونی بردا وسلاما علی
ابرهیم شکل این است

دفع تب

ث ث ث مسعود

ث ث ث ه

ا ل ا ل ا

قل انما انا بشر مثلکم
یوحی الی انما الهکم
اله واحد فمن کان
یرجوا لقاء ربه فلیعمل
عملا صالحا ولا یشرک
بعبادة ربه احدا

را بشوید بخورد
سم نوبت بر
این نسخه را بنویسد
هر نوع تب جهم
تب باشد دفع شود . هر نوع
زند از تب رها شود
بند د دوکوب و [illegible]
دعا بگذارد دو [illegible]
عنکبوت در جوف [illegible]
شر طی کرد عدد ۲۰

بسم الله حول العرش دارث روز دویم بسم الله فارث واستشار
روز سیم بر هر سه نوشته بسم الله فی علم الغیب عادث ایضاً بر سه
مغز بادام نوشته هر روز تب دار ناشتا بخورد اوّل طاطون دویم
واطون سیم برکونه ایضاً بر سه مغز بادام نوشته و در وقت آمدن تب
هر روز یکی را بخورد اوّل بسم الله وما رمیت اذ رمیت دویم الرحمن
الرحمن اذ رمیت سیم الرحیم ولکن الله رمی ایضاً بر نه عدد مغز بادام
بنویسد هر روز سه عدد را بناشتا بخورد روز اوّل بر یک طرف
سه مغز بسم الله روز و بر یک طرف دیگر سه مغز سوما روز دویم
بر یکطرف سه مغز الرحمن و بر طرف دیگر و اسوما روز سیم بر یکطرف
سه مغز الرحیم و بر طرف دیگر و ابر سوما ایضاً بر سه پارهٔ نان نویسد
هر روز یکی را بخورد اوّل قد فرث دویم قد قلث سیم قد مرث
ایضاً بر سه پارهٔ کاغذ نوشته هر روز یکی را بخورد اوّل باعبوث
دویم یاربوث سیم یاملوث **در حلیه** از حضرت صادق ع
منقولست که هر که تب کند شب اوّل بوزن دو درم یا سه درم
برزقطونا بخورد و در آن مرض ایمن گردد از سرسام و ذات الجنب
و در حدیث دیگر فرمود که فضیلت عناب بر سایر میوه‌ها مثل
ماهست بر سایر مردم از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست که تب
را زایل میکند ابن ابی الخضیب گفت دیده من نابینا شده بود
چیزی را نمیدیدم شبی حضرت امیرالمؤمنین ع را در خواب دیدم

بنج مذکور اوّل
بسم الله الرحمن الرحیم یرید الله ان یخفف عنکم
دویم بسم ذلک تخفیف من ربکم سیم الآن خفف الله عنکم
الآن خفف الله عنکم
ان شانئک هو الابتر
لربک وانحر دو روز سیم
الکوثر فصل لربک و
انحر دو روز دویم فصل
الرحیم انا اعطیناک
اوّل بسم الله الرحمن
انار رفع خواهد شد
بخورد انکس د هد

فائده جهت بستن تب الله بر الف
و به هر پانزده عدد
بنویسد و بشوید بصاحب
تب بدهد بخورد به شود
تب طرجیر بنویسد د

دفع تب

یک سطر طولانی این آیات
در خواص الآیات
ذکر کرده که آیه
ربنا اکشف عنا العذاب انا
مؤمنون را بر سر
قطعه کاغذ بنویسد
بنویسد هر روز
بیک ناشتا بخورد
تب او زایل شود جهت دفع تب بنویسد
بیمار تار عنکبوت را بر او بندند دفع تب شود جهت دفع تب
بر سر برگ بید نویسد در وقت تب دود دهند

اوّل کطططططططط
دویم کطططططططط
سیم کطططططططط
منه

دیدم

دیدم فرمود عنابرا بکیر و بکوب ودردیه بکش چون بیدار شدم
عنابرا با هستر سائیدم و دردیده کشیدم صحیح و بینا شدم وایضا
فرمود بشکنند کرمی تب را به بنفشه و آب سرد در تابستان بر بدن
صاحب تب بریزند و حضرت امام موسی ع فرمود **چهارم در**
دفع بادهای اعضا و دران بیست و یک فصل است **فصل اول**
در دفع صداع و درد سر و نیم سر و درد شقیقه در خواص الآیات
مذکور است که از اول سورهٔ مریم تا شقیا و آیهٔ محمد رسول الله صم تا
آخر فتح را بنویسد و بر سر بندد زایل گردد انتهی از امام علی النقی ع
• روی است که برای دفع درد سر این آیه را بر قدح آبی بخواند و بخورد
اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما
وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون نقل است که شخصی از
مرو بخدمت آنحضرت از درد سر شکایت کرد حضرت او را نزدیک
طلبید پس دست بر سر او مالید و این آیه را خواند ان الله یمسک
السموات والارض ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد
من بعده انه کان حلیما غفورا **و در زبدة الدعوات** و
کتب ادعیهٔ معتبره مسطور است بجهت درد سر مجرب است که نه
ت بدین روش با این اشکال کشیده بر صداع بندد زائل شود
در تحت این اشکال ده سطر و در هر سطری نه ص بنویسد و بعد
ص والقرآن الی شقاق و بر حوالی آن آیه ولا تحلقوا رؤسکم

منس جبهه تب ربع
ونعبر ودرد شقیقه
بدست راست بندد ان
زایند نوشتن و تب
ربع هفتست بزانو در
ند کاس یار و زاب
کهاینب بیهرد جبهه
آهن نعع تب بعسم
مغز یا دام سیجم نوشته هر
دور را تب [illegible]
مجهود رد اول بسم الله
والحمد لله یا [illegible] دو بیم
الله والحمد لله را
بسم الله والحمد لله وان سیم
حق جبهه تب ربع
بریشم قطعه استخوان
کوسفند قرآن نوشته
ودرد دهند اول قرآن عون
وجنوده فی النار دویم
یحود وجنوده فی النار
نیتم شداد وجنوده

تب و نوبه

فی النار **واز جمله مجربات است اسم**
مبارک یا محیط بر پاره
کاغذ نویسند بگردن
بر نبض محموم بندد
عافیت یابد و از
دویم را نشد سیم را
بشرط الاتفاق ایام
بلکه در وقت بستن
انجم فرمود از اجله
مجربات وحضرت [illegible]
بجهت تب ربع و تعویذ ابی الشکاد
دانبوبه کدر بدید
ظهور بوعده سه
بار قل هو الله را
بخوانند صلوات و هم
حرز مشتمل وشکل تب باد

تا شدید

نوبت دوم
او دهد و نسخه این
باشد تا دو ماه بدو بخورد
طهور بت والکرحیف
بنوشت بخورد بعد از
را در نوبت سیم بار
در نوبت دوم و بالک
اول و شکل ثانی را
و شکل اول را بنویسد
و در صلوات بفرستد
قل هو الله را بخواند
بر ظهور نوبت سیم باد

تا شدید العقاب و کاف فکشفنا را مسطوح بنویسد و بر ظاهر
ان نام بیمار و نام مادر او را بنویسد که مجربست و شکل این است

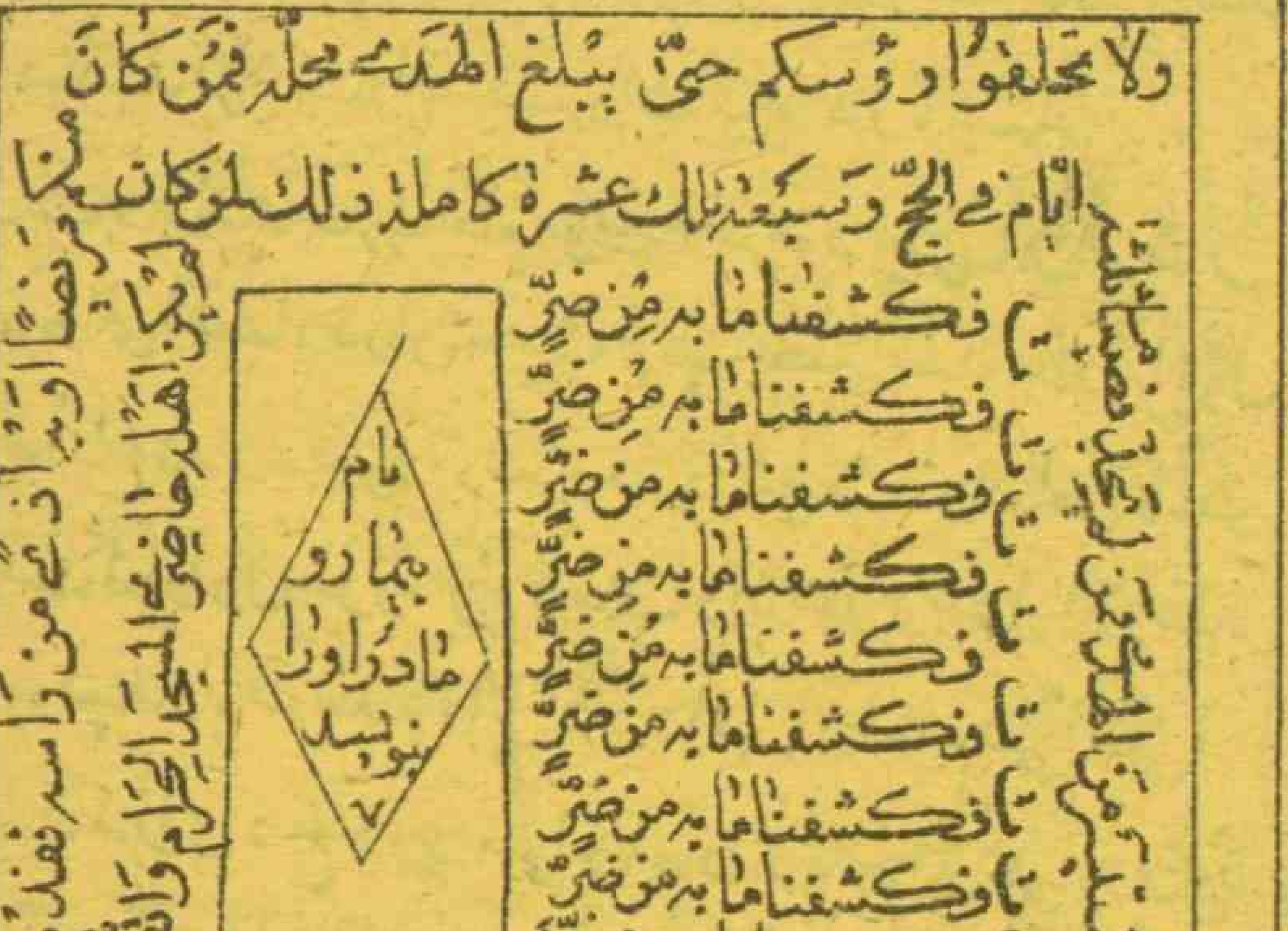
ولا تحلقوا رؤسكم حتى يبلغ الهدى محله فمن كان
منكم مريضا او به اذى من راسه ففدية من صيام
ايام فى الحج وسبعة تلك عشرة كاملة ذلك لمن كان
تا فكشفنا ما به من ضر
تا فكشفنا ما به من ضر
تا فكشفنا ما به من ضر
تا فكشفنا ما به من ضر
تا فكشفنا ما به من ضر
تا فكشفنا ما به من ضر
تا فكشفنا ما به من ضر
تا فكشفنا ما به من ضر
تا فكشفنا ما به من ضر
نام بیمار و نام مادر او را بنویسد ۷
اهله حاضرى المسجد الحرام واتقوا الله

ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص
ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص
ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص
ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص
ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص
ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص
ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص
ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص
ص ص ص ص ص ص ص ص ص ص

ایضا

در ساعت اخر روز
جمعه ماه مبارک رمضان
در یک سطر طولانی این
دعا نوشته با خود
دارد درد سر زایل
گردد انشاء الله تعالی

یا علی
بسم الله
نوبت سیم
یا علی
الرحمن
نسخه بدلست
یا علی
الرحیم
اول
یا علی
بسم الله یا محمد
نوبت دوم
یا علی
الرحمن یا علی
نوبت سیم
یا علی
الرحیم یا فاطمه

تب و نوبه ابجحلم جمعه
را ابدا نجیب بدید
یا نار [illegible]
بطلطه بطلطه
و یا بادو یا بیج دارشت
بنبد قل انه
ازون اکحرا لم احل
انه نبهزون
شفا یا [illegible]
انشاء الله العظیم
الصحر

بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا انت الاول محیط بر علمک ک
ع ص ل ه و ن وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا رحمة
للعالمین حیث شئت فانک منصور ابا تراب ابا تراب ابا تراب ودر
بحر المنافع اورده بجهت درد سر کلمه سا تا سا بنویسد وکارد میان
سا فرو برد ساکن نشد درمیان تا سا ساکن نشد درمیان چشم ها
ها فرو برد البته دفع شود ایضاً اورده این اشکال را در زمین
نقش کند اهه اهه اول کارد را بچشم هاء اول بزند و باید
کارد را تیز کرده باشد و صاحب درد سر را بپرسد که درد سر دفع
شد یا نه و اگر نشده بچشم هاء دوم و الا هاء سیم و الا چهارم و الا
پنجم بزند بی شبهه درد سر بکلی دفع گردد ایضاً اورده این اشکال
را بر پیشانی نویسد درد بر طرف شود یا لولا لولا یا لولا لولا یا
لولا لولا و از جمله خواص این حروف انکه صاحب صداع چون بر سر
او بندد صداع او زایل شود د ل د ل د ل ص د ق ک ل م و و
ایضاً بشرح مذکور لا ع لا ک ا ا ل ک اح اح و د وایضاً
در فصل پنجم باب اول شکلی بجهت ضربان و درد سر و دل زدن
مفاصل گذشت **ودر ذخیرة الدعوات** اورده که الحمد
را با بسم الله بحروف مقطعه بنویسد با خود دارد با این اشکال و
حروفات درد سر زایل گردد د ل د ل ص ق ف ک ف
ل م و و ایضاً درد سر بندد ا و بو تو ثو طر ظر فر کو

ایضاً بر دست راست
مرد و اگر زن باشد
بر دست چپ نویسد
شفا یابد انشاء الله تعم
عااااللللعو
جهت تب لرزه بر سه
مغز بادام نویسد
سه یوم هر روزه
یکی را تناول نماید
اول بسم الله حو ما
دوم بسم الله صاحو
ما سیم بسم الله وهوما
ایضاً در کتاب مقال
بواسطه بت ربیع در مکارم
از امام حسن عسکری ع
روایت شده که بر پوست
آهو باید نوشت یا باد
کوفه بردارد و نسا اماعلی
ابراهیم و در ربیع رابت
صاحب [illegible]

جهت دفع

[illegible]
و نوشت بکنده بر او باید
اذن فل ۸ ام علی الله
نفرزون بر بادوع
دانست او بنبد ندو
کاغذ دیگر باید
نوشت بطلطط بطلطلط
در انوقت باید کف
عقدن علی اسم الله
عقدن فلان و بر [illegible]
حمی [illegible] او باید بر
دفع شود از نفسه
و در خواص
السوره سوره
مبارکه عنکبوت
را بنویسند و بر
شو بندد صاحب
بر دفع وهن دردد
بخورد درد را بلیسه
کرده و در کتاب

خوش نشود بکیرد یک نخود و نیم نخود سفید و بنرم بکوبد و بشیر مرغ بشیر
قل هو الله را بران بخواند و بخورد شفا یابد دعا بخدمت امام جعفر
صادق ع از باد شقیقه شکایت کرد حضرت فرمود چون از نماز فریضه فارغ
شوی انکشت سبابه دست راست را در میان هر دو چشم یا در میان دو ابروی
خود بنه و هفت نوبت بکو یا حنان اشفنی و در حالیکه ان انکشت
را بر روی ابروی راست مالیده باشی بعد از ان انکشت را بهمان
جا بکذار و هفت بار بکوید یا منان اشفنی و انوقت انکشت را بر
ابروی چپ بمالد و بعد از ان کف دست راست را بر میان سر بنه
و بکو یا من سکن له اللیل والنهار وما فی السموات والارض صل
علی محمد وال محمد واسکن ما بی **ایضا** بنویسد و با خود دارد الم
تر الی کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه
دلیلا ثم قبضناه الینا قبضا یسیرا **طریقهٔ دیگر** در مکارم
اورده که بجهت درد شقیقه بنویسد اکر مرد باشد بر سر بندد و
اکر زن باشد در میان کیسوش بنهد بسمله بسم الله من الارض الی
السماء کان هبط جبرئیل فاستقبله الاجذع الاجذع فقال ابن تزید
قال اذهب الی الانسان فاکل شحم فاکل لحم عینیه واشرب من دمه
انا الراقی والله الشافی وصلی الله علی محمد واهل بیته **ایضا** افسون
بجهت درد سر و بجهت درد شقیقه دست بران کذارد و بخواند یا
مصغر الکبراء یا مکبر الصغراء یا مذهب الرجس عن محمد وال محمد

لنعامهم شمر دیا
کلم موسی تکلیما و
ابراهیم خلیلا و
محمد احمد بالحق بشیرا
تخرجی من العظم الی
ومن اللحم الی الجلد
من الجلد الی الارض
بکنی فتسکنی بحق
حول ولا قوة الا
العلی العظیم وصلی
علی محمد وآله وسلم تسلیما
کثیرا کثیرا ومثل این
این دعا را باید نوشت
و دیگر دیلمانی باید نوشت
و بیست و هفت کره بران
باید زد و درد رفت هر
کره زدنی یکبار سوره
فاتحه باید خواند بعد از
ان انرا برصاحب باید
بست و دعا اینست

دافع هر نوع مبت

بسم الله الرحمن الرحیم وبالحق
وبالحق انزلناه وبالحق
نزل وننزل من القران
ما هو شفاء ورحمة
للمؤمنین یا نار کونی بردا
وسلاما علی ابراهیم و
ارادوا به کیدا فجعلناهم
هم الاخسرین شد یا دیا
هم الاخسرین بعد
اتقه شد یا دیا رحمن بعد
یا معبود اسکن بعبده
الجبار العظیم ونعم
المنان الکریم و
معوذتین را با
نوشت انصا
و بیان هفت
سوره توحید و
فاتحه و معوذتین
را بخوانند بر درد ایم
ان سوره ها را بر
که علیحده
خانند
وطهرهم

مرجع کتابخانه علوم باطنی

ومطهرهم تطهیرا اصل علی محمد وال محمد وامسح بی من صداع وشقیقة
برحمتك یا ارحم الراحمین **درد زمکنون** اورده که این اشکال
را بجهت درد شقیقه بسته نوشته بران ببندد ساکن کردد س س س
ع ع ع ع ع ع ع هو هو هو و و والم تر الی ربك كیف مد
الظل ولو شاء لجعله ساکنا اسکن ایها الضارب والصداع کما سکن
عرش الرحمن شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد وشکایت
کرد از درد سر فرمود بحمام برو وپیش از اب داخل شدن هفت جام
اب کرم بر سر بریز وهر مرتبه بسم الله بکو **فصل دوم در**
دفع درد کوش وکرانی ورنج ان از ابن عباس منقولست که هر کرا
کرانی کوش باشد برخواندن این ایه مداومت نماید فمن یستمع
الان یجد له شهابا رصدا بعد از ان بکوید کان لم یسمعها کان فی
اذنیه وقرا شفا یابد واز حضرت امام محمد باقر ع مرویست که برای دفع
درد کوش دست بر کوش بمالد وهفت مرتبه این دعا را بخواند شفا
یابد اعوذ بالله الذی سکن له ما فی البر والبحر وما فی السموات و
ما فی الارض وهو السمیع العلیم اورده اند که شخصی بخدمت امام محمد
باقر ع از سنکینی کوش شکایت کرد فرمود دست بر کوش بکش واین
ایات را بخوان لو انزلنا هذا القران علی جبل تا اخر حشر ودر روایت
وارد شده که بجهت درد کوش روغن یاسمن یا روغن بنفشه هفت
مرتبه بخواند وان روغن را در کوش بچکاند کان لم یسمعها کان فی

بخواند بر کسی که صاحب
تب باشد شفا یابد

جمعه هر نوع تب

برای بند نوشتن این آیات وبالحق انزلناه وبالحق
نزل وما ارسلناک الا
مبشرا ونذیرا وننزل
من القرآن ما هو شفاء
ورحمة للمؤمنین وما
محمد الا رسول قد
خلت در آل عمران الی
عقبیه والذین امنوا بما نزل
علی محمد در سوره محمد
الی اصلح بالهم ما کان محمد
ابا احد من رجالکم الی علیما
سوره احزاب محمد رسول الله والذین
معه در سوره انا فتحنا
الی قوله فی الانجیل ومبشرا
برسول یاتی من بعدی اسمه

جمعه هر نوع تب

احمد الی قوله مبین
در صف ولو ان قرآنا
در سوره رعد الی
جمیعا او لله الملك لله
الواحد القهار برای ورد
ودر آن وقت بکوید
بسم الله المکنون بکوید
شان العرش نخلة [illegible]
از مقال اشد
از کتاب
بغلط در تیره کل عضو کشته صد منکا بخوانند [illegible] بکوید

دیگر بجهة [illegible] و این بز [illegible] از بدن [illegible] کرده شد

اول عمل صحیح
بسم الله انا اعطیناک الکوثر

دوم عمل صحیح
الرحمن فصل لربک وانحر

سوم عمل صحیح
ان شانئک هو الابتر الرحیم

اذنیه وقرا انّ السمع والبصر والفؤاد کلّ اولئک کان عنه مسئولا و مرویست که شخصی بحضرت صادق ع شکوه کرد از درد گوش و گفت که چرک و خون بسیار از گوش من میاید فرمود که سیر بیابانی را بگیر و نرم بکوب و با شیر زن ممزوج کن و بر روی آتش نیم گرم و چند قطره در گوش که درد میکند بچکان و از حضرت رسول ص مرویست که سداب از برای درد گوش نافع است **ایضا** بجهة درد گوش بر گوش بنویسد ایضا سه مرتبه بر آن بخواند بدوا منها خلقناکم وفیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری **و در بحر المنافع** آورده بجهة درد گوش بنویسد و تعلیق نماید و بخواند و بدمد واذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا لعلکم ترحمون کان لم یسمعها کانّ فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم **ایضا** بشرح مذکور ومن یدع مع الله الها آخر لا برهان له به فانما حسابه عند ربه انه لا یفلح الکافرون جهة **خارش درون گوش** در بحر المنافع آورده که بر آن بخواند و بدمد یٰس ص والقرآن الحکیم کان لم یسمعها کانّ فی اذنیه وقرا فبشره بعذاب الیم جهة کری گوش در بحر المنافع آورده که این آیه را سه روز هفت بار بر آب بخواند بخورد و بنویسد و با خود دارد دفع شود ذلک الذی یبشر الله عباده الذین آمنوا وعملوا الصالحات قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی ومن یقترف حسنة نزد له فیها حسنا ان الله غفور شکور ولئن سئلتهم من خلقهم

بز جهة اول گرم

اول عمل صحیح
بسم

دوم عمل صحیح
الرحمن

سوم عمل صحیح
الرحیم

دوم صداع

حرز امان از کتاب الامان و در شفاء الصدور والابدان فی شرح منافع القرآن در علاج صداع و تسکین صداع آورده از سوره فرقان الم تر الی ربک کیف مد الظل ولو شاء لجعله ساکنا ثم جعلنا الشمس علیه دلیلا از سوره انعام وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم

ک‍ل‍ه

لیفوژن

ولا حول ولا قوة
الا بالله العلی العظیم
را بنویسد و در دندان
بنویسد اهیا اللا لا لا هم
منفا ثیل عنبر الله علی
الضربان والشقیق و
ایجمن اج ج ح ک
ل م ن ا ع س ص و ع
اسکنوا الیم منذ نوب
علیه هذه الاسماء
الله الشافی الکافی
فسیکفیکهم الله وهو
السمیع العلیم ولا حول
ولا قوة الا بالله العلی
العظیم بیاض نوشته را
بر پیشانی بندد و هفت آیه
ایه لو انزلنا هذا القرآن
تا آخر سوره حشر را بخواند
و درد سر کردن تسکین
یابد حکایت است که مامون

دفع صداع

صداع بهم رسانید
طرطوس حکیم را اوردند
دند معالجه نتوانستند
بکنند جعفر دوم کلاه
برای او فرستاد و در آن
نوشته که صداع و
بعد رسیدن لیکن کلاه
را بر سر بگذارد ما نکن
مجنون ما مون بر سید
که در هر دار باشد ایع

لیقولن الله فانی یوفکون **معالجه رفتن چیزی در گوش** فرو نشست که شخصی سنگی برداشت که گوش خود را بخاید در گوش او شکست و محکم کرد هر چند خواست که او را بیرون آورد و معالجان علاج او نتوانستند کرد بخدمت حضرت امام محمد باقر رسید از درد آن شکایت کرد بحضرت صادق فرمود که او را بیرون برآ بفرزند و نظر کن چیزی دید میشود چنان کرد فرمود دید نمیشود حضرت فرمود بان شخص که نزدیک من آ شخص نزدیک آمد فرمود سه نوبت بگو اللهم اخرجها کما ادخلتها بلا مؤنة ولا مشقة و همان انگشت که داخل کرده بیرون آورد آن شخص چنان کرد آن سنگ بیرون آمد باذن الله تعالی **طریقه دیگر** اگر کسی را چیزی در گوش رفته باشد این چهار اسم را بر گوش خواند بیرون آید باذن الله تعالی یا علی یا عظیم یا حلیم یا علیم و بجهة کشتن حیوانی که در گوش رفته باشد اطباء گفته اند که قطران را با آب بودونه یا آب برگ شفتالو حل نموده نیم گرم بچکانند آن حیوان کشته شود و بتجربه رسیده که اگر هزار پایه در گوش رفته باشد روغن کنجد را بر آن بچکانند بمیرد تا بیرون آید

فصل سیم

در دفع درد چشم و علل آن در خواص الایات آورده که هر صباح سه نوبت بر چشم خواند درد زایل شود بسم الله الرحمن الرحیم بسلامه و بخرج بسلامه انکشف الدمعة وانجلت الحمرة بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم نور السموات الی قوله

کم من نعمة من
الله الرحمن الرحیم
نوشته بود بیم
کرد و انکار و ابدو و بدید
شد نی کلاه را
شد درد و دنیا کن
دید بر بر خود کند
داشت بود طرز نشد
بود شخصی که صداع

نود خلی

مرجع کتابخانه علوم باطنی

جوهر دارد در دو ... مثلث کشیده
مدد سی کرده فوائد
حمله مجمند ر
الا بالله العلی العظیم
القرآن لا حول ولا قوة
کلام الرحمن بحدث
نجوما و ... من
بحق ... الا الصمد
یا الله عزیز ما

و در حین کشیدن
دهند این منتر ذالک این است
زمین نشکل کشیده نزد این منتر را بخواند مثلث

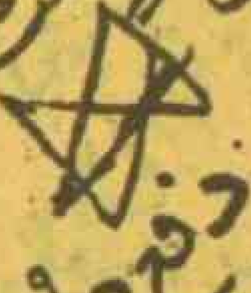

جمعہ
دفع صداع
نوشته در سر بندد
دیگر
شکل را بگلاب نوشته این
در سر بمالد از جمله
مجربات است و

دفع صداع
شکل این است

نور علی نور و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود که هرگاه چشم کسی را ارزده باشد باید باعتقاد درست آیة الکرسی را بخواند در حالیکه بر دلش باشد که البتہ شفا میابد و در حدیث دیگر منقولست که حضرت رسول ع برای درد چشم این دعا را فرمود بخوانند اللّهمّ متّعنی بسمعی و بصری واجعلهما الوارثین منّی وانصرنی علی من ظلمنی وارنی فیه ثاری و در روایت دیگر آمده که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع آمده که چشم آنحضرت آزار عظیم داردو روز دیگر بخدمت آنحضرت آمد اثری ازان آزار نیافت از سبب آن پرسید آنحضرت فرمود که من باین تعویذ نمودم اعوذ بعزّة الله اعوذ بقدرة الله اعوذ بقوة الله اعوذ بعظمة الله اعوذ بجلال الله اعوذ بکرم الله اعوذ ببهاء الله اعوذ بغفران الله اعوذ بحلم الله اعوذ بذکر الله اعوذ بجمع الله اعوذ برسول الله صلی الله علیه وآله علی ما اخاف و احذر علی عینی واجده من وجع عینی اللّهمّ ربّ الطیّبین اذهب عنّی بحولک وقوّتک فکشفنا عنک غطائک فبصرک الیوم حدید فنظر نظرة فی النجوم فقال انّی سقیم وصوّرکم فاحسن صورکم ورزقکم من الطیّبات ذلکم الله ربّکم للعالمین فتبارک الله ربّ العالمین یا علیّ یا عظیم یا کبیر یا جلیل یا منیع یا فرد یا وتر یا ربّ لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین بسم الله الرحمن الرحیم

علی
علی
علی
علی
یا یا یا یا

محمّد
محمّد
محمّد
محمّد
یا یا یا یا

علی
علی
علی
علی

محمّد
محمّد
محمّد
محمّد

نزل له
بنیک

بجمند در دو
سره وضمن ابن نهم بنعم
کلمات را بر سباه بنعم
منع و درجاته بیادوند
که دو در بدان
بر سد طیطوش
لطعوش شاد
عنود اسکن
اسکن اخرج
اخرج

یا حیّ

یاحیّ یاحلیم یاعلیّ یاعظیم یاجلیل یاجمیل یاوتر یافرد اسئلك ان
تصلّی علی محمّد وال محمّد واسئلك ان لا تدعنی فی قبری فردا وانت
خیر الوارثین وان کنت الّا واحدا الصّلوة فی قبره ممّا رزقنی فی
حاجة العین یاربّ العالمین واز حضرت رسول ص مرویست که
دنبلان از کیاه هشت ابن از برای درد چشم نافع است نوع
دیگر جهة درد چشم بگوید اعیذ نور بصری بنور الله
الّذی لا یطفی وچشم را بدست مسح کند وایة الکرسی وان یکاد را
بخواند ودر خاطر بگذراند که البته شفا یابد نوع دیگر جهة
درد چشم بردارد پنبه وتر کند وبچشم گذارد وبگوید عین الشمس
فی لجة البحر یانار کونی بردا وسلاما علی ابرهیم ایضا در وقت تمام
شام بدیدن ستاره لعاب دهن خود را بانگشت گیرد واین ایه را
خواند وبر بالای چشم فرود اورد وچند بار چنان کند شفا
یابد قل ارایتم ان اصبح ماؤکم غورا فمن یاتیکم بماء معین نوع
دیگر اب باران بنا بنکه در اوّل کتاب ذکر شد وایات واذکار
ان خوانده شود وقطره در چشم چکاند وچشم را بآن اب بشوید
درد ساکن گردد ایضا این ابیات را هفت بار بخواند وبر چشم
دمد درد او زائل گردد انشاء الله تعالی ابیات این است

مَتیٰ مٰا مُقلَتیِ رَمَدَت فکحّلی تُرابٌ مَسّ نعلی اَبی تُراب۔
هو البکاء فی المحراب لیلا هو الضحّاک فی یوم الضّراب

اخیج اخیج اخیج
ل ع هـ هـ هـ هـ ٤ ٤ ٤ ٤ صع بنوبس
بر سد ٤ ٤ ✳ ٤ ٤ ٤ وهـ انضا را بر مسد
مسمر ابن شکل را
منج بر چشم عبن ودواو
بکوبد بر دیوار وردو
هبنه یا ما متشغلون ح
نجا من کل کرب عظیم
لبنم نزله فلان بن فلان
سر وچشم وکردن ورو
۱۵۲۳۴
سنه بجموع وابن ابات را
معالجه دوا مؤمن بنویسد
از سوره مؤمن بنویسد بر جای
حم مؤمن بنویسد رفع کردد
دوار بنند
بسم الله الرحمن الرحیم
ذلک بانهم کانت تأتیهم
رسلهم بالبینات فکفروا

جهت نوبه

فاخذهم الله بذنو
بهم انه قوی شدید
العقاب ولقد ارسلنا
موسی بایاتنا الی
فرعون وهامان
وقارون وقالوا
ساحر کذاب
حضرت امام محمد باقر
علیه السلام فرمود
که شیعیان ما
خوانند انشاء الله
ناطقی ما برای درد چشم سر
ناطقینه ما
درد منفعت مردم
است که چیز
بچشانه مبتلا بکرد
بامام محمد باقر
دردھر هفته
در دو مرتبه می
ایضا

ایضا بنویسد با خود نگاهدارد و صبح و شام بر چشم خواند و بدمد شفا یابد بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد ان فی عینی رمد احمرا و فی بیاض حبیبی الله الصمد یا غیاثی عند التهابی بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد ان فی العین رمد باحمرار ببیاض حبیبی الله الصمد یا غیاثی عند الالتهاب بارتفاعك باعزازك یا الهی اکفنی شر الرمد لیس لله شریك لا له کفوا احد و انفعال یا این طریق نوشته در رقعه با خود میدارد این اشکال را نیز

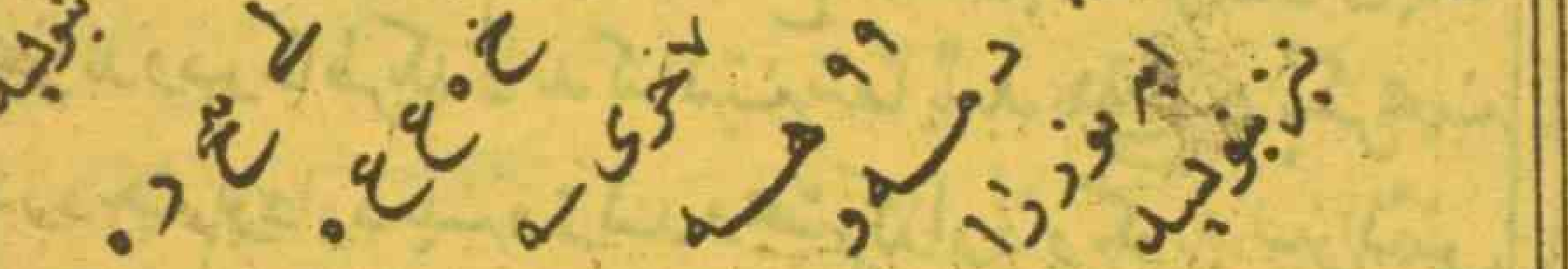

بسکن الضارب و یهدء الرمد و یزول الوجع و الالم بعون الله و رحمته انه علی کل شیء قدیر و در تعلیقات در مکنونه که بر چشم خوانند و با خود دارد

یا ناظری بیعقوب اعیذکما   کما استعاذ به اذ مسته الرمد
شفاه الله اذ جاءه البشیر به   بحق یعقوب اذهب ایها الرمد
نفسك لعزبن هذا الزاجره

و در **زبدة الدعوات** که آیهٔ و ان یکاد را به تربت امام حسین ع در جامی نویسد با میل در چشم کشد شفا یابد و بعد این کلمات را با این حروف نویسد با خود دارد که مجرب است اسکن ایها العرق الضارب حتی تنام العین الساهرة فی

درد شقیقه

را درد شقیقه میکرد حضرت فرمود دست بگذار در آنجا بر سر که درد میکند و سه مرتبه بگو یا باطنا غیر مفقود ارد د علی عبدك الضعیف ایادیك الجمیلة عنده و اذهب عنه ما به من اذی انك رحیم قدیر و در مکارم اورده که حضرت صادق ع تعلیم نمود بجهت درد سر و درد شقیقه این آیات را بران خوانند و لو ان قرانا سیرت به الجبال او قطعت به الارض او کلم به الموتی بل لله الامر جمیعا تکاد السموات یتفطرن منه و تنشق الارض و تخر الجبال هدا و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون و یا ارض ابلعی ماءك و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر و استوت علی الجودی و قیل بعدا للقوم الظالمین تذنیب ذکر تجربه الاطباء قطور مغز خیمند را با روغن بنفشه در سوراخ بینی ریزد موافق صاحب درد شقیقه اطباء مجرب بشمرده اند لزاق الصدغین جمله درد سر پارچه کتانی که بعد درهم گذاشته بر شویان صدغین بندند تخم کاسنی تخم کاهو یکمثقال ریحان

فی الدنیا والاخرة بحق هذه الاسماء العظیم العظام الطاهره —

ع ح من ال وه۳۲۹۸۷۹۱۱ه بدل لسخر ه۲۵ع۱۱۸ع۱۱ع۱۱ه

مقال صاحب ن ی ث ف اوش ن اث س ول ن ی

کفند چون سوره کوثر را برچشم خوانی باعث قوت باصره و دافع رمد وغشاوه است ایضا اسم الشکور را برابی خوانی و بان آب چشم خود را بشو که دفع رمد میشود باذن الله تع ایضا اسم الحق را واسم الحی را نوزده باو برابی خوانی وچشم رمد دار را بر ان بشوئی رمدش به شود انشا تع **در خواص السور** ومقال چون سوره فصلت را بنویسند وباب باران بشویند و بان آب سرمه بسایند وان سرمه را در چشم کشند رمد و سفیدی و درد های چشم را نفع کند وچون سوره الرحمن را با صاحب رمد بندد زائل شود وچون سوره همزه را بر چشم رمد دار بدمد و بر خواند رمدش زائل شود انشا تع **اما معالجه** ضعف باصره وشبکوری ودمعه وبیاض وجوب وسبل وظفره وتحجر مژه وابرو وغیره از علل چشم مرویست که شخصی بحضرت امام موسی کاظم ع از ضعف باصره شکایت کرد که بمرتبه رسیده که شبکور شدم حضرت فرمود این نور را مکرر در جامی بنویس وباب محو کن وانرا در شیشه کن وازمیل بچشم بکش یعنی سرمه بار بنویس پس راوی گفت مکرر از چهل میل کشیدم که بینائی بمن باز

مرصاص حضض ۱۲
افیون بلیم بالعاب
بزر قطونا سرشسته مجرب
اینست عصاره حی العالم
را با دوغن گل سرخ در
سرطلا نمودن بغایت
نافع است ابن زهر ص
دراختیارات از خوا
قوه [illegible] دارانند
که هرگاه صداع —
داشته باشند انرا
تعلیق نماید درگرما
شود —
عرق [illegible] سرکه انگور
وهم چنین سرکه [illegible]
را چون [illegible]
ترکیده و بر [illegible] ضماد
نمایند بجهة درد سر که
از صفرا وچون وبخارات
گرم حادث شده باشد
مجرب و نافع است

صداع

وهم چنین باشند
[illegible]
[illegible] بخارات
[illegible]
کرد و درد [illegible]
افکند [illegible]
[illegible] در اتش
[illegible] چند
مجرب است که ابو
بارده دماغ از
منقعه و مواد
صداع مزمن و
است هم چنین بجهة نافع

کذن

کشت از امام جعفر صادق ع منقولست که فرمود مسواک کردن آب ریختن چشم را زائل میکند و چشم را جلا میدهد و شخصی بان حضرت از آزار چشم شکوه نمود فرمود که از جدوار و کافور و مر و مساوی بگیر و دارو بساز و در حدیث دیگر فرمود این دارو بجهت ضعف چشم وجلا نافع است جهت سفیدی چشم و در حدیث دیگر فرمود بجهت سفیدی که در باصره بهم رسد کشیدن دهنه فرنگ نافع است و اگر کسی را سفیدی در باصره بهم رسد سوره یس را بنویسد با خود دارد سفیدی چشمش زایل شود و بتجربه رسیده که چون کسی که اول بیاض باصره را دید و خبر داد انکشت کوچک دست او را ببندند اندک ببرند از خون انکشت او قطره در آن چشم بچکانند زایل شود انشه

ایضاً بجهت درد سر و چشم درد این چهار حروف نورانی را در ساعت مشتری در مربع چهار در چهار بنگارد و صاحب درد و صداع با خود دارد شفا یابد انشه و حروف اینست ص ط ق م

ص	ط	ق	م
ط	ق	م	ص
ق	م	ص	ط
م	ص	ط	ق

و در مجرّ المنافع آورده که اگر کسی را چشم درد کند یا علتی باشد این افسون را بر خاک بخواند و بر پشت بگرداند دفع کرد و آن این است برقمونی برقا برقا برقا رقا بلقا بنین عدلاً **ایضاً** جهت آفات چشم در حدیث آمده که هر که هر روز آیه فجعلناه سمیعاً بصیراً را بخواند از آفت چشم سالم ماند

واگر ماده بسیار غلیظ باشد بجای شراب آب انکور کنند و بلاسود ابریشم خام لیکن بیزجاید است حضرت رسول صلی الله علیه وآله فرمود که برای درد سر روغن کشنیز را در بینی بچکانند نافع باشد و بجهت دفع طنین و دوی و درد کوش سکته و کزاز و درد کوش و در مجرّ المنافع آورده که سعوط اعلی را بر کوش کسیکه طنین بسیار آورد بخوانند بنکو شود آنچه بجهت دفع دوه و طنین که از اجماع رنج بود باشد مجرب دانسته اند که صرع پسیا را کذان جو اینست کوطی نبیر

کری کوش

برطلخ در کوزه سفال بکیر لبنی سوزانند فا کنی اورد با بول کاو و با بول خود در کوش بچکانند در ساعت دفع نماید و کفته اند که مطبوخ هندبه که او را اخر خدا کویند در پوست انار کرده با روغن کل بنفشه بجوشانند نیم کرمادرا در کوش بچکانند دفع درد کوش و کری قدیم است و اماس بناکوش شد بنوشد دبناکوش بنو بیسد جمع باشد کرد اماس بناکوش بلاد بسمله لله کتب بسوات بلاد تمام الطب دوس عابد محرف هکذا

هکذا اکر همه روزه سه نوبت این فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم
حدید و لو نشاء لطمسنا علی اعینهم فاستبقوا الصراط فانی یبصرون
را بخواند از آفت چشم سالم ماند ایضا اکر این نور را یا و ان یکاد
را بتربت حسینی و آب زمزم بر جامی نویسند و بشویند در شیشه کند
با میل در چشم کشد از شب کوری سالم ماند و ضعف باصره ایمن کردد
انتهی تم

فصل چهارم در درد دهان و علل آن

از قلاع و جوشش و درد کام و کردن و کلو و غیره مرویست که شخصی
حضرت صادق ع شکایت کرد از درد دهان و حوالی آن فرمود دست
بر دهان بکذار و بکو بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله الذی لا یضر مع اسمه داء و اعوذ بکلمات الله التی لا یضر
معها شیء قدوس قدوس قدوس اسئلک یا رب باسمک الطاهر
المقدس المبارک الذی من سئلک به اعطیته و من دعاک به
اجبته اسئلک یا الله یا الله اسئلک ان تصلی علی محمد النبی
و اهلبیته و ان تعافینی مما اجد فی فمی و فی رأسی و فی سمعی و فی
بصری و فی بطنی و فی ظهری و فی بدنی و فی رجلی و فی جمیع جوارحی
کلها **نوع دیکر** در مجمع المنافع بجهة درد دهان آورده از
اول سوره طه تا قوله علی العرش استوی را تعویذ و تعلیق نماید
و بجهة درد دوری بران خواند و بنویسد و با آب محو کند و وی را
بان بشوید شفا یابد یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک

علیک و میم یعفو منعض
هشیا ابقیکم تا سه روز
اینها بنویسد صحت یابد
علیها ملیها انت تعلم
کلمتی ملیها برحمتک
یا ارحم الراحمین ایضا
در مصباح کفعمی از
امام جعفر صادق ع
روایت شکایت کرد دست
بکوش باید کذاشت
و کفت لو انزلنا هذا
القران علی جبل لرایته
خاشعا متصدعا من
خشیة الله الی آخر سوره
حشر شفا یابد چشم درد
چشم از خواص حروفات
در مقطعات در اول
سوره هاء قرآن
است تا فهم اند که هرکه

درد چشم

در روز شنبه اول که
بعد از نوروز
سلطانی میباشد بنویسد
بخورد در آن سال از
درد چشم ایمن باشد
الم الر المص المر کهیعص طه طسم طس یس ص حم حمعسق ق ن
[illegible] معجون [illegible] چشم [illegible] باخود دارد [illegible]

راضیه

اهع اهو	اهو اهز	او اه
اهز اهو	ای اه	ای ا
اهد اون	ان ا	ده

رامینه مرضینه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی یوم تبیض وجوه و تسود وجوه در نسخه بسود فاما الذین ابیضت وجوههم ففی رحمة الله هم فیها خالدون **معالجه** اماس لب و اماسیکه از ترکیدن و عزه در دو لب هم رسد و بر روغن خواند و بدان مالد دفع شود بسمله قل الله شهید بینی و بینکم انه کان بعباده خبیرا بصیرا فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم حسبی الله و نعم الوکیل و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم علاج درد کام در بحر المنافع اورده که این آیات را بنویسد و بشوید و بان آب مضمضه نماید در کتن قال من یحیی العظام وهی رمیم الی قوله وهو الخلاق العلیم وله ما سکن فی اللیل و النهار وهو السمیع العلیم لکل نبا مستقر و سوف تعلمون رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم اطباء غرغره کردن به طبیخ کردن برگ الو و بیخ او و جهت ورم لهات و منع نزلات دماغی دوم لوزتین و تقویت بن دندان مجرب و نافع دانسته اند ایضا کلنشت که خورد انجیر بجهت درد دهان و مضمضه حلبا د با سرکه بجهت استحکام لثه و اسنان و قلاع نافع است

اما معالجه درد گلو و درد گردن

در فصل هفتم باب دوم بجهت درد گلو دعائی مذکور شد و در بحر المنافع اورده بجهت دفع درد گردن سبحان الله اسری الی قوله السمیع البصیر بحق الرحمن علم القرآن را بنویسد و با خود دارد ایضا بجهت درد گلو و گرفتن کام بنویسد و با خود دارد فلولا اذا بلغت الحلقوم و

ایضا این آیات را بر
کاغذ بر خواند و چشم را
بدان بنویسد شفا یابد
افلا یتدبرون القرآن
ام علی قلوب اقفالها
ولو نشاء لطمسنا
علی اعینهم فاستبقوا
الصراط فانی یبصرون
فکشفنا عنک غطاءک
فبصرک الیوم حدید
در مقابل اینه دعا بعد
از نماز صبح چهل و یکبار
بگوید بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین
حسبنا الله و نعم الوکیل
تبارک الله احسن الخالقین

درد چشم

سوره قل هو الله
احد را بر چشم رمد دار
بخواند رمدش زایل
شود و اگر شفا خواهد
مدت مرض همین فایده
دارد از مجربات اولیاء
و کتابت است از برای درد
چشم ابجد و فات را بر
کاغذی نویسند و چشم
های حروف و فات را باز
باشند و ان کاغذ
را بروی تخته بر
گذارند و سوزنی
بدست گیرند و
اول صلوات بلند یکمرتبه
مرتبه و الحمد یکمرتبه
و سوزن را بر روی
تخته بر اول حروف
زند و بر دو الحمد و
[illegible] کنند شد دوم
صلوات
اید

صلوات وردو مرتبه جهل
بگوید اللهم اسکن و
ج هذا العضو و سکون
را بحرمت دردیم فرع برد
و آز بحرمت سیم و بهم
حیثین تا حرف هم
مرتبه صلوات و نه
مرتبه حمد بخواند البته
ان وجع ساکن میشود
مکرر شده در حرف
دویم و سیم ساکن نشد
اگر ساکن نشد البته
از مرد از دهمانا هم
بیت است حروفات این
ابجد هوز حطی
الطاء بجمله درد جسم
بجزیره رسا بنده اند
کرکوشت بجز بچ مانند
ورق بگیرند و در کف
را زند ساکن شود درجه

انتم حینئذ تنظرون وهو الله الشافی جهة درد وامانس کلو بران
هفت مرتبه بخواند الم تر انا ارسلنا الشیاطین علی الکافرین تؤزهم
ازا نوع دیگر اینشکل را بنویسد و در سرب کبرد و بوشته که
دختر نابالغ نابیده باشد ببندد و در کردن ببندد شفا یابد انشاء الله تعالی

لا	مدد		۸ سمی سمے
۸X	۸ ۸ ۶	دع و	سمے
			۷۱۱۹۹۱

نسخه بدل

X	مد رماع	۸ سمے سمی
	۸ ۸	۸۱۱۹۹۱

جهة خوره دهان

بنویسد روز جمعه نقصان ما

وقت پیشین در آب افکند و باز یکی بنویسد بشوید بخورد البته خوره
را از دهان برد مجرب است عظیم سمع ماح ٥]]] ۲۷۹ در
طمع الولع طاااالططاح ح سمع جهة اماس کلو و ملا
ذه بوقت غروب آفتاب کاسه را پر آب کند و در پیش خود نهد و هفت
بار بخواند ابند غارا و کارد را هر بار باب ترکند و بآن موضع بمالد دفع
کردد انشاء الله تعالی بسمله اذهب یا ریح من الغر بعزة الله ثم فانی اعوذ
بالله من کل داء داخل او خارج فی اللحم بحق سلیمان بن داود ع و
ایضا بنویسد و بر کردن ببندد شفا یابد انشاء الله تعالی جا بجش هش بیں
کلس الحصوها الحصوها وصلی الله علی محمد واله ایضا بر آن دمد
بسمله اسکن و بعزة الله اسکن و بجلال الله اسکن وننزل من القرآن
ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ایضا این شکل را بر او بندد سحه

درد چشم

و بینایی نه بند ندز
العوذ ما اکن کردد هم
چنین کشند نخون
تا ده کوه بر تج لیسار کرده
ورد در چشم که طاقت اورد
وا ز درد بیطاقت باشد
لیسار را نافع است و
لیکو می گفته که بتنقیه و
عکس زنده بر کیره که
باعث تسکین درد
چشم از درد میکند
دی میباشد از
وازخواص جلنار
کهچون درد چشم
وقت طلوع آفتاب
بکوبند در عرق گشنیز
اورده اضافه درد
دمعتاد بر آن آن
در حدقه ان جد
کرده خنر و برد
تا
جد

تا اکحال چشم درد نکند
ایضاً برای علت درد
چشم از شب کوری
وضعف باصره و سفیدی
چشم اطلاء بجهت بر یافته
انذ کرده جگر بزغاله را
نمک کرده در زهره او را
با الوغلو کرده و از
فلفل و زنجبیل بر او
با استنگ خوناب عرق شیح
کجا بر اثمد در چشم کشیدن
شب کوری را زایل میکند
ایضاً اکحال و خوناب و
رطوبتی که در عین کثافت
کردن دل از ان جگر
جهت شب کوری مجرب
است ایضاً اکحال
رطوبتی که در برابر
جمع میشود جهت بیاض
عین نافع است و هم

درد چشم

جنین الکحال آب
حی العالم را جهت دفع
رمد سفید دانسته اند
والکحال محرق پرستو و
مقوی باصره است و
دماغ و را با سرکه ناو
با اکحال کرده و را با عسل
جهت ابتداء نزول آب
و جرب و سبل

جهت درد کردن این آیات را باخود دارد افعیینا بالخلق الاول بلهم فی لبس من خلق جدید ولقد خلقنا الانسان ونعلم ما توسوس به نفسه ونحن اقرب الیه من حبل الورید ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم **دفع اکله** وهر زخم بر دارد بقدر زخم سر پنیر و بر روی زخم بگذارد و این دعا را سه مرتبه بخواند و بعد این سر پنیر را در آب اندازد و روز دوم نیز باین طریق بخواند و در آب اندازد در روز سیم نیز سه مرتبه بخواند و در آتش اندازد دفع شود انشاء الله بسمله بنام آن خدائی که تو را نبر او دنیا خواند و زبور شراهیا بنام صد و بیست چهار هزار پیغمبر اول آدم آخر محمد المصطفی صلوات الله علیهم ای درد توجه درد بی بتی ایدون کوچکی و بغل ایدون بزرگی کوشتش مجوزدی استخوانش بگداختی انا الراقی انا الراقی والله الشافی اخرج ایملعون اگر یکی اگر دوئی اگر نری اگر ماده خواهم کرد بن بنبرائی نعوذ بالله محمد رسول الله ص علی ولی الله نبرح مذکور بجهت سفیدی و جوششی که در دهان بهم رسد این کلمات را بدستور با پنیر ناشتا در کتاب تسهیل است بخواند سه بار یا-بغوثا یا بلغوثا اذ بثار بثار اهد بنثا بیرون دواز دهان این بنده خدا بنام جبرئیل بنام میکائیل بنام اسرافیل بنام عزرائیل من نیز بر تو گزند نکنم بگیرمت بر پنیر سفیدی اگر بمیری بنام خدا و گر نمیری بنام و ننزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین بپینبه اول

است طلاء [illegible]
کحل مجرب [illegible] الجیم [illegible]

خفاش شیعاب بیان بر
خبر دفع نزول و با خفا سر کرب
عسل جهت بیاض امت
خبم و هم چنین غیر
اورا رفع بیاض امت
منفر جمنه دانه هاء
خبم از ثابت جوشش
و ناخنه و غیره سر
درد نامداد نامشنا
هر روز هفت بار بر
ان خواند شفا یابد

ودو وتیم را در آب اندازد و بیمار ببیم را در آتش اندازد شفا یابد انشاء الله

فصل پنجم در دفع درد دندان از حضرت امیر المؤمنین

علیه السلام مرویست که بجهت درد دندان دست بر موضع سجود بر مالد و بر موضعی که درد میکند بمالد و بگوید بسم الله الشافی بسم الله الکافی ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم شخصی بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد و از درد دندان شکایت کرد که از بسیاری درد شبها بیدار میباشم فرمود هرگاه اثرش ظاهر شد دست بر موضع درد بگذار و سوره حمد و توحید و قدر را بخوان انگاه این ایه را یک بار بخوان وتری الجبال تحسبها جامدة وهی تمر مر السحاب صنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون **در حدیث دیگر** منقولست که بجهت درد دندان سوره حمد و توحید و معوذتین بخواند و بگوید بسم الله الرحمن الرحیم وله ما سکن فی اللیل و النهار وهو السمیع العلیم قلنا یا نار کونی بردا و سلاما علی ابرهیم وارادوا به کیدا فجعلناهم الاخسرین نودی ان بورک من فی النار ومن حولها سبحان الله رب العالمین اللهم یا کافی من کل شیء و لا یکفی منك شیء اکف عبدك وابن امتك من شر ما یخاف ویحذر ومن شر الوجع الذی یشکوه الیك از حضرت امیر المؤمنین ع مرویست که بجهت درد دندان بنویسد و صاحب درد با خود دارد و بر خود داور بزد او لم یر الانسان انا خلقناه من نطفة الی اخر سوره

مجرب است بسم الله الرحمن الرحیم
و وارد هی و وارد هیه
فانما هی زجرة واحدة
لکشفنا عنك غطاءك
فبصرك الیوم حدید
وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین

در درد چشم

ایضا در مکارم الاخلاق

صاحب درد چشم دو رکعت نماز کند در هر رکعت فاتحه یکبار قل یا ایها الکافرون سه بار و آیه وعنده مفاتح الغیب یکبار بخواند شفا یابد و بر جمنه دریخش موی بالرحیم در جر للناظر و اوردهٔ که بخواند و تعلیق عماید دم الله الرحمن الرحیم افیضوا من حیث افاض الناس و ا استغفروا الله ان الله غفور رحیم و الیوم الاخر و جا هدوا فی سبیل الله لا یستوون عند الله بل والله

بین وله ما سکن فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم ایضاً دستور
دیگر از حضرت امام موسی ع منقولست که برای درد دندان سعد را
بران بگذارند و فرمود سرکه که از شراب بعمل اید بن دندان را محکم
میسازد ایضاً بر برگ سبزی بنویسد الذی جعل لکم من الشجر الاخضر
ناراً فاذا انتم منه توقدون وانرا بر دندان که درد میکند بنهد و چند
قدمی راه برود وان برگ را گرفته در پس سر اندازد و باز پس نگردد تا
نعم دفع میشود **نوع دیگر** بنویسد با خود دارد و بر دندان
نیز بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله وبالله وصلی الله علی محمد و
آله الطیبین و بصنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون اسکن
ایها الوجع سکنتک بالذی سکن له ما فی السموات وما فی الارض و
هو السمیع العلیم عزمت علیک ایها الوجع بالله الذی اتخذ ابرهیم
خلیلا و کلم موسی تکلیما واید عیسی بروح القدس و بعث محمداً بالحق نبیاً
لما ذهبت عن فلان بن فلان الی مدة حیوته ولا تعود الیه دستور
دیگر مفضل بن عمر گفت رفتم بخدمت امام جعفر صادق ع و درد
دندان داشتم شکایت بان حضرت کردم فرمود نزدیک شو بمن با نحضرت
نزدیک شدم و انگشت سبابه را بر دندان که درد میکرد گذاشت
و اندک چیزی خواند فی الفور ساکن شد فرمود یا مفضل گفتم بلی حضرت
نیستم فرمود من گفتم دوست میدارم که این افسون را بمن بیاموزی فرمود
حضرت فاطمه ع نزد حضرت رسول رفت و از درد دندان شکایت کرد

والله لا یهدی القوم
الظالمین ایضاً ۳۰
بجنته و نجنی من فرعون و عمله و
بدستور بعمل آورد ما
کان حدیثا یفتری و
لکن تصدیق الذی بین یدیه
وتفصیل کل شیء وهدی
ورحمة لقوم یؤمنون
براے نور چشم دو
رکعت نماز بجا آورد و
بعد باید گفت اللهم
انی اسئلک ادعوک و
ارغب الیک واتوجه
الیک بنبیک محمد ص
نبی الرحمة و یا محمد انی
اتوجه بک الی الله ربی
و ربک و ربی ان یرد
علی نور بصری ابصر بها
قوة باصره
است انکه در مقالات بعض

قوه باصره

از غبار صبح مدا
وقت نماز بد اللهم انی
اسئلک بحق محمد وال
محمد علیک ان تصلی علی
محمد وال محمد وان تجعل
النور فی بصری والبصیرة
فی دینی والیقین فی قلبی
والاخلاص فی عملی والسلامة
فی نفسی والسعة
فی رزقی والشکر لک
ابدا ما ابقیتنی
انک علی کل شیء قدیر
نور ۱۲ شد
بسیار مشاهد
خواهد کرد مجرب
اینجا دعا مشتمل
است بر حصول
حاجت دنیا
و عقبی مجرب
بکتاب

انکشت مبارک خود را انحضرت بر دندان او نهاد و فرمود
بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله اسئلك بعزتك وجلالك
وقدرتك علی کل شیء ان مریم لم تلد غیر عیسی روحك وکلمتك ان
تکشف ما تلقی فاطمه بنت خدیجه من الضرس پس ساکن شد درد
او ومن چیزی نشنودم ایضًا از انحضرت مرویست که هفت بار بر ان
بخوانند بسم الله و بالله اسکن بقدرة الله الذی خلقك
فانه قادر علیك وعلی الجبال انبتها واثبتك نفرجتنی با لی-
فیك امره وصلی الله علی محمد واله ایضًا اورده که بر ستون
بنویسد یا نقش کند **موافقوها** وبعد از ان بر میخ اهن
هفت بار وان یکاد را بخواند وان میخ را بر حرفی از حروفات ان
کلمه بزند واستوار کند از صاحب درد بپرسد که درد ساکن
شد یا نه بهر حرفی که ساکن شد بگوید ایضًا اورده که بروز یك
شنبه بر کاغذ یا چوب یا دیواری این شکل را نقش کند **سمعلوی**
ودر وقت نقش کردن صاحب درد پهلوی خود را بدارد پس
میخ اهنی بردارد ودر چشم میم زند ودر اثنای زدن میخ این و
ننزل من القران الی خسارا بخواند در حال درد ساکن شود
واکر درد ساکن نشد در چشم عین زند وایه را بخواند اکر دفع
نشود بچشم واو زند باذن الله بکلی زایل شود واین
از مجربات است **نوع دیگر** این اشکال بر خشتی یا دیوار

اطبا گفته اند ترکیبی
را بلعاب کتیرا و [illegible]
دانه و اسفرزه طلا
نمایند نیکو بود و مفید
از جبار زنها هم مفید
چون قطع میکنند در
انار با مفید باشد
روغن و پیه بط
کنند و شاخ گاو
سوخته بان بیا
میزد و بعو بست [illegible]
که بر بسته [illegible] کشنیز
نافع است و همچنین
بخیه [illegible] بگیرد و مجموع
[illegible] انبوه [illegible]
[illegible] سیاه
دردور [illegible]
وخفلك بر [illegible] و
دهان [illegible] کشید شفا

در دهان

قلاع هست که تو [illegible]
ظاهر اعضا درت ازان
باشد یا قوقل بجمله
درد دندان
حرکت ان و نقوبت
لثه و [illegible] فایده دارد
جمله قلاع [illegible] کرفتن
در دور او [illegible]
ودم لثه و جهنده
نافع است [illegible]
چنین درد او [illegible]
قلاع مضمضه
برد علیق
دیر [illegible] بکوبند
دیهان [illegible] مضمضه
کوبند [illegible]
[illegible] و با بار
و [illegible] و
علاج

بنویسد

بنویسد و مسماری حرف بحرف زند و از صاحب درد بپرسد ـ
که ساکن شد یا نه یعنی در هر حرفی که درد ساکن شود مسمار را فرو
کوبید تا برطرف شود الوثا وبا لوثا واعرس نسخه بدل الوثا یا
لوثا واعرس طریقهٔ دیگر بر کاغذی نویسد و بالای چوبی کذا
رد و مسماری در حرف عین فرو برد درد ساکن کرد د باذن الله
کهیعص **نوع دیگر در زبدة الدعوات** آورده
که شکل جیم را بدین طریق کشد (ج ع) و عینی در میان دائرهٔ جیم
بنویسد و میخ نعل اسب بر جیم عین بکوبد و در اثناء کوبیدن
سورهٔ والتین را هفت بار بخواند و بدندانی که درد میکند
بدمد و انکس که دندانش درد میکند باید انگشت او بروی
دندان او باشد تا درد ساکن کردد انشاء الله تعالی **فصل ششم**
در معالجه درد دندان و خون بن دندان مروی است که جبرئیل
این تعویذ را برای حضرت امام حسین ع آورد بجهة درد دندان
که کرم خورده است چوبی یا آهنی را بر آن دندان گذارد و هفت
نوبت بخواند العجب کل العجب لدائر دودة تکون فی الفم تاکل العظم
وتنزل اللحم انا الراقی والله الشافی والکافی لا اله الا الله والحمد
لله رب العالمین واذ قتلتم نفسا فادارأتم فیها والله مخرج ما کنتم
تکتمون فقلنا اضربوه ببعضها کذلک الله یحیی الموتی ویریکم آیاته لعلکم
تعقلون **دستور دیگر** میخی بگیر و سوره حمد و معوذتین هر یک را سه

عدس و خضازی و
نانخ هاى تا الدوارد
مجوشانیده باشند
مضمضه نمایند و
دستور دیگر مانج و
کنار و گشنیز خشک
و پوست انار و انار
راو نارو جوشانیده و بجهة
مضمضه نمایند بر بخامسف
قلاع بانغع بر بخامسف
بعضی بوی مادران و
تربد زیتون و مامیران
و پوست انار و عفص
بعضی مازو را بالسویه جو
شانیده مضمضه نمایند
نافع است و بجهة
ورم گلو بجهة درسیلان
طلای عنب الثعلب را
اشنق بعضی گل بنفشه مخ
استطلای گل ارمنی وضماد

و ورم گلو

چیزهای بارده را
مانند برگ حی العالم
یعنی غرغره با عنب
الثعلب بجهة حلق
و درد ان نبات نافع
دانسته اند و نبات بنفشه
نزد در فصل خنازیر
و سرطان ها و اورام
اشیاء مناسب این
مقام مذکور شد
اما معالجه ذبحه دلو
بکام حبس بدن این
کلمات را با باب یاوان
بخوانند و تجویز انند
لو نفرمان علا
تعالی بیرون ابد
فتحا فتحا نصرا نصرا
یا ذا الجلال و الاکرام
کم ام ای دلو ان
کلوی فلانع بعی

مرتبه بخواند و بگوید بسم الله الخ قال من یحیی العظام وهی رمیم قل
یحییها الذی انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم درین یا ضرس فلان بن
فلان اکلت الحار والبارد اما الحار تسکنین ام بالبارد وله ما سکن فی
اللیل والنهار وهو السمیع العلیم سددت داء ضرس فلان
بن فلانة بسم الله العظیم بران میخ را در زد بوار بگوید الله الله
الله در مکادم او زده که سورهٔ حمد و توحید هر یکرا سه مرتبه بخواند
و بگوید یا ضرس ام بالحار تسکنین ام بالبارد تسکنین ام بسم الله
اسکن سکنتک بالذی سکن له ما فی السموات وما فی الارض و
هو السمیع العلیم قال من یحیی العظام وهی رمیم الی قوله بکل خلق
علیم اخرج یا دود منها فانک رجیم ولنخرجنهم منها اذلة وهم
صاغرون فخرج منها خائفا یترقب شفا یابد انشاء الله تعالی

فصل هفتم در دفع لکنت زبان و حصول فصاحت

و دفع سلاطت این آیات را بنویسد بر جبهه کودکی که سخن نگوید بر
او و بر زد بسخن آید ما لکم لا تنطقون اقرأ باسم ربک الذی خلق
خلق الانسان من علق اقرأ وربک الاکرم الذی علم بالقلم
علم الانسان ما لم یعلم لا یتکلمون الا من اذن له الرحمن و
قال صوابا انطقنا الله الذی انطق کل شیء ففهمناها سلیمان
بن داود ع و از خواص این آیات است از سورهٔ انعام واذ قال
ابرهیم لابیه آزر تا انی بریء مما تشرکون را بر بادهٔ مسی نویسند

ای یا فرو شو بحق النجم
اطبا مجرب د النستر اذا که
بجنبد اخراج دلو
در حلق فرو رفته و
جنبیدن باشد بلع
بحلیب یعنی جامد و زنخ
در ساعت آب کند از زنخ
او اشامیدن تا عشق ع
میکرده د او بیرون ع
دارو ردد درد زود و برد
عناب برا دندان بحکم
شتر ن بیعیل بل استند د
فضل کرم دندان ذکی
میشود و اگر زلو بدمی
فرو برود خالد تنها
کورا استنشاق کند زلو
فرود آید انشاء الله
دفع درد دندان
ابن عباس از حضرت
رسول صلعم روایت کرده

درد دندان

که هر که را دندان
درد کند انگشت بر
آن نهد و بگوید هو
الذی انشاکم وجعل
لکم السمع والابصار
والافئدة قلیلا ما
تشکرون دستور د
دیگر افسونی است که
از حضرت صادق ع
مرویست که تخلف
نکنند بر ستم برات
از برای هاء دیتون
و بر دو عی هر برات
بنویسد بسم الله الا
ملک الاعظم من الله
وانت له الخلیفة
باهیتا شراهیتا
اخرج ابهتا
الداء وانزل
الشفاء و
صح

نویسد

نویسند و باب باران محو کرده بنوشند و بر کودکی که حرف نزند بر دهند زبانش گشاده شود انشاء الله تع **ودر مجرّب المنافع** آورده بجهت درد و آماس زبان این آیه را بنویسد و بمکد بسمله قل لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو مولینا و علی الله فلیتوکل المؤمنون و از خواص و اسرار سین مهمله است که اگر کسی هفتاد بار بر بدن طفل نویسد پیش از تکلم بسخن آید **ودر حرز الامان** از سکاکی نقل نموده که این حروف را ششصد بار بنویسد و بر طفل بندد بسخن آید ولکنت از زبان بر دارد **اما معالجه** حدت زبان و سلاطت آن در خزانة الاسرار آورده که هر که آیه لا یحب الله الجهر بالسوء من القول الا من ظلم و کان الله سمیعا علیما را بنویسد و بر کسی بندد که بسیار گو و معجب باشد خاموش و کم سخن گردد و اگر زنی سلیطه و بد زبان باشد این آیه را بر جامه نویسد که از کرباس پیراهن کرده باشد و آن پیراهن را در روز پنجشنبه بر بدن بپوشند و او را در آستان سرای او دفن کنند زبان او کوته گردد و هم چنین از حضرت صادق ع روایت کرده که هر که سوره زخرف را بنویسد با آب باران حل نموده و بزنی که سلیطه باشد بخوراند خوش زبان گردد و در حدیث وارد شده بجهة حدت زبان و بیهوده گوئی باستغفار مداومت نمودن بر طرف میگردد

فصل هشتم در دفع رعاف و نزف الدم اعضا

بجهة قطع رعاف این آیات را بر

وصلی الله علی محمد و
آله وسلم تسلیما و بر
پشت برابر بنویسد
و [illegible] بار دشتم
که دختر نابالغ [illegible] و بزان
باشد ببندد و [illegible] زند
دشتم هفت [illegible] نام [illegible]
و بر هر که [illegible]
را ببرد و صلوات بر
محمد و آل او بفرستد
صاحب ردد بخود داد
زائل گردد اشتاع ابنا
ابینت ادم نفع ابرهیم
موضع [illegible] علی شعیب
محمد ص براع درد را
دندان این شکل را
زبد و دندان گرد بله
حل سلم معالجه درد
دندان و مواد زبل
پوست خشخاش و عنبر

درد دندان

الثعلب و گل بابونه
را بالسویه بجوشانند
و سر را بخار آن دهند
تا عرق بر جبین
ظاهر گردد نافع و مجرب
دانسته اند و آنچه
در تسکین درد دندان
[illegible]
از ما البدن فلفل را
عسل است هرگاه
از رطوبات [illegible] باشد
و بد بسوزد هرگاه
فلفل را با گلاب
بجوشانند و از آن
بیرون طلا کنند
در حال ساکن
گردد و مضمضه
ببرکه با گلاب
نمود مفید است
و [illegible]

بخواند

بخواند منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری یومئذ
یتبعون الداعی لا عوج له و خشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا
همسا یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی و غیض الماء و قضی الامر و
استوت علی الجودی و قیل بعدا للقوم الظالمین و من یتق الله یجعل
له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه الی
قدرا در طلاق و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا الی
اخر الایه **در مصباح کفعمی** چنین است که چون
این ایات را بر پیشانی صاحب رعاف نویسند خون بسته شود ان الذی
فرض علیک القران لرادک الی معاد و له ما سکن فی اللیل و النهار
و هو السمیع العلیم و قیل یا ارض ابلعی ماءک و یا سماء اقلعی الخ الایه
لکل نبأ مستقر و لکل نبأ مستقر و لکل نبأ مستقر **نوع دیگر** بجهت
قطع رعاف منقولست که بر پیشانی او بنویسد یا ارض ابلعی الخ
و در مکارم اورده که از همان خون با زعفران بنویسد اما نوشتن
بخون ایه کریمه را بجز منهی و بی ادبیت و نامشروع تا واضح بوده باشد
و هم چنین اورده که بنویسد و بر بینی انکس کرد که خون از او امده
امد یا من حمل الفیل من بیتک الحرام اسکن دم فلان بن فلانه
دستور دیگر بجهت قطع رعاف بر ورق اهو بنویسد و از
میان دو ابروی صاحب رعاف بیاویزد و ما محمد الا رسول
قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم یا دم و

و هم چنین سنون نے
سوخته جنه جلا دے
دندان و آمدن خون
لثه مفید است و درد
مجرب المنافع اورده که
هیچ چیز از کهربا به
نیست انرا بیابند و در
پیه تخلیط کنند و بر
دندان نهند ساکن
کرده درد معالجه چنین
دندان برد اتلف را در
دهن کرد و از جیران
مسواک کنند دندان
استوار گردد اما الیف
اسم او را دلع گیاه که آنرا
هندبے سیبها لے گویند
اما اسنان برامدن
دندان طفل مغز گوسفند
بر دهان و بن دندان
طفل طلا کنند دندان

در دندان

بر اثنائی بر آورد و
درد نبیند و از جمله
مجربات است در کتاب
کفایة الطلاب مؤلف
از شیخ بهاء الدین
نقل کرده که چون
ماه نو بینند بگوید
عاهدت الله ان لا
اکل الهندبا و لا الحم

منفعتی دارد
از ابتدا تا آخر نیم
هر جز ابتدا کنند
قطع [illegible] بدون
دندان با اسنان
هرگاه خواهند
اطفال
آنان برآمدن نخست
اما ندانند
در اغا اسود و ما
الفرس و از در دندان

لا حول

لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم - هج هیج الج هج لج هیج حط

ھے حطاس ھے واکر زنی کہ او را مستحاضہ باشد ھمین دعا را بر سہ

قطعہ کاغذ بنویسد یکی را از جانب پیش بر دامن او ببندد و یکی را از جانب پس

و دیگری را جانب بالا و بیرد کہ محاذی ناف او باشد خون باز ایستد

طریقهٔ دیگر بجهت حبس رعاف و نزیف الدم بنویسد و

بر او او بیرد خون قطع شود منقولست از در مکنونہ بعد بسملہ ولو ان

قرانا سیرت به الجبال او الی قوله جمیعا در رعد بسم الله انقطع ایها

الدم الذی یسیل من خشیته وبعزته لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد

ایتها الدم الذی یسیل ارتفع بقدرة الجلیل وقد امرت بالتهلیل

اسکن ایتها الدم وانقطع کما سکن دم ادم انا لرادك الی معاد

وقیل یا ارض ابلعی ماءك ویا سماء اقلعی وغیض الماء وقضی الامر

جاء موسی بن عمران الی سبع ینبوع مد عصاه الی الماء فقال

له اسکن بحق رب السموات والاسماء الحسنی فسکن کذلك یسکن

دم فلان بن فلانہ ورفعناه مکانا علیا وانا علی ذهاب به لقادرون

افلم ینظروا الی السماء فوقهم کیف بنیناها وزیناها وما لها من

فروج لقد خلقنا الانسان فی احسن تقویم قف ایها الدم الجاری

وحق بقوة اسماء الله الحسنی عز وجل وقدرته وعونه

١ ٨ ١١١ ١١١ ص ١ ٣ ١١ ل ع ه ٥ ما وابن طلسم را بنویسد

فا ٥ ١ ٠ بم ١١١ ٩ ٨ ٨ ١١١ ١١ عاو٥ اح٥ ک ر ص ١٥

ونیم بریر بعد و
بر دندان که خواهد ،
قلع شود کذارد در
ساعت قلع شود این
از انسز را است وهم ،
چنین تخم خربزه که
انزال بوره کوبند و
بران کذا نشتی بزباعره
قلع میشود علاج ،
جرب الاسنان بعض
دندان هم بسایند ن ،
اطفال در خواب ،
این اشکال را براو بند
بسم الله معین اج هم
ادم دمن والحاء منفوض
مطالع جرب الاسنان
اطفال شده اند واما
تجویز نکرده اند واما
منافع و خواز الکفتر ،
اند کر عادرض شود

درد دندان

علاج ان جرب کردن
است بروغن زیتی
وخیری وخوردن کل
قند وزارانه وشراب
بالنکو وتنغیم عجب
ابات ودودفا بزتاع و
علاج شیرد . اندوار
جرب الاسنان الاطفال
تعلیق سنک کردن چینه
دان خروس است ،
فا بده دارد ،
طریقهٔ دیگر ،
در حدیث معتبر از نعم که
امام موسی علیه السلام
منقولست که برای درد
دندان خنظل
بعود و ویبو ،
بکیرد و بشقه را بجنبد ،
بی

١١١ ك ٨ هـ ١١٨١١ ح ٩ ص ١١١١٥١١ ك الو ايها

الدّم اسكن وَامسك عن جريانك وسيلانك بالذى يمسك السّماء
ان تقع على الارض الّا باذنه سبر فواسبر قوط جبر قوط جبر قوط —
لكل نبأ مستقر وسوف تعلمون انقطع ايها الدّم بالف لا حول ولا قوة
الّا بالله العلىّ العظيم ايضاً بنويسد وبران نگاه كند وبا بر پيشانى
بنويسد- **نوع ديگر** از كتب نيرنجات بجهت-

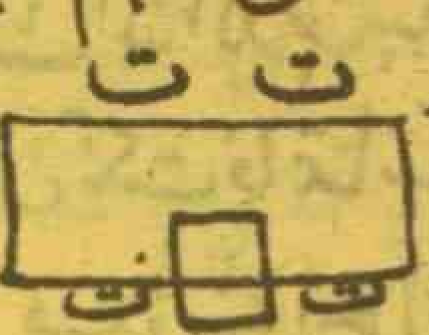

رعاف- واحتباس خون ان ذكر كرده اند كه از
اينشكل را بر پيشانى صاحب رعاف نويسد و

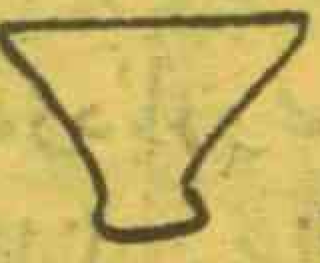

ببندد باذن الله تبارك وتعالى شكل اين است-
ايضاً بر پيشانى صاحب رعاف نويسد بسته گردد طب مطب طب
طب مطب وبر جبين او نويسد شخطش ايضاً بر پيشانى صاحب رعاف
بنويسد وبچسباند برج مذكور هلع
هلوع ها لع ذرد در مكنونه ازرد
سر نوبت اينكلمات را بر هر موضعى كه خون

١	ك		ح
	٥	ط	هـ
و		و	م

از او ايد بگو انقطع ايها الدّم بحق ادم وحوّاء ايضاً بر پيشانى
چسباند هو طالوا طالوا طا فينقطع الدّم بلا اوطاء وبلا ابطاء
ومن ينكر ذلك خطا ايضاً از همان خون اين اشكال را بنويسد
وبر پيشانى او بندد منقطع شود بنا بنشار كبس اسكن بعزة
الله وقدرة الله **فصل نهم** در دفع درد دندانها-

بید روغن را بچکید دندانش
واگر کرم در دندان کرده باشد
زاغالی در میان دندان ان
چند قطره ازان کرمان کرده
بریزد بمیرد کرمان ان
در روغن العوده در میان
با اثر کند دندان گذارد در بر
نیست بخوابد تا صبح کی
چنین کند دندان درد کند در جانب
ان گوشی که درد واقع است
ان در دندان
هرشب قطره بان
بچکاند وباز فرمود
که هر که درد دهن دا
شته باشد وخون ازبن
دندانش اید یا درد
کند یا دهانش بجوشیده

درد دندان

بر رخی مقابل کشند ابد
حنظل تازه که در سینه
باشد در زرد دسته
باشد غاش را بر کل
بگرد و سرش را
سوراخ کند و کاردی
دران داخل کند و
مغزش را بر آرند و
همواره که سوراخ بر انشد بم
شود و سرکه بسیار
تند که از سرکه بم
علا امده باشد
دران سوراخ بم
ریزد و بعد درو کانی
بگذارد که بسیار
بجوشند بیر بردو زاد
هر وقت که احتیا
ج شود بعدد
ناخن بر
دیه

در

در بحر المنافع اورده برای درد بازوها بنویسد
و بران ببندد وقیل یا ارض ابلعی ماءك و یا سماء اقلعی
وغیض الماء و قضی الامر واستوت علی الجودی وقیل بعدا
للقوم الظالمین سنشد عضدك باخیك ونجعل لکما سلطانا
و بجهت درد بازوی راست ان الذین یبایعونك
انما یبایعون الله ید الله فوق ایدیهم فمن نکث فانما ینکث
علی نفسه ومن اوفی بما عاهد علیه الله فسیؤتیه اجرا عظیما
جهت درد بازوی چپ از سوره واقعه بسم و اصحاب الشمال تا علی
الحنث العظیم و بجهت درد مرفق چپ و ما لنا و ما علی الله توکلنا ربنا
افتح بیننا و بین قومنا بالحق انت خیر الفاتحین و بجهت درد مرفق راست
و ما لنا الا نتوکل علی الله فقد هدینا سبلنا ولنصبرن علی ما اذیتمونا
وعلی الله فلیتوکل المتوکلون **فصل دهم** در دفع درد سینه
و پستان و زیاد شدن شیر زنان در خواص آیات قرانی اورده
که بجهت درد سینه این آیه را سه بار بر قدری آب خوانده بمریض دهد
بیاشامد و قدری بر سینه مالد شفا یابد رب اشرح لی صدری
و یسر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی مرویست که
شخصی از درد سینه بیکی از ائمه شکایت کرد حضرت فرمود
که از قران شفا بطلب زیرا حقتعالی فرموده فیه شفاء لما فی الصدور
یعنی در قران است شفای انچه در سینه هاست **و در مکارم**

کمتر شود نفس
روش بیند هرچند
بطرف شود سرکه بر
خالی کند هرچند این
سنجبت با نطرون و بیک بر
حنظل است در میان
خواهند انچه در میان
کرم مضمضه کنند و اگر
الله و بعد از آن بر
و بود دندان و دهان

بیشتر است در بحر المنافع
اورده که اطبا گفته اند
اگر دندان را به بخار
سیر و کندنا و تخم ترب
و بیخ ترب بدارند که مجرب
است مضمضه و سنون
مجرب بطی که انزال
بوری بوی کوبند بحجم
درد دندان و استحکام
ان دیوست بیخ بنار

در دندان

قالع دندان که مرده
خورده است بجنبد
که محتاج بر الت کندن
نیست چنانچه گذشت
در بحر المنافع اورده
بجهت کرم دندان بر
نویسد و دود بر دندان
کند تا کرم دور شود
کنکرد دود و ما من دابة
الا هو اخذ بناصیتها
ان ربی علی صراط
مستقیم
فصل ایضا
کفته اند که چوب بید
[illegible] بیاورد
و این شکل را بر
نقش کند
لیمعلغفعی
و در اثنای نقش
کرده بکوید دندان
وهب لنا من لدنك رحمة

اورده

وهیچ لنا متر امین
ونشد دبت انت لنی تا
نمیگی مبارکا وانت
خجر التنایف وکاودع
ب جرنح از حروفات
ابنشکل بکند ادراد
مصاحب درد بیبید
ساکن شد یاثر تا
وفیتکه کوبد ساکن
شد چه ثقل زبان
وسنح ان وتنوین
کلام بر الفبا گفته اند
انبغ غرغره لیسیا ومعیذ
اشت خردل زنجبیل
[illegible] نشادر بوره
غاقرقرحا عسل بالتوع
شونیز صعتر بانکنجبین
نرم سائیده با سکنجبین
عنصلی با آب کرم زنکون عرعره
جوشانیده باشند بنجریر
نمایند و هم چنین

لکنت زبان

که فلی ماهر
کوبید سعوط [illegible]
ثقل زبان کشاده
شود و بعلاج [illegible]
[illegible] مشتق زبان
[illegible] داشته اند
[illegible] قرع راخوردن
معجون نطق ایشان
مفرده اند ودرد
خزانة الاسرار
اورده که اکر
[illegible]
ایدیه را درمغز
کفتن زبان او
که سود [illegible]
اسرا علی را غسلان
درزعفران بنویسد
بنا ننی بد و انشامند
شود کشاده
معاکمه بعون الله

اورده که بجهتِ درد سینه این وَاذ قتلتم نفسا فادّارءتم فیها وَ الله مخرج ما کنتم تکتمون در پیرهِ بخواند و بران دمد نافع باشد و در بحر المنافع اورده بجهت درد سینه و دل سوره الم نشرح را بر خواند و بران دمد زایل کردد ایضا این ایه را بنویسد و بخورد یا بر سینه او بزد صحت یابد وننزل من القرٰان ما هو شفاءٌ ورحمةٌ للمؤمنین بشرح مذکور معمول دارد ونزعنا ما فی صدورهم من غلّ اخوانا علی سُرُرٍ متقابلین افمن شرح الله صدره للاسلام فهو علی نورٍ من ربّه ربّنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنك رحمةً انّك انت العزیز الوهّاب الا بذکر الله تطمئنّ القلوب ایضا بنحو مذکور معمول دارد سورهٔ الانفال ویذهب عنکم رجز الشیطان ولیربط علی قلوبکم ویثبّت الاقدام اذ یوحی ربّك الی قوله والله علی کلّ شیءٍ قدیر و در سر جزو عاشر معالجهٔ درد پستان در درّ مکنونه بجهت درد پستان اورده وکفته بنویسد این اشکال را و در بر کردن او بزد چنانچه میان پستانها باشد اشکال اینست

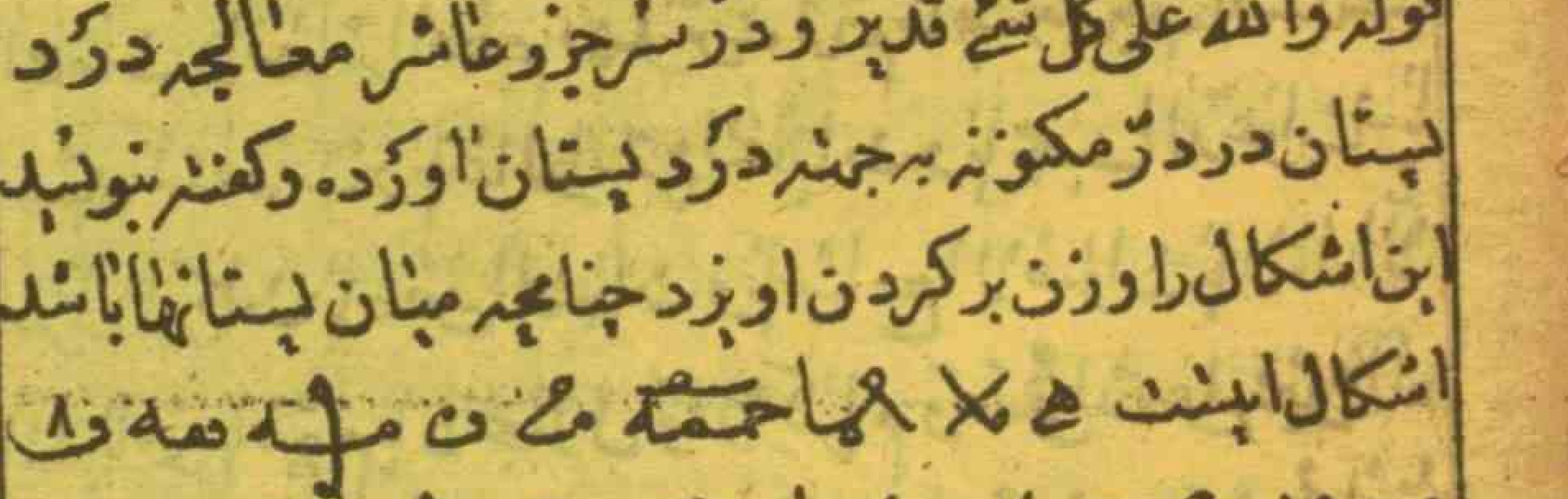

بخز لوات ما و رما سما ما فر ولسعرس اسعا رفسیکفیکهم الله
والسمیع العلیم کفا کفا حرمد یخرج من بین الصلب و
الترائب وبالله وباسمائه استشفی اشف لشافی وننزل من القرآن
ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین وشفاء لما فی الصدور نوع دیگر
بنویسد وپستان زن او بزد یا برکردن او بزد بنجویکه محاذی
پستان باشد قرنق طفش در دو رطه مهه مهه وکانن وذللنا
لهم فمنها رکوبهم ومنها یاکلون فلا ننزجع اللبان نعم
مما فی بطونه من بین فرث ودم لبنا خالصا سائغا للشاربین ۵ ع
سهو هه هو صه ۸۸۸۸ گ بجهته زیاد شدن —
شیر مرضعه در بحر المنافع بجهته زیاد شدن شیر عورت
بنویسد و بربالای پستان بندد بسم الله وبالله وبکلمات الله
التامات واسمائه العظیم فهل تری لهم ما فیه من یا قیر اسئلک یا
سبب الشادات ویا عالم السر والخفیات ویا مجیب الدعوات ویا
منزل البرکات یا قاضی الحاجات ویا سامع الاصوات یا لا اله الا
انت یا حی یا قیوم یا ذالجلال والاکرام وصلی الله علی محمد واله
اجمعین **نوع دیگر** این آیات را از سوره بقره بنویسد بشوید
وبخوراند زن دهد شیرش بغایت زیاد شود ثم قست قلوبکم من
بعد ذلک الی فیخرج منه الماء ایضا همین آیه را بر طشت مس بنویسند
بشوید بخورد تا نغلون ایضا این آیات را بر ظرفی نویسد بشوید

معالجه حبس خون
که انفجار جراحت بوده باشد زعفران و رجه غزال
این آیه را بخوانند و بر آن دهد بسم الله ما
قطعتم من لینة او
ترکتموها قائمة علی
اصولها و بجزی
الفاسقین نفع عظیم دارد
که تازه عنکبوت
بر جراحت تازه که بریدن
با استاد کناره در خون
منقطع شود بی درد
اطباء سوخته بجهته
قلدری که بیناه شود
وخاکستر کرد در چشم
قطع رعاف معلک
مجرب دانسته اندکه
قبله داکر سفید
مغز الوده واهل معبود

معالجه حابس خون
عشیره در بینی که
گذاشتن قطع رعاف
مجرب دانسته اند
در بحر المنافع آورده
که اگر رعاف بهیج وجه
نه ایستد کهنه و
خالی دو قضای او
با ویزند خون باز ایستد
ایضا سرکین کاو کرم
کرده در بینی او
بندد خون باز
ایستد و همچنین
اگر دما مثل بزار ایستد
کرده با السیوف بخشک
نمود خون باز
ایستد جمیع
دیگر بینی در حب
النافع آورده
که این آیه را
مجرب وذن

وزن بخورد شیرش زیاد شود وانزلنا من المعصرات ماء ثجاجا و
جعلنا فيها جنات من نخيل واعناب وفجرنا الارض عيونا فالتقى الماء
على امر قد قدر وحملناه على ذات الواح ودسر تجري باعيننا جزاء لمن
كان كفر لينفق ذو سعة من سعته ومن قدر عليه رزقه فلينفق مما آتيه
الله لا يكلف الله نفسا الا وسعها ما آتيها سيجعل الله بعد عسر يسرا
بشريكم اليوم جنات تجري من تحتها الانهار خالدين فيها وذلك هو
الفوز العظيم **فصل یازدهم** در دفع درد دل و طپیدن
دل و فزع و دلتنگی در کتاب مکارم بجهت درد دل آورده که آیهٔ
فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشيطان الرجيم را با معوذتين
بخواند و بنویسد بخوراند نافع باشد ایضا این آیات را بر آب خواند
و بیاشامد لئن انجيتنا من هذه لنكونن من الشاكرين سيهزم
الجمع ويولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهى وامر
الله يمسك السموات والارض الى آخر الآية **نوع دیگر** بدستور
مذکور بر آب خواند و بیاشامد و بنویسد و بو کردن او بزد بسمله
ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هديتنا وهب لنا من لدنك رحمة الى
قوله الميعاد در آل عمران الذين آمنوا وتطمئن قلوبهم
بذكر الله الا وحسن مآب در ابرهيم ولئن انجيتنا من هذه لنكونن
من الشاكرين **در کتاب در مکنونه** آورده بجهت درد
دل این اشکال را بنویسد اگر خواهد شسته بیاشامد و اگر

خواهد

سورهٔ آل عمران بنویسد
و با خود دارد و بخواند
قل اؤنبئكم بخير من
ذلكم للذين اتقوا
عند ربهم جنات تجري
من تحتها الانهار خالدين
فيها وازواج مطهرة
و جهت [illegible]
خون حیض بر دامن زن
بنویسد ان الذي
فرض عليك القرآن
لرادك الى معاد [illegible]
[illegible] لا حول و
لا قوة الا بالله العلي
العظيم **نوع دیگر**
بر دامن زن بنویسد
و یکی دیگر بنویسد و با
خود دارد [illegible]
[illegible]

حیض

كهيعص [illegible]
حمعسق
[illegible] سوگند
[illegible] بعدده
الله تعالى بنور [illegible]
الله [illegible] خلق الله
[illegible]

[illegible]

خواهد بنویسد باخود دارد ۵۵۵۵۵۵ ✕ ۹۹ و مهه
ع ع ع ع ع ع امل امل امل امل وایضا برظرف
کاشی نویسد و بیاشامد بسمله سبح اسم ربک الاعلی الذی خلق
فسوی والذی قدر فهدی والذی اخرج المرعی هذا هذا
ایها الوجع بعزة الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم
ابتث ججج دد ررد س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م
کل من هولای ودر بحر المنافع است که این آیات را بنویسند
تعویذ نماید و بر ظرفی نوشته و شسته بخورد درد دل ساکن کردد
فوقیهم الله شر ذلک الیوم ولقیهم نضرة وسرورا وجزاهم بما
صبروا جنة وحریرا اشعث فوادنا با مثالی **نوع دیگر** بنویسد
وبر دل نهد درد ساکن کردد لئن انجینا من هذه لنکونن من
الشاکرین ان یشاء یسکن الریح فیظللن رواکد علی ظهره ان فی
ذلک لآیات لکل صبار شکور الذین آمنوا وتطمئن قلوبهم الا
بذکر الله تطمئن القلوب **فصل دوازدهم در**
دفع درد معده وضعف آن ودفع بلغم و
صفرا وسودا ورطوبت وبیست مزاج ودر خزائن الاسرار
مذکور است که این ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا
من لدنک رحمة انک انت الوهاب بر خرما یا مانند آن سه نوبت
بخواند و بکسیکه درد معده داشته باشد داده بخورد صحت یابد

بجاد کهیعص جمعسق اخرج بعزة الله [illegible]
وحی وحی اسحرزن / والکند ارد
بسمله بحق بحق بحق
جهجه بر بر [illegible] بندد
جهد [illegible] کودن خون
اجبار من خلق الله
الله اجبار الله /
المؤمنین اخرج بعزة
کند سوکند و الکند بلوغ
سوالها بحق جمعسق و ا

جیض فلانه بنت فلان کشاد
وایضا بکجا بنویسد
بحق بحق بحق تعویذ بخورد
دکبر دکبر بحق
صدر [illegible]
کهیعص و جمعسق
جمعسق
جیض /
سوکند والکند
جیض فلانه را امر الله لموسی
بنت فلان بعزت الله و
اخرج بعزت علی خیر خلقه
صلی الله علیه واله اجمعین ✕
۸۸ ۸ ۸ ۸۸ ۸ و مهه
۴۴۴۴ بردامن زن

ایضا بردامن زن نویسد
بسم الله نهی نهی
ویعون اجابت
من خلق الله وانبیم
سوکند حیض
فلانه بنت فلان
اخرج
باذن الله ماشا
الله لا قوة واجعلوا
الا بالله العلی العظیم
تمت

یابد و در نسخه صحیح مذکور است و مشهور بجهت ثقل معده و نفخ
شکم دست بر شکم مالد و این منتر را سه نوبت بخواند که مجرب ثبت
اجر تجرے توجری بجری ہر کورل برج باندر صاحب درّ النظم
که هر که اسم نور را بحروف با یضوزت ن ور پنج بار کتابت
کند بکسیے که درد معده یا خفقان مبتلا شده باشد با خود دارد
حقتعالے ان مرض را از او دفع نماید و اگر ان نوشته را بر عضوے
که سالم نباشد ببندد درد فرو نشیند و الم وے تسکین

یابد **در مجمع المنافع** اورده برای قراقر شکم و درد ناف و نفخ
و کرم حب القرع بر سه پاره شکر بخواند و هر روز یک
پاره را بخورد و دو دفعه چنین کند تا شش یک دوره دو روز
هفتم اندکے چیزے تلخ بخورد صحت یابد یوم لا ینفع مال و لا بنون
الا من اتی الله بقلب سلیم **علاج بلغم و صفراء و سودا**

و رطوبت در کتاب خزانة الاسرار اورده که کسیرا که در بدن
بلغم بسیار باشد و خواهد که دفع شود سورهٔ قدر را بر
روغن گل بخواند و قدری شیر زنان بدان اضافه کند و بدن
را بدان چرب کند نافع شد **و در کتاب حرز الامان**
برای ازاله بلغم و دفع رطوبت معده اورده که این حروف چهار
گانه را بر لوحی نقش کند و از پیش سینه چنانچه محاذے فم معده
باشد ببا و ببرد عاجل النفع است ب ذ م ن **و در کره**

نن نن یا الطف و ۹
الصفور یعنی اسم اعظم
۳ ۴ ۶ ۱۱۱۱ ھی
ایضاً از مجربات است ب
تهدد یا فنجان ۱۱ ا ب
هیچ کا و و یا فنجان ۱
ا ب چند دو و یا
فنجان ا ب حا میان ن
هم بریزد بعد نسیم
عاید یا مثقال زهر
کا و و زهره کرد درا
سر بوم بجورد
و بجز سرکین کاو را حنظل
نموده دو د عاید و
حجفا او کشاد نمود
جهت دفع درد
دستها بنویسد و بران
بندد و قالت الیهود
ید الله مغلولة غلت
ایدیهم ولعنوا بما قالوا

درد سینه

بل یداه مبسوطتان
ینفق کیف یشاء و
لیزیدن کثیرا منهم ما
انزل الیک من ربک
طغیانا وکفرا فلا
تاس علی القوم الکا
فرین اجزاء
درد بستان زنان جهة
جمت زیاد شدن
منکه زنان اردیا باد
دخم فادو بادو
ریحان سرکشته ضماد
کردن نافع دا
نسته اند و اقضا
ضماد اردیا فلا
بالکیقی بر
بستان نفا بجهة
در بستان [illegible]
نیاد در حجر ز ن
دانسته اند دانی
ان

مکنونه است که هر که این کلمه را بسیار بر زبان راند جذب رطوبات ازاو کرده شود و در وقت خواب از دهان آب سیلان میکند و بدن را قوت دهد و همه قوای ظاهری و باطنی را تقویت میکند ابست جمر بخسد

فصل سیزدهم در دفع درد پشت

وکرد در خواص آیات مذکور است که هر که این آیات را از سوره انبیا ان الذین سبقت لهم منا الحسنی الی قوله کنتم توعدون بر ظرف پاکی بسیاهی بنویسد و بآب چاهی که آفتاب ندیده باشد از آن بشوید و مریض از آن سه جرعه بیاشامد و قدری از آن بر پشت آن بپاشد و در موضعی که درد او بشدت رسیده باشد سه روز بدین دستور عمل کند شفا یابد و در حدیث آمده است که اسمعیل فرزند امام جعفر صادق ع بخدمت پدر خود از درد پشت شکایت کرد حضرت او را طلبید فرمود بر پشت خوابید و این دعا را بر او بخواند بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله وصنع الله الذی اتقن کل شیء انه خبیر بما تفعلون اسکن ایها الریح بالله الذی سکن له ما فی اللیل والنهار وهو السمیع العلیم و در حدیث دیگر منقول است که شخصی بحضرت امیرالمؤمنین ع شکایت کرد از درد پشت پس فرمود که دست بران موضع نه که درد میکند و سه مرتبه این دعا را بخوان وما کان لنفس ان تموت الا باذن الله کتابا مؤجلا ومن یرد ثواب الدنیا نؤته منها ومن یرد ثواب الآخرة

ان وجع بجمله پستان
شدن نقص در پستان
باشد علامت انجرت
وانتفاخ وصلابت
وجع پستان باشد خرم
بر کلاو بر ونیکا در
کند و بران نهد و
اگر حرارت عظیم باشد
اردو باقلا و جو زا
و آب برگ خرفه و
کشنیز و آب [illegible] طلا و
سفیداب تخم مرغ
کنند ضماد دارد عدس
اگر نیز جهر و درد ابتدا
و ایجاد شیر نیز در ابتدا
معتبد است در ازدیاد
شدن شیر زنان در
کتاب مفتاح القادر منقول
است که هر زنی که
شیر نکرشش باشد
بنویسد واین

جهت شیر زنان

ان لکم فی الانعام لعبرة
نسقیکم مما فی بطونه
من بین فرث ودم لبنا
خالصا سائغا للشاربین
بآب بنویسد بر زن
دهد که بیاشامد
شیرش بسیار گردد
انقضا بنخ مذکور
والله اعلم

وان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونها ولکم فیها منافع کثیرة ومنها تأکلون
[illegible] سعفند [illegible] نوع [illegible]
[illegible] بنویسد بر زن [illegible] بیاشامد و دیگر

نوع

بیکاغذی نولیسد وزن
باخود دارد شیرش
زیاد شود او مناع
زبد مثله کذلک یضرب
الله الحق والباطل
واما الزبد فیذهب
جفا واما ما ینفع ۱
الناس فیمکث فی الا
رض وان لکم فی الا
نعام [illegible] للشاربین
وهرگاه همین آیه را
بنولیسد وبگردن گاو
شیرده اندازد شیر این
زیاد شود ایضا این
آیه را بمشک وزعفران
در ظرف پاک بنویسد
وبآب پاک بشوید وزن
بیاشامد شیرش زیاد
شود آیه واذ استسقی
موسی لقومه فقلنا

دعا جهت

اضرب بعصاک
الحجر فانفجرت منه اثنتی
عشرة عینا قد علم کل اناس
مشربهم کلوا
واشربوا من رزق
الله ولا تعثوا فی
الارض مفسدین
لئن انجیتنا من هذه
لنکونن من الشاکرین
ایضا برای درد
پستان [illegible]

نوئتہ منها وسنجزی الشاکرین پس هفت مرتبه سوره انا انزلناه را بر
خواند ودر مکارم آورده آیه شهد الله الی الحساب را بجهت -
درد پشت بران خواند نافع باشد **نوع دیگر** آیه لقد کنت
فی غفلة من هذا فکشفنا عنک غطاءک فبصرک الیوم حدید یا ایها
والذین امنوا معه اشداء علی الکفار تا اخر سوره فتح را بران -
خواند وبنویسد وباخود دارد بجهت درد درمیان وکمر باخود
دارد یا یحیی خذ الکتاب بقوة واتیناه الحکم صبیا وحنانا من
لدنا وزکوة وکان تقیا و سعوفی در حاشیه مذکور است
معمول دارند که مجرب است **فصل چهاردهم**

در دفع درد شکم وناف وسپرز ومرویست که مردی
بحضرت امیر المؤمنین ع شکایت کرد از درد شکم فرمود که آب
گرم بخورد وآنگاه دعا را بخواند یا الله سه بار یا رحمن یا رحیم
یا رب الارباب یا اله الالهة یا ملک الملوک یا سید السادات
اشفنی بشفائک من کل داء وسقم فانی عبدک وابن عبدک
اتقلب فی قبضتک **و در نسخه** دیگر دارد که دعا را بخواند
وآب گرم را بخورد طریقه دیگر از حضرت صادق ع مرویست که -
شخصی بخدمت حضرت رسول ص آمد وعرض کرد که برادرم از درد
شکم آزار دارد فرمود آنکه عسل را با آب گرم بخورد وروز دیگر
آمد وعرض کرد عسل را خورده ونفع نکرد فرمود باز عسل بده تا بخورد

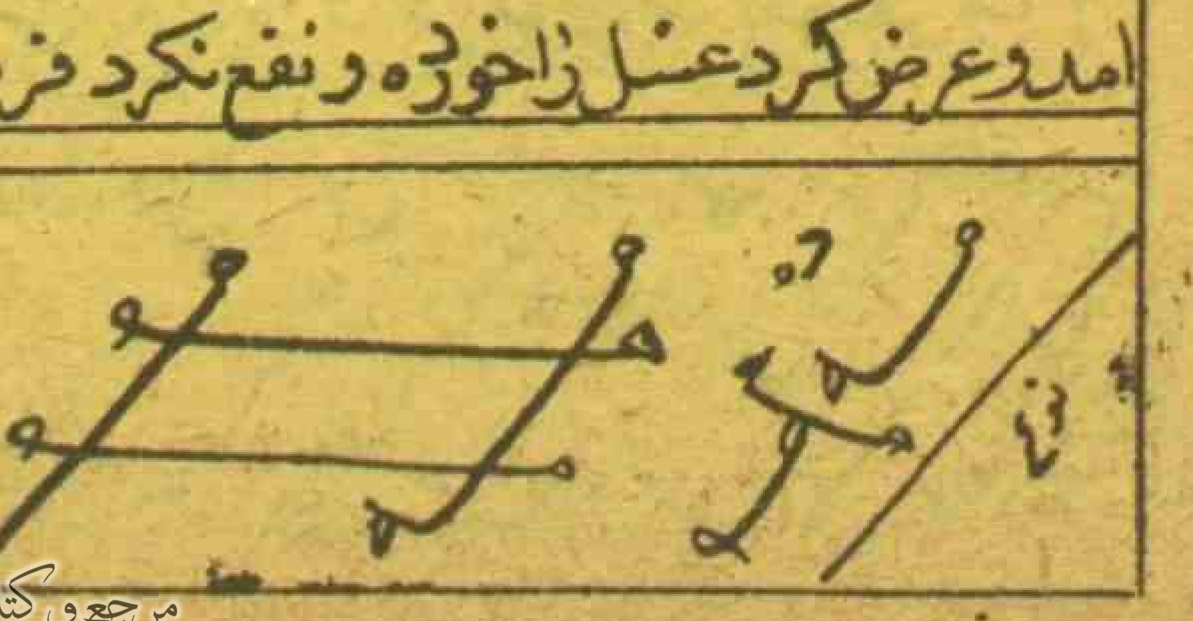

وهرت

۱۳۹ الا ۲۴۸ اکا ۱۷ ح ۹۲۷۰۵۵ سا

بخورد ـ
بجنان نکاه
بامداد ـ
بخواند بجز آب
ناسه باد ـ
د ابن ایم
جیبد ن ـ
یا الله
ع ع ع ع
فتح دیگر
ع ع ع ع ع ع

وهفت نوبت سورهٔ حمد نزد او بخوان چون آن شخص برخیزد گفت
برادرش منافق است بااین سبب خوردن عسل او را فائده نبخشید
دستور دیگر در چند روایت شده وارد است که برای درد
شکم قولنج بر جامی به مشک و زعفران سورهٔ حمد و معوذتین
و توحید را با اینها بنویسد و باب باران ناشتا تا وقت خواب
بخورد اعوذ بوجه الله العظیم و بعزته التی لا ترام و بقدرته التی
لا یمنع منه شیء من شر هذا الوجع ومن شر ما فیه و شر ما احذر منه
نوع دیگر دست بر موضع درد نهد هفت نوبت بگوید بسم
الله ایضا بنویسد و برا او بزد بسمله در یس قل یحییها الذی
انشاها اول مرة وهو بکل خلق علیم ولو ان قرانا سیرت به
الجبال تا جمیعا در سورهٔ رعد ایضا بروی خواند بسمله ما اصاب
من مصیبة فی الارض ولا فی السماء ولا فی انفسکم الا فی کتاب
من قبل ان نبراها ان ذلک علی الله یسیر هذان خصمان ـ
اختصموا فی ربهم والذین کفروا قطعت لهم ثیاب من نار یصب
من فوق رؤسهم الحمیم یصهر ما فی بطونهم والجلود فتعالی الله
الملک الحق لا اله الا هو رب العرش الکریم لا اله الا هو
وحده لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت وهو حی لا
یموت بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر **جهت درد دندان**
در بحر المنافع آورده این آیات را ذکر نموده که تعوید نماید

والذین آمنوا و تطمئن
قلوبهم بذکر الله الا
بذکر الله تطمئن القلوب
لئن انجیتنا من هذه
لنکونن من الشاکرین
و از خواص سورهٔ الم
نشرح بجهت بجرم و سینه که
بجهت دفع دل تنگی در
هفته یوم صبح و شام
قطعن علاقن
یکنوبت بخواند دل تنگ
شود انشاء الله تعالی
در خواص خود آورده
که هر که این آیه افغیر دین
الله یبغون تا آخر
شریف را از سورهٔ
آل عمران نو بنویسد
بر سفال نو آب باران
و با آب باران با ابیه
که شیشه دانتا در بنهد
ان نتابید بتا مید
خفقان و نیش او
و منع از دل رود
بیرون رود
برای درد
در خود تید بد
اع
لا ک لا ب
انفصام
انفصا خواند

وبجوزد دو قیراط روغن زیت
الی حسن المآب منهذه لنکو
انجانا من الشاکرین ب
جهت طپیدن دل
بنویسد و بشوید و بخورد
کسیکه دل او طپیدن داشته باشد
نهادین که بیاشامد انته تعالی
بنویسد رب عدب
عالبب وعالبب و
نامن و حجب یا ابن و ماء
شهاب ق یب و
فارس بحق اسمک العظیم
و بحق اسمائک الحسنی و
بحق یا حنان یا دیان
یا منان یا برهان یا
سبحان یا سلطان ن
سلام قولا من رب رحیم

زبان بخواند در سورهٔ شعراء بیمله الذی خلقنی فهو یهدین
الامن اتی الله بقلب سلیم منتر مجمنر درد شکم بر پشت خوا
بد و پای راست بر بالای پای چپ اندازد سه نوبت سورهٔ
لایلاف قریش را بخواند و بعد این منتر را بخواند و دست بر
شکم مالد درد ساکن شود باذن الله تعالی اجی اجی بجری
بجری تو کر الد کبول پانه **اما معالجه** سپرز از حضرت
امام زین العابدین ع منقولست که برای دفع الم سپرز این آیات
با زعفران بنویسد و بآب زمزم بشوید بخورد شفا یابد قل ادعوا
الله او ادعوا الرحمن ایاما تدعوا الی آخر سورهٔ بنی اسرائیل
مرویست که یکی از دوستان امام محمد باقر ع بخدمت آنحضرت از
درد سپرز شکایت کرد که هرچند معالجه نمودم نفع نداد و مشرف
بهلاکت شده ام فرمود که پاره نقره بده و بکته تا بخری و انرا در روغن
عربی جوش کن و سه روز بده بکسی که آزار سپرز داشته باشد
بخورد انرا که اگر خدا خواهد شفا میابد حضرت امام موسی کاظم
بیکی از غلامان خود که آزار سپرز داشت فرمود تا سه روز بان
مداوا کنند و بخورانند چنان کردند شفا یافت و در طب الائمة
آورده که این اشکال را بر پوست آهو بنویسد و بر بازوی چپ ببندد
تا هفت روز از آن درد خلاص میشود لامس س ح ح دم
کرم لر یجی ج الله صره وحخر سی مجحف مجحف عشرة بدعک

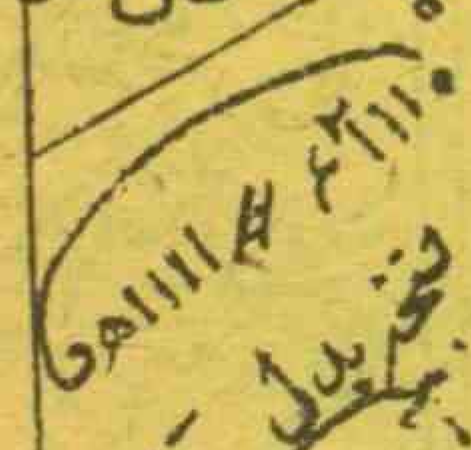

۱۱۱۱ ه ۱۱۱۱ ۱۱۱ ه
تحت بدل ه و ۱۱
ولبحجه درد دل
ذکر مضغه که قضیب
من لقوه داشت که این
ابر را بنویسد و بم
شوید کسیکه درد
دل داشته باشد
بیاشامد ساکن
بکجدد از [illegible]
فللذکره [illegible]
نقل از [illegible]
الشیخ و [illegible]
بجهت [illegible]
وجعفر ازحضرت
رسول ص منقولست
الحکمة [illegible]
من لی [illegible]
و نعمت [illegible] دارد

علی بابٍ یحتاج حلّ نضرس یقولوا امسوا امسوا مسعون۔

در مکارم الاخلاق آورده که بر کفهای دست صاحب سپرز سورهٔ اذا جاء و این آیه را سه مرتبه بخواند انّ الّذین قالوا ربّنا اللّه ثمّ استقاموا تتنزّل علیهم الملائکة الّا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنّة الّتی کنتم توعدون و بعد هر دو دست را بر محل سپرز گذارد و بمالد و هفت بار چنین کند شفا یابد ایضا در سورهٔ فاطر آیه انّ اللّه یمسک السّموات الی آخر الآیه انّه من سلیمان و انّه بسم اللّه الرّحمن الرّحیم الّا تعلوا علیّ وأتونی مسلمین را بنویسد و در محل سپرز نهد زایل گردد ایضا این شکل را بنویسد و بر کاغذی و بر قاشقی نهد و پشت قاشق بر موضع سپرز نهد و اخگری را بر روی کاغذ نهد تا تمام شود دفع شود ان شاء اللّه تعالی

در کتاب شجرهٔ طیّبه مسطور است که جهت دفع سپرز بر سر پارچه کاغذ این شکل را بنویسد

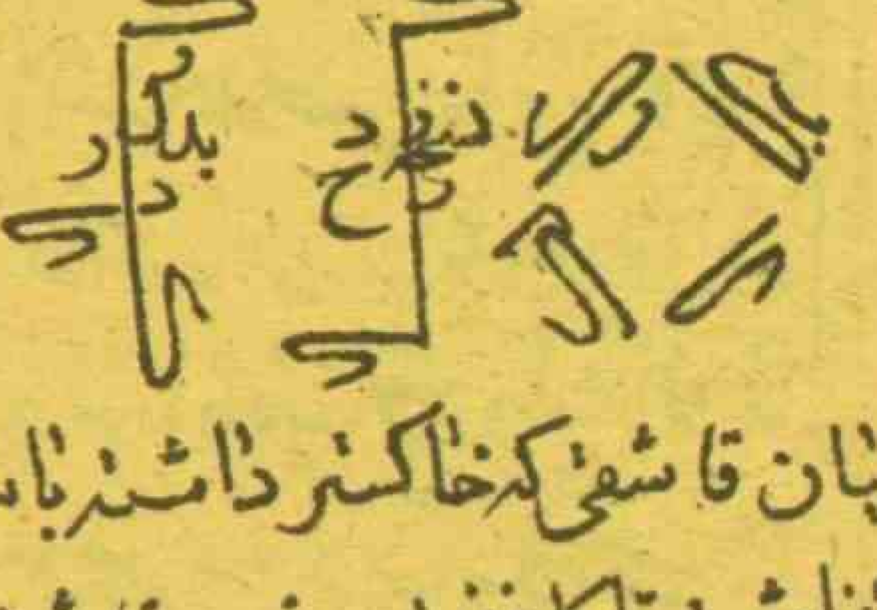

میان قاشقی که خاکستر داشته باشد باید نهاد و باید آتش بر آن گذاشت تا کاغذ بسوزد و قاشق را با نخال روی جامه محاذی سپرز بگذارد این است

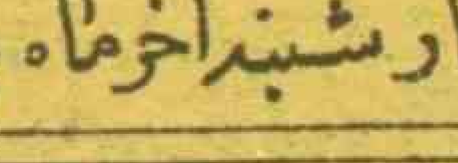

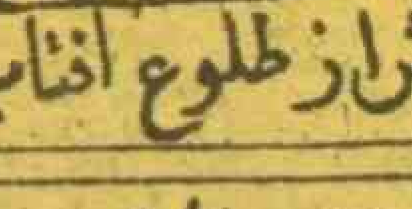

نوع دیگر در روز چهارشنبه آخر ماه پیش از طلوع آفتاب

صادق ع منقول است که هر که هفت دانه خرمای عجوه را در وقت خواب بخورد کرم های معده کشته میشود و از حضرت امام رضا ع منقول است که بخورید شکر را که از شراب ناخنتر باشند که کرم های معده را میکشند ایتام خوردن دو مثقال تخم امرود را کشتن کرم معده مجرب دانسته اند وهم چنین خوردن تخم دانج و کذا نشستن ان ضماداب بر شکم از خارج کشتن کرم معده کرانا حب الفرع گویند دانسته ایضا ضماد بر دل الورد الابکر جهت کشتن کرم معده

در رد معده

وامعاء مجرب دانسته اند جهت دفع بلغم از حضرت صادق ع منقول است برای دفع زیادتی بلغم بگیرد کندر و انجم رومی و کندر و بنادانه و زنیان و بنادانه این اجزا را مساوی این اجزا همه را نرم بکوبید و بیزید و با عسل خمیر کنند و هر شب وقت خواب بقدر [illegible] بخورد و [illegible] دیگر [illegible] حدیث [illegible] بلغم را دفع [illegible] میکند و بعد [illegible] طعام [illegible] و صفرا را [illegible] دفع

نوع دیکر درروز چهارشنبه اخر ماه پیش از طلوع-
افتاب بنویسد وبربازوی چپ بندد مریض بعد از نه روز انرا
درآب اندازد واکر به نشود درچهارشنبه دیکر بعمل اورد
واکر به نشود درچهارشنبه اخر ماه سومی بعمل اورد به شود
انشا نعم الم الم المص الر الر المر الر الر حم حم کهیعص
حمعسق حم حم طه طسم طس الم الم الم یس و
القرآن الحکیم ص ق ن ان الله یمسک السموات والارض
ان تزولا ولئن زالتا ان امسکهما من احد من بعده انه کان
حلیما غفورا ووضع الکتاب فتری المجرمین مشفقین مما فیه ارجع
ایها الطحال الی موضعک بحرمة محمد وال محمد صلی الله علیه و
علیهم اجمعین الطیبین الطاهرین واین شکل رابنویسد—

ح ماح مح	ماوند ومد	مح مد د
ح ماح مح	ماوند ومد	دم مح
ساماوطال	م م ٧ و ٠	لح قدر قدر
ساماوطال	م م ٧ و ٠	الطالح

نوع دیکر درروز چهار شنبه اخر ماه شش یاسپرز کوسفند بر روی سپرز حود کذارد فاتحه واخلاص هریکرا دوازده نوبت بر
خواند پس ازان ببرد بوار بسمت قبله به میخی بکوبد بنام خود و
مادرش بعد ازانکه سوره اخلاص را بر میخ خوانده باشد
چون سپرز خشک شود او به شود باذن خداوند سبحان و

دفع میکند وازحصر نان
اثمار شیر باآتش منفعول
ارسنت کرفته معود لیاب
شاند کردن بابغیر دلی
دفع میکند وازحصر
اثمار رضنا کرده منفعول
ارسنت کر بکباز ازهلیله
زرد بامثقال وازحرت
دل دو مثقال وعاقس
هفتاکه بمثقال و بیاب
نزمیر بهال و بانسنا بر
دنبا انها ادفع میکند و
بلغم وراه بنبوسیکند
دهان رنجح ماان محکم
ودندان ومروبیب کرد
کردانند ومروی محمد من حضرت
مروی بجد منحضرت
اثمار علی النقی علیه السلام
بیشنهاد چنین تنکابن کرد

دفع بلغم

فرمود ناشتا خرما بخورید
را بخورد وآب بالا
دیم بخورد چنان کرد
فربه شد ودرطوبت
بدمزاجش غالب شد
بازشکایت کرد فرمود
خرمای بریز ناشتا
بخورد وآب برلاغ ان
بخورد حیات کرد
مزاج وی مستقیم
شد ودرکتاب در
مکنون اورده
الکرهقنه باد
ترازا مغلوب درو
کوفته کرده درمنزل
ذابح باشد بپوشد
ازاد تنه بنوشد
صاحب ضعف
معدن بوزان
نظر کند صحت
یابد

ودر

الحیاء و
خواستن مشعر جنس ت ت ت ت
جذب بلغم دماغی و ت ت ت
تحلیل بلغم و رطوبت ت ت ت
معده و تنقیه حلق از اثر
اخلاط لزجه معتدل قم یا یقطین
دانستن اینکه جهت
درد پشت ابن ابان را

ودر بحرالمنافع ارزده این شکل را بر پوست آهو بنویسد در پوست میش گیرد شش روز در بازوی چپ بندد روز هفتم باز نماید رفع شود واگر خواهد امتحان نماید بطریق مذکور در گوسفند بندد ودر روز هفتم ذبح نماید سپرز نداشته باشد

و معه مطه و مم نسخه بدل صع مطه نم

فصل پانزدهم در دفع قولنج و نفخ و قراقر شکم و

اسنو نیز در فصل درد شکم مذکور شد که حمد و معوذتین و توحید را با این دعا اعوذ بوجه الله تا آخر بر جامی بمشک و زعفران بنویسد و با آب باران حل نموده ناشتا یا وقت خواب بخورد جهة قولنج نافع است دگر نسخه دیگر آورده که حمد و معوذتین را بر فالج و قولنج و بادها و درد مفاصل بخواند بعد این دعای مذکور اعوذ تا آخر را بر استخوان شانه یا بر لوحی بنویسد و با آب باران بشوید و ناشتا بیاشامد و در وقت خواب نیز بخورد و بخوابد شفا یابد انشاء الله تعالی واز حضرت امام موسی کاظم ع جهة دفع قولنج و بادها و درد مفاصل و سستی بدن و برودت اندرون مرویست که یک کف سنبل را با یک کف انجیر خشک بگیرند و انقدر آب بر آن بریزند که پوشیده شود و در دیگ یا کوزه بپزند و صاف کنند و یک روز در میان بخورند تا آنکه مجموع روزها هفت یک قدح بزرگ خورده شود. نوع دیگر بجهة قولنج مجرب نویسد

ودر مجرالمنافع اورده که
درد پشت را هود دا درد
یخرج من بین الصلب والترائب
انه علی رجعه لقادر
یوم تبلی السرائر فما له
من قوة ولا ناصر یا
حی یا قیوم برحمتک
یا ارحم الراحمین
جکیم در درد کمر نویسد
تا خود دارد

درد پشت

درکاو زنجفی
فاتبعهم فرعون بجنوده
فغشیهم من الیم ما
غشیهم واضل فرعون
قومه وما هدی وصلی
الله علی محمد وآله
سفوف جهت درد
پشت و دردی و بول
وجع و تقویت اعضا
ومسلسل الوان تا
مجرب است
از حکماء هند
سنان از ترجمه
تا هفت مثقال شده که
هفت مثقال و نیم
قادا اصلا
ودر سه مثقال بالا
انیسون زیره
و دارچینی
مثقال و نیم یک

اسف

بو ستود کرفته و بجوشند
اضافه نمایند و بردو [illegible] کذاشته بعد علاج در د
دارنش نرم [illegible] بغلد
چهار درم [illegible] معجون منود
[illegible] مغز بسته در
[illegible] مثقال و نیم کوبیده
و بیان [illegible] نثار کنند و
مجموع اجزا در یک
روز تناول نمایند

استّ که بنویسد به مشک و زعفران بشویند بیاشامند تسمیه بسم
الله المبارک العظیم تا اخرانچه مذکور شد در فصل دوّیم در—
مفتّح کتاب صاحب درّ مکنون در حرز الامان اورده که این
دعا را دو مرتبه بنویسد یکیرا باب اندازد و دیکریرا باخود دا(رد)
که دفع میشود تنزّل الملائکة والرّوح فیها باذن ربّهم من کلّ
امر سلام هی حتّی مطلع الفجر اوهه مهمه ۱۱۱ ع
۱۱۱ د و ۱ ۷ ۱۱۱ ۱۱۱ د رداع ۱۹ د م خ بدل و دلا دم وّه—
والاه در واع ادم بو وقول برده مسلح شلح با ابطلسم
۱۱۱ م ۱۱ ۱۱۱ الی ع ع م ایضاً دفع قولنج این منتر مجرّب ست
که دست برا نموضع بمالد و بخواند سوریخ بنی درن ارنا

ایضاً دفع قولنج در ابنی الصّالحین اورده و در بعضی
اخبار نقل است که متضمّن اسم اعظم کفته اند که اکر کسی این شکل را
بر کف چپ کسی قولنج و درد شکم داشته باشد بنویسد صاحب
علّت انرا بنوید و بلیسد صحّت یابد انشا الله شکل این است
ھ ھ ھ ھ // ✗ ع ع ع ع ع و ھ ص م لا
مؤلّف کوید که این اشکال متقارب اند بانچه سابق از درّ مکنون
استخراج و مذکور شد که در دست صاحب قولنج نوشته بدان
نظر نماید و در دیوان حضرت امیر ع برای این اشکال فحوا
انها را در ضمن ابیات چند مذکور شده برای هر درد

تجربه است برای [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم [illegible] را بنویسند و بشویند
[illegible] بنویسند و این دعا را
و بجوشد در دارد الحول
با حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم ابثت
[illegible] دددرز
[illegible]
ردد ل

[illegible] کل من هو لا
ای ال [illegible] ایضاً این
ابیات را بر صاحب
درد شکم باید خواند
هفت مرتبه فاتحة
الکتاب بخواند
بعد شفا بعد ازان
وذا النون اذ ذهب
مغاضبا فظن ان لن
نقدر علیه فنادی
فی الظلمات ان
لا اله الا انت
سبحانک انی کنت
من الظالمین
فاستجبنا له ونجیناه
من الغم و
کذلک ننجی
المؤمنین [illegible]
[illegible]

معمول

فاگر خواسته باشد [illegible] این [illegible] بنویسد [illegible] بجنبد [illegible] بیشتر [illegible]

معمول دارند و در فصول سابقه در خاصیت آیه لا ینفع مال تسلیم اشاره شد و بر شکر خواند شش روز تناول نماید و در روز هفتم اندکی چیز تلخ بخورد که انشاء الله تعالی شفا یابد اما علاج

قراقر شکم

منقول است که شخصی بخدمت حضرت امام موسی کاظم ع از قراقر و صداهای شکم شکایت نمود و گفت بسیار آزار میکشم که چون با کسی سخن میگویم خجالت میکشم حضرت فرمود چون از نماز شب فارغ شوی این دعا را بخوان اللهم ما عملت من خیر فهو منک لا احمد لی فیه و ما عملت من سوء فقد حذرتنیه فلا عذر لی فیه اللهم انی اعوذ بک ان اتکل علی ما احمد لی فیه او امن فیما لا عذر لی فیه و در روایت دیگر آمده که زنی محاربی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع از قراقر شکم شکوه کرد فرمود چه مانع است ترا از خوردن سیاه دانه با عسل

فصل شانزدهم در دفع زحیر و پیچش شکم و درد روده و اسهال

مرویست که شخصی بخدمت حضرت امام جعفر صادق ع شکایت کرد فرمود آب بگیر و این آیات را سه بار بر آن خواند پس آنرا بخورد دست بر شکم مالد آیات این است یرید الله بکم الیسر و لا یرید بکم العسر و لتکملوا العدة اولم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقنا هما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون حدیث دادهان

دیگر این اشکال را [illegible] بنویسد [illegible] شود عاجع و

999

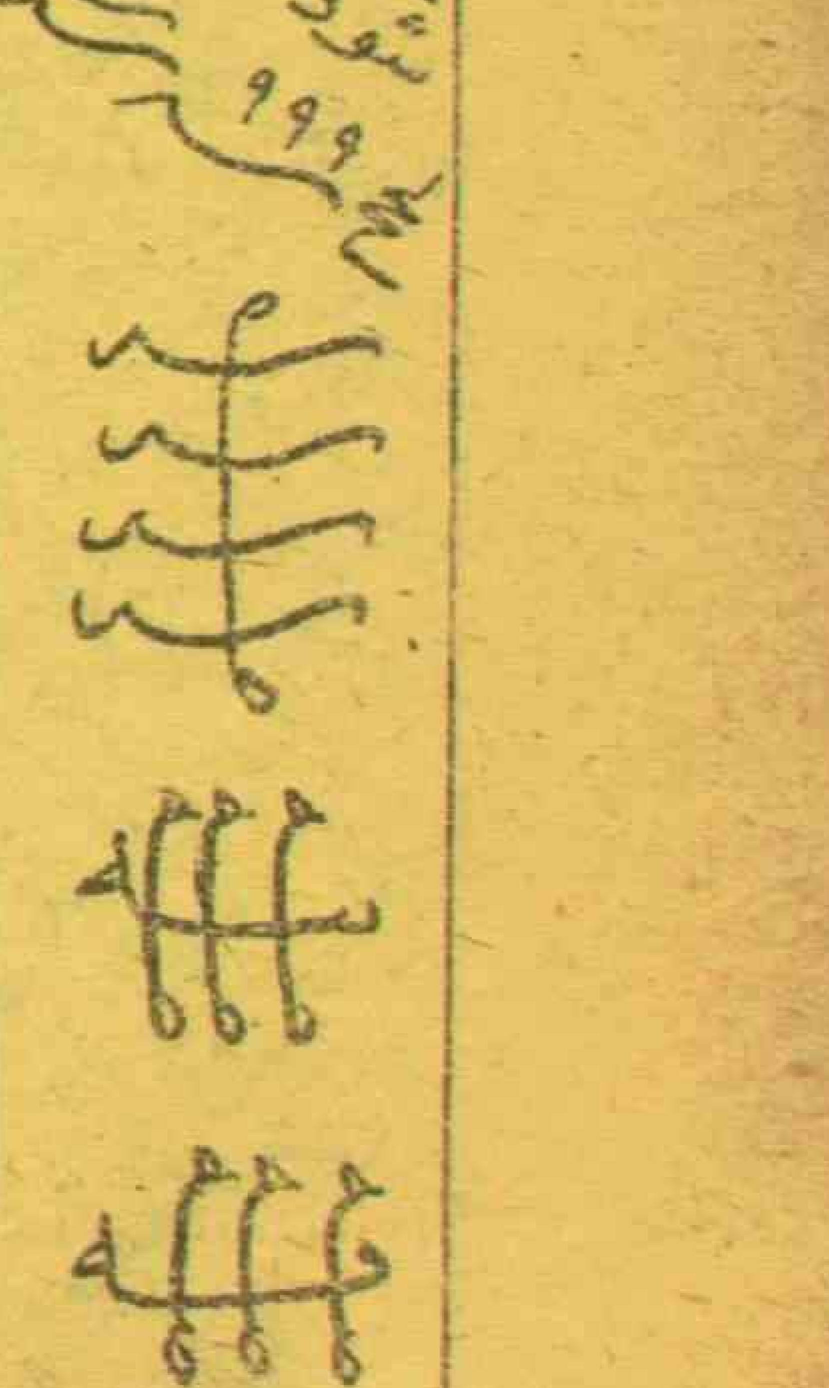

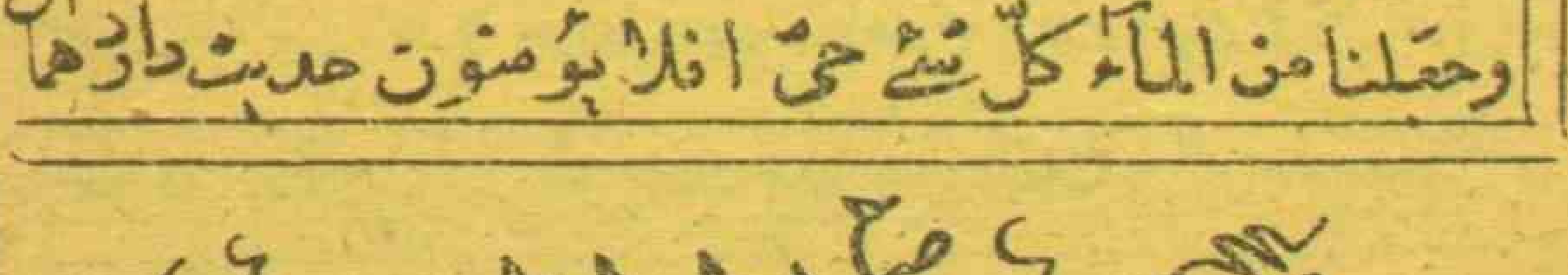

دعائی که از حضرت امام موسی کاظم ؑ در دفع قراقر شکم مذکور شد بجهة زحیر بعد از فراغ نماز شب باید خواند **نوع دیگر** مذکور است که این ایات را بر روغنی خواند و بر شکم مالد بسمله ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر وفجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر وحملناه علی ذات الواح ودسر ففتحنا علیهم ابواب کل شیء باسم فلان بن فلانه اولم یر الذین کفروا الایه **نوع دیگر** از ائمه منقول است که این افسون را با آب یا روغنی بخواند صاحب پیچش بخورد و دست بر شکم مالد و بگوید یرید الله بکم الیسر ولا یرید بکم العسر افسون اینست ثمّ السبیل یسّره انّ السموات والارض کانتا رتقا ففتقناهما فاجاءها المخاض الی جذع النخلة والله اخرجکم من بطون امهاتکم لا تعلمون شیئا کذلک اخرج ایتها اللوی باذن الله تم طریقه دیگر از حضرت امام محمد باقر ؑ بجهة زحیر مرویست که فرمود گل ارمنی را بگیر و در روی اتش بود ده سفوف کن طریقه دیگر در مصباح کفعمی اورده که هر یک از سوره والشمس را بنویسد و بشوید و بصاحب زحیر دهد که بیاشامد صحت یابد و از حضرت امام رضا ؑ مرویست که گردکان را بر روی اتش بگذارد تا بریان شود پس پوست بکن و بخور تا پیچش بر طرف شود طریقه دیگر از حضرت مرویست که فرمود پیچ شکم هفت نوبت بر روغنی بخوان و بر شکم بمال و در نسخه دیگر

سیر د که از حرارت باشد بخیر بخوده اند که بید در خت کوزک کعبیده بار د جو درسیر که سبوس بمانند سبو کنند و را در تخته عدس از اغشته ضماد کنند انجیر بوده بسیر دانا سرکه ضماد کنند بجوشانند و بر پهلوی چپ بندد دفع شود در مصباح کفعمی چنین است که جوز سوره الرحمن را بنویسد و بشوید صاحب کوفت سیر بنویسد عافیت یابد ایضا چون سوره تحریم در سه روز متوالی بنویسد و بشوید بصاحب کوفت

سیر ر بنوشد کوفتش [illegible]

دفع قولنج

زایل شود در درد قولنج مکتوم اورده این اشکال را بر کف دست چپ بنویسد بران نظر کند

ی ی ی ی ه ه ه ی ی ی ی ی ی

ی نحذ فهو سلام

بحو بوده صاحب بنوسید و بگذارد بر [illegible] دین رو بخوان بارجرف عین رابه اورده که اگر کسی شرح حرز الامان

براب

مرجع کتابخانه علوم باطنی

اخرجی باذن الله تعالی [illegible] بسم [illegible] بابویه [illegible] بعد [illegible] اخذ [illegible] ابرهیم جلیل [illegible] بسم الله الذی [illegible] بنقش [illegible] اما معالجه

در شکم [illegible] و بعد از زائیدن این آیه را بخواند ففتحنا ابواب السماء بماء منهمر [illegible] الطباء [illegible] روغن بید انجیر [illegible] شکم [illegible] معصوف در سر [illegible] از زبانه مسحوق و بجوشانند [illegible] گلاب از عقبان [illegible] مجامعت [illegible] این باب نافع [illegible]

بر آب بخواند و بعد روغنی در آب بریزد و چون ممزوج شود بر شکم بمالد و قدری بیاشامد در مقال علاوه باخود داشتن دعا اینست ـ بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله المتعلون الذین لا یعلمون والذین لا یعلمون قاعدون فوق علیین یاکلون نوراً طرباً یسئلون یسئلون صاحبهم من النور العلوی کذلک یشفی فلان بن فلان و فلانة او لم یر الذین کفروا **معالجه مغص** درد روده در کتاب در مکنون آورده بجهت درد روده و پیچش تا شد که آنرا مغص گویند نوشتن و تعلیق کردن نافع است این شکل را بنویسد

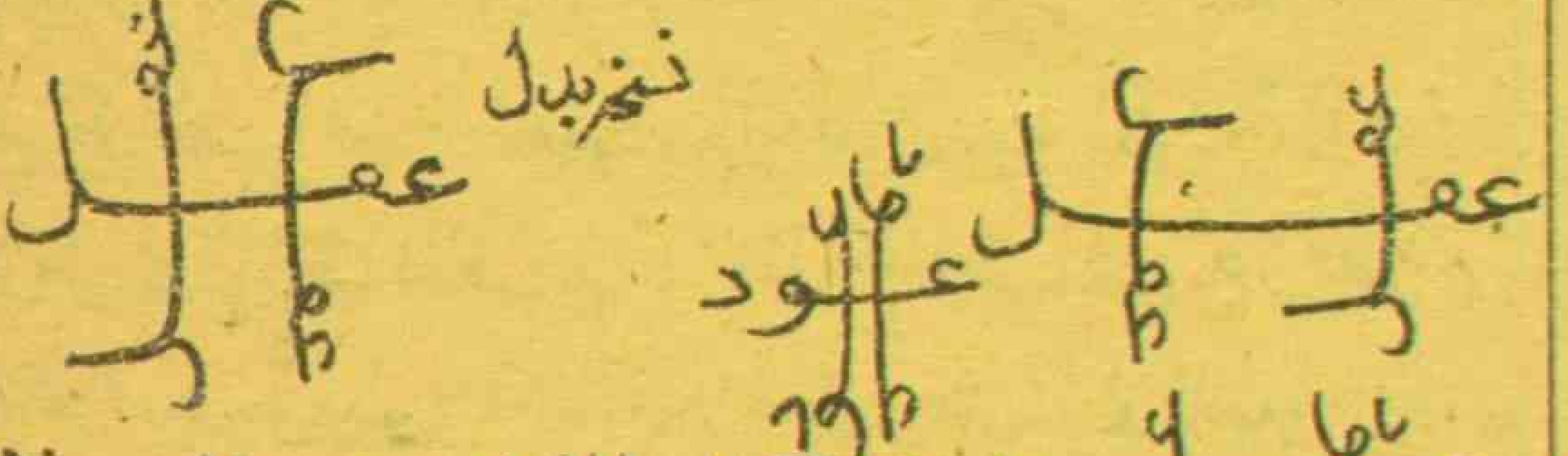

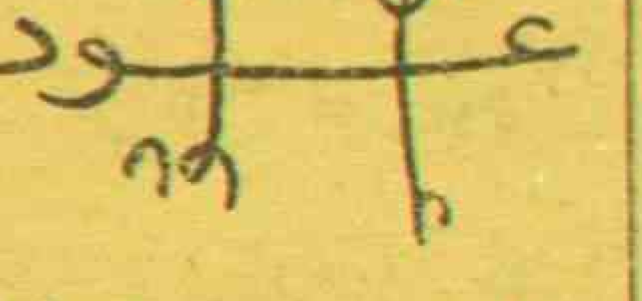

معالجه اسهال از حضرت صادق منقول است که بجهت دفع اسهال قدری برنج بگیرند و بشویند و در سایه بخشکانند و در روی آتش بو دهند و هر بامداد یک کف از آن بخورند و در روایت دیگر فرمود بجهت اسهال برنج را درد لک کن و با آب بجوشان و چهار پنج پاره سنگ در زیر آتش بگذار تا سرخ شود و پیه سر قلوه را بگیر با آن سنگها در میان کاسه بنهند و سر آن کاسه را با کاسه دیگر بپوشان تا بخارش بیرون نرود و حرکت ده تا سیر آب شود پس چون برنج پخته شود این روغن را بر رویش بریز

اند اما معالجه [illegible] که باصطلاح [illegible] خانان را [illegible] جوانند کل مخارید [illegible] بهن کنند و بازار [illegible] آن را [illegible] در حوالی [illegible] میباشند [illegible] کنار [illegible] بجوانید

دیجوز

دیجور دنافع باشد ودر کفعمی مذکوراست که حضرت امام رضا
بصاحب اسهال این دعا تعلیم نمود که بخواند اللهم انی اسئلک
بوجهک الکریم واسمک العظیم وبعزتک التی لاتنام وبقدرتک التی لا
یمتنع منها شیٔ وان تفضل بی کذا وکذا ذکر کند **فصل هفدهم**
دفع درد پهلو وتهیگاه وگرده وجگر منقولست شخصی بخدمت
حضرت امام محمد باقر ع از درد تهیگاه یعنی پهلو شکایت کرد آن
حضرت فرمود چون از نماز فارغ شوی ودست بر موضع سجود بر
بمال وبر موضع درد بمال کن واین آیه را بخوان افحسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم
الینا لا ترجعون الی آخر سوره مؤمنون راوی گفت چنانکردم بر
طرف شد **نوع دیگر** از حضرت صادق ع مرویست که دست بر تهی
گاه مالد سه مرتبه این دعا را بخواند بسم الله وبالله محمد ص رسول الله
علی ولی الله ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم امسح عنی ما اجد
فی خاصرتی ودر هر مرتبه دست بر آن بکشد وبر خاصره بسم الله الرحمن الرحیم
میکشند باشد ودر بحر المنافع آورده که بجهت درد پهلوی راست این آیه
را از آل عمران نوشته تعویذ نماید آیه یذکرون الله قیاما وقعودا و
علی جنوبهم ویتفکرون فی خلق السموات والارض ربنا ما خلقت هذا
باطلا سبحانک فقنا عذاب النار وبجانب چپ این آیه وما محمد الا رسول
تا آیه وسیجزی الله الشاکرین ودر حدیث وارد شده که خوردن
دنبه که از سفره میبرند درد تهیگاه را نافع است واز حضرت رسول ص

بخواند بر هر هفت مبین
که در آن سوره است
چون بر بید بنویسد کاد [illegible]
را بقلم [illegible] خط بیابند
کشد مشرکا را د طول
چهار خط را د و سیم خط را در
بکشند و سیم خط نجوعی که خطوط
عرض و طول نماید و [illegible]
عرض [illegible] نماید و بعد از کشیدن [illegible]
دا [illegible] ششد در [illegible]
تا خشک شود داین بزرخشک
خشک شود و بر ظرف شود بجهت
شود و دیر ظرف [illegible] شود
دقوه الهی وبرکت این سوره
لطیف برای [illegible] شکم از
حضرت امام موسی کاظم مرویست
که این آیات را برای
[illegible] بخواند اذا السماء انشقت واذنت لربها

درد ناف

وحقت واذا الارض مدت والقت ما فیها وتخلت اذ قالت امرأة عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا فتقبل منی انک انت السمیع العلیم ونزل الی آخر

ایضا بجهت درد روده و پیچش ناف ودرفع قولنج [illegible] را [illegible] این اشکال را تعلیق نماید از درد [illegible] مکتوب [illegible] طول [illegible] موضع [illegible]

مروی

مروی است که هر که را درد پهلو باشد دست بر محل درد بمالد و در هر مرتبه بگوید اعوذ بقدرة الله اعوذ بعزة الله وقدرته علی ما اشا من شر ما اجد و در روایت دیگر خوردن انجدان رومی بجهت درد پهلو نافع است و در حرز الامان مسطور است که کسیکه این اذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعدا او قائما فلما کشفنا عنه ضره مر کان لم یدعنا الی ضر مسه کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون بر ظرف آبی سفالی نویسد بسیاهی و از او بروغن زیت یا کنجد محو سازد و بر آتش نرم جوش دهد و پاهای دردمند را چرب کند شفا یابد و هر عضو متالم بمالد الم آن عضو زایل شود و اگر کسی را درد پهلو عارض شده باشد بمالیدن این روغن فائده تمام دارد و اگر این آیه را بر کاغذی نویسد وقت سحر و بر مریضی که درد پهلو داشته باشد بیاویزد نفع بلیغ دارد و اگر هم و غم داشته باشد زایل گردد این آیت وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یمسسک بخیر فهو علی کل شیء قدیر هو القاهر فوق عباده وهو الحکیم الخبیر

فصل هیجدهم

در دفع استسقا و یرقان و ذات الصدر و ذات الجنب وغیره

در کتاب بحر المنافع آورده که بجهت استسقا چون انگشت بر آماس نهد اثر آن پیدا شود و فرو نشیند این غارا بنویسد و بر مریض بندد و دیگری بنویسد بخوراند بسمله ولو تقول علینا بعض الاقاویل لاخذنا منه بالیمین ثم لقطعنا

عمل قل اعوذ برب الفلق من شر ما خلق ومن شر غاسق اذا وقب ومن شر النفاثات فی العقد ومن شر حاسد اذا حسد طلقوا الفواحت

دفع اسهال جهت

و در بحر النافع آورده که اگر کسی را اسهال باشد سه روز بر سه کاغذ بنویسد و هر روز یکی را به آب بشوید و بخورد و آب را [illegible] بسازد روز اول بسم الله الرحمن الرحیم وعنت الوجوه للحی القیوم روز دوم بسم الله الرحمن الرحیم لا اله الا هو الحی القیوم روز سیم بسم الله الرحمن الرحیم الله لا اله الا هو الحی القیوم ایضاً آیة الکرسی

جهت سپرز

بنویسد و بشوید و صاحب اسهال بیاشامد اسهالش زایل

جهت جرب

کسیکه جرب دارد اسبغول را [illegible] شکم قدری [illegible] بر پیشانی و قدری [illegible] و با عسل [illegible] تمام کوبیده هر روز [illegible] بخورد نافع باشد

ایضاً خرفه را [illegible] انگشت بجوشد [illegible] و همان قدر [illegible] خام در [illegible] کند [illegible] بجهت [illegible] خورده اند حجی الغالمه [illegible] کوبیده بجهت سفوف [illegible] عوده بجهت دفع [illegible] اسهال مجرب و هم چنین گشنیز [illegible] سنه و صمغ عربی [illegible] منا [illegible]

مرجع کتابخانه علوم باطنی

منه الوتين فما منكم من احد عنه حاجزين و لا يتمنونه بما قدمت ايديهم
والله عليم بالظالمين قل ان الموت الذى تفرون منه فانه ملاقيكم ثم
تردون الى عالم الغيب والشهادة فينبئكم بما كنتم تعملون اما معالجه
يرقان در مجرب المنافع اورده كه بجهة يرقانى كه چشم را زرد كند - اين ايات را بنويسند و تعليق نمايند قالوا سبحانك انت ولينا من
دونهم بل كانوا يعبدون الجن اكثرهم بهم مؤمنون قالوا ربنا يعلم
انا اليكم لمرسلون وما علينا الا البلاغ المبين قالوا انا تطيرنا
بكم لئن لم تنتهوا لنرجمنكم وليمسنكم منا عذاب اليم در كتاب
در مكنونه اورده كه هركه
اين شكل را كه ارقام هندسيت
بزبان و خط ايشان در طاس
نو يا تازه بنويسد به مشك و

٧	٤	٨
٨	٧	٤
٤	٨	٧

زعفران و گلاب يا بشربتى محو ساخته بصاحب ناسور و نقرس
يا يرقان يا طحال يا كبد يا ذات الصدر يا ذات الجنب از ان بياشامد
بفرمان الله تعالى در ساعت شفا يابد صك يالع ٧ ككه
البع نصع ٧ مككه ه

فصل نوزدهم

در دفع سنگ مثانه و ريگ و درد ان و ورم خصيه و ادرار
وحكه و قروح و ذكر و قروح ذكر و خصيه و عسر بول در مصباح
از امام جعفر صادق ع مرويست بجهة سنگ مثانه يعنى بول دان

مساوی داده و انداخت زعفران و نبات در داخل نموده شربت کرده به خورانند نافع آید و هم چنین قهوه را بطریق مکرر بیمار [illegible] شستن کنند و به شود و بجعد جمیع و قطع اسهال نمایند موثر است و همچنین دو و دو حمص از زرد ورد مرداد ازان بیکی سرج کتابه چه میان بحمل سرج شیر تخم و زرد است بار بخوردن صاحب [illegible] العلاج را نافع دانسته خصوصا هرگاه با اقماع کم دبا نبد جهت خون شکم سر و وقوبس مرقوبس مرقوبس مرقوبس مرقوبس سپر دفع مرقوس سلام و قولا من رب رحيم برحمتك يا ارحم الراحمين ايضا هر روز بر بنان بنويسد و بخورد باطعام تا يكهفته بخورد و ابتدا از روز پنجشنبه يا يكشنبه بكند صحت يابد بسم الله لا يعلم بعد علم شيئا ان الله عليم قدير الله وهو فسيكفيكهم الله وهو السميع العليم بالا [illegible] والله من ورائهم محيط الله اناار [illegible] تبوئنك من [illegible] بوزنا بجهة دور مشنه و جهلو ابن [illegible] و موضع درد حرز بندنا بد نافع دانسته اند كه و هيمه و

مرجع و كتابخانه علوم باطنى

و هیچ درد و جع ایضا
با خود دارد و الذین
کردن ان الله ... و نعوذ
ولا تقولوا عند ربنا النار نجات
تتجافی جنوبهم عن المضاجع یدعون
ربهم خوفا وطمعا ومما رزقنا
هم ینفقون ولا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم
جخته در دیگر کرده در
بحر المنافع اورده ابن
ایات را نبویسد
و بخورانند و در دیگری بنویسد
با خود دارد
الله لا اله الا هو
لیجمعنکم الی یوم القیمة
لا ریب فیه ومن اصدق
من الله حدیثا ذلکم الله
ربکم لا اله الا هو خالق
کل شیء فاعبدوه وهو
علی کل شیء وکیل

قولنج و

مذکور وما قدروا
الله حق قدره
والارض جمیعا قبضته یوم
القیمة والسموات مطویات
بیمینه سبحانه وتعالی
عما یشرکون **اما**
معالجه درد ...
ان حکیم ...
اورده ... نتیجه ...

این ایات را در وقت خواب سه بار و بعد از بیدار شدن یکبار
بخواند الم تعلم انّ الله علی کلّ شیءٍ قدیر الم تعلم ان الله له ملک
السّموات والارض وما لکم من دون الله من ولیّ ولا نصیر ایضا
بحضرت باقر ع شکوه نمود از سنگ مثانه امر کرد او را بخواند این دعا
بعد از نماز شب در حال سجود اللّهمّ انّی اعوذ بک اللّهمّ انّی ادعوک
دعاء العلیل الذّلیل الفقیر وادعوک دعاء من اشتدّت فاقته و
قلّت حیلته وضعف عمله والحّ علیه من الخطیئة والبلاء دعاء مکروب
ان لم تدرکه هلک وان لم تستنقذه فلا حیلة فلا تحیطنّی یا سیّدی و
مولای مکرک ولا تثبتّ علی غضبک ولا تضطرّنی الی الیاس من روحک
والقنوط من رحمتک وطول الصّبر علی الاذی اللّهمّ انّه اطانتلی
ببلائک والاغناء بی من رحمتک وهذا ابن بنت نبیّک وحبیبک صلواتک
علیه به اتوجّه الیک فانّی جعلته مفزعا للخائف واستودعته علم ما
کان وما هو کائن فاکشف به ضرّی وخلّصنی من هذه البلیّة الی ما
عوّدتنی من عافیتک ورحمتک یا هو یا هو یا هو انقطع الرجاء الّا
منک یا الله یا الله یا الله چون سورهٔ انشراح را بنویسد بشوید
صاحب مثانه بنوشد المش زایل کردد **امّا معالجه** عسر البول در
خواص الایات اورده که هر که ایه ثمّ قست قلوبکم تا عمّا تعملون را
در مقرع به جهة عسر بول و قولنج بخواند و بر صاحب علّت بندد
شفا یابد **نوع دیگر** بجهة دشواری بول در مکارم اورده این

[illegible]
یخرج من بطونها شراب مختلف
الوانه فیه شفاء للناس
لذة للشاربین
[illegible]

دعاء

دعا بخواند شفا یابد ربنا الذی فی السماء تقدس اللهم اسمک فی السماء
والارض اللهم کما رحمتک فی السماء اجعل رحمتک فی الارض و اغفر لنا
ذنوبنا وخطایانا انت رب الطیبین انزل رحمة من رحمتک و شفاء من
شفائک علی هذا الوجع و هر دو را بنویسد و بپوشاند فهما بنویسد ففتحنا
ابواب السماء بماء منهمر و فجرنا الارض عیونا فالتقی الماء علی امر قد قدر
وحملناه علی ذات الواح و دسر تجری باعیننا جزاء لمن کان کفر ایضا
این آیات را بنویسد و بشوید و بخورد و آنچه دیگر زیر ناف بندد
گشاده شود بسم الله طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی الی ما تحت
الثری نوع دیگر حمران شکوه به خدمت امام علی النقی ع نوشتم که فدایت
شوم بچه ازد و مثانات تمام شبی خادم حبس البول بد و الناس
دارد که دعا نمائید برکت آن شفا یابد و آنحضرت در جواب نوشت
که خدا تعالی دفع مضرت بکند و از مکروهات دنیا را بردارد و عقبا
بسیار بود بر آن عرض که باید قرآن بسیار بخواند که برکت آن شفا یابد
ایضاً بجهت حبس البول بر اشکال را بنویسد و بر زیر ناف بندد
فتح شود یا سبکیلهما یا مکیفنا یا دنیا سیا انواده بلا حول ولا
قوة الا بالله العلی العظیم الحتباء بجهت احتباس بول کل کانشه که
را عصر نمایند در شیر تخمه نیم و زن آن شوره اضافه نموده ضماد نمایند
و هم چنین بجهت دفع احتباس بول بتجربه رسانیده اند که شپش
زنده را در سوراخ احلیل بدوانند بزودی مستخلص میگردد

حضرت خضر [illegible] رافع
در ملک بطن رسید
دعا کرد حق تعالی به ذکر [illegible]
او وحی فرستاد که [illegible] و بپرسند
و آنچه [illegible] بیرون یعنی عیال و
خود از آن [illegible] شد
جان [illegible]
مبارک مستسقا [illegible] مرض

دوازده عدد ملح و خوردن
الحمرات و [illegible] انزال [illegible]
باشند و [illegible] باشند
مورد [illegible] اند و
مجرب [illegible]
هم چنین شیر [illegible]
استسقاء [illegible] بوده اند
خصوصاً با بول [illegible]
باشند و هم چنین [illegible]
دو مثقال با سه مثقال
[illegible] کهنه سوخته [illegible]

دفع قولنج

[illegible] بجهت استسقاء
دفع سموم از موده
شده و هم چنین ضماد
تازه آن [illegible]
و [illegible] در اینکار
مجرب است

علاج یرقان

یرقان در [illegible]
النافع [illegible]
دفع یرقان [illegible]
[illegible]

ایضاً ختم یرقان

سوره [illegible]
[illegible]

بیاشامد انشاء الله شفا یابد

جهت درد مقعد

ودر روایت دیگر منقولست
که هلیله و بلیله و املج و داد
فلفل و دار فلفل و زنجبیل
جنطیانا را و شقاقل و زنجبیل
وافتیمون و بسفایج و لیمان ازین
اجزا را مساوی گرفته
بکوبند و بپزند و با
روغن گاو تازه ممزوج
کنند و دو برابر اجزاء
عسل صاف کرده با
شکر داخل کنند و هر
دفعه بقدر نخودی بر
خورد شفا یابد **جهت**
درد بچه دان در مکارم
الاخلاق مذکور که این دعا را
باید نوشت که صاحب
درد با خود دارد

صاحب تحفة المؤمنین میر محمد مؤمن طبیب ذکر نموده که این ترکیب را
در دواء دواء اعظم نام نهاده ام و از جمله اسرار است بجهة اکله و قروح
ساعیه دهان و گلو و قضیب و سایر اعضاء و قطع خون از جراحات و
رویانیدن گوشت و منع ورم فرج و انصباب مواد آزموده است موی
سوخته کلنار شاخ گاو کوهی اگر نباشد استخوان سوخته برگ عناب گل
ارمنی از هر یک یکجزو کندر سفیداب قلعی توتیای شسته کرمانی هر یک
یکجزو کوفته از حریر گذرانیده استعمال نمایند و اگر قدر دو دانگ افیون
مخلوط کرده با سفیده تخم مرغ سرشته فتیله سازند و در مجرای بول بگذارند
مسکن درد و دفع سوزش نظیر ندارد

فصل بیست و نهم در دفع درد فرج

ورحم و شقاق مقعد و بواسیر مرویست که معلی بن خنیس بحضرت صادق ع
شکایت کرد از درد فرج حضرت فرمود دست چپ خود را بر فرج خود بگذار
و این دعا را بخوان بسم الله و بالله بلی من اسلم وجهه لله وهو محسن فله
اجره عند ربه ولا خوف علیهم ولا هم یحزنون اللهم انی اسلمت الیک
وجهی الیک و فوضت امری لا ملجأ ولا منجا منک الا الیک **اما معنا** مجحبا

بواسیر از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که خواندن این
دعا جهة بواسیر نافع است یا جواد یا ماجد یا رحیم
یا قریب یا مجیب یا باری یا راحم صل علی محمد و آل محمد و
اردد علی رحمتک واکفنی امر وجعی طریقه دیگر از حضرت صادق ع مرویست که
سوره یس را با عسل بنویسد و باب بشوید و بخورند بواسیر

درد بچه دان

باخود دارد و
باید که صاحب درد با
آهسته بخوانند و دعا
اینست بسم الله الرحمن
الرحیم بسم الله و بالله
اللهم باسمه فامنت
السموات والارض
فان مریم بنت عمران
لبصرها وجعل الارحام
کذلک تنفی الله فلانه
بنت فلانه من ریح
الارحام و من وجع
اسلمی بحق القیوم بسم الله
المستغاث بالله
علی ما هو کائن و بحق
علی ما قد کان علی کل
ان الله علی کل شیء قدیر

را نفع

قد احاط بکل شیء علما

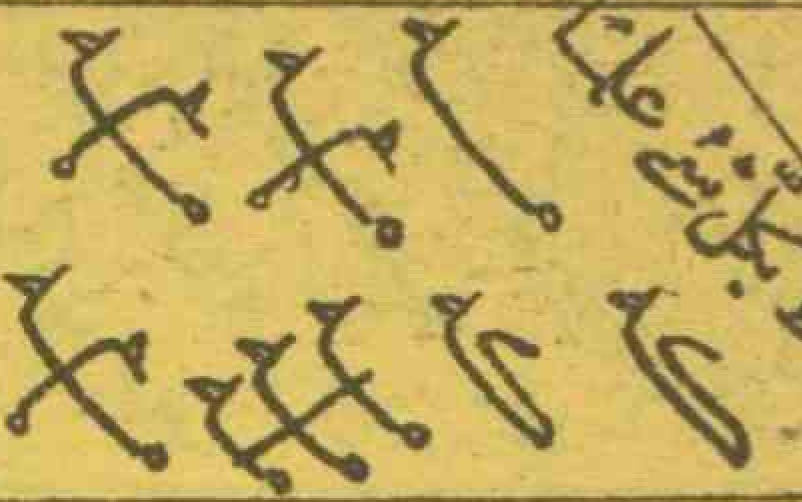

بسم الله

محمد رسول الله والذین

امنوا معه الی اخر سوره

انا فتحنا احبیبوا علی ما

معه هذا الکلام الاول

هذا الخاتم اجابت

الشداد الغیر

بعلم ترحف الارواح

هف وتر والانبیاء روح

والاجساد و احب بسم الله

ولا تعداد احب

الذی قامت السموات

والارض اثنا طوعا او

کرها قالتا اتینا طائعین

وصلی الله علی محمد واله

الطاهرین بجهته ورم

رافع دهد در مجمع المنافع مذکور است که مجربست بواسیر این افسون
را بر دست راست خواند بعد از قضاء حاجت دران محل بمالد یا
قادعی یا ما دعی اذهب بامر الله ایضاً در وقت استنجا اب بکف
چپ بردارد و بران بخواند استنجا کند و چند روز بدین منوال بعمل
اورد قطع شود انشء تعم ایلا ببلا ایلا ببلا جوبھی دن جم ھوی ایضاً
بر اب باکلوخ استنجا نماید بخواند دفع شود ارجن برجن کن کر کن
کونا کونا چاشنی سے نڈ الھوا کر بھنی جو کوھے لٹک لٹکے تو کل مر کر۔
ھوی ایضاً سه مرتبه بر اب خواند و بان استنجا کند دفع شود کاکور
کور کوٹا اکوت کرٹ اہری مہری کھرہے دکنا جو ہو منظر جانے بسر کھنے
دودا ہوا اتما ہو وی ہرمی کرہو کی بکٹ مہری سکٹ صد گرد کالی۔
کال ہر جو اکاس کرہون رکبا کرا ایضاً بسیار مداومت نماید دفع کرد
مجربست کبلو کس کن کیبر نا کبر مرنا بر کرنا چو جانے بھر کبتر کونت سوھے
حرمتا ابہ د مری جیری هون منت لبن کر کبر ہو مبکہ جن دُبنا
نا کل حرمتا نہ ھوشنہ نہ ھوشنہ چڑ بو اھیں کار کا دمہ پرچہ مہر چہ
کن متواھا ایضاً این منتر را مکرر خواند تا ضعیف شدن مرض از
بلعم بلک اربکا ککھن بھون انھوا اچھوا جانے کوی کبیر جسیم نر
بہا ہوے ایضاً گفته اند که این طلسم را بر هفت پارچه کاغذ نویسد
و هر یک پاره را در موم کافوری گرفته هر روز ناشتا یکرا بلع نماید مجرب
است ۱۱ احد ط ط لاع ۱۱ ط ط جهنر ورم مقعد و بواسیر و درد

در خصیه

واما حصبه طلاء دهن
ضماد بعاب تازه اعین
جمیع اعضاء و درم انثیین
بکشف را با ربع از نار
دیانه ستا بنن با کلاب
ودیگر ضماد عنا بیند
وبید مستوز کل خطمی
وارد جو وارد باقلا
را معفر کرده نمایند

دیگر برای خفقان جمیع
صنعا ابلج باد
احمر ضماد بنا بیند
کرده جمیع بند
کوبیده تا اندرون
منقال بابا ھم
مستور دیزه گی قاضی
[illegible] ورم
جبر وزد مغز
بادزد طلا عنا بند
نخ مخ وقریع

بعاب از موده است هرگاه از حرارت باشد وزغ را با پیه بز کوبیده در آب بجوشانند تا مهترا شود و روغنی که بر آب سرد بعد از بسته شدن بردارند و اگر در بناله باد نجان را استعمال اضافه نمایند جهت بواسیر بادی استعمال کنند مجرب است و داغ کردن ما بین خنصر و بنصر دست چپ جهت قطع خون بواسیر و داغ مفصل زانو جهت دماخ بواسیر از مجربات است و در قطع بواسیر اکثر اطباء مجرب دانسته اند تره باد نجان را با مثل آن بادام تلخ کوبیده حمول و طلا نمایند هو الشافی **فصل بیست و یکم** در درد ران و پی از عرق النسا و درد زانو و باطن قدم و نقرس و غیره مروی است که شخصی بحضرت امیر المؤمنین ع شکایت کرد از درد دندان فرمود آب گرمی در طشت کن و در میان آب بنشین و دست بر موضع که درد میکند بگذار و این آیه را او لم یر الذین کفروا ان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون جهت عرق النساء و آن دردی است که از مفصل ران ابتدا کند از جانب ران نزول کند تا بانگشتهای پا رسد دنباله رگی است در پا که ابتدا او از بالا است و بقاب منتهی میشود و در مصباح از حضرت امیر المؤمنین روایت شده که چون نظر کنی در آن دست بر آن گذار و بگو بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله و بالله اعوذ باسم الله الکبیر المتعال و اعوذ بالله العظیم من شر کل نعار عرق و من شر حر النار **و در طب الائمه** مذکور است که فلان ناخوشی را که صاحب حرق النساء است

درد نقرس

نزل من القران ما هو شفاء و رحمة للمؤمنین

وصلی الله علی محمد و آله اجمعین

کرفته و بر موضع عرق بندد منتفع کردد **امین الدوله** محمد بن
احمد نقل نموده که مجربست و مکرر تجربه رسیده است که چون حر
دون را که در طبرستان ماجه کویند و در اصفهان مال مالی نامند
باسم صاحب عرق النساء صید کرده و رك باطن ران او را جسته و
موضع شکافند و ان رك را باسم صاحب عرق قطع کند و بعد از ان
بادست ریزه ریزه نماید بدون الی بالخاصیة دفع ان علت شود

جهت واماندگی زاه و باد کمر و اعضاء ابن عزائم را

بنویسد و بر بازوی راست بندد بسم الله الرحمن الرحیم عزمت علیکم
ای ارواح النصرانیة والنصرانی عزمت علیکم ای ارواح الیهود والیهودیة
عزمت علیکم ای ارواح المؤمنین والمؤمنات عزمت علیکم یا معشر
الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض
فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان یا شافی یا کافی یا معافی
لاحول ولا قوة الا بالله العلی العظیم ﻫ ﻫ ﻫ ﻫ // ✕ ع
ع ع ع ع ع و ﻫ ص م ✕ مداوا بجهت کنکو و
درد کمر و درد زانو تخم کرز و تخم شلغم و زنجبیل و بوستجار و سو
رنجان مساوی یکدیکر کوفته و بیخته و در عسل سرشته هر صبح و شام
بقدر دو مثقال و نیم بخورند نفع یابند و در حدیث منقول است که
شخصی بحضرت امام حسین ع از درد پا شکایت کرد فرمود که از اول
سوره انا فتحنا تا عزیزا حکیما بران بخواند ایضا منقولست که سالم بن محمد

جوب سرخ سوخته و
مر استعمال کنند و حکه
و خنیسه و قضیب عضو
را با ب کرم بشویند و
سفیدی تخم مرغ طلا
کنند با سرکه و کلاب
و اب کرفس و ما
مثلها طلا کنند و اکر
ساکن نشود ارسال
علق بعضو ذلو محجمه
و ادویه مجرب استعمال
نمایند و تنقیه بفصد
و اسهال نمایند و

حبس البول

دو کلمه را بر ناخن بزرگ
مریض بنویسد و اکر
جوان باشد بر شکم
ان نویسند اهیا شراهیا
مجرب است در حدیث از
از حضرت امام رضا

درد پهلو

بجهت بواسیر
مذکور راست هلیله
سیاه و بلیله و امله
اجزا را مساوی هم
بکوبند و از حریر
بیرون کنند و قدری
هم مقل ازرق کوفته
در اب بجوشانند
لبخ اینها را
زعفران در میان
عسل خمیر کنند و
دست را روغن
حب کرده و انرا
قدر عدس رو غنجرا
در سایه بخشکانند
و اکر در تابستان
باشد بقدر ربد
مثقال بخورند
دران ایام دوا
خوردن از خوردن
١٤

بحضرت

بحضرت صادق ع از درد ساق پا شکایت کرد که مرا از کار عاجز کرده حضرت فرمود این آیه را هفت بار بر آن بخوان واتل ما اوحی الیک من کتاب ربک لا مبدل لکلماته ولن تجد من دونه ملتحدا ودر بحر المنافع مذکور است که بجهت درد پهلو وساق پای وهر دردی وزخمی که بود بوده باشد این آیه را بر صدف بسیاهی بنویسد ودران روغن خوشبو کرده محو نماید باتش نرم گرم کرده طلا نماید وبر موضع درد ساکن گردد اذا مس الانسان الضر دعانا لجنبه او قاعدا او قائما فلما کشفنا عنه ضره مر کان لم یدعنا الی ضر مسه کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون ومداوای نقرس که درد بند پاها را گویند سابق گذشت باب

پنجم در دفع ضررها وترسها

ودر این باب دوازده فصل است فصل اول در دفع ضرر خصم ومحاصره دشمن وخوف ظلمه وموذیان ودفع ایشان واطفاء غضب سلطان اما بجهت دفع ضرر خصمان آیات کفایت را چهار نوبت بخواند واز جمله خواص حروف سین که اگر کسی خواهد با خصمی در مخاصمه ومحاوره ومحاکمه غالب آید واو را ساکن گرداند بحیثیتی که قادر بر جواب نباشد ومقاومت با او نتواند نمود اسم خصم را ما بین دو سین امتزاج دهد وهر حرف را ممکن باشد متصل وهر حرف را ممکن نباشد منفصل نوشته در دست گرفته با او در سخن آید از مقاومت ومحاوره عاجز شود باذن الله تعالی مثلا اسم قمر سقسسقسمسر منفصل یا اسم شمس سشسمسسس متصل در کتاب

ماه وسرکه اجتناب کنند اطباء این ضماد را بجهت بواسیر وضماد مسهله وقرص آن و انتقال آن بواسیر و نزف الدم حضض نافع شمرده اند سفیداب فوم سفید حضض هر یک جزء کل خطمی ومقل هر یک دو جزء وبیر بزرسم جزء وکل ودروغن کل چهار جزء با زرده تخم مرغ استعمال نمایند وهمچنین بخور ملح بربر بجهت بواسیر وعسر البول نافع دانسته اند وضماد جرد بدن انسان جهت مقعد از مجربات است وهمچنین خرء طین را با جعل وبنات

دیگر

دفع استسقا

جهت درد دندان وطبخ کردن وطلا نمودن جهت بواسیر ونزف الدم وشقاق مقعد بعید بل دانسته اند وچون سوره مبارکه سبح اسم را بر بواسیر خوانند زایل شود انشاء بجهت درد مقعد وسوزش کنجد [illegible] روغن [illegible] تخم مرغ [illegible] کوبیده با روغن [illegible] وسفیدک تخم مرغ وروغن [illegible] همچنین اشخار [illegible] سفیداب ۵ ۱۱ با [illegible] را [illegible] مرداسنج ۲ [illegible] تخم مرغ بنفشه [illegible] زرده تخم مرغ روغن بنفشه [illegible] استعمال در دو [illegible]

شمس المعارف اورده که اگر خواهی لشکری شکسته و فرار نماید
قبضه خاکی از میدان بردارد و این آیه را برا و بخواند سیهزم
الجمع و یولون الدبر بل الساعة موعدهم والساعة ادهی وامر و
این خاک را بجانب لشکر دشمن بیفکن بگو شاهت الوجوه و اگر باد
دران محل بطرف دشمن وزد مناسب تر خواهد بود ان لشکر بفرمان
خدا تعالی فرار و منهزم کردند

در خواص اسماء الحسنی

این مربع را در جهاد این اسم را در مربع چهار در چهار بروی
اطلس زرد با شنجرف بنویسد اگر پادشاهی در شقه علم دوزد
هیچ لشکر با او مقابل و مقاومت نتواند کرد و هر که با دارنده این
لوح مجادله کند مقهور شود و در وقت نوشتن بخور کند شرطست
اما ساعت معین نکرده اند اگر متصل بسعد باشد بهتر است و
درین مربع عجائب و غرائب بسیار است اسماء الله اینست القادر

	القیوم	القائم	المقتدر	
القادر	المقتدر	القوی	القائم	
القادر	القوی	المقتدر	القادر	
المقتدر	القادر	القائم	القوی	
القیوم	القائم	القادر	المقتدر	

اما دفع ظلمه و اعداء در مکارم از حضرت رسول صلعم منقولست که چون از کسی ترسی و خواهی
که دفع شر از او بکنی طلب هلال کن و چون هلال را به بینی بپای
بایست در حالتی که اعتماد در قدم های خود داشته باشی و

بر ستون بیاید را دو
خاکستر گور یهود را هم
وزن او و روغن گاو
ضماد کنند و بد سنوق
کمر خطی و کل نافع
والکلیل الملک دا خطیر
ونیم کان ۱/۲ عدد
مقیس
وانع و یجیر دوار
تعوید نماید
واذا رایت الذین
یخوضون فی آیاتنا
فاعرض عنهم حتی یخوضوا
فی حدیث غیره واما
ینسینک الشیطان فلا
تقعد بعد الذکری مع
القوم الظالمین قل کل
متربص فتربصوا فستعلمون
من اصحاب الصراط
السوی ومن اهتدی
والفجر ولیال عشر والشفع
والوتر واللیل اذا
یسر وعباد الرحمن
الذین یمشون علی
الارض هونا فاذا
خاطبهم الجاهلون
قالوا سلاما والذین
یبیتون لربهم سجدا
وقیاما دو دو انگشتان
ما کان علی النبی من
حرج فیما فرض الله
له سنة الله فی
الذین خلوا من
قبل وکان امر الله
قدرا مقدورا
واذا ابتلی اخر
در صفحه نجاد
معا بحجه درد
بنان هر زخم
ثبوتی که باشد
در ساق
بنویسد

دوازده بود

خطاب

خطاب بهلال کرده بگوئی ایود احدکم ان تکون له جنة من نخیل و
اعناب تجری من تحتها الانهار له فیها من کل الثمرات واصابه الکبر
وله ذریة ضعفاء فاصابها اعصار فیه نار فاحترقت پس اسماء
بکلمه فاحترقت بخانه آنکس کن که از او ستم رسیده و او ترا ایذاء می کند
پاکرده ۳ نوبت بگو اللهم طمه بالبلاء طما وعمه بالاذاء عما وارمه
بحجارة من سجیل وطره الابابیل یا علی یا عظیم پس در شب دویم
وسیم مثل این عمل بجا آورد اگر در ماه اول مراد حاصل نشود در
ماه دویم وسیم نیز بعمل آرد که البته در ماه چهارم احتیاج باین عمل نه
خواهد بود باذن الله تعالی ایضا روز پنجشنبه روزه گرفته چون
نماز شام وخفتن در شب جمعه بگذارد بگوید یا قدیم الازل ازلی
لم یزل یا من تعلم وما تخفی الصدور وعلیك بفلان بن فلانة فاخذنا
اخذ عزیز مقتدر تا سه پنجشنبه یا جمعه باین نوع عمل کند پس یکقبضه خاك
از جائی بردارد که وقف باشد این آیات را از سوره مائده سه بار بر آن
خاك خواند در سرای دشمن بریزد عجائب بیند قل یا اهل الکتاب هل
تنقمون منا الا ان آمنا بالله تا آیه دیگر تا عن سواء السبیل ایضا
این دو آیه را از سوره انعام بر استخوان قلم شتر نوشته در سرای ظالم
اندازد که کار بر او دشوار شود وبعضی گفته اند آن استخوان را نیز
ببایند ودر آنخانه دربند فلما نسوا ما ذکروا به فتحنا علیهم ابواب کل
شیء حتی اذا فرحوا بما اوتوا اخذناهم بغتة فاذاهم مبلسون فقطع دابر

بنویسد الحمد لله
الذی اذهب عنا
الحزن ان ربنا لغفور
شکور الذی احلنا دار
المقامة من فضله لا
یمسنا فیها نصب ولا
یمسنا فیها لغوب
اطفال ازان بخوابند
والتفت الساق بالساق
الی ربك یومئذ المساق
فلا صدق ولا صلی و
لکن کذب و تولی ثم
ذهب الی اهله یتمطی
اولی لك فاولی ثم اولی
لك فاولی [illegible]
کسی را [illegible]
یا [illegible] قدم از حضرت
امام [illegible] منقول است
که شخصی بخدمت آنحضرت
عرض کرد از درد پا و

در پاها

و باطن قدم و کف
پا از برخواستن عاجز
کرده فرمود چرا ای
[illegible] گفت [illegible]
فرمود هر گاه احساس
الم کنی دست بر آن گذار و
بگو بسم الله وبالله وعلی
رسول الله وما قدروا الله
حق قدره والارض جمیعا
قبضته یوم القیمة و
السموات مطویات
بیمینه سبحانه وتعالی
عما یشرکون
دیگر درد پا و ساق [illegible]
[illegible] ناخوش بود
از اول
سوره الی آخر رحیم
الله یا الغفور
اطلا [illegible] فتح
ضماد خاکستر

انقوء

القوم الذین ظلموا والحمد لله رب العالمین برای دفع ظلمه بر
این امر هذا وقت نماید تسخیر ظالم مجرب و آزموده است اگر کسی
خواهد پیش حکام و سلاطین رود و از ایشان در خوف باشد
سوره مبارکه الم تر بخواند تا طیرا ابابیل چون ترمیهم خواهد بگوید
از انگشت خنصر دست چپ گرفته تا بانگشت خنصر دست راست برسد
ده مرتبه بگوید ترمیهم وانگشتان یکیک عقد کند چون تمام عقد کرده
شود متکلم با احدی نشود تا چشمش بمطلوب بیفتد آنوقت از خنصر دست
راست عقد نموده بگشاید و هر عقودی یکبار بگوید بحجارة من سجیل
تا بر خنصر دست چپ برسد و بعد بقیه سوره را بخواند تا تمام شود
و بر ان ظالم بدمد باذن الله لال گردد بسیار بتجربه رسیده
صاحب مقال در مصباح آورده که چون از حاکمی ترسی بگو
در روی او اطفأت غضبك یا فلان بن فلان بلا اله الا الله در مقال
بروایت حضرت امام موسی کاظم ع چون نظرت بر او افتد بگو یا من
بصام ولا یرام و به تواصلت الارحام صل علی محمد و آل محمد واکفنی
شره بحولك ایضا از کتاب دفع الهموم و بروی او بگو حسبی الله لا
اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم ایضا مکرر بگو
الله ربی لا اشرك به شیئا ایضا این آیه را در روی او بگو و بخوان
کتب الله لاغلبن انا و رسلی ان الله قوی عزیز ایضا و ینجی الله
الذین اتقوا بمفازتهم لا یمسهم السوء و لا هم یحزنون **در عده**

که عنک بالتوبة اید
سرکه نافع دالنشر کردن محاصره
بجهت محاجره بجهت دفع محاصره دبن
دشمن کردن دشمنان که این دعا
منقول است بتجربه رسیده
را بخواند اللهم استر عورتی
است انا وامن روعاتنا و اورده
خواص که چون این عمل را وقتی در وقت
مقاتله در مقابل
دشمن البته این
کلمات را بگوید البته
غالبت الله القاهر
هو الله مذل کل
جبار و عنید ناصر
الحق حسبی کان
بالحول والقوة دین
بر آن را بخواند ان
کانت الا صیحة واحدة

درد
فرح و
رحم

فاذاهم خامدون
جنان در عیب و خوف
بر دشمن غلبه کند
یا اخبار در فرار کنند
از انجمله در مصباح
کفعمی روایت شده
که خواندن سوره
الفیل استعدیکه
عاد صبح و کفتن بیجاه
[illegible] دیا استعطیا دد

کسی را [illegible] این آیات
را مقهور در مجلس او
بیاتی الله بجمع او
ان در بودن روحتین
بخوان این آیات را در
انقلاب تدبیر بنا بر ده
بر کیخ تر مفاد کی
از مصباح جوقه
در درخواص السور
هیام شام و حفظ
[illegible] دیا استعلیه وحفظ

الداعی از امام موسی کاظم ع روایت شده که چون بر حاکمی داخل
شوی پس بگو بسم الله الرحمن الرحیم و قل هو الله احد تا آخر سوره بر
خوان و اینچه مذکور شد بر طرف راست و بر طرف چپ و در پیش رو و
در عقب و در بالای سر و در پائین باو و چون داخل شوی بر حاکم ستم
کاری اینچه را مذکور شد در وقتی که نظرت بر او بیفتد سه بار هر وقت
که میخواهی انگشتی از انگشتان خود را گره کن و مکشا تا وقتیکه از خانه
او بیرون آئی **و مثل اینچه** از امام جعفر صادق ع روایت شده چون
داخل شوی بر حاکمی که از او ترسی در وقتیکه با او رو برو باشی بگو
کهیعص و انگشتان دست راست را گره کن از برای هر حرفی انگشتی
بعد بگو وعنت الوجوه للحیّ القیّوم وقد خاب من حمل ظلما **ایضا**
از حضرت امیر المؤمنین ع بجهة دفع اعداء و موذیان ظلمه مرویست
که این دعا را بخوانند اللهمّ طمّه بالبلاء طمّا وغمّه بالبلاء غمّا
وقمّه بالاذی قمّا وارمه بیوم لامعاذ له وبساعة لا مردّ لها و
ابح حریمه واطوقه ببلبل لا اخت لها وصلّ علی محمّد واهل بیته
وعلیهم السّلام واکفنی ما امره وقنی شرّه واصرف عنّی
کیده واخرج قلبه وسدّ فاه عنّی وخشعت الاصوات للرحمن
فلا تسمع الّا همسا وعنت الوجوه للحیّ القیّوم وقد خاب من حمل
ظلما قال اخسئوا فیها ولا تکلّمون صه صه هفت بار انّا جعلنا
فی اعناقهم اغلالا فهی الی الاذقان فهم مقمحون وجعلنا من بین

انست از اول سوره
طس
تغرا تا اعناقهم
فاصبحین اغفنا انی ایه
واز سوره احزاب بر هر
کاغذی نویسد باخود
ازینها بر دارند ببرند
بتعویذ دان ... دفن
دشمن باشد کار او به
نساد انجام ... این
است وما ... دیل ...

التاعة نکون لافتیا ایه
الطعنة الرموك ... انضا
این ایه را بر استخوان
مرده بنویسد واستخوان را
نرم کنند و بر سر راه ظالم
بپاشند و کاین من قریة
هی اشد قوة من قر
یتک التی اخرجتک
اهلکناهم فلا ناصر لهم
ایضا

دفع بواسیر
در روز دو شنبه دو
رکعت نماز بگذارد
و در هر رکعت بعد از
حمد هفت بار اذا جاء
نصر الله والفتح را بخواند
وبعد از سلام سیصد
وشصت دانه جو بردارد
وبر هر دانه جوی یکبار
این دعا را بخواند
یا مالک الملک ایجد
وند جهان خصمان مرا به
بیب من حرکت
بان و بعد از ان
جو را بیمبر کند
جعل را دهن کند جو ...
بهم ... مرد ... باشد بر
جهاد نمر آ ... زن
با شاد بیمار دماد
وهمه ... باشد
با ... شیطان میم
مجرب

جهت هلاک دشمن

سورهٔ انا اعطیناک الکوثر را بر [illegible] بدوزند نیم الله بر [illegible] مرغ سیاه بر نویسند و بر بادچه(?) جامه اش به پیچد و در زیر آتش کنند بنوعیکه نسوزد بول ببندد(?) شود اگر [illegible] نشود هلاک شود اما اگر خواهد باز کند را بشکافد(?)

سورهٔ یس را بمشک و زعفران بنویسد بر(?) بشوید بخورد تا شفا یابد

ایضاً اگر خواهد ظالم را از مکان خود اخراج نماید این آیات را سورهٔ عبس بر پوست خر مدبوغی بنویسد و صورت آن شخص را در

دفع ستم(?)

آن نقش کند در روز پنجشنبه که قمر در برج عقرب باشد و آن را در قدح آهنی نهد و سر آن را محکم کند در دروازهٔ شهر یا خانهٔ او دفن نماید آیات این است یوم(?) [illegible] امر و ابراهیم(?) ایضاً چون خواهد عمارت مبتدعی یا ظالم را خراب کند این آیات بر لوح از مشک یا شنجرف(?) در روز سه شنبه که قمر در عقرب باشد در وقت طلوع آفتاب در زیر

ایدیهم سدّا فاغشیناهم فهم لا یبصرون اولی و انسب آنست که در عقب این دعا را بخوانند که تا اثر زود تر بمنصهٔ ظهور میرسد و در مجتبی و زبدة الدعوات مذکور است اللّهمّ انّک قلت فی محکم کتابک الکریم فی وصف المستحقین للعذاب الالیم انّما جزاء الذین یحاربون الله و رسوله و یسعون فی الارض فسادا ان یقتلوا او یصلّبوا او تقطّع ایدیهم و ارجلهم من خلاف او ینفوا فی الارض اللّهمّ و انّ فلانا قد سعی فی الارض بالفساد و قد منعنا من اقامة الحدّ علیه المانع عن ظلمه بفسلمه و ظلم العباد و من یطهّره قبل یوم المعاد المیعاد اللّهمّ انت احقّ باقامة الحدّ علیه فعجّل فعجّل له ما یستحقه بالفساد الّذی قد اصرّ علیه لینصره الله و قلت و لا یحیق المکر السیّئ الّا باهله و قلت من نکث فانّما ینکث علی نفسه اللّهمّ و قد اجتمعت فی فلان مثل هذه الصّفات و قد احاط به حکم هذه الآیات فعجّل الاذن فی فعل حکمها و قضائها و ابرامها و امضائها بقوّتک القاهرة و قدرتک الباهرة و اجعله عبرة فی الدّنیا و الآخرة یا الله هفت بار و ایضاً هفتاد نوبت بقصد اعدا بر خوانند دفع شود اللّهمّ شتّت شملهم و فرّق جمعهم و فلّل حدّهم و خرّب بنیانهم و بدّد احوالهم و قرّب آجالهم و اقطع اعمارهم و اشغلهم بابدانهم و خذهم اخذ عزیز مقتدر یا قهّار سه مرتبه یا جبّار سه مرتبه در **کتاب مجتبی** خلاصهٔ این مضمون را نقل کرده اند که شخصی ماهی کبر چند ماهی صید کرده بود یکی از

چوبکیان حاکم باو رسید ماهی را بعنف از او گرفت صیاد نا امید دعا بخواند
چوبکی زاده ست علت اکله و جذام بهم رسید هر چند مداوا نموده
علاج شدنی نشد تا انکه از حال او افتاد تا اخر شبی دید که یکی با
گفت که تا این شخص صاحب ماهی را از خود راضی نکنی از این علت خلاصی
نخواهی یافت پس نزد آن شخص رفت از او حلیت طلبید استرضا
حاصل نمود از ان علت نجات یافت دعا اینست رب هذا -
عدل منک خلقتنی وخلقته وجعلته قویا وجعلتنی ضعیفا ثم
سلطته علی ولا انت منعته من ظلمی ولا انت جعلتنی قویا فامنع
من ظلمه فاسئلک بالذی خلقته وخلقتنی وجعلته قویا وجعلتنی
ضعیفا ان تجعله عبرة لخلقک سریعا و بجهة **استیصال ظالم**
دوباره مداومت نماید مجرب است فقطع دابر الذین ظلموا والحمد
لله رب العالمین **ایضا** شش دانه حب القطن بستاند و هر دانه
یکبار سورهٔ فیل را تا اخر بخواند پس بگوید اللهم کما کفیت شر اصحاب
الفیل من اهل مکة فاقتلهم واکفنی شر خصمی فلان وافنه یکی ان
دانه ها را آتش بسوزاند **وایضا** سورهٔ مذکور را در شب
جمعه ما بین نماز مغرب وعشا بروشنی چراغ بنویسد و در خانهٔ
خصم پنهان کند و این عمل را نشاید مگر به مستحق جهة تخریب بنیان
ظالم سورهٔ والشمس را بر سفالی بنویسد و این ایات را هفت
بار بر پارهٔ خاک بخوانند بر ان سفال را کوبید و با انخاک امیخته

در رز بر دیوار ان
پنهان کند [illegible]
اول سورهٔ والمرسلات را
تا کذلک نفعل بالمجرمین
جهة انحطاط
حاکم و صاحب
تسلط این ایات را
بنویسد بر چوب گز
درخت در عصر دو
شنبه یا چهار شنبه اخر
ماه و بدر الطرات در بکجا ان
چوب بنویسد بر دل
فلان بن فلان عن نعیم
هار در بل زیر سنگ کرم
مشاهده نمایند قدرت الهی را
منزل کند اگر
چوب گز نباشد
هر اسپند باشد این ایات
ختم انحطاط
بدیع السموات
والارض انی یکون
له ولد ولم تکن
له صاحبة وخلق کل شیء
فلعون له ولد وهو اللطیف الخبیر
الخبیر از سورهٔ انعام
برای فنا دشمن دین و
ظالم فاجر فاسق و
هلاک دشمن تبت را
بیسمله عدد اسم
خصم بگیرد و از جمله
اعداد سبعه و
شصت و [illegible]
[illegible]

در خانه او بریزد الآیه فدمدم علیهم ربهم بذنبهم فسوّیها ولا یخاف
عقبیها **ایضاً** این ایه را بر خال افتاب ندید بخوانند بی اطلاع دشمن
بروی بپاش از شرش ایمن شوی از مقالست واذا رایتهم تعجبک
اجسامهم وان یقولوا تسمع لقولهم کانّهم خشب مسنّدة یحسبون کلّ
صیحة علیهم هم العدوّ فاحذرهم قاتلهم الله انّی یؤفکون **ایضاً** لوحی
بسازد از مس عدد ایه کریمه انّ الذین یبایعون الله انّما یبایعون
اجزاء اعظم را بنویسد در لوح مربّعی بطریق دوالکتابه که نموده می
شود این عمل از اعمال مجرّبه ملا میرزای کاتب است وچون لوح را
بر موم کافوری کیرد چنانچه نقش کیرد وبعد از ان برای هر کس که خواهد
مسلّط سازد این موم را در جامه او بپیچید و بر روی ان شخص بر
ابندد و با او هر وجهی که باشند مسلّط کردد واکر در برابر خصم
این موم را در بغل کذارد براو تسلّط یابد وانکان فی القتل یغلب
علیه **ایضاً** باید این موم را یعنی این لوح را بر موم زند وازان شبیه
صورت دشمن را بسازد وانچه بر مهر نوشته معکوس بر خواستن ان
مهر را بنویسد هر طریق که خواهد صورت را معذّب دارد بسیار
مجرّب است امّا باید با وضو باشد وصورت را بر پوست حمار
نویسد واین طلسمات را بر پوست اهو نویسد ودر شکم ان
دو صورت نقش کرده هند وان کاه بر هر عذابی که خواهد
معذّب سازد ومثلا دو صورت را در مقابل هم ایستاد

از هر طرف که حساب ب
کنند وفق دهد و
که ان از یک تا هشت
بنویسند در صفحه
اخر کتاب اشاره می
شود اما باید بر هشت
تمام درج نموده و
همین سوره را مع
معکوس بخوانند خفیه
کنند هر بار که بخوانند
بخانه را خراب کنند تا
تمام شود وخال ان را
ضبط نموده در خانه
دشمن ریزد وقدرت
الهیه مشاهده نماید
معکوس اینست باختلاف
یکدیکر و هم مع لیحه
نبخ یف بطحار و تلاع
هنار ما وهل نادا
رات بلصعس دبیل ام

ضرع و

بر وهل ام هنعفی بنعام
ر بر ر ببا ابر
طرینیقه و دبکا **ایضاً**
نبخ ها ر نبخ بحلاز و دبکرد منیم
[illegible]

هیمغا ام ت و یهلبا م
هل ام و هل ام هن
نازدا انا ماصیص لسکام
بلام جهاد یا و یهل
مجاهد مجی فیطحلا
بجم اقد معکوس سح هن
هدی ق بت اخض
سمحا ام بت د یهل یبا
بیلد ام و هلام هم
وبهلد نادا ان الصبی
فحلا تازح هند ادما

انّ الذین	ید الله فوق	ینکث علی نفسه	الله فسیؤتیه
یبایعونک انما	ایدیهم فمن	ومن اوفی بما	اجرا عظیما
یبایعون الله	نکث فانما	عاهد علیه	۱۶۱
۱۲ ۱۳ ۸	۶۳ ۱۸ ۱۵	۱۹ ۱۳ ۱۰	۴۷ ۱۴ ۱
۶۲ ۱۸	۱۴ ۱۲ ۵	۵ ۱۳ ۴	۲ ۹۳ ۰۱ ۱۱
۴۱ ۱۲ ۳	۲۱ ۱۳ ۱۲	۶۱ ۱۸ ۱۳	۱۱۵ ۱۴ ۶

ایستاده در میان نیزه سری بالای نیزه

أمّا بجهت شرّ اشرار

وضرّ فجّار در مهج الدعوات مسطور است دعاء الحجب امام زمان

صورت مثلث اینست

۹۵۸	۹۶۵	۹۶
۹۶۳	۹۶۱	۹۵۹
۹۶۲	۹۵۷	۹۶۴

با وجود داشتن برجهند دفع ضرر اشرار وضرر سلطان وشیطان وموذیان بغایت مجرّبست وآن اینست بعد از بسمله قال اخسئوا فیها ولا تکلّمون انّی اعوذ بالرحمن منك ان کنت تقیّا اخذت بسمع الله وبصره علی اسماعکم وابصارکم وبقوّة الله علی قوّتکم لا سلطان لکم علی فلان بن فلان وفلانة وعلی ذرّیته وعلی اهله وعلی اهلبیته سترت بینه وبینکم بستر النبوّة الذی استتروا به من سطوات الجبابرة والفراعنة جبرئیل عن ایمانکم ومیکائیل عن یسارکم ومحمد صلّی الله علیه واله امامکم والله مطلّ علیکم یمنعه نبیّ الله وذرّیته واهلبیته منکم ومن الشیطان ما شاء الله لاحول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم اللّهمّ انه لا یبلغ حلمه اناتك

ادی بنت ز نهار الف
ز نهار ابیغل دت یر
مکس با هل ان کربجا ملد
صد دینا و دین دا د بر
برای دل سخت گیر
که بعشق و عیش مکر گیرد
بنویس بنام هر دو و مادر
هر دو در آب اندازد بگیرد
و مثل کلمة خبیثة کشجرة

دفع دشمن

خبیثة اجتثت من فوق الارض ما لها من قرار کذلک فلان بن فلان

مهمهمه مهمهمه مهمهمه

فرمعوده بعود بر بدیم
بنام فلان بن فلانه

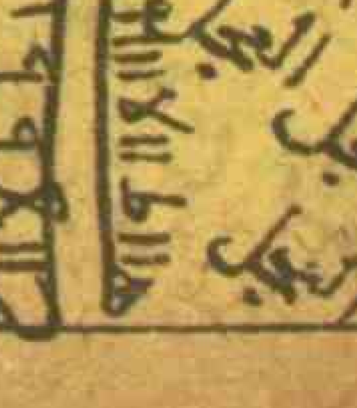

العجل العجل
التاعة التاعة
الوحا الوحا العا
دبابیک علی نعوع بجرلید
مرفعلا وفلاد سفنشع
بحرم بزن بنوبر ریشهر
بحیم بحیم قهدد
موب ویلیان

سیاه و دردره کذارد
ایشان دفن کند تا
عجایب ببیند زنهار که
بیجاول نکنند
گناه عظیم است اللهم
فرق بینهم کما فرقت
بین الجنة والنار
کما فرقت بین الحب
والاخ نس فرق بینهم
فرق بین فلان بن فلانه
وبنت فلانه وبین فلان
فلانه

ما یا عجیع ۸۸ ۱۱ م
سو صا ۳ و

صح ۲۹۹ ۱۱۱ م ۱۹ م ۱۱۱ ۸ م ع

در خانه انکس دفن
کند مفارقت افتد
میان ایشان وظن
انه الفراق والتفت
الساق بالساق الی
ربک یومئذ المساق
فرقت بین فلان
بن فلان بنویسد
و در کنار آب روان
و در زیر زمین دفن
کند زنهار بجلال
لا یجوز ابن سین

دلا تقبله ولا یبلغ مجهود تفسیر علیک توکلت وانت نعم المولی و نعم النصیر حرسک الله یا فلان بن فلانه ذریتک علی احد من خلقه و صلی الله علی محمد واله بعد از آن آیة الکرسی وابروجه تنزیل بنویسد بعضی بنحو دیگر از آن حضرت روایت شده که بدین نحو نازل شده و آن چنان است که فرمود له ما فی السموات وما فی الارض وما بینهما و ما تحت الثری عالم الغیب والشهادة الرحمن الرحیم من ذا الذی یشفع عنده الا باذنه انا العلی العظیم لا ملجا منا لله الا الیه حسبی الله ونعم الوکیل واسلم فی راس الشهباء فیها طالیسلسبیلا وصلی الله علی محمد واله الطیبین الطاهرین و در نسخه دیگران فقرات را بدین وضع نوشته اند واسلم فی راس الشهباء والبا لیها اطا اسلسبیلا وصلی الله علی محمد واهل بیته الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا ایضا حرز عمامه با خود داشتن از جهة ایمنی از مکارم وشر اشرار وحصول محبت در نظر خلایق از خواص وعوام اثر عظیم دارد و مجربست یا من وضع المذلة علی رقاب الملوک الجبابرة فهم من سطوته خائفون یا من تعزز بالعزة والعظمة فجمیع خلقه من خیفته وجلون ویا من یحشر العظام الدارسات وهی رمیم یوم یبعثون یا من اعز اولیائه بطاعته فهم من الفزع یومئذ آمنون ادخلوا علیهم الباب فاذا دخلتموه فانکم غالبون وعلی الله فتوکلوا ان کنتم مؤمنین یا رب الارباب

فصل دوم در دفع هول و خوف مرویست که —

۸۸ ۱۱۱ صح ء ء ء ا عح
۱۱ ۸ ۸ ۸ عح لح عح عح
۱۸ ط محه ۱۱۱ هـ صو عم

للسداد

شخصی بخدمت امام جعفر صادق ع امد و گفت من سفر بسیار می
کنم و در موضع هولناکی میترسم چیزی بمن تعلیم کن که نترسم حضرت
فرمود که چون در چنین جائی واقع شوی دست را بر سر بگذار
و باواز بلند بگو افغیر دین الله یبغون وله اسلم من فی السموات و
الارض طوعا و کرها و الیه ترجعون راوی گفت در بیابانی واقع
شدم که میگفتند در آنجا جن بسیار است شنیدم که یکی میگفت
که بگیریدش من آیه را خواندم شنیدم که یکی میگفت در جواب چگونه
بگیرم و حال آنکه پناه با یه طیبه برده و در حدیث دیگر وارد شده که
شخصی بحضرت امام موسی کاظم ع عرض کرد که من جانوران درنده شکار
میکنم و شب در خرابه ها و خانه های هولناک میترسم فرمود که چون
داخل خانه شوی یا خرابه شوی پای راست پیش بگذار و بسم الله بگو
و چون بیرون آئی پای چپ را پیش بگذار و بسم الله بگو که آسیبی بتو
نمیرسد و بتجربه رسیده که چون خوف بر کسی غالب شود بگوید
کهیعص حمعسق و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم خوف
او زایل شود و در مکارم آورده که بجهة دفع خوف این دعا را باید
خواند حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت و هو رب العرش العظیم
امتنع بحول الله و قوته و من حولهم و قوتهم و امتنع برب الفلق
من شر ما خلق و من شر غاسق اذا وقب ما شاء الله لا قوة الا
بالله و در خزانة الاسرار آورده که هر که آیه یا معشر الجن الی تنتصران

للعداوة

که از خانه [illegible] یا فاسق
[illegible] باشد خواهد
میان ایشان تفریق
شود [illegible] بر کاغذ
[illegible] یعنی کبود
بخورند نام زن و [illegible]
هر دو را [illegible]
اندر آب [illegible]
[illegible] میان
ایشان تفریق واقع
شود که دیگر بصلاح
نیاید عسی ربه ان
طلقکن ان یبدله از
واجا خیرا منکن مسلمات
مؤمنات قانتات تائبات
عابدات سائحات ثیبات
وابکارا ایضا [illegible]
حرف ظلمه را بر باد
[illegible]

دفع ظلمه

در خانه دشمن دفن
کنند آن خانه
ویران شود و اگر
در خانه [illegible] دفن
[illegible]
[illegible]
ایضا
[illegible]
[illegible]
در آب اندازد بر
فرمان خدا تعالی
[illegible] بنامشان
اتفاق افتد [illegible]
[illegible]
[illegible]

فلان بن فلان علی مقاصد
فلان بن فلان فلانه
بستن شهوت فاسق بدکار
ربنا ابرهم ... از سوره ...
بنازد وصفون ...
بنازد و بگوبید یا ...
فلان بن فلانه ...
نمعونان من ...
مجی هذه الاحد من الفتاح

در سورهٔ الرحمن بروزن آهو بنویسد و بر بازوی راست ببندد از هولها و خوفها ایمن گردد و از جمیع آفات محفوظ در کتاب مفتاح است که در عدة الداعی از ائمه روایت شده که چون از چیزی در خوف باشی چون صد آیه از قرآن بخوانی از هر جا که خواهی بعد سه بار بگو اللهم ادفع عنی البلاء الله تعالی ترا ایمن گرداند از هر چیزی ایضاً در کنوز النجاح ذکر کرده که گفتنش باعث ایمنی از ترسها است و معروف بدعاء کفایة للبلاء است و آن این است اللهم بک اثاور وبک احاور وبک احاول وبک اصول وبک انتصر وبک اموت وبک احیی واسلمت نفسی وفوضت امری الیک ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم اللهم انک خلقتنی ورزقتنی وسررتنی وسترتنی وبین العباد بلطفک خولتنی اذا هویت رددتنی واذا عثرت اقلتنی واذا مرضت شفیتنی واذا دعوتک اجبتنی یا سیدی ارض عنی فقد ارضیتنی وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین **فصل سیم در دفع افتادن در ورطه** چون کسی در ورطه افتد و بگوید ربنا افتح بیننا وبین قومنا بالحق وانت خیر الفاتحین ایضاً آیات کفایت را هفتاد نوبت بخواند تا از آن ورطه خلاص شود و در حدیث وارد شده که حضرت رسول صلعم بحضرت امیر المؤمنین این دعا را تعلیم فرمود یا علی چون در ورطه افتی بگوی دعا که الله تعالی ببرکت این دعا بلاها را دفع کند بسم الله الرحمن الرحیم لا حول ولا قوة الا

انصعوریت را در خزم
بجهد که از کفن میت
نمانند تا شد در مقبره
فلیم دفن نماید در بکی
تا در بر صحبت زنان
نکند و ... ابد بیت
حرمت علیکم امهاتکم
الا ما قد سلف ان الله کان غفورا رحیما
از خواص
گفته‌اند ... است اوکرده

دفع ظلم

برای ... سلطان ...
ظالم بخواند ... جسد
... بند و اگر در
برابر خواندن ... یکی
... شود و در انشاء
نزد او بخواند ...
که چون ... اخذ عام نخود و
... و برای و ... و

دعا ... بر
... بموت بنده
حمل کند بنوبید
خواهد ... مجرب
گفته‌اند که ...
برای ... در
... حیض ... ید
... مضرت ... گردد
... بخ ... نید ... و بر بازو
... را ... کرد

الا

ونزل بین قد مینک
حرکز بین علیک لند
مواجهه دوست نخواندن
درحق او اراده وملاقات
ایضاً هفت بار
تبریه ایشان بر سنگ
کاشته بدل هر چه
ادم [illegible] بره اشته
علی الراوی اینست
خواهد داشت فالعهدة
وامثال کردن او ر

الا بالله العلی العظیم ایاک نعبد وایاک نستعین اگر کسی در کار خود سرگردان باشد و سر رشته کار خود را نداند در میان شب برخیزد و وضو بسازد و دو رکعت نماز بگذارد و هفت بار این ایات را بخواند تا بخواب رود در خواب ببیند کسی او را ارشاد نماید از ان حیرت خلاص شود و لئن سئلتهم من خلق السموات والارض لیقولن خلقهن العزیز العلیم الذی جعل لکم الارض مهدا وجعل لکم فیها سبلا لعلکم تهتدون والذی نزل من السماء ماء بقدر فانشرنا به بلدة میتا کذلک تخرجون والذی خلق الازواج کلها وجعل لکم من الفلک والانعام ما ترکبون لتستوا علی ظهوره ثم تذکروا نعمة ربکم اذا استویتم علیه وتقولوا سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون **وایضاً** اورده که اگر یکی متهم به تهمتی شده باشد یا بیگی شهرت یافته باشد وخواهد از ان خلاص شود روز شنبه ناخن هر بیست انگشتان دست وپای خود را بگیرد با قدری از موی سر وجامه خود بسوزاند وانخاکستر را با قدری خاک که مورچگان از سوراخ خود بیرون اورده اند بلعاب دهن اسبقول سرشته وصورتی از ان مثل ان شخص بسازد نام او ومادر او بران رسم کند واین ایه را بر پشت انصورت نقش کند وانصورت را در جائی که عبور ومرور مردم بکثرت در انجا باشد دفن کند ودر وقت دفن کردن بگوید اقطعت السنة بنی ادم وبنات حوا عن فلان بن فلان بزودی ان شخص از تهمت خلاص شود وایه این است یا ایها الذین

و بالله استعین علیک
اللهم اکفنه و [illegible]
لا قوة الا
شتت فانه
بک **ایضاً** از النبی
مرویست که حجاج بن یو
سف در قصد کشتن
من بود و مرا طلبید
عاقبت اخر الامر با عز
شد پیش من امد و

دفع ظلم

مرا تعظیم کرد و بر
خواست مردم تعجب
کردند یکی گفت یا ا
میر چه بود در انوقت لبهای
تو چه میجنبید گفتم
رسول الله صلی الله علیه دعای
داده بود و منع
ثم داده بود و من تعین
دوا استعواند مر
اورا تسلیم کرد گفت

مبدا انسیم کرد گفت
ظالم هیچ ظالمی عن بنرد
خواهد رسید و
شر ایشان از من
کرد او را به اینست
نقیب ر که دنیا
[illegible]

امنوا

امنوا اجتنبوا کثیرا من الظن ان بعض الظن اثم ولا تجسسوا ولا یغتب
بعضکم بعضا ایحب احدکم ان یاکل لحم اخیه میتا فکرهتموه واتقوا الله
ان الله تواب رحیم **در بحر المنافع** اورده که اگر کسی در مهمی در
مانده باشد یا در ورطه افتاده باشد وراه نجات خود را نداند
یا در بند و زندان گرفتار باشد این ایه را در ورد خود سازد
و مهم او بر اید بسم الله الرحمن الرحیم وافوض امری الی الله ان الله
بصیر بالعباد الهی بحرمت انمرد یکه در میان غار است ودو یار
او در دهان مار است ورزق او از غیب میرسد وبذکر خدا
مشغول است وچنگ زنم ودامن مصطفی ص کریم تا حاجت من
بر اید وهم چنین اورده که هر که در میان فریضه وسنت باربر
خواند یا من یسوق المقادیر الی المقادیر مهم وحاجت او بر اید
از ورطه که در ان افتاده باشد خلاصی یابد واگر در زنجیر حبس و
باشد هفت بار بر ان اهن بخواند وانرا بجنباند زنجیر بقدرت
الله تعالی ریخته گردد **و ایضا** اورده است که اگر کسی اندانه بیخ
یا قطعه نانی را که در وقت چیز خوردن هرگاه ناگاه بخندد واز
طرف بینی او برون جهد بگیرد وبا کمر خود بساید وبر هیچ بند
وزنجیر مالد در ساعت بشکند در کتاب مقال چنین است-
هرگاه محبوسی مداومت بر این دعا کرده و بنو تر شبی هفتاد بار
این دعا خوانده واز بند نجات یابد وبه اهل واولاد خود ملحق

وبه مطالب رسیده اند
دعا اینست بسم الله
الرحمن الرحیم علی نفسی
ودینی بسم الله علی ما
اعطانی ربی بسم الله
علی اهلی ومالی الله
اکبر ربی ولا اشرک به
شیئا اجیر من شر کل شیطا
ن رجیم ومن شر کل
جبار عنید ان ولیی
الله الذی نزل الکتاب
وهو الصالحین فان
تولوا فقل حسبی الله
لا اله الا هو علیه تو
کلت وهو رب العرش
العظیم در کار مذکو
دانست از امام زین العا
بدین غرض معوذ بالذنبا
دیگر که انبیکان را کفتد
از انبیا جمیع شوند
باینم

دفع ظلم

بر من جن وانس
وان این است بسم
الله وبالله ومن الله
والی الله وفی سبیل
الله وعلی ملة رسول
الله اللهم الیک
وجهت وجهی والیک
فوضت امری والیک
الجأت ظهری اللهم
احفظنی بحفظ الایمان
ومن بین یدی و
خلفی وعن یمینی
وعن شمالی ومن
فوقی ومن تحتی
ومن قبلی وادفع
عنی بحولک وقوتک
فانه لا حول ولا
قوة الا بالله
و در مصباح
کفعمی چنین است که چون

شود

شود وان ابنت استلطف الله لما يشاء للتيسر ما اخاف تعسيره فان تيسر العسير على الله يسير وان الله على كل شئ قدير اللهم صل على محمد وال محمد والطف لي في امري فانك لطيف لما تشاء ايضا از همان کتاب در مصباح چنین است سوره طور وانفطار را بسیار بخواند زندانی خلاص یابد انشاء الله تعالی ازانجمله نماز نیست که در متهجد شیخ طوسی ره از امام موسی کاظم ع روایت کرده که در وقتی که آنحضرت در حبس بود پیغمبر را در خواب دید که باو تعلیم نمود که فردا را روزه بگیرد و در روز بعد ازان که پنجشنبه وجمعه بوده باشد روزه بگیرد در میان شام وخفتن دوازده رکعت نماز کند و در هر رکعت فاتحه یکبار وقل هو الله دوازده بار وچون از چهار رکعت اول از جمله دوازده رکعت فارغ شود وسجده کند و در سجده بگوید اللهم یا سابق الفوت ویا سامع الصوت ویا محیی العظام بعد الموت وهی رمیم اسالك باسمك العظيم الاعظم ان تصلي على محمد عبدك ورسولك وعلى اهل بيته الطاهرين الطيبين وتعجل لي الفرج مما انا فيه وامام موسى کاظم ع بجا آورد اینعمل را نجات یافته در حاشیه همین صفحه طریق دیگر وارد شد **فصل چهارم در دفع زبان بند** بعقد اللسان ودر در مکنونه آورده که هرکه اینده عا را با خود دارد زبان بد گویان ومردکان ومردمان براو بسته گردد انشاء الله عقدت لسان كل متكلم من البشر من انثى وذكر من بني ادم وبنات حواء عن حامل هذه

۱۴۴ چون سوره توحید
نموده بیغ طورا بنویسد و بر
ویجوزی دافع
بر سلطانے وازخوف
ایمن بباشد در وقتیکه
داخل شد بر او هفت
بار بخواند وربک یخلق
ما یشاء ویختار ماکان
لهم الخیره سبحان الله
وتعالی عما یشرکون
وربک یعلم ما تکن
صدورهم وما یعلنون
وهو الله لا اله الا هو
له الحمد فی الاولی و
الاخرة وله الحکم والیه
ترجعون بعد بسیار
بگوید الله غالب علی کل شیء
اجمع

فصل ۷ در دفع
مقابل در دفع
ظلم
دفع

از شیخ کلینی آورده
از حضرت امام جعفر
صادق علیه السلام از
روایت شده که چون از
کاری ترسی بگو اللهم
انک لا یکفی منک
احد وانت تکفی من
کل احد من خلقک
فاکفنی کذا وکذا ایضا
همان حضرت منقول
گردد محل خوف از
ببیند باید بگوید
یا کافیا من کل
شیء ولا یکفی
منک شیء فی السموات
والارض اکفنی
ما اهمنی من امر
الدنیا والاخرة
وصلی الله علی
محمد وآله

الاساء

الاسماء فهم لا یتکلمون بحق سوسم سوسم جوسم جوسم دوسم دوسم ـ
براسم تکهوب جبیل بیحل برکاء عقدت عن کل لسان بحق قول الله هذا
یوم لا ینطقون و لا یؤذن لهم فیعتذرون و بحق قوله لا یتکلمون الا من
اذن له الرحمن و قال صوابا و بقوله صم بکم عمی فهم لا ینطقون بسم الله ـ
اسکتنا بسم الله اخرسنا بسم الله اعمینا بسم الله عقدنا الالسنة السوء الم
طس طسم فهم لا یتکلمون طس طسم فهم لا یتکلمون طس طسم لا ینطقون
طس طسم فهم لا یبصرون طس طسم انهم الا کالانعام بل هم اضل سبیلا
شاهت الوجوه شاهت الوجوه و جعلنا من بین ایدیهم
سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون کهیعص حمعسق بل
هو قران مجید فی لوح محفوظ ایضاً بجهت عقد اللسان اعداء نوشته با ـ
خود دارد بسم الله الرحمن الرحیم طه طه طه حم حم
حم حم حمعسق حمعسق حمعسق طسم طسم طسم
ن والقلم وما یسطرون ن والقلم وما یسطرون ن والقلم وما یسطرون
ن والقلم وما یسطرون کهیعص کهیعص کهیعص کهیعص الیوم
نختم علی افواههم و تکلمنا ایدیهم و تشهد ارجلهم بما کانوا
یکسبون صم بکم عمی فهم لا یرجعون الله الذین کفروا بغیظهم لم
ینالوا خیرا و کفی الله المؤمنین القتال و کان الله قویا عزیزا د مهج
الدعوات از حضرت امام زین العابدین ع روایت کرده در هر
صبح و شام بخواند این حرز را زبان اعدا بسته گردد و آن این است

ایضاً از مهمات کتاب
مهج الدعوات از ائمه
علیهم السّلام مروی و وارد
شده که در وقت خوف
باید بخواند یا کافیاً
قبل کل شیئ یا مکوّن
کل شیئ و یا باقیاً بعد کل
شیئ صلّ علی
محمد و اهل بیته و
افعل بی کذا و کذا
و در مفاتیح الغیب
چنین آورده که نوشتن
بسم الله در بیرون خانه
باعث ایمنی از هلاکت
است و فرعون را
الله تعالی زود هلاک
نکرد برای آنکه بسم الله
بر در خانه اش بود حکایت
منقول از کافی از امام
محمد نقی علیه السّلام

دفع ظلم

روایت شده که
از حضرت امام محمد تقی ع
تعلیم نمود که بان
مداومت نماید و بان
سبب از زندان نجات
یافت
یا من یکفی
من کل شیئ و لا یکفی
منه شیئ اکفنی
ما اهمنی و نام خود را
برد یا [illegible]
من فلان ابن فلان
از مهمات کتاب است
از مستغیثین است
که مخصوص [illegible] زندان
میبرد و نزد
بر دو تعویذ را که نوشته
[illegible] یا ولی [illegible]
صاحب جمع [illegible] دعوات
و باعدد

بسمله سددت افواه الجن والانس والشیاطین والسحره والابالسه
من الجن والانس والشیاطین ومن یلوذ بهم بالله العزیز الاعز و
بالله الکبیر الاکبر بسم الله الظاهر الباطن المکنون المخزون الذی اقام
به السموات والارض ثم استوی علے العرش بسم الله الرحمن الرحیم
ووقع القول علیهم بما ظلموا فهم لا ینطقون ما لکم لا تنطقون ـ
اخسئوا فیها ولا تکلمون وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من
حمل ظلما وخشعت الاصوات للرحمن فلا تسمع الا همسا وجعلنا علے
قلوبهم اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا واذا ذکرت ربک فی القرآن
وحده ولوا علے ادبارهم اکنة ان یفقهوه واذا ذکرت ربک فی القرآن
وحده ولوا علے ادبارهم نفورا واذا قرات القرآن جعلنا بینک و
بین الذین لا یؤمنون بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا من بین ایدیهم
سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون الیوم نختم
علی افواههم وتکلمنا ایدیهم وتشهد ارجلهم بما کانوا یکسبون
فهم لا ینطقون لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم
ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم وصلے الله علے محمد وآله الطا
هرین یا ارحم الراحمین **نوع دیگر** این حرز را نوشته با خود
دارد زبان بدگویان بسته گردد عقدت لسان بنی آدم وبنات
حوا سددت افواههم من صغیر وکبیر وذکر وانثی او حرا وعبدا
علے هذا [illegible] المتین فلا نز بامر الله الواحد القهار بالواحد

[illegible] عند کبرایه
وان شخص ان دعا را
خلاص کرد و مکرر
بخواند و برکت ان دعا
بزودی از بند نجات
یافت بار دیگر
[illegible] آمده ان
نوشته را بند بر
و ایضاً در اخبار
است که شخصی را خلیفه
[illegible]
زندان کرده بودند
[illegible] علی علیه السلام
را در خواب دید که این
کلمات را باو تعلیم کرد
لا اله الا الله الملک
الحق المبین چون بیدار
شد بخواند در همان
روز از بند خلاص
شد و ایضاً [illegible]
شرائط [illegible] از همان
کتاب در مصباح
کفعمی است که محبوس
چون این کلمات را
هر روز هفت بار
بخواند الله تعالی او
را نجات دهد یا
من کفانی من خلقه
جمیعا ولم یکفنی من
خلقه احد سوال [illegible]
احد من لا احد له
انقطع الرجاء الا
منک یا غیاث
یا غیاث المستغیثین و
[illegible]
اللهم [illegible] آتنا الک
الغفور والرحیم
والغافر فی الدنیا
والاخره ایضا
از همان کتاب
دیگر

در مهج الدعوات
چنین است که شخصی
در شام مدت طویلی
در زندان بود و برای
نان کجا ملتمس خصت
فاطمه سلام الله علیها
را در خواب دید این
دعا را یاد داد و چون
بیدار شد این دعا را
خواند اثر تعالی او را
لسبب این دعا از
نجات داد دعا این است
اللهم بحق العرش ومن علاه وبحق الوحی ومن اوحاه وبحق النبی ومن نباه وبحق البیت ومن بناه یا سامع کل صوت یا جامع کل فوت یا بارئ النفوس

ابراد دفع

بعد الموت صل علی محمد وآله وآتنا وجمیع المؤمنین والمؤمنات فی مشارق الارض ومغاربها فرجا من عندک عاجلا بشهادة ان لا اله الا الله وان محمدا عبدک ورسولک صلی الله علیه وآله وذریته الطیبین الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا

ایضا از مهج الدعوات
ابن طاوس ره
منقول است که در
کتاب نفع عمار
در روز دراز
بنشیند و بجای انقع
امیدها بگوید یا شافع
النفع یا دافع النفع
یا دو

الاحد الصمد الذی لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفوا احد صم بکم عمی
فهم لا یبصرون عقدت لسانهم وسددت افواههم بحق کهیعص
وحمعسق وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة
وبالله الذی لا اله الا هو الحی القیوم الا الی الله تصیر الامور عقدت
عقدا شدیدا لا یفتح الا یوم التناد کانهم حمر مستنفرة فرت من قسورة
الساعة الساعة السریع السریع الوحا الوحا

ایضا برجهت عقد اللسان

و در زیر سنگ نهد بر نیت
هر کس که خواهد زبانش بسته گردد
انشاء الله مربع این است
ط د ذ د س ش لنخ بدله

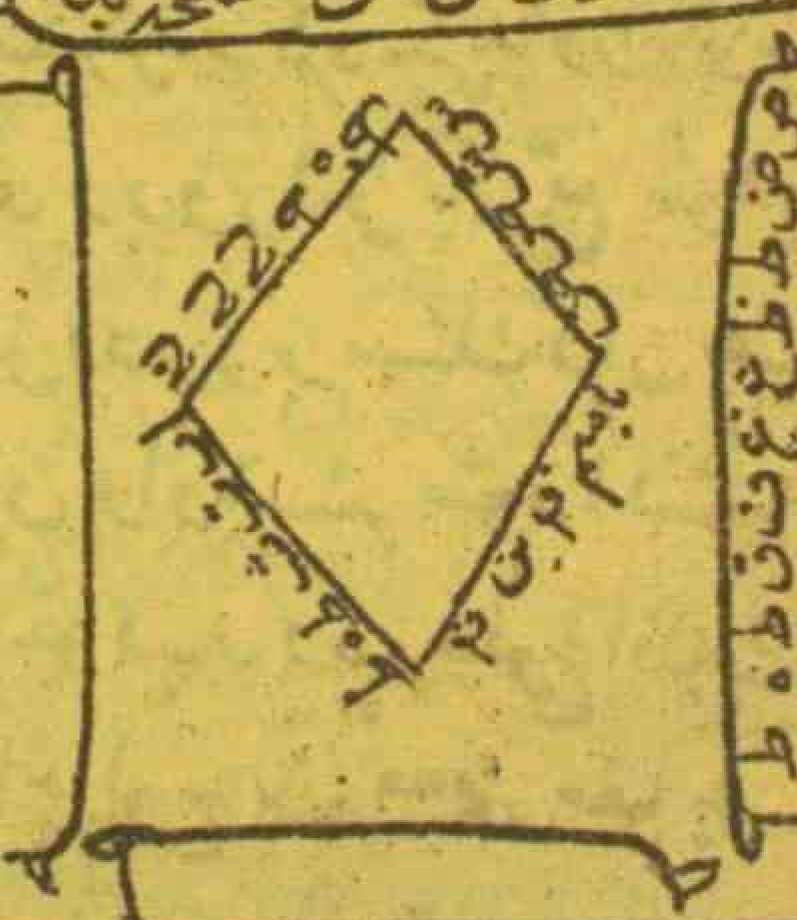

ایضا جهت جمیع حاجات و مهمات و عقد اللسان

این مربع را بنویسد با خود
دارد البته حاجات او بر آورده
گردد مهر بسیار عظیمی است

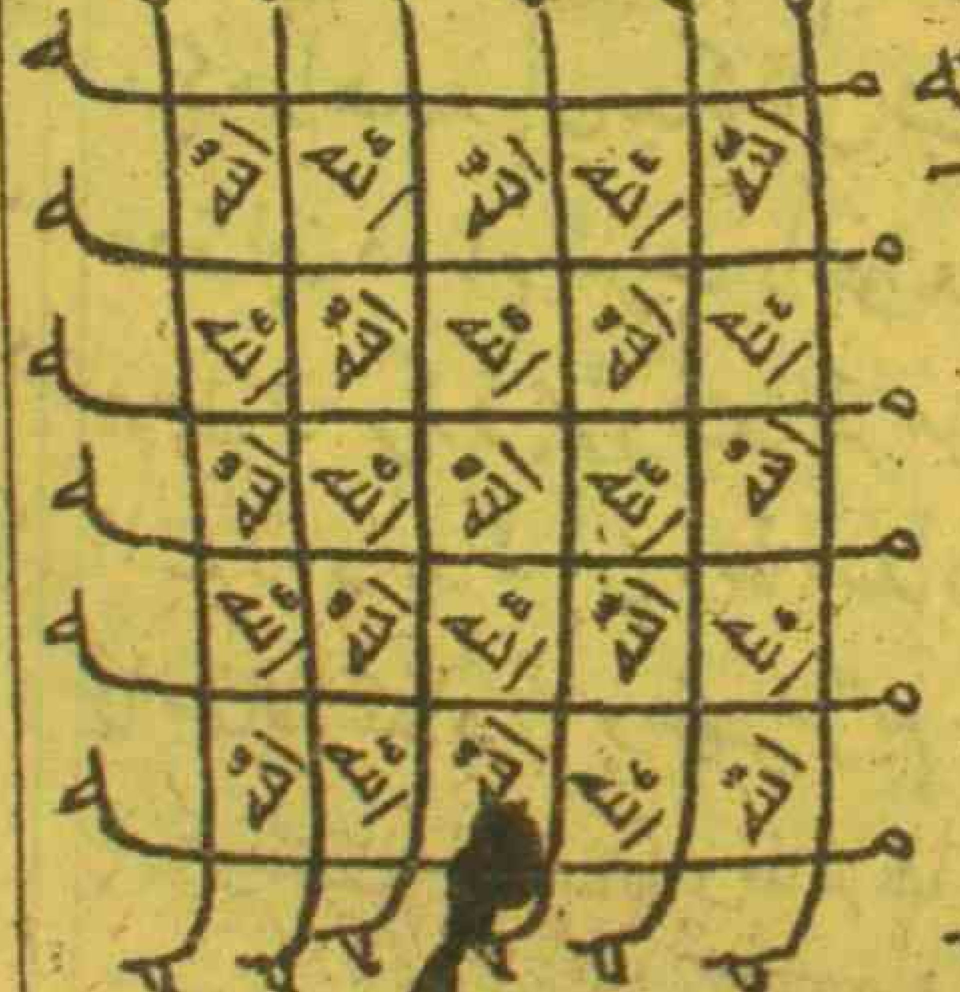

در بحر النافع

النعم یا مجلی الظلم یا مفرج الهم و یا کاشف الغم یا ذا العز والاکرام یا ذا الجود والکرم یا سامع کل صوت یا مدرک کل فوت یا محیی العظام وهی رمیم ومنشئها بعد الموت صل علی محمد وال محمد واجعل لی من امری فرجاً و مخرجاً یا ذا الجلال والاکرام

چون کسی سورهٔ انا انزلناه را بخواند از زندان خلاصی یابد ایضاً ایه ولما دخلوا علی یوسف آوی الیه الی قوله العلیم الحکیم را در سورهٔ یوسف بنویسد بر بازوی راست بندد بلا و زندان [illegible]

زبان بند

مداومت نماید اگر کسی مخفی باشد از زندان خلاص شود

در بحر المنافع آورده که هر که از اعداء وَچشم بدان و غمازان یا از حسودان اندیشه دارد و یا بیم از خواجه ترسد یا زن از ناسازکاری شوهر یا از دزد ترسد بیم ناك بود. این دعا را نوشته با خود دارد زبان آدمیان بروی بسته گردد و جمله بروی مهربان شده و در چشم همگی عزیز نماید یا ودود یا ودود یا ودود یا فعالاً لما یرید یا ذا العرش المجید اسئلك بنور وجهك الکریم واسمك العظیم ۱۱۱ ۷ ۱۱ ۱۱۱ ۷ ۱۱۱ اللهم علیا هله اهیا شراهیا اذونی اصباوت آل شدای و بحق توریة موسی وانجیل عیسی و زبور داود وفرقان محمد ص وصحف الانبیاء والملئکة کلهم اجمعون ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم هذا یوم لا ینطقون ولا یؤذن لهم فیعتذرون **در شرح الجوشن** در خواص فصل بیست و ششم بجهة زبان بستن اعداء مذکور است که هر که خواهد زبان بدگویان بسته گردد که دیگر بد او را نگویند نه روز این ده نام شریف را بخواند و روز آخر یک مربع بنویسد بر نیل و سرکه و بخور کند بحرمل و در زیر سنگ گران نهد البته زبان بدگویان و حاسدان بر او بسته شود انشاء الله و اسماء اعداد را بر ظهر مربع بنویسد و در طلوع آفتاب روز چهارشنبه بنویسد و خانه های لوح در صفحه مقابل - نوشته میشود و اسماء الله اینست - یا رب البیت الحرام -

جهة زبان بند در خواص [illegible] نقل شده دلیل اسم اعظم [illegible] لا اله الا هو الحی القیوم

الله در نام الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة [illegible] اصدق من الله [illegible] لا اله الا هو [illegible] الرحمن الرحیم [illegible] لا اله الا هو [illegible] العظیم [illegible]

وعلی الله فلیتوکل
المؤمنون شیخ مفرح
فی معوده هرکه ازین مج
ورنه را مداومت نماید یا
یکی کهر سیم برآورده
شود ونزد سال ولمن
الارام نیز همین فایده
دارد وخواص ازین
اربه برای زبان بند
بحروف مقطعه بنویسد
باقلم یارب بشرط آنکه
هادی حروف باز
خمیر وانرا در موم
باشد ونیز آنکه نوقر
کرفته نیز را هکا
بیرون اورد را بخواند
سخن کوید از ابدا
بجاورد کلمه ربک صدقا
وتمت کلمت ربک صدقا
وعدلا لا مبدل لکلماته
وهو السمیع العلیم

عقد اللسان

جهت زبان بند
هرگاه خواسته باشند
زبان کسیرا ببندند
صورت آنکس را در
کاغذ بکشند ونام
مادر اورا بنویسند
واین آیه را در میان
صورت کذاشته وان
را در دهان مرده
کذارد موم کرکوه
بند بکیرد در
هان اورا بدوزد
وبد هند دیگران
تحفی تحفی تبرا
ان تبدوا خیرا او
تخفوه او
تعفوا عن سوء
فان الله کان
عفوا قدیرا الضا
این آیات را

۳۴۷۷	۲۶۹۱	۳۴۱۵	۲۶۸۸
۲۶۸۹	۳۴۸۳	۲۶۷۸	۳۴۹۱
۳۴۸۳	۲۶۸۶	۳۴۹۳	۲۶۷۹
۲۶۹۲	۳۴۸۰	۲۶۸۲	۳۴۸۲

یارب الشهر الحرام
یارب البلد الحرام
یارب الرکن والمقام
یارب المشعر الحرام
یارب الحل والحرام

یارب النور والظلام یارب التحیة والسلام یارب القدرة فی الانام سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الغوث الخ ایضا اورده بجهت عقد اللسان وقتیکه دم از جانب راست رود هفت پاره موم را برنتب هرکه خواهد دردهن کبر هم را بجاید تا یکی شود با خود دارد زبانش بسته گردد ودر نزد او رود فائده اگر خواهی کسیرا منقاد خود کردانی این آیات را روز جمعه وقت بانک نماز بر پوست آهو بنویسد ونام آنکس را بر زبان راند بگوید یا مسخر الشیاطین لسلیمان سخر فلان بن فلانه لی آیات اینست ولقد فتنا سلیمان والقینا در سوره ص تا وامسک بغیر حساب وبعد ازاین بنویسد یا رازق اغنی بالرزق انک انت الوهاب وباخود نگاه دارد آنکس مطیع ومنقاد گردد وچند ان نعمت دنیا از اطراف وجوانب روی بوی آورد که حد نه داشته باشد الی ما شاء الله بحبب المجرب سوره فاتحه را باینطریق بنویسد با موی سر مطلوب در موم عروسی گرفته

بجلد بز بنویسد بر
پوست آهو نوشته بر
قاسم آن شخص دهد از آن
باخود دارد زبان خصم
گردد قال رجلان من
الذین یخافون انعم
الله علیهما ادخلوا علیهم الباب
فاذا دخلتموه فانکم غا
لبون وعلی الله فتوکلوا
ان کنتم مؤمنین ایضاً
سوره مبارکه قل هو
الله متصل باین طریق
بپوست سبز بنویسد
و با خود دارد هرکه
او را ببیند بترسد
قل هو الله احد الله
الصمد لم یلد ولم یولد
ولم یکن له کفوا احد
چشم مکرم و معظم
بودن نزد خدا و خلق
نزد جمیع کس
این مربع را با خود دارد
بسیار مجرب است مربع این
است مربع عظیم است

ع	ظ	ی	م
ظ	ی	م	ع
ی	م	ع	ظ
م	ع	ظ	ی

ایضاً
اورد دهان بیاورد
چوب انجیر بنویسد
۱۴۴ ۹ ۹
۱۲۲
ازان چوب ۱ و بعد ۱
بسوزاند و آب
و حب
۱۲ ۴۴۴
بمال ۱ و
جهت حفظ
با خود دارد
گردد ۱
ایمن
اثر

در زیر بغل یا در روی سینه خود گذارد عجایب ببیند مجرب است

بسم الم	الله الم	الرحمن المص	الرحیم الر	الحمد الر	لله الر	رب المر
العالمین الر	الرحمن الر	الرحیم کهیعص	مالک طه	یوم طسم	الدین طس	ایاک طسم
نعبد الم	وایاک الم	نستعین الم	اهدنا الم	الصراط یس	المستقیم ص	صراط حم
الذین حم	انعمت حمعسق	علیهم حم	غیر حم	المغضوب حم	علیهم حم	ولا الضالین ق ن

تحبیب دیگر این مربع را بنویسند در برابر آتش دارد و بعد بر بازوی راست بندد و زن بر بازوی چپ بندد در محبت مجرب است و مکرر بتجربه رسیده صورت نقش خاتم امیرالمؤمنین

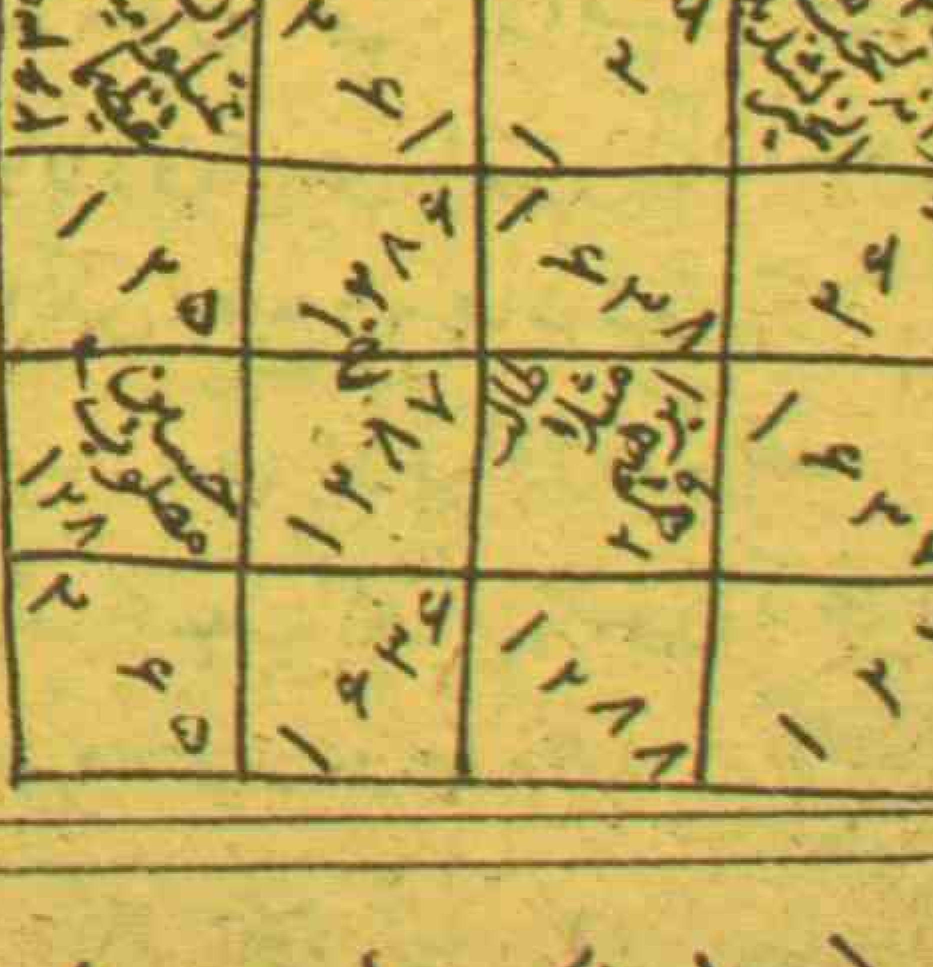

۱۰	۷۰	۷	۹۰
۷	۷	۹۰	۰۱
۷	۴۹	۱۰	۷
۴۹	۰۱	۷	۷

جمعه عزت نزد سلاطین باخود داشته باشد

[illegible]

جهت وسعت رزق و امداد کرده از عالم غیب باخود دارد مجرب است

بن	بق	به	//
//	بق	ور	به
به	=	بق	ور
ور	هز	//	بق

ایضاً هر کس اعداد بابی را در مربع پنج در پنج در ساعت زهره بنگارد و در زمان [illegible] عقرب [illegible] باشد باخود دارد در شهوت قوت تمام دارد و معشوق مسخر او شود اعداد این است

فصل پنجاه پنجم

از سر الجوشن از خواص فصل پنجاه پنجم مذکور است بجهت محبت میان دو حلال بنویس این لوح را صبح یوم جمعه مع اسماء الله بر کاغذ سفید با مشک و زعفران یازده مرتبه این اسماء را بر او خواند و ان کاغذ را بشستد در میان طعام کند و بخورد ان مطلوب دهد محبت او زیاده شود و اسماء الله این است

لوح اینست

١٨٢٠	١٨٣٣	١٨٣	١٨٢٧
١٨٢١	١٨٢٤	١٨١٢	١٨٣٢
١٨٣٥	١٨٢٨	١٨٣٥	١٨٢٢
١٨٣٤	١٨٢٣	١٨٢٤	١٨٣٦

یا حبیب من لا حبیب له
یا طبیب من لا طبیب له
یا مجیب من لا مجیب له
یا شفیق من لا شفیق له
یا رفیق من لا رفیق له

یا مغیث من لا مغیث له یا دلیل من لا دلیل له یا انیس من لا انیس له یا راحم من لا راحم له یا صاحب من لا صاحب له سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الخ

ایضاً جهت محبت

میان خلایق بنویس این لوح را مع ده نام بر صفحه نقره یوم جمعه بین الصلوتین و هر یوم چهار مرتبه یا بسبب و دو مرتبه ده نام را بخواند و ان لوح را بر بازوی راست بند الی بسبب و دو یوم در نظر جمیع خلایق عزیز و مکرم خواهد شد اما بر ترتیب خانها بنویسد اول دو الخ اسماء الله از ف ٩٦ یا من هو من دعاه مجیب یا من هو لمن اطاعه حبیب یا من هو الی من

اعداد این است ٤ ٤ ٤ ٥

جهت صلح میان زن و شوهر یا [illegible] این دعا را بنویسد در میان ایشان [illegible] هر که [illegible] میان ایشان نشود [illegible] واقع روز بروز [illegible] مجرب

احیر

۲۲۲۴	۲۲۳۷	۲۲۳۰	۲۲۳۳
۲۲۳۳	۲۲۲۹	۲۲۳۳	۲۲۲۵
۲۲۲۸	۲۲۳۰	۲۲۳۹	۲۲۳۵
۲۲۳۱	۲۲۲۶	۲۲۲۷	۲۲۳۴

اخبر قریب یا من هو بمن
استحفظه رقیب یا من
هو بمن رجاه کریم یا من
هو بمن عصاه حلیم یا من
هو فی عظمته رحیم یا من
هو فی حکمته عظیم یا من هو فی احسانه قدیم یا من هو بمن اراده
علیم سبحانک یا لا اله الا انت الغوث الخ **و در همان**
کتاب است هرگاه دختری را از کسی بخواهد و باو
ندهد یوم پنجشنبه این لوح را بر صفحه مس نوشته با خود
نگاه دارد و هر یوم سه مرتبه الی سه یوم این نام را بخواند
مقصود حاصل گردد بخورش کندر است ازف ع۹ یا من جعل
الارض مهادا یا من جعل الجبال اوتادا یا من جعل الشمس سراجا
یا من جعل القمر نورا یا من جعل اللیل لباسا یا من جعل النهار معاشا
یا من جعل السماء بناء یا من جعل الاشیاء ازواجا یا من جعل
النار مرصادا سبحانک یا لا اله الا انت الخ

للمحب

۱۸۶	۱۸۷۳	۱۸۷	۱۸۶۷
۱۸۷۱	۱۸۶۶	۱۸۷۵	۱۸۶۲
۱۸۶۵	۱۸۶۸	۱۸۷۵	۱۸۶۲
۱۸۷۴	۱۸۶۲	۱۸۶۴	۱۸۶۹

یافت مثلث از خط
شیخ زین الدین هرگاه
کسی بخواهد تسخیر کند
شخصی را وضو بکرد و

محبت ایشان بیفزاید
دعا و این است بسم الله
ابرهیم خلیل الله موسی
کلیم الله و عیسی روح
الله و محمد حبیب الله
و رسول الله لو انزلنا
هذا القرآن علی جبل
لرایته خاشعا متصدعا
من خشیة الله و تلک الا
مثال نضربها للناس
لعلهم یتفکرون الم
لک صدرک ووضعنا
عنک وزرک الذی
انقض ظهرک ورفعنا
لک ذکرک ان مع العسر
یسرا فان مع العسر یسرا
فاذا فرغت فانصب والی
ربک فارغب والقیت
محبة فلان بن فلان و نالی
فلانه بنت فلانه ما

للمحب

کما دائما علی محبة
فلانه کما الفت بین آدم و
حوا و بین یوسف و
زلیخا و بین موسی و
صفورا و بین محمد صلعم
و خدیجه الکبری و بین
علی و فاطمه الزهراء
صلوات الله علیهم
اجمعین و اصلح بینهما
اصلاحا ابدا مجددا
معاجلات

نوع دیگر هرگاه
میان دو نفر عداوت باشد
این الایات را از سوره انعام بر کاغذ به
نویسد یک کس از دو نفر با خود دارد
و مقصود حاصل گردد
و تلک حجتنا
آتیناها ابرهیم

ع

علی قوم ترنوع در جای
الی صراط مستقیم ذلک
هدی الله یهدی به من
یشاء من عباده ۱
کذلک نطبع فلان بن فلان
نب فلان بن فلانه بحب فلانه
رب نعوذ ابنتک انضا
نعو ابجد هوز هد بالصلاح
ص ص ص ص م م م
م م م م م م
و و و و و

رکعت نماز بگذارد در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه عسی الله ان یجعل بینکم و بین الذین عادیتم منهم مودة والله قدیر والله غفور رحیم ایضاً برای محبت وضوء ساختن و بعد سی مرتبه در یک مجلس بگوید یا حبیب المدبرین حبب محبتی علی قلب فلان بن فلان و از خواص این آیات است که خواندن و با خود داشتن و بر طعام رسیدن و با مطلوب خورانیدن از جهت محبت میان مردم فائده عظیم دارد

بسم الله الرحمن الرحیم والقیت علیک محبة منی ولتصنع علی عینی اذ تمشی اختک فتقول هل ادلکم علی من یکفله ورجعناک الی امک کی تقر عینها ولا تحزن وقتلت نفسا فنجیناک من الغم وفتناک فتونا زین للناس حب الشهوات من النساء والبنین والقناطیر المقنطرة من الذهب والفضة والخیل المسومة والانعام والحرث ذلک متاع الحیوة الدنیا والله عنده حسن المآب قل ان کنتم تحبون الله فاتبعونی یحببکم الله ویغفر لکم والله غفور رحیم یحبونهم کحب الله والذین امنوا اشد حبا لله ولو یری الذین ظلموا اذ یرون العذاب ان القوة لله جمیعا وان الله شدید العذاب قد شغفها حبا انا لنریها فی ضلال مبین فاذا عزمت فتوکل علی الله ان الله یحب المتوکلین یحبونهم یحبهم ویحبونه اذلة علی المؤمنین اعزة علی الکافرین یحبون ان یحمدوا بما لم یفعلوا فلا تحسبنهم بمفازة من العذاب ولهم عذاب الیم

راوراه دو و و
د و و س س س
س س س
م م ۱۵۲۷۲
این اسم را شستند در
معمم سفید کرفته در کوزه
اندازد بی قرار کردد
ایضا الفت میان زن
وشوهر وغیره بکار

محبت بود ۱

وزعفران نویسند
ناشتا بشوهر بخوراند
بسم الله الرحمن الرحیم
هل اتی علی الانسان
حین من الدهر لم یکن
شیئا مذکورا الی
سمیعا بصیرا این
کذلک بتلی بجنسه
الفت پیدا شود

دارد بدهد
عداوت و نزاع
مخلص کرد باید
از نان را بر ان
زیت طلوع
دار بر ظهر از نان زو
اسفل السافلین
مبارک د و الطین
نفر به خود سوره
الفت میان زن و

مرجع کتابخانه علوم باطنی

بنویسد بخورد اما در آخر خواند
تمر و دو ذبان ان
فلان اشغل شاقلبی
بحب فلان بن فلانه
بحب بیدا شود اخر
للبت ام کاه خواهی
و ابحب خود لبی ازین
الان را بر عسل و زعفران
بنویسد و در بازو ببندد

اثر عظیم دارد بسم
الله الرحمن الرحیم
ومن الناس من یتخذ
من دون الله اندادا
یحبونهم کحب الله والذین
امنوا اشد حبا لله ولو
یری الذین ظلموا اذ
یرون العذاب ان
القوة لله جمیعا وان
الله شدید العذاب

بند زبان

فسیکفیکهم الله و
هو السمیع العلیم و
الهکم اله واحد لا اله
الا هو الرحمن الرحیم
ایاک نعبد وایاک
نستعین اللهم الف
بین و بین مطلوب و
کما الفت بین یوسف
و بین بنی اسرائیل وامرأته
الآن تراود فتیها
عن نفسه قد شغفها
حبا انا لنریها
فی ضلال مبین
برحمتک یا ارحم
الراحمین
کهیعص و بدمد
و بر مطلوب زند
محبت او شود
حاصل شود

فقال انی احببت حب الخیر عن ذکر ربی حتی توارت بالحجاب ردوها
علی فطفق مسحا بالسوق والاعناق هو الذی ایدک بنصره وبالمؤمنین
والف بین قلوبهم لو انفقت ما فی الارض جمیعا ما الفت بین قلوبهم
ولکن الله الف بینهم انه عزیز حکیم یوسف اعرض عن هذا واستغفری
لذنبک انک کنت من الخاطئین وقال نسوة فی المدینة امرأت العزیز
تراود فتیها عن نفسه قد شغفها حبا انا لنریها فی ضلال مبین
قل لا اسئلکم علیه اجرا الا المودة فی القربی ومن یقترف حسنة
نزد له فیها حسنا ان الله غفور شکور عسی الله ان یجعل بینکم و
بین الذین عادیتم منهم مودة والله قدیر والله غفور رحیم وانه
لحب الشدید واجزی محبوتها نصر من الله وفتح قریب وبشر
المؤمنین برحمتک یا ارحم الراحمین یا حبیب المدبرین حبب
محبتی علی قلب فلان بن فلانه بسم الله الرحمن الرحیم
یا فتاح یا مفتح سه مرتبه یا سمیع سه مرتبه یا علام
الغیوب شش مرتبه یا عالم الغیب چهار مرتبه یا علام پنج بار یا
الله نعبد یا رب استجب دعائی بحق آدم صفی الله وبحق نوح نجی
الله وبحق ابرهیم خلیل الله وبحق موسی کلیم الله وبحق عیسی روح
الله وبحق محمد رسول الله ص وعلی ولی الله ایضا این آیه را بر
قلم بی سیاهی و عنبر بر حلوا نویسد و آن حلوا را میان جماعتی
قسمت کند که با یکدیگر عناد داشته باشند بخورند عناد زایل شود

واگر بر خرما یا میوهٔ دیگر بنویسد همان خاصیت دارد و نزعنا ما
فی صدورهم من غل تجری من تحتها الانهار الی قوله بما کنتم تعملون
در سورهٔ اعراف **جهة گشادن بخت دختران** در خواص
که این آیه را نوشته بر گردن دختری بندند که شوهر نکرده باشد
زود شوهر کند و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذکرون ـ
اللهم بحق قولك هذا و بحق محمد صلی الله علیه و آله اجمعین ایضا
در خواص الآیات آیه والقیت علیك محبة منی و الی قوله در سابق
آیات حب ذکر شد اینست چهل و یکروز هر روز چهل و یکنوبت
بخواند بر نبات محبت خلایق مجرب و آزموده است ایضا این آیه را
بمشك و زعفران و گلاب بنویسد و خوشبو کند بعطر و بر بازوی
راست بندد و اما بپوست آهو بنویسد محبت در دلها پیدا شود
آیه این است یریدون ان یطفئوا نور الله بافواههم والله متم نوره
ولو کره الکافرون **بعضی کتب خواص** مذکور است بر
چهل و یکدانه فلفل و بر هر یکی یکبار فاتحة الکتاب را بخوان و آن
فلفل ها را یکی یکی در جوف پیاز سفید انداز و در وقت انداختن
نام آن شخص و مادر او و نام خود و مادر خود را مذکور نماید
و سر پیاز را به بندد و سه میخ از چوب انار شیرین تراشیده و در
سر آن پیاز فرو برده و آنرا در زیر آتش دان نهد چنانچه اثر
حرارت آتش باو برسد اما باید نسوزد که اثر عظیم پیدا شود انشاء

اتوکؤا علیها واهش
بها علی غنمی ولی فیها ـ
مآرب اخری ایضا
نوع دیگر از جهت ـ
محبت با خود داشتن
و بجهت خوردنی دمیدن
و بمطلوب خود خوراندن ـ
فائده عظیم ـ
دارد بسم الله ـ
الرحمن الرحیم اول
فاتحة الکتاب و معوذتین
و آیة الکرسی و آیات ـ
اخر سورهٔ حشر لو
انزلنا الی اخر سوره
و بعد لو انفقت ما فی
الارض جمیعا ما الفت
بین قلوبهم و لکن الله
الف بینهم انه عزیز
حکیم و من آیاته ان خلق
لکم من انفسکم ازواجا

در باب بند

لتسکنوا الیها
و جعل بینکم مودة
و رحمة ان فی ذلک
لآیات لقوم
یتفکرون اذکروا
نعمت الله علیکم
اذ کنتم اعداء فالف
بین قلوبکم فاصبحتم
بنعمته اخوانا و کنتم
علی شفا حفرة من
النار فانقذکم منها
کذلک یبین الله
لکم آیاته لعلکم تهتدون
عسی الله ان یجعل بینکم و بین
الذین عادیتم منهم مودة
والله قدیر والله
غفور رحیم
تحسبهم جمیعا و قلوبهم
[illegible]
الله والذین آمنوا اشد
حبا لله

الرحمن الرحیم
کهیعص حمعسق
واسع علیم
یؤتیه من یشاء والله
ذلک فضل الله
الله ولا یخافون لومة لائم
یجاهدون فی سبیل
اعزة علی الکافرین
اذلة علی المؤمنین
من ... یحبهم ویحبونه
الغالبین ایضا نصر
انا الزینا جنا ... یا در

جهت محبت بنویسد این حروفات را باب محو نماید و بخورد مطلوب
دهد بیقرار گردد ع ع ع ع ع ع ع ع ع لا لا لا لا لا عع
عج عج عج عج عج عج عج للحب بنویسد وقت طلوع آفتاب
اما باید طالع هر دو بادی باشد بر هکذ ریاد بیاد و برد در محبت
بیقرار گردد و مجربست
ءاه ۸۸ طء ۱۱۱م ۹ طع الا ۱۹ ء ۱۱۱ محی
ه ۱۱ ۳۶ ء ۱۱۹۱ ام ۹۹ ه ام ۹ طی ه ۹۹ طط
۱۱ ده ار ۱۳ وح ح د ع وه ع
ء ۸ ط ۹ طک لا اک ۱۱ الا و لا او ط ۹۱ طط
۳۲ لا اط او ک کا طط و لا الا م اح د ک

عطهریها العزیز العجل العجل
الساعه الساعه الوحا الوحا
بطرنیز العین العجل العجل
الساعه الساعه الوحا العجل

ایضا بنویسد بخون مرغ سیاه یکرنگ و در اندرون دل کو سفید
بگذارد و در کنار آب روان دفن کند عاشق و مبتلا

عاجز و عشق
ع ه ع ه ع ه ۱۱۱
عا عا ۱۱۱۱
ع ع ع ا ع ا ع ا ۱۱۱۱
ع ع ع ع ۱۱۱۱ ۲۱۲
۱۱۱۱ لا لا ع لا لا ۱۱۱۱
این است
سود طلسم این

فلان بن فلان وعلی حب فلان بن فلانه و اگر زنی
شوهر نکرده باشد بنویسد و بر گوشه مقنعه وی بندد و چون
بخواند بر سر خود بزودی شوهر پیدا شود بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله وبالله ومن عند الله والیه ترجعون هو الذی
خلقکم من نفس واحدة وخلق منها زوجها المسهر فلما قضی

من ربک ولا تنصر ما
کهیعص یا ما اسنا طح یا علیه
یا اعطاطح ما یها لیح
اعبد دح یا ۱۱۰ یا اوا
لح دسا ما اصلصا لیح
الکفا لیحاه ۱۰ ۱۰ ۱۰ ۱
ا۰ عادعا وباع
باط باطا اخذلا بله

در زبان بند

بیوع
جمعه در دستا عتب یا دهجعن
اول بر هفت بادبر بشوید
بنویسد و باب بر بشوید
و بخورد آن شخص دهد
بیقرار شود بعون الله
۲۱ ۸ ۶ ء و ۳ ء ء
۸۱ ۲ ما و ۱۴ ۱۱ دد
سر دا ما و ۱۴ بنویسد
۸ ایضا بنویسد دهد
بخورد مطلوب دهد
بیقرار گردد

لا لا لا لا
لا لا لا لا
د د د د
ع ع ع ع ع ع
ع ع ع ع ع ع
ع ع ع ع ع ع
ع ع ع ع ع ع
عزیز عطفت ۱
طلب و فؤاد ۱
وسمیع وبصیر بن
فد ...

مه درروز سه شنبه
نبع بنویسد بمشک و زعفران
بمحبوب دادن دهد به
فنا رشود وهم نصح
والعسب علیم عسی انقبا
اکـکیے خواهد شود هر
کنند اهل ان را رفع
بنا شتند ابن اسم را دلال
بر کف دست دلال
نعو بسید و نیز د اثبات ان
نعربستلد حاجت روا
شود انشاء الله تعالی

ربند منها وطرا ک ۸ ۸ ح ااا ۸ اول ۲ ۲ م م م

فائدة اگر خواهے بدانے اختلاط تو با فلان میشود یا نه۔ اسم خود وان شخص را حساب نموده بجمل وسے د وعدد بران بیفزاید بعد ۹۔۹ طرح کند اگر زوج بماند بعمل میاید واگر فرد بماند نمیشود ایضًا اگر خواهے بدان فلان زن نصیب است بمرد اسم زن ومرد را حساب کن پنج پنج طرح کن اگر یک وسه وپنج بماند میشود اگر دو یا چهار بماند نمیشود **للمحبت** یوم پنجشنبه ساعت سعد این مربع را بنویسد بمشک وزعفران وبا خود دارد وبا لوح بزرگوار بست از برای محبت هرگاه خواهے زنے را بند بے

۲	۴	۶	۸	۶	که غیر از تو براو کسے
۴	۲	۴	۲	۴	ظفر نیابد وعمل نتواند
۶	۸	۶	۸	۶	کرد یوم سه شنبه
۸	۶	۸	۶	۸	این طلسمات را بر قفل
۴	۶	۴	۶	ع	کار نفرموده بنویسد
۲	۴	۲	۴	۲	وکلید نماید تا اخر عمر
۶	۸	۶	۸	۶	ازن با حدی میل انکند

وان طلسمات اینست ااا ۲ا۲ ۲ ۳ ۳ ہ ھ ۴ ۴

ط ا۰ ا ه ا ه ۸ ا ۸ ا ۸۸ اا بستم ف .. فلانه دختر فلانه علی ذه . فلان بن فلانه بحق هذه الاسماء الشریفة ایضًا

صم ١١٩١٤ ا ۳ ۲ ی عکلک
باسم فلان بن فلان ر و
علی حب فلان بن فلان
انقضا بیوم کار نکرده
بنویسد و با فتاب گذارد
تا با وا اثر کند مسعوا

مسعوف
مططططط ح ح ح
جمهر ججرہ تحبیب

وجان مهر سوختم دل
وانذام جمله اشیاء
علی حب فلان بن م
هنا هنا هنا العجل
العجل العجل هنا
الساعة الحریق م
ایضًا برکاغذ بنویسد
ودر زیر زبان گذارد
وبا مطلوب سخن
گوید ما طلس
مسنطیا انجا
عنفطلطمت
دعای محبت
برای محبت والفت
در ذرد کرم بر
وجه الکعبه
در ستر خود کو
در زن با منٹ
در میان کیسو مدفون کند

برکف دست خود بنویسد در مقابل هرکس که بیاید و بر سینه اش

ما الله در حال بیقرار گردد ک ااا ۲۲ ھ ھ ۱۲ ۱۲

ک ھ ھ ا ع ااا ع اا اا عطفت قلب و فؤاد و بصر فلان

بن فلان ایضاً بنویسد و ببازو بندد و با مطلوب سخن گوید بسمله

و تاکلون التراث اکلاً لمّاً و تحبّون المال حبّاً جمّاً فائده تمام دارد

بخط مرحمت پناه میرزا ابو القاسم این دائره را به طریق ذو الکتابتین

در وقتیکه قمر زاید النور باشد و شمس ناظر در اوّل طلوع

افتاب یوم پنجشنبه بنویسد و بر میل یازده عدد لفظ جلاله

بنویسد و مثلث کرده در وسط واقع شده برابر میل باشد -

و دایره اینست

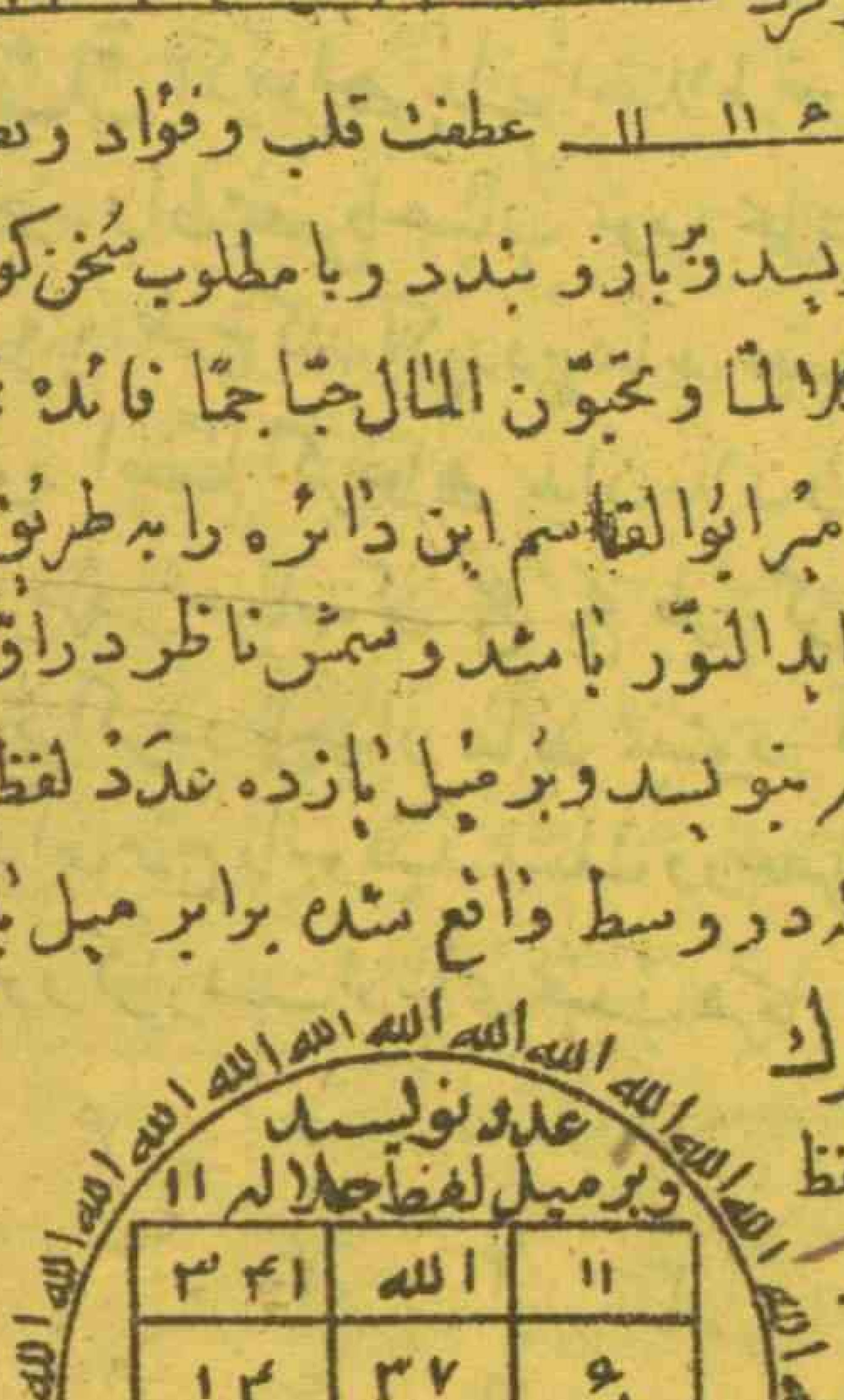

و در دور دائره لفظ جلاله

کشیده که دارد شامل

و بر سر خود گذارد - خواهی که

خواصهای بسیار

مجربست هر که با خود دارد الفاظ الهی او گردد ایضاً هر گاه

کسی را از محبت خود بی قرار گردانی بیار پاره سیاه دانه و هفت نوبت اذا زلزلة را به او بخوان و در یک شنبه

ع	ل	ی	م
ل	ی	م	ع
ی	م	ع	ل
م	ع	ل	ی

ورب جبرائیل واسرافیل

ومیکائیل وعزرائیل

وملائکة الذین یحملون

عرش رب العزة اسالک

ان تؤدی الی موالی امه

ولده بعد ما کان فارغا

فقرت عینها کما القیت محبة

بموسی بن عمران فی قلب

فرعون وامرأته محبوبهم

کحب الله والذین آمنوا

اشد حبا لله و

لو یری الذین ظلموا

اذ یرون

العذاب

ان القوة لله جمیعا

محبته منی وبابه حتی

لبنی طلبه قلبها معا

عینی و ذنبی فی قلبه

فلا یدری معا احدا

محبته منی البلاد و

بحبه معا لمنفقه

موضع آرو و یکاد علیه

و بغض علیه علیها

معا کل محاسن آرو

مع مجلسی و الاحبه

آرو بامره و الاحبه

علی ایامه آرو

و انطح حبی معا

و عشقه و عجل

علیه قلبه علیها

من

رفیع الدرجات

عفو عن السیئات

المقربات منفس الکرب

المحسنات المحسنات

غافر الذنب هو رب

الرحمن الرحیم درب الذ

دفعا الکفا مقلب القلوب

جاعل الجنات

نبی بسیار بود باصل

کثر از برای ابتدا عا بود دراین

زن

محبت

و شوهر

وقت

عن الخلائق الرفیع
والقیت علیک
محبة منی وفوضنا الیهم و
رب فاطر السموات و
الارض اجعل معنا
کلما تحضر معنا غیر کارهم
معنا [illegible] اصحب معنا
[illegible] غیر ناظر [illegible]
معنا [illegible] کالقدر [illegible]
کاللؤلؤ المنثور یا الله
یا الله یا الله امراة او
حب حب داود
[illegible] معاو
وکذلک سخرت [illegible]
کما سخرت الریاح و
والطیور والشیاطین
والجن والانس لسلیمان
[illegible] و سخرت [illegible]
سخرت بابل هاروت
وماروت
یتعلمان من احد حتی
یقولا انما نحن فتنة فلا
تکفر [illegible]
هب لا یعقوب اهله
کما اصلحت زکریا زوجه
اصلح ذات بیننا بحق
محمد وآله وکذلک ان
تجعل بیننا محبة ومودة
ورحمة ومغفرة
برحمتک یا ارحم
الراحمین لقد جا
ءکم رسول من انفسکم
عزیز علیه ما عنتم
حریص علیکم بالمؤ
منین رؤف رحیم
[illegible]
الرحمن الرحیم

وقت نماز شام در آتش اندازد بیقرار شود

ایضاً این آیه را پنجاه نوبت بر پنجاه دانه سپند دانه بخواند بنام خود و مادر خود و بنام مطلوب و مادر مطلوب در آتش اندازد و در روز یکشنبه وقت طلوع آفتاب انکس بیقرار گردد الآیه و ضرب لنا مثلا و نسی خلقه قال من یحیی العظام و هی رمیم قل یحییها الذی انشاها اول مرة و هو بکل خلق علیم ایضاً بستاند چهل و یک بلادر و بر هر یک ۴۱ سبع المثانی بخواند و در آخر بگوید اشعلوا النار فی قلب فلان بن فلانه ایضاً جهت محبت عدد این اسم را با اسم خود و مطلوب ضم کرده در مربع ثبت کرده از مجربات است یا راحم کل شیء و راحمه بجهت عزت و بزرگی یافتن در نزد خلایق عدد این اسم را با اسم خود ضم کرده در مربع ثبت کرده یا لا اله الا هو الرفیع جلاله را خود دارد ایضاً چون خواهند طالب و مطلوب با هم ملحق شود این مثلث را نوشته با هم گرفته در میان سوره سوره حضرت یوسف علیه السلام نهند مثلث اینست

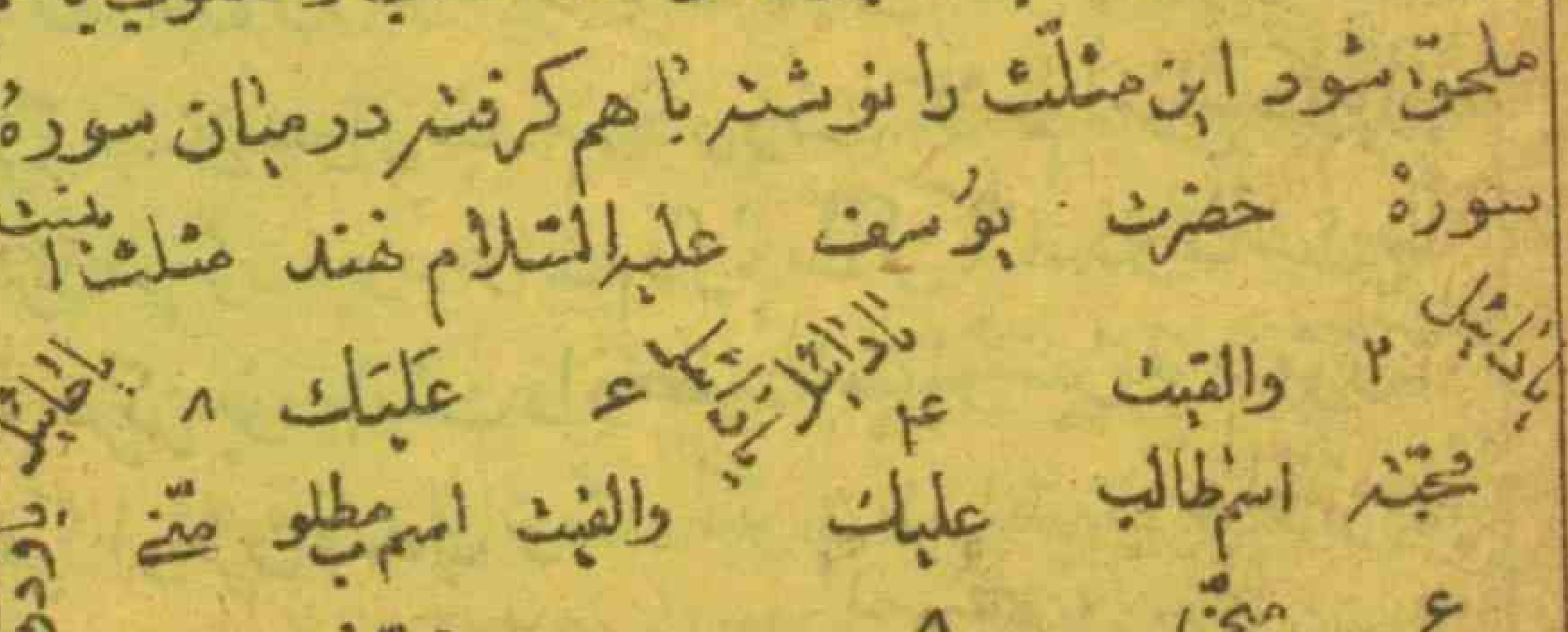

اللّهم ﷺ کما انت انتجبت من اصلاب
بنور محمد ص
الآبائم و ارحام امهات
و اعطف کما اعطفت
موسی الآمر و ازم
کما رمیت الوحی علی
الانبیاء و اعط و
انفذ کما نفذ حکمه فی
الانبیاء فاطر السموات
و الارض و السماء و
باعث الخلق بعد الفناء
و بالتبع الظماء مغنیه
فی الهواء و یا معید
التبع و الابطال و منیه
علی سیدنا محمد و آله
اجمعین الطیبین
الطاهرین و سلم
تسلیما کثیرا برحمتک
یا ارحم الراحمین

دفع بلیات

طوفان از سر
الجوشن از فضل
هشتاد و هفتم مرقوم است
که این لوح شریف را
مع انتهاء نوشته برد
کشتی بیاویزد
تا نزده مرتبه این
فضائل: نام کرد در
الجوشن ذکر مسطور
بخواند و بعد در کشتی
بنشیند بعون الله
از طوفان و غرق
شدن محفوظ ماند انشاء الله
اینست لوح

جهت دفع غرق و تلاطم و حرق و تلاطم

موج و دفع ضرر آتش و باد و آب و تیر و شمشیر اما بجهت ایمنی از غرق شدن و در وقت سوار شدن بکشتی بخواند بسمله و ما قدروا الله حق قدره و الارض جمیعا قبضته یوم القیمة و السموات مطویات بیمینه سبحانه و تعالی عما یشرکون بسم الله مجریها و مرسیها ان ربی لغفور رحیم و بجهت دفع تلاطم موج اشاره کن و بگو یا حی لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین پس آیة الکرسی بخواند و از حضرت امام رضا ع منقولست که چون بر کشتی سوار شوی بگو بسم الله مجریها الی آخر الآیة و چون دریا بموج آید بر جانب چپ تکیه کن و بدست راست بجانب موج اشاره کن و بگو قری بقرار الله و اسکنی بسکینة الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و در بعضی روایات وارد شده در وقت اضطراب و تلاطم باید گفت بسم الله اسکن بسکینة الله و قری بقرار الله و حده باذن الله و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم راوی گفت که مکرر بکشتی سوار شدم و در وقت تلاطم امواج دریا آنچه حضرت فرموده بود خواندم دریا ساکن شد در ساعت چنانچه گویا هرگز نبوده است و از حضرت امیر المؤمنین ع منقول است که هر که از غرق شدن ترسد بگوید بسم الله مجریها و مرسیها الی آخر و ما قدروا الله حق قدره الی قوله تع عما یشرکون در حدیث

١٥١٩	٥٣٣	١٥٣	١٥٢٧
٥١٣١	٥٢٦	١٥٢	١٥٣٣
٥٢٥	١٥٣٨	٥٣٦	١٥٢
١٥٤٣	٢٥٢٢	١٥٢٢	١٥٢٩

سماء
الله
ایاک
یا

دیگر وارد

یا حبیب الباکین یا
سند المتوکلین یا ملجا
ی المضطرین یا ولی
المؤمنین یا انیس الذا
کرین یا مفزع الملهوف
ین یا اقدر القادرین
ین یا اعلم العالمین یا
اله الخلق اجمعین
سبحانک یا لا اله الا انت
الغوث الغوث

یا منجی الصادقین

دیگر وارد شده از آنحضرت که چون از غرق شدن و سوختن کسی برسد
این ان ولیی الله الذی نزل الکتاب وهو یتولی الصالحین با این و
ما قدروا الله حق قدره تا اخر بخواند **واما دفع ضرر آتش و**
اطفاء آن در خواص الآیات مذکور است بجهت دفع سوختگی
آتش بر برگ مورد نویسد افرایتم النار التی تورون ء انتم انشاتم
شجرتها ام نحن المنشئون نحن جعلناها تذکرة ومتاعا للمقوین
و در سایه گذارد تا خشک شود پس انرا با روغن انبجه بر سوختگی
آتش طلا کنند بزودی شفا یابد **دفع ضرر آتش** انرا بر
تکبیر فرو نشاند اذهب الناس رب الناس اشف انت الشافی
لا اله الا انت و در کتاب در مکنونه اورده هر که اینحروف
را در چهاردهم ماه بنویسد و در دیوار خانه محکم کند آن خانه
از بیم سوختن و دزدی در امان باشد حروف این است -
ادزدرو لا نسخ بدل ادذرد ولا وهم چنین عالمان علم حروف
و صاحبان این فن گفته اند که هر که این شکل را بر چوبی نقش
کند و یا بنویسد در آتش افروخته اندازد فرو نشیند و اگر
موضعی آتش گرفته باشد انرا در انجا دفن کنند آتش فرو نشیند
اهطمفشد و در بحر المنافع اورده که این افسون هندی
را بسوختگی آتش بخواند و بدمد شفا یابد حلی الـ الد بر حلی
الک ک جلی کنتها ربها راکیا سون انار بتون جون یا تنی

و در مفتاح الجنان
و در کافی شیخ کلینی ره
اورده که حضرت یونس
بسبب کلمه لا اله الا انت
سبحانک انی کنت من
الظالمین از غرق نجات
یافت و از جمله چیزهای
باعث نجات از غرق
است تربت حرم
حضرت امام حسین
علیه السلام است چون

مجرب بجهت

چون در حال
اضطراب دریا ترسد
شدن غرق قدری
از انرا بدریا اندازد
ساکن آید انشاء الله
و چون الحفیظ را از
اسماء الله بعدد
حروفش بحساب ابجد
نگاه دارد باعث این
شود که از غرق
نجات یابد و چون
این ایه را از سوره
انعام بر تخته نو
و در مقدم
کشتی بچسبانند
حفظ کند
از غرق محفوظ
ماند این ایه است
هو الذی جعل
لکم النجوم لتهتدوا

بری تسا زا ایضاً گفته است که اگر جائی آتش گرفته باشد بسمله را تا آخر
بر سفال آب نرسیده بنویسد و در آتش اندازد فرو نشیند ایضاً اورد
بر سه پارچه سفال آب ندیده سه مرتبه بخواند و در آتش اندازد فرو
نشیند زیاده نشود و جای دیگر نسوزد بسم الله طسوما الرحیم ابرسوما
ایضاً سه بار بر آتش خواند و بدمد افسرده گردد بسمله کو کل کر کل
خیفه موسی سیدی احمد ابرهیم ادریس ایضاً گفته اند بر آتش
خواند افسرده گردد هوم وهمای احبّ احبّ خ ل سبنت مود برن
اهمنت لوله کابات دیات وبنی یات کر برساد بن پلند بات همه
تهینهنّ وکهنبن بوی هیون کل ماند هین کهتانی جاه
بپیند رهنم نالتی خذی نه بردان جری لی بیش کوشد بوما اکبان
ایسر باربحی کی اکبان جاه ببیند رهنم نانی هنر مسد کرما سنها
و گفته است که اگر کسی عود و کما ذریوس بخاید و آهن داغ شده
را بلیسد زبانش نسوزد والعهدة علیه و اگر بیر غول و علوق بغیر لو
یکجا کند و بساید و خود را بان بیالاید و آهن تفتیده بدست گیرد
ضرر نرسد و اگر تمام وجود خود را بان بمالد و در آتش رود نسوزد
امّا بجهت دفع ضرر باد در خواص الآیات آورده
است که چون غبار باد و ظلمت هوا بسیار شود این آیه را مرّه
بخواند تا بزودی زایل گردد چه در برّ و چه در بحر اینست
لا تدرکه الابصار وهو یدرک الابصار وهو اللطیف الخبیر

واقف با اسم را بود زبان ۳۰
خواص از طلا طمش سالم
ویچون سوره [illegible]
از دریج لغوزد رجم
جسم الله [illegible]
[illegible] ابن [illegible]
نصب [illegible]
و معلوم [illegible]
چون این آیه را بخواند
الآیات لقوم یفقهون
البر والبحر قد فصلنا
لتهتدوا بها فی ظلمات
عامه برای سوختن
اعضاء اطفاء ایشیم را
بعد از آنکه از سوختن
چند روز گذشته باشد
نافع دانسته اند اهل
را هفت نوبت بار بخواند
هر دو قدر و آلکار دیزناند
نیش نشود پس بار دو

بجهت تحبیب

بریزد تا آب تجدید
نماید تا هفت مرتبه
لیمان نرنشتن را با
روغن کنجد در ان بریزد
و با انگشت مسلا بزند
تا بسته شود و منعقد
شود و ازان قندیکی ا
جراحت طلا کنند نیکو
شود و هم چنین خیال
با سر بکشد سوختن
مانع البته کرده ن
سوختگی آتش
و دو بحب النافع
آورده که این
افسون هندی
را بخواند و آهن
تفتیده بدست
گیرد نسوزد ان
تعالی اعلم و معلوم
جهت آنکه در آب
[illegible]

ایضاً بجهت دفع ضرر باد بخوانند اللهم انی اسئلک خیرها و خیر
الریاح و خیر ما فیها و اعوذ بک من شرها و شر ما فیها اللهم اجعلها
علینا رحمة و علی الکافرین عذابا و صلی الله علی محمد و آله و تکبیر بسیار
بکوید جهت دفع ضرر باران و آمدن باران بکوید صیبا هنیئا و بتجربه
رسیده که بجهت قطع باریدن باران حمل و بک ق بنویسد بر ورق و قبله باد بزند
باریدن قطع شود و در مهج الدعوات و از دلائل الرضا علیه السلام
از آنحضرت روایت شده که در سفری باران عظیم کرفت و اهل قافله
عاجز شدند و بانحضرت متوسل شدند آنحضرت فرمود ای ابن رسول
الله فاکف عنا المطر در ساعت ببرکت دعای آنحضرت استاد مصنف
این کتاب ابن طاوس ره کوید که در کشتی بودیم و در وسط فرات باران
عظیم کرفت چنانچه بیم غرق شدن بود این دعا را خواندم بقدرت
الهی باران ایستاد اللهم هذا المطر نزله لمصلحة العباد و ما یحتا
جون الیه من عمارة البلاد فهو کالعبد فی خدمتنا و مصلحتنا و نحن
الان مسافرنا بامرک راجین لامرک لاحسانک و برک فلا تسلط علینا
ما هو کالعبد لنا ان یضربنا و اجرنا علی عوائد العنایة الالهیة و
الرعایة الربانیة و احرز المطر علی عوائد العبودیة و اصرفها عنا
الی المواضع التی تنفع لعبادک و عمارة بلادک برحمتک یا ارحم
الراحمین **جهت باریدن بنویسد** و بر درخت بیاویزد
مجربست جاء الامطار من غمام الرحمن و سحاب الکرام و انزلنا

بری لشاد و اکر ازین
شکل را در موم کبح
در بازوی راست خود نمی
بند دو دو بست مو درو
کیمهم بیندازد دسعود د
باذن الله تعالی بسم
الله الرحمن الرحیم
و لا ... العلیم
صلی الله علی
صلی الله علی محمد و
اجمعین و لکن شنیده که
ضماد ابحق العالمین
ازده جو جمنه سوخته
آتش نافع است جمه
دفع ضرر باد در وقت
وزیدن باد دهای بره
معوذتین را بخوانند
و اکر مسافر باشند
همان آیات را بخوانند
اما نماز آیات دو رکعت

المحب

است در هر رکعتی
پنج رکوع با این ترتیب
پنج حمد و پنج رکوع
و در هر دو رکعت پنج رکوع
حمد و پنج سوره یا
رکوع تمام او را در کرد
دوم مثل رکعت اول
است که جملتان ده
رکوع واجب است و
مستحب است قنوت
خواندن پیش از رکوع
دوم و چهارم و
ششم و هشتم و
دهم و اگر سوره
قبل را بخواند در
وقت هبوب باد
های عاصفه کند
بخواند بهتر است
و از اهوال رسند
اما اگر در ایام زلزله
بخورد ابن

الثمار

السماء علیکم مدرارا ویمددکم باموال وبنین ویجعل لکم جنات
ویجعل لکم انهارا ویجعل لکم جنات ویجعل لکم انهارا **رباعی**

یارب سبب حیات حیوان بفرست
وز مجر کرم سحاب غفران بفرست

ایضا هفت عدد جعل را در زیر طاس مس سرخ حبس کردن موجب
باریدن وظهور برودت هوا است **اما دفع ضرر تیر وشمشیر**
ازانجمله دعای تیغ بندی است که ابن طاوس ره در کتاب سعادات از
حضرت امیر المؤمنین ع نقل نموده وخواص بسیاری ذکر کرده مثل اینکه
هر که این حرز را با خود دارد وبرا وخوفی از شر سلطان ودزدان و
تیغ وسنان نمیباشد واگر بر پوست اهو نویسند ودر زیر سنان نیزه
محکم نمایند در هیچ جهادی مغلوب نشود ودشمنان را مغلوب گردانند
واگر در خانه گذارند از دزدان وخرابی وغارت محفوظ ماند **اما**
بمشک وزعفران وگلاب بر پوست اهو باید نوشت وان اینست
اهناه اذرنای ه سومابع ه مالح ه هلواجم سیاهوراه ابرا
هنا 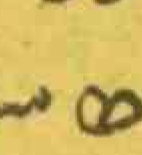 ادرانواه هاهای ه الوهی ه السهما ه سرعما
دام ه اودار ه صعواب ه هوهو نواره لا وبحرمه باذن الله
هر که در چهارشنبه اخر ماه صفر که انرا سوری گویند در وقت
غروب افتاب ببلک نقش بنویسد وبا خود دارد تیر وتفنگ براو بسته
شود کارگر نشود اینست بسم الله العون والدون اربعون
ارسون لحم مسطط مسطط لحریون ودر نسخه چنین نوشته است

اینرا بخواند ان
الله یمسک السموات و
الارض ان تزولا و
لئن زالتا ان امسکهما
من احد حتی تزولا امین
بعده انه کان حلیما
غفورا از امام رضا ع
منقولست هر که در وقت
خواب این آیه را بخواند
خانه بر سر او خراب ن
شود برای مطالب
باران در کتاب زاد
المعاد مذکور است که
چون اب چشمها و چاه‌ها
کم شود و باران کم آید
نماز استسقا یعنی طلب
باران بخواند کیفیت
ان نماز مثل نماز عید
است که مذکور خواهد
شد و در قنوت هایش
طلب رحمت و استغفار
از گناهان و طلب باران
باید کرد و بهترین انها
دعای نوزدهم صحیفه
کامله است و اکثر علماء
گفته‌اند وقتش مابین
طلوع افتاب است تا
زوال و باید امام امر
کند مردم را که سه روز
روزه بدارند روز
سیم ایشان را بیرون
برند و بهترین روز
ها در روز جمعه یا دو
شنبه باشد چون
بصحرا روند باید
برهنه و با سکینه
و وقار و خضوع و
استغفار و موذن
ها بان عصاها را
بدست گیرند و
پیش

بدون

بدون شرط یکنفس نوشتن و وقت غروب بودن بسم الله الرحمن الرحیم واللهون واللدون اربعون ارسلون مشططا والله علی کل شیء قدیر وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین **نوع دیگر** در ساعت کسوف ماه وآفتاب بنویسد بشرط آنکه حروفش مفتوح باشد مجرّبست اللهون اللدون اربعون ارسعون حرسعون اربسون نسخه بدل اللهون اللدون اربعون حرسعون حرز لبس تفنك در روز چهارشنبه سوری بنویسد پنج کلمه جلیرا بیکنفس و چهار کلمه آخر را بیکنفس بر بازوی چپ بندد کلوله بر صاحب آن کار نکند ـ

والدّون واللّهون والسّون

انهار هرنے هاکر

ارسلون منطرون ایضا یوم چهارشنبه قوم

سودن

بکساعت و نیم بغروب مانده بیك نفس بنویسد با خود و لکن تاثیرش مدت یکسال است هر ساله بهمچ مذکور دعا را عوض نماید کلوله باو کارگر نشود دعای اول بیك نفس بسم الله الرحمن الرحیم و بعولون ولدون اربعون ارسون دیمم مطلطا عولون سطر دویم واللدون واللهون واللون ارسلون ـ

دعا رسا

ایضا اسم اعظمیکه حضرت امیر؏ وصف فرموده برای جمیع امراض و مطالب با خود دارد و چهار الف آخر کوتاه و دراز باید باشد مانند انگشتان دست و آن اینست ☆ ااام ⫽ ااه

بنب روی اثنا مرسول صاحب مقال گفته که صلحا و زهاد و پیران را گفته با خود ببرد م جهال و فاسقان چون اثنا مر از عناد فارغ شو بر منبر بالا رود در رابگیرید اند تا آنکه جانب راست جانب را جانب جنوب و جانب چپ را جانب ـ راست لبی رو بقبله ـ و باواز بلند صد مرتبه الله اکبر بگوید و بجانب راست بگردد و صد مرتبه سبحان الله بگوید پس بجانب چپ بگردد و صد مرتبه لا اله الا الله بگوید پس رو بروی مردم کند صد مرتبه الحمد لله ـ بگوید و گفته اند ـ

للحب

مردم در نزد کرها موافقت کنند برگشتن نیز در خطبه بخوانند و چنانچه کند و استغفار در دعا و طلبه در خطبه های منقوله هر است و دو او بیت کراکران ذکر ها را بعد از خطبه خواند حزب باشد ایضا برای طلب باران در [illegible] نوزدهم سنن از وی بنویسد [illegible] تمام در جهاد در جنب بلند باد برد و دروازه [illegible] باشد ابن فضل ۱۹ [illegible]

حصر

بل نوشته شده است
گریز اینست که دری
مدنی کور خواهند کرد اما لوح
فصل دعا جوشن
در آب اندازد و اندر
میشود بعد این لوح را
بفضل الله باران نازل
بخوانند الی سبع وسبعین یوم

۲۸۱۹	۲۸۳۲	۲۸۲۹	۲۸۲۶
۲۸۳۰	۲۸۲۵	۲۸۲۰	۲۸۳۳
۲۸۲۴	۲۸۲۷	۲۸۳۵	۲۸۲۱
۲۸۳۴	۲۸۳۳	۲۸۲۲	۲۸۲۸

فصل ششم

در دفع وحشت منقول است که شخصی بخدمت امام جعفر صادق ع شکایت کرد که چون تنها میشوم مرا وحشتی عارض میشود چون بمیان مردم میایم برطرف میشود فرمود دست بر دل خود بگذار و بگو بسم الله پس باز دست را بر دل بمال و هفت نوبت این دعا را بخوان اعوذ بعزة الله واعوذ بقدرة الله واعوذ بجلال الله واعوذ بعظمة الله واعوذ بجمع الله واعوذ برسول الله واعوذ باسماء الله من شر ما احذر ومن شر ما اخاف علی نفسی وایضا بجهت وحشت بخواند بسم الله وبالله توکلت علی الله انه من یتوکل علی الله فهو حسبه ان الله بالغ امره قد جعل الله لکل شیء قدرا اللهم اجعلنی فی کنفک وفی جوارک واجعلنی فی امانک وامنک ومنعک سعد بن ابی الوخا گوید که براه مکه میرفتم شبی راه گم کردم از پس سر خود احساس شخصی کردم که قرآن میخواند ترسیدم چون بمن رسید گفت گمان میبرم که راه گم کرده باشی گفت آیا ترا تعلیم کنم دعائی که چون بخوانی در حالتی که راه گم کرده باشی راه بیابی و اگر وحشتی داشته باشی برطرف شود و از خواب افتاده باشی بخواب روی گفتم بلی پس این دعا را تعلیم من نمود چون خواندم رفقاء خود را بخود نزدیک دیدم و چون امرد را جستم بیافتم و دعا اینست بسم الله ذی الشان العظیم البرهان شدید السلطان کل یوم هو فی شان اعوذ بالله من الشیطان

جمیع
عقد اسلحه این کلمات
را با خود دارد دوش
دوش کوش کوش هو
هو هبا علیقا علیقا مهو

مهو رهدیه شقوش
ققوش و اهلی و ا
هلی حیا لمی علقوش
بند موش بند موش
بند حضر حضر ترحترنجل
حضر حضر منصص احیقوا
بکل منصص هذه الاسماء
با اخذام هذه سایر ما
وادفع عنی سایر ما
یکون منا الی الحدید ما
یخرج دید [illegible]

۱۱۱ح۹۷۷ط

دیگر تیغ بند است اور
که اگر امتحان
خواهد کند که سفند بر
گردن کوسفند
بند د تیغ و تیر
انکار نکند
والعهدة علی الراوی

[illegible]

[illegible]

۲۲

الرحیم

٢ ع م ١ ٣ ١ م ح ١ م ح ٢ ٢ ٣
بحق الد امراته محمد رسو
ل الله ٣ م ٤
بلا ٣٣ عی ر ١١٨ هـ ١١

هر که این کلمات را بعد
از آنکه غسل کرده و
سر از آب بیرون آورد
و بیکنفس نو بسد
و بکل هو الله را بخواند
و هر که با خود دارد
حرز بر باو کار کر نبود
انّه ون و و اللهون
اللبّسون ارمسلون و
میططرون انضادره
شب چهارشنبه مذکوره
در آخر شب و در روز
مشرق در میان البتّاده
ابتدا عا را بکاغذ کبود
بنویسند و بسوره توحید
را بخواند و جمیع حروف

دفع ضرر اتش

بر حامل او گلوله
کار نکند و اگر حامل
وقت بستن توحید را
بجود بر مد فائده
آتش ردزد ظاهر شود
ان شاء الله تعالی
بسم الله الرحمن الرحیم
هو و اللهون
والذون الرذون
ایطعون بصنعون
اسطعون اصنعون
اربعون ... حافظ
احفظ حتی انه
الم ... امشله هننه
بدفع ... برلشه
... اسم جمیع
خواص ها صنعت ها
دارد خاص ها
ان ... هر که ...

الرّجیم ما شآء الله کان لاحول ولا قوّة الّا بالله العلیّ العظیم و ایضًا خوردن سکنجبین را با طباشیر جهة توحّش و غم و کرب والتهاب مفید دانسته اند هو العالم

فصل هفتم در دفع ترس بیابان و دفع مکروهات سفر

در حدیث معتبر مرویست که هرگاه در بیابان از جنّیان و غیر ایشان ترسے دست راست را بر سر بگذارد باواز بلند بگوید افغیر دین الله یبغونها وله اسلم من فی السّموات والارض طوعًا وکرهًا والیه ترجعون مرویست که پیغمبر ص بسفری میرفتند و شب که میشد این دعا می خواندند برجهة ترس بیابان یا ارض ربّی و ربّک الله و اعوذ بالله من شرّک و من شرّ ما فیک ومن شرّ ما خلق و من شرّ ما یدبّ علیک واعوذ بالله من شرّ کلّ اسد واسود و من شرّ الحیّة و العقرب ومن شرّ ساکن البلد و من شرّ والد و ما ولد افغیر دین الله الابر الحمد لله و من شرّ والد الحمد لله بنعمته وحسن بلائه اللّهم صاحبنا فی السّفر فانّه لاحول ولا قوّة الّا بالله یس سوره الهیکم التکاثر را میخواندند از حضرت صادق ع مرویست که فرمود غولان در راه بشما برخورند اذان نماز بگوئید

کیفیت احتجاب از

از مخوفان برجهة ترس بیابان و مکان احتجاب از دزدان کفعمی آورده و گفته است که بتجربه رسیده که هرگاه کسی در مکانی ترسد پنج سنگریزه بعدد ... بردارد و نزد سر خود دفن

٥	٩	٦
٦٩	حر	٥
٦	٥	٩

کند و بخواند ایمن باشد **طریقه دیگر** اگر کسی در بیابانها ترسد
در وقت خواب باید پنج سنگریزه بردارد اول را بنام الله تعالی دوم بنام
جبرئیل سیم بنام موسی چهارم بنام مصطفی ص پنجم را باسم ابرهیم ع باخود دارد
از شر همه چیز ایمن کردد **طریقه دیگر** اگر کسی در بیابان ترسد در
وقت خواب پنج عدد سنگریزه بردارد بعدد لفظ هاء در نزد سر خود
دفن کند پس پنج دیگر بنام پیغمبران اولوا العزم بردارد و نام ایشانرا اعداد
شمارد اول نوح دوم ابراهیم سیم موسی چهارم عیسی پنجم محمد مصطفی
پس یکی را بجانب قبله بیندازد و بگوید قوله و دوم را بسمت مشرق
بیندازد بگوید الحق و سیم را بجانب شمال بگوید الملك و پنجم را با پنج
سنگی که در نزد سر خود دفن کرده بگذارد و بگوید فقفوا ولا تبرحوا
فضرب بینهم بسور له باب باطنه فیه الرحمة وظاهره من قبله العذاب و جهل
سنگریزه بردارد و در حوالی خود دفن کند و بخواند که حجاب عظیمی است
و از حضرت امیر مرویست که خاتم عقیق در سفر در دست کند تا برکت
سفر را دریابد و مرویست که هر که از خانه بیرون رود با خود تربت امام
حسین را بردارد و بگوید اللهم وهذه طینة قبر الحسین ع ولیك و
ابن ولیك اتخذتها حرزا لما اخاف و ما لا اخاف حرز جواد علیه السلام
بزرگوار صاحب مقال اورده با تو حرزی باشد که در مهج الدعوات
در حدیث طویلی از حضرت امام محمد تقی ع روایت کرده و مختصر مضمونش
انکه چون این حرز با کسی باشد جان او از بلاها و شرها و مکروه ها

وافات

حرز حسنین

در مکارم اورده که
شخصی بخدمت رسول ص
امد و از وحشت شکایت
نمود فرمود مکرر دو تسبیح
استغفار را بخوان تا حق
وحشت ترا زایل کرداند
سبحان الله الملک القدوس
رب الملائکة والروح
خالق السموات والارض
ذی العزة والجبروت -
در خواص السور مذکور
است که چون مسافر
سوره والطور را در ابتدا
بخواند از بلیات سفر
محفوظ ماند و چون
سوره وصفت را در ابتدا
بخواند محفوظ شود و
انسفر کرد و کردد و چون
انا انزلناه را در ابتدا

دفع ضررها

بخواند مطلقا تشویش از
انسفر حاصل نشود
اما احتیاج برعایت [illegible]
اورده که اگر کسی -
خواهد شب بجائی -
رود کسی او را نبیند
و نداند خصوصا دزد
ان و دشمنان بر کف
دست خود این رب
ارنی انظر الی الجبل
فان استقر مکانه م
فسوف ترانی فلما
تجلی ربه للجبل -
جعله دکا و خر موسی
صعقا فلما افاق قال
سبحانک تبت -
الیک و انا اول
المؤمنین را بنویسد و
بخواند و از شر ایشان
را نظر برا او

وافات وغاغات محفوظ باشد و اگر کل لشکر روم و ترک بلکه اهل
کل زمین بر او جمع شوند ضرری بوی نتوانند رسانید و آداب این
است که قصبه از نقره خالص بسازند و این دعا را بر آن نقش نمایند
یا مشهودا فی السموات و یا مشهورا فی الارضین و یا مشهورا فی الدنیا
والاخرة جهدت الجبابرة والملوک علی اطفاء نورک واخماد ذکرک
فابی الله الا ان یتم نورک و یبوح بذکرک و لو کره المشرکون پس این
حرز را بر پوست آهوی تمام بنویسند و در آن قصبه جا دهند
در وقتیکه قمر در عقرب نباشد وضوی کامل بسازد و چهار
رکعت نماز کند و در هر رکعت فاتحه یکبار و آیة الکرسی و آیة
شهد الله است و سوره والشمس والليل و سوره قل هو الله
را هفت مرتبه بخوانند و چون از نماز فارغ شود آن قصبه را بر بازوی
راست بندد حرز اینست بسم الله الرحمن الرحیم
الحمد لله رب العالمین الی آخر سوره فاتحه الم تر ان الله سخر لکم
ما فی الارض والفلک تجری فی البحر بامره و یمسک السماء ان
تقع علی الارض الا باذنه ان الله بالناس لرؤف رحیم اللهم انت
الواحد الملک الدیان یوم الدین تفعل ما تشاء و تحکم ما ترید و
تداول (فی) الناس بین الایام و ترکبهم طبقا عن طبق فما لهم لا یؤمنون
اسئلک باسمک المکتوب علی سرادق السرائر الفائق السابق الحسن
الجمیل النضیر رب الملئکة الثمانیة والعرش الذی لا یتحرک و اسئلک

برو نیفتند ایضاً برای
نظر بند بخوانند
بسم الله الرحمن الرحیم
علیقیا ملیقیا خلیقیا
خالقا مخلقا ارتضی
مرتضی صلی الله علیه
محمد و آل محمد عصای
موسی و رحیم و مهر
سلیمان برد من بر
حنک یا ارحم الراحمین
ایضاً منقولست که هر که
خواهد لبغر دود این
حروف هارا بر پوست
آهو بنویسد و سر عصا
بادام تلخ را سوراخ
کند و این حروف هارا
بعد بر پوست را در آن
سوراخ جا کرده با خود
دارد تا سالم ماند و حروف
این است سلحس و

صرفها دوم

م ٥ ماسه ٥ بهره
به صان ٥ سه ٥ او
م ٥ تنحه بدل ٥ مصله
اسلحجد اسلحاس
اسلے سلحلس ع
هو ع اه ٥ ما ٥ باذنه
٥ ما من تنحه بدل
سلحلس سلحاس

الهی بحب عودد در
تفویض و اعتماد اقدس
سفر باید توکل و
که مسافر در روز
مذکور اشد
در اختیارات مجلسی
اختیار است
مادم مادم منان
ه ع طوم یا هو

یا لعبش

بالعين التي لاتنام وبالحيوة الذي لايموت وبنور وجهك الذي لايطفأ
وبالاسم الاكبر الاكبر الاكبر وبالاعظم الاعظم الاعظم الذي هو محيط
بملكوت السموات والارض وبالاسم الذي اشرقت به الشمس واضاء
القمر به وسخرت به البحور ونصبت به الجبال وبالاسم الذي قام به وبالاسم
الذي قام به العرش والكرسي وباسمك المكتوب على سرادق العرش و
باسمك المكتوب على سرادق العظمة وباسمك المكتوب على سرادق القدرة
وباسمك العزيز وباسمائك المقدسات المكرمات المخزونات في علم
الغيب عندك واسئلك من خير لخيرا مما ارجوا واعوذ بك بعزتك
وقدرتك من شر ما اخاف واحذر وما لا احذر يا صاحب محمد
يوم حنين ويا صاحب علي يوم صفين يا رب مبير الجبارين وقاصم
المتكبرين اسئلك بحق طه ويس والقرآن الحكيم والفرقان العظيم
ان تصلي على محمد وال محمد وان تشد عضد صاحب هذا العقد و
ادرء بك في نحر كل جبار عنيد وكل شيطان مريد وعدو منكر الاخلاق
واجعله ممن اسلم اليك نفسه وفوض اليك امره والجأ اليك ظهره
اللهم بحق هذه الاسماء الذي ذكرتها وقرأتها وانت اعرف بحقها
مني واسئلك يا ذا المن العظيم والجود الكريم ولي الدعوات المستجابات
والكلمات التامات والاسماء النافذات واسئلك يا نور النهار
ويا نور الليل ويا نور السماء والارض ونور النور ونورا يضيء به
كل نور يا عالم السر والخفيات كلها في البحر والبر والارض والسماء

در اختیارات مجلسی ره
مذکور است که هرگاه
در وقت سفر باید توکل
تفویض و اعتماد بر جناب
اقدس الهی نمودن در
جمیع امور و استمداد
از حضرات ائمه معصومین
نمودن هر که خواهد به
سعادت مبدل گردد
توسل بائمه کند و دعا
تصدق تدارک هر بلا
از ابتدا میکند و در خبر
است که معلی بن یعقوب
گفت بخدمت حضرت امام
علی النقی ع رفتم فرمود
که اگر درد و زخم شمشیر خواهی
بیرون روی و پیش از
متوجه شدن سوره
حمد و معوذتین و آیة
الکرسی و انا انزلناه بخوان

دفع ضرر شمشیر

و آیات از سوره آل عمران ان فی
خلق السموات والارض
تا انک لا تخلف المیعاد
و در نجف بخوانند تا آن
سوره بخوانند باشد
از آفات محفوظ
چون مسافر بیرون
رود غسل کند و دو
رکعت نماز کند و در
رکعت اول بعد از
حمد سوره فاتحه بعد از
حمد انا فتحنا و در دوم بعد از حمد
انا انزلناه و بعد از
و بعد از سلام
بخواند اللهم انی
استودعک نفسی
و اهلی و مالی
و ذریتی و دنیای

واخرتی وامانتی و
خاتمة علی در مصباح آمده
از امام محمد باقر نقل است
روایت شده است
که در وقت بیرون
رفتن از خانه بگوید
بسم الله و بالله
ولا حول ولا قوة الا
بالله العلی العظیم
توکلت علی الله انه
بگوید حسبی الله توکلت
علی الله اللهم انی اسئلک
خیر اموری کلها واعوذ
بک من خزی الدنیا و
عذاب الاخرة و باید که
از دعای جوشن کبیر
و دعای حرز جواد
و احراز دیگر که در
محل خود مذکور
شد با خود دارد تا از بلا

لستیق عنبر

ایمن گردد و در کتاب
زاد السفر ... است
ابن ابی ... بخواند ان
الذی فرض علیک
القرآن لرادک الی
معاد و در عقب
آن حمد و آیة الکرسی
بخواند اذان و اقامه
بگوید فائده جرعة
وهو ارحم الراحمین
اصف ... منقول است که
قل هو الله احد
را بسلطنق بنویسد
کرامن عابد و
ضعف اول را
در خانه بگذارد
وضعف دیگر
را با خود دارد
روز

والجبال واسئلك يا من خلق البرّ والبحر والارض والسّماء يا من لا تفنى
ولا يبيد ولا يزول ولا له شئ موصوف ولا اليه حدّ منسوب لا معاله
ولا له سواه ولا له في ملكه شريك ولا تضاف العزّة الّا اليه ولم يزل
بالعلوم عالما وعلى المعلوم واقفا وللامور ناظما وبالكينونيّة عالما و
للتدبير محكما وبالحقّ بصيرا وبالامور خبيرا انت الّذي خشعت له الاصوات
فيك الاحلام وضاقت دونك الاسباب في ملاء كلّ شئ منك وهرب كلّ شئ
اليك وتوكّل كلّ شئ عليك وانت الرّفيع في جلالك وانت البهيّ في جمالك
وانت العظيم في قدرتك وانت الّذي لا يدركك شئ وانت العليّ الكبير
مجيب الدّعوات قاضي الحاجات مفرّج الكربات وليّ النّعمات يا من
هو في علوّه دان وفي دنوّه عال وفي اشراقه منير وفي سلطانه قويّ
وفي ملكه عزيز صلّ على محمّد وال محمّد واحرس صاحب هذا العقد وهذا
الحرز وهذا الكتاب بعينك الّتي لا تنام واكنفه بركنك الّذي لا يرام
وارحمه بقدرتك عليه فانّه مرزوقك بسم الله الّذي قويّ
الشّان بسم الله الرّحمن الرّحيم بسم الله وبالله لا صاحب له ولا ولد له بسم الله
قويّ الشّان عظيم البرهان شديد السّلطان ما شاء الله كان وما لم
يشأ لم يكن اشهد انّ نوحا رسول الله وانّ ابرهيم خليل الله وانّ
موسى كليم الله ونجيّه وانّ عيسى بن مريم صلوات الله عليه وعليهم اجمعين
كلمته وروحه وانّ محمّدا صلّى الله عليه واله وسلّم خاتم النّبيّين لا نبيّ
بعده واسئلك بحقّ السّاعة الّتي يؤتى فيها ابليس اللّعين في تلك السّاعة

الّتي

ابن طریق

النبی و الله ما انا مهیج مردة الله نور السموات والارض وهو القاهر

وهو الغالب له القدرة السابقة وهو الحکیم الخبیر اللهم واسئلک

بحق هذه الاسماء کلها وصفاتها وصورتها وهطاه مهه ۲ عه

حجب وصبح هاه ده ۹۸ حو ۴ مار ۹ فالح ۶

حدحی ۹ دره مع لا ماحد لا هره ۹ محرم ماماع

ک ۱۱۱ ۸ ۹ ۱۱ ۶ ۱۱۱۱ ۹ ۶ ۸ ۱۱۱ ۱ آ ۹۹ ۶ ۱ ۸ ۱۱

۱۱۱ ۱ ۸ ۱۱۱ ۹ ط ۱۱ ۸ ۱۱ ۸ ۸ ط ۶ ۸ ۸ ط م

ک ۱۱۱ ۸ ۹ ۱۱ ۴ ۱۱۱ ۹ ۶ ۸۸ ۱ ۸ ۱ ۸ ۱۱۱ ک

حا ا ک ا ه ۷ ۷ ۱۱۱ ۷ ۱۱ ۹ ۷ ۱۱ ۱۱۱ ۷ ۱۱

ط ۸ ۸ ۹ ط ط ۱۱۱ ۹ ۱ ۸ ۸ ۸ ۱ ۹ ط ۱۱۱ ۹ ۸ ۹ ه ک ک ک

۱۱۱ ۷ ۱۱ ۱۱ ۷ ۱ ۷ ۱۶ ۸

۱۱ ۸ ۸ ۹ ط ط ۱۱۱ ۹ ۱ ۸ ۸ ۸ ۹ ۶ ۱۱ ا ۸ ۹ ۶ ۶ ۶ ۹ ۹ ام ۱ ۸ ۱ ۸ ۱ ۸ ۱

چون ارقام مذکوره در دو نسخه مختلف بنظر صاحب مهیج الدعوات رسیده از برای احتیاط هر دو نسخه را نقل نموده و این صورت تکرار ارقام سابقه بنا بر نسخه دیگر است مهه ۲ حجب وصح حاه ۹ حو لحه ما

مالح ک حدحی ۹ ره مع لا تاخذ لا مره ۹ حمه هم لما مانع

خود دارد که خواص زیاد دارد مشکل را تیز با

۵ ۱۱۱ ح ح و ۰ م ا ل ه

در معالجه جیش انست چون عازم سفر گردی پیش قطع کن علایق خود را از مردم و فیصل ده معامله خود را از مردم و خود را از حقوق مردم فارغ کن و نظر کن اخذ

دفع وحشت

امر عیال آن خود وکنانه که واجب است برتو نفقه و کسوه ایشان پیش مهیا کن ایشان را از ذکر واست در مدت ان سفر بیب وصیت کن بعضی بیکر ایشان رضا بعضا بعضی دراو سنت و در روفر عزم سفر غسل کن و وضو لباس زید و بعد النحلک برابر کن عشق در بست کن و افضل خود را جمع کعب نماز و جمیع خود را از صدابیم بطلب و از بر الکتیبه بعنوان و حجل

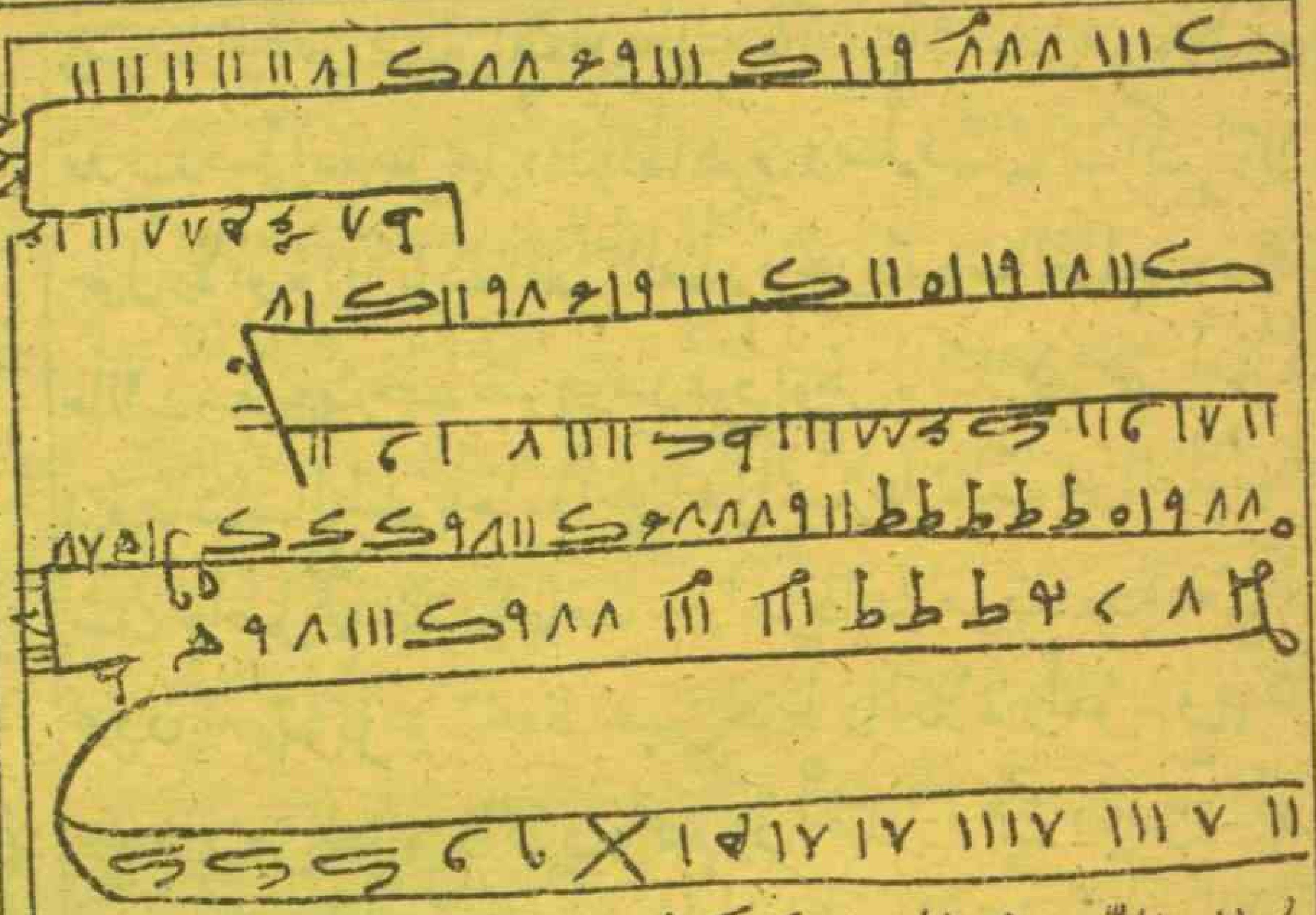

سُبحان الذی خلق العرش وَالکرسیّ واستوی علیه اسئلك ان تصرف
من صاحب کتابی هذا کلّ شیٔ ومحذور فهو عبدك وابن عبدك وابن
امتك وانت مولاه فقد اللهمّ یاربّ الاسواء کلّها واقمع عنه ابصار
النّاظرین الظّالمین والسنة المعاندین والمریدین له بالسّوء وَالضرّ
وَادفع عنه کلّ محذور ومخوف وایّ عبدٍ من عبیدك او امةٍ من امائك
او شیطان ماردٍ او شیطانة اوجنّی اوجنیّة اوغول اوغولة اراد
صاحب کتابی هذا بظلم اوضرّ اومکر اومکروه اوکید اوخدیعة
اونکایة اوسعایة او فساد اوغزیة اومظلوم او اصطلام
اوعطب اومغالبة او غدر او قهر اوهتك ستر او اقتدار اواعانة
اوعاهة اوقتل اوحرق اوانتقام اوقطع اوسحر اومسخ اوفخ خل
اومرض اوسقم اوبرص اوبؤس اواثر اوسغب اوعطش او

بجا آورد و بر پیغمبر وآل و
او صلوات بفرستد و
بگو انچه درمصباح
الزائر نقل شده بان
اینست اللهمّ انّی
استودعك الیوم
نفسی واهلی ومالی
ودینی ودنیای واخرتی
وخواتیم عملی ومن
کان منّی بسبیل الشا
هد منهم والغائب اللهمّ
وصلّ علی محمّد وآل محمّد
احفظنا بحفظ الایمان
واحفظ علینا اللهمّ اجعلنا
فی رحمتك ولا تسلبنا
نعمتك ولا تغیّر ما بنا
من عافیتك وزدنا بفضلك
انّا الیك راغبون اللهمّ
انّا نعوذ بك من وعثاء
السفر وکآبة المنقلب وسوء
المنظر فی النفس
والاهل والعیال و
الاخرة اللهمّ انّی
اتوجّه الیك هذا التوجّه
طلبا لمرضاتك وتقرّبا
الیك اللهمّ فبلّغنی
ما اؤمّله وارجوه
منك ومن اولیائك
یا ارحم الراحمین یارب

حسن و حسین
ا ۵

حم الراحمین و بر
سر ابابکر بعد محمّد
رسول الله و علیّ
امامه و ورائه
وفاطمه فوق رأسه
والحسن عن یمینه
والحسین عن یساره
وعلیّ ومحمّد وجعفر
وموسی وعلیّ ا
ومحمّد وعلیّ و
علیّ والحسن و

ادرسته

وسوسة او نقص فی دین الله او معیشة فاکفنه بما شئت انک علی کل شئ
قدیر وصلی الله علی محمد واله الطاهرین وسلم تسلیما کثیرا کثیرا ولا
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم والحمد لله رب العالمین ودر همه
حالات سفر بجهة حفظ نفس خود وعود بوطن با سلامتی صحت با خواندن
این دعا مناسب است یا جامعا بین اهل الجنة علی تالف بین القلوب و
شدة تواصل لهم فی الجنة ویا جامعا بین اهل طاعته من خلقه ویا مفرج کل
محزون یا مسهل کل عزیز بحفظ بحسن الحفظ والکلاءة والمؤنة لی یا مفرج
فرج ما بی من الضیق والحزن بالجمع بین احبائی وبینی ویا مؤلفا بین
الاحباء لا تفجعنی بانقطاع رؤیة اهلی عنی ولا تفجع اهلی بانقطاع رؤیتی
عنهم بکل مسائلک اسئلک وادعوک فاستجب لی بذلک دعائی
واقل رفیق سه نفر واکثرش هشت نفر وبا رفقا موافقت کن مگر در
عصیان واگر بیمار شوند سه روز مکث کنند وچون در عرض راه بالای
بلندی یا تلی برآئی بگو الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر و
الحمد لله رب العالمین اللهم لک الشرف علی کل شرف وچون به جسری رسی
بگو اللهم ادحر عنی الشیطان الرجیم وچون در منزلی فرود آمدی بگو رب
انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین ودو رکعت نماز بکن وبنشین وبگو
اللهم ارزقنا خیر هذه البقعة واعذنا من شرها اللهم اطعمنا من جناها
واعذنا من وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی اهلها الینا
وتوشه در سفر با خود دارد داخل در شرافت است واگر یکنفر باد و

والمحسن والحجة علیهم السلام
تحول الحق عما خلقت
منهم خیر منهم فاجعلنی
صلواتی بهم مقبولة و
دعوتی بهم مستجابة و
حوائجی بهم مقضیة و
ذنوبی بهم مغفورة و
ارزاقی بهم مبسوطة
روایت حضرت امیر ع
هر که خواهد بسفر رود
باید که چهار سنگریزه
بر دارد و در دو بغله بر
ایستد و آنها را بر چهار
جانب خود اندازد منی
ضامنم از سفر بخیر کرد
سنگ اول را بطرف
راست اندازد و بگوید
یا الله البشر و سنگ دوم
را بجانب چپ بیندازد
و بگوید یا اعظم الخطر

اداب سفر

سنگ سیم را بر
یمین رو بلند اندازد و
بگوید ایاک نعبد و
وایاک نستعین و
سنگ چهارم را در
پشت سر اندازد و
بگوید بسم الله الرحمن
الرحیم روانه شود و
محفوظ ماند اما در
کتاب مقال مذکور
منقولست که بهترین
روزهای هفته
[illegible] منقطع
[illegible] از مصباح
کفعمی نقل شده
روز شنبه و
بعد از آن روز
سه شنبه و پنج
شنبه بهترین روز
هاء

نفر

فصل نهم در دفع ضرر دو نفر در راه ببینی احوال بپرس با حذر باش در دفع ضرر سباع و کلاب و ذئاب از حضرت امیرالمؤمنین ع منقولست چون کسی از شر حیوانات درنده ترسد بر دور خود خطی بکشد و بگوید اللهم رب دانیال والجب ورب کل اسد مستاسد احفظنی احفظ ما معی در حدیث دیگر منقولست حضرت صادق ع بشخصی فرمود که چون شیر را ببینی در روی او آیة الکرسی بخوان و بگو عزمت علیك بعظمة الله وعزیمة محمد رسول الله وعزیمة سلیمان بن داود ع وعزیمة علی امیرالمؤمنین ع من بعده الا ان تجنب من طریقنا فلم تؤذنا فانا لا نؤذیك راوی گفت که بشیری برخوردم و این دعا را خواندم شیر سر را بزیر انداخت و دم را میان پاهای خود کشیده برگشت و از حضرت امام رضا ع منقول است که چون شیر را ببینی سه مرتبه بگو الله اکبر بگو دیگر بگو الله اعز واجل من کل شیء واعوذ بالله مما اخاف واحذر چون سگ بر روی تو حمله کند و حمله آورد آیه یا معشر الجن الی آخر آیه را بخوان **در مکارم** مذکور است که چون کسی از درنده ترسد بگوید قل للذین امنوا یغفروا للذین لا یرجون ایام الله لیجزی قوما بما کانوا یکسبون واذا قرات القران جعلنا بینك وبین الذین لا یؤمنون بالاخرة حجابا مستورا وجعلنا علی اکنة ان یفقهوه وفی اذانهم وقرا وان یروا کل ایة لا یؤمنون بها حتی اذا جاءوك یجادلونك یقولون

هاء هفته که از تبراء
سفر دوشنبه و چهار
شنبه و روز جمعه قبل
از ظهر است

جهت گریخته

قدری آب
در شیشه ریخته و روی
آتش بگذارد تا بجوشد
که آتش در دل او گرفته
بزودی مراجعت نماید
و همچنین گفته اند که —
حمد را وارونه بنویسد
بخوانند بنام غائب و —
مادرش و در آتش اندازد
البته بزودی مراجعت نماید

فصل نوع دیگر

از خفتن و بر
بعد از عشا غسل کند و بر
بام بالا رود آیات را
دست بخود انکارات
بنویسد و بعد از غسل
سجده بگوید و بخواند برود

دفع شر

پیری که در خواب او را
از احوال او خبر دهد
این است سعصلم —
سح سصعصح محسن
العین حم صنع اله
الا والله در خونبه
الا وستر او عملکعد
است این نور الله نور
السموات والارض
مثل نوره در سوره
نورنا بغیر حساب
را بر حرم کبود بر
زعفران و گلاب
بنویسد اسم غائب
بر باد او برد بزودی
مراجعت نماید
ایضا احصنا و غائب
مثال جاج صادق
فتدها دع نیاورد
جمل عدد با اقلاو برده دانم

از آن

الذین کفروا ان هذا الا اساطیر الاولین ایضاً اید افعیرد بن
الله تا اخر آیه در آل عمران ایضاً در سوره توبه لقد جاءکم رسول
من انفسکم عزیز علیه ما عنتم الی اخر سوره بخواند محفوظ ماند انشاء الله تعالی
بجهت گزیدن سگ یا شغال دیوانه این اشکال را بر نان نوشته به
خورد شفا یابد کرح ه ه ٢ حال مماصاه وامره ع ١١١
من ه وهل سرف ما لنخر بدل کرح ح ه ته ساح ح د
مر لا من و اامره ح اا آمره ته ل وح ه
وه ل موف ح ه ١ و در خزانة الاسرار آورده که هر که اسم الحلیم الکریم
را بنویسد و بکسیکه او را سگ دیوانه گزیده باشد بدهد بخورد دفع
سمیت از آن آزار کرده شود باذن الله تعالی **دفع ضرر گرگ** این
زهره در خزائن آورده که فاذا بناکه او را عود صلیب گویند در گردن
گوسفندی ببندد زند و در هر گله که آن گوسفند در آن باشد از گرگ آسیب
بآن گله نرسد

فصل نهم در دفع ضرر دزدان و قاطع الطریق

و موذیان از حضرت امام موسی کاظم علیه السلام
منقول است که هر که در سفری باشد از دزدان و درندگان برسد
بر یال اسبش بطریق کتابت بنویسد لا تخاف درکا و لا تخشی تا ضرر
ترس و خوف از انها دفع شود باذن الله تعالی راوی گفت که من به سفر
حج رفتم و در میان بیابان جمعی از عربان آمدند و قافله ما را زدند و
من در میان ایشان بودم و این بر یال اسبم نوشتم پس بحق انخداوند که

الذین [illegible] ایضاً بجهل و بکدانه فلغل
کر جحر جنت من سرکار
اعمر ۱۲ اندازد
بجهت بسماء بخواند در
و سوره ان قال و حی را
دستور و بانام آن سوره
داند آن نام هامان
دانند آن نام آن و برده
غایب را بنویسد و برده
و برود دیگر اسم
اما بر بلدی [illegible]

ذاغل بعند [illegible] در ۱۲ شطلینا اندازد
و هر که کدام بیکار بخواند الا طائه
ایضاً نوع دیگر
جهت دزد برده و گریخته
این اسم را بر سم قطعه که
از گریبان گرفته باشند

دفع شر

بنویسند و نام
کسی که یا دزد را در
آن بنویسند و آن
خامه را بر میخ کرده
دیوار خانه که چیزی
دزد برده باشند یا
کسی که یا گریخته باشند محکم کنند
از دزد بد یا [illegible]
بد بست [illegible]
و لکن و جنید هو معه [illegible]
هذا فاسد [illegible]
انها [illegible] ان الله علیکم
[illegible] ان الله [illegible]
در و رده [illegible] المنافع
رست اثر و مدار [illegible]
عیب را [illegible]
نویسند و در [illegible]
اندازد و [illegible]

وکوئش فرا وارد اکر اولو
حنون نشود غائب دمع
وخوشتر است اکر آیات
کبیره ونالہ نشنود دلالت
بمردن وبیماری بی غاد
دارد یا قوم انما هذه
الحیوة الدنیا متاع .
وان الدار الاخرة هی دار
القرار من عمل صالحا
فلنفسہ من وذکر او انثی
بعضہلك عزیز ابیت
ننجہ بدل انضا بوبید
بدبسفال ابدبدبدہ نام
دزد باکر تخبر رابنوبید ١٣٢١
دزد ابدبدا ازد ابند
[illegible] شعو و [illegible] یا فلان
وابسم ملل

حضرت رسول ص را برسالت فرستاد وحضرت امیر المؤمنین ع را بامامت مشرف کردانیده که خداوند ایشانرا از من کور کردانیده واسیبی بمن نرسانیدند ایضاً بجهت دزدان در سفر این قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن الی اخر سورهٔ بنی اسرائیل بایید دعا بخواند یا ودود یا ودود یا ذا العرش المجید یا فعالاً لما یرید اسئلك بعزتك التی لا ترام وملکك التی لا یضام وبنور وجهك ملاء ارکان کل شئ وکل عرشك ان تکفینی شر اللصوص یا مغیث اغثنی سه بار بکوید واز جملهٔ اسرار است که چون کسی خواند وخواهد از نظر دزدان وظالمان وقاطعان طریق وموذیان مخفی کردد بکوید فتح محمت بردارد سنکریزه بعدد حروف مجروحه این کلمه بدست چپ وان سه حرف است جیم وخاء وتاء است وبعدد حروف منصوبه ان بدست راست وان چهار حرف است فا وقاف ودو میم پس اول پنج از منصوبات بدست راست خود بیفکند ودر ان حال بکوید افحسبتم انما خلقناکم عبثا وانکم الینا لا ترجعون پس دوم از جانب دست چپ بیندازد وبکوید یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان پس چهارمین از پیش رو بیندازد وبکوید وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون بعد از ان سه سنك مجروحه که در دست چپ دارد با عمامه یا خود دارد محفوظ ماند یکی از ثقات حکایت کرده که

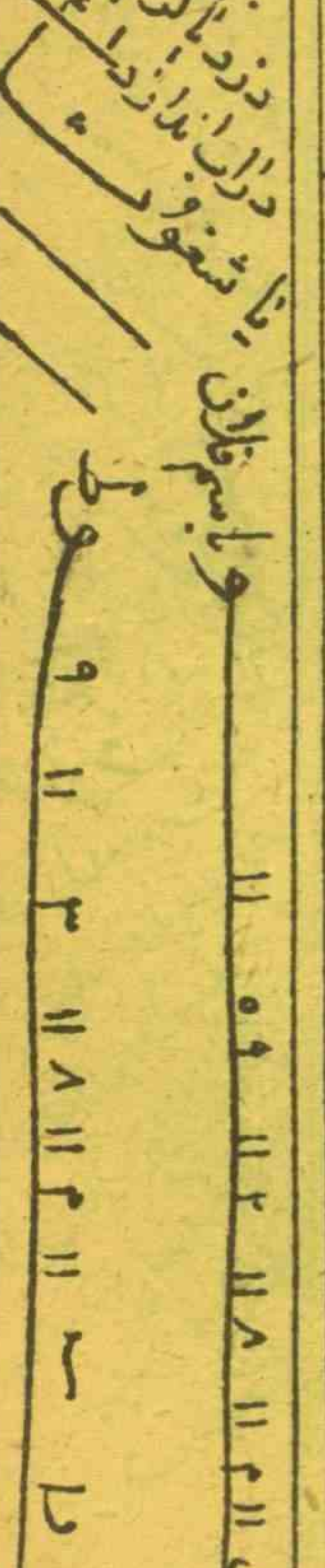

دا نیز کند
حکو ع
کیسہ
متهمین بنویسد
هر یکرا
بنجو رند
دزد بود
دارد بدهد
علاحدہ
بکر ابن الاثار را
عدد جمعیت حطان
جنز عدد ان
دزد بوده
اوخاجمة

سفر

سفری از اصحاب میباحدیم ودر قافلها بودند جمعی از مکاریان وتجار که با ایشان بار بسیار بود واز راه داران تا اهل اندیشه نالی بودند پس من استعمل کردم واز شر راه داران اهل وقافله ویاران ایشان سالم ماندند ونتوانستند متعرض ماشوند **نوع دیگر** بناء مدینه است یعنی حصار وشهر ساختن از شر اشرار وانجا نیست که با اطرافات آن باشد. وروی بقبله بایستد یا بسجده افتد واین دعا را بخواند اللّهم انی احتجب الیک وبنور وجهک الکریم الجلیل القدیم الرفیع العظیم الغنی الرحیم القائم بالقسط لا اله الا انت العزیز الحکیم وبمحمد صلی الله علیه وآله صلواتک علیه وعلیهم وباولی العزم من المرسلین صلواتک وتحیاتک علیهم اجمعین وبملئکتک المقربین رضوانک علیهم اجمعین وببیتک المعمور وبالسبع المثانی والقران العظیم وبکل من یکرم علیک من جمیع خلقک اجمعین لانفس اهل بیت نبیک محمد صلواتک علیه وعلیهم ولاولادهم ولاهالیهم ولجمیع ما ملکتهم وتفضل علیهم ولاولادنا ولانفسنا ولاهالینا ولجمیع ما ملکتنا وتفضل علینا من شر وجمیع ما قضیت وقدرت وخلقت وشر جمیع ما تقضی وتقدر وتخلق ما احییتنا وبعد وفاتنا بسم الله الرحمن الرحیم قل هو الله احد الی اخر سوره وبعد از تمام ان هر مرتبه بگوید کذالک الله ربنا عن فوقهم وعن فوقنا وبعد سه نوبت بگر همین طریق سوره توحید را با بسم الله بخواند تا اخر وهر مرتبه بعد از تمام ان بگوید کذلک الله ربنا عن ایمانهم وعن ایماننا پس سه مرتبه وبگر همین دو ش

اینا بینت ان لدینا
انکالا وجحیما وطعاما
ذا غصة وعذابا الیما
یوم ترجف الارض و
الجبال وکانت الجبال
کثیبا مهیلا انا ارسلنا
الیکم رسولا شاهدا علیکم
کما ارسلنا الی فرعون
رسولا فعصی فرعون
الرسول فاخذناه
اخذا وبیلا **نوع دیگر**
وعنده مفاتح الغیب
لا یعلمها [illegible] حرما لکنا
ود بنویسد ودر دفن
خواب در زیر سر گذارد
واز خداوند بخواهد
انچه بر او مشتبه باشد
ودر خواب بر او ظاهر
شود
نوع دیگر ابن ابیره را بر گریبان جامه

جمع دزد

که اول ماه بریده ودر
باشند بنویسند
کردن ان بنویسند وازاینجا بیرون
فلان بن فلان دزد کیسه
اید بموضع رود ومیخ اهنی
اورا نه بیند ومیخ فرو برد
تازه بران قصه [illegible] دفن کند
ودرد برحال [illegible] پیدا شود
[illegible]
الا ایمنت [illegible]

ولو ارادوا
الخروج لاعدوا له
عدة ولکن کره الله
انبعاثهم فثبطهم
وقیل اقعدوا
مع القاعدین
نوع دیگر
بند زبان دزد
این طلسم را بر
زبان بد هر کس
بنویسند [illegible]

توحید را خواند هر مرتبه بعد از اتمام کردن ان با بسمله بگوید کذلک الله ربنا عن خلفهم وعن خلفنا پس سه مرتبه دیگر بگوید کذلک الله ربنا عن یسارهم وعن یسارنا پس سه نوبت دیگر بخواند و هر مرتبه چون به اتمام رسد بگوید کذلک الله ربنا عن حوالیهم وعن حوالینا عصمهم و حصنا وحرزالهم ولسنا من کل سوء مسنا وضر ومکروه ومخوف ومحذور و شفاء ما عشنا وبعد مماتنا بقدرة ربنا انه علی کل شیء قدیر ولکل شیء حفیظ وصلی الله علی محمد وآله اجمعین **ودر بحر المنافع** آورده از حکمتهای غریبه و عجیبه که هر که در شب یکشنبه چون تیر شهاب به جهد در همان اثناء جستن تیر شهاب و پیش از انکه بجائی بپیوندد د لنگ جامه یا ریسمانی را گره زند و از او در خانه یا کشت زاری که بر جا ان چیزی گرفته باشد در یکجانب انجا این گره را در چوبی یا چیزی بدارد هر که بدزدی درانجا در آید و چیزی بر گیرد دستهای او بسته گردد بدانحالتی که باشد واگرچه نفر باشد نیز همین حالت دارد تا انزمانیکه خصم بیاید و گره را وا نکند گشاده نمیشود

فصل دهم

در جستن چهارپا و رد ضاله و گریخته و غائب و دزدیده اما رد ضاله مروی است که حضرت امام رضاء فرمود که هر گاه از او چیزی گم شود این آیه وعنده مفاتح الغیب را تا مبین از انعام بخوان و بگو اللهم انک لاهدی اللهم انک من الضلالة وتنجی من العمی وترد الضالة صل علی محمد وآله واغفر لی رد ضالتی وصلی الله

منهمین بخود بدزد اگر دزد
باشد کلوخی بگیرد
[illegible]
[illegible] انصا
رب طلسم را بر کاغذ [illegible]
از انکس که گمان دزدی دارد
بنویسد در زیر [illegible]
کتاب یا رب [illegible]
در زیر [illegible] انه
هر دو [illegible]
طلسم این است ف ۱۱۱۱
[illegible] ۷ ه
طهم هو مسلح بنام
کهیعص [illegible]
فلان ابن فلان در یک مجلس
گمان دارد در یک [illegible]
حاضر نموده [illegible]
چهار پهلو او نوشته
یک پهلوی او والقرآن الحکیم
ص والقرآن
در پهلوی دیگر بنویسد
ق والقرآن
در پهلوی دیگر [illegible]
کهیعص بر زمین [illegible]
مبارکه [illegible] سوره
بعد انها را بخواند
خبر بدهد که دزد [illegible]
دزد بوده
در خواص این آیه مبارکه
آورده [illegible]
کتانیکه گمان دارد
بعد از ان [illegible]
[illegible] و بنویسند و
اسم هر یک را در چیزی
از کاغذ نوشته
و چیزی حاضر کرده
[illegible]
[illegible]

علی محمد وآله ایضاً بجهة رد گم شده وغایب بسیار مداومت نماید
یا جامع الناس لیوم لاریب فیه ان الله لا یخلف المیعاد اجمع بینی وبین
کذا ایضاً بد مستور ومذکور یا من لا یخفی علیه مکتوم ولا یبعد عنه معلوم
معلوم ولا یبغا الیه ممنوع ولا یبطا وله رفیع اوددد بفلد زنك علی ما فی فضلك
انك اهل المجرات ایضاً خواندن سوره عبس و والعادیات وخواندن
اسید وبیت است نادعلیاً مظهر العجائب تجده عوناً لك فی النوائب
کل هم وغم سینجلی بولایتك یا علی یا علی یا علی وخواندن
سوره توحید را سر مرتبه وهر مرتبه بدست چپ ببندد زیر جامه
خود گره زدن مجرب رسید که بزودی تاثیر میکند ودر جنة الواقیه
مذکور است که از برای گم شده استغاثه کردن بابراهیم ادهم در
بعضی از کتب اصحاب مذکور است که پیدا میشود وا نیز مجرب رسیده
است اما بجهة گریخته از حضرت صادق منقول است که بر روی یا
کاغذی بنویسد وبپیچد ودر میان دو چوب نهد واز درخت
نارنج در جائی که انگریخته میبوده ببندد ازد یا در جائی که آن
گریخته بود پنهان کند ویا در زیر سنگ گران بزودی باز آید
بسمله بد فلان بن فلانه مغلوله علی عنقك اذا اخرج یده لم
یکد یریها ولم من لم یجعل الله له نوراً وبجهة حبس چهار وا-
مکرر بگوید یا عباد الله احبسوا زنا جار وا میا ببندد واز
حضرت رسول ص منقولست وحکایت کرده اند بعضی از مشایخ را در سفری

قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون [illegible]

دیگر [illegible]

کهیعص حمعسق [illegible]

وما انزلنا علی قومه من بعده من جند من السماء وما کنا منزلین [illegible]

وکلمه را امر باب علیحده ببرد و
لطف بفهمد و بعد سوره [illegible] بخواند
مبارک [illegible]
همه کس [illegible] بحرکت [illegible]
[illegible]

۹۰۰۰۹۳۹ص۱ص۹ص۹

ه ح ح ۸ ع ه ۳۲۲۲ ۹۴

اما دو [illegible]

استرش کر بخت این حدیث را شنیده بود بعمل آورد استرش محبوس ماند تا رفت او را گرفت

نوع دیگر بجهت باز آمدن گریخته این آیه را

بدین روش نوشته بر پیشانی قبله بیاویزد بیاید شود انشاء الله تعالی

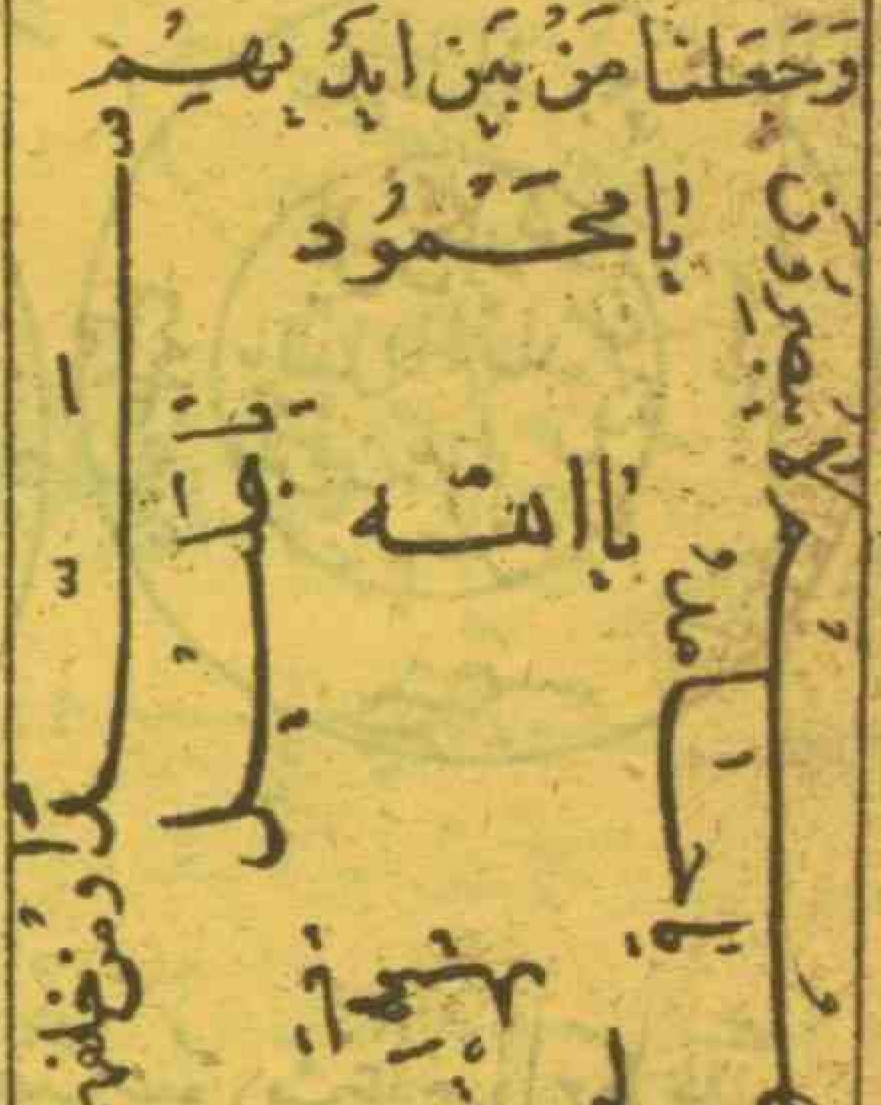
بسم الله الرحمن الرحیم
وجعلنا من بین ایدیهم
یا محمود
یا الله
لا یبصرون

این شکل را بنویسد و اسم گریخته را در وسط بنویسد و با سوزن در زمین استوار کند مجرب است

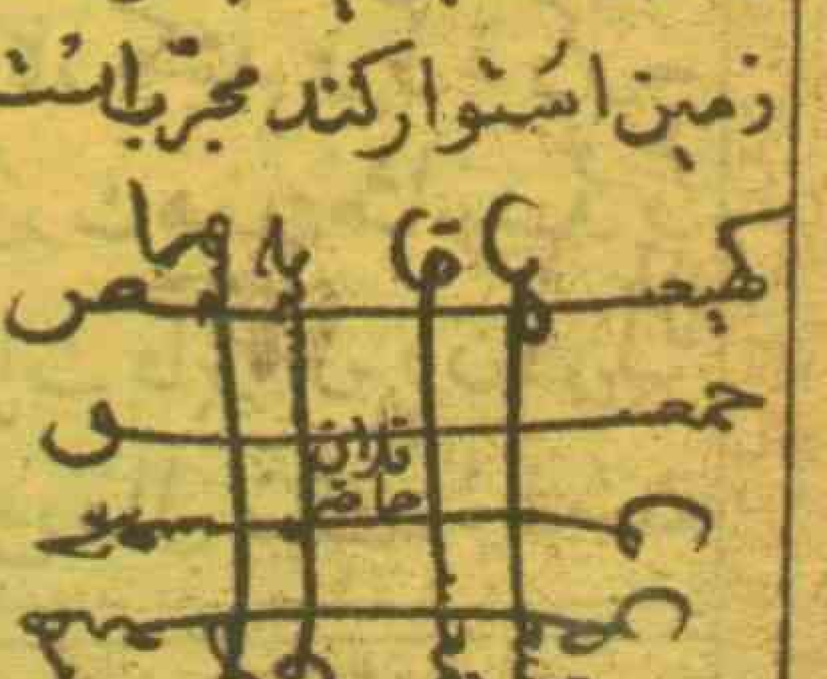

نسخه دیگر جهت گریخته بنویسد و بر باد بیاویزد و نام گریخته را در وسط بنویسد باز آید انشاء الله تعالی

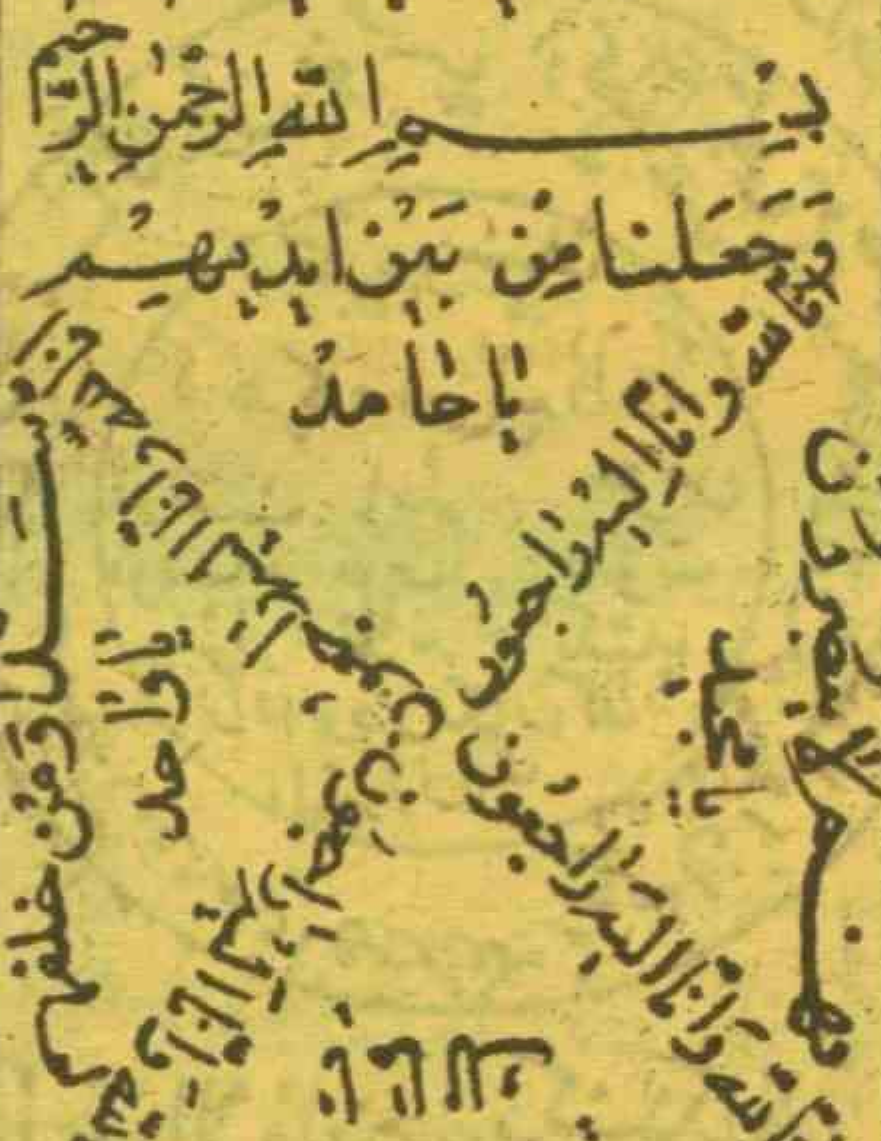
بسم الله الرحمن الرحیم
وجعلنا من بین ایدیهم
یا حامد
وانا الیه راجعون
لا یبصرون

جهت حیوان گمشده بنویسد در میان دو سنگ بگذارد و اگر صد فرسخ راه رفته باز آید بعون الله وان
ابنت بسم الله الرحمن الرحیم
الله لا اله الا هو الحی القیوم
یا راد الشمس لعلی بن ابیطالب
اردد صاحبها نام
و رنگ حیوان را بنویسد

صحیح
شود و دو درهم مبین کرده
و طبق بجهت امید دارد
جهت گریخته دو درهم کار و
اورده کرده دو رکعت نماز
بگذارد و در هر رکعت
بعد از اتمام اول سوره
حدید الی قوله بصیر و آیه
لو انزلنا الی آخر سوره
خواند و چون فارغ شود
بگوید یا منه هو هکذا
و الا هو هکذا
عزه اجعل الدنیا علی
فلان اضیق من
[illegible]
صاحبها مشغول [illegible]
کفعمی آورده که چون
از کسی چیزی گم شود
اینها بنویسد و باید که در
[illegible] روز جمعه
هفت رکعت نماز
کند و چون

[illegible]

جهة گریخته این دایره را هفت
کشید
بار بخواند و دایره را باین طریق
و ابدا بر دور دایره بنویسد نام او را
و مادر او را در وسط دایره بنویسد
مصحف نهد گریخته باز آید بعون الله

دایره این

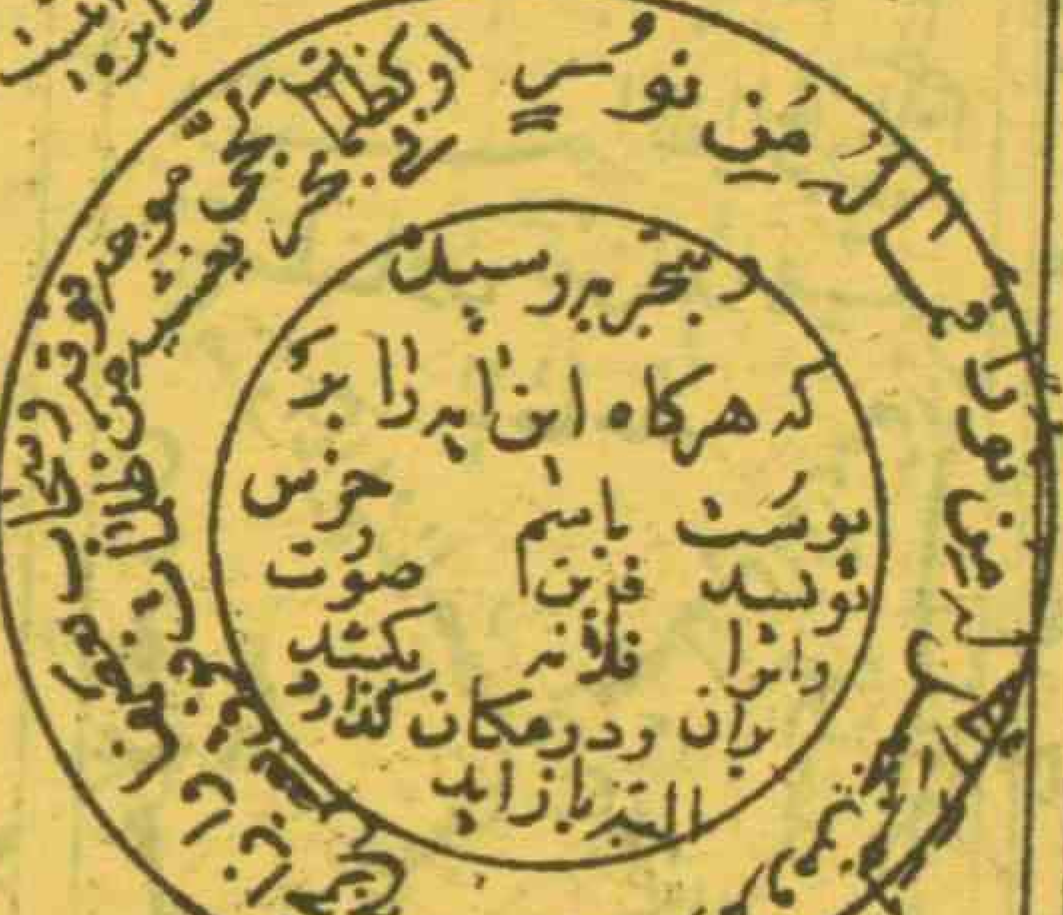

او کظلمات فی بحر لجی یغشیه موج من فوقه موج من فوقه سحاب ظلمات بعضها فوق بعض
و من لم یجعل الله له نورا فما له من نور
و بتحریر برسید
که هرگاه این دایره را بر
پوست خرس
بنویسد
باسم
فلان بن
فلانه
دایره را
بکشد
و در مکان گذارد
البته باز آید

ایضاً این دایره را بکشد و در
جای گریخته دفن کنند و سنگ
گرانی بالای آن گذارد گریخته
بعون الله تعالی باز آید مجربست
و دایره این است

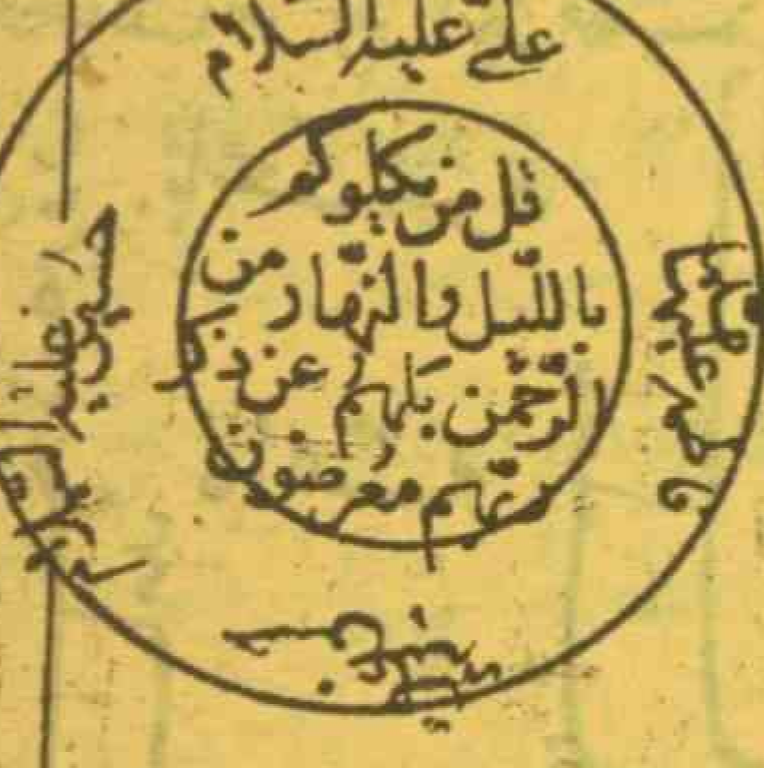

علی علیه السلام
قل من یکلؤکم باللیل و النهار من الرحمن بل هم عن ذکر ربهم معرضون
حسین علیه السلام

در حرز الامان جهت سرگشتگی آبق
و سارق و رجوع ایشان بی اختیار
از کتاب در النظیم نقل کرده این دایره
را با اسم مرقوم ذو الکتابة بر پارچه
مشک ابخورده با پوست کدو بنویسد
پس از خانه بیرون او در جانب
هیچ آدمی را چشم ها بر او

ایضاً صورت غائبی را بر کاغذی
با صندل سرخ و آبچاه حل
نموده از همان صندل دایره
با پرگار بکشد و گرد و گرد
صورت هفده صاد بنویسد بر
اطراف
اطراف دایره از بیرون در یک
نسبت ذو دو دال بنویسد و نوشته

برای پیدا شدن گمشده
دو رکعت نماز باید کرد
و بعد از دو رکعت نماز فاتحه
یکبار و سوره یس یکبار
و چون فارغ شود بگوید
اللهم یا رادّ الضالة ردّ
علی ضالتی این شکل را بنویسد
و در وسط کاغذ
مقراض اشاره
عاید هر کجا
دو نفر اهل [illegible]
بجهت
گم کردن
اند اخص میان [illegible]
نفریق اخشد [illegible]
است
فتنه صفعا مقراض
اوبجد الطهل
ان ابجد
دو نفر
جنات
فاخرجناهم من جنات
و عیون و کنوز و مقام
کریم و اورثناها [illegible]
نفعلون ان سوره
نفعه با شرایط ارزان
و دیگر گردن حروف
بعضی [illegible]
بمکان ببرد هم
مقصود حاصل الله
نوع دیگر ابجد
در سوره انشقاق
ان الله [illegible]
یا جامع
الامان [illegible]
را

وارد ایضاً و در آن کتاب
گریخته را ذکر شد فایده
در دو ساعت و دوده
الکلمات بغیر حساب
العظیم خواندن آن
است بروایت علی علیه
کذا فاتم را جامع
عفا الله الا هو الجامع
یا جامع الشتات یا من

را بر قدح زجاج نویسد و آن را با آب باران بشوید و آن موضع که گمان دارد کاوش کند از دفینه بر او ظاهر گردد انشاءالله هر که دفینه نهاده باشد فراموش کرده باشد موضع را با دفینه پیدا نماید [illegible] است چون بر قرائت سوره والضحی علامت نماید بوجهی از وجوه آن موضع را باید و بر دفینه اطلاع شود انشاءالله اول سوره بقره و اذ قتلتم نفسا فادارأتم الی تعقلون را کتابت کند و آن مکتوب را در گردن خروس سفید آویزد و [illegible] رها کند [illegible] از موضع [illegible]

او بیفند و بر خارج او نام گریخته را
نویسد در جایی که عبور بشود دفن
کند بی اختیار بر گردد و رسوا گردد بعون الله

را دور بر سنگ پاک -
کذا زد غایب بعون الله هر جا باشد
حاضر گردد دائره این طریق کشند

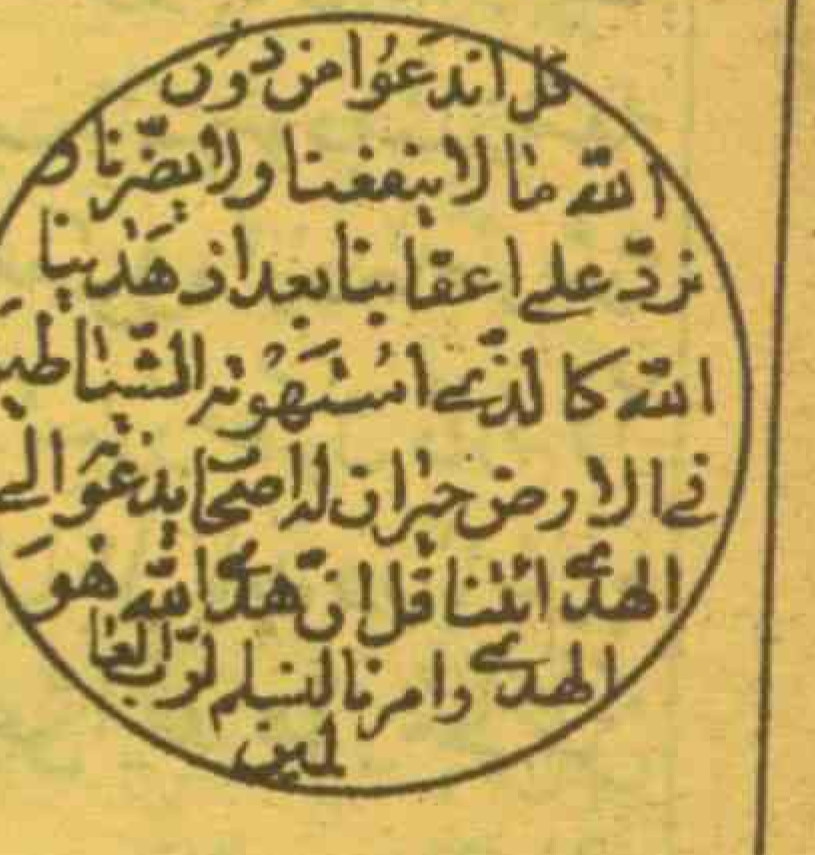
قل اندعوا من دون
الله ما لا ینفعنا و لا یضرنا و
نرد علی اعقابنا بعد اذ هدینا
الله کالذی استهوته الشیاطین
فی الارض حیران له اصحاب یدعونه الی
الهدی ائتنا قل ان هدی الله هو
الهدی و امرنا لنسلم لرب العا
لمین

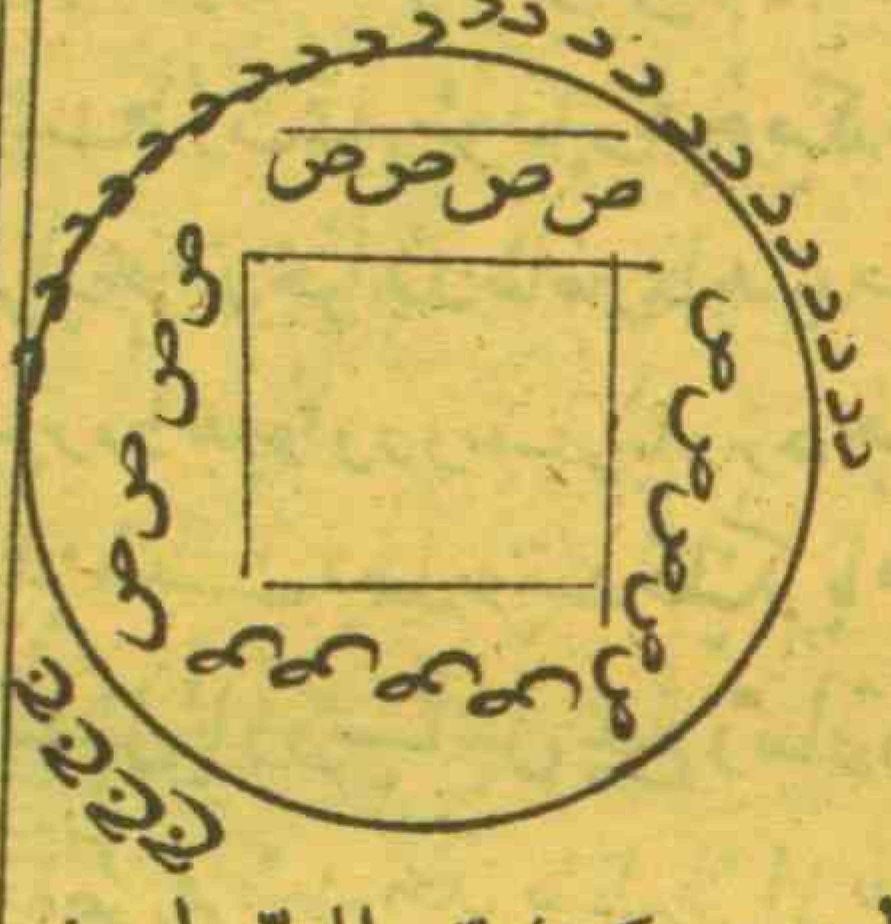
ص ص ص ص ص
د د د د د

در خواص اسماء الحسنی

است که الشهید الحق را چون بر چهار گوشه کاغذ بنویسند و نام گمشده و غایب شده را در درون آن کاغذ بنویسند و در نصف شب رو به آسمان دارد و همین دو اسم را هفتاد بار بگوید خبر غایب شده و گمشده بشود ایضاً شب در گوشهای خانه خود بایستد و هفتاد بار یا معید را بگوید و بعد از آن بگوید یا معید رد علی فلانا در همان هفته خبر آن

احضار غایب وغیره دائره بمشک و زعفران بنویسد بر کاغذی کشند و بر دور دائره از اندرون حروف بسبت هشت گانه بترتیب نویسد و دو دائره بر دل کشد یکی در فوق یکی در تحت و اسم طالب و مطلوب بر آن نویسد و اسماء مذکوره را

جهت دفینه

دفینه است بمقدار و جنگال الموضع را کاه و بدن کرده ایضاً سوره شعرا را بر جامه ابیض نویسد در گردن خروس ابیض نهد و او را در خانه ملا خود کند و بر سر دفینه رود و مقدار [illegible] بند بر عامل معلوم شود جای دفع

ونیز جهت د اسم [illegible] بعد از خواندن سوره [illegible] که گفته شد [illegible]

وآیه امن الرسول تا آخر
سوره بقره هفت مرتبه
بخواند صلوه بیم صلوات
فرستد بعد بطرف
زانشت بخواند از عالم
عنبر هر حال و دفن
بعد ثلث باد و معلوم
نمود نیاز ره اهه
تقوقنی کره در مناقب
مشکی رد زاده صلوات
فرزندش ببیفی این طلسم

جلد
در یمین و یسار دایره نوشته بطریق مسطور و بسبت هشت میخ آهن کوب
حاضر کرده بردارد و بلب میخ وسط الف فرو برد و بسبت هشت بار این
عزیمت را بخواند اگر حاضر شود فبها والا بدستور بکرر خواند تا بسبت و
هشت حروف تمام شود پس هر حرفیکه مطلوب حاضر شود نشان کند و
اگر باز بخواند بخواهد حاضر نماید بدستور معمول دارد حاضر شود
و دایره را بدیوار رو بقبله بیاویزد بطریق دستور معمول دارد و ان
عزیمت ابیت بسمله عزمت علیکم یا سمعلیا ئیل یا بدوح یا ئیل یا
نوبیا ئیل یادوسیا ئیل بحق ربنا و ربکم بحق ابجد هوز حطی کلمن
سعفص قرشت ثخذ ضظغ لا ان تفعلوا بهیج فلان بن فلان الوحا
الوحا الوحا العجل العجل العجل الساعه الساعه الساعه
حروفهای بیست و هشت گانه ابیت ا ب ج د ه و ز ح ط ی
۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰
ک ل م ن س ع ف ص ق ر ش ت ث خ ذ ض
۲۰ ۳۰ ۴۰ ۵۰ ۶۰ ۷۰ ۸۰ ۹۰ ۱۰۰ ۲۰۰ ۳۰۰ ۴۰۰ ۵۰۰ ۶۰۰ ۷۰۰ ۸۰۰
ظ غ
۹۰۰ ۱۰۰۰

دایره ابیت

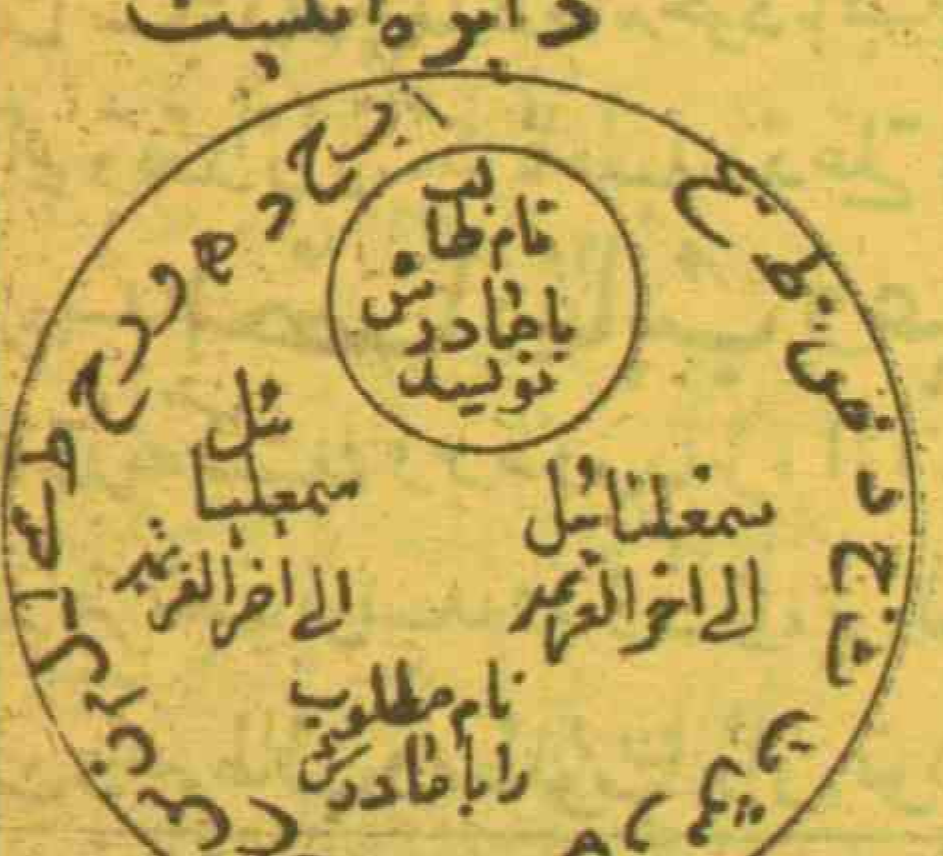

اما عامل دایره
را بزرگ کشید
که عزیمت تماما
در دایره برکنجد

را نوشته و در موم گرفته
در اغنکان دفن و استغفار
را بخواند اللهم فتح محمد
واله بنام عباس بن علی
جر زاد بیوبان گرفته
در اغنکان زاده دو دهمعا
که زانو بیانی او دیکر
مقصود انجام نشی طلسم
ابیت بایدنوشت

برای
دشمن

۴۱۱
لوسرع ۱۱ ۴ ۱۱ ۴ ۹
ا ل ۴ ۱۱ ۴ ۹
حب نا
بنام عباس علی
التاغر التاغر التاغر
هرگاه کسی دشمن داشته
دیگر باشد باید دنبا
مداومت نماید
اخرج یا من هذه القریه
الظالم اهلها واجعل
لنا من لدنک نصیرا و
بعد دو دو مفصل
و دو کرد با ... ابنستک
را دفن کرده مذکور
در دیا بع اع کا
الا ابقن
که هرکه ابن ابسما
اورده زاید
انرع شنبه بیرون نهند
در داده دفن نماید
انشد

دانستن احوال غایب

اوّل حمد یکمرتبه صلوات سه مرتبه آیه وعنده مفاتح الغیب یکمرتبه بخواند وانگشت بالای این خانها بگذارد واگر شش یا چهار آید غایب پیدا شود واگر دو و هشت آمد طول بکشد واگر هفت و سه آمد غایب چیزی بفرستد اگر نه یا پنج یا یک آمد غایب در راه باشد ایضاً دختر نابالغی را بگوید که

۲	۷	۶
۹	۵	۱
۴	۳	۸

انگشت خود را بالای این خانها گذارد [illegible] تشخیص شود [illegible] خلاف [illegible] این است مثلث

اندر شش و چهار غایب آید ناگاه ازهشت و دو یار هست درخانه چو ماه
گرهفت و سه آمد بفرستد چیزی باشد نه و پنج و یکی اندر راه

مثلث اینست که ذکر شد

امّا پیدا شدن دزدیده

در الواح الجواهر بجهت ردّ الضّالّة ذکر نموده این مربع را بر بیضه نویسد و در کنار آتش دان دفن نماید و اسم ضالّه را و ابق یا مسروق در آن رسم کند چنان دفن کند که بسوزد و حرارت آتش باو رسد بزودی پیدا شود و حقیر مکرّر در بارهٔ دزد بعمل آورده و مجرّبست صورت مربع در صفحهٔ بعد برای اینکه در این صفحه گنجایش نداشت نوشته خواهد شد ایضاً بتجربه رسیده که این اشکال را بنویسد و در موم بگیرد

شود یا [illegible] جهت مانند [illegible] نویسد [illegible] کاغذ [illegible] راه [illegible] مانند شود یا مصطفا العون یا مستغیثا یا مستعجلا درین [illegible] یا مصطفا العون ایضاً [illegible] خود [illegible] در کاغذ نوشته در متاع [illegible] وقف و بیش متاع [illegible] درمیان متاع [illegible] از غیب [illegible] شود یا بنی اسرائیل اذکروا نعمتی التی انعمت علیکم واوفوا بعهدی اوف بعهدکم وایای فارهبون وآمنوا بما انزلت مصدقا لما معکم ولا تکونوا اول کافر به ولا تشتروا بآیاتی ثمنا قلیلا وایای فاتقون ومن اوفی بعهده من الله الی آخر الآیه در ظهر مربع [illegible] آخر صفحه است [illegible] دکان خواند [illegible] ابتدا و با وضو [illegible] دکان [illegible]

دعای فروش متاع

یا فتاح یا مفتح یا فاتح الفتوح یا مفتح الفتح [illegible] یا مسهل الفتح [illegible] یا رب الفتح والفتوح اللهم افتح لنا [illegible] برحمتک یا ارحم الراحمین [illegible]

صورت مربع اینست و مجربست الّبته

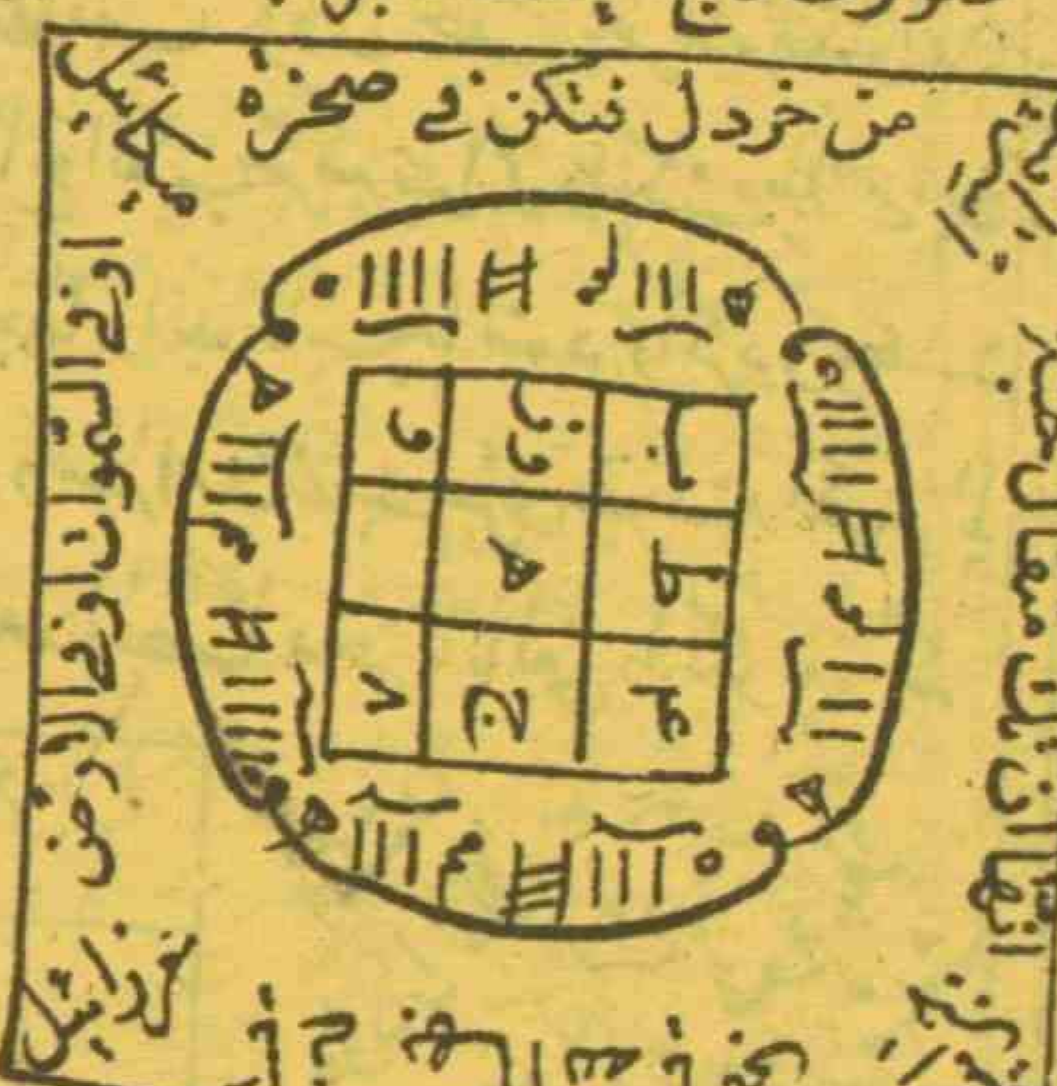

انها ان تک مثقال حبة من خردل فتکن فی صخرة او فی السموات او فی الارض یأت بها الله ان الله لطیف خبیر
ب
ز
و
ط
ه
د
ح
ح

ودر سر چهار راه در آتش انداز د – وان دزد بی اختیار اقرار آورد و رسوا گردد اشکال اینست که نوشته میشود –

طلعط ۹۱ ط ۸۲۱ طوح

لاحل مل کلمد

کلعلمد لا

مهـ ۲ ۲ م صا ۱۱۱ ۶ ۱ مهـ ۲۱۱۶ ۹ ۲ م صا ۱۱ ۳

ه ح ل غ ل

ه ۸ ۱۱ ط د م ۱۱۱ ۸ ه ط ۸ ۱۱ م و ط ی ۸ ۱۱ ط

نوع دیگر

بجهت یافتن دزد بتجربه رسیده بر لقمه نان نویسد این آیه را و بجماعت متهمین بخوراند هر که دزد باشد در گلویش بچسبد قالوا أتعجبین من امر الله رحمة الله و برکاته علیکم اهل البیت انه حمید مجید بشرح مذکور فلولا اذا بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون بشرح مذکور فساهم فکان من المدحضین فالتقمه الحوت وهو ملیم – فلولا انه کان من المسبحین للبث فی بطنه الی یوم یبعثون – در بحر النافع آورده که از آرد جو قرصها بقدر کف دست بسازد و بر یکطرف با الحکام و بر طرف دیگر بنویسد فلولا اذا

بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله والحمد لله ولا اله الا الله والله اکبر اللهم انی بفضلک و رحمتک فانهما بیدک ولا یملکهما غیرک برحمتک یا ارحم الراحمین

و از خواص ق ۱۱۰۰ این آیه است هر کس این را بنویسد در دو جیب برای فروش متاع

بعد از آنکه مرده شد از زنان فارغ شد یا منزل و از او در مکان نامبرکت خود بیابد و بیرون بخیر و برکت پیدا شود و درد و رنج لیک گردد و دو فراخ سود ببیند [illegible]

تجارت سود ببیند [illegible] در ابد الابد

خواص السورت

و در وقت بیع و شری سه مرتبه سورت الم نشرح را بخواند و اگر نفع بیند و اگر [illegible] زعفران بنویسد [illegible] [illegible] بنوشد [illegible] [illegible] سوره [illegible]

خریدار پیدا شود خود کند در جیب و بجون الله بنویسد در جیب متاع و ابجد بخواند و یا بر کاغذ بنویسد هفت بار اینوع دوخته در متاع الاوزان جهت کشا الفتح والفرج یا مفتح الفتح والفرج یا رازق الفتح والفرج یا صادق

بلغت الحلقوم وانتم حینئذ تنظرون لا لا خ ل ق و۱۱۱۰۲ه و بر متهمین خواند هر که دزد باشد بر کلویش بگیرد ایضاً همین ایه مذکور را شب یکشنبه برنج را تر کند و بامداد سرنا بر بران برنج بخواند و بجماعت دهد هر که دزد باشد در کلویش ماند ایضاً ادوره اندبر نان بی نمک بنویسد و بجماعت متهمین دهد هر که دزد باشد کلویش بگیرد افتطمعون ان یومنوا لکم وقد کان فریق منهم یسمعون کلام الله ثم یحرفونه من بعد ما عقلوه وهم یعلمون **نوع دیگر** سرنا این ایه عبیر را بر کف دزدی بخواند و به متهمین امر نماید در دهن گیرند و خمیر نمایند از برکت اینداعا و این ایه اب دهان دزد خشک شود که نتواند خمیر نماید و کلوله نماید دزد همان است سلام قولا من رب رحیم وامتازوا الیوم ایها المجرمون – وبد مستور مذکور اورده و بیان نموده بالاضافه اینکه بر کف جماعت متهمین این شکل را رسم نماید طخ **نوع دیگر** بر پشت طبق باید این دو مثلث را نوشت یکی بالا و یکی دیگر – در پایین بطریقیکه نموده شود برابر هم و بعد میخی در میان طبق فرو برده و دو نفر با انگشت نگه دارند و عزیمت الی مستر دفعه به خواند و بعد سوره مبارکه یس را تا فی امام مبین بر خواند اگر دزد باشد در میان ایشان طبق حرکت نماید – و بعد یک یک نام متهمین را بر روی طبق گذارد باسم هر که حرکت

طلوع افتاب چون – افتاب اول درجه حمل باشد و قمر نیز بااو باشد و با خود دارد کارهاء دشوار براو اسان شود ایمن روز جمعه اینست – ولقد مکناکم فی الارض وجعلنا لکم فیها معایش قلیلا ما تشکرون ابتدا ایه از اول سوره رعد الی لقوم یتفکرون – و بنوبد بر چهار [illegible] در چهار کنج [illegible] بنویسد و دفن کند برکت دکان [illegible] ظهور رابد و خیر بسیار [illegible] و هر که سوره مبارکه والعصر را نقش کند بر صفحه ارزیز در روز یکشنبه [illegible] دخل در طالع

[illegible]

بوده باشد انصفحه در دکانی تعلیق کند در معاملات سود زیاد نماید بعون الله

جهة خط

در تعویذ [illegible] بکردن امست بنابد [illegible] براو عن بشر و یحیی من [illegible] عن بشر [illegible] علیم ذالک الله سمیع [illegible] بان الله [illegible] وانه علی کل شیء قدیر اللهم احفظ هذا الفرس عن جمیع البلاء والقضاء و [illegible] من الاعداء بحق محمد واله اجمعین [illegible] الکبیر

ماکایا عنا لـ ایها -
معینفا بحق انک سر
درعا حصینا وحصنا -
والحجاب وکن هذه القرنی
الرالابات صلی علی محمد
هو یاحق یا قیوم یا
هو یا من لیس احد الا
دیبا کرد رب تبریا هو یا
در تعوید است نوع
تعوید است نوع دیبا کی
الطیبین الطاهرین در

القدس من الملک ور
الدعاء ومنی الحاضر
ومن جمیع الاذاء رب
القادر والارشاد یا قم
الواحد الرحمن اعبد لبد
ایها القدس من العشر
فی المیدان بحق هذه -
الاسماء اااادی
فسیکفیکهم الله وهو

جمله کریخته

السمیع العلیم یا رب
جمله بد خوی ها یا نقش
ایدرا بر لوحی از قلع
کند و برکردن جهار پای
ستوران خود بندد را
کردد بعون الله تعالی
ومن الانعام حمولة
وفرشا کلوا مما رزقکم
الله ولا تتبعوا خطوات
الشیطان انه لکم عدو
مبین جهت در صبح بدنام
انسب جمیز درد سر یاد
متعدد و سیم یابد
الاوان لنند بخواند
وباب دان دم ایطس
حرز بجورد و از بلفی
ف بعود بخورد
الملعنان عن الیمین
وعن الشمال ا
قعید ما
یلفظ

کرد دزد است مثلث بالای طبق اینست

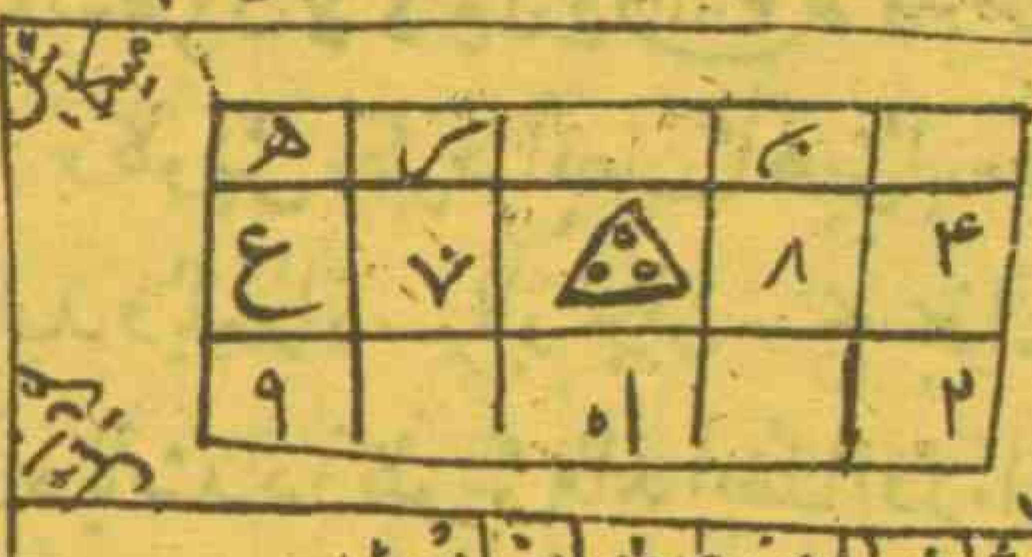

مثلث پایین طبق این است

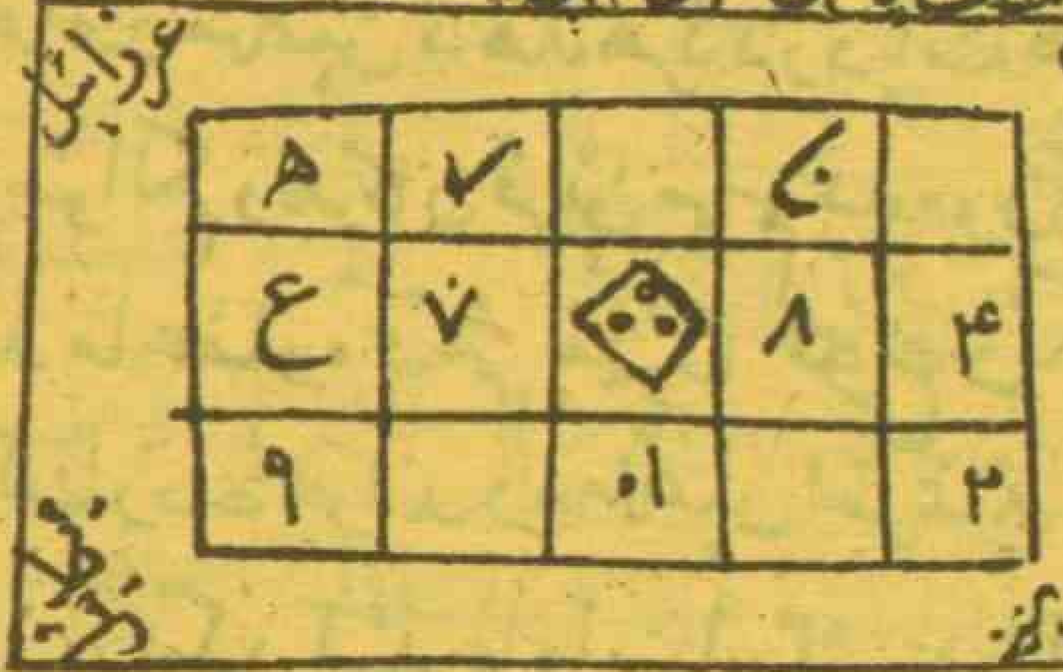

عزیمت عزیمت
اسمعوا یا اهل الارواح وایجاد
علیکم یا اعراشیم بحق کلام
من خضوعنا بحق جملة الانبیاء
القدماء وبحق جمله والاصفیاء و
والاولیاء والعرش واللوح و
بحق القلم یا ابدیم وبحق قدرت
رب الفلک یا اعظیم وزن
العظمة وعزة الله و
قدرة

الله وعظمة الله وسلطان الله وبرهان الله وغفران الله و -
ابنیاء الله وکتب الله ورسل الله یا الله یا الله یا الله بعد اغا
سوره یس نماید تا امام مبین واکر در جائی مالی دفن کرده باشند
وجائی او را کم کرده باشد ومعلوم کرده باشند یعنی معلوم نباشند
هرجا را که کمان دارد خال انجا را دلو زد و بر روی طبق که این مثلث
نوشته شده بکذارد بطوریکه ذکر شد عزیمه وسوره را بخواند هرجا
هست از برای خال انمکان طبق حرکت کند هکذا بکیلب امتحان
کرده اکر نکرد معلوم است انجا نیست اما عامل مثلث را بزرک
بکشد ایضا پیدا کردن دزد بنویسد وباب نشسته وهرکه کمان
دارد بدهد بخورد هرکه دزد است شکمش درد اید بحینثا

اهتا

بلفظ من فعل الاول
لهم ۲ و رضیب عنبد و
اینٔ طلسم را برکردن
اسب بندد خوشن نا ۳
شود طلسم اینست

۱۲ ۹ ۱۱۹ ۱۰ ۱۱ ۸۸۹۱۹

۹ ۹ ۹ ۹ ۱۱۴۳ ۱۱۱۸۸ ک

۱۱ ه ۱۱ ه ۱۱۱۱ ۹۸۹ ک

اهیا شراهیا ایضاً در معرفت دزد برده در کتاب تسهیل

مذکور است حکماء در احکام دانستن دزد بدین یا پیدا میشود یا نه این جدول را وضع نموده اند قاعده چنان است که از چهاردهم حمل تا آن روز که دزد برده جمع کنند و سی و شش طرح کنند انچه بماند در این جدول نظر کند اگر در جدول پیدا شدن باشد پیدا شود و الا فلا

[illegible]

۳	۶	۹
۱۲	۱۵	۱۸
۲۰	۳۳	۲۰۴
۲۷	۳۰	۳۴

ع ٠ ٠ ع

۱	۲	۴	۵
۸	۷	۱۰	۱۱
۱۳	۱۴	۱۶	۱۷
۱۹	۲۰	۲۲	۲۳
۲۵	۲۶	۲۷	۲۹
۳۰	۳۲	۳۵	۳۶

در جدول معرفت کم شده و کریخته و غائب ازان کتاب

بدانکه حکماء متقدم این جدول را وضع کریخته و کم شده و غائب که چون خواهند بدانند که انرا باز میابند یا نه باید که از هفدهم شباط ماه رومی که تقریباً بیست و دو روز پیش از نوروز میباشد و موافق و مطابق هشتم درجه حوت بگیرند تا انروز که کریخته و کم شده جمع کنند سی و شش ۳۶ طرح کنند انچه بماند در این جدول نظر کنند اگر در جدول امدن باشد خواهد امد و اگر در جدول نیامدن باشد نخواهد امد و نخواهد یافت هر که شك

طلسم بجبر و یال اسب طلسم سر جبر اسب جهنم اینٔ
را بنویسد و بر اسب بندد تا
زخم اسب ... خسک شود

۹۱ ۹۱ ۹۱۹۸۱۹۹ ۱۸۸۳۲
۲۴ ح ح ۴۸ ۴ م م
۴۱ ۲۴۱۱ ۸ ۳۲۴۲ ۳

قیحمک حادیق اسب بر
نویسد و بنویسد و بر
اسب ان ابرا بجودانند
ا. ع م ق د ه
عجل سلطم بجراه
ا. عمراه
بحث د د
ایشان و
کوسعنذا
و عجون
بنویسد را و بندد
بسم الله الرحمن الرحیم
بسم الله و باذنه
غالبا و بعلم الله
و یسئلونک عن
الجبال

ادرد

الجبال فقل ینسفها
ربی نسفا فیذرها
قاعا صفصفا لا تری
فیها عوجا و لا امتا
و لو ان قرانا سیرت به
الجبال او قطعت به الا
رض او کلم به الموتی بل
لله الامر جمیعا و صلی
الله علی محمد و آله اجمعین

ورد کافر کردد ایضا مربع ابره مبارکه در ساعت سعد نویسد در میان مصحف در سوره یوسف نهد پیدا شود انشاء الله تعالی —

جدول مدث

٢	٥	١١٨
٠١٤	٦٧	٢٠
٢٠٣	٣٠٦	٢٠٩
٣٠٢	٣٠٥	٣٠٦

جدول بناء مدث

١	٣	٤	٦
٧	٩	١٠	١٢
١٣	١٥	٠١٦	١٧
٠١٩	٢٠١	٢٠٢	٢٠٤
٢٠٥	٢٠٧	٢٠٨	٣٠
٣٠١	٣٠٣		٤٠٤

این مربع را در سوره یوسف کذ ایضا این عزیمت را بنویسد

وما	النصر	الا	من عند الله
من عند الله	الا	النصر	وما
النصر	وما	من عند	الا
الا	من عند	وما	النصر

جبرائیل میکائیل
سیصیب الذین اجرموا صغار عند الله
لعلی بن ابی طالب
عزرائیل

در پیدا شدن دفینه

حکمت انکه اکر کسی حرف دزا ششصد بار بر خروس ابیض خواند و رها کند برود تا سر دفینه و اکر همین عدد بنویسد در کوش خود نهد و بعد از زمانی بیرون اورد و در کوشه رکاسه قلعی نهد و نمک بران ریزد چندان که نمک در میان ان پوشیده شود پس ان کاسه را با نمک و مکتوب در زیر سر نهد و همان عدد بکوید و بخواب رود دفینه را در خواب ببیند و مطلع شود که کجاست ایضا

اسب و عکس اسب در کتاب مطهر بجهت [illegible] اسب در [illegible] بیدن بجنقال [illegible] دستور [illegible] حنظل کردن [illegible]

احوال غایب

جهت بیماری و کوسفندان

در مجمع المنافع بجهت دفع طاعون و بیماری کوسفندان اورده که دهن [illegible] اهو و دهن [illegible] کوسفند [illegible]

حرف کاف را بهیئت
بار بر اینصورت وقتی

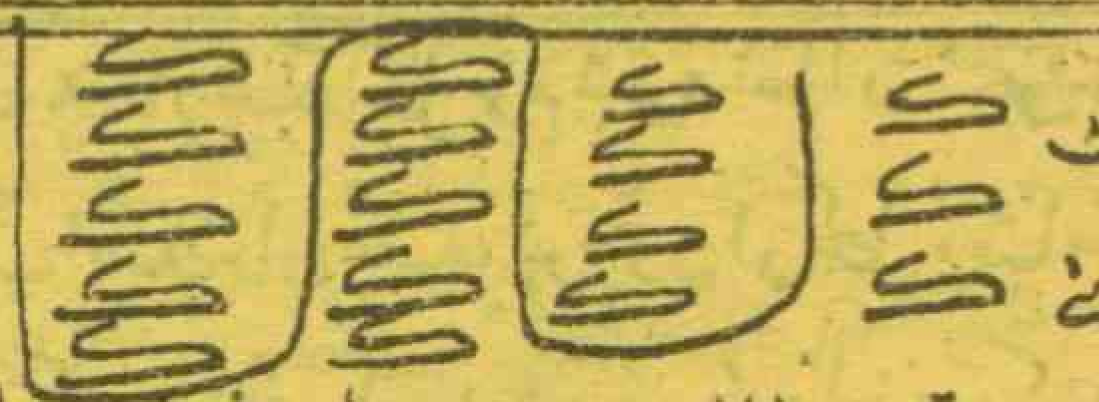

که قمر زائد النور باشد قوی خال بنویسد و این نوشته را در کردن
دیک سفید ازرن بندد و در آن موضع که کمان دفینه دارد سر
دهد و بآن موضع رود بمنقار وچنکال ارض را کاوید نکرد نوع
دیکر بکیرد خروس سفید خال دار و این ایه را وقتی که قمر زائد النور
باشد کتابت کند بشرایطش و بربخور لابد داشته و در میان خرقه پاک
نهد که از جامهٔ دختر نابالغ کرفته باشد پس آن طومار را بسوزن
فولاد در آن خرقه دوزد و بر بال آن خروس بندد و در آنمکان که
دفینه کمان دارد سر دهد و در وقت زوال افتاب یوم یکشنبه خروس
بآنموضع دفینه رود بمنقار وچنکال از زمین را کندن کیرد و همین
طریقه معمول سحر را توان پیدا کرد ایه این است وانه لتنزیل
من رب العالمین نزل به الروح الامین علی قلبك لتکون من
المنذرین بلسان عربی مبین ایضاً برای اظهار دفاین و کنوز
هر که خواهد بخزینه و دفینه وقوف یابد ایه مبارکه قل اللهم مالك
الملك الی قوله بغیر حساب کتابت کند بر اناءِ پاکیزه که از زر
خالص باشد بمشك و زعفران پس انرا باب هلیله زرد یا سبز
و اب تازه و اب باران محو کند بعد بکیرد زهره مرغ سیاه و زهره
بط اسود و پنج مثقال سراصفهان سیاهانی و سرمه را بان اب معمول

کردد مجرب است دید
کتاب در دفینه الاوذکار
جهت محفوظ بودن
کوسفندان و مواشی
ذکر کرده که این کلمات
بنویسند و براو اویزند
بسم الله من
جمیع الآفات والعا
هات واعوذ بالله
من شر الجن والانس
عن الغنم یا شمیا
طشبشا یا ما هیا
بحق لا اله الا الله محمد
رسول الله علی ولی الله
صلوات الله علیهم و
بحق کهیعص و بحق حم
حمعسق و لا حول ولا
قوة الا بالله العلی
العظیم و همچنین اوراد
که اکر در عضوی ازوی علتی

جهت درد

را بهم رسد این دعا
بر موضع علت هفت
روز بخواند زائل کردد
اقسمت علیکم ایتها
العلة بعزة عزة
الله لا حول ولا قوة
الا بالله العلی
العظیم ایضاً
جهت
جهت حیوانات را این
دفع بلیه
اشکال را بنویسد
بربیان حیوان
بند و سم هم
المسلم الجماهم
ایضاً جهت دفع
بمادیه کوسفندها
اه اه ربّاه
ربّاه العجل العجل
الساعة الساعة
فسیکفیکهم الله

سحق

سحق بلیغ نماید تا وقتیکه کحل نرم بشود اما آن سحق و صلایه در شب
کند تا آفتاب اصلا بر آن نیفتد پس چون آن کحل مهیا شود در سرمه
دان آبگینه سبز کنند و بعضی گویند در سرمه دان سبز کنند و بعضی گویند
در سرمه دان آبنوس کنند و میل از چوب آبنوس بگیرد پس پنجشنبه
روز بگیرد و در شب جمعه برخیزد و بعد از نماز تهجد هفتاد بار -
صلوات بفرستد و آن مذکوره را هفتاد بار بخواند و بعد هفتاد
استغفار و هفتاد بار دیگر صلوات بفرستد در هر چشمی از آن
سرمه معمول سه میل بکشد و ابتدا از چشم راست کند و در هفت
پنجشنبه این عمل بجا آورد و در شبهای جمعه آنچه مذکور شد بعمل
رساند و بعد از اتمام عمل بر وی اشخاص روحانی ظاهر شوند در
شب و بوی خطاب کنند و آنچه مقصود او است اعلام نمایند
نوع دیگر اگر خواهی احوال دفینه را معلوم کنی و علامت
او را بدانی در جائی که گمان داری خطی در آن موضع کشیده و
بعد از هفت جا آب بیکار بهم رسان و این آیه را هفتاد بار بر
آن بخواند و بعد از آن بر زمین بپاشد صدائی ظاهر شود و آیه این است
الله الذی خلق السموات و الارض و انزل من السماء ماء -
فاخرجنا به الثمرات رزقا لکم و سخر لکم الفلک لتجری فی البحر بامره
و سخر لکم الشمس و القمر دائبین و سخر لکم اللیل و النهار و آتیکم
من کل ما سألتموه و ان تعدوا نعمت الله لا تحصوها ان الانسان

هو السمیع العلیم -
و غم جهت دفع همّ
صاحب مقال
در کافی از امام جعفر
صادق ع روایت کرده
برای دفع هم غسل کند
و به نیت طلب حاجت دو
رکعت نماز بگذارد و
چون از نماز فارغ شود
بگوید یا فارج الهم
یا کاشف الغم یا رحمن
الدنیا و رحیمهما
فرج همی و اکشف غمی
یا الله الواحد الاحد
الصمد لم یلد و لم یو
لد و لم یکن له کفوا
احد و اعصمنی و طهرنی
و اذهب بلیتی و نجنی
آیة الکرسی و معوذتین نیز
رد القضا از همان کتاب

دفع هم و غم

عمر بن زید که از
اصحاب امام جعفر
صادق و امام موسی
کاظم علیهما السلام بود
نقل نموده برای دفع
هم صدمات باید در
سجده بگوید یا حی یا
قیوم لا اله الا انت
برحمتک استغیث -
فاکفنی ما اهمنی و
لا تکلنی الی نفسی و
مثل اینکه امام محمد با
قر ع با بوحمزه ثمالی
تعلیم نموده که چون
در بیم بلائی باشد
رو بقبله نماید و دو
رکعت نماز کند چون
فارغ شود بگوید یا
یا ابصر الناظرین و یا
اسمع السامعین
و یا

لظلوم

ویا اسرع الحاسبین ویا ارحم الراحمین وهفتاد بار وهر بار که میگوید حاجت خود را بطلبد که انجاح حاجت را نیز هفتاد بار طلبیدن وباشد ایضا از حضرت امام جعفر صادق ع روایت شده که جبرئیل علیه السلام م بیوسف تعلیم نمود دعا وبسبب خواندن ان از زندان نجات یافت وان اینست اللّهم انی اسئلک بان لک الحمد لا اله الا انت بدیع السموات والارض ان تصلی علی محمد وال محمد ان تجعل لی مما انا فیه فرجا ومخرجا ومثل

مظلوم کفّار وبعد از ان این وفق را بر چهار پارهٔ کاغذ نوشته در چهار جانب انمکان دفن نموده وبعد همین ایه را بخواند مطلب برآورده شود انشاء الله وکرمه

وفق شریف که گفته شد اینست بدقت نویسد

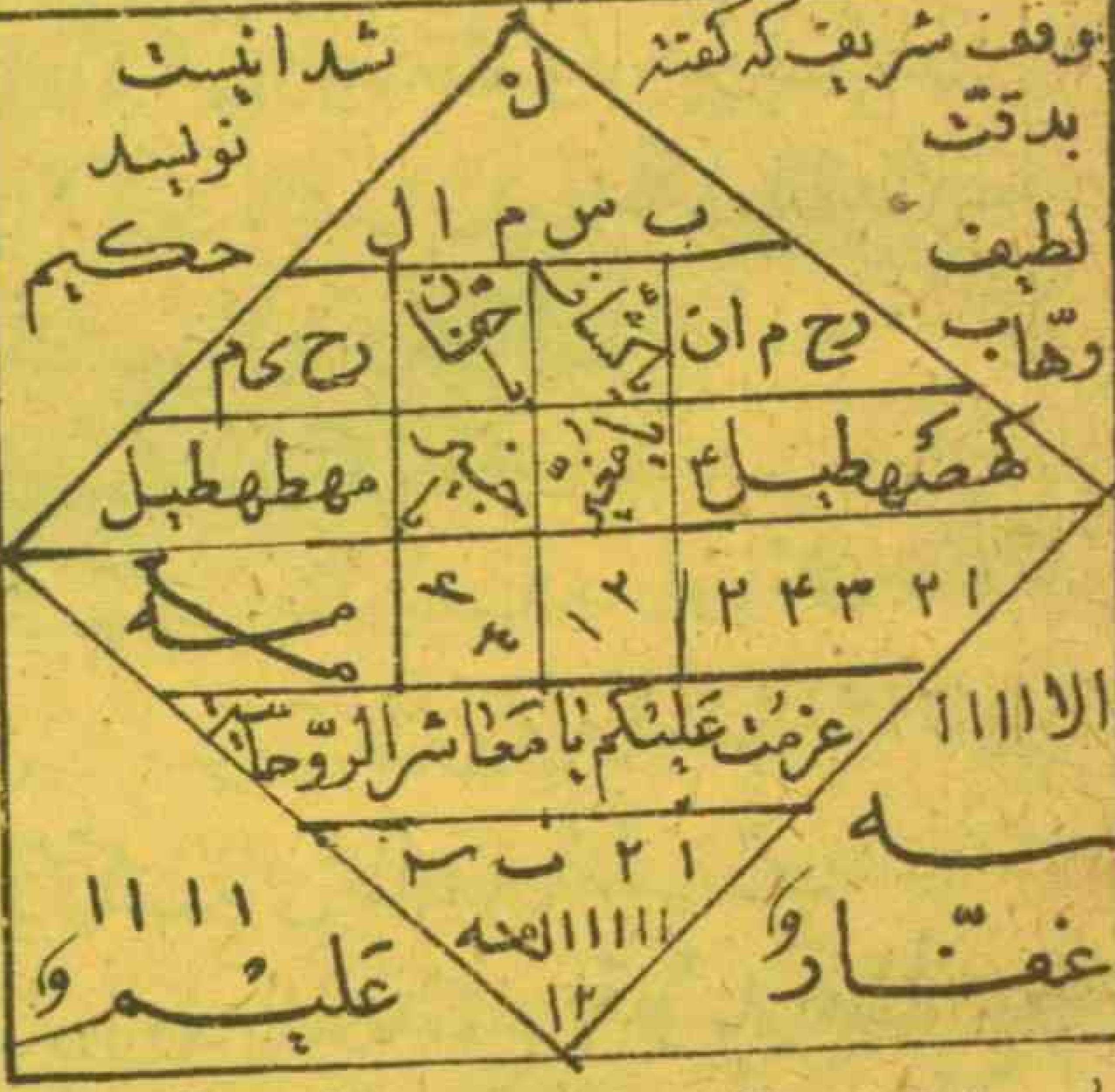

جهة دفع طلسم دفینه آب آورده اند که هرگاه در دفینه طلسم آب بوده باشد اسم مبارکه یا قابض را بلوح سرب نوشته ونقش نماید با وفق که مذکور است در جا بگذارد- طلسم آب است ببندازند وهمان اسم را بعد اسم خود ان اسم را بخواند ان آب باطل شود بفرمان الله وکرمه العزیز الوهّاب

فصل یازدهم

در دفع گم کردن را ودفع وامانده‌گی وحفظ متاع از ضیاع در حدیث معتبر از امام محمد باقر ع

ق	ا	ب	ض
ض	ب	ا	ق
ا	ق	ض	ب
ب	ض	ق	ا

مرویست که چون راه را گم کنی فریاد

کن

انچه از بعضی از ائمه ع

جهة دزدیده

روایت شده که چون اندوه ناک گرد قرار در کاری بگو در مجلس خود یا جبرئیل یا محمد ... را وبگو اکفیانی فانکما کافیان واحفظانی فانکما حافظان بحفظ الله انشاء الله سه بار دعا

[illegible] از حضرت پیغمبر اصحاب [illegible] والکهف بود فانّه یعلم حلال وحرام [illegible] والکهف [illegible] یا کاشف [illegible] عنی یا مجیب المضطرین یا صریخ [illegible] اجرنی [illegible] الکروبین [illegible] در بر

کن یا صالح یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله مرویست که چون حضرت را وامانذکی یا درد سری عارض میشد دست را ے کشودند سورهٔ حمد و معوذتین را میخواندند و بعد از ان دست را بر روی خود میکشیدند و اگر کسی از راه مقصود میل براه دیگر نموده و راه مقصود را گم کرده باشد این ایه را تکرار نماید عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل **و در بحر المنافع** اورده که اگر این پنج اسم را کسی بنویسد در حالتی که با وضوء باشد و در وقت نوشتن با کسی سخن نگوید و در ساق باندد واز رفتن مانده نشود یا طیعوا علیج الذی یعفوا عن المدری و گفته است که پر عقاب و پر بوم را در کف پای مالند و نعلین از پوست شتر نماید هر چند به تعجیل و بسیار رود مانده نشود **تعویذ متاع از ضیاع** در نفع الرضا منقولست که چون خواهی متاعی را به بندی و نگاه داری ایة الکرسی را بخوان و بنویس و در میان متاع بگذار و این دعا را بخوان و ایات را نیز با ایة الکرسی بنویس و جعلنا من بین ایدیهم سدا و من خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون الاصبغر علی الله ما حفظ الله فان تولوا فقل حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم چون چنین کنی ان متاع از بلاها محفوظ ماند ایضا بتجربه رسیده که این شکل را بنویسد و در متاع گذارد از تلف شدن ایمن باشد و . و اا 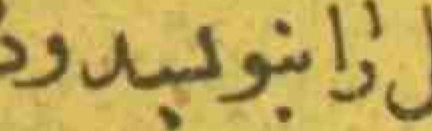

ازامام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده صاحب [illegible] در کافی وسعت رزق اللهم انی اعوذ بک [illegible] [illegible] علی الحی [illegible] الا اله [illegible] بجوید از بلاها یا الله [illegible] بیاید روایت شده که هرکه

کرد آنحضرت باب الطباق تعلیم نمود که چون اراده کنی از منزل خود بیرون روی دو رکعت نماز با جهار رکعت نماز بکن و بعد از ان بکو توجهت بلا حول منی ولا قوة ولکن بحولک و قوتک ابرء من الحول والقوة الا بک وانت حولی ومنک

پیدا شدن رفتنه

قوتی اللهم ارزقنی من رزقک الواسع رزقا کثیرا طیبا وانت حافظنی فی عافیتک تابع لا یغلبها احد ابن الطباق عبدالله عمل را بجا اورد اللهم اورا واز برای او رزق برانگیخت که برای او روزی و سببی رسید تا انکه ترا سبها سوار شده و غلامان خریده ما تنها دریسته که ایضا جهت وسعت رزق از همان کتاب است که این تعویذ از علی علیه السلام در جامع الدعوات روایت کرده که

هرکه روزش تنگ
شود و درهای طلب
معاش براو بسته گردد
چون این دعا را بر پو
ست آهو یا بو مست
دیکی بنویسد و برخود
بندد یا در میان جا
مه‌ها بگذارد همیشه با
جا دهد یا خود دارد
از خود جدا نکند الله
تعالی روزیش را وسیع
نماید و درهای طلب
معاش برخود بگشاید
او را هیکه کمان نداشته
باشد دعا اینست
اللهم ارزق لفلان
بن فلان بالجهد والصبر
والصبر له علی البلاء وا
قوة له علی الفقر والفاقة
اللهم صل علی محمد وآل

دعای روزی

محمد وآل محمد علی
فلان بن فلان رزقه
والا تقتر علیه من بعد
ما عندك والا تحرمه
فضلك والا تحسبه
من جزیل قسمك ولا
تکله الی خلقك ولا
الی نفسه فیعجز
ویضعف عن القیام
ویجعل ما قبله بلا عرض
ملء سعته ونورنی
کفایته وانظر الیه فی
جمیع اموره انك ان
تکله الی خلقك لم
ینفعوه وان اعطوه
الا اکثروا وحرموه
وان اعطوه قلیلا
منعوا کثیرا فان بخلوا
تمم للبخل اهل الکرم

۱۱ ۱۱ ه ح و ۱۱۱ ااا ۹ یط ۹ ۹ ۱۱ ۱۱ ااا ب ه
الحکم لله سنحد بدل و و ۱۱ ۱۱۱ والاج ح ۱۱ ۱ ااا ۹
یط ۹ ۹ ۱۱ ۱۱ ۱۱۱ یط الحکم لله ایضاً همین خاصیت را
دارد یا حی یا قیوم یا ذا الجلال والاکرام صل علی محمد وآل
محمد واحفظنی ومالی بحق محمد وآل محمد یا حی یا قیوم ه ۱۱۱ ح
مم ااا ۱۱۱۱ ه ایضاً آورده اند که هر که در آخر جمعه ماه رمضان
این اشکال را بر کتاب بنویسد از ضیاع ایمن ماند و همچنین این
نوشته را در میان متاعی نهند از ضایع شدن ایمن ماند و
دزدان بر دزدیدن آن متاع قادر نباشند لا اله الا الله الاول
یا الله محیط بعلمك لع س ل ه و د و بالحق انزلناه وبالحق نزل
وما ارسلناك الا رحمة للعالمین ابا تراب ابا تراب ابا تراب
در خزانة الاسرار آورده است که از صحابه منقول است
که این حروفات را بر بستان صندوق و قمشه و بر سرای باغ و بوستان
نوشته بر سرای باغ و بوستان نوشته باعث حفظ آنهاست از دزد
وعاهات ال م ص ولدهمع ط
س ح ق ن ایضاً این مربع را در
صندوق متاع نقش کند از آفات

ق	د	و	س
و	س	ق	د
س	و	ق	د
د	ق	س	و

ایمن ماند و اگر بشکم زن حامله نقش کند درد حمل براو آسان شود

جهة انقطاع و دزد بر چهار پاره کرباس آب ندیده

بنویسد

بنویسد و در جیب متاع گذارد نفع کلّی بهم رسد و از دزد ایمن باشد
انّ الّذین یتلون کتاب الله واقاموا الصّلوة وانفقوا ممّا رزقناهم سرّا
وعلانیة یرجون تجارة لن تبور لیوفّیهم اجورهم ویزیدهم من فضله انّه غفور
شکور جهت فروش متاع این آیه را هفت بار بر متاع بخواند و آن
را بر متاع بپاشد زود فروش رسد بسیار مجرّبست ومن اوفی بعهده من الله
فاستبشروا ببیعکم الّذی بایعتم به وذلک هو الفضل العظیم **فصل دو**
ازدهم در دفع علل و امراض دوابّ تعویذات آنها از آن
جمله عوذه که بر چهارپای سواری خوانند بجهت ایمنی از آفات اللّهمّ احفظ
علیّ مالی وحفظه عنّی لضاع واستر علیّ مالی وستره عنّی لکاع واجعل علی
ظلّا ظلیلا اتوقّی به ممّن ذا نی بسوء او تصبّب لی مکرا او هیّئنی لی مکروها حتّی
یعود وهو غیظا فمر لی ولا قادر علیّ اللّهمّ احفظنی کما حفظت به کتابک المنزل
علی قلب نبیّک المرسل اللّهمّ انّک قلت وقولک الحقّ انّا نحن نزّلنا الذّکر وانّا
له لحافظون امّا بجهت دفع چشم زخم در طبّ الائمّه مذکور است
بسم الله وبالله خرج عین السّوء من بین لحمه ودمه وعظمه وعصبه و
عروقه خلعها جبرئیل ومیکائیل علیهما السّلام فقال لا این تذهبین
ایّتها اللعینة فقال اذهب الی الجمل فاخرجه والدّابّة عن مولدها فقال لا
لها اذهبی ایّتها اللعینة الی البرّیّة فثمّ جبّة لها عینان من نار وعین
من الثّلج کذلک یطبع الله علی عین السّوء وعین حاسد وحجر یابس
ونفس ناحس ونار قابس بعون الله عن السّوء الی اهله من جنبیه وکشحه

اللّهمّ اغن فلان بن فلان
من فضلک ولا تحوجه منه
فانّه مضطرّ الیک فقیر الی
ما بیدیک وانت غنی
عنه وانت به علیم خبیر
ومن یتوکّل علی الله فهو
حسبه انّ الله بالغ امره قد
جعل الله لکلّ شیء قدرا
انّ مع العسر یسرا فاذا ومن
مع العسر یسرا
سیجعل الله بعد عسر یسرا
ویرزقه من حیث لا یحتسب
ومن یتوکّل علی الله فهو
حسبه انّ الله بالغ امره
در خواص اسماء
الحسنی
کفعمی در مصباح
چنین است که اگر
کسی اسم الوهّاب را
حال سجود چهارده بار
بخواند الله تعالی او را

جهت التهاب دنبل

غنی سازد و اگر
در آخر شب صد بار
او را الکریم بگوید در حالتیکه
سر برهنه باشد و دستها
بسوی آسمان الله تعالی فقر را
ازاو سلب کند و حاجت
را روا کند انشاء
الله تعالی و چون الکریم
الوهّاب ذو
الطّول بسیار بگوید
ید الله تعالی رزق او
دهد او را از انعام
که گمان نداشته باشد
و چون النّافع را بسیار
بگوید الله تعالی
ضرر را رفع کند و چون
المغنی

وچون

وفی حب فلانۃ الیہ بعزیمۃ الله وقولہ اولم یر الذین کفروا ان السموات والارض
کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا یؤمنون فارجع
البصر هل تری من فطور ثم ارجع البصر کرتین ینقلب الیک البصر خاسئ
وصلی الله علی سیدنا محمد وآلہ اجمعین تعویذ است نو بند
در گردن اسپ او بود اللّٰهم احفظ هذا الفرس من شر کل عین
ناظرۃ والسن ناطقۃ واذن سامعۃ واید باطشۃ وارجل ماشیۃ
وصدور خاویۃ فمن یستمع الآن یجد لہ عزمًا شهابًا رصدًا اللّٰهم و
احفظ الفرس من شر کل ناطقۃ فی المیدان وعند مقابلۃ الفرسان
وعقدت عند اقدام کل فرس ممن یجاوزہ عن یمین وشمال و
تحت وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم
فهم لا یبصرون اسم الله علیک وعلی راکبک من العیون اللّٰهم
احفظ الفرس من العیوب والفالج والقولنج والجبام وجمیع العلل
والعارضۃ للحیوان بحق بسم الله علیک وعلی راکبک وعند اکل
العلف وشرب الماء فی جوف اللیل واطراف النهار فسیکفیکهم
الله وهو السمیع العلیم برحمتک یا ارحم الراحمین ایضا برگردن
اسپ بندد از همہ آفات محفوظ ماند این است کہ در ذیل نوشتہ۔

۴۰ = ام وم طا ۱۱ کا = وح ۱ ۸ ۱۱ ھ

۱۱۱۸ ایضا هیکل انسب جل ربی وقدر وعز ربی وقهر والله معین
لمن صبر ولذکر الله اعلی واکبرها ۱۱۱ م ⊠ ۱۱۱ ھ من شر

دردده جمعه هر جمعه
ده هزار بار بگوید
در این عرض حیوان
نشود الله تعالی اورا
غنی کند از هر دو
عالم و چون یا معطی
السائلین بسیار بگوید
الله تعالی اورا از سوال
غنی گرداند هر که
یا مالک الملک را
بسیار بگوید الله تعم
اورا غنی کند و وسعت
دهد بجهت وسعت
رزق این مربع را با
خود دارد مربع این
است

ور	هز	۱۱	بق
هز	۱۱	بق	ور
۱۱	بق	ور	هز
بق	ور	هز	۱۱

در بیان خرج بند
و اداء دین

اینچہ حضرت علیہ
بصاحب قرضی تعلیم
نمودہ کہ بخوانند تا قر
ضش ادا شود الله تعم
هرچند بقدر
روی زمین از طلا
باشد و آن این است
اللّٰهم یا فارج الهم و
یا منفس الغم و مذهب
الاحزان و
مجیب دعوۃ المضطرین
و رحمن الدنیا و
الآخرۃ و رحیمهما
فارحمنی رحمۃ تغنینی بها
عن

ما افات

ما اخاف وَاحذر و شرّ ما خلق الله فی السّموات وَالارض من الدّا
وَالعیون وَالسّباع بحقّ ایّاك نعبد وایّاك نستعین وصلعم نوع دیگر
این تعویذ مشهور بتعویذ دلدل براسب بندد بوالملح بوالممج ابو
اللحج لحج ٥٥ اللوان النجّ املح الحاهما اناانا ابوهج ابواد را
ده الواه الواسطه انون ولی بوا ولو ااا اکسرا اد دار
٥ امداف اه لمهح اماه فالله خیر حافظا و هو ارحم الرّاحمین
امّا بجهت علل دواب درمکارم اورده بر جهت رهصه
بهائم بعضے مرضیکه بر سم مرکب عارض میشود واینکه بر سم
ستور میاید قدری پشم اب ندیده بردارد و بتابد و هفت گره
بران زند و بگوید خرج عیسی بن مریم علی حمار اقمر لم یدخن ولم یرهض
انا ادرکی والله یشفی و بر رهصه بندد زائل شود انشاء الله امّا بجهت
بند اسب و غیره برچهار قطعه کاغذ نوشته بر قوائم ستور بچسباند
بدین ترتیب دست راست تاسین دست چپ تاشین
پای راست یابند پای چپ یافرات نوع دیگر بجهت
درد اسب برخالے به انگشت شهادت بنویسد و سر میخ
اسب را برگردان نوشته بگردان باذن الله بر طرف میشود عطاس
عنطلوش عنطلوس بحقّ تورات موسی وانجیل عیسی نوع
دیگر اگر اسپے را درد گرفته باشد این شکل را بر زمین نقش
کند واسب بر سر ان بگرداند وَدرکتاب درّ مکنون اورده

عن وجهه من سوالاذو
نقض بها عنی الذین و
بسیار خواندن حمد و
استغفار کردن براے
اداء دین محمد شود
خواص السور
ازمصباح کفعمی چنین
است که چون یس سوره
محمد را بنویسد و درجیب
خود یا بازوعے خود جا
دهد بیع وکسب او و
رزق او بسیار شود و
همچنین سوره القدر
غیره وچون سوره
سعف م بنویسد و
بشوید و آب انرا بخورد
اسان گرداند انشاءالله تعم
بر تو رزق را و چون
سوره مؤمن را در نبید
بنویسد و در دکان خود
جمشید
رود عے
است
که خیر و برکت ان
دکان زیاد شود و بجهت
برکت کسب هرکه این
دعا را بنویسد و در کیسه
نهد هرکه ازان کیسه از
بدل خالے نشود باید
بیع و حل و اوایل است
عزوجل یاغنی بسم الله

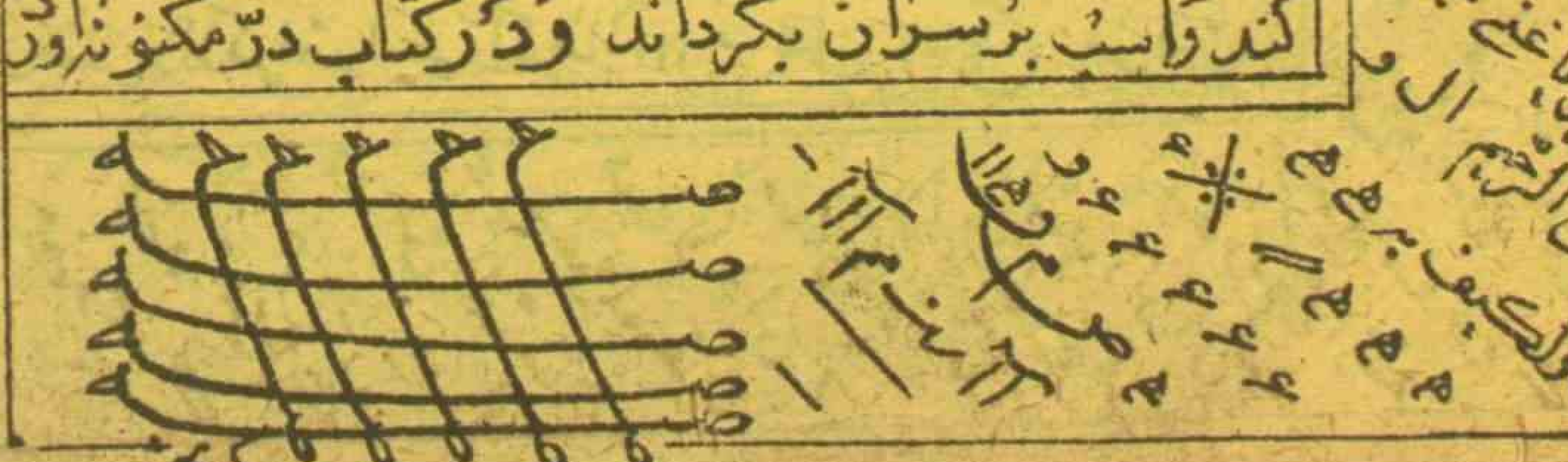

یاغنی یاغنی ال م
الرحمن الرحیم برهم
لدو لکیف برهم

این کلمات را بکاغذ
بنویسد تعویذ کند و درد
کبیر بغل هر کس ا
مفلیح بر بند یا رافع
یا برزاق یا ذا الطول
یا غنی یا ذا الجلال و
الاکرام یا مغنی یا بار
سط یا واسع یا جواد
یا کافی یا لطیف یا کریم
د ح و فتحنا
الله ایضا

گر بجهند درد کرفتن اسب وسایر حیوانات بو سم الحیوان با مر کارد این مربع را بنویسد زایل گردد انشاء الله تعالی مربع اینست

و	ج	ح	ط
ح	ا	ف بدل	ه
و	ز ن ح ل	س	لا

نوع دیگر اگر کسی اسپی را بپیشاب یا درد گرفته باشد این دو شکل را در زمین نقش کند پس اسب را میان این دو شکل بگذارد بقسمیکه بتواند بگذرد دو اشکل اینست

ح ح	ح ح	١٥	١٥
ه ه	و و	د د	ح و
د د	كك	٥	ه ه
دم دم ح ل	ح ح	ح	و م

وبجربه نموده اند —

گر شوره صاف را از پنج مثقال تا هفت مثقال در ماست حل کرده بد هند بخورد در حال رفع علت گردد و باید که بعد از دادن از جو یها ی گم عرض بجهانند و چون د هند فرنك را در چشم کشند در ساعت اورا رهنما بد مجرب نست

و	و	١٨	و
ا	ح	وا	ح
ب	ب	الا	س

اما بجهند دفع علل مواشی بدانکه هرگاه مواشی عام بوده باشد ما اند ابلد وجرب وبیماری وطاعون در گوسفندان وغیره این تعویذ را یکی نوشند وبشسند واب انرا برایشان بپاشند ویکی دیگر نوشته بگردن یکی از انها که بیش اهنك است ببندد ودفع شود از موده است

ربعلنا ولقد مکناکم
فی الارض وجعلنا لکم
فیها معایش قلیلا ما
تشکرون را در جمعه آخر
ماه رمضان بنویسد
ودر کیسه عمل برکت
بیدا کند انشاء الله تعالی وکریم
الغیب وار خواص اسم
از نفع ضوالله قرض

برای اداء دین

حسبنا الله سیؤتینا الله من فضله
ربغفر لکم والله سمیع
علیم عالم الغیب والشهادة
هو العزیز الحکیم را بر
ظرف نو ربع بنویسد
و در کیسه نهد هر کس
خالی نشود جهت
کساد ابش کار ها
این اشکال را بر کاغذ
سفید بنویسد ودر

نشود این نقش
و هیچ کار او باز
دکان باو بسته نشود
گفته اند که اگر
الوحا الوحا ایضا
اوتی مستعصی
کنار وبش ومحبوس
اودر د نشود الکن
هر حاجت دو
عامر بنا و بزدار

۱۱

یا هو

فرستد تا باب آن ۱۰۰
که تیغ را تعوید نماید
در کار او بدید آید ایمنی
شکل شریف ا
یه ۸۸ ح
حم ص ۱۱۱ ع ۱۱۱ ح ۱۱۱ هد
این اشکال را بجهت فرج
ثمان اربع جوو دزد و
الحمن علی الذی او

۹ ع ۲ ۲ ۸ ع
۱۱ ی ۱۱ ه ۱۱ ۲ و ۱۱ ع ۱۲ ۱۲ ل
۹ ۱۱ ۹ ۱۱ ۱۱ ص ع ۱۱ ۷ ط ۱۲
۱۱ ک ۱۱ ک ۱۱ ک ۱۱ م ع
۱۱۲۱ م ۱۱۱ ۱۳
۱۱۰ ه ۱۱۱۱ ۹ ه ۱۱
۱۰ ۲۱ ۱۸ ۹ ۸
ایضا اکبر غنی کبیرا
دفع مهمات

یا هو یا هو یا من هو هو یا لا اله الا انت یا تمخیشا یا موشطیشا یا ...
یا الله یا الله یا الله یا رحمن یا رحمن یا رحمن یا رحیم یا رحیم یا رحیم
۱۱ ۱۱ ۱۱ ۲۷۷۰۱۱۱۰ک ۱۱۱لا ۸۱ ۸۱

ه الا ۱۱ الا ۱۱ الاسـ لاهجے ونزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة
للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا برحمتک یا ارحم الراحمین۔

بجهت دفع مرض گوسفندان اول فاتحة الکتاب و این
آیات از سورهٔ عم الم نجعل الارض مهادا الی قوله وجنات الفافا را
بنویسند و بر گردن یکی از گله ببندد **و بجهت حیوانات اسم**
اعظم است لالا ۱۱۱۱۹ ☰ صاصاصا ه ۷ لا
ورق و مل ق و بجهت چشم درد مواشیان سبق ذکر یافت بنویسد
اما بجهت زیاد شدن شیر ایشان در کتاب انیس الصالحین
بجهت زیاد شدن شیر گاو اید عا را ذکر نموده که بنویسند بر او ببندد یا
سقا اسقنا الله البقره اخرجت الجن من بطن البقره استقائن من کل
دابة یکتموها انه امره ضحی برحمتک یا ارحم الراحمین **و در بحر المنافع**
آورده بجهت زیاد شدن شیر گاو بنویسید و برای چشم زخم آن پارچه
کبودی با چند دانه اسفند کرده با پارچهٔ آهنی بر شاخ او ببندد و
ان لکم فی الانعام لعبرة نسقیکم مما فی بطونه من بین فرث ودم لبنا
خالصا سائغا للشاربین ولکم فیها منافع ومشارب افلا تشکرون۔
وان یکاد الذین کفروا الی آخر سوره وصلی الله علی محمد وآله اجمعین

بشترها اشتد این
طلسم را بنویسد و در مو
کند و در آب اندازد و
هفتاد طاس بر سر بریزد
و در هر طاسی یکمرتبه بخو
بسم الله الرحمن الرحیم بر
بخواند و بیک کشاد کند د
شیخ بساد بقود مخفض
و طلسم المنیت کزنقو
علیقود

۸۱ ۱۱۱۱۱۱۱ ۳ ط ۹ ۱۸ ۷ ه ۸ ۱۱۱ ۵ ۹ ۲ م ۱۱
۸ح ال طم عمط ۸م ولا صراط امر هم ح ۸ ۱۱۱۱۱
۳ ح ح ح ا ط ا ذ ح ح ح ح ح

در بحر المنافع ۱
آورده

ایضا

ایضا در مجمع المنافع اورده بجهت زیاد شدن شیر کاو و کوسفندان و مواشیان ایه ثم قست من قلوبکم فهی من بعد ذلك فهی کالحجارة الی قوله وما الله بغافل عما تعملون وسورهٔ بقره را بر طشت مس سرخ بنویسد و بشوید و بخورد ایشان دهد باذن الله شیر زیاد شود جهة بی ازا می کاو که نگذارد بدوشند این دعا را بخواند و بر کاو دمد و دیگر نوشته بر شاخ او بندد اسکن ایها البقر ادم من عجلك فی اطعم صاحبك **وایضا** این ایه را نوشته زیر پارچه سرخ بدوخته و بر شاخ ان بندد رام میشود وذللناها لهم فمنها رکوبهم ومنها یاکلون ولهم فیها منافع ومشارب افلا تعقلون افلا تذکرون **باب ششم** در دفع هموم و غموم و اندوه و فقر و اداء دین و سهو و نسیان و در ان چهار فصل است **فصل اول** در دفع هموم و غموم و اندوه و در حدیث معتبر وارد است که هر که هر روز صد بار بگوید لاحول ولاقوة الا بالله هفتاد نوع از بلاها از او دور شود که سهلتر انها غم و اندوه باشد و در احادیث بسیار وارد شده حولقه دفع اندوه میکند و از حضرت رسول صم منقولست که هر که این دعا بخواند الله تعم غم و اندوه او را بردارد در مکان حزن و اندوه فرح و شادی بدل اورد اللهم انی عبدك وابن عبدك وابن امتك ناصیتی بیدك ماض فی حکمك عدل فی قضائك اسئلك بکل اسم هو لك سمیت به نفسك وانزلت فی کتابك وعلمته لاحد من خلقك او استاثرت به

کہ اکر کسی خواهد کہ
مهمی دو د این اسم
اعظم را بزبان هندی
است هفتاد بگوید
ان مهم باتمام باتمام
و برود دع کفایت شود
وان این است اهنو [illegible]
و در خواص
ورایات قرانی مذکور
است که اکر ان ایات
اکر کسی را نزد کسی حاجت
بوده باشد خواهد که
بعضا نجه دوا کند قبل
از انکه او را ببیند و باو
اظهار کند این ایات را
بخواند ویل لکل افاک
اثیم اذا تتلی علیه ایاتنا
ثم یصر مستکبرا کان لم
یسمعها کان فی اذنیه
وقرا فبشره بعذاب الیم و
اذا علم من ایاتنا
شیئا اتخذها هزوا
اولئك لهم عذاب مهین
من ورائهم جهنم و
لا یغنی عنهم ما کسبوا
شیئا ولا ما اتخذوا
من دون الله اولیاء
ولهم عذاب عظیم
و در کف دانست جود
دهد و او را معفو [illegible]
کند چون خشم [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

فی علم الغیب عندک ان تصلی علی محمد و ال محمد و ان تجعل القران نور بصری
و ربیع قلبی و شفاء صدری و جلاء حزنی و ذهاب همی الله الله ربی لا
اشرک به شیئا نوع دیگر وارد شد که بجهة دفع هموم و غموم این کلمات
را تکرار نماید لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین یا من یکفی
من کل شیء و لا یکفی منه شیء اکفنی ما اهمنی و در کتاب مجتبی
از کتاب دفع الهموم و الاحزان ذکر کرده که هرگاه حضرت رسول ص
را محنتی و شدتی پیش امدی یا اجماعت مشرکان بدی و مکروهی
میرسید دستها مبارک را بر هم مینهادی و بر و این مقبوض و کفی
تضا بعی متفرجی پس متوجه قبله شده و دستها را بر داشته میگفت
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم ایاک نعبد و ایاک نستعین کف باس الذین
کفروا انک اشد باسا و اشد تنکیلا راوی گوید بخدا قسم که هنوز
دستها را نکشاده بود که کشادی و فرح روی میداد ایضا
بجهة هموم و غموم تکرار این ابیات که بحضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منسوب است و در خلاصة الاذکار از اثار برکت این ابیات نقل نموده
که پادشاهی گوهر قیمتی بیکی از وزرا خود سپرده و ان وزیر انرا بخانه
برده گذاشت و کودکی بعنوان بازی کردن در دست ان کودک گم شد
وزیر بسیار غمگین شد و چاره ندید مگر بتکرار این ابیات مواظبت
نمود ناگاه پادشاه را مرضی عارض شد اطبا مدا وا کردن طبیب
الطباء او را دوای منحصر در ترکیبی یافتند که جنین گوهری بکار

خلقت الظلمات بنور هم و انقضا مداومت صلوات همین فائده دارد و از انچه گفتیم است بیش از طلوع صبح ده بار بچه در کافی شیخ کلینی از امام جعفر صادق ع روایت شده که هر که پیش از شروع در طلب حاجت خود ده بار بگوید گفتن ما شنود که از جانب ملائکه موکلند تعقیبا حاجت که اینها حجت است گفتن تو و هم چنین است اعتقاد که یا ربنا یا الله نفس قطع شود و هم چنین گفتن یا الله یا الله و از انجمله که در مصباح کفعمی از امام جعفر صادق علیه السلام مرویست که یا الله نعم حاجتی [illegible] شب جمعه غسل کند و جامه نو بپوشد و [illegible] دو رکعت نماز بخواند [illegible] انا انزلناه ده بار [illegible]

گوسفند سر ببرند [illegible] بکرد و سیصد بار ازین اسم را بر او بخوانند و تو بیند در رمضان و اول [illegible] هلاک خود را [illegible] دفن کند [illegible] کارا و دیسد و عماد فایض کرده و اسم اینست یا نور [illegible]

اجزاء ان باشد پادشاه رجوع بوزیر کرد که برو انگوهر را کو فقیر بزودی حاضر ساز **و ان ابیات مقدسه این است**

وَکَمْ لِلّٰهِ مِنْ لُطْفٍ خَفِیٍّ   یَدِقُّ خَفَاءُ عَنْ فَهْمِ الزَّکِیِّ
وَکَمْ یُسْرٍ اَتٰی مِنْ بَعْدِ عُسْرٍ   فَفَرَّجَ کُرْبَةَ الْقَلْبِ الشَّجِیِّ
وَکَمْ اَمْرٍ تُسَاءُ بِهِ صَبَاحًا   وَتَاْتِیکَ الْمَسَرَّةُ بَعْدَ الْعَشِیِّ
اِذَا ضَاقَتْ بِکَ الْاَحْوَالُ یَوْمًا   فَثِقْ بِالْوَاحِدِ الْفَرْدِ الْعَلِیِّ

و در مکارم اورده که بجهت دفع دلتنگی هفده روز صبح و شام یکبار سوره الم نشرح را بخواند زائل شود انشاء الله تعالی

فصل دویم در دفع فقر و بینوائی و ادای دین از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که برای دفع پریشانی هر روز صد مرتبه سوره انا انزلناه بخواند و از حضرت امام موسی کاظم ع مرویست که بجهت دفع فقر و پریشانی بعد از نماز صبح ده مرتبه بگوید سبحان الله العظیم و بحمده استغفر الله و اسئله من فضله در کافی روایت کرده که ابو قمقام نام بخدمت حضرت امام محمد تقی ع شکایت از حرفت خود یعنی از پریشانی و بینوائی و محرومی خود بجنبشتی که گفت بعقب هیچ کاری و حاجتی نمیروم مگر انکه بر نیامده نا امید بر میگردم حضرت فرمود بعد از دعاهای فریضه صبح ده مرتبه بگو سبحان الله العظیم و بحمده استغفر الله و اتوب الیه و اسئله من فضله راوی گفت که بان مواظبت کردم و اندکی نگذشت که از بیابان خبر امد که فلان خویشت

دو در مصلی و دو در مسجد
و موضع سجود خود بیا
و بعد ازان دو رکعت
نماز کند و در هر رکعت
فاتحة الکتاب یکبار و
انا انزلناه یکبار و بعد
وارد شود و در درگاه
الهی که حاجتش روا
شود انشاء الله و مثل عبارت
که در مصباح کفعمی از
امام جعفر صادق ع روا
میکنند که هر کرا حاجتی
باشد روا نشود باید
غسل کند و جامه پاکیزه
بپوشد و بر پشت بام خود
درآید و دو رکعت نماز
کند و تسلیم دهد و
تسبیح و درود و حمد الهی
بجا اورد و صد بار بگوید
یا جبرئیل یا محمد انتما کافیا

جوابات بجمع

فاکفیانی و انتما حا
فظان فاحفظانی و انتما
کالیان فاکلیانی
در خواص السور از
کفعمی چنین است که
الکافرون یا ایها الکافرون
را در وقت طلوع آفتاب
ده بار بخواند بعد از
ان دعا کند از برای
حاجت او روا شود
و زاید بعد از ادعیه
طلب حاجت کند و
بگوید ما شاء الله لا
حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم در کافی
کلینی از حضرت صادق
روایت نموده
که از برای حاجت
دعا کند و بعد
ازان ابن طا

فوت

فوت شده وازاو مالی مانده بغیراز تو وارثی ندارد بیا وصاحب شو اکنون بسبب ان صاحب ثروت ومکنت شده ام و بتجربه رسیده که هر که هفت نوبت این فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم را پیش از نماز صبح بگوید در ان روز امور او کفایت کرده شود واز حضرت رسول منقول است که هر که را فقر و پریشانی براو روی آورد بسیار بگوید لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بدرستیکه این کلمه گنجی است از گنجهای بهشت ودران شفای هفتاد دو درد است که کمتران اندوه است وهم چنین بتجربه رسیده خواندن آیات عقب هر نمازی هفتاد نوبت بجهت دفع فقر و پریشانی ودر حدیث دیگر فرمود که هر روز صد مرتبه بگوید سبحان الله وبحمده سبحان الله العظیم استغفر الله وهم چنین بتجربه رسیده خواندن دو مرتبه در صبح لاحول ولا قوة الا بالله توکلت علی الحی الذی لا یموت والحمد لله الذی لم یتخذ صاحبة ولا ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا ده مرتبه دیگر در شام بخواند در مصباح از حضرت علی بن الحسین ع منقولست هر که وقت خواب این دعا را بخواند فقر وپریشانی از او دور شود وهیچ گزنده باو ضرر نرساند اللهم انت الاول فلیس قبلک شیء اللهم انت الاول فلا شیء قبلک وانت الظاهر فلا شیء فوقک وانت الباطن فلیس شیء دونک وانت الاخر فلا شیء بعدک اللهم رب السموات السبع والارضین السبع ورب التوریة

برای حوائج

حبیب یا مجیب دعوة المضطرین یا ذا الجود والاکرام علی عرض عباس بن علی علیه السلام من الامیر [illegible] الضعیفة الذلیلة [illegible] من العبد الذلیل الی الله العلی الجلیل العبد الکبیر سلام الله علیک یا مولای یا [illegible] ابن مولای امیر المؤمنین [illegible] انه ذنوبا اثقلت ظهری و منعنی من الرقاد [illegible] احشائی [illegible]

[illegible] والاکبر

القاصم ومقصم [illegible] الجلال والاکرام [illegible] بجدک المصطفی وعلی المرتضی وفاطمة الزهراء [illegible] وبحق قاضی حوائج الطالبین [illegible] صاحب الزمان [illegible] الا بابائک الطاهرین صلوات الله علیهم اجمعین [illegible]

روضه عسکر [illegible] صاحب الزمان والامام الثانی عشر فلان واقض حاجتی [illegible] هذا رقعة عبدک فلان بن [illegible] مذکور برحیم الله الرحمن [illegible] امام رضا ع [illegible] حاجت الوزرا ایضا عرض [illegible] بقضاء حاجت وروا کند [illegible] علیک [illegible] الله عزوجل

یا عباس بن امیر المؤمنین
وان تقضی حاجتی من
الدنیا والآخرة وان
تعافینی من جمیع العلل
بحقک و بحق آبائک و
اخوانک المعصومین
وصلی الله علی محمد و
آله اجمعین برحمتک
یا ارحم الراحمین

و رباعیات شیخ ابو سعید ابو الخیر

بدانکه این رباعیات
سلطان التارکین
و مرشد العارفین و
قطب الاقطاب شیخ ابو
سعید ابو الخیر خراسانی
قدس الله سره کرده
اجر است و بسیار عزیز
است در حصول السعادة و طلب
و حصول مدعیات و

جمعیت و همه عزت

و در رزق و گنج
دنیا بر او مود سر عید
با نیر عظیم دارد
ایشان مراد جهند در
این رباعیات استخراج
اسم اعظم کرده و هر
بند از این ابیات از
جمیع مهمی و مد علاج
خاص ترتیب داده و
قاعده خواندن

والانجیل والزبور والفرقان الحکیم اعوذ بک من کل دابة انت آخذ
بناصیتها انک علی صراط مستقیم **چهل اسم** از اسماء الحسنی او ورد
است که اگر کسی قرض بسیار داشته باشد واز ادای ان عاجز باشد باین
اسماء بسیار مداومت نماید و ورد خود سازد الله تعالی وسیله
سازد که اعتبار یابد و معتمد گردد واز قرض بزودی خلاص شود۔
وان اسم اینست یا منان ذو الاحسان قد عم کل الخلایق منه وهم۔
چنین اورده که اگر کسی بگوید یا حمید الفعال ذا المن علی جمیع خلقه
بلطفه چندان مال و نعمت یابد که جمیع محتاج او شوند وازو منت
پذیرند و ستوده خدا و خلق گردند و در میان مردم وخلق عزیز۔
ومکرم گردد و مسرور باشد اما باید در خواندن تقصیر نکنند و۔
ملول نشود وترک نکند واگر نه سم در وی پیچیده باشد که اهل دعوت
این اسم را رجعت تمام نام کرده اند **جهت ادای دین**
باید مداومت نمودن و برای رد مظالم مناسب است اللهم۔
اردد علی جمیع خلقک مظالمهم التی قبلی صغیرها وکبیرها فی یسر منک
وعافیة وما لم تبلغه قوتی ولم تسعه ذات یدی ولم یقوا الید بدنی
ویقینی ونفسی فاده عنی من جزیل ما عندک من فضلک ثم لا
تخلف علی منه شیئا تنقصه من حسناتی یا ارحم الراحمین اشهد
ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمدا عبده ورسوله
وان الدین کما شرع وان الاسلام کما وصف وان الکتاب کما انزل و

مظهر از اسماء الهی بیز
اند بود
مطالب که باشد بایعر هر
و همه حسین از راعی هر
حرمت باشد یا نور
داند و اگر از این بیعر دود
مظهر اسم شارع داده
اگر از جمیع یاد بیاید
ده خواندن عبادر
از این رباعی واد
از انست که هر باب

وانّ القول کما حدّث وانّ الله هو الحقّ المبین ذکر الله محمّداً و اهل بیته
بالسّلام **در کتاب شجرهٔ طیّبه** ذکر شده **بجهت اداء دین** در
عقب هر فریضه سه بار بخواند بزودی دین او ادا شود بسم الله الرّحمن
الرّحیم یا قاضی الدّیون من خزائنك الّتی بین الکاف والنّون اقض
دینی و دین کلّ مدیون **در خواص آیات قرآنی** مذکور است آیه
الآن خفّف الله عنکم وعلم انّ فیکم ضعفاً تا مع الصّابرین در سورهٔ
انفال یك هفته در عقب هر فریضه یکبار بخواند چنانچه اوّل آن عصر
یوم جمعه بوده باشد الله تعالی کارهای او را امان کرداند
و وام او را از گردن بردارد انشاء الله تعالی **جهت اداء دین** صاحب
مقال در کفعمی ذکر نموده آنچه روایت شده که در جمعه باید گفت اللّهمّ
اغننی بحلالك عن حرامك واغننی بفضلك عمّن سواك یا حیّ یا قیّوم و در
روایت دیگر بخصوص بجهت اداء دین است ایضاً بگوید یا ذا الجلال و
الاکرام اقض حاجتی و غمّی و دینی ایضاً مکرّر خواندن سورهٔ والعادیات
چه باعث این است که الله تعم قرض خواهان را اداء کند ایضاً مواظبت
نمودن با این دعا و ملتجی شدن با این در بعد بجناب اقدس الهی باعث
دفع فقر و پریشانی و اداء دیون از مجرّبات است یا سبب من لا سبب
له یا من سبّب من لا سبب کلّ ذی سبب یا مسبّب الاسباب من غیر سبب
صلّ علی محمّد و آل محمّد واغننی بحلالك عن حرامك و بفضلك
عمّن سواك یا حیّ یا قیّوم یا ذا الجلال والاکرام بحرمت وجهك الکریم

مهمات خود را بحق واکذار
نشین هر روز هفت مرتبه
باسم و افوض امری الی
الله ان الله بصیر بالعباد
این دعا را بخوان
الله نور [illegible]
[illegible]

کشایش کارها

کس کس [illegible]
و تنعت رزق و ربح
عسرت هر دو روز ده مرتبه
این دعا را بخواند [illegible]
یا رب بقفا غم توان [illegible]
کردان [illegible]
دلم منور کردان
من سوختن [illegible] کردان

ایضاً جهت حصول باسم
جمیع مهمات [illegible]
یا کافی المهمات [illegible]
[illegible] رکعت نماز بجا آورد و بعد
صد مرتبه این دعا
را با حضور قلب
خواندن منظور حاصل میشود
مکرر تجربه
شده است

[illegible] بیند
یا فعل [illegible] افضل
یا ختام [illegible]
تا ختم [illegible]
ذو الجلال [illegible]
این دعا را بخواند [illegible]
یازده مرتبه باسم یا فتاح
[illegible] کارها حاصل شود
[illegible] مجرب است
بود بکار برده تا موثر شود

احمد

جعل لی من امری فرجا و مخرجا وارزقنی من حیث احتسب ومن حیث
لا احتسب **نوع دیگر** بجناب اقدس الهی باین کلمات و مراعات
واستنکافات متوسل شدن موجب وسعت و فتح و فیروزی است
اللهمّ ان ذنوبی لم یبق لها الا رجاء عفوک وقد تقدّمت الیّ الحرمان
بین یدیّ فاسئلک ما لا استحقه وادعوک بما لا استوجبه واتضرع
الیک بما لا استاهله ولم یخف علیک حالی وان خفی علی الناس کُنه
معرفتی امری اللهمّ ان کان رزقی فی السّماء فانزله وان کان فی الارض
فاظهره وان کان بعیدا فقرّبه وان کان قریبا فیسّره وان کان قلیلا فکثّره
وبارک فیه یا ارحم الرّاحمین **وازانجمله** نشستن در مصلی است
بعد از فریضه صبح بر حالیکه مشغول دعا باشی تا طلوع آفتاب چه
ابن طاوس ره کتاب اقبال از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده
که این نشستن انفع است در طلب رزق از سواری کشتی دریا و اگر دعا
بخوانی همین فائده دارد **بسند** معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع منقول
است که اگر کسی خواهد از دنیا بیرون برود و پاک باشد مانند طلای
بیغش و مظلمه احدی نزد او نباشد که از او طلب نماید باید که بعد
از نمازهای پنجگانه دوازده مرتبه قل هو الله بخواند پس دست
خود را بجانب آسمان بگشاید و بگوید اللهمّ انّی اسئلک باسمک المکنون
المخزون الطهر الطاهر المبارک واسئلک العظیم وسلطانک القدیم
ان تصلّی علی محمّد وآل محمّد وان تخرجنی من الدّنیا سالما وان تدخلنی

اما نسبت دو مصرع [illegible] تو همچنانکه [illegible] عرض نیاز [illegible] منت بنده [illegible] نیاز نواز [illegible] کار من [illegible] در گاه [illegible] جهت [illegible] یعنی شدن [illegible] کمال [illegible] همت هوس [illegible] دارد اینجا [illegible] سؤال [illegible] سؤال کون اینجا که [illegible] استغنا [illegible] دارد [illegible] کشایش [illegible] بنده تو [illegible] در طلب کار من صبح [illegible]

[illegible] شد [illegible] که کشاید [illegible] **جمعیت نوع رزق و سعت** و کثرت آن بعدد اسم مبارک حضرت علی ع صد و ده است بخوانند [illegible]

[illegible] یا مغنی [illegible] جمع مطالب [illegible] از اندازه بر آمدن **فتوحات بجهت** [illegible] حضرت مرتضی علی ع [illegible] در لطف [illegible] خدا [illegible]

الجنة

اَلجنّة امنا وان تصلّی علی محمّد وال محمّد یا واهب العطایا یا مُطلق الاُسارٰی
یا فکّاک الرّقاب من النّار ان تصلّی علی محمّد وال محمّد وان تعتق رقبتی من
النّار وان تخرجنی من الدّنیا امنا وان تدخلنی الجنّة سالما وان تجعل دعائی
اوّله فلاحا واوسطه صلاحا واخره نجاحا انّک انت العلّام الغیوب اللّهمّ
انّی اسئلک الامن والایمان بک والتصدیق بنبیّک والعافیة من جمیع البلاء
والشکر علی العافیة والغنی عن شرار النّاس بمحمّد واله الطّاهرین در
مصباح مثل انجه ابن ابی الدّنیا گفته که روزی بیست بار باید بگوید
لا اله الّا الله والله اکبر الله اکبر وسبحان الله والحمد لله کثیرا اللّهمّ
انّی اسئلک من فضلک ورحمتک فانّه لا یملکها احد غیرک **واز انجمله**
عملیست که شیخ طوسی در متهجّد ذکر کرده وان اینست که روز چهارشنبه
وپنجشنبه وجمعه روزه بگیرد ودر یوم جمعه پیش از افطار تصدّق کند
وچون در شب جمعه از نماز عشا فارغ شوی سجده کن ودر سجده بگو
اللّهمّ انّی اسئلک بوجهک الکریم واسمک العظیم وعینک الناصرة ان
تصلّی علی محمّد وال محمّد وان تقضی دینی وتوسّع علیّ رزقی **چه**
مداومت براین عمل باعث وسعت رزق ومؤدّی شدن قرض است
واز انجمله عملیست که شیخ طبرسی در مجمع البیان از حضرت پیغمبر صلعم
روایت کرده است که هر وقت داخل خانه خود شوی سلام کنی خواه
کسی باشد یا نباشد وبعد از ان یکبار قل هو الله بخوانی ـ
واز انجمله در کتب معتبره وارد شده هر که ابتدا [illegible] پیش از

عباس و ای شهید کرده
مخالفان ـ دائم یعنی
تو ای پسر شاه ادنی جان
کن مطلع دوا تو عجوز برادر
ای سر جدا عابد بیمار
تشنگان جهت گشت
بی کار رهنما باسم یا
خالق الخلق یا هادی
الضالین مداومت عابد
ابن دو با [illegible] ـ الخالق

خلق و رهنمای بهر [illegible]
ای رازق رزق دو ـ کار
کشای بهر بسته ـ کرده در کرده بسته
منی بیچاره کی کشای به
رحمی بکن و کی [illegible]
بهر بسته جهت ـ
تعجیل قلوب ـ
افضا بعد از نماز صبح
هفت با مداد مداومت
نماید ـ اثر ولایت
ظاهر شود ـ اتحاد در
حب خواندن [illegible]
هم فایده در [illegible]
[illegible] هفت بار [illegible]
[illegible]
خود منفعلم [illegible]
[illegible]
مجلس ـ فیض بدل
در عالم غیب نشان ـ

سحر کفتن صد مرتبه بروا اینی سه مرتبه بخواند از غیب نقد در اخراجات او برسد امّا باید بکسے اظهار نکند دعا اینست بسم الله الرحمن الرحیم یا کثیر الخیر یا ذا المعروف یا قدیم الاحسان احسن الدنیا باحسانك القدیم برحمتك یا ارحم الراحمین ایضاً از حضرت امام محمد باقر ع مرویست که بر جهت وسعت رزق در سجده اخر نماز های خود بگو یا خیر المسئولین یا خیر المعطین ارزقنی وارزق عیالی من فضلك فانك ذو الفضل العظیم مخفی نماناد که درین باب ادعیه و اذکار زیاده از حد و شمار است و چون حوصله این رساله گنجایش زیاده بر این نداشت همین قدر اختصار شد

فصل سیم در دفع بسته شدن کارها

در خواص القرآن آورده که اگر کسے کارهاے او بسته شده باشد و متحیر فرومانده باشد این آیه را بسیار تلاوت نموده و مواظبت نماید و اذا سئلك عبادی عنی فانی قریب اجیب دعوة الداع اذا دعان فلیستجیبوا لی ولیؤمنوا بی لعلهم یرشدون ایضاً بجهت فتح مهمات و کشایش کارها و در کتاب روضة الاذکار حاجی محمد بن محمد تبریزی که این دعا را بنویسد و در موم کیرد و با خود دارد بیست مرتبه و سه هفته بر بیند که خدا تعالی او را توانکر کرداند و هیچ نداند که برکت این از کجاست و چندان برکت و جمعیت رو دهد که عدد آن نداند بسم الله الرحمن الرحیم یا الله الرقیب الرؤف الرحیم یا اله الحی القیوم یا مسبب الاسباب یا مفتح الابواب افتح علی

ز دل تا محو شود خیال باطل
[illegible]
[illegible]
دل من — وی لعل لبت
عقده کشای دل من
[illegible]
برای دل من — هر روز
هفت بار بخواند [illegible]
نور دسیلد — از لعل [illegible]
در دل من [illegible]

والليل چهل [illegible]
مرتبه هر شب چهل
مرتبه قرائت نماید —
[illegible] و ما لاحد —
من نعمة تجزی [illegible]
سه مرتبه بقولی ده مرتبه
بگوید چون چهل شب
تمام شود چهل [illegible]
فرشته بیاورد باو
[illegible] ابن حجر مجرب
[illegible]
[illegible]
[illegible]
جماع اجتناب کنند و
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]
مذکور شد دعا [illegible]
[illegible]
در خواص

صاحب

صاحب کتابے هذا العبد الضعیف الذلیل ابواب فضلک و ابواب رحمتک و ابواب رزقک و ابواب خیرک و ابواب کرامتک و ابواب نعمتک و ابواب سعادتک و ابواب سلامتک و ابواب عظمتک و ابواب رفعتک و ابواب برکاتک و ابواب منّک و ابواب احسانک و ابواب مرضاتک و ابواب عنایتک و ابواب المغنم و ابواب الجنّة اللهمّ تکفّلت برزقی و رزق کلّ دابّة انت اخذ بناصیتها انّ ربی علی صراط مستقیم و انت افضل من اعطی و احسن ما ادعی اللهم انی اسئلک بمحمّد و اله تفضّل بی و بجمیع المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات برحمتک یا ارحم الراحمین **بجهت گشایش کارها بگوید** یا فارس الحجاز ادرکنی یا اباالقاسم ادرکنی یا اباصالح المهدی ادرکنی **طریقه دیگر** دعائیکه در مهج الدعوات ابن طاوس که در سبق ذکر یافت در فصل دوّیم وسعت رزق ذکر شد بنویسد باخود نگهدارد و متوسل شدن بتربت مقدس حسینی علیه السلام بجهت وسعت رزق و قضای حوائج چنانچه ذکر در فصل سیّم از مقدمه کتاب سابق ذکر شد **نوع دیگر** بعد از فریضه صبح پیش از آنکه سخن گوید این فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم را جهت مهمات امروز بخواند الله تعالی کفایت کند و اگر بعد از هر نماز ورد خود سازد بهیچ چیز محتاج نشود و همه

رجوع اصحاب [illegible]
قطعه قوارح
صحیح برای بعضی مطالب
کرده کتاب خواهد شد
کتب مجمع الدعوات
عبدالله برای اقتضاء
مقام در این کتاب نیز
وان ابن اسد /
الف سیکاهی در
کتاب خود آورده هر که
بامداد پیش از آنکه باکسی
سخن بگوید هزار بار الف
بگوید صاحب نعمت شود
و اگر بهمین عدد بنویسد
و باخود دارد از بلیات
محفوظ ماند هیچ کس
ضرر باو نرساند
این حروف را مجوف صد
بار بگوید از ادا شود و
باخود نگاهدارد از بلیات

وسعت رزق

محفوظ ماند ف
سیکاهی در کتاب خود
آورده که آیه ابجدون
را بعدد جمل چهل چهار
صد است بنویسد و با
خود نگاهدارد عزیز گردد
چشم مردمان و بعدد مفصل
اگر فرضه و ورد ولیا
و [illegible] جهار صد بعد
بگوید در نعمت برو
گشاده [illegible]
و فتح روح [illegible]
بعدد جمل [illegible]
بانصدا [illegible]
برای محبت [illegible]
و اگر بهمین عدد
بنویسد [illegible]
مفید الفعال [illegible]
دیگر [illegible]

مراد

و بیابانه نیز نو شد
ج اگر بعدد مفصل
وے کہ بپنجاه و شرائط
در قلعی بنویسد و
بجو بشاخته مجهور بجاید
دهد صحبت با بد و اگر
. هزار بار بگوید درا
خواب روزی منبد
جمال با جمال جمع ما ب
کہ دد انشاء الله تعالی
سبع
[illegible] انجیرونی و
صلدو بلیبید بار بربرید
ببلد نو لیبید و درا بد
انظار زدو وکوید فلان
بن فلان را نزد من حاضر
ضر کردان انت عظیم دارد
مطلوب را بے اختیار کرد آید
و معشوق بیرون بے بنازند
دا کہ وقت دلپشف مقصد
بار بگوید صاحب کرامات
عدد کردد و اگر بجمیع ابجد فرارش و
عدد نولیسد و بو طفل
بندد دو دیه صحنی آید
نیق هرگاه خواهد
کہ حامل پسر آورد
بچہ دختر آورد چون بر
فرزند و زاید بسعد
بار بگوید ابجد باشد
بجواب ببیند اگر بو طفل

فرا ذات او حاصل اید **نوع دیگر** ابدغا را نوشته و نود و نه مرتبه بخواند بعد ازان نوشته را در اب جارے اندازد من العبد الذلیل الی الرب الجلیل ربی انی مسنی الضر وانت ارحم الراحمین **در نسخهٔ دیگر** بنظر رسیده در وقتیکه رقعه را در اب مے افکند اللهم بمحمد واله الطاهرین افتح علی ابواب فضلك وجودك یا ارحم الراحمین یا اکرم الاکرمین **طریقهٔ دیگر** از حضرت صادق مرویست کہ هر کہ روزی او کم شده باشد از امور دنیا واخرت ابدغا را در یك سطر طولانی بنویسد در دو صحیح با یخ شکل خطی بکشد و در وقت طلوع افتاب در اب جاری اندازد وان این است بسم الله الرحمن الرحیم الملك الحق المبین من العبد الذلیل الی المولی الجلیل سلام علی محمد وعلی وفاطمه والحسن والحسین وعلی و محمد وجعفر و موسی وعلی و محمد والعلی والحسن والقائم المهدی مولانا وسیدنا صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین مسنی الضر والخوف فاکشف ضری وامن خوفی بحق محمد وال محمد واسئلك بحق کل نبی ووصی وصدیق ونبی وشهید ان تصلی علی محمد وال محمد یا ارحم الراحمین اشفعوا یا سادانی والله ارحم الراحمین اشفعوا یا سادانی بالشان الذی لکم عنده فان لکم عند الله لشانا من الشان فقد مسنی الضر والخوف یا سادانی والله ارحم الراحمین وافعل بی یا رب کذا وکذا –

یا شربته بجواند
همین عدد بجوزد
حاملہ دهد روز بار
ظهر حی هشتصد
بار ابن حرف را بجوزد
خواند و بر بجوزد
مجنون دهد
لکی صفعفقل
دانسته با شند
سفر با ابد اخنه
تعالی سبع

مطلب خود را ذکر کند ایضاً عریضه که بجناب اقدس حضرت صاحب الامر نوشته میشود در کتب معتبره از ائمه دین روایت شده که اگر کسی را بخدا تعالی حاجتی باشد این عریضه را بر نویسد و بضریح یکی از ضرایح مشرفه بنهد یا اینکه محکم بر بجید و بخاک پاکی که گل کرده باشد بگیرد و رقعه را در میان آن نهد و در نهر جاری یا چاه عمیقی یا آب بزرگ ایستاده اندازد بنحویکه مذکور شد و خوهد شد زیرا که این عریضه بحضرت صاحب الزمان میرسد و آنحضرت متولی قضای حاجت میشود بکرم الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم

کتبت یا مولای صلوات الله علیك مستغیثا وشکوت ما نزل بی مستجیرا بالله عز وجل ثم بك من امر قد دهمنی واشغل قلبی واطال فکری وسلبنی بعض لبی وغیر خطره نعمة الله عندی اسلمنی عند تخیل وروده الخلیل وتبرء منی عند ترائی اقباله الی الحمیم وعجزت دفاعه حیلتی وخاننی فی تحمله صبری وقوتی فلجأت الیك وتوکلت فی المسئلة جل ثناؤه علیه وعلیك فی دفاعه عنی علما بمکانك من الله رب العالمین ولی التدبیر ومالك الامور واثقا منك بالمسارعة فی الشفاعة الیه جل ثناؤه فی امری متیقنا لاجابته تبارك وتعالی ایاك باعطاء سؤلی وانت یا مولای جدیر بتحقیق ظنی وتصدیق املی فی امر کذا وکذا در اینجا ذکر مطلب کند مما لا طاقة لی بحمله ولا صبر لی علیه وان کنت مستحقا له ولاضعافه بقبیح افعالی وتفریطی

ابجروف را هفتاد مرتبه بمشک و زعفران و گلاب بنویسد و با خود دارد معشوق مسخر گردد مطیع و منقاد گردد و بعین بر طلوع خواند بر بخورد مجموع دهد غایب در دست و فرمان بعد از شود [illegible] غایب بهزار اورده بنام غایب بر [illegible] خواند و بنویسد در [illegible] اگر غایب در مغرب عالم و یا در مشرق باشد برود خود را بوی رساند و اگر هشتاد دیار برود [illegible] ...

در وسعت رزق

[illegible]

الواجب

في الواجبات التي فرضها الله عزّ وجلّ عليّ فاغثني يا مولاي صلوات الله عليك
عند اللهف وقدّم المسئلة لله عزّ وجلّ في امري قبل حلول التلف وشماتة
الاعداء منك وقبل تشتّت النعمة منك عنّي منك بسطت النعمة و
نسئل الله عزّ وجلّ لي نصراً عزيزاً وفتحاً قريباً فيه بلوغ الآمال و
خير المبادي وخواتيم الاعمال والامن من المخاوف كلّها في كلّ حال
انّه جلّ ثناؤه لما يشاء قدير فعّال لما يريد وهو حسبي ونعم الوكيل
في المبدء والمعاد نسخه بدل والمال وچون خواهند این رقعه را در
چاه آب یا نهر یا دو ضریح اندازد متوجه شود بیکی از دربانان و
حجاب آنحضرت مانند عثمان بن سعید العمری یا پسر او محمد بن عثمان
یا حسین بن روح یا علی بن محمد السمری در زمان غیبت صغری بخدمت
آنحضرت میرسیدند پس یکی از ایشان را ندا بدهد بر اینوجه یا فلان
بن فلان سلام علیکم اشهد انّ وفاتک في سبیل الله فانت حیّ
عند الله مرزوق وقد خاطبتک في حیوتک التي لک عند الله عزّ و
جلّ وهذه رقعتي وحاجتي الی مولینا علیه السلام فسلّمها الیه
فانت الثقة الامین بعد از آن رقعه را در آب اندازد و در خیال
چنان بگذراند که اینعریضه را بدو تسلیم کرده بحقیقتیکه او قبول
میکند وحاجت او روا دارد انشاء الله تعم **طریقة دیگر**
بحضرت باری تعالی در کتاب امین الصالحین بعد از
ذکر اینعریضه حضرت صاحب الامر آورده که در بعضی از نسخ نسخه

کرده و اگر بعضی عدد
یکی گردد ولا و نویسد
در دیوار رو بقبله
تا هم هرکه خواهد باد بسته
سر بر رو خوابش بسته
کرده در انجم بجاه بماند
بنویسد با خود دارد
جانوران از او بگریزند
و زهر ایشان بر او کار
نکند
حرف را صد بار بر زبان
واند زبان هرکس که بزبان [illegible]
بسته گردد [illegible]
عدد بر حریر بسعد [illegible] همین فائده
و با خود دارد هر که با [illegible]
دارد انیس [illegible] مشغول گردد
را فهم [illegible] جهل
از [illegible] دارد و
[illegible] النور
و [illegible]
رزق و سعت

[illegible] هار [illegible] جهل
[illegible] جهل
[illegible] بنویسد
است دفن کنند [illegible]
که در آن منزل [illegible]
از او فساد [illegible]
حقتعالی [illegible]
بد هد و تمام [illegible]
شود این حرف
از جمله از اول سوره
[illegible] قرآن در
قال [illegible]
[illegible] طعام
اعظم این حرف [illegible]
الف لام [illegible]
[illegible] است
مذکور در کتاب [illegible]
الکریم ثلث [illegible]

مذکورست

مذکور است عریضه بکر بنویسید بحق سبحانه و تعالی و او را خوشبو کردانند
و محکم بریسمان ببندد و در میان عریضه صاحب الامر بگذارد پس عریضه
حضرت صاحب الامر ع را در ان بپیچد و در میان گل گرفته و در میان
اب روان اندازد و عریضه حق سبحانه و تعالی را بدین روش بنویسد

بسم الله الرحمن الرحیم الی الله جل
جلاله و تقدست اسمائه و عظمت الائه من عبده الضعیف الفقیر
الهارب من فلان بن فلان الهی و سیدی و مولای و خالقی و المتکفل
برزقی الیک اشکوا بثی و حزنی و بک استعین عن ظالمی و من بغی علی
و یقوی علی ضعفی و تسلط بشره علی و تعزز علی ظلمی فانک قلت و
قولک الحق ثم بغی علیه لینصرنه الله و قد علمت یا مولای انه قد بغی
علی و ما لی من شره مجیر و عذرلی و ما استعین مع ضعفی الا بقوتک و لا
حول و لا قوة الا بک یا علی یا عظیم اجرنی منه و انصرنی علیه و لا تکلنی
الی شره فقد شکوته و انتصرت بقوتک علیه یا مولای الغوث الغوث
الغوث النصر النصر النصر یا مولای یا سیدی لا اهلک و انت رجائی لا
تخل یدک عن ضعفی و ارحم فقری و ذلی و غربتی اللهم اقهر سلطانه
علی بسلطانک علیه حتی افوز مع المعتصمین منه بک یا ارحم الراحمین
امنت بالله الذی لا اله الا هو و انتصرت بالعلی الاعلی و الجات
الی العزیز الجبار و فرغت الی الباری القهار و تحصنت بمحمد و آله
علیهم السلام و دهبت من یرید بی بلا حول و لا قوة الا بالله

هشتاد بار برخاک گو
رستان وقف بخوانند
بخانه دشمن اندازد
هلاک شود الواسع
با ملیست که عرش بزرگ
این نام قائم است هر که
را معیشت تنگ بود و
زجر کند روزی بیابد این
اسم را بعدد [illegible] بر خرقه
نقش کند و مدتی بنوشد
بر کاغذ بنویسد و بپوشد
با خود دارد در هر روز
صد و بیست و هشت مرتبه
خواند روزی او فراخ گردد
انتم [illegible] یا صمد اوست
استمساکست از اسماء الله
که زمین و آسمان بر کی
این نام قائم هر که طلب جاه
و منزلت عالی و دریا دارد
قدر خواهد هر شب
و سعت و روز
این اسم را صد بار و
بگوید از خواری ملامت
ایمن بود و بر دولت غالب
[illegible] هر که در روز
چهار شنبه بخواند بر
جمله اهل قلم و علم غالب
و حاجات او حاصل شود
و غنی از مال دنیا شود
وان ابدیت هو الله الذی
لا اله الا هو الحی
القیوم عالم الغیب
والشهادة هو الرحمن
الرحیم [illegible]
عزت و جاه
منزلت [illegible]
بیابد [illegible] هر روز
هشتاد بار بخواند
[illegible] برسد
[illegible] و رد
کند

العلی العظیم **مؤلف گوید** که مضمون این عریضه حضرت اقدس باریتعالی بدین عبارت در تظلم و داد خواهی است از خدا پس اگر مطلب این عریضه بوده باشد ممکن است بدین طور موافق مطلب تغییر عبارت نموده مطلب اعرض کند تا بمقصودش فائض گردد انشاء الله تعالی

طریقه دیگر عرض کردن حاجت و شرح کردن حالات است بجناب مقدس مهدی حضرت صاحب الامر و الزمان بدستوری که ابن طاوس رح در کتاب کشف الغمّه در کتاب کشف المحجة باولاد خود سفارش و وصیت نموده خلاصه مضمون آنکه در روزهای دوشنبه و پنجشنبه بخضوع و خشوع رو بقبله باید ایستاد و براو سلام کند و او را زیارت کند بدین طریق سلام الله الکامل علیک یا حجة الله فی ارضه و عین الله فی خلقه السلام علیک یا صاحب الامر السلام علیک یا صاحب التدبیر السلام علیک یا صاحب الرأی المسموع السلام علیک یا سیدنا و مولینا السلام علیک یا عین الحیوة السلام علیک یا سفینة النجاة السلام علیک یا بقیة الله فی الارض السلام علیک یا نور الله الذی یهتدی به المهتدون و یفرج به عن المؤمنین السلام علیک ایها الغائب عن الابصار و الشاهد فی الامصار السلام علیک یا صاحب العصر و ولی الامر ادرکنا و اغثنا یا ایها العزیز مسنا و اهلنا الضر و جئنا ببضاعة مزجاة فاوف لنا الکیل و تصدق علینا ان الله یجزی المتصدقین تا آنکه

کند هر دو وزن تا مرغوبا
والحکیم الله و احمد و آله
الامر هو الرحمن الرحیم
انفصال بیاری جاه و نفر
و طلوع منزلت هر دو و رتبه
از نماز صبح تا زرده وزن
انا انزلناه را بخواند
جهت سرعت رفع نسیان
انبار آیات را هر که بخواند
داود باعث بهی
نقصان آن او گردد و لا
تمدن عینیک الی ما
متعنا به ازواجا منهم
زهرة الحیوة الدنیا
لنفتنهم فیه و رزق
ربک خیر و ابقی و امر
اهلک بالصلوة و
اصطبر علیها لا نسئلک
رزقا نحن نرزقک و العاقبة
للتقوی انفصال هر که این

سورة الحج

اشکال را با خود
داد هر که هیچ چیز را
فراموش نکند لیلقوا
حل علیه کال الذل
طالعلحل سطوات
حال لعال سحاضنا
نهوهالسوج سطور در
سرع
خواص السور چنین
است که چون سوره
خر زاد در جای
از نبشتن باشد
بنویسد و بیاب دار
بشوید و بنوشد
صاحب شاختاخ
بجهت سوره الجن
داد در ظرف نو
نویسد و بشویند
بنویسند صاحبش وجود نموده
نظم مجود الملالم

لقد اثرك الله علينا وان كنا لخاطئين استغفر لنا ذنوبنا انا كنا خاطئين يا مولينا هذا مقالات اخوة يوسف مع اخيهم وابيهم و قد جوها بعد تلك الجنايات فان كنا غير مرضيين عند الله جل جلاله وعند رسوله صلى الله عليه واله وعند ابائك وعندك عليكم افضل الصلوة فانت احق ان تسعنا من رحمتك وحلمك وكرمك وشريف شيمك بما وسع اخوة يوسف من تعطفه عليهم ورحمته لهم واحسانه اليهم يا مولاى انى وجدت فى النقل ان جدك محمدا صلى الله عليه واله كان له عدو شديد يقال له النضر بن الحارث فقتله فقال اخته تخاطب النبى ص واله فى ابيات اعبر بعض خطابها امحمد و لانت نسل نجيبة من قومها والفحل فحل مغرق ان كان يمكن من وربما من الفتى وهو المغيظ المحنق والعبد اقرب من وصلته قرابته واحقهم ان كان يعتق فقال النبى ص ما منعتها لو وصلتنى هذه الابيات قبله لعفوت عند سوء فعله وانت يا مولينا اهل الاقتداء بجميع خصاله وسائر فعاله فانت كريم من اولاد الكرام فاغثنا من جميع مهماتنا متوجها بنا وادركنا فى مصايق الامور وشدائد الازمان سريعا يا صاحب الزمان ادركنا فى كذا وكذا وكذا بحقك وبحق ابائك الطيبين والطاهرين وصلى الله على محمد واله المعصومين **نوع ديگر** در كفاية الطلاب از امام على النقى عليه السلام روايت كرده كه در شب بنويسد بر بسم

را اکثر اوقات بخواند
و در وقت اغتمام ان از
الله تعالی قوت حافظ
قرآن مسئلت نماید الله
تعالی او را از اصحاب
حافظ قرآن کند و چون
کسی آیات اول سوره ابرهیم
الی العزیز الحکیم جهل بار
بر آب خالص بخواند و
و آن آب را طفلی نیخ
کند بشاکردان خود ب
خوراند ایشان همه فصیح
و فهیم شوند در مقال
است که در مصباح
چنین است برای ذکی
دل هر روز باید بکفت
یا حی یا قیوم یا ذالجلال والاکرام
انت اسئلک ان تحیی
قلبی اللهم صل علی محمد
و آل محمد ایضا قرآن

عریضه صاحب الامر

کتاب از حضرت امام
جعفر صادق عم روایت
شده که نقل کنی کفتکوی
ما را و در اثنای نقله
شیطان جزئی از ان را
از خواطر محو کند بکو
صل علی محمد و آل
محمد اللهم انی اسئلک
یا مذکر الخیر والآمر به
ذکرنی ما انسانیه
الشیطان جبرائیل
نعم بخواطرت حفا
هد دنیا بنده موکت
بخواهد و از جمله
جمعها کمله قوه ها
فقط مشهود روزه
داشتن و قران
خواندن و مشغول الدر
کردن و آیة الکرسی
خواندن است و از جمله
[illegible]

چیزها بنکر مخصوص و
را باعث نسیان اند ـ
خواندن لوح قبر و خور
دن سیب ترش و ا
خوردن کشنیز سبز و
تقبل کردن در آب ایستا
ده و خوردن نیم خورده ـ
موش است ـ و در حد
یث دیگر ابی بصیر
بحضرت امام جعفر صا
دق ع عرض کرد [illegible]
[illegible] قدرت [illegible]
ابن علی که نفس [illegible] فرموده
برای ما فرموده کرده درهم
درهم [illegible] و ده درهم
کندر را [illegible] بکوبد و
بعد از آنکه [illegible] ناشتا
صعفوری کن که باعث ازدیاد
حافظه است و در نیم ماه

عقرب

[illegible]
اسفندیار در حالتی
که با وضو باشد و سخن
نگوید تا از کتابت فارغ
شود این شکل را بنویسد
و نگاه دارد عقرب
او را نگزد و هم چنین
روایت شده که اگر
این اشکال را بنویسد
و در سوراخ فار افکند
بدرستیکه بیفتد

روایت
محمد باقر علیه السلام
نقطه از حضرت امام
قمنا فقطا قطعه
و سم ملحم بحق
بدل سحم سحم فرسم
نقطه ۸ نحن
نحن قمنا نقنا
بسم الله سحم سحم
اشکال این است
و دویم شود و

وقعه ابند غارا بر سر مکان دفن و پنهان کند بجهت آسانی امور و فتح
مهمات و توسعه روزی و حصول مطالب دارین باشد انشاء الله تعالی

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ

الی الله الملك الدیان الرؤف الرحیم المنان الاحد الصمد من عبده
الذلیل البائس المسکین فلان بن فلان اللهم انت السلام
ومنك السلام والیك السلام والیك یعود السلام تبارکت وتعالیت
یاذا الجلال والاکرام وصلوات الله علیك علی محمد واله ودائم السلام
تبارکت وتعالیت یاذا الجلال والاکرام وصلوات الله علی محمد واله ودائم
سلامه اما بعد فان من بحضرتنا من اهل الاموال والجاه قد استعدوا
من موالیهم وتقدموا بسعة جاههم فی مصالحهم ولم ینشوا نهم وتاخر
المستضعفون المغلوبون عن تنجز حوائجهم لابواب الملوك ومطالبهم
فیا من بیده نواصی العباد اجمعین ویا منزلا بولایة المؤمنین ومذل
عتاة الجبارین انت ثقتی ورجائی والیك مهربی وملجای وعلیك
توکلی وبك اعتصامی وعیاذی فالن لی بولایة صعبة وسخر لی
قلبه ورد عنی نافره واکفنی بائقه فان مقادیر الامور بیدك
وانت الفعال لما تشاء وتثبت وعندك ام الکتاب وصلی الله
علی محمد واله الطیبین الطاهرین والسلام علیهم ورحمة الله وبرکاته

وازانجمله خواندن دعائی که در مصباح از پیغمبر صلی الله
علیه و آله روایت شده که جبرئیل باو تعلیم نموده برای روای حاجات وان

ردی است که هر که
این آیه را هر شب بخواند
از نیش عقرب ایمن
وکژدم نگزد اعوذ
بکلمات الله التامات
التی لا یجاوزهن بر
ولا فاجر من شر ما
ذرء وبرء ومن
شر ما انت آخذ
بناصیتها ان ربی علی
صراط مستقیم
همین آیه را خواند نفع
حیثیت دارد وما لنا الا ان
نتوکل علی الله وقد
هدینا سبلنا ولنصبرن
علی ما تقولون اذیتمونا
وعلی الله فلیتوکل
المتوکلون ایضا این آیه
مرتبه دارد برای فتح این
بخواند وبکوید ان کنتم

جهت [illegible]

بالله ان کنتم المؤمنین
الله فکفوا شرکم عنی
ان اب ادرحوالی
الاشد
فرانش حفید
از شر جانوران موذی
ایمن
وکند که این بکند
کردد خط تقطع بکند
ها نظر کند

بنسب یا نور السموات والارض ویا عماد السموات والارض ویا جمال السموات والارض ویا بدیع السموات والارض یا ذا الجلال والاکرام یا غوث المستغیثین ومنتهی رغبة الراغبین والعابدین ومنفس المکروبین ومفرج المغمومین وصریخ المستصرخین مجیب دعوة المضطرین کاشف کل سوء یا اله العالمین **نوع دیگر** این مربع را نوشته با خود دارد و هر روز چهار مرتبه سوره حمد بخواند و بخود دمد روزی او فراخ کردد عجایب بیند از کرامات این مربع این است

بسم الرحمن الله الحمد لله الرحیم رب العا لمین	الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد وایاک نستعین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم	غیر المغضوب علیهم ولا الضالین
المغضوب علیهم ولا الضالین غیر	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب	بسم الرحمن الله الحمد لله الرحیم رب العالمین	الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد وایاک نستعین
غیر المغضوب علیهم ولا الضالین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم غیر المغضوب	الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد وایاک نستعین	بسم الرحمن الله الحمد الرحیم رب العالمین
الرحمن الرحیم مالک یوم الدین ایاک نعبد وایاک نستعین	بسم الرحمن الله الحمد لله الرحیم رب العالمین	غیر المغضوب علیهم ولا الضا لین	اهدنا الصراط المستقیم صراط الذین انعمت علیهم

برستاره ها نظر کند بر
وبکوید اعوذ برب
التهمة من شر کل
عقرب ودنباج
حیة ثم ثم ثم ثم
سلام علی نوح فی العالمین
سلام علی ابرهیم
وآل ابرهیم سلام
علی محمد وآل محمد
اعقدت عن کل
حیة وحیة عقرب علی
اهل هذه

هذا الثلاث من الذکور و از آن ات باب بیستم نوع ۲ کنندگان وقت خواب بخواند اللهم انت الاول فلیس قبلک شئ [illegible] تا آخر دعای که حضرت علی بن الحسین در فضل فقر و [illegible] مذکور شد زهره دو در خواص ابن [illegible] خود [illegible]

خنم احزاب بجهت حصول مطالب جزئی وکلی بطریقه که در جدول ذکر میشود امّا بعد از فراغ ختم در سجده رود و پنج مرتبه بگوید سبّوح قدّوس ربّ الملائکة والرّوح وبعد از سجده آیة الکرسی بخواند و بسجده رود دوباره تسبیح را پنج بار بخواند جدول این است

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	القصص	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	کهیعص	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

روی عن النبیّ من ختم القرآن بهذا التّرتیب قضی الله له کلّ حاجة وکفی مهمّاته ختم سورهٔ انعام هرگاه کسی را مهمّ وحاجتی باشد بعد از وضو و قرائت سورهٔ مبارکه انعام نماید تا بکلمهٔ الله اعلم حیث یجعل رسالته رسد وقف نماید و برخیزد و دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد آیة الکرسی هفت بار توحید پنجاه مرتبه بخواند و بعد از سلام سر بسجده نهد و هفتاد مرتبه بگوید لا اله الّا انت سبحانک انّی کنت من الظّالمین پس سر بردارد و بقیّهٔ سوره را از الله اعلم حیث یجعل بگیرد و تمام کند امّا شروع این ختم در روز شنبه یا در اول روز ابتدا کند دوشنبه میان دو نماز ظهر و عصر سه شنبه وقت چاشت وقت نماز عصر پنجشنبه قبل از زوال جمعه بعد از عصر تا غروب ابتدا کند برای هر مطلب مجرّب است خواجه سنجوری گوید که من

[illegible]

این نماز کردم از خدا دنیا طلبیدم چندان بمن عطا کرد که هزار غلام خریدم آزاد کردم **ختم اذا وقعه** بجهت وسعت رزق و غنا مجربست ابتدا از شب جمعه باید کرد تا شب جمعه دیگر تمام شود و هر شبی پنج مرتبه باید خواند و در شب چهارشنبه آخر که ختم تمام میشود شش مرتبه بخواند بسم الله الرحمن الرحیم یا رازق المقلین یا راحم المساکین یا ذا القوة المتین اللهم یا غیاث المستغیثین یا خیر الناصرین ایاک نعبد و وایاک نستعین اللهم ان کان رزقی فی السماء فانزله وان کان فی الارض فاخرجه وان کان بعیدا فقربه وان کان قریبا فیسره وان کان یسیرا فکثره وان کان حراما فحلله وان کان حلالا فبارک لنا فیه برحمتک یا ارحم الراحمین که انشاء الله تعالی باجابت میرسد **ختم دیگر** برای برآمدن حاجات و مهمات کلی دوازده هزار مرتبه در یک مجلس بخواند و هم در آن هفته بمراد برسد امن یجیب المضطر اذا دعاه و یکشف السوء -

ختم دیگر برای کفایت مهمات و برآمدن حاجات و دفع خصمان و این کلمه را هفتصد و هفتاد و پنج مرتبه بخواند **کهیعص** اگر تواند کلمه **حمعسق** را بران ضم کند که هر دو کلمه دو هزار پنجاه و یکبار در یک مجلس بخواند مراد بزودی حاصل شود **ختم دیگر** برای ادای قرض و برای مهمات کلی و جزئی و خلاصی از حبس و دفع مرض و دشمنان و دفع حزن و اندوه این آیات را نه هزار بار بخواند لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین -

جنین کردم جنانچه دانست
کرکینه باشد خصیر را ۳۰
دست جیت و دو ده دن
آزاد عالله ونظر بر بو
برادر و اکر جانبجیر
را کرکینه باشد بدست
خصیر را دست عالله
ونظر بدان بزادر و
جیندان عالله نا دهن
بزودا ابد اینضا
شاکن شود و انکی هم
شد دفع بدو و ابر دد
بکوید که تعوذ عن نق
باشد و در دبر کرمی او
کرحی را عقرب کربن
المناع اوره
انتاب دو بجمع
عقرب ناعن نشکن
موضع کرکین قادر و
فظعو بدون دفع بو

۳۲ طالع

کردم واسر نابد به
خواند و بد مد نیکو
استعین ما سواه
شود
اینضا جون کردم بزید
یکبار دست بردست
زند و بکوید ینا الکن شود
انا انا اج حاجه
انا اهنا کاه ما حاموا
ینا درس کاه دم او
اینضا در مکا دم
حضرت امام جعفر
صادق روایت
است برای دفع [illegible]
ضرر عقرب [illegible] درمی ابنک
صبح و شام بار بار
هفت بخواند و از حضرت
امام محمد باقر [illegible]
روایت است که هر که
بخواند انبیا من
خدنم

ختم

ختم دیگر آیات کفایات برای کفایت مهمات و بر آمدن
عمل و باز آمدن از غربت بوطن و حصول مرادات کلّی و جزئی و دفع
دشمنان و خصمان بخواند و این شش کلمه است وکفی بالله ولیّا و
کفی بالله نصیرا وکفی بالله حسیبا وکفی بالله علیما وکفی بالله وکیلا و
کفی بالله شهیدا **ایضاً برای ظهور گمشده** و دزد برده و
گریخته و آمدن غایب خفایا بیک مجلس دو بیست بکبار این آیه را بخواند
ظاهر ما بشود و در خواب یا بیداری بوی بنماید و از عاقبت کارش اخبار
بنماید آزموده است آیه اینست الم یعلم انّ الله یعلم ما فی السّموات وما فی
الارض انّ فی ذلک فی کتاب ان ذلک علی الله یسیر در تسخیر سلاطین
اسمعیل آزموده شیخ مغربی تجربه شده است آیه لقد جاءکم رسول من
انفسکم عزیز علیه عدد این آیه را تا اینجا که عزیز است با عدد اسم خود و
عدد اسم دیگر و عدد یکی از سلاطین یا حکام یا نام والدین در
مربّع پنج در پنج در شرف زهره یا شمس در لوح مس نقش کند و با خود
دارد سلطان عصر را مسخّر کرداند **ختم دیگر** جهة آواره کردن اعدا
و اداء قرض و شفای بیمار و حصول حاجات کلّی و طلب بزرگی سه
هزار و سیصد و سی و سه بار بخواند اگر تواند در یک مجلس و الّا به ایام
تواند این آیه را برای دشمن فالله خیر حافظا وهو ارحم الرّاحمین
برای حوائج و هلاک دشمنان و دفع خوف و عقد اللّسان جمله
خصمان هزار و یکبار بخواند انّا نحن نزّلنا الذّکر وانّا له لحافظون

ضامنیم که ضرری از
عقرب و مار بر هوام وان
او نرسد تا صبح وان
اینست اعوذ بکلمات
الله التامّات کلّها التی
لا یجاوزهنّ برّ ولا فاجر
من شرّ ما ذرء ومن شرّ
ما برء ومن شرّ
السّلاطین ومن شرّ کلّ
دابّة انت اخذ بنا
صیتها انّ ربّی علی
صراط مستقیم فائده
دربحر المنافع آورده
که حکماء هند به تجربه
یافته اند که اگر کسی
روز شنبه ماری کشد
باشد مفقود او کشاده
شود و به اختیار از او او
رفع شود و اگر کسی شنبه کزنده

رفع گزندگان

باشد و در آینه
نظر کند اگر دردی
خود را در آینه ببیند
معالجه عاید که علاج
پذیر است اگر دو روز
[illegible]

باختیار رفع از
اگر جمعه گزیده
علاج پذیر نباشد
[illegible]

برای

برای الفت قلوب و وسعت رزق وطلب جاه ومنصب
بزرکی ومحبت سلطان وعقد اللسان امراء ووزراء هزار ویکبار
بخواند الله لطیف بعباده یرزق من یشاء وهو القوی العزیز این
آیات هفت خواص دارد جاه عند الناس قبول عامه استجابت دعا
آسانی کارها دوستی خلایق بعدد کبیر سه هزار سیصد سی و
سه بار عدد وسیط ششصد شصت و شش بار عدد صغیر شصت
وشش بار آیات اینست یس والقرآن الحکیم ص والقرآن ذی الذکر
ق والقرآن المجید ن والقلم وما یسطرون این ورد هفت خاصیت دارد
عزت ورفعت وفراخی روزی وحشمت وقدرت ومحبت عدد کبیر
شصت وچهار بار وسیط چهل وهشت عدد صغیر هشت بار اینست
حسبی الله لا اله الا هو علیه توکلت وهو رب العرش العظیم مجرب
اینست تمت **در خواص بعضی از اسماء الحسنی برای**
طالب البدیع اینست یوسف ع بزرکواری این نام از
زندان نجات یافت هرکه را اندوهی یا غمی پیش آید و نجات او را
نداند ومضطرب باشد وخواهد بمقصد برساند غسل کند ودو
رکعت نماز بگذارد وهفتاد بار بگوید یا بدیع السموات والارض
وبعد هزار بار این اسم را بگوید وبعد از ختم صدقه دهد تا کار او
برآید ایضاً برای هر مهمی کلی این مربع را با خود دارد اگر فی المثل کسی
خواهد طعم بمطلب برساند برای هر مهم دوا هفته براورده یا ظاهر

ازاود دفع شود علاج
کردن فائده ندارد
وفائده ندهد هو الله
العالم بحقایق الامور
والاحکام هو البوارح
معا الجمع کردیدن
بیاز عنصل با عرش
حفظ از بعض جمیع حشرات
است عصاره مخ کالم
[illegible] بدن دبیل
معتقد دانسته اند
وعقرب باشند [illegible]
[illegible] است وبجود بکم
مولف امین الاخطار
[illegible] الاستفار ذکر عوده
دو کس بر انند هوام
[illegible] علی بر است
زاج سعند [illegible]
سکنجبین سکبینج زیت
[illegible]

وسعت رزق

کففر حب شفا
ناخنه مکرر دوزد
کند و پاشیدن نطوخ
بابونه وحنظل واسفناد
ویخ انکشت مجنون خزاد
عقرب مجرب است ومجرب
دانسته اند والله عالم
وعد خزانة الاسرار
اورده که مجنون دفع سم
مار وعقرب وغیره نفع
ولقد نادینا نوح
فلنعم المجیبون و
اهله من
الکرب العظیم هم
وجعلنا ذریته
الباقین وترکنا
علیه فی الاخرین
سلام علی نوح فی
العالمین وعلی
وعلی انبیا
اجمعین

اجمعین ایتها ... [illegible] نقش
لوح از مس یا نقره نقش
کند در شب اول [illegible]
کر نقاش یا طهارت
باشد وهر حرفی که بنویسد
میکند یا بدیع [illegible] بنقش
نظر کنند و [illegible]
الی التمام [illegible] التمام
کرفت [illegible] والخضر
والوان [illegible] چون نقش
تمام شود [illegible] و

کرامید ظهور کردد اثر مربع این است - مخفیات دارد کر ایام البیض

یا	بدیع	السموات	والارض
بدیع	السموات	والارض	یا
السموات	والارض	یا	بدیع
والارض	یا	بدیع	السموات

روزه بکیرد وهر روز شش
هزار بار این اسم را بخواند
رد رخواب یا بیداری او
را ازان امر نشان دهند
انشاء الله تعالی المقدم

این اسم را دو مربع منویسد یکی حرفی ویکی عددی وحرفی بر عددی مقدم دارد وسلطان بر سر علم بندد وما را از لشکر اعدا برآورد وظفر یابد واکر بر لوح نقره نقش نماید از روز شرخ وسلطان را واجب است روز مصاف این اسم را بر زبان راند تا ظفر یابد انشا نعم المجیب اکر در سلخ ماه به نیت هلاک ظالمی این اسم را هزار بار بخواند هلاک شود وبرای دفع خصمان قوی چهل روز بعد تکبیر که هزار وچهار صد وهفتاد بار است بخواند مقهور کردد ببرکت این اسم مبارک بزرکوار المجیب هر که خواهد رقیر از هم بریزد تا قیامت روح داود مند بعد تکبیر دویست وچهار نوبت بخواند در قبر از پوسیدن سالم ماند واکر از سلطان خوف قتل وبند کران دارد در هفت روز هر روز نود ونه بار بخواند وبر خود دمد از جمله افات در امان باشد انشاء الله المبدئ چون در کاری شروع کنی اول پنجاه وشش بار این نام را بکو بعد از ان بر ان کار اقدام نماید البته بتقدیم رساند واکر بر عورتی که دائم

این را بیرون اورده و
بدون انکه [illegible]
اسمان [illegible]
نیابت القمر [illegible] الشمس
ونکوید بعقد [illegible] العشر
دیمها والتیر وضربها
والرفع ونشرها والشبع
وضعها کالعقد [illegible]
بر الشاف من [illegible] البر

دعا [illegible]

بالقدرة الاکبر
الاعظم العظیم والاخری
ولا قوة الا بالله العلی
العظیم [illegible]
را بخواند در وقت
خواندن دعا والایات
ان لوح را در کف
داشته باشد چون عمل
تمام شود لوح را در دعا

هرکه [illegible] خواهد
العباس [illegible]
انچه [illegible] ابو
بیاشامد صحت یابد
ان اب بوی [illegible]
اب انداز [illegible]
بکند ان لوح دارد
تا مار یا عقرب [illegible]
چون کسی [illegible] زهر دهند
یا البعید ونکاه دارد

حمل ضایع کند یا حامله نمیشود بذکر این اسمّ بعدد تکبیر قیام نماید بروش
تکبیر بر طلا یا اطلس سرخ یا کاغذ زرد بنویسد با خود دارد یا مجیب و
کرا اسمعیل ع میکفت و کارد بر کلوی او کار نکرد شیخ شهاب الدّین ره فرمود
که هر که این اسم را بروش تکبیر در مربّع بنویسد با خود دارد در همه بلاها
در همه حال ایمن کردد و دیکر فرمود که هر که خواهد مستجاب الدّعوات
کردد بشرایط مذکور هر روز شصت و شش بار بخواهد و در آخر
دعا را بخواند استجب دعائی بفضلك یا ذا الجلال و الاکرام یا حفیظ
اکر کسی این اسم را بر لوح نقره بروش تکبیر نقش کند و با خود دارد از شرّ
تمام عالم و از مرك مفاجات و قرض و درویشی و آنچه تعلّق بنکبت دارد
ایمن کردد و اکر نقره میسّر نشود در شرف آفتاب بر کاغذ نویسد همین
خواص دارد و اکر این نوشته را در میان متاع کذارد ایمن شود از دزد
و اکر اهل کشتی بخواندن آن قیام نمایند سالم از بلیّه دریا باشند انشاء الله
تعالی یا مقیت هر که را قبض و بسط در کار واقع شود چون شرف
قمر در منحوسات خارج بود این اسم را در مربّع داخل ظرف سفید یا
طبق بمشك یا زعفران نویسد و بشوید و آب آن را در شیشه کند
و هر روز از آن آب قدری روی خود را بشوید فتح در کارهای
او پیدا شود و در میان مردم با آبرو کردد و عدد تکبیر آن هزار
و شصت و شش میشود و اکر جهت قرض همین عدد هر روز ورد
کند تا پانزده روز اذکرد و این نامیست که بشرح رسیستانها و آب

دعای او مستجاب شود
دو رکعت نماز بکزارد
بعد در آخر شب آیة و لقد
نادینا نوح فلنعم المجیبون
کف دست راست بو
جبد حاجت خود را
بخواهد و بکوید یا رب
بحق هذه الآیة اجب
دعائی و انت سمیع الدعاء
مطلوبه اش حاصل کردد
انشاء الله تعالی —

در خواص سوره

و اکر سوره مبارکه ویل
للمطففین را بر چیزی خوا
نند و بدمند از موذی
و جمیع جانوران محفوظ
مانند و چون سوره بلد
را نویسد و بر طفل بندد
از [illegible] موذی بر دود
بحکم ایمن ماند و چون

در خواص اسماء [illegible]

سوره تبت را نویسد
بر طشتی و با آب چاه
بشوید و در منزل خود
بپاشد از هوام و اذیت
محفوظ ماند اخلص سوره
الفلق را بعدد بر طشتی نویسد
با آب چاه بشوید و در
خانه بپاشد هوام از آن
خانه بکریزند انشاء الله تعم
و هو الفعال لما —

دفع پشه و —
عجب در کتاب —
خزانة الاسرار —
برای دفع پشه و
هوام موذیه آورده
اند که الفاظ —
و ذکی د و ا
المجادل و [illegible]
هفتم
در دنیا عقب [illegible]
از شب [illegible]

در چشمها برکت این نام جاری میشود واکر این اسم بعد دکیر یا بعد حروف
برجیز خوردنی خوانند بخورد کودک دهند از شیر باز ماند **فصل
چهارم در دفع شماتت اعداء ودفع خسرات**
زیان- ودفع سهو ونسیان- چون ببیند دشمنی را که شکایت وشماتت
میکند این ایه را بخوان قل لن یصیبنا الله الا ما کتب لنا هو مولینا وعلی
الله فلیتوکل المؤمنون ودر حدیث دیکر امده که اکر خواهد این ایه را
نیز بخواند که الله تعالی انچیزرا که بران رشک برند الایه انی توکلت
علی الله ربی وربکم ما من دابة الا علی الله رزقها وما من دابة الا هو
الله اخذ بناصیتها ان ربی علی صراط مستقیم وچون خسرانی وزیانی
خواهد رسید الله تعالی ضرر انچیزرا بر وی برد وبهتر چیزی از ان بدل نماید
بکوید عسی ربنا ان یبدلنا خیرا منها انا الی ربنا منقلبون **در کتاب
فقه الرضا** منقول است که اکر چیزی از مالت تلف شود این دعا را
بخوان اللهم انی عبدک وابن عبدک وابن امتک وفی قبضتک
ناصیتی بیدک تحکم ما تشاء وتفعل ما ترید اللهم فلک الحمد علی
حسن قضائک وبلائک اللهم هو مالک ورزقک وانا عبدک خولتنی
حین رزقتنی اللهم فالهمنی شکرک والشکر علی حین اصبت و
اخذت اللهم انت اعطیت وانت اصبت اللهم لا تحرمنی ثوابه ولا
تنسنی من خلفه فی دنیای واخرتی انک علی ذلک قادر اللهم انا
لک وبک والیک ومنک لا املک لنفسی ضرا ولا نفعا جهد

لعلبید ودرهانه دیل
کنند دیم دوان موضع
ذرنبا بد و بکنبد بود در
کتاب آموزینا جا
در طبقات زن
مسطور است که نام تبخ
علی صالح که بکجا ازمثا
نبخ صوفی است در
زمین مستعات مدک
راستار زد وبکرات بکوید
لشر ان مکان در ان عمار
ربان را از کراند اسم
وانف را از کرامند ونبا
شهمه اند
لشنبج شهمه کرامند است
لنشر ان دفع مکس ز بعنی
وهسر دفع مکس ز
از دستورات مذابج
هوا مرد رفصل سابق
کذشت ودحرف کران موجب
الطنا البیت وجوف زرنج را
در بتر حل کشند مکس از

فصل سیم

عبور ان هلاد
کردد وبدمستور
غنی
وملکی از کافور ودو
دیبوت ودرنج میکرد
دیجون صوبرنج ازمکس
وباکندتس بنا زنند
درجاخه بکلذ از مکی
ازانجا بکیرد وطبخ
جویر مسیاه کنند واو
والله اعلم واز بخی سرشت

کتاب
نسبت زهر انفعادا
دیم جوانات موذی
باشند دفع
قادر بر کرند دفع
دیو در جسته جمله
کرخته با شد بینی
زبان را بدندان
فادامیکه ادمی
والله

فراموش

دفن کنند از شر جن خوانات
لوح را در هر مکان بنهد
نقش است بخوانند و ان
دائره ها کاغذ من کل
مذکور خواهد شد
نود و دوم جوشن است
اسماء الله که در فصل
اسماء الله یازده مرتبه
نود و این لوح را مع
الجوشن مسطور است

فراموشی از حضرت صادق منقولست که چون چیزی شیطان از خاطر تو محو کرده وخواهی که بیاد اوری دست بر پیشانی بکذار و بکو اللّهمّ انی اسئلك یا مذکّر الخیر و فاعله و الامر به ان تصلّی علی محمّد وال محمّد وتذکرنی ما انسانیه الشیطان **ایضاً** مرویست که حضرت رسول ص با حضرت امیر المؤمنین ع کفت یا علی اکر خواهی که هرچه بشنوی یاد کیری ودر حفظ تو جا کیرد در عقب هر نمازی بکو سُبحان من لا یعتدی علی اهل مملکته سبحان من لا یاخذ اهل الارض علی العذاب سبحان الرّؤف الرّحیم اللّهمّ اجعل لی قلبی نوراً وبصراً وفهماً وعلماً انّك علی کلّ شیٔ قدیر **ایضاً** همین خاصیت دارد کفتن این اسم در عقب هر فریضه صبح پیش از انکه با کسی سخن کوید یا حیّ یا قیّوم فلا یفوت شیٔ من علمه **ایضاً** مواظبت نمودن در قنوت نافله صبح ایه ربّنا لا تؤاخذنا تا اخر سورهٔ بقره وبعد از اتمام آن کفتن اللّهمّ لا تنسنی ما اقرء فی هذا الیوم فانك قلت سنقرئك فلا تنسی **ایضاً** از حضرت صادق ع مرویست که اکر کسی سهو نسیان کند در نماز چون داخل بیت الخلا میشود بکوید بسم الله اعوذ بالله من الرجس الخبیث المخبث الشیطان الرجیم **طریقه** دیکر در نفلیه شیخ شهید رح مذکور است که هرکاه کسی نسیان سهو کند در نماز چون خواهد که شروع در نماز کند انکشت سبابه دست راست خود را بر ران چپ زند بکوید بسم الله وبالله توکلت

موذی غایب باشند و اکر
با خود دارد همین فائده
دارد اما در پنجم اسفند
ماه در ان لوح بنویسد
که بسیار مجرب
امیر وان
ایلیسب

۲۴۵۷	۲۴۷۱	۲۴۶۷	۲۴۶۷
۲۴۶۴	۲۴۶۸	۲۴۶۷	۲۴۵۸
۲۴۶۲	۲۴۶۵	۲۴۷۳	۲۴۵۹
۲۴۷۳	۲۴۰۶	۲۴۶۱	۲۴۶۶

اطباع
کفته اند که مغنطیسان
شئ را با اب مخلوط سا
زند و در سوراخ موش
بریزند همه و الکه موش
دافع شود بسوی انند هر
موش که در انجا بود
خود را در آتش اندازد
و بعض زائد و اکتفا
[illegible] ط
کفته جوب [illegible]
را در سوراخ موش
افکنند بعضی از
بعضی دیکر [illegible]
و مثلها محجوز نند
هم چنین ست [illegible]
خفاش را داد [illegible]
موش انداد [illegible]
باعث کی محجنین
ش

علی الله و اعوذ بالله السمیع العلیم من الشیطان الرجیم **اطبّاء**
از جمله اسرار شمرده اند که چون تخم خربزه را در جمجمهٔ انسان که مملوّ
از خاک گور باشد غرس نماید مشروط بر آنکه آن تخم را بدماغ انسان
آلوده باشند بطریق معمول آب دهند تا خربزه بار آورد هرکه
ازان تناول نماید نفوذ عقل و ذکاء و صحّت حدس و علم بامور
مخفیّه بمرتبه قصوی رسد و ظنون در رؤیای او تخلّف نورزد
و قوّه حافظه او قوی گردد از حضرت امیرالمؤمنین ع منقول است
که هرکه از زعفران خالص جزوی و از سُعد جزئی بگیرد و بعسل
بیامیزد و معجون کرده هر روز بقدر دو مثقال بیاشامد حافظه
بمرتبه رسد که بیم آن باشد ساحر شود **باب هفتم** در

در دفع ضرر دوابّ و هوامّ و دران چهار فصل است

فصل اوّل در دفع جانوران موذیه چون مار و عقرب و رتیل و دفع
سمّ آنها از حضرت امام محمّد باقر ع منقولست که برای دفع جانوران
موذیه رفتن اینها را بخوان بسم الله و بالله محمّد رسول
الله صلّی الله علیه و آله اعوذ بکلمات الله بعزّة الله و اعوذ بقدرة
الله علی ما یشاء من شرّ کلّ هامّة تدبّ باللّیل و النّهار انّ ربّی علی
صراط مستقیم از حضرت امیرالمؤمنین ع مرویست که اگر کسی را
عقرب گزد بگوید سلام علی نوح فی العالمین انّا کذلک نجزی المحسنین
انّه من عبادنا المؤمنین **در کتاب آداب** [illegible] از حضرت

معوّذتین است و همچنین
از دود ناخن کنیزان
میباشند و [illegible] عقیل
کشنده اوست و چون
زنان کنیز دارند
دود کنند معتبسان
از اغنام و پشم کنیزان
[illegible] اسب زاده
[illegible] همچنین مو بیمارانست
ازانغانه انضا ابنغش
از درسفال سوس زارد
و در میان کشت گیرند
و از کوفه نهند و بوی
موشان ازان کشند
دفع شوند هوام

ع د کتاب [illegible] ص

[illegible]

چهار [illegible] دفع [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم و اذا لقوکم قالوا
آمنّا و اذا خلوا عضّوا علیکم الانامل من
الغیظ قل موتوا بغیظکم انّ الله علیم بذات
الصّدور و ایضا [illegible]
بر [illegible] ابن اشکال
[illegible]

کفف عن [illegible]
مخطف مخطف
طیفا مخطفا مخطف
[illegible] قدره
[illegible] زمین نکشند
[illegible] روند

اما

امام جعفر صادق ع مرویست که فرمود که هرگاه از عقرب ترسی نظر کن در شب بستاره سها که نزدیک ستاره بنات النعش است و از بسیاری کوچکی محتاج بحدت بصر میباشد که دیده میشود پس سه مرتبه بگو اللّهمّ یا ربّ اسلم صلّ علی محمّد و آل محمّد و عجّل فرجهم و سلّمنا من کلّ ذی شرّ راوی گفت که تا بحال یکشب نخواندم که در ان شب مرا عقرب گزید و در روایت دیگر فرمود که اگر کسی از مار و عقرب ترسد در اوّل شب این دعا را بخواند بسم الله و بالله و صلّ علی محمّد و آله اخذت العقارب والحیّات کلّها باذن الله تبارک و تعالی بافواهها واذنابها واسماعها وابصارها وانیابها عنّی وعن من احبّ الی ضحوة النّهار و در روایت دیگر فرمود که این دعا را بخوان بسم الله و بالله توکّلت علی الله فهو حسبه انّ الله بالغ امره قد جعل الله لکلّ شیءٍ قدرا اللّهمّ اجعلنی فی کنفک و فی جوارک واجعلنی فی حفظک واحفظنی فی امرک **و در درّ النظیم** آورده که از اوّل سوره انعام تا اینجا که کانوا عنها غافلین معرضین بر صفحه آبگینه بنویسد و بآب باران بشوید و در چهار گوشه خانه بپاشند مار و کژدم از آنخانه دور شود

طریقه دیگر افسون هندیست بجهت بستن عقرب کالی پچی پیلی پچی ابرهها و یوهن من شرر ازادم چندک دهائی پالکان کرتای **اما معالجه زهر عقرب** از جمله خواص این حروف است که هرگاه بر کاغذ سفید پنج بار بنویسد در حالتی

ایضاً این اسم را بکار [illegible]

بنویسد و در [illegible] مس [illegible] و تا شیر [illegible] بنویسد [illegible] در چهار [illegible] خانه [illegible] باشد و [illegible] دیگر [illegible] چهار پاره کاغذ [illegible] الم تر الی الذین خرجوا من دیارهم وهم الوف حذر الموت فقال لهم الله موتوا موتوا موتوا

ط ه ع ۹ [illegible]

[illegible] سوره محمد [illegible] ۲ [illegible] ۹

وبلغ [illegible] شبدر [illegible] دفعه [illegible] آب [illegible] خواند وضع [illegible] و در اطراف خود [illegible] باشد [illegible] شب [illegible] زنگیشان [illegible] از [illegible] اول شب تا [illegible] شب اینها هم در [illegible]

[illegible]

کہ با وضو باشد و رو بقبله پس بشوید و آب آنرا اوّل بر مسؤول بکه جراوردد
که فلانکس را عقرب گزیده بدهد بیاشامد درد آنعقرب گزیده زایل گردد
و این از جمله مجربات و عجایبات بخود در هنو هنوف هنوف مطوف
م کلم و در بعضی نسخه های بی نقطه واو ها و منها مطهوس
طا و ها مفتوح العین بود رعایت کند بهتر است **طریقه دیگر**
این حروفات جاره یا بسته مقطعات قرانی را بر جام زجاجی یا چینی
بنویسد و باب شیرین محو کرده عقرب گزیده بیاشامد فی الحال
درد ساکن گردد م ه س ک ص ق ایضا در فصل
ابطال سحر گذشت که امتزاج دادن حروف اسم قائم و واحد و
نوشتن و شستن و بملسوع خورانیدن موجب تسکین الم لسعه
عقرب است و همچنین خواندن سورهٔ جحد و معوذتین بنمک آب
درد ما لبدن ساکن گردد **طریقه دیگر** این افسون را بر آب خواند
و بعقرب گزیده دهد تا بیاشامد یا دغشی یا دغوشی یا شمعی
یا شمیعا اسکن باذن الله تعالی عز و جل **طریقه دیگر** بنویسد
و بر بالای زخم مار و عقرب ببندد شفا یابد وَاِذَا رَاَیْتَ الَّذِیْنَ
یخوضون فی آیاتنا فاعرض عنهم حتی یخوضوا فی حدیث غیره
ولا حول وَلا قوة الا بالله العلی العظیم **طریقه دیگر** این
منتر را بر ملسوع خواند بشرطی که با وضو باشد و موضع لسعه را
مسح کند و سه مرتبه بخواند درد ساکن میشود مجرب است دو کی

زنجبیل بکوبند و قد دان
داخل نشوند و ازان
بکسایند و از دو دیمان
العود. مقطران سیاه.
بخار در عکنند و از مجرب
دانسته اند بیار زعفعل
موجب هرب سباع و
هوام و فصاد و مکاین
جهت بلنجو و ماتحرکه
اسمع حروف درکوش او
این مسند اید بخوانند
بطریق واست بخوانند
صلاح اید بسم الله الر
حمن الرحیم اولم یروا انا
خلقنا لهم مما عملت اید
ینا انعاما فهم لها مالکون
وذللناها لهم فمنها رکوبهم
ومنها یاکلون ولهم فیها
منافع ومشارب افلا یشکرون

عمل مجربست

بجهت دفع آفات زرع
اینها را بر کوزه نو نوشته
در میان زرع دفن کنند
بسم الله الرحمن الرحیم
الا تعلوا علی واتونی
مسلمین الله یجمع بیننا
والیه المصیر یوم یجمعکم
لیوم الجمع ذلک یوم
التغابن اذا رجت الارض رجا
انما الارض صفرا
الصلوة وابتغوا القوه
ودوا بالارض بغرة
انه الذی اسری بعبده
لیلا من المسجد الحرام
الی المسجد الاقصی الذی
بارکنا حوله لنریه
من آیاتنا انه هو
السمیع العلیم و
اذا فوقع مزرع الارض
یفسد

دوترا

یسبح له ما فی السموات وما فی الارض وهو العزیز الحکیم
المصور له الاسماء الحسنی
القیوم و بحق الخالق البارئ
بحق لا اله الا هو الحی
ایها الذباب ایها الخفاف
ایها الذی عن هذا الزمة
لکلاب اهل العصر اخرج
عزائم جنم جحتنا جنج
تارک الله سلیمان وان عظیم
تشا لفنا دو ان قزم
وبها لا یحرث والله لا

دو تری نائل و پاکنا یاری جنود و رهوا نلوا یکی د و ر موا یکی ئل دکن
ودر نل دکن **طریقه دیکر** این منتر را بخواند زهر برون اید د
ساکن کردد لبیله طورها کورها کل منها کارها قورها شکرپنده
انده مندی کریا کریا او عن نکن سو سرو و بحق سلیمان بودا و دم بد
سلیمان سید احمد کبیر دغا ریز دم کوچ **در مجرب المنافع** آورده که اگر
عقرب جانب راست کسی را گزیده باشد در کوش چپ و اگر جانب چپ را
گزیده باشد در کوش راست او بخواند بنکواشد او بمواچهلی سوا ها
ایضا در محلیله زهر کژدم اثر کرده باشد بکیرا بکوید تا انجا را محکم بکیرد
و خود بخواند و بپرسد تا کجا فرود امده است چون بجای نبرسد
انجا بخواند و اب بران زند دفع شود سانپ ناهین کل کل محمد این
کرکون کل دهرلی نزهر اب چهار رکهال **ایضا** اگر کسی را عقرب بزند
این افسون را سه مرتبه دست بر موضع درد گذاشته بخواند که مجرب است
فرودا بنام کهر فرودا بنام خدا سرکه ترکه برکه ابو بچپندی
دو بنکی کرے کل من پچ چچه بچ سر ساله برپچ این یک پره چچه
اوردم زهر عقرب را از بدن فلان بن فلان بحق کهیعص حمعسق
فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم **اگر مار گزیده باشد**
بجای زهر عقرب زهر مار بکوید و اگر اسم پدر انشخص معلوم نباشد
فلان عبدالله بکوید **اما بجهة بستن دم مار**
در مکارم اورده چون مار در لانه بیند این افسون را سه بار براو

ابغ باخالد الرشادح
الانعة المنامة بحق محمد
والمحمد و بحق جبرئیل
ومیکائیل واسرافیل و
عزرائیل علیهم السلام
که در درخت بید برابر
درخت بید بنوید و بر درد

فائده

او بزد دفع شود
باذن الله الهیمش
باهیج اهیا شر اهیا اد
۱۱۱۱ اب ۱۱۱۱ اج ۱۱۱۱ اد
۱۱۱۱ ه ۱۱۱۱ و ۱۱۱۱ ز
ح ۱۱۱۱ ط ۱۱۱۱ ی ۱۱۱۱
ک ۱۱۱۱ ل ۱۱۱۱ م ۱۱۱۱
ن ۱۱۱۱ س ۱۱۱۱ ع ۱۱۱۱
ف ۱۱۱۱ ص ۱۱۱۱ ق ۱۱۱۱
ر ۱۱۱۱ ش ۱۱۱۱ ت ۱۱۱۱
ث ۱۱۱۱ خ ۱۱۱۱ ذ ۱۱۱۱
ض ۱۱۱۱ ظ ۱۱۱۱ غ ۱۱۱۱

بر جهت دفع تب ربع و
نوبت لرزه بنویسد و بر
بازو بندد دفع شود
و لا یفسد و انچ
الارض

في الارض لعبرة صالحة
فيها ان الله يخرج منها
المصدرين يا خرج منها
ثم يكون للناس منكب
فيها فاخرج منها ما بدمع
يا ما تدهورا من قبل
ان يأتيكم العذاب بغتة
وانتم لا تشعرون وبعض بعض
مغرسياح ونقص من
انباء والله على كل
شيء قديرا امن الرسول
بما انزل اليه اخر سوره

خواند مار را ببند و زبان را بیرون کند چون مار را بگیرد بسمله خاتم سلیمان
بن داود علیه السلام اخ اخ وه اسکه ملائکه هبوا سوب
مادروا باروا ذا قوی قرا ذای مریم هذیا بسم الله خاتم وبالله
الخاتم منبرجو کیان **هند** بر مار خواند بسته گردد کرست
کرست کرمث کروا اسا سیس کرساثو کوسنکر کرتن تمن کرنهوا
بجابنا کبره کره سن کرین سن سبح دبانرد بره منا ویلی بکتکه سنکیر
بزدان من جهان جهان دستان دارو والون لون جمار لد هاکایال
کاذکرتای **طریقه دیگر** بطریق ایشان سکجوری کباری کدموئلی
کهاری بیندمن پانی نکلا لها چهار بند هم اسمان سرمبانت نر-
هنوا کار بحق سلیمان پیغمبر **ایضاً** بطریق ایشان بر او خواند
بسته گردد ادم بهو کبا ها من تهین بهوای محمد به دین تن جوالی ها
نکدی خدای ادم کنول ال ننت سوا الاکه تبهوالت لا اله الا الله
محمد رسول الله ادم سکه کر خدای بولی ناهین بس **از خواص**
این ابیات که منسوب بحضرت امیر است چنین یافته اند که چون
بر خال خوانند و بر سر مار بر زند بسته گردد که حرکت نتواند کرد و
در ضمن خواص این ابیات عجایب و منافع بی نهایت است کفاک رتلب
لم یکفینك کواکفه کف کافر کلیم کان منکلکا تکوا کرا کبرا لکر
فی کبدی یحکی شکله کانت للما لکلکا کعفاف رتلب کف الکاف کرشیر باکو
کب کان یحکی کوکب الفلکا **طریقه دیگر از خواص** این اشکال

طریقه دیگر
النفس در سر دعم یا بوستان
بیم افتی باشد از کرم
ابن افیون را بر جهار
یا زیجر کاغذ بنویسد
و در زمان جهار یا رم
و دیگر بکنار دو در بکه
فیکس بتد دعویا تبا اطلاع
جانب شد دهد از مضرت
جانوران ایمن باشد
ایها الذوات والهوام
والحیوانات اخرجوا من
هذه الزرع الی الخراب
کما اخرج ابن مریم من
الحوت وان لم تخرجوا
ارسل علیکما شواظ
من نار ونحاس فلا
تنصران الی الزرع
الذی اخرجوا منه
ثم وجم الوز
علی الوز تقایم
لهم انه موتوا
ثم احیاهم
اجاکم منه ثم دیج
فتحت ممن ما فتح
الذی یزرع سبحان
الذی اسری بعبده
لیلا من المسجد

کرچون

کهچون برچهار قطعه کاغذ بنویسد در چهار گوشه خانه یا محله دفن کند مار در انجا نیاید اگر بوده باشد فرار کند بسم الله الرحمن الرحیم هجه و ممجه بجا واطود وهوب نبخ بدل بسمله هجاء و بمجد و بهوب مجباط واطرد و بعضی از دعاها در طی ذکر عقرب مذکور شد محتاج باعاده نیست معمول دارند ایضا ودر مجرب المنافع اورده و کفته از مجربات دانسته اند که چون طفل متولد شود پیش از انکه او را شیر دهند و بقدر حبه از اشک چشم کاو کوهی که او را تریاق کوهی کویند ودر تعفن تحت چشم او منجمد میکردد ودر کام انطفل بمالند در ایام جوانی از سمومات مشروبه وملدوغه متضرر نکردد **اطباء** از مجربات دانسته اند که چون نشادر حل کرده وکاغذ را بان نقشها نموده ودر اطراف خود بگذارد هوام پیرامون انکس نکردد وهمچنین پاشیدن ابی که نشادر دران حل کرده باشند باعث هرب ماران است وچون ازان اب در سوراخ مار بریزند باعث هلاک او کردد واکر طبخ خار وحسک را بر موضع بپاشند مار ترک انمکان کند وچون ریسمان را بقطران الوده ودر دور او حلقه کند داخل حلقه نمیکردد واز دود بخور سم بز و کوکرد وشاخ کوزن وموی انسان وزفت ومقل وسکبینج وچوب انار کریزان میشود واز دارنده زمرد افعی کریزان وچون چشم افعی برزمرد افتد چشمش در ساعت از حدقه دفع میشود اما

الی المسجد الاقصی الذی
بارکنا حوله لنریه من آیاتنا
انه هو السمیع البصیر
فاتبعهم [illegible] یوم [illegible]
الاعین [illegible] فاخرجنا
کم ترکوا من جنات وعیون و
زروع ومقام کریم
کانوا فیها فاکهین کذلک
علیهم السماء والارض
وما کانوا منتصرین
مذموما مدحورا [illegible]
فلناتینهم بجنود لا قبل لهم
بها ولنخرجنهم منها
اذلة وهم صاغرون

بجهت طرد عقرب فصل
در کتاب در مکنون [illegible]
اورده اند [illegible]
ودر مکانی که کژدم بسیار
باشد ودر زبان [illegible]
انجا باو برند [illegible]

دفع

شود ودر زبان نیز
بسایند بسم الله یس و
القران الحکیم ص والقران
ذی الذکر لو انزلنا هذا
القران علی جبل لرأیته
خاشعا متصدعا من
خشیة الله [illegible]
لنخرجنکم ولیمسنکم منا
عذاب الیم [illegible]

[illegible]

معالجه

معالجه زهر مار را اینکلمات را موضع گزیدن مار خواند و بدمد شفا یابد ببلیه اهیا شراهیا ادونی اصباوث ایل شد اوا عوذ بکلمات الله التامات کلها من شر ما خلق و ذرء و برء و من شر کل جنبه و عقرب و من شیح قرنبا قرنبا سلام علی نوح فی العالمین انا کذلک نجزی المحسنین انه من عبادنا المؤمنین ایضاً برای موضع زخم مار خواند شفا یابد حمانا شهیعا برحمتک یا ارحم الراحمین

رباعی ابو الخیر ره دوازده بار بخواند و دست بدست زند مار عرب فرار نماید

بستم دم مار و دم عقرب بستم
ش از دم دم هر دو شاید بستم
شیحا قرنبا قرنبا قرنبا
بر نوح نبی سلام کردم رستم

فائده از کتب و نسخه مرتاضی چنین است که اگر خواهی مار بزرگرا بگیری یوم دوشنبه بنشین و اینده عا را هفتاد مرتبه بخوان مار پیش تو آید و سست شود باید سر او را ببری و وصله از گوشت انها بکیری و بزبان کنی و بخوری چنان شود که گنج همه عالم را ببینی دعا اینست بسم الله اللهم انی اسودمنک فی نعمة و سترا و خاتمة علیک و لا هو الا هو یا الا اله انت یا من لا اله الا هو یا افطح یا افطح یا انجح لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم و صلی الله علی خیر خلقه محمد و اله اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین نسخه بدل صحیح است نسبت یا ولی اللهم انی اسود منک فی نعمة و اسر و خاتمة علیک نعمتک علی او علی سیدک سخر لی فی الدنیا

که خواهد بکار دارد از آن عمل
آب اغتسل کند و درز[illegible]
کند زود سبز شود د[illegible]
دیگر آیه و هو الذی
انشأ جنات معروشات
الی قوله انه لا یحب المسرفین
از همان سوره را بر چوب
زیتون نویسد یا نقش
کند و آنرا در بالای
باغ یا بر بستان بیاویزند
میوه های آن باغ بسیار
گردد و اگر همین آیه
را بر پوست بنویسد و بر
گله بوده بنویسد و بر
گردن گوسفندان بیا
ویزد نتاج بسیار و برکت
نمایند اثر [illegible] ایضاً

دفع [illegible] از بوستان
مقدار [illegible]
ها در [illegible] بکفنا [illegible]

عمل [illegible] **جهت** [illegible]

بود درخت [illegible] نگرد
ببندند از نگرد
محفوظ ماند و حاصل
ان خوب شود و انچه
دندان کفتار را در
گردد هر باغ بیاویزند
بعد او را در آن باغ [illegible]
بیاویزند از نگرد
محفوظ ماند و چون
[illegible] را بر بستان
انرا [illegible] در گور
نوشته در زمین دفن کنند
و موش [illegible]
ان باغ یا بستان [illegible]
است یا قوت [illegible]
سوره [illegible]
[illegible]
عدد [illegible] الکرسی
که چون [illegible] بنویسند در

والاقرة

در چهار گوشه زراعت علاج
که در [illegible] دفن کنند ایضا بنویسند
بنویسد در چهار گوشه زراعت
با فانی دفن کنند علاج
بنویسد با موم [illegible] از عجم
انه من سلیمان وانه
الله الرحمن الرحیم الا تعلوا
علی واتونی مسلمین
کنند

والاخرة ولاحول ولاقوة الا بالله العلی العظیم ماشاء الله ربنا آتنا
فی الدنیا حسنة وفی الآخرة حسنة وقنا عذاب النار ربنا ما خلقت هذا
باطلا ربنا انک من تدخل النار فقد اخزیته وما للظالمین من انصار

دعوت دیگر اگر خواهی که مهرها را بگیری و گنج همه عالم را بچشم
خود به بینی باید روز دوشنبه بعد از بجا آوردن نماز عصر در جای
خلوت بر نشینی این دعا را هفتاد بار بخوانی که چند گونه چیز پیدا شود
اما باید که مترسی مارها را بیابند اما نشان مار آن باشد که پشت چشم
او سرخ باشد چون سر بزمین نهد و سجود کند باید سر او را ببری و
میان وی را بریان کنی بخوری چنان باشد که گنج همه عالم را ببینی
و دعا این است بسمله ایضا بیضا نستظهر لحا حیا شراهیا اذونی
اضباوث علی السد راضبا ورابلزهیم دیوء وواهوی اخرورش
صالحی هلواجیم هلوثیم لبثم لیثم هم فروش اجبوا اجیبونی وبحق کلام
القدیم وخاتم القدیم وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین
وصلی الله علی خیر خلقه محمد وآله اجمعین **دعوت دیگر بدل** صحیح تر است
بالتسمیه باولی بسمله ایضا بیضا نستظهر لحا وهیا حیا شراهیا
اذونی اضباوث اشباوث اشباوثون علی السد بدا یا وهم دیوث
ودث اهوافرورش صالحا هلوقیم هلوثیم لبثم هم فروش اجبوا
اجیبوانی والمبعونی بحق کلام القدیم وخاتم القدیم وسلام علی
المرسلین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله اجمعین

دفع عنجمد
[illegible] خاکستر جو بنا د
زاد در بعز نیز در
روغن بجا را ز آن هر سی
بر زراعت یاد روز
بیزند عقیم بگینه بار
هم حنظل را بکوبند و
بکشند و در وزد ورا ب
اغفنسه کنند و بیفشنید
و آب انرا بریزد در اعتیشیم
ایضا در چهار گوشه

و دفع مار عقرب

ملخ از زراعت
دفن کنند از [illegible]
محفوظ ماند بسم الله
وبالله وبعظمة الله و
بجلال الله وبقدرة الله
وتقدست اسماء الله
بالقدوس اسماء الله
وفجرنا الارض عیونا
ادفع عن هذا الارض
بحق کهیعص وبحق
حمعسق وبحق بسم
الله الرحمن الرحیم
بسم الله الکافی
بسم الله الشافی
بسم الله المعافی
بسم الله الذی لا یضر مع
اسمه شیء فی الارض
ولا فی السماء وهو
السمیع العلیم و[illegible]
اطفال مصر [illegible]

نفع

زاد در روضه کلینی رح روایت کرده اند که برا ایشان ببندند و بخوانند براو رده شود و در حدیث دیکر وارد شده عزمت علیکم یا اریح بعزیمة الله عزمت علیها علی بن ابیطالب علیه السلام و رسول الله ص م علی جن وادی الصبر فاجابوه واطاعوه لنا اجبت واطعت وخرجت عن فلان بن فلان م الشاغر نفع د

ایضا بجهت ام الصبیان بنولید و بر طفل بندد خواهد بود بسیار نافع

فصل دویم در دفع کیک و پشه و مکس وغیره

ان در روایت معتبر از حضرت موسی بن جعفر ع مرویست که فرمود اصحاب حضرت رسول ص در بعضی از غزوات از بسیاری کیک بانحضرت شکایت کردند انحضرت فرمود که در وقت خواب ایند عا را بخوانید یا ایها الاسود الوثاب الذی لا یبالی غلقا ولا بابا عزمت علیک بام الکتاب ان لا تؤذینی واصحابی الی ان یذهب اللیل ویجیٔ الصبح بمن اب بما جاء شیخ طبرسی در مجمع البیان از حضرت رسول ص روایت کرده بجهت ایمن بودن از کیکان هفت بار ایه وما لنا ان لا نتوکل علی الله وقد هدینا الایه در اول فصل دیگر ابواب کذشت و در قدح ابی بخواند و بکوید ان کنتم امنتم بالله فکفوا شرکم واذا کم عنا پس ان ابرا بر اطراف فراش و رختخواب بپاشد ایمن کردد در کتاب حرز الامان اورده کرد در بعضی از کتب خواص مذکوراست که اگر کسی وقت خواب جامی پر اب کند و بر بالین خود نهد و سه بار سوره اذا زلزلت را بخواند و هر بار براو دمد هر کیک و پشه که در حوالی باشند خود را در ان کاسه اندازد ایضاً گفته اند طبیخ خسکرا جهت کشتن کیک از مجربات است و بدستور طبیخ اب حنظل و خر زهره و افسنتین و کیک واش از جمله ادویه مشهوره است ابن زهره در خواصش ذکر کرده از خاصیت سماق است که چون اب انرا در خانه بپاشند کیک از انجا بکریزد والله اعلم اما دفع پشه از خاصیت

جبوت جبوت ازاوث هبون مطوث مطوث مسلموث سلبوثانس العبا وماه درنا فرازده ناحیوذ جبنو در کتاب در مکنونه

اول ساعت روز دوشنبه مشتری اشکال زاد در صفحه قطع نقش کند و بر گردن آن طفل بندد از ام واوات دیوان وزیر وکیلیس ابن مانند

ایضا در بحر المنافع که ابنا مرکبا د کوبید ام الصبیان خواهد نوشید و کردن بندد و جلجلوس م بوس ادیوس مجوس مرطوس سیلوس سلو یاس و صادر دیب

کم اطفال بخواب نروند ابدا نوشته در دیوار او
این اشکال است هر کاه
کودک ... دفع بجواب و
السمیع العلیم والله واسع
فسیکفیکهم الله وهو
یا وکیل یا کفیل
یا الله یا حفیظ یا رقیب

کنار زند بخواب رود
ایضاً در دفع بجهت
دفع اوقید و بجهت
دفع بجوابی اطفال دیجار
از نیم کاغذ بنج سبح عرو سلا
بین بیدو زاد در نیمان
سنج ببندد در کوش او
بندد بجواب و ببندد
فصل ۱۲ دوازدهم بابیت
از اول از این معمول کند

طلسم پشه دفع

این است که العلیم الحکیم را در دیوار خانه رسم کند پس در آنجا بماید و از خواص این آیه است هر که بخواند در اثنای خواندن بانگشت خود در دور خود مندلی بکشد پس در آن مکان مندفع شود کانما یساقون الی الموت وهم ینظرون درد رمکونه اورده که بجهت بر طرف شدن پشه این شکل را با اعداد بنویسد در مکانی بنیاو پشه از آن مکان بکریزد شکل این است **ایضاً** این شکل را در این کتاب شرح مذکور

۲ ۳ ۸ ۱۱ ۸ ۱۱ ۷ ۵
۲ ۳ ۲ ۷ ۵ ۳ ۱
۲ ۸ ۲ ۱ ۷ ۴ ۳ ۱

۲ ۳ ۸ ۱۱ ۸ ۷ ۱ ۷ ۵
۳۲ ۱۲ ۷ ۵ ۳ ۱
۲ ۸ ۲ ۸ ۱ ۴ ۳ ۱

دردر النظیم اورده که بجهت بستن پشه در پنجشنبه اول ماه رجب این شکل را بنویسد بر سر پاره کاغذ و از سمت محلی که خواسته باشد پشه از آنجا بسته شود بیاورد و آن سمتی که ممر و مدخل است خالی گذارد پشه از آن مکان بسته میشود شکل این است عططس دخل البق عططس خرج البق عططس مات البق بالف لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم **نوع دیگر** **طلسم بستن پشه** حکما گفته اند که بر شش ماده یا نی را که هنوز بر او نجسته باشد ببستاند و مثال پشه از مس چند انکه تواند ببازد هر یکی را بتار موی ببندد مانند خوشر انگور هم اورده

جهت کل خوردن
کودکان که عادت بوده
باشد این ابیات را بر قطعه
نان نوشته بدو بخوراند
ترا کل خوردن نماید است
بنحر بر رسیده الشجرة
وانفخا هذه الشجرة لا
فتکونا من الظالمین ولا
تاکل الطین بحق لبیب ولا
تاکل التراب بالحمد لله
الکتاب و تعدها و بحق
الم عسق و الف
کهیعص و لا حول و لا قوة
الا بالله العلی
العظیم ایضاً این
ابیات بنجم مبع
بنیاده نوشته
بخوراند
واعوذ بک من
همزات

در طرف روی یا سفال نهد و سر شرا محکم ببندد و در میان سرای یاده پنهان کند چون سه روز بگذرد هیچ پشه درانجا نیاید تا این طلسم برجا باشد و باید بوقت آمدن سهیل باشد یا شعری عبور کند یا در آنوقتی که مریخ از مشرق طلوع میکند و اگر با مشتری مقارن باشد بر نظر او بهتر است اطبا گفته اند که چون زرنیخ را با نوشادر و پیه گاو چند روز در مکانی بخور کنند پشه درانجا تولد نکند والله اعلم

فصل سیم در دفع سوس و ارضه و موش

وشپش و موریچه وغیره در خواص الآیات مذکور است که هر که آیه والذین ینفقون اموالهم فی سبیل الله کمثل حبة انبتت سبع سنابل الی قوله والله غنی حلیم را در سوره بقره در سفال نولسد ودر انبار غله نهد از شپش محفوظ ماند و اگر در میان امتعه واقمشه نهد از موش و سوس ایمن ماند **طریقه دیگر** از خواص این حرف است اگر بر صندوق بنولسد هر متاعی که درانجا باشد از سوس و کرمهای زیان رساننده ایمن باشد **اذکر روه اما دفع ارضه** شیره زهره سبز را بر موضع ارضه بمالند دیگر ارضه نیاورد و اگر صبر را بر تبشیر باره بمالند و درخت را بان ببرند در وقتی که تر باشد دیگران چوب را ارضه نخورد و پاشیدن اب مطبوخ خرزهره را در کشتن کیک و ارضه وسایر از مجربات است اما دفع

همزات الشیاطین واعوذ بک رب ان یحضرون فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین

جهت گل خوردن اطفال

این آیه را نوشته و بر طفل ببندد که خاک نخورد نزل کند ویقذفون بالغیب من مکان بعید وحیل بینهم وبین ما یشتهون کما فعل باشیاعهم من قبل انهم کانوا فی شک مریب

جهت گریه اطفال

که گریه میکند و نخوابد و برگهواره و بنوشند و برگهواره یا زیر سر گذارد یا ببندد تا بخواب رود تعلیق نمایند بخواب رود ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم وبعد بکوبید

جهت دفع ارضه

الله الله الله الله

الله الله الله الله الله

لسم لسم لسم لسم

لا اک

ایضا

حم اثرها [illegible]

دو [illegible]

ح الحاد [illegible]

درگهواره و بر سر گذارد

بسمله والله غنی [illegible]

فیها فیمسک التی قضی علیه الموت ویرسل الاخری الی اجل

ح ح ح ح ح

ح ح ح

مذکور [illegible] ام

مجرب محیط

است که چیزی [illegible]

فرزند است

این برای اطفال است

ه	ح	ى	٩
ب	ى	ح	ه
ى	ط	ر	ى
٨	ر	ط	٨

موش بر پوست شتر بنویسند و بر چوب دفلی بپیچد و در سوراخ موش داخل کنند موشها بیرون آیند باذن الله تعالی فارسلنا علیهم سیل العرم و بدّلناهم بجنّتیهم جنّتین ذواتی اکلٍ اللهمّ بدّلنا خیراً منهم و بدّل لهم بنا خیراً لهم منّا واجعل ذلک عاجلاً موجلاً **و از خاصیّت** اسم وهّاب است که پیش از غروب آفتاب روز شنبه در ظرف سفالی بنویسند و در انبار غلّه نهند از موش و سوس ایمن باشد و مربع اینست — **در مجمع المنافع آورده اند** که بجهت دفع موشان این مثلث را بنویسند و در انبار غلّه بیاندازند اگر در کشت زار است بر چوب بندد اگر در خانه باشد در دیوار خانه زند ایضاً سوره و العادیات را تا فاثرن به نقعا با این دعا در کاغذ بنویسند در خانه بیاویزند و دعا اینست اللهمّ بحقّ هذه السوره ان تدفع مضرّت الفار و یحرق بالنّار علی التّوالی کلّ لیلة واحدة عند غروب الشّمس عن بیتی بحقّ هذه الاسماء الشّریفه اگر کشت یا باغ باشد عن المزرع یا عن هذه الحدیقه بنویسید که مجرّب است انشاء الله تع دفع مورچه بر چیزی بنویسید و بر در یا ...

٥	٢و	ط	زی
٥	معا	٠ی	ی ی
٥	ع ع	١٢	ح د

دو ٢	هفت ٧	شش ٦
نه ٩	پنج ٥	یک ١
چهار ٤	سه ٣	هشت ٨

ایضاً مجرّب گریه اطفال و بخواب رفتن ایشان و از خود ریختن خواب زنان این تعویذ را با خود دارد فضربنا علی آذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا

جهت شیر [illegible] از گرفتن اطفال از پستان

امام جعفر صادق علیه السلام روایت کرده که سوره بروج را بنویسید و بر کودک ببندد که او از شیر بازایستد و بر ان آسان گردد انشاء الله [illegible] نعم

مولود ایضاً در [illegible] دیگر بنظر رسیده [illegible] کرد در نوشته [illegible] در [illegible] است که [illegible] را بر [illegible] خواند و هفت [illegible] و [illegible] با [illegible] و [illegible] انار [illegible] [illegible]

خانه بنویسد بیاویزد مورچکان فرار نمایند بسم الله ان کنتم تؤمنون بالله والیوم الاخر والنبیین الیهم واسئلکم بحق الله وبحق نبیکم ونبینا وما انزل الیهم واسئلکم بحق الله وبحق نبیکم ونبینا وما انزل الیهما الا خولهم عن مسکننا **ایضاً** بنویسد در شوید و در سوراخ ایشان پنهان کند از آن منزل فرار نمایند یا ایها النمل اخرجوا من هذه المکان وهذه الدار واسرع الخروج اخرجکم کما خرج سلیمان بن داود وجنوده فی الیم **ایضاً** بر لبشه یا موسی این ابر را بخواند و در سوراخ ایشان کذارد بکریزند یا ایها النمل ادخلوا مساکنکم لا یحطمنکم سلیمان وجنوده وهم لا یشعرون **و بتجربه رسیده** بکموزه (؟) بکیرد وشر باد این ابر را براو بخواند بدمد و رها کند همه فرار نمایند **و در دفع رفع** اورده که اگر سوراخ موران را بسرکین کاو آن مسدود نمایند موران بمیرند یا بکریزند **اطبّاء** کفته اند که اگر زاج سیاه را بسوزانند وخاکستر او را در سوراخ موران بریزند و سوراخ موران را بسرکین کاو آن مسدود نمایند موران بمیرند یا بکریزند **اطبّاء** کفته اند که اگر زاج سیاه را بسوزانند وخاکستر از او در دهان سوراخ موران بریزند موران بکریزند یا بمیرند **اما معالجه شپش** در خواص الآیات از ابن عباس روایت کرده اند که اگر کسیرا شپش زار کند مداومت باین ایه نماید قالوا یا ذا القرنین ان یاجوج

العلی العظیم وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان کنتم مرضی او علی سفر او جاء احد منکم من الغائط [illegible] فلان بن فلانه را ببند بحق محمد و آله الامجاد وبحق بسم الله الرحمن الرحیم وما رمیت اذ رمیت ولکن الله رمی ولیبلی المؤمنین منه بلاء حسنا ان الله سمیع علیم ۱

کشادن حیض

[illegible] وارد اطباء بجهت ادرار [illegible] حیض مجرب دانسته اند کرفس [illegible] استعمال [illegible] نمایند وهم چنین

کشودن حیض بسته [illegible] زده و برده بعاید موثر و مجرب دانسته اند عصاره قثاء الحمار هفت روز بازهره کاو داخل کرده بالتمه [illegible] کشوده شود بر دارند [illegible] عنب الثعلب [illegible] وارد

[illegible] صاف [illegible] وکشودن [illegible] فادرون علی عابد [illegible] سرخ [illegible] وهم چنین عصاره انجیر حلوا بعمل اورد [illegible] بروغن [illegible]

وَمَاجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ در سوره کهف تا فجمعناهم جمعًا در خواص السور از حضرت صادق ع روایت شده که هر که سوره عم را بنویسد و بر کمر بندد حیوانات موذیه نزدیک وی نیایند اطباء سیماب کردن را در مستاصل کردن شپش از مجربات شمرده اند ضماد روغن ترب دافع قملست و صبر زرد و طلای بهمن قاتل قمل است و چون تراشه چوب گردکان را چند روز در روغن زیتون بخیسانند تدهین آن دافع قمل و صئبان که بفارسی آنرا رشک گویند از مجربات است و به سبوس و طلای شب بمانده با آب قاتل قمل و صئبان است و تدهین روغن گردکان بعد از و طلای مولود در روز ولادت با آب تره باعث عدم تکون شپش در تمام عمر گردد

فصل چهارم در دفع آفات زرع و بستان

از کرم و ملخ و طیور و عصافیر و چشم بد و مجهز شر و دفع سن و جیج و ماله و سایر آفات از زرع و باغ بر چهار قطعه کاغذ و یا چهار تخته بنویسند و در چهار جای در میان کشت زار دفن کنند تا آنها دفع شود ان شاء الله تعالی

بر تخته اول نویسد

بسم الله الرحمن الرحیم

فسیکفیکهم الله وهو السمیع العلیم کاشف الکرب ومنجی نوح من الهم ومنزل التوراة والانجیل والزبور والقرآن وخالق الشمس والقمر الم ذلك الكتاب لا ريب فيه هدى للمتقين الذين يؤمنون بالغيب ويقيمون الصلوة ومما رزقناهم ينفقون —

جهت کشتن خون حیض

گفته اند که نیم مثقال [illegible] با نیم مثقال الجرم [illegible] دو کرت [illegible] و الاونز [illegible] باستحکام [illegible]

سیلان خون حیض دفع

و در دو دیم مجرب است زیره بوداده با السویق [illegible] باب بیخ بطارفج مصری خورانیدن و بیان مجرب دانسته اند و ایضا ابن زهر در جه در قلع خون حیض عدیل ندارد [illegible] بیانه نیم مثقال و [illegible] دایفون [illegible]

در بیان علت

زنان برای اولاد نشدن در کتاب تسهیل [illegible]

فائده

است از شیخ الرئیس ابو علی سینا نقل شده که از کلام حکما یونان است که هر گاه خواهند معلوم نمایند که علت نیاوردن فرزند از مردان است یا از زنان چند دانه گندم و یا جو را در دو زمین بکارند و در یکی از زن بول نماید هر کدام که سبز نشود علت از آن است و اگر بالکلیه سبز نشود علت از هر دو است —

فائده در آبستن شدن زنان

وما ینفقون

وما انفقتم من شیء فهو یخلفه وهو خیر الرازقین قطعه دوم بسم
الله الرحمن الرحیم خذوه فغلوه ثم الجحیم صلوه ثم فی سلسلة
ذرعها سبعون ذراعا فاسلکوه انه کان لا یؤمن بالله العلی العظیم
ولا طعام الا من غسلین لا یاکله الا الخاطئون اغسل الجراد والقمل
والزراس والضفادع التادیع وکل آفة من ذرع فلان بن فلان
و بر قطعه سیم بسم الله الرحمن الرحیم
کهیعص ذکر رحمة ربك عبده زکریا واذکروا نعمة ربکم واوفوا
بعهد الله واتقوا سلطانه واتبعوا فی الارض منهجا والی السماء
مطیعا وانتهوا بنهیه الله واتقوا الله الذی خلقکم والجبلة الاولین
و بر قطعه چهارم بسم الله الرحمن الرحیم الله ربکم ان
ان یجعل لکم ابن اذ ادم ادم هو الذی احیاکم ثم یحییکم ثم یسلطکم
ثم یغنیکم وهو الولی الحمید ایضا بمشك و زعفران برد و کوزه
نوی نو بستد یکی را درمیان ذرع در بلندی نصب کند که جمله ذرع
نمایان باشد و کوزه دیگر را در سند کاه اب ذرع دفن کند که اب
از فوق ان بزرع رود و ان اینست بسم الله الرحمن الرحیم
الله لا اله الا هو الحی القیوم لا تاخذه سنة ولا نوم الله الله الله العظیم
لا اله الا انت العلی العظیم الله الله الله الله بدیع السموات والارض
ذو الجلال والاکرام اللهم انی اسئلك باسمك المکرمات المیمونات
المطهرات المقدسات واسئلك بنورك الذی هو نور علی نور و

حیض علت است کردن
دارد از حیض و مریعی که
مرد بزن میرساند که
ابستن بیابتو بلد حیض
نبایدان ز حکیمان
حیض بر سیاه بد کرد نا ابستن
علت است کرد ند نا بیح
بیابتو دو کفته اند
الله هفت علت است
چون معروف کرد ابستن
کفشند یکی را بیح
از کوسفند یکی انکه در
باز بنا و در بحی انکه در
رحم او بکو لنا و را باشد
باز بنا و ردد و دیکر در رحم
اوسر حج باشد و زنج
بر رحم او نباید باشد و زنج
که در رحم او اب او در
و اب بسرد باشد و در بد
انکه دو او زرد در اید

ذو دفع اوقات

باشد اولا دبیاد در
و دو رشنا اهنا
و دو ر کوشت
زیاد دعلامتش انکه
دفع جماع د دو دن
درد کند و در بکون
نیا درع رحم زن ناف
درد کند و در باسب
رحم بسنه او درد
و دو البسوخته

باشد در رحم او درد سوخته شود که
و دو ر جماع باد بیا ید
کردن درد کند
در رحم دن درد کند
دور جماع دو در بریزد

نور

نور بحق نور و بنور السموات و الارض و بنور العرش العظیم و اسئلك
بنور وجهك الکریم و شدة سلطانك القدیم و شدة جبروتك لك الحمد لا
اله الا انت المنان بدیع السموات و الارض یا ذا الجلال و الاکرام
اخرج و ادفع کل اثر و بلاء من هذا الزرع و المقام بحولك و قوتك
و جلالك و سلطانك من اولها الی اخرها و حسبنا الله و نعم الوکیل
نعم المولی و نعم النصیر **طریقه دیگر** و بر زرع و باغ کذارد بسم
الرحمن الرحیم و انه لکتاب عزیز لا یاتیه الباطل من بین یدیه و ما
من خلفه تنزیل من حکیم حمید انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن
الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین اخرجوا ایها الذین
ان من امکنتم فلا تنزل و ان ابیتم فادنوا بحرب من الله و رسوله
اخرجوا باذن الله یخرج الحی من المیت و یخرج المیت و یحیی الارض
بعد موتها و کذلک تخرجون با این شکل،

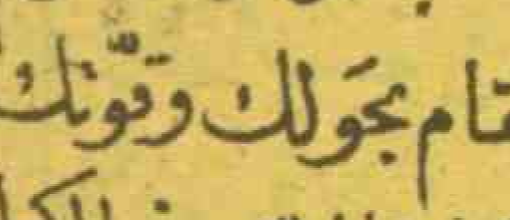

نوع دیگر بجهت دفع اثر زرع از خول و موش و هر
خورندگان و جمیع جانوران مفسد بنویسد و بر سر چوب کند و در
گوشه زمین فرو رود بسم الله الرحمن الرحیم
هو هو هو سر سحی سهر بجستی کفت نفت کل کون هن
لهن هن هن کسی برهانه لستم دم سسه وحجه و مورجه
من محصولات هذا الارض انه من سلیمان و انه بسم الله الرحمن
الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین ایضا این ایات بجهت دفع

دارد بعد با شوهر جماع
کند و زنیکه در رحم
او باد باشد فلد ری
موم زرد را بکوبد با
روغن هم و روغن
سلاب بیامیزد بخود بر
دارد تا سه روز بعد
بجامعت کند و زنی که
در رحم او درد دی باشد
زهره روباه با خایه مرغ و

نسه روز بخود بر دارد
قلدری نیم [illegible] کده تا
با شوهر جماع [illegible] زاد
کرد رحم او کوشت زیادتی
مجامعت کند و زن
تا سه روز بعد با شو
از حیض زن با خود
کرده بعد از پاک شدن
تا نشد ند ری نیم
خرگوش با زهره خر

روغن زرد با
میزد تا زرده بیضه بریاکرده و
زن بخود بر دارد و
بعد از آن با شوهر جو
مجامعت کند خوب
و زنی که در رحم او بیم
زنده ایاید زهره کرار
نده با روغن سلاب
با پیه با روغن بیامیزد

با پیه تا مشد بریان کرده
با دو موی بر شانه و
العود سازد و بشر زود
با خود دارد بعد
با شوهر جماع
کند و زنیکه در رحم
رحم و اشته با شد و
سلاب با ایام
با مغز با افدر
نیم بعد از پاک
بخود بر دارد بعد
کند با زکر زد و زن

کرده

کرم و غیره بنولبد و بر شیر باده لی و بر سر سمت زمین فرو برد و
سمت قبله خاکی خالی کذارده دفع شود واذا تولوا سعی فی خرابها
فی الارض لیفسد فیها و یهلک الحرث و النسل والله لا یحب الفساد و
اذا قیل له اتق الله اخذته العزة بالاثم فحسبه جهنم و لبئس المهاد بر

جهت دفع آفت تکرک در زبدة الدعوات مسطور است مزرعه که
دغدغه و آفت خوف تکرک رسیده باشد این شکل را در کوزه
ابریق کذاشته در چهار جانب مزرعه دفن کند ایمن ماند از آفات انشاء الله شکل این
الملا عقدت بلاء البرد وافرع عن مزرعة فلان باربعة حدود الله

بسم الله الرحمن الرحیم بحق لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله
بستم تکرک از مزرعه فلان بن فلان ان شاء الله بچهار حدش فسیکفیکهم الله
هو السمیع العلیم ملکوت کل شیء والیه ترجعون الم تر ان الله یزجی سحابا
ثم یؤلف بینه ثم یجعله رکاما فتری الودق یخرج من خلاله وینزل من السماء
من جبال فیها من برد فیصیب به من یشاء ویصرفه عن من یشاء یکاد
سنا برقه یذهب بالابصار سبحان ربک رب العزة عما یصفون وسلام
علی المرسلین والحمد لله رب العالمین انا کذلک نجزی المحسنین و عنت
الوجوه للحی القیوم وقد خاب من افتری من حمل ظلما نوح نوح نوح
اللهم ادفع بلاء البرد وضرر الجراد وجمیع الآفات عن هذه المواضع
بحق اسمک الله وبحرمة محمد و آله الطیبین علیهم السلام وبجمیع انبیائک
المرسلین والملائکة المقربین وبعزة ملائکتک المطهرین بن فلان
یا اله العالمین آمین عقدت بلاء البرد وافرع عن مزرعة فلان بن
باربعة حدود وجهت بحق الله محمد وعلی وفاطمة وحسن وحسین
الله علیهم اجمعین برحمتک یا ارحم الراحمین جهت عقدت بلاء
البرد وافرع عن مزرعة فلان باربعة حد

عقدت بلاء البرد وافرع عن مزرعة فلان باربعة حدود

کردیم او تکرلینا درع
کند و دهن کاو ماده
ایا بیا منزه با فرد
تیه بعد از آن بالد شد
از حیض با خود بیدارد
و بعد مقارنت بیار
با بگیرد از آنکه تعرا لفضا
حکیم جب کفت جنبد علت
ابنت دو دخانه دزن باب
بگیرد حضرت فرمود
علاج اخفا او [illegible]
کرخانه او کوبست کردند
باشد زهن و دروغن زیتون
بکوبش و بکوبد
بنا مزه با پشم [illegible]
سفنک السنبل الوده
زن با خود دارد و زنی
کرد دردزینکه در درحم
او با قبله علامت انکه
ثبت درد با روغن کرد

دفع [illegible]

قابض ایکه دانه مایه زن
کذاشته و بعد از آن بایکه
زن با خود بدارد و
زینکه خزانه او زرد آب
دهنه باشد و علامت
آنکه دهان شخص
شود زهره و دوبار
با دروغن کند و مشک
زعفران در دهان
خشکه کذارد
جماع کند
بخورد برد و دم
دهن زینه فرزند
کند دهان کند
علامت آنکه
بناه شود زهره
بخورد
بخورد ذایم زن
[illegible]

باز زاید و در بیکر بریان
او را جادو کرده باشند
[illegible] جماع نسرد و
درد کند علاج آن زهره
خرگوش [illegible] نشسته
زن با چهل روز درد بعد از
معالجه دیگر فایده
جمله جماع امتناع نماید
زن بعد از حیض سه شبانه
روز مشغول بود از درد زهره
و سرگین گاو و خرگوش هر یک مثقال زهره
خرگوش [illegible] بکشند الفرج
ساخته استعمال نماید
و کوبند زهره خرگوش
را بجهت تناول نماید
همین فایده را دارد
[illegible] بجهت تخصیص جلد زنان
اکر خواهد بداند که زن [illegible]
اورا بحساب ابجد [illegible]

فایده

آورد و دو وانده
دوازده طرح کند مانده
بمانند جلد شمار آنکه
خواهد بداند جلد از مرد
است یا از زن اسم مرد
را بحساب ابجد و اسم زن را
حد حساب نماید بعد
جمع نماید سه سه طرح
کند یکی ماند عیب از زن
است و دو و سه ماند
عیب با مرد است

این شکل را در چهار گوشه مزرعه دفن کند محفوظ ماند انشا

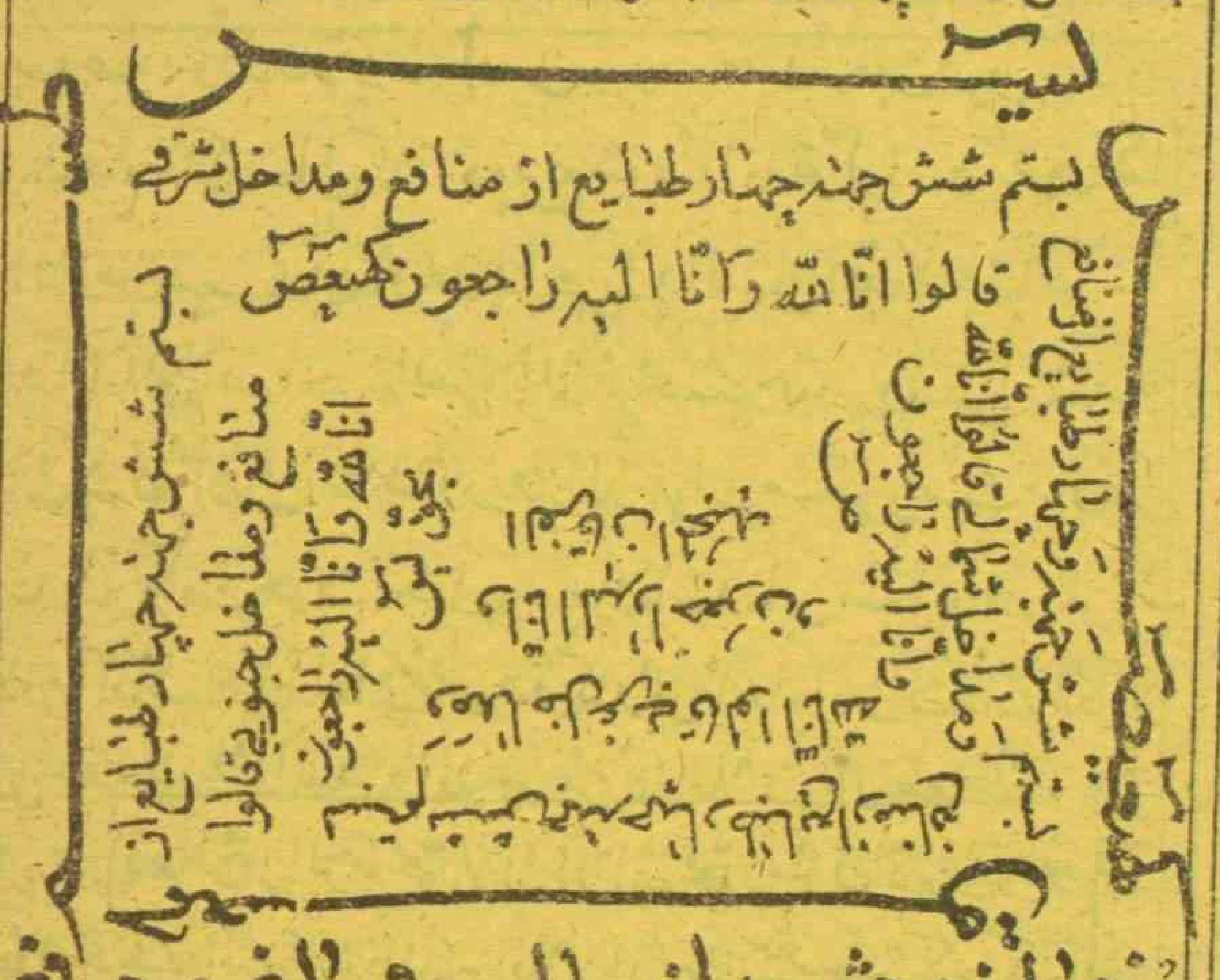
یس
بسم شش جهت چهار طبایع از منافع و مداخل شرقی
قالوا انا لله وانا الیه راجعون کهیعص
بسم شش جهت و چهار طبایع از منافع و مداخل قالوا انا لله وانا الیه راجعون
بسم شش جهت چهار طبایع از منافع و مداخل جنوبی قالوا انا لله وانا الیه راجعون
حم

دفع آفت چشم بد از زراعت و باغ و دفع

آفات از سباع و بهائم و کرم و ملخ و غیره این دعا را بر چهار پاره چوب باید نویسند و بر چهار رکن آن بیاویزد سالم ماند باذن الله تعالی بسم الله الرحمن الرحیم واذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها ویهلک الحرث الی قوله ولبئس المهاد اللهم ان السماء سماؤک والارض ارضک وما فیهما وما بینهما لک فاحفظ هذه الحدیقة یا اسکنه هذا الزرع اگر زرع باشد باسمک الکبیر الاکبر الاکرم السمیع الواسع انک علی کل شیء قدیر الواحد الصمد الذی لم یزل ولا یزال ویحیی الذی لا یزال برحمتک یا ارحم الراحمین طریق دیگر بجهت دفع چشم بد از باغ و بوستان و مزارع و مکان کفتند

بکشد دیک [illegible] است
بعد از آن زنان
چند قسمت [illegible]
زنی که جلد دارد
باشد بیوم جمعه
شنبه بیکی دهفت
و بعد از بسم [illegible] را
و اینک عاء [illegible]
هفت مرتبه

گر این دایره بالای تخته یا کاغذ بکشند در باغ بیاویزند از چشم بد محفوظ ماند اثر

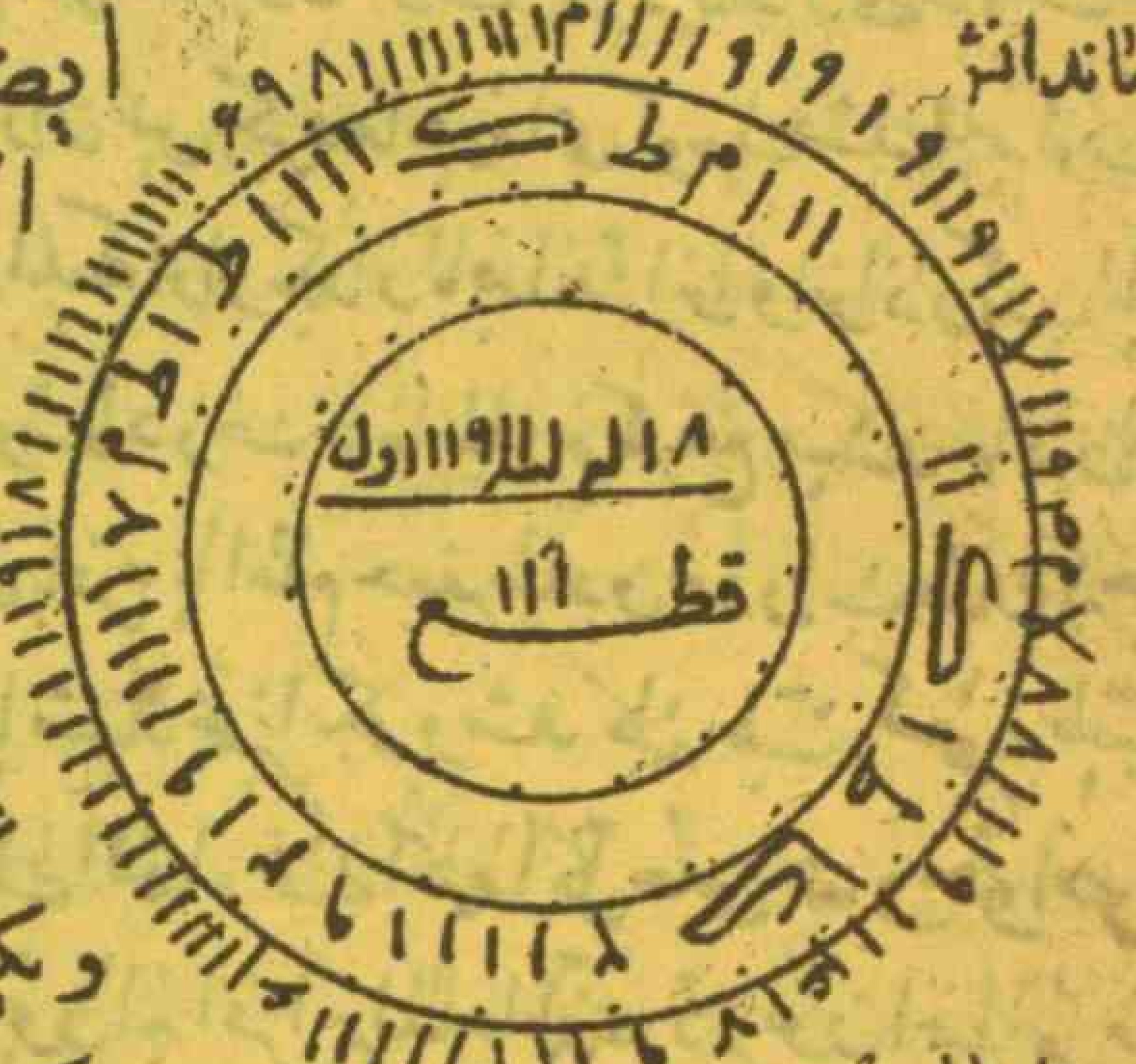

ایضاً در کتاب سرّ الجوشن مذکور است

بجهت زیاد شدن غله و حیوانات و میوه و غیره بنویس این لوح چهار عدد و در وقت نوشتن و یکبار بخوان و آن لوح را
ده نام را ببست در کوزه گذارد و در چهار رکن باغ یا بوستان یا مزرعه دفن کند اثمار آن زیاد شود اما اگر خواهد دعای جوشن در فصل نود و هشتم ذکر شد

(لوح اینست)

۲۲۵	۲۱۸	۲۱۵	۲۱۲
۲۲۴	۲۱۱	۲۲۰	۲۱۷
۲۱۰	۲۱۳	۲۲۰	۲۲۷
۲۲۹	۲۲۸	۲۲۹	۲۱۲

صاحب مقال در کافی از حضرت صادق ع روایت کرده که چون خواهی تخم بپاشی بگیر یکمشت از آن تخم را رو بقبله و سه بار بگو افرأیتم ما تحرثون ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون پس سه بار بگو بل الله الزارع بعد بگو اللهم اجعله حبا مبارکا وارزقنا فیه السلامة پس بپاش آن تخم را ایضاً از امام

باید بخواند و در هر
نوبت یکبار بر کی بدمد
و در روز جمعه آبرا بیاندازد
و از آن آب غسل کند
و بعد از آن نانرا از نیم
را بر بازوی راست
ببندد و [illegible]
بعد با شیر هر کس [illegible] خورد
چهارم با چهل روز [illegible]
و در روز چهارم [illegible]
را باز کند و [illegible] کند و
من خورد و [illegible]
تا کسی را زن بخورد
تا حامله شود و [illegible]
ایضاً بسم الله
الرحمن الرحیم [illegible]
[illegible] بحق نوح و زبور
و انجیل عیسی و زبور
موسی و صحف ابراهیم و
علیهم السلام
داود و فرقان محمد مصطفی
واله [illegible] فلانه
فلان را از جن و انس
و عفریت [illegible]
بحق لا اله الا الله
محمد رسول الله و
علی ولی الله یا الله یا الله
یا الله یا الله یا الله
یا محمد یا محمد
یا علی یا علی [illegible]
بخواند از بالاتر
هفت بار [illegible]
[illegible]
[illegible]

جعفر

جعفر صادق ؑ روایت کرده که چون خواهی که باربردار کنی درخت خرما
را اگر خوب نمیشود باران پس بگیرد ماهیهای کوچک خشک و بیم کوب کن
و نثار کن بهر جو تشنه اند که ازو بگذارد باقیمانده آنرا و آنرا در کیسه پاکیزه
بگذارد و آنکیسه را در وسط درخت خرما بیاویزد که نفع میکند باذن الله
نوع ایضا از امام محمد باقر یا امام جعفر صادق ؑ روایت شده که چون
نشانده درختیرا یا نشیکی تخمیرا بگو و مثل کلمة طیبة کشجرة طیبة
اصلها ثابت و فرعها فی السماء تؤتی اکلها کل حین **در خواص**
الآیات است که چون آیه افرأیتم الماء الذی تشربون افرأیتم ما
تحرثون ءانتم تزرعونه ام نحن الزارعون لو نشاء لجعلناه حطاما
فظلتم تفکهون را در ساعت ششم از روز دوشنبه در وقتیکه ماه
زائد النور باشد بزعفران و شیره انگور بر کاغذی نویسند و بآب
باران در ظرف پاکی بشوید و آن تخم را در آب اغشته کنند بیاشامند
محصول آن نباتات نیکو شود و از آفات ایمن باشد **باب هشتم**

در دفع امراض اطفال و زنان

و در این پنج فصل است فصل
اول در دفع امراض اطفال اما معالجه امراض اطفال بر ایشان خوانند
بسم الله ارقیک من کل عین حاسد الله یشفیک ایضا بر او خواند
اعیذک بکلمات الله التامات من کل شیطان و هامة و من کل
عین لامة **ازارقط** مرویست که گفت بیمار شدم به بیماری سختی
و مادرم خالوی مرا بخواند یعنی امام جعفر صادق ؑ را و مادرم گرا

بکشد تا سر انگشتان حفر خط
بکوید بر سر [illegible]
فلان بن فلان را دو فلانه را
بحت فلانه را بحق الله
الا الامر هو الحی القیوم
ام یحفظها الذی [illegible] را به
خوانند بنام ام انفی و
ان خالدا را بسم [illegible] کند
بسم [illegible] سجود را به
[illegible] کلها ملا نشود
طریقه [illegible] با خالد
[illegible] و خالد سه
بر کلهند در دمیان طیف
[illegible] وانزن قدم بر
خالد [illegible] و بر دارد زد در
ابه الکرسی را سه مرتبه
بخواند و دو مرتبه بر
ان خط بکشد و در
آخر سوره [illegible] را به
خواند و خط بکشد
[illegible]
ویعبد خالد را ابم
زند و سوره قل هو
الله احد را با انگشت
[illegible]
میان خالد [illegible]
بعد از ان خالد [illegible]
[illegible]
کنند تا [illegible]
از آن [illegible] شود
ان زن حامله شود
مجرب و از منت است
[illegible]

سلمه بنت محمد بن علی ع در بیرون خانه بود وجزع مینمود و میگفت ابوام
برجوانی او پس خالویم او را منع کرد و فرمود که جامهای خود را جمع کن
برخود و بربالای خانه برای و مقنعه از سر بردارد و سر را برهنه کن
در زیر آسمان پس بگو رب انت اعطیته وانت وهبته لی اللهم
فاجعل اهبتك الیوم جدیدة انك قادر مقتدر پس خود را بسجده
بینداز زیرا که هنوز سر بر نداشته باشی که بیرت عافیت یابد پس
شنیدم مادرم را که این دعا را میخواند پس در همان ساعت صحت
یافتم و باتفاق خالویم بمسجد رفتم والله اعلم و بغیر این روایت دو نوع
دعای دیگر که مادرم بجهت اولاد میکند که در مقدمه کتاب گذشت نوع
دیگر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که بخط او یافتند بسم الله و
بالله والی الله وکما شاء الله و بعزة الله وجبروت الله و قدرة الله
وملکوت الله هذا الکتاب اجعله یا الله شفاء لفلان بن فلان ابن
عبدك وابن امتك عبدالله صلی الله علی رسول الله دو محمد النبی ع
آورده که اگر این را بر کاغذی بنویسد و نام طفل بکه باشد نیز بنویسد
ودر آب اندازد اگر غرق شود فرو نشیند بدانکه آن کودک -
زحمت بسیار کشد بعد صحت یابد و اگر بالا بماند زود صحت یابد
آزموده است بسمله ولو یؤاخذ الله الناس بظلمهم ما ترك علیها
من دابة ولکن یؤخرهم الی اجل مسمی فاذا جاء اجلهم لایستاخرون
ساعة ولا یستقدمون اما معالجه ام الصبیان و

جمیع آب ها را صفرا ب
کنند پس خصلت کنند
پس منع بسیار باید
سال که راه رها نا
زیاب بآب کند م
تعلیف نماید و بعد
اتمام منع را آب کند
وغذای دیگر یا بخلو
بکند وزن عافیت
بنا دل نماید تا
حمل او کرده و از
است وچون سر قطعه دو سم
منع بخورده شود و
روز خورده بدن
در ضرب کردن
محبت است بنوازی
و لبسند وزیاب
زنکه اولادش نماند
انبیا آب را بر کتابی
راب بدبیه بصفت

دفع
امراض

مسطر بنویسد و
دو در هر سطر بکسوزن
کاد کرده بزند پس
از آن دو میان کودک
آب بدین کتابی زد
در قبرستان قدیم و
دفن کند بقدرة الله
تعالی اولادش میماند
اینست کتاب زین
للناس حب الشهوات
من النساء والبنین
والقناطیر المقنطرة
من الذهب والفضة
والخیل المسومة
والانعام والحرث
ذلک متاع الحیوة
الدنیا والله
عنده حسن
المآب لله
الرحمن الرحیم
[illegible]

بادجن

مرجع کتابخانه علوم باطنی

نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرانا عجبا الی ام اراد بهم ربهم رشدا کرده ابدا ثم حمیر حافظ جمل ازسقط ابتعاذ طلسم وانبوبسید از نخ ابریم ننژیر بسید ورلاالکند وبند دعا نابد درجی ودروبکر ببندد

وبادجن در حدیث امده است که شخصی بحضرت صادق ع عرض کرد که پسری دارم که هر بادجن و ام الصبیان اورا میگیرد بحدیکه ازاو ناامید میشوم فرمود هفت مرتبه سورهٔ حمد را بمشک و زعفران بر ظرفی بنویس و باب بشوی تا یکماه. ازان اب بوی ده تا بخورد داوی کفت یکمرتبه خورد برطرف شد در مکنون بجهت ام الصبیان اطفال مکا مکسکمبنا طلحا حرطوس وکلوس ودمعد طوس وطعا موس وار طهور ۱۱۱ ۳ ه ۱۱۱۱ ک ۱۱۱۱ ۳ ۸ ۸ ع ۹ ۱۱ ۹ ۸ ۹

۹ ۹ ع ط ۱۱۱۹ ا ک ۱۱ ۸ ۱ ع ع ۱۱۱ ع ه لا ۹ ک ۱۱۱ ۱۱ ۹ ۱۱ ۸ ۸

فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین ایضا بنویسد و بدو نمایند و بدو بندند ایمن شود انشاء الله بسمله بحق کهیعص ۳ و بحق حمعسق - ماله اما معالجر توس رض الطفال بخواند و بنویسد بر ایشان بندند اوّل سورهٔ اذا زلزله و بروز فر من حیث لایحتسب و من یتوکل علی الله فهو حسبه فضربنا علی اذانهم فی الکهف سنین عددا ثم بعثناهم لنعلم ای الحزبین احصی لما لبثوا امدا ایه شهد الله الی سریع الحساب در ال عمران و ایه قل ادعوا الله تا اخر بنی اسرائیل و ایه ولقد جاءکم رسول من انفسکم الی اخر سورهٔ توبه و بجهت از خواب جستن کودکان در فصل دهم باب اول تعویذ گذشت معمول دارند اما معالج در دفع بیخوابی و گریه اطفال این تعویذ را بر

وبعد نماز بندد کرد زمین ازاید دعا رابریکی در طفل بندد عمر زیاده کردد جبانت الهه وجم امته الرحمن الرحیم طیوع انا الرحیم طلسو ما انا الرحمن در بعد امست طلسم طلسم ابن امست

ه ه
۶ ۶ ۶
[illegible]
[illegible] ۲

حسبنا الله ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر وصلی الله علی محمد وآله الطیبین الطاهرین اجمعین علینا مشکینا

نقوش در نقوش شا نقوش کهطیطلوس حلوس اب نقیب نقوش مادوس نطبرونس ملوس ملوس [illegible] ه ه ه ه ۸ ۸ ۸

ایشان ببندد بسمله الآن خفف الله عنکم وعلم ان فیکم ضعفا وخلق الانسان
ضعیفا وعنت الوجوه للحی القیوم وقد خاب من حمل ظلما یا نارکونی بردا
وسلاما علی ابرهیم بسم الله ذی العزة والکبریاء والنور وصلی
الله علی محمد واله اجمعین

اسامی اصحاب کهف

بجهت بیخوابی وکریستن اطفال بسیار مجربست مکسلمینا تملیخا ملیخا
رطبونس بینونس ساربونس کشفططونس قطمیر زبان تور —
دنبه دیکر مکسلمینا ملیخا مکسلمینا مرطونس بوانس اربطانس
ادرنوس کبد سططیوس قطمیر **بجهت شیر باز کرفتن**
اکر طفلی بجهت شیر باز کرفتن رنجور شده وکریه بسیار کند بر تخم مرغ
مسلوق نوشته باو خوراند صحت یابد وبآسانی ترک شیر خوردن نماید
وتاکلون التراث اکلا لما وتحبون المال حبا جما ام ابرموا امرا فانا
مبرمون **فائده** اکر طفلی دیر براه افتد این آیات را بر ظرف سفالی
نوشته وشسته قدری بوی خوراند وقدری بر بدن وی بمالند
ویکی دیکر نوشته بر وی ببندند براه افتد ارکض برجلک هذا
مغتسل بارد وشراب والله خلق کل دابة من ماء فمنهم من یمشی علی
بطنه ومنهم من یمشی علی رجلین ومنهم من یمشی علی اربع یخلق الله
ما یشاء ان الله علی کل شئ قدیر **وبجهت** دیر بسخن آمدن طفل
در فصل دفع لکنت زبان وحصول فصاحت مذکور شد —
فائده در سوراخ کردن کوش وبینی طفلی را بخواهند

ع ع ع ع ع و
ه صع ایضا و
همب تابر بجشد و
مکل ماتا هو ٠ ا ٠ ا ٠ ا اصباوث
ا ٠ ا ٠ ادونع اصباوث ابدشلع
یا الله یا الله یا الله
یا حی یا قیوم بحق
کهیعص حمعسق
ولاحول ولاقوة الا
بالله العلی العظیم ۔ م

کاه زنی فرزند خطا
کند این دعا را نوشته
در موم کیرد دوا ببر
اندازد وغسل کند ۔
اهیا اهیا شراهیا الخ
اهیا اهیا شراهیا
مکائیل و دود ودع
عرفت ملدنخ و
افسون بنی دیکر
شود افصاد دیا

بحر المنافع آورده ۔
بجهت دفع اسقاط
حمل بر رشته معصفر
که هفت لا تا باشد بقدر
قامت آنکس باشد ۔
بیست ویک کره بزند
بهر کره یکبار این
افسون را بخوانند و
بر کمر بندد ۔

هو مر هو مر هوم
هرغ هراخ هو هوهرنخ
خواندن حران دنسته مسرح
دستور مدنخ کحم
جح جح جحو
اجن شود اوبجا

هفت حصن دعا [illegible] از جن و پری و [illegible] اولاد و [illegible] وقای ماندن

و این هیکل دعا بد مجرب است
بسم الله الرحمن الرحیم
قل لن یصیبنا الا ما کتب الله لنا هو مولانا وعلی الله فلیتوکل المؤمنون بستم زبان دیوان و پریان از هفتاد و دو ملت از نیش [illegible] فامل هیکل را بحق وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو وان یردک بخیر فلا راد لفضله یصیب به من یشاء من عباده وهو الغفور الرحیم

سوراخ کردن ترسند که مجروح شود و درد کند این دعا را بر شقه
و سوزن خواند و سوراخ کند از درد کردن و مجروح شدن ایمن ماند
علی الحدید علی الساعة الشدید بحق علم العلماء وبحق سکان السماء
وبحق عیسی بن مریم ع ان لا اوجعنی لحماً ولا اخرج لی دماً ادخل
سالماً واخرج سالماً **ودر بحر المنافع** آورده که هفت
بار اینکلمات را بر سوزن خواند و هر جا که خواهد سوراخ کند
درد و پخت و خون نباشد و در وقت سوراخ کردن نیز بخواند
کهر بر کو و شبکاسی ایضاً **در بحر المنافع** آورده که هفت
آیة الکرسی بخواند و گوش و بینی اطفال را سوراخ کند و بر آن دمد
درد و پخت نکند **ایضاً** آورده این افسون را بخواند و سوزن را
بلعاب دهن خود میگرداند بعد یا بن سوزن خود یا دیگری گوش را
سوراخ کند درد و پخت و خون نباشد اون ها نش نبسر و
شک سبو با مجرب است **فائده بستن چله مولود**
باید مادر او ریسمان سفید و سیاه هفت بار برهم تا بند
و هر یکی هفت مرتبه بخواند این کلمات را و هر مرتبه گره بر آن
بزند و در رشته همین قسم در رشته ده بکر ام مولود و بکر برابر او
او بندند اللهم اجعل جلاه و حلاه بلاه و صلاه و کلاه و لما
وحق الجن والشیاطین وخاتم سلیمان بن داود ع بستم چله
فلانه بنت فلان را بستم بستم یا رب بحق محمد و آله الامجاد فضل

بستم جیم
بستم زبان پریان و جنیان و دیوان از هفتاد و دو ملت که از طرف رو برو می‌باشند بحق و [illegible] ما صعد [illegible] فی الارض و [illegible] علی الله رزقها و یعلم مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین بستم زبان دیوان و جنیان و هفتاد و دو ملت از طرف [illegible] ما ملح [illegible] نعوذ [illegible] شعیب [illegible] الله [illegible] ابراهیم [illegible] صلی [illegible]

دوم

دویم در دفع حبس الحیض و نزف الدم

در خواص آیات قرآنی مذکور است که چون زنی را احتباس شده باشد و از آن در رنج باشد در سوره الحاقه آیه فاذا نفخ فی الصور نفخة واحدة الی فهی یومئذ واهیة در صحفه از سرب نقش کند بنام آن زن و مادر او پس آن را در آب روان اندازد چون روان شود باز ایستد مادامیکه در آب است و آب میرود و باید در روز سه شنبه که قمر در عقرب باشد

طریقه دیگر

در خواص آیات است که چون خواهد زنی را که حیض کشاد کرده و با کسی پیدا شود در عاف صورتی از گچ سفید بسازد و نام آن کس و مادرش را در آن نقش کند مما خطیئاتهم اغرقوا فادخلوا نارا فلم یجدوا لهم من دون الله انصارا بر شکم آن صورت نقش کند تا آیه مما خطیئاتهم و در کوزه نوی نهد در جائی که آب بالای آن رود دفن کند خون روان شود باز باز ایستد مادامیکه آن کوزه در آن موضع باشد ایضا بنویسد بمشک و زعفران و بشوید و بیاشامد بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله المبارک العظیم تا آخر دعا که در فصل اول مقدمه کتاب گذشت

اما معالجه نزف الدم

در کتاب در مکنون آورده که این حروف را که مهمل است در دامن زنیکه همیشه خون از او آید بنویسد بشرط آنکه جامه پاکیزه باشد خون او منقطع شود باذن الله احد رس صطع کلم هولاء ایضا در کتاب

صراط مستقیم [illegible] راه دیوان و بیابان و جنیان دیوان هفتاد و دو ملت از طرف راست [illegible] العلیم [illegible] راه دیوان و جنیان از هفتاد و دو ملت ابلیس [illegible] یا [illegible] ببستم [illegible] من الشیطان الرجیم ولئن سألتهم من خلق السموات والارض لیقولن الله قل افرءیتم ما تدعون من دون الله ان ارادنی الله بضر هل هن کاشفات ضره او ارادنی برحمة هل هن ممسکات رحمته قل حسبی الله علیه یتوکل المتوکلون ببستم راه پریان و دیوان و جنیان از هفتاد و دو ملت از جمیع اندام فلان [illegible] یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان و اتباعهم والشیاطین عزمت علیکم [illegible] الا الله [illegible] ابراهیم و اسمعیل و اسحق و یعقوب [illegible]

[illegible] زبان

قلب جبرئیل ورد بمیکا
قل تا اسرافیل وعزرائیل
هو الله لا اله الا هو الحی
یحیی سلیمان بن داود
و بحق انه من سلیمان
وانه بسم الله الرحمن
الرحیم الا تعلوا علی
وأتونی مسلمین والسلام
باحصنکم الشاعة تطهرکم
من مشارقها الارض و
مغادرها عودتها سلکتکم
بالحق ولا تکتموا الشهادة
جا الحکم حضر بسم
دیوان و جنیان و پریان
از هفتاد و دو ملت بر
از جمیع انواع ملائم
میابند
و این شکل را

مزبور بشرح مسطور این اشکال مرقوم است حوطا بحوطا لوطا لوطا لوطا لوطا عطوما سلسا لدم بحق ادم سخط اروس بصطلو ایضا این ایات را بر دامن زنی نویسد که خونش بسیار میاید خونش منقطع شود ان الذی فرض علیک القران لرادک الی معاد لکل نبأ مستقر لکل نبأ مستقر لکل نبأ مستقر لاحول ولا قوة الا بالله در فصل رعاف و نزف الدم ادعیه مناسب این مقام مذکور است رجوع نمایند

فصل نهم در دفع عقم زنان و مداوای حامله شدن و رفع سقوط جنین

وضدان وغیره در خواص ایات قرانی اورده هر که این ایه را از سوره مؤمنون بر هفت برگ نویسد و زنیکه حمل نگیرد بیکیک انرا بلع نماید و در عقب هر برگی یکجرعه از شیر گاو سرخ موی بیاشامد و سه روز بدین دستور عمل کند حامله شود ولقد خلقنا الانسان من سلالة من طین ثم جعلناه نطفة فی قرار مکین ثم خلقنا النطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فکسونا العظام لحما ثم انشاناه خلقا اخر فتبارک الله احسن الخالقین **طریقه دیگر** بزغاله فربه را در یکدیک بپزد با بکی وازان اب بخورد و این ایات را بظرفی بنویسد بخط روشن بشوید در وقتی که اراده مقاربت زوجه داشته باشد بیاشامد اول اول تا تحو صلوات فرستند بر پیغمبر و ال او ابجد هوز حطی کلمن سَ

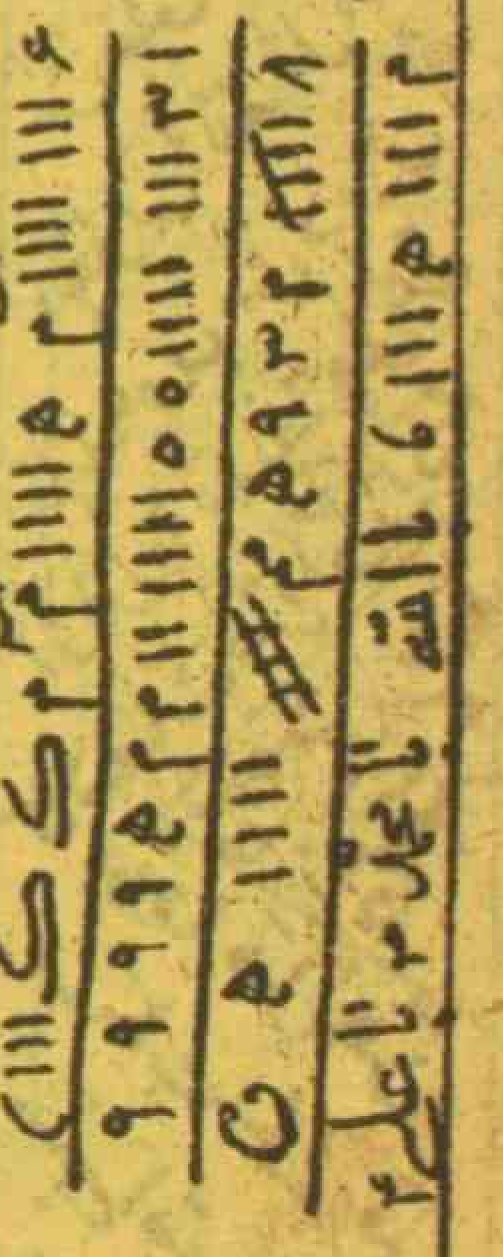

این طلسم را با خفت
دمن نماید مجلس
۳ و ۳ ۱۱۱
ع۳ محط ما
این طلسم بستان را بر
اعدا ۱۹ ۱۱ ح
سوع ۱ع۱۲۱۲۱۹ع۱۱۰

دوا دفع ام الصبیان

بادرنجبویه عروس
بنفشه سیاه کرده و
بخورانند و
سفید ازان بر
هماره زبان ا
با ملح وحفظ
ان

سعفص

سعفص قرشت ثخذ ضظغ لا انما انا رسول ربك لاهب لك غلاما
زكيا قال كذلك قال ربك هو علي هين ولنجعله اية للناس ورحمة
منا وكان امرا مقضيا فحملت بعون الله تع فحملت بلطف الله فحملت
بحول الله تع ولا حول ولا قوة الا بالله فحملته فانتبذت به مكانا
قصيا انما امره اذا اراد شيئا ان يقول له كن فيكون فسبحان الذي
بيده ملكوت كل شيء واليه ترجعون سبحان ربك رب العزة عما
يصفون وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين ايضا
این دعا را مرد و زن با خود نگاه دارند و بظرف چینی بنویسند و بشویند
و مرد و زن از آن آب بیاشامند و جماع کنند بشرط آنکه با طهارت
باشند و در اوقات مکروه جماع ننمایند البته از زن حامله گردد
و آن اینست بسم الله الرحمن الرحيم
هو الذي خلقكم من نفس واحدة وجعل منها زوجها ليسكن اليها
فلما تغشيها حملت حملا خفيفا فمرت به فلما اثقلت دعوا الله ربهما
لئن اتيتنا صالحا لنكونن من الشاكرين الم يك نطفة من مني يمنى ثم
كان علقة فخلق فسوى فجعل منه الزوجين الذكر والانثى اليس
ذلك بقادر على ان يحيي الموتى هنالك دعا زكريا ربه قال رب هب
لي من لدنك ذرية طيبة انك سميع الدعاء فنادته الملئكة وهو
يصلي قائما في المحراب ان الله يبشرك بيحيى مصدقا بكلمة من الله
وسيدا وحصورا ونبيا من الصالحين قال رب انى يكون لي غلام

ان وبای اطفال ان
پشه ان لعین و در خانه
که این نامها باشد
عود بکند جلوش
هیلوس ملبوس بر
موس کاو دنیا ملوث
سمایتا رمیا عیبی
زمان ارکان بنا
باطهوا بحق شارها
بحق ملتو ملتومیب
یا حی یا قیوم برحمتک
یا ارحم الراحمین سبحانک
یا رحیم و نعبد
ایاک نعبد و ایاک نستعین
بحق خاتم سلیمان بن
داود والمرسلین و
بحق شیث نبی علیه
برحمتک یا ارحم الراحمین
یا ارفاطمه
ابن زهر در خواص

برای حمل زنان

آورده که اگر فرزند
مهود را دفن باخود
دارند مادام که آن با
او باشد حامله نشود
و هم چنین بلع کردن
هفت عدد از کاکنج
که بعد از حیض عروس
پس پرده تا امید
بعد از [illegible] از حیض
جهت حامله نشدن
است و مجرب

از برای طلب اولاد ذکور

در کتاب تسهیل آورده
چنین است کردن
بگذارد دو رکعت نماز
بخواند بعد از
بسم الله اللهم

وقد

وقد بلغنی الکبر وامراتی عاقر قال کذلک الله یفعل ما یشاء هو الذی
خلقکم من تراب ثم من نطفة ثم من علقة ثم یخرجکم طفلا ثم لتبلغوا
اشدکم ثم لتکونوا شیوخا لله ملک السموات والارض یخلق ما یشاء
ویهب لمن یشاء الذکور او یزوجهم ذکرانا واناثا **فی خواص الآیات**
قوله تعالی هنالک دعا زکریا الی ما یشاء یکتب هذه الآیات علی
قطعة حریر ابیض بالمسک والزعفران وماء الورد فی الساعة من
یوم الجمعة علی الطهارة ویکتب علی کاس ابیض ویمحوها بالماء ثم تشرب
بالمرأة العقیمة وزوجها ویعلقان المکتوب بخیط الابریشم علی
عقیمها بثلثة ایام ثم یغسلان ویصطبحا بعد المکتوب رزق الله
ولدا **از حضرت امیرالمومنین علیه السلام**
منقول است که هر که این دعا را بنویسد و در میان موم گذارد و در آب
اندازد و مرد و زن از آن آب بیاشامند و در شب جمعه جماع کنند حق
تعالی بایشان فرزند عطا فرماید و برای دفع شر سلطان با خود دارد
و بنویسد بشوید هر بیماری بخورد شفا یابد و جهة آمدن غایب و
کم شدن و جهة رزق اثر عظیم دارد بسم الله الرحمن الرحیم اللهم یا صانع
کل مصنوع ویا خالق کل مخلوق ویا جابر کل کسیر ویا حاضر کل ملاء
ویا مونس کل فقیر ویا صاحب کل غریب ویا شافی کل مریض ویا رازق
کل مرزوق ویا حافظ کل محفوظ ویا فاتح کل مفتوح ویا غالب کل
مغلوب ویا مالک کل مملوک ویا شاهد کل نجوی ویا کاشف کل

وللاذکور و اناثا یا
خالق الازواج بالازواج
الرحمن روز بخش
بنکار ابند عا را بخواند
اثر تم فرو فی زنن
نیز تم حق تعالی باو
کرامت فی ما بدیون
ببر بکند در روز دیه
بنطلوع جبر نس تمام
کرام حضرت محمد و را
بنظر بیو بنویسد با جمله
در روز و ان
اینشد

محمد محمد محمد

هر که بر طرف
سود با ز بنویسد تا اخر
ایضاً مرد و زن که لفظ
جبال المصور را ۱۱۱۳
مرتبه بر جماع بنویسد

اولاد ۹۶

و در زند عوض
المصور را اسیر دهم
ساید منشود دیو
شوید و ان الایات ثم
الینه حق تعالی فرزند
بکرد او کرامت
فرماید و دو سیم ها
هفتاد بار استغفار
برای طلب فرزند

و اگر بشد در
خواص سوره
میان مبارکه
فی خواص الایات
من کور جواص استجر
که طالب فرزند
ابشد زن و
و بشو هر هر دو

صبح روز دوشنبه بگیرد و بد [illegible]

[illegible]

کرنبا اجعل لی من امری فرجا و مخرجا و اقذف فی قلبی ان لا ارجوا احدا
سوالک برحمتک یا ارحم الراحمین اللهم یا دائم الابد المحصی بلا عدد
القوی بلا مدد العزیز بلا ولد المنجز بما وعد السید السند الواحد
الاحد الصمد الذی لم یلد و لم یولد و لم یکن له کفوا احد اللهم
احفظ صاحب هذا الکتاب من جمیع البلاء و العلل و الاوجاع
و من شر الجن و الانس و من شر کل عین لامة و من شر الریح
الحمراء و من شر الاعداء و من شر ما خلق بین الارض و السماء
اللهم بحق هذه الاسماء المعظمة و بحق خاتم سلیمان بن داود ع
یا ابمجشا یا شمخیثا یا موشطیشا یا کهیج یا کهکهیج یا رباه یا ربا
یا رباه یا سیداه یا مولاه یا غایة رغبتاه یا الله یا الله یا الله
یا غیاث المستغیثین یا دلیل المتحیرین و یا جار المستجیرین و یا امان
الخائفین و یا مجیب الدعوات و یا قاضی الحاجات استجب بحق آدم
صفی الله ع و بحق نوح نبی الله ع و بحق ابرهیم خلیل الله و بحق موسی
کلیم الله ع و بحق عیسی روح الله و بحق محمد رسول الله ص و بحق
جبرائیل و میکائیل و اسرافیل و عزرائیل و حملة العرش و الکروبیین و
و بحق التوریة و الانجیل و الروحانیین و بحق السفرة و البررة
الکرام الکاتبین و بحق الانجیل و الزبور و الفرقان و بحق انه من
سلیمان و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی
مسلمین و صلی الله علی محمد و آله اجمعین **واز حضرت**

[illegible]

صبح ازان اب [illegible]

اولاد

ربع زن و ربع شوهر
مجوند ند لحظه در خواب
روند بعد ازان که
بیدار شوند بجامعت
کنند در انوقت حامله
پیدا شود [illegible]
و انی خفت الموالی
من ورائی و کانت
امرأتی عاقرا [illegible]

[illegible]

امام

امام زین العابدین ع منقول است که بعضی از اصحاب خود که از او درخواست فرزند کردند فرمودند هفتاد نوبت این دعا را بخوان — ربّ لاتذرنی فردا وانت خیر الوارثین واجعل لی من لدنک ولیّا یرثنی ویرث فی حیوتی ویستغفر لی بعد وفاتی واجعله خلقا سویّا ولا تجعل للشّیطان فیه نصیبا اللّهمّ انّی استغفرک واتوب الیک واز خواصّ این آیه است که هرگاه زنی بازگیرد چون از حیض پاک شود وغسل کرده باشد این آیه را بنویسد و بشوید و در وقت خواب زن آن آب را بیاشامد و شوهر با او مقاربت نماید فلمّا تغشّیها حملت حملاً خفیفا فمرّت به فلمّا اثقلت دعوا الله لئن آتیتنا صالحا — لنکوننّ من الشّاکرین **ایضًا** این کلمات را بنویسد و ببازوی چپ زن عقیم بندد حامله شود بسمله هو هو هو هو هو هو هو هو الله الله الله الله الله الله الله حیّ حیّ حیّ حیّ حیّ حیّ حیّ حیّ قیّوم قیّوم قیّوم قیّوم قیّوم قیّوم قیّوم قیّوم وصلّی الله علی محمّد وآله اجمعین ایضًا وارد است این کلمات را بنویسد بوزن یا بر درخت او بندد از زن حامله گردد واز درخت ثمر آورد علی علی علی علی علی علی له له له له له له به به به به به به هو هو هو هو هو هو لا اله الّا الله محمّدا رسول الله علیّ ولیّ الله وصلّی الله علی محمّد وآله **ودر بعضی** از کتب

بعد ازان صحبت دارند فرزند شود بعون الله تعالی و ایضا در سوره انعام ان الله فالق الحب والنوی یخرج الحی من المیت ویخرج المیت من الحی ذلکم الله فانی تؤفکون را بر صفحه از نقره نقش کنند و بعد ازان که از حیض پاک شود زن که فرزند [illegible] ازینها [illegible] بدست شوهر خود ببندد و [illegible] دارد حمل پیدا شود

وهو ادعیه حمل

باید که ناشتا بر [illegible] بخورد هر چه در کلمات ائمه علیهم السلام وارد شده که باعث جمال فرزند شود

و نیز فایده [illegible]

فرزندان او متولد شود هفت دانه خرما بخورد و بعد دو رکعت [illegible] از حضرت امیرالمومنین مرویست که باعث زیادتی فرزند و جمال ان است و برای حامله در کتب احادیث وارد شده **و در تشخیص حامله** [illegible] آنکه خواهند بدانند که زنی حامله هست یا نه عسل آب بند بده بخورد شب آنکه بخسبد اگر شکم [illegible] حادث شود او آبستن است والا فلا و همچنین

مطورات

مسطور است که هر گاه روز پنجشنبه را روزه بگیرد و این طلسم را در وقت جماع با خود دارد و او بزد البته آبستن کردد ایضًا م م م ط ھ ھ اعلی علی علی علی علی له له له اه اه اه اه اه اه اه اه له له له مو لعو نه ایضًا این طلسم را مرد و زن با خود داشته نزد جماع این زن حامله کردد انه نعم قدوس رب العالمین رب الملئکة المقربین اللهم اهبا فهو لك فاصل اللهم الملك القدوس قدوس قدوس رب العالمین و رب الملئکة المقربین اللهم اهبا فهو لك فاصل اللهم الملك القدوس قدوس قدوس قدوس بر بر بر بر بر بر بره بره ه اه مه ایضًا این آیه را بر دو کاغذ نویسند یکی را زن بشوید ببازوی بندد و دیگری را بشوید زن و شوهر بخورند یا یحیی خذ الکتاب بقوة و آتیناه الحکم صبیا نسخه دیگر از مجربات است زن بر بازوی راست ببندد حامله شود ایضًا این عزیمه را بمشک و زعفران بسم الله الرحمن الرحیم بر کاغذی نویسد زن و شوهر بخورد و شوهر با وی جمع شود بکرم باری تعالی حامله کردد عزیمه اینست

۱۳ قلمو سهمع

۳ ۳ ۳ ۹ ۲ ۲

مو سوا سوا هو سهوا ز

یا الله یا الله یا الله یا رب
یا رب یا رب یا حی یا حی
یا حی یا قیوم یا ذا الجلال و
والاکرام

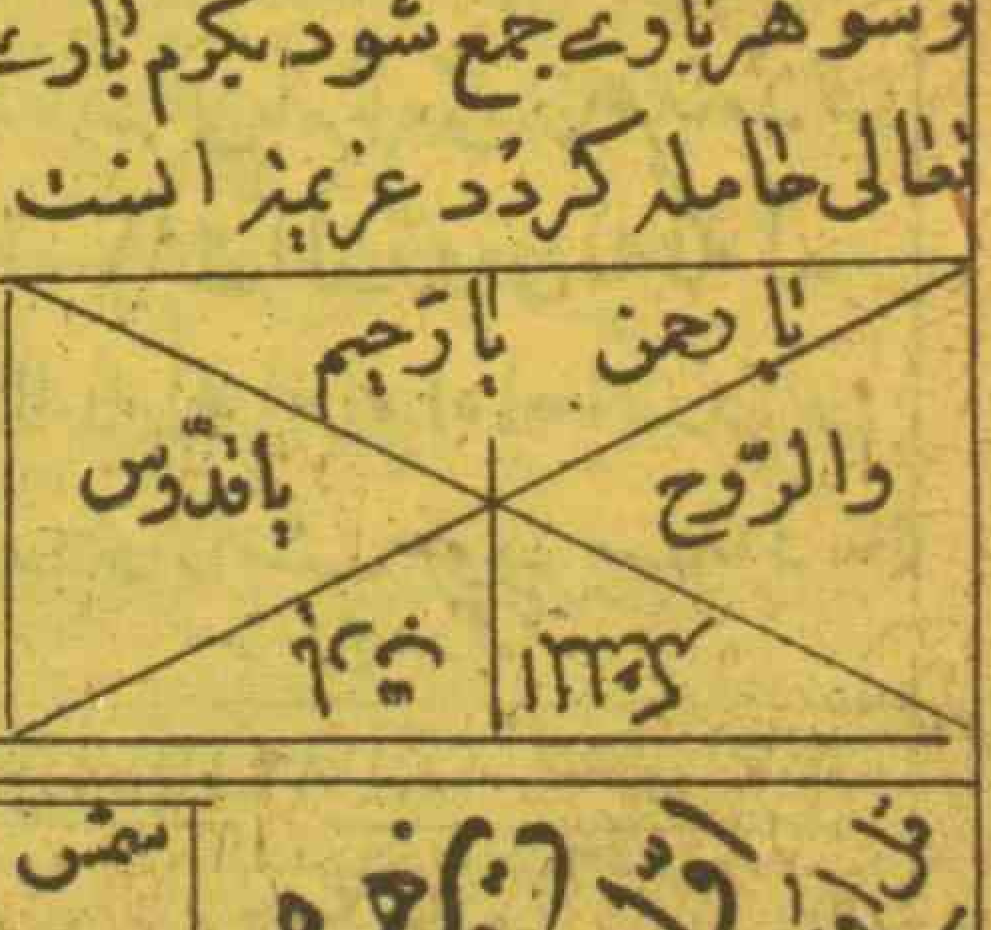

از سبب فرزند چیزی ندارند
اگر کلیمه و بعضی از آن
دهن او را مدد از افسنتین
باشد و از او فارد

تشخیص پسر یا دختر و یا زن حمل

اگر خواهند
بدانند زن حامله
پسر است یا دختر است
شیر او را در کف دست
بگذارد و شیر بدان دو
شید اگر در میان زن شیر
شد اگر از البسته
حرکت کند اگر حرکت نه
پسر باشد و هم
کند دختر است و هم
چنین گفته اند و بر
تجربه در آمده اند که
چون زن حامله باشد و
السنتین [illegible] او بیشتر و
خوب [illegible]

دعای اولاد

زن و شوهر صحیح باشد بعضی
زن حامله را امر نمایند
که انگشت خود را بالای
این خانه‌ها گذارد و
اگر در خانه مریخ و شمس
و مشتری گذارد و اگر
در خانه عطارد و زحل
یا زهره گذارد دختر
است والله العالم
بالاحکام

شمس	زحل	مریخ
عطارد	مشتری	زهره

قوله تعالی [illegible]

اولاد [illegible]

استمع نفر من الجن فقالوا
انا سمعنا قرانا عجبا یهدی
الی الرشد فامنا به و
لن نشرک بربنا احدا
ماه ودود
یا الله
الاولین والاخرین یا
دلیل المتحیرین یا غیاث
المستغیثین اللهم ارزقنی
ما فیه النفع والکرامه
وسلامة الدنیا و برکة
الدنیا و سعادة
ماه
یا مفتح الابواب یا
مسبب الاسباب یا
مقلب القلوب والابصار یا
دلیل المتحیرین و یا غیاث
المستغیثین توکلت
علیک یا رب لا حول و
لا قوة الا بالله العلی
العظیم ماه
لا اله الا الله الملک
الجبار لا اله الا الله
الملک القهار لا اله
الا الله الملک الستار
الا الله الملک
لا اله الا الله
الحق المبین
ماه
لا اله الا الله الحق
لا اله الا المبین
والضار لا اله الا
واشهد ان لا اله الا
الله الها واحدا
ماه
احدا صمدا فردا
وترا دائما حیا قیوما
لم یزل والله
والقد
ماه
ذو الله لا اله الا الله
العلی العظیم

الاکرام اسئلک باسمک العظیم الاعظم ان ترزقنی ولدا طیبا

برحمتک یا ارحم الراحمین

١١١٥ مم ١١ ١١ هی

٥ ها ١١ط ١١ ملا اهقل سهلء

ایضا بازوی راست بند مجرب است

بسی مردوح د رد هل طال یا حلو

برهی لا ٨٨ ١١ اع ع ١١١ ٨٨٩ ١١١ هـ اه ط

مهیح	مهیح	٥	هیح	هیح
مهیح	مهیح	٥٣	هیح	هیح

بشرح مذکور هذا اعطا و نافی منی

اوامسک بعبر حبابات سا مح مح

مح ملـه ملـه حح حح حح مم

طححح ملـه

این شکل را بر نان نویسد زن بخورد

صنا ١٢ ١ ١ اه ما لم محمد ے الود

نسخه بدل

ماه ماه اماه محمد ا لو م ه

ایضا در میان حلوا کرده زن و شوهر بخورند ایضا این اشکال را زن در مقام امتحان بر درخت بندد یا کرد علی علی علی علی علی علی به به به به به به هفت هفت هفت هفت هفت ده ده ده ده ده پس پس پس پس پس پس اراه اراه اراه اراه اراه اراه اراه اراه اهیا شر اهیا ابا بیا

زن بلع نماید هـ ه ای سو سرد یا سرهی یا ریا مؤدن هذا مدحی

٥٥ اده نسخه دیگر اربعه هم خ ل بالله القدوس له له له

له له له اه اه اه زن تر با

سلمله ملله ملـه نماید

بازوی راست خود بندد -
یا زوج نزدیک کند

١١١١ اکـه ٥٥ ١١ کـ و ٨ ١١ ط ای ١١١ ٨ ١١١١ ٨٩ ١١١ ٨ لسحه ١٢

١١

العظیم لا اله الا الله
الملک الحق العدل
المبین [illegible]
سبحان الله رب
السموات السبع ورب
الارضین السبع وما بینهن
ما فیهن وما
وما فوقهن وما
تحتهن ورب العرش
العظیم حسبی الله لا
اله الا هو والملائکة
واولوا العلم قائما با
القسط لا اله الا هو
العزیز الحکیم

اطباء [illegible] بانتهایکه

مجرب

حمل داد زنان زن بر
کذا نسبه بران زن بر
بندد زائع عسر ولادت
او شود وهم جنین
خوردن بل منفان

باب طلب فرزند

خاکستر [illegible]
خطاف را که سوزانند
باشند بغایت معتقد
دانسته اند هکذا
خوردن اب معصور
[illegible] اورا بافد
باروح اخراج جنین
میت را و زنده دفع
دفع احتباس حیض
[illegible]

۱۱۱ ط / ط ۱ ۳ ۱ ۲ ۱ ۳

لله ل ل ۲ ۲ ۲ ۱ ه ه ه

ایضا بجهة فرزند رسیدن برچهار سنگ در چهار گوشه خانه دفن کنند

بسم الله الرحمن الرحیم

حسبی الله وکفی ایاک نعبد وایاک نستعین ولا حول ولا قوة الا بالله
العلی العظیم انه من سلیمان وانه بسم الله الرحمن الرحیم ان لا تعلوا
علی واتونی مسلمین قال عفریت من الجن انا اتیک قبل ان تقوم من
مقامک وانی علیه لقوی امین فالله خیر حافظا وهو ارحم الراحمین
ایضا بر کمر بندد قدوس قدوس رب العالمین اللهم انی اهیا
شراهیا فهولک فاهیل اللهم الملک القدوس قدوس قدوس قدوس
مر مر مر مر مر مر مامه ذکره تملیخا مکسلمینا کسعوا طو تبیوا
تاس کنا فطیوس بشرح مذکور له له له له له له هد
هد هد هد هد ودرود رور ر وردو
دوس س س س س س اب اب اب اب اا ب
اب اا ها س هفا الو هل هل لدء اراهم للقدوس القدوس
ایضا اب نیسان برای اوردن فرزند بطریقی که مذکور شد
بگیرد و بخورد زن حامله گردد بکرم باری تعالی وماذنه و بجهة

دفع سقوط جنین این شکل را بنویسد و
زنی که حمل او ساقط میشود در مشمع گرفته با خود دارد
محفوظ ماند انشاء الله شکل در صفحه دیگر قسمت الاست

باشند برای زنان ... خاق را که
وتعلیق ... بکر جنین
ان موقوف است
حمل را ساقط
جمهة دفع
دفع جنین قرار
کردن جنین
دفع احتباس حیض

نوع دیگر

چون حمل چهل روز شود این اشکال را بنویسد و با-

۱	۳	۱-	۷و	۱۲۰ ۰	۱۳۲م	۲
۲	۱۳	مع۱	۲م۴	سال ۴۳	۲ ۱۴	۱۲
ک	۱۲۵	ک	۲۲	ک	سر۱۱و	احمز
ک	۱۲۰	ک	وا	ک۱۱	سال ۴۳	ک

عقرب زن بهمراه خود نگاه دارد از سقوط حمل ایمن گردد و در مجرب المنافع اوُرده کران کردم را در طالع عقرب یا قمر در عقرب بگیرند ماه ماه ماه ماه ماه ماه ماه اهیّا اهیّا اهیّا اهیّا اهیّا اهیّا صا صا صا صا صا طا طا طا طا طا طا سا سا سا سا سا کا کا کا کا کا ما ما ما ما ما ما عا عا عا عا عا فا فا فا فا فا لا لا لا لا لا ی ی ی ی ی وا ورقها الحلال ورقهم وکاله طر طر طر طر طر طر فر فر فر فر فر مر مر مرمر سبحان سبحان سبحان هد وارحوامها الی احوالذی- المرء المرء الحلال سبحان ورهاوه مرء وفرء احفظ صاحب الکتاب بالقول لا اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله برحمتک یا ارحم الراحمین ایضاً اگر فرزند نارسیده باطل و ساقط شود بگیرد بقدر غوزه ابریشم و هفت گره بران زند و بهر گرهی این آیات بخواند واصبر وما صبرک الا بالله

قلعه بین مشهور جهت حفظ زنان حامله این آیات

حلیة المتقین در آداب شیر دادن

بچه ۲۶ [illegible] کمتر از بیست و یک ماه [illegible]
است [illegible]
مذکور است [illegible]
منقول است [illegible] دو سال است و [illegible]
علمای بغداد زیاد [illegible] محمود
جانب بهشت و جمیع از علما واجب دانسته اند
[illegible] در نفقه [illegible] اند که پستان
[illegible] اولاد که [illegible] و گفته اند که اگر
[illegible] بیرون [illegible] حضرت امیر [illegible]
[illegible] شیر مادر است و حضرت امام جعفر صادق فرمودند که هیچ شیری از برای طفل [illegible]
بهتر از شیر مادر [illegible]
[illegible] و بعضی بعضی [illegible]
[illegible] بیست و یک ماه [illegible] ماه
ظلم است و مادر [illegible] کمتر از [illegible]
[illegible] و از [illegible] حضرت اسمعیل [illegible] اطفال [illegible]
[illegible] است [illegible] زمان رضاع [illegible]
[illegible] احرام [illegible] نباید
[illegible] مسکن [illegible] مصبح

زنیکه بچه اش نماند بکو روی کاغذ را بهمین قسم جدول کشیده سوره مبارکه یس را

یا جبرائیل ۱۵۱۸۸

چون سوره یس در کردن آن نویسد **مبین**
اول بنویسد رب هب لی من الصالحین ربنا و تقبل دعاء
بحق لا اله الا الله آدم صفی الله اللهم احفظ فلانه **مبین** دوم رب
هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء بحق نوح نبی الله اللهم
احفظ اولاد فلان زاده فلانه **مبین** سوم رب لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین
بحق لا اله الا الله ابرهیم خلیل الله اللهم احفظ فلانه زاده فلانه **مبین**
چهارم رب اجعلنی مقیم الصلوة ومن ذریتی ربنا وتقبل دعاء بحق موسی
کلیم الله اللهم احفظ فلانه زاده فلانه **مبین پنجم** بستم ببندم
بادتن و جان فلانه زاده فلانه را بحق توراة موسی وانجیل عیسی و
زبور داود ع وصحف ابرهیم ع و فرقان محمد ص و بحق اسرائیل و میکا
ئیل واسرافیل وعزرائیل **مبین ششم** بحق محمد ص علی ع فاطمه
حسن وحسین و هر بادی و ریحی که در تن فلانه باشد بیرون بحق لا
اله الا الله محمد رسول الله علی ولی الله الحسن والحسین والتسعة
الائمة من ذریة الحسین **بعد از اتمام سوره** صدق
العلی العظیم وصدق رسوله النبی الکریم ونحن علی ذلک من
الشاهدین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله
اجمعین الی یوم الدین بحق انه من سلیمان وانه بسم الله
الرحمن الرحیم الا تعلوا علی واتونی مسلمین سبحان ربک
رب العزة عما یصفون وسلام علی المرسلین والحمد لله رب
العالمین یا رب العالمین و سلام علی المرسلین یا رب
العالمین یا غیاث المستغیثین یا حبیب قلوب العالمین
یا اله العالمین یا مقصود من فی الارضین
والسموات

یا مسکائیل لا ۳ ۹ ۱۱ ۶

همین دو ده بنویسد و در گرد هر مبین کرده شد دعاهای متن را بنویسد و اسم چهار ملائکه نور را با اعداد درج کند و زن در ایام حمل در ب

[illegible]

۲ لا الهل یا عزرائیل ۲۲۸۴۹۸
۱۱ ۱۱ لا ۲ ۲ ۱۱ ۱۳

ن بگذراند و بعد از غسل ولادت دعا مذکور را بهمراه طفل نمایند از جمیع آفات و عاهات ایمن گردد انشاء الله تعالی وشانه

مصباح کفعمی چنین است

کودن و عاجز است در مقال و [illegible] زبان شود و چون زن زاید [illegible] نخورد [illegible] را بنویسد و بشوید را با سوره مبارکه حج سوره مبارکه [illegible] فتح چون [illegible] بدن [illegible] شود

ایضاً بجهت محفوظ بودن از بلیّات و از شرّ جنّ

ویرا این دعا را با طلسم‌ها بنویسد و بر ایشان ببندند بسیار مجرّبست بسمله ولا یؤده حفظهما وهو العلیّ العظیم وهو القاهر فوق عباده ویرسل علیکم حفظة انّ ربّی علی صراط مستقیم علی کلّ شیٔ حفیظ وربك علی کلّ شیٔ حفیظ وانّا له لحافظون انّی حفیظ علیم فالله خیر حافظا وهو ارحم الرّاحمین اللّهمّ انّی اسئلك ان تحفظنی من الجنّ والانس واعوذ بوجه الله الکریم وبکلمات الله التّامّات من شرّ ما ینزل الی الارض ومن شرّ ما یخرج منها ومن شرّ اللّیل والنّهار الا طارقا یطرق بخیر منك یا رحمن یا رحیم بفضلك وجودك وکرمك یا ارحم الرّاحمین باسم فلان وبحقّ هذه الاسماء العظام

محمد هو موه لا ااا م ااااهی اااام ااااهی السّاعة

العجل الوحا رب ااام اااهی اام

اااهی وه سبحان الله ما شاء الله لا حول ولا قوّة الا بالله العلیّ العظیم یا شافی یا کافی یا معافی اللّهمّ اشف بشفائك

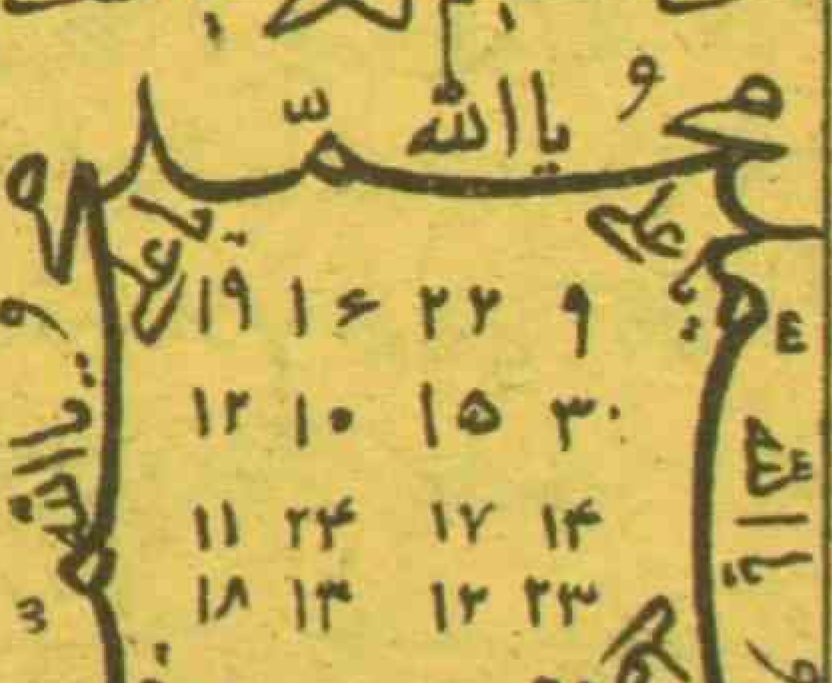

۹	۲۲	۱۶	۱۹
۳۰	۱۵	۱۰	۱۲
۱۴	۱۷	۲۴	۱۱
۲۳	۱۲	۱۴	۱۸

فانّ العام التّامّ الشّریف الفاضل الکامل علینا بحرمة هذا المربّع الّذی دارج فیه اسم الاعظم بحرمة العجل الوحا اهیّا هی هی هی -

از حضرت امام جعفر صادق ع روایت است که باید این دعا را بخواند اللّهمّ هذه سنّتك وسنّة نبیّك صلوات الله وسلامه علیه واله واتباع منّا لك وکتابك لمشیتك وارادتك وقضائك المحتوم وحکم انفذته وادفع عنه [illegible]

حرّ الحدید فی ختانه وحجامته لامر انت اعرف به منّی اللّهمّ فطهّره من الذّنوب وزد فی عمره وادفع الآفات عن بدنه والاوجاع عن جسمه وزده من الغنی وادفع عنه الفقر فانّك تعلم ولا نعلم

اعمال بعد از رضاع در مقال چون [illegible] بر سر شانه [illegible] شود [illegible] الا الله بگوید [illegible] و هفت ماه از عمرش بگذرد بنشانند [illegible]

هرکاه زنی را فرزند نشود یا ه ۶۶۶۶۶ و ه صرم

نزاید از هفت خانهٔ همسایه

از طرف دست چپ آرد کرفته

خمیر کند و از آن خمیر نان بپزند

و این طلسم را بران نوشته بخورد

سک ماده دهد هرچه سک

زاید بمیرد هرچه آن زن بزاید

بمرد و مجرب و آزموده است لا شک طلسم این است ۔

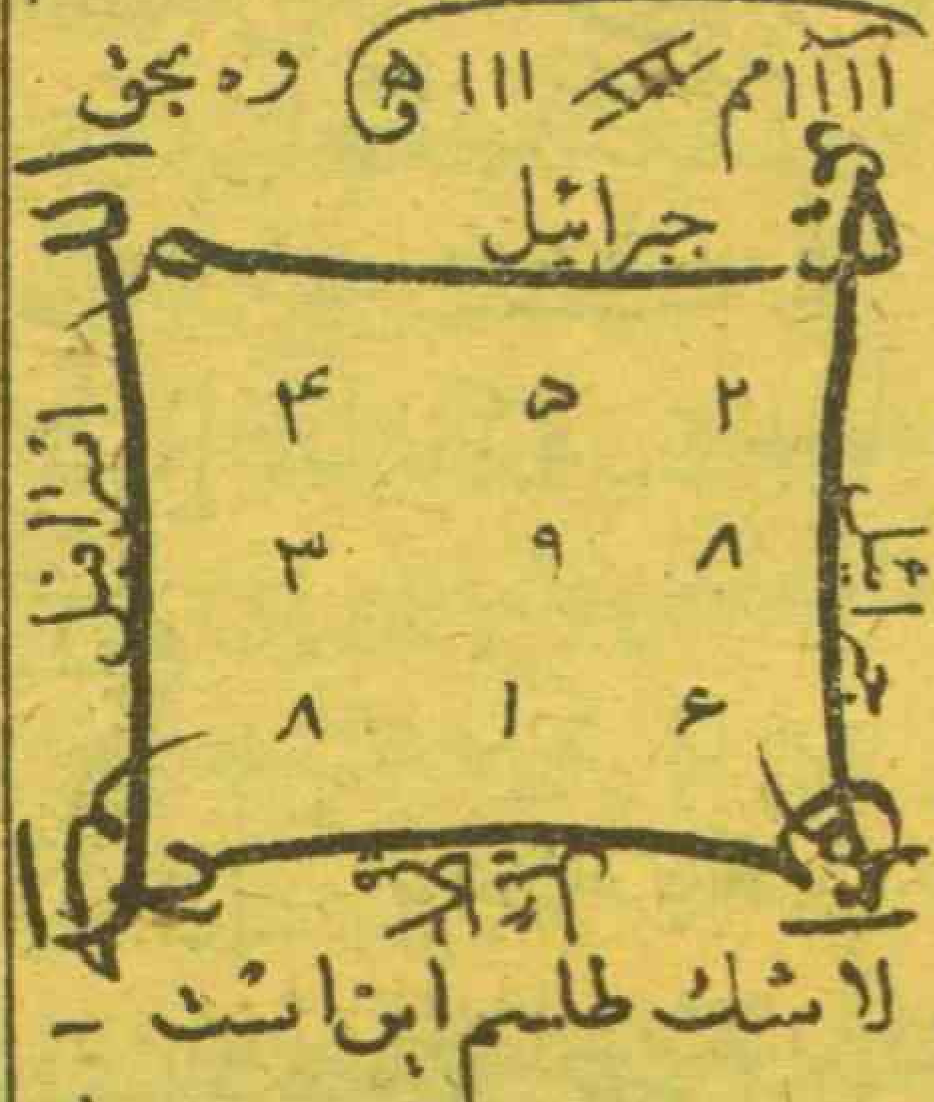

۱۱۸۲۲۹۹۹۹۰۹۹۰۹۱۱۹۱۱۹۱۱۱۱ این طلسم را بشوید بعد از

ولادت سر طفل را بشوید ۹۱۱۱ ۱۱۱ ۹۱۱ ۴۱ لای روح ۲۱۱۱۲ه

چون پشت کمر زنان درد کند بنویسد بر پشت بندد مجرب است

بسم الله الرحمن الرحیم یخرج من بین الصلب و الترائب انه علی رجعه

لقادر یوم تبلی السرائر فما له من قوة و لا ناصر و السماء ذات الرجع

و الارض ذات الصدع یا ذا القوة المتین یا خالق النطفه

فی قرار مکین الی قدر معلوم احفظنا من کل داء برحمتک یا ارحم

الراحمین ا ۱ ۱ ۱ ۰ ۱ ا ۰ ۱ ه صع صع صع صع صع صع میر سوری راه

انکاثان ولی التوفیق ه لللله والله ولی التوفیق

ملللله والله ولی التوفیق ملللله بستم

یاد کمر و جمیع اعضا را زن دعا

+

فیلی کند و سجده کند و چون هفت شود نقصان کرد نیست و روی خود را نشوید و نماز کند بر مکتب برود چون [illegible] بنال شود نقصان وضو ببازد و نماز کند و اگر نماز کند در نماز جمع داخل در بال چپ [illegible] دهم شود نقصان [illegible] علوم جلال و حرام باد کبد و [illegible] بد را اگر کند نام باشد ابنا است و ادب او را نیکو کنند و اکرام کنند بیاموزد و اکرام کنند نماز درش را با قرآن بیاموزند و کتابه داد بیا نمازش با و داد دهد و بیا نماز خوش حال سازد و او را خوش نوا نمود دهد بعد چهار

فصل [illegible]

داد داود را اگر دختر باشد نامش را نیکو بر دارد و باو سوره نور و سوره یوسف بیاموزد و او را در بالا خانه جا ندهد و بجهت آنکه باشد که بجامه شوهر دو و او را خوش سازد و او را دوست بدارد

وجه و ا [illegible] الدین [illegible]

[illegible] از ایشان [illegible] کرده [illegible] ده از او [illegible] عقل عوده [illegible] کرده ام ایشان بر [illegible] دو [illegible] از ایشان [illegible] دو [illegible]

بجهه

بجهت حمل و سقوط جنین در بحر المنافع آورده

این شکل را بسیاهی بنویسد و بر گل گیرند چون حامله بر بازوی راست بندد
حمل او ساقط شود ۸ ۸ ۱۱ ۱۱۶ ۱۳ ۱۹۸۱۱۱۹۱۱۱۱۱م صح

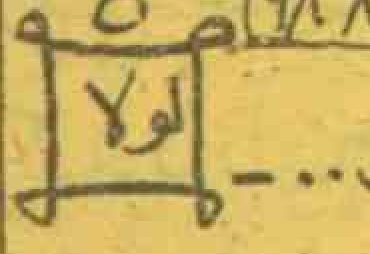

ایضاً در گردن بندند مادام که با اوست ...

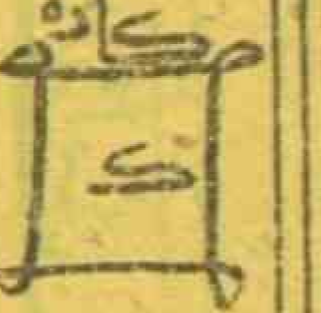

حمل بگیرد ایضاً آورده اند که اگر مردی این طلسم را
در کمر بندد و جماع کند فرزند بهم نرسد

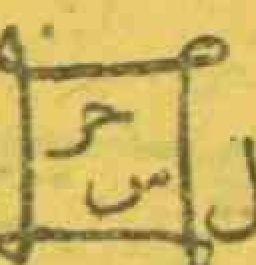

عملطسل ایضاً مرد بکمر بندد ۱۱ ۸ ۶ ۹ ۳ و ط ۱۱ ۷ ۱ ک

ایضاً بنویسد و عوذت بر کمر بندد عقیمه گردد تما ۱۱ ا ه ۱۱۱۱۱ ح ۱۱
باید در حضور و علم او کند که اگر در غیبت و جهل باشد اثر نبخشد
الله الله عصمهم ماه ع ع ع ح ح ح و ب اه اه اه اه اه
دهلا اهیا شراهیا اذونی اصباوت سلمی سلمی فلانه بنت فلان
آمین رب العالمین **فصل چهارم در دفع او ثبت حمل**
یعنی پسر شدن در چون شکم حامله پیش از آنکه حمل او چهار ماهه
شود بنویسد حمل و پسر گردد باذن الله تعالی یا زکریا انا نبشرک بغلام
اسمه یحیی لم نجعل له من قبل سمیا طریقه دیگر در خواطر بگذراند
و جزم نماید که او را محمد یا علی نام کند **نوع دیگر**
روی زن را بسمت قبله کند و آیة الکرسی را بخواند و دست بر
پهلوی چپ بنهد و بگوید اللهم انی سمیت محمداً اسمه انت محمداً افرو
که شخصی بحضرت صادق ع از بسیاری دختران شکایت کرد فرمود

از ایشان پیش نفند
زد در پیش اطفال ایشان
نخشند و با مردم بجوز
نکو کنند که باعث
آن شود که ایشان زنا
دشنام دهد و یکنند
خود را از بن فلانه قرار
دهد با ایشان [illegible]
در دروغ [illegible]
معنی [illegible] مرد [illegible]
کنند و بیخ رخصت ایشان
مفاد دفت نکنند و انضم
افت و لفظ بالاتر از ان
باشد از الفاظ درشت
بر روی ایشان نگوید
هر چند بر نشد و غافل
طلب امر شش گشت از
الله تعالی و نگاه شد از
غضب بر ایشان نکند
بلکه از ذریعه [illegible]
ایشان نظر [illegible]
شد [illegible]
[illegible] غضب
غضب هر چند ایشان [illegible]
کند بر ایشان ظلم
ایشان نکند [illegible]
ایضاً [illegible] ایشان و [illegible]
خود را بر ایشان [illegible]
دیگر ایشان [illegible]
او را امر نماید [illegible]
و از [illegible] بکنند و [illegible]
الماعت [illegible]
و اعانه [illegible]
ایشان رو [illegible]
دارد [illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

زیان بد باشد اگر دو
نماید بر یاران ابر یانس
نماید از چهار دو راست و
احکام چهار نماید از معلق
را بر میدارا بها بر ک
[illegible]

ا ۱ ب ۲ ج ۳ د ۴ ه ۵ و ۶
ز ۷ ح ۸ ط ۹ ی ۱۰ ک ۲۰
ل ۳۰ م ۴۰ ن ۵۰
س ۶۰ ع ۷۰ ف ۸۰
ص ۹۰ ق ۱۰۰ ر ۲۰۰
ش ۳۰۰ ت ۴۰۰ ث ۵۰۰
خ ۶۰۰ ذ ۷۰۰ ض ۸۰۰
ظ ۹۰۰ غ ۱۰۰۰

چون اراده مواقعه کنی دست راست خود را بر جانب راست زن بگذار و سوره قدر را هفت بار بخواند پس هرگاه حمل ظاهر گردد دست راست بر جانب ناف زن بگذار هفت بار سوره قدر را بخوان پس اگر مرد چنین کرد هفت پسر الله تعالی از عقب یکدیگر باو کرامت فرمود جمع کثیر این عمل کردند پسر بعمل آید ایضا از همان بزرگوار پیش از آن که حمل چهار ماهه شود دست بر پهلوی چپ او بنهد و بگوید اللهم انی سمیت ما فی بطنها باسم نبیک محمدا فسمه انت محمدا البشر ان حمل پسر گردد و در بعضی نسخه این را بر شکم زن بنویسد صحت بدارد حقتعالی پسر باو کرامت کند دستور دیگر بتجربه رسیده که بر پهلوی چپ زن حامله پیش از آنکه حمل و چهار ماه شده باشد نام گرامی محمد را باین طریق بنویسد

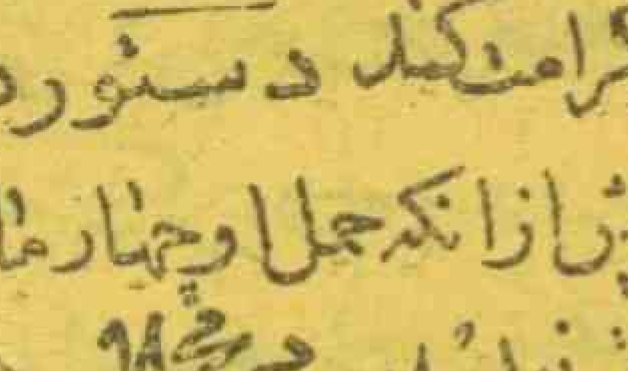

و در حوالی آن بنویسد اللهم انی سمیته محمدا فسمه — محمد انت محمدا البشر ان پسر حمل گردد در **مهج الدعوات** قبل از چهار ماه چهار جمعه متوالی بر شکمش بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم انی سمیته محمدا فسمه انت محمدا مجرمه بمحمد و اولاده الطیبین الطاهرین بشرط آنکه نام محمد را و کنیه **صاحب مقال** در انیس العابدین ذکر کرده که چون خواهی از تو پسری متولد شود بنویس بر کاغذی لو انزلنا هذا القرآن الی آخر سوره حشر هنالک دعا زکریا ربه قال رب هب لی من لدنک ذریة طیبة انک سمیع الدعاء فنادته

اختتام

در بعضی از نسخه منظر دیده است محمد تعوال حیض که بعضی را اول بر آرد بنشیند و این اشکال را با نام حیض بیضه نقش کند و بیت بالیت حیض [illegible]

اگر حیض بگشاید با امر اد بیماری تنگ موازنه نماید بیمار بیکر [illegible] سلا ایمر حیض بمیرد و اکر مناوی ابد بیمار دراو طول کشد و اگر زیاد ابد بیمار دی ادبرون دیدی دفع شد و صحت یابد انشاء الله تعالی هو الشفاء العالم

الملائکه

مهـ ۹ سهـ هـ

الملئکه وهو قائم یصلّی فی المحراب انّ الله یبشّرک بیحیی مصدّقا بکلمة من الله وسیّدا وحصورا ونبیّا من الصّالحین قل انّ الفضل بید الله یؤتیه من یشآء والله واسع علیم یختصّ برحمته من یشآء والله ذو الفضل العظیم ربّنا هب لنا من ازواجنا وذرّیّاتنا قرّة اعین واجعلنا للمتّقین اماما ولقد خلقنا الانسان من سلالة من طین ثمّ جعلناه فی نطفة قرار مکین ثمّ خلقنا النّطفة علقة فخلقنا العلقة مضغة فخلقنا المضغة عظاما فکسونا العظام لحما ثمّ انشأناه خلقا آخر فتبارک الله احسن الخالقین وصلّی الله علی خیر خلقه محمّد وآله اجمعین پس چون حمل ظاهر شود ومدّت چهار ماه بر شد وزن رو بقبله کند وخود روبروی او بایستد برحالیکه هردو پاک باشند از موجب وضو وغسل وبخوانند لو انزلنا هذا القرآن الی آخر سوره حشر پس دست بر شکم زن بمالد سه بار وبگوید اللّهمّ انّی سمّیت ما فی بطنها محمّدا فسمّه محمّدا و بعد از آن کاغذ را بر جانب چپ زن بیاویزد که با او باشد ودر این کتاب چنین است که این عمل مکرّر تجربه شده **در کافی** از امام جعفر صادق ع روایت شده که در حال سجود باید گفت ربّ هب لی من لدنک ذرّیّة طیّبة انّک سمیع الدّعاء ربّ لا تذرنی فردا وانت خیر الوارثین از امام محمّد باقر ع روایت شده که هر روز صد بار استغفار باید کرد ایضا در هر صبح وشام هفتاد استغفر الله

چون نظر بیمار بر او افتد
و در زیر ابر بیمار بدارد و
و ابر کف دست خود نویسد
کشیده اند کرده ازین اشکال

عدالہ احکالہ لسبعه و مو
ایضاً این اشکال را در زیر بالین
بیمار بگذارد صبح وزن نماید

شفا یابد
امید بهتر
طول بکشد

مسه مهـ و

عب ودر کتاب فردوس
مذکور است این
اشکال نوشته بر
شنبه مریض گذارد
والکر خلاص شود
والکر بمیرد
وانما است

وهلا مکال هل ا ا ا ا

ر	ق	ص	ف	ع	س	ن	م	ل	ک
هشت	چهار	شش	هشت	ده	ساقط	دو	چهار	شش	هشت

ش	ت	ث	خ	ذ	ض	ظ	غ
ساقط	چهار	هشت	ساقط	چهار	هشت	ساقط	چهار

باید گفت و در مکارم بعد از هر تسبیح باید گفت واستغفروا ربکم انه کان غفارا یرسل السماء علیکم مدرارا و یمددکم باموال و بنین و یجعل لکم جنات و یجعل لکم انهارا از حضرت امام جعفر صادق ع روایت شده که در وقت جماع باید گفت اللهم انک رزقتنی ذکرا سمیته محمدا ایضا در وقت جماع این ایات از سوره انبیاء و ذا النون اذ ذهب الی قوله کانوا لنا خاشعین را بخواند و سوره ال عمران را بزعفران و گلاب بنویسد و بزن بندد حامله شود چون کسی سوره فجر را یازده مرتبه بخواند و بر آلت خود دمد و بعد با زن جماع کند الله تعالی باو فرزند دهد ایضا چون سوره مبتنی را بنویسد و آنرا زن حامله بشود جمال آن از سقوط و آفات دیگر سالم بماند و ایضا این ایات را از سوره انبیاء وایوب اذ نادی ربه الی للعابدین را بر پوست آهو بنویسد و بر حامله بندد از ابتداء حمل تا چهل روز با او باشد و بعد بگشاید و در آن ماهی که وقت زائیدن است با خود دارد فرزندش از آفات محفوظ ماند و باید زن در حین حمل کندر بسیار بخاید و در مکارم از پیغمبر ص روایت شده که باعث زیادتی عقل فرزند شود ایضا گفته اند هر زنیکه این اشکال را با خود دارد و بر ران راست بندد حامله گردد و اگر پسر خواهد و اگر دختر خواهد حامله گردد اینست او وا۱۱۱۱۸ - ۱۱۱۱۱ و ولا هـ ×

اء و ا ر د و ه ا ف صغو ذ ی ۱۱۱۱۲ ع و خ ط ع ۸ ۱۱۱۱۷ ع ه ۱۱۱

ده طبع
بعد دوازده کنند
ایات اخر سوره حشر
لو انزلنا هذا القران علی جبل لرایته خاشعا متصدعا من خشیة الله وتلک الامثال نضربها للناس لعلهم یتفکرون هو الله الذی لا اله الا هو عالم الغیب والشهادة هو الرحمن الرحیم هو الله الذی لا اله الا هو الملک القدوس السلام المؤمن المهیمن العزیز الجبار المتکبر سبحان الله عما یشرکون هو الله الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنی یسبح له ما فی السموات والارض وهو العزیز الحکیم

حمل انسان

ان ربکم الله الذی خلق السموات والارض فی ستة ایام ثم استوی علی ... عالم الغیب والشهادة

یطلبه حثیثا والشمس
والقمر والنجوم مسخرات
بامره الا له الخلق والامر
تبارک الله رب العالمین
برحمتک یا ارحم الراحمین
شفا یابد ان شاء الله تعالی
بجهت شفای
بیماران در خواص الآیات
آورده که [illegible] شفا [illegible]
هر که برای طلب شفا [illegible] فاتحه و
[illegible] بنویسد
و قل هو الله سه بار و معوذ
تین هر یک سه بار بنویسد و
[illegible] اللهم
رب الناس اذهب الباس
اذهب الباس رب الناس واشف
انت الشافی لا شفاء الا شفاؤک
شفاء لا یغادر سقما و لا الما
[illegible]

فصل ۱۱ ۳ ص ۱۱۱۱ لا ۱ ه ط و ۳ ۱۱۱ ط و ع ع ی و لا و

بجهت دفع عسر ولادت مروی است که حضرت صادق فرمود بزن

دیگر از پسنکه ولادت بر او دشوار باشد بر ورق کاغذ اللهم یا فارج

الهم و یا کاشف الغم و رحمن الدنیا و الاخرة و رحیمهما ارحم فلان

فلانة بنت فلان رحمة تغنیها بها عن رحمة جمیع خلقک فتفرج کربتها

و تکشف بها غمها و تیسر بها ولادتها و قضی بینهم بالحق و قیل الحمد

لله رب العالمین ایضا بجهت ولادت حیوان و انسان بر او خواند

یا خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس خلصها بحولک و

قوتک در زبدة الدعوات و در مکارم الاخلاق مسطور است

که برای آسانی وضع حمل این شکل را بنویسد و بر ران حامله بندد آسان گردد ان شاء الله تعالی

اخرج نفسی من هذا المخلص

این شکل را بر سر پاره سفال آب ندیده بنویسد بگیرد از زیر پای چپ حامله گذارد که خرد و شکسته شود و دیگری برابر نظر او بدارد آسان گردد و دیگر از زیر پای راست بگذارد

اخرج نفسی من هذا التخلص المجلس

اخرج نفسی من هذا التخلص

۲	۹	۴
۷	۵	۳
۶	۲	۸

ونسلموا منی ابدالا

لاشکر لاسمک

اذا انت غافلی

لا شریک لک ع ل

لاشکر لاسمک

اخرج نفسی من هذا التخلص المجالس

۲	۹	۴
۷	۵	۳
۶	۱	۸

وللمؤمنین و تسلموا ابدالا

اذا کانت غافلی

فی وضع حمل آسانی

ما شاء الله لا قوة الا بالله
صلی الله علی سیدنا محمد و آله و صحبه و سلم
تسلیما کثیرا کثیرا بعدد [illegible]
نوشته بعدد [illegible]
شفا فاتحه [illegible]
گفته اند که آخر سوره
حشر بشرط با وضو
دردها را شفا دهد
که بان درد خوانند
در کلام بعضی از
مشایخ است
آخر سوره حشر را شفا
است از همه دردها
و از آیات در
[illegible]

نام بیمار و مادر او را
بحساب ابجد صغیر در دو
او زند و بعد دوازده
دوازده طرح نماید
و هرچه میماند بر ترتیب
بروج ملاحظه نماید
اول حمل بعد ثور
تا اخر که هرچه نزد عدد فا
مطبوع بیشتر و لی بر
برکات ابر طبیعت و امر
بتصدق تا باعث شفا

از همان
کتاب این شکل
را بر پشت قفیز
بنویسد و زن بر
ان نشیند و بر
تخته دیگر
پا بایستد

اثنین	ثلثة	اربعة
ثلثة	اثنین	اربعة
	اربعة	ثلثة

ایضا این شکل را بر پیشانی او زن
بچسبانی فی الحال بار نهد بسم
الله لا حول و لا قوة الا بالله العلی
العظیم و سورهٔ و الذاریات یا و اقعه
یا انشقاق را بر کمر بندد اسان
شود و بعد از ان بکشاید نوع
دیگر این اشکال را نوشته بر ران
چپ زن بندد و بر بالای خشت رود فی الحال بار نهد چون وضع شود
زود بکشاید تا ضرر نرسد شکل این است همصمهلم لهصمه صمعنعه
نسخهٔ دیگر در مقال همصمهله بهصمه صمعیعر هذه و دیگر
ابتدا بر ران زن خواند و بر کوزهٔ پر اب خواند و از ان اب بزن
دهد تا بخورد و قدری از ان اب را در میان پستانها و شانهای
او بر بزند یا خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس خلصها
بحولک و قوتک بسم الله الذی لا اله الا هو الحلیم الکریم سبحان الله
رب السموات السبع و رب العرش العظیم و الحمد لله رب العالمین کانهم یوم
یرونها ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ ایضا این کلمات را
بنویسد و بر ران چپ بندد منها خلقناکم و فیها نعیدکم و منها نخرجکم تارة اخری
یا خالق النفس من النفس و مخلص النفس من النفس اخرج عنها و القها
سویا باذن الله عز و جل چون بار نهد دعا بکشاید ایضا بنویسد این

اشت برج حمل طالع الاولی
دارد درد سر گیجی دراه
لب بهرزد بر درخت میوه
دار و غیره و ز و د رشتن
مضرت سبا و بسیاری و
همین علت اشتغفر شود
و سخن کج نشود و درد
خواب بیهوده گوید و
زبان و ریع سرخ شود

وضع ثانی حمل

و فریاد کنند در
و قولنج ظاهر شود
حرارت زیاد دارد و
و اگر کودک باشد
دندان بد و چشم بدرجا
رسیده کرده دارد
و علاج اول تصدق
و بعد این دعا بنویسند
بر بیمار بندد بسم الله
الرحمن الرحیم اللهم
احفظ صاحب هذا
الکتاب من کل
اذی و من کل عین
لامة و من شر کل
شیطان و هامة و
من الجن و الجن
و غول و غولان و
ساحر و ساحرة
و کاهن و کاهنة
اعیذ بکلمات الله
التامات

سعد

شکل را بر شانه که از زن موی سر خود را شانه کرده باشد و در زیر
پای راست گذارد مجرب است ۱۱۱۹ ۴۲ ۱۱ ۱۱ ۹ ملح
۸ ۶ م ۶ ۱ ۱ ۵ ۸ م م م م ۶ ایضاً بنویسید و باب محو نماید
وانزن ازان اب بیاشامد خلاص شود بسمله اذا وا و سی او جبر
فبلهاجز بعصاك ملح ماهوء منه الماء کل اما زمنا ؤ. فهم منهم
کلوا و اسمه ابوس دون العلوا الارض باسم فلانه بنت فلانه العجل
الساعة الساعة الساعة النار النار ایضاً بنویسید بر ران راست او
بندد بسمله حتّی ولد و مریم مریم ولدت عیسی والارض تدعوك یا
ولد فاخرج یوم یرونها لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل
یهلك الا القوم الفاسقون بسم الله الرحمن الرحیم اذا
السماء انشقت واذنت لربها وحقت واذا الارض مدت و
القت ما فیها وتخلت بر ران چپ ببندد این طلسم را آسان شود
لا ط ۱۸ ۹ ۹ ۸ ۸ ۹ ۹ ۱۱ ۱۷۱۲ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۱۱ ۹ ۹ ۹ ۹ سر
ر ۱۱۱ اء ۱۱۱۱ ۱۱ ۹ ۱۱۱ ۹ ل ف ۱۱۱ م ╪ ۱۱۱۱ هی مجربست

صاحب درّ النظم آورده اند که چون وضع حمل بر زنی
دشوار باشد این آیات و این دعا را بنویسید بر ران زن ببندد
بسهولت بار نهد اینست اولم یر الذین کفروا ان السموات و
الارض کانتا رتقا ففتقناهما وجعلنا من الماء کل شیء حی افلا
یؤمنون مریم ولدت عیسی سیجعل الله بعد عسر یسرا اللهم کما

التامات کلها واسمائه
الحسنی ومن شر السامة
والهامة ز بحق انه من
سلیمان وانه بسم الله
الرحمن الرحیم الا تعلو
علی واتونی مسلمین
فالله خیر حافظا وهو
ارحم الراحمین و ا ء ه
شفا را بنویسید بنوید
و ابن اسم
ویخورد هد اسپیند
وادودد
شفا با بد ن و ر د
[illegible]
ربلاین
دلالت مرج دارد نور روز
یکشنبه جامع ناگوار کار و
دفتر از دیدن زبان از ازدی
رسیدن مجد یکباره دوی
درد سر عارض وی نو

وضع حمل

واستخوانهای وی
درد کند و خواب نم
دارد صفرا غلبه نموده
کاهش کند و کلوی
وی درد کند اخلال
گفتار بد دارد اگر
کعبه دل باشد از
چیزی نرسیده صفراوی
نماید ان چشم بد زیاد
بد باشد بعد از صد
اند عا را با خود
دارد بسم الله
الرحمن الرحیم بکلمات
الله التامات من
اعیذك ومن شر
الهامة والهامة
من شر کل عین
من شر الشیطان
الرجیم ومن شر حاسد
اذا

قفذت

شققت الارض بالنبات والسماء بالمطر وكذلك دبر لفلانة بنت فلانة الوضع فلينظر الانسان الى طعامه انا شققنا الارض شقا ایضا گفته است که بعضی از فضلا مرا امر کردند بجهت عسر ولادت آیه اولم یر الذین تا آخر که ذکر شد در محل وضع حمل مکرر باید خواند و بر شکم آن زن و ناف او نفث کنند و پا بر پشت او دمد مجرب است و بصحت پیوسته نوع دیگر مجرب است که سوره انا انزلناه را بر ظرفی نو بنویسند و محو نمایند و قدری هم بر سر و روی و مابین شانه و فرج او بپاشند اگر ساعتی بعد خلاص شد فبها و الا سوره قدر را دیگر بنویسند و بهمان دستور عمل آورند خلاص شود **در مصباح کفعمی** چنین است این آیات را بنویسند و بر ران راست او ببندند آیات اینست بسمله کانهم یوم یرون ما یوعدون لم یلبثوا الا ساعة من نهار بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا ساعة من نها بلاغ فهل یهلک الا القوم الفاسقون کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا ساعة او نهار فهل یهلک الا القوم الفاسقون کانهم یوم یرونها لم یلبثوا الا عشیة او ضحیها اذ قالت امرات عمران رب انی نذرت لک ما فی بطنی محررا **اما اعمال وقت ولادت** صاحب مقال گفته چون فرزند زائیده شود سنت است و را غسل دهند و در گوش راستش اذان بگویند و در گوش چپ او اقامه و داخل

اذا حسد اعینك
صاحب کتاب هذا من
فان انه یمحق احیاء اشراهلها
و یمحق انزلناه و یمحق
ینبل سبحانك الفتاح
العظیم و ایه الکریم
و مقعود من را بنویسد
و ایه شفا را با کار با
تبعید و بجوردد و
ینزل من القران ما
هو شفاء و رحمة
للمؤمنین ولا یزید
الظالمین الا خسارا را
رحمتك یا ارحم الراحمین
و تخم مرغ را نوشته بکنند
وانبر طلسم را با اسفند
دود دهند امرل
دو د ل ع و
ی س م ر ل
س د ا ا ل ا ر
ن

بیخ جوزا کد

نام بیماری اسطالع
علامتش مقام در
قبر نشان جامع جوا
فات دلیل آنکه در
روز دو شنبه بیمار
خدا کند ذکر دو ربا
اذیت کرده بحذیکه
اندام هاء او در
کنند مفاصل او بند
ادی از هم جدا کند
دهان وی نیم باز
ودر خون صفرا غلبه کرده
تیر خفای چند
نیز از بعد بیخ
دهند دعا بکر
الی کند عجب
از خشم بد و شب
از آنها در بیشک باقی
الی بعد از ده یوم
شفا

حرم امام حسین ع یا عسل یا خرما یا اب فرات یا اب شیرین حل کرده کام طفل را بردارند وچون جا و شیر را در اب حل کنی و در سوراخ های بینی طفل داخل کنی بعد از ان وا قا مر قبل از بریدن ناف ان طفل از خوف ام الصّبیان محفوظ ماند وچون سورهٔ دخان ویلد ومعوّذتین را بنویسی و در اوّل ظهور رش بر او ببندی از نقص وافت جنّ وکزندها ایمن شود وسنّت است برای طفل در روز هفتم نام قرار دهند یا کنیت وبهترین نامها نام پیغمبران ونام ائمه علیهم السّلام در کتب مذکور است هر گاه در یوم شنبه فرزند بوجود اید پسر باشد موسی ودختر زینب نام نهند هرگاه یوم یکشنبه فرزند بوجود اید پسر باشد ابرهیم ودختر باشد مریم نام نهد هرگاه یوم دوشنبه فرزند بوجود اید پسر باشد اسحق دختر باشد امنه نام نهد وهرگاه یوم **سه شنبه** فرزند بوجود اید پسر باشد حسین دختر باشد حوّا نام نهد هرگاه **چهارشنبه** فرزند بوجود اید پسر باشد عیسی دختر باشد کلثوم نام نهد هرگاه **پنجشنبه** فرزند بوجود اید پسر باشد علی دختر باشد فاطمه نام نهد هرگاه **جمعه** فرزند بوجود اید پسر باشد محمّد دختر باشد خدیجه وفاطمه نام نهد **وسنّت** است روز هفتم سر او را بتراشد وبوزن ان طلا یا نقره تصدّق کند ومکروه است کاکل وکیسو گذاشتن **وسنّت** است

هو رب العرش العظیم

الله الملک الحق لا اله الا هو

الینا لا ترجعون فتعالی

انما خلقناکم عبثا وانکم

[illegible]

ولیکن بعد از تصدق

[illegible] خطر دارد

اخر لا برهان له به فانما

حسابه عند ربه انه لا

یفلح الکافرون وقل

رب اغفر وارحم وانت

خیر الراحمین یا الله یا

رحمن یا رحیم یا رقیب

یا حافظ یا حفیظ یا وکیل

فسیکفیکهم الله وهو

السمیع العلیم

فالله خیر حافظا وهو

ارحم الراحمین

[illegible]

نوع سوم

[illegible]

در اینج روز

در این روز سوراخ کردن کوش طفل سنّت است و در این روز ختنه کردن هرکاه پسر باشد واجب است و از دختر سنّت است و دعای در حاشیه ذکر میشود ایضاً سنّت است در این روز نیز عقیقه کردن و بعضی واجب میدانند تاخیرش تا وقت امکان و جایز است بشرط آنکه بد قدرت نداشته باشد و اکر بعمل نیاید تا وقت بلوغ سنّت است که بعد از بلوغ برای خود عقیقه کند و باید کوسفند عقیقه نر باشد خواه مولود نر باشد یا ماده باشد چنانچه ظاهر احادیث کافیست مکر ابن بابویه ره برای مولود ماده برای پسر تجویز کرده و سنّت است در عقیقه شروط اضحی باشد و سنّت است ربع عقیقه را از طرف پا بماما و اکر ماما نباشد بمادر دهند و زاید تصدّق کنند و استخوانش را نشکنند بلکه از مفاصل جدا کنند و بریان نکنند و باب طبخ کنند و ده کس از مؤمنان یا بیشتر را مهمان کنند و اکر کوشت خام را نیز تفریق کنند جایز است و باید پدر و مادر از آن کوشت نخورند در کافی شیخ کلینی از حضرت صادق ع روایت شده که در وقت ذبح این عقیقه این دعا را باید خواند یا قوم انی بریء مما تشرکون انی وجهت وجهی للذی فطر السموات و الارض حنیفا مسلما وما انا من المشرکین ان صلوتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین لا شریک له و بذلک امرت و انا من المسلمین اللهم منک و لک بسم الله والله اکبر اللهم صل علی محمد

در زیر بغلها و زیر پستانها
به نام خداوند سبحانی
کند ذکر کرده و ورا دفت
رسیدن از اطفال بیان
است علامت آنکه
استخوانهاشے و مفاصل
وی درد کند کا . کا .
از حرارت بعده بب
کند مسهل بخورد و کوش
وی کران است و لرزه
در اعضاء وی ظاهر
شود و اکر کودک
باشد از علامت سیاه
و کیه بر تو سیاه وخیم
بد و سرما رسیده
بد دارد و درد خواب
مسهل و احتراز از
برای تربیت اطفال
برد که شد معمول
دارد و در بکر بعد از

دعای عقیقه

تصدق نیم مثقال
نقره این دعا را
نویسد و بهمراه
بچه دارد انشاء الله تعالی
از جمیع بلاها و آفات
و حوادث در امان
باشد البته بسم
الله الرحمن الرحیم
بسم الله الشافی
بسم الله المعافی
بسم الله الذی
لا یضر مع اسمه
شیء فی الارض و
لا فی السماء و هو
السمیع العلیم و ننزل
من القرآن ما هو
شفاء و رحمة للـ
مؤمنین و لا یزید
الظالمین الا
خسارا و

وال

و آل محمد و تقبل من فلان بن فلان و اسم مولود والد نعش را -
بگوید بعد بسم الله را بگوید و ذبح کند و احادیث بسیار -
در فضیلت آن وارد شده است و هو الله العالم بحقایق الامور

خاتمه در احوال مریض بتجارب حکماء

در معرفة احوال مریض از صحت و علت و حیات و ممات و ایمنی و خطر
و در این چند فصل است **فصل اول** در معرفت احوال مریض
از ایام هفته بچند طریق بنظر رسیده **طریقه اول**

نام بیمار و مادرش بحساب جمل

شنبه	یکشنبه	شنبه	یکشنبه
بیمار شد تا هفت بکشد اما در خطر است تصدق دهد	بیمار شود چشم زخم دارد بصدقه رفع شود انشاء الله	بیمار شده یکی ماند بمیرد و بیمار طول کشد سر بر شود	بیمار شده یکی ماند زود بر شده دو بر ماند طول کشد بمیرد
دوشنبه	**سه شنبه**	**دوشنبه**	**سه شنبه**
بیمار شد در اندام لازم او بود از ابدا زود بر شود انشاء	بیمار شده در پشت و شکم لازم دارد البته بر شود	بیمار شده یکی ماند بمیرد دو بر شود سرد دراز کشد	یکی ماند بمیرد دو ماند بر شود ۳ ماند بمیرد
چهارشنبه	**پنجشنبه**	**چهارشنبه**	**پنجشنبه**
علت از خون است دوازده روز خطر دارد ۲	از کرمی است در اندام تا ۱۲ روز در خطر است ۳	یکی بر شود و دراز کشد ۳ ماند خطر است و بمیرد	یکی دراز کشد و بمیرد ۲ ماند به شود انشاء

[illegible] است
دو فهرستان و فی عنابد
ابر لکی ۴ ابر لکی ص
فی غ و ن ابر
نی دا د اد عز و د
الیم انشاء الله تعالی
کیبر و د کند شفا یابد
بالعکس از استفند و موع
دیگر درد و این طلسم را
دایم شفا را بنویسید
و اذا مرضت فهو یشفین

دلالت دارد از آزاد و در
سه شنبه یا چهارشنبه
در کنار آب بموقت عود
در هفته بوده بی ادعیه
اذیت از جانوران و از
شیاطین رسیده و
علامتش آن است که
آشفته باشد و گریه
و سخن کم از شود

[illegible]

و در خواب بیهوده
سخن گوید و چشم و
العوده و فریاد بدارد
و دارویه کند و درد و
و قولنج دارد و صفرا
گاه گاه کمر و را بگیرد
اینها همه از ثقل معده
میباشد مسهل بخورد
و اگر کود لا باشد بین
خورد و تب دارد
و چشم زخم بدارد
دارد و تعلج آنکه
ابید دعا را بخورد
دانسته باشد
بسم الله الرحمن
الرحیم یا معشر
الجن والانس ان
ان استطعتم ان
تنفذوا من اقطار
السموات والارض
فانفذوا

ا نفذوا لا تنفذون الا بسلطان و نار

بسلطان وان یکاد و ابن

دو لیلد نا لله حرجنا فکا

وهو ارحم الراحمین بم

الله الرحمن الرحیم زاو

تعلوا علی وأتونی مسلمین و لانق

انشاء الله [illegible] وارجع

ارو یا الله العلی العظیم

رب انزلنی منزلا مبارکا

وانت خیر المنزلین و انه

شفا دا انعو لیلد و

وابن طلسم را

شفا

یمورد دهید

نزد رود دم

یا بد ن دم رود دم ن

ع ون ن ع و ن ع و ن ا ب

ن م ل ع ر ل ع و ن

ل ی س م ل ع و ن

ن دا د و سمسلیبا

وجنه جنه دارد بدیس را

دلالت فض تمام

صالت

خرابها و کنار ابها د

کنند ذکر نام الله تعالی

و افعال شیاطین

بیمار شدن مجدبکر

جمع بدن وجع درد

کند از شدت درد

بر میکند هیچ چیز بجز

خواهش نشود و از

از خواب هراسد

بیمار شود

جمعه

بیمار شد در خوف و خطر است بیم است تا صد روز بیمار شد یکی ماند بمیرد و ماند از کشد عاقبه شود

طریقه بیم در روز بیمار شد

روز شنبه	روز یکشنبه	روز دوشنبه	سه شنبه
بیمار اگر دو روز بماند صحت یابد یا خطره باشد	بیمار شد چون تا نه روز بگذرد نوزده روز بکشد بیماری	تا هشت روز بیماری او کشد بعد از آن صحت یابد انشاء	بیمار شد باشد تا هفت روز بیماری او بکشد البته انشاء
چهارشنبه	**پنجشنبه**	**جمعه**	**ادعیه**
بیمار شد یازده روز بیماری طول کشد	بیمار شد تا چهارده روز طول کشد	بیمار شد تا ۱۲ روز طول کشد العلم عند الله	بر وی بخواند هفت بار سوره حمد و الا هفتاد دفعه هر روز
در شبها	هرگاه در ایام هفته	در شب بیمار شد	بترتیب ذکر میشود
شب شنبه	**شب یکشنبه**	**شب دوشنبه**	**شب سه شنبه**
اول شب بیمار شد میانه شب صحت آخر شب خطر دارد	اول شب صحت یابد میانه شب پنج روز طول آخر شب یازده روز طول	اول شب خطر بود میانه شب ۱۸ روز آخر شب نه روز	اول شب بیم آخر شب نه یوم طول میانه شب تا بیست یوم کشد
شب چهارشنبه	**شب پنجشنبه**	**شب جمعه**	**طریقه دیگر**
اول شب تا ۱۵ یوم طول میانه شب ۱۴ یوم آخر شب مخاطره دارد	اول شب زود شفا یابد میانه شب ۳۰ یوم طول آخر شب پنج روز	اول شب شفا یابد میانه شب ۱۸ روز آخر شب نه روز	نام بیمار و مادر او را بدستور سابق حساب ۳ سه سه طرح کند
روز شنبه	**روز یکشنبه**	**روز دوشنبه**	**روز سه شنبه**
بیمار شد یکی بماند طول کشد دو بماند بر شود سه بمیرد	یکی ماند طول کشد دو ماند بر شود سه ماند خطر دارد	یکی ماند بر شود دو ده یوم طول کشد سه نه یوم	یکی ماند بر شود دو ماند امید شفا باشد سه ماند خطر است

ب / داد ما جورد ابی دعا عشق تعوید ان که بعشاد بسم علاجه دو ره دل حی الخواجه بیمار

روز

بسم الله الرحمن الرحیم
قل ادعوا الله او ادعوا الرحمن ایا ما تدعوا فله الاسماء الحسنی ولا تجهر بصلاتک ولا تخافت بها وابتغ بین ذلک سبیلا وقل الحمد لله الذی لم یتخذ ولدا ولم یکن له شریک فی الملک ولم یکن له ولی من الذل وکبره تکبیرا اللهم احفظ حامل هذه الآیات بحق محمد وعلی وفاطمه والحسن والحسین علیهم السلام

روز چهارشنبه	روز پنجشنبه	روز جمعه
یکی ماند بر شود دو ماند طول شد بمیرد	یکی ماند طول دو ماند بمیرد سه ماند بر شود	یکی ماند در خطر دو ماند بر شود سه ماند طول کشد

فصل دویم در معرفت احوال المریض و مریض شدن در ایام شهور و در این باب

در نسخه بنظر رسیده که یکی از زهاد از سلمان فارسی نقل شده در کمال صحت و اعتبار و در روح الواعظین و غیره مذکور است که اگر عمل این روایت بماههای قدیم کرده نشود بهتر است و لیکن آن است که احوال مریض هرگاه در ایام شهور ابتدا بیماری او اتفاق افتد دانسته بشود چگونه خواهد بود و چون احکام چند از برای هر روز مذکور بود و غرض معرفت احوال مریض بود اکتفا باحوال مریض از آن نموده از آن حذف نموده و بعضی از احکام ایام در حدیث مذکور شود لهذا بثبت احکامها و ان [illegible]

ا	بیمار شود شفا یابد انشاء الله تع	یو	بیمار شود شفا یابد انش
ب	اول روز مرض سبل بحال اخر	یز	
ج	بیمار شود بمشقت افتد	یح	بتعب افتد
د	بیمار شود بروزی به شود	یط	بیمار شود بتعب افتد
ه		ک	
و		کا	بیمار شود بروزی شفا یابد
ح	تعب بسیار کشد	کب	بیمار حالش بد باشد
ط	بیمار تعب بسیار کشد	کج	
ی	وصیت کند بروایتی شفا یابد	کد	طول کشد
یا	بروزی امید شفا است	که	بیمارش بد باشد
یب	بتعب افتد	کو	
یج	صحت یابد	کز	بیمار حالش بد باشد
ید	امید صحت باشد انش	کح	
یه	صحت یابد انش	کط	
		ل	صحت یابد انش

وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا برحمتک یا ارحم الراحمین و از برای

[illegible]

و تعوید و تعوذ را این باشد و آیه شریفه و ان یکاد الذین کفروا لیزلقونک بابصارهم لما سمعوا الذکر ویقولون انه لمجنون وما هو الا ذکر للعالمین و این را بر بد بنویسد

طلسم را بان مریض دود دهید ن م ف ع و ش دا دا دا ا ب ا ب ها مان ر ن ا م ی س ع و ن معج مراع [illegible]

طریقه

بنام خدا تعالے دو
رنجها کند و کند دو و نیکا
از انست که سر و چشم
و نیا درد کرفتد و [illegible]
و یکی دیگر درد کند
و لند در دانها و مروع
افتد و حرارت مزاج
دارد و اختلال قارد
ازدیاد نیه خون و لمع
تابند بعضا بعد علاج
سیع [illegible] هرکاه تند
بدعا هرکاه [illegible] چشم
نماید و دعا [illegible]
زخم هم نبو [illegible]
و دیگر عاقل و کود [illegible]
دانید عادا بعد از [illegible]
بسم الله الرحمن الرحیم
اللهم احفظ صاحب هذا
الکتاب بحق انه من سلیمان
و انه بسم الله الرحمن الرحیم الا تعلوا علی و اتونی مسلمین
فسیکفیکهم الله و هو السمیع العلیم
فالله خیر حافظا و هو ارحم الراحمین
اهیا شراهیا ادونی اصبأوت آل شدای

طریقهٔ دیگر در ایام ماه از اخبارات مجلسی مذکور است

۱	بروزی برخیزد	۲	بروزی راحت یابد
۳	بیماری او صحت بود	۴	محتاج است بصدقه
۵	بروزی صحت یابد	۶	بعد هفت یوم به شود
۷	بعد ده روز برخیزد	۸	بروزی صحت یابد
۹	تصدق دهد شفا یابد	۱۰	در بیمار کاهلی نکند به شود
۱۱	بروزے شفا یابد	۱۲	طول کشد صدقه دهد
۱۳	زود به شود انشا	۱۴	بعد بیست یوم برخیزد
۱۵	بعد یوم امید شفاست	۱۶	بروزی برخیزد
۱۷	بروزی برخیزد	۱۸	بروزی صحت یابد
۱۹	بیم مرگ بود صدقه بدهد	۲۰	بعد بیست یوم شفا یابد
۲۱	بیم مرگ است صدقه دهد	۲۲	بعد چهار یوم شفا یابد
۲۳	تا ۱۵ روز کشد	۲۴	بروزے شفا یابد
۲۵	بروزی شفا یابد	۲۶	بروزے شفا یابد
۲۷	تا هشت یوم کشد	۲۸	بروزے برخیزد
۲۹	بروزی برخیزد	۳۰	بروزے برخیزد

طریقه دیگر تجربه حکماست گفته‌اند چون کسی بیمار شود از روز ذکر آغاز بیماری او ملبند باشد احوال او را استدلال توان کرد از درازی و کوتاهی و سختی و آسانی و خوف و سلامتی این احکام

و ن [illegible] ابد [illegible] طلسم [illegible] بجود [illegible] دایم شفا را [illegible] الاعظم [illegible] نزل [illegible] تحی انزلنا [illegible]

نفع عجیب مجرب معروف

در قبرستان دفن کنند

[illegible] درد کند [illegible] دردی [illegible] بزرگان [illegible] در [illegible]

را در این دائره وضع کرده اند تا کیفیت احوال روز بروز از محنت و خطر معلوم گردد والله اعلم بالصواب و الیه المرجع و المآب

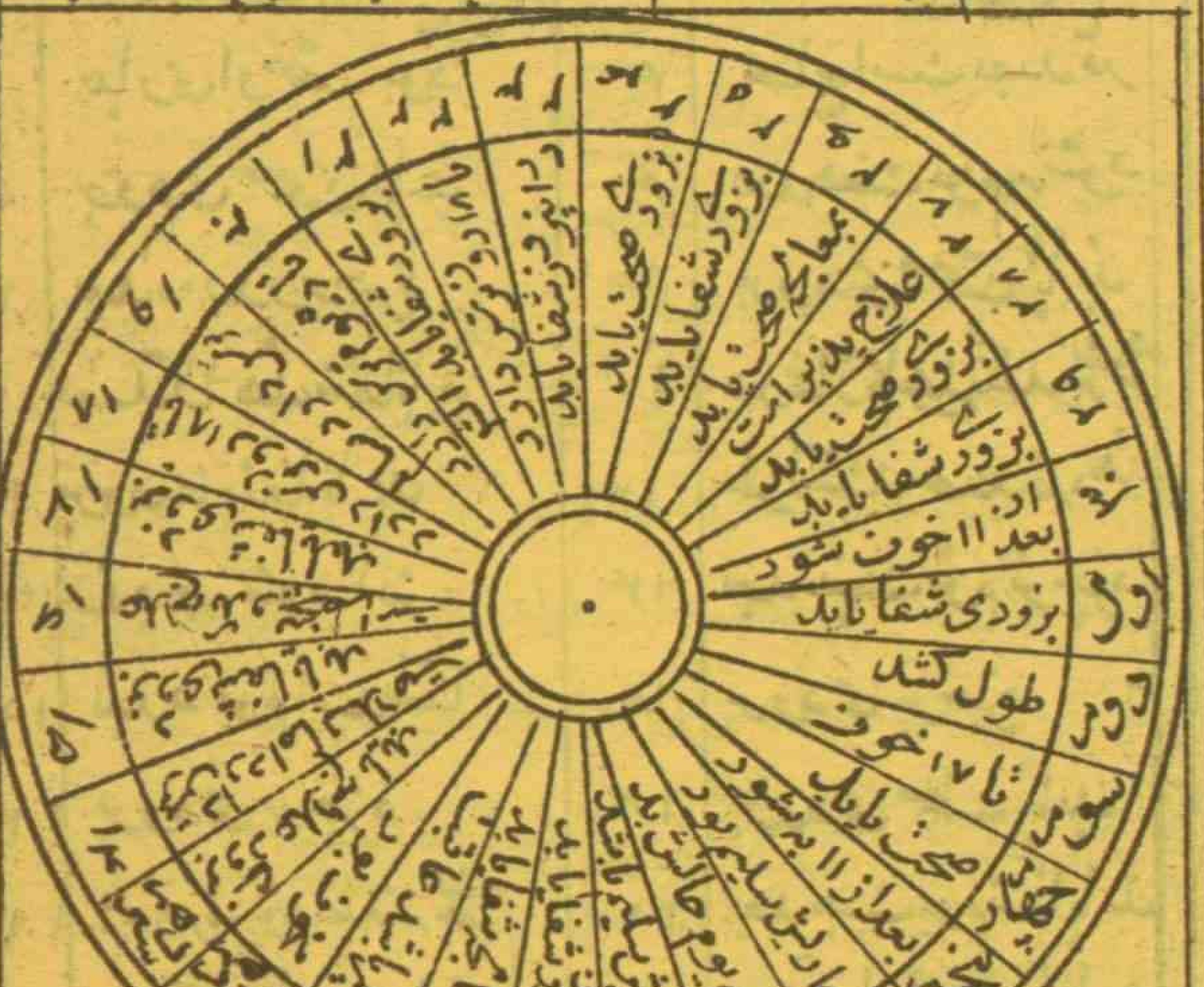
اول
بزودی شفا یابد
دوم
طول کشد
سوم
تا ۱۷ خوف
چهارم
محنت یابد
پنجم
بعد از ۱۱ بسلامت شود
ششم
هفتم
بعد ۱۱ خوف شود
بزودی شفا یابد
بزودی محنت یابد
علاج بد بر آمدن
بعد [illegible] محنت یابد
بزودی شفا یابد
بزودی محنت یابد

فصل سیم در معرفت لوح حیات و ممات بچند قسم

حکماء بتجربه یافته اند که هرگاه شخصی بیمار شود و خواهند که بر ایشان معلوم شود که از آن بیماری میرهد یا نه نام او را بر حساب جمل بگیرد انچه از ماه گذشته یعنی روز بیمار شدن را اغاز شده از آن نیز بر آن بیفزاید و بیست عدد نیز بر آن بیفزاید و بعد سه سه طرح کنند

[illegible] سرد دارد [illegible] بنحوست [illegible] شود احوال [illegible] از افعال احتیاط است زبان بدور [illegible] شد علاج

فائده

بعد از رصد ثم اسند علاوا با خود دارد

بسم الله الرحمن الرحیم

قل اوحی الی انه استمع نفر من الجن فقالوا انا سمعنا قرآنا عجبا یهدی الی الرشد فآمنا به ولن نشرک بربنا احدا وجعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشیناهم فهم لا یبصرون [illegible] وننزل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین الا خسارا

بجز بماند از این عدد در این دو جدول که در جنب یکدیگر یکی
لوح حیات و دیگری را ممات نام کرده اند نظر کنند ببینند عدد در
کدام یک از این دو جدول میباشد پس اگر در جدول حیات حیات
میباشد امیدوارے با مریض میباشد و اگر بجدول ممات باشد
خوف بود بجز براز موده باشد در حساب دقت نماید تا خطا واقع
نشود العلم عند الله

لوح حیات

۹	۲	۹	۱
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۵	۱۶	۷	۱۸
۲۲	۲۳	۳۷	۳۸

لوح ممات

۳	۴	۵	۶
۷	۸	۱۸	۲۱
۲۰	۲۴	۲۵	۲۶
	۲۹	۳۰	

طریقهٔ دیگر گفته اند که اگر خواهے بدانے بیمار به میشود یا نه
نام بیمار را بحساب جمل بگیرد و از ایام هفته ان روز که بیمار شده به
حساب ارقام هفته بران بیفزاید مثلاً شنبه هفت یکشنبه شش و دو
دو و سه شنبه یک چهارشنبه نه پنجشنبه یک جمعه را پنج بگیرد چنان
که معروف است همه را جمع کند و بعد سی سی طرح کند و در این
دو لوح ان عدد را طلب کند اگر در لوح حیات باشد دلیل
بر حیات بیمار باشد و اگر در لوح ممات باشد دال بر مردن

ن ت
شاد دعاے دفع
جن یعنی ام الصبیان
وغیره را نوشیده با خود
دارد شفا یابد انشاء
الله و کریم العزیز

لوح حیات ممات

بسم الله الرحمن الرحیم یا معشر الجن والانس ان استطعتم ان تنفذوا من اقطار السموات والارض فانفذوا لا تنفذون الا بسلطان یا شافی یا کافی یا معافی یا حفیظ یا حافظ یا ناصر فاذا قرأت القرآن فاستعذ بالله من الشیطان الرجیم وبالحق انزلناه وبالحق نزل وما ارسلناک الا مبشرا ونذیرا و[illegible] شفاء [illegible] نوشته بجوید [illegible] بجا تحویذ را [illegible] دهند [illegible] شفا یابد انشاء الله [illegible] شفا یابد انشاء الله تعالی طلسم [illegible] اوراق دهند [illegible] شفا یابد انشاء الله تعالی وطلسم این است

ش داد دادد

[illegible]

[illegible]

تا دور ملعون عون [illegible] در طلب او [illegible] رسول منقول است که در زبان [illegible] درخت اسفند ملکی موکل است

مردان دارند و دیگر اگر در لوح حیات بهار سے ثبت باشد زود بر شود و اگر در هندسه ثبت است دیر کشد و اگر در لوح ممات بهار سے ثبت شده بحال مرگ رسد امّا عاقبت بِه شود و اگر بهندسه باشد بمیرد

لوح حیات

۱	دو	۳	۷
ده	۱۲	۱۴	شانزده
۱۷	۱۹	بیست	۲۲
۲۳	بیست شش	۲۸	۱۵

لوح ممات

چهار	۵	شش	هفت
۹	یازده	دوازده	هجده
بیست یکم	۲۴	بیست پنجم	۲۹
	۲۷	سی ام	

تسخیر کتاب تسهیل در شرح مطابق هم امّا در عدد با اختلاف یکدیگر

لوح حیات

۱	۴	۹	۱۰
۱۱	۲۱	۱۳	۱۴
۱۵	۱۶	۱۷	۱۹
۲۲	۲۳	۲۷	۲۸

لوح ممات

۲	۳	۵	۶
۱۴	۷	۱۸	۲۰
۲۱	۲۵	۲۶	۲۴
تسهیل	۲۹	۳۰	تسخیر

لوح حیات

۱	۲	۳	۴
۷	۱۵	۱۱	۱۶
۱۷	۹	۲	۲۲
۲۲	۲۷	۵	۲۸

نسخهٔ جامع العلوم با اختلاف [illegible]

لوح ممات

۶	۷	۹	۱۲
۱۳	۱۴	۱۸	۲۱
۲۴	۲۵	۲۶	۱۰
	۲۹	۳۰	

[illegible] و [illegible] بر [illegible] و [illegible] اسفند و [illegible] اعلم [illegible] مطالع [illegible] احوال و [illegible]

از برکات

ضعف دارد کاه نشان
که نانشان از علت ان ۔ درایام
همزاد است ۔ نانشان کان
بهمن جای نانشان
زینر کرا انفعلت بیمار
شیت وازید کوه خلق
خادث شده دهقاء
خرد وانید عاوا ابا خود
وادر بیم انه الرحمن
الرحیم فاذا قرات القرا
ن جعلنا بینک و بین
الذین لا یومنون بالا
خره حجابا مستورا و
جعلنا علی قلوبهم اکنة
ان یفقهوه واذا صرفنا
الیک نفر من الجن یستمعون
القران فلما حضروه ا
قالوا انصتوا فلما قضی
ولوا الی قومهم منذرین
ولوا یغفر لکم من ذنوبکم
ویجرکم من عذاب الیم

طلسم اول

ومن لا یجب داعی
فلیس بمعجز فی الارض
ولیس له من دونه او
لیاء اولئک فی ضلال
مبین و این منقادا
نوشته بشوید و بخورد
و این طلسم را در زیر
دامن دود کند بما
کنند و حضرت عثمان
فی مودة که کنند
بر کیری پیغمبران بیت
درود درود
تا زه در تیخ درود کند
بالا عبد و دود و او
دو کننده نیت
طلسم است و دفع
کننده بلاها را دفع
طلسم این است
ارد ای کی و زن
زن ام منقاد و

ازبرکات وخواص این ایات بتجربه یافته اند که هرگاه این ایات را باسم بیماری برکاغذی بنویسد وانرا درمیان طاس اندازند اگر نوشته بروی اب ایستد صحت یابد واگر میان اب ایستد هنوز بیماری دارد واگر بزیر اب رود بیمار بمیرد ایات اینست وامنوا بما نزّل علی محمدٍ وهو الحق من ربهم وما کان محمدٌ ابا احد من رجالکم ولکن رسول الله وخاتم النبیین وما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل محمد رسول الله والذین معه اشداء علی الکفار رحماء بینهم تریهم رکعا سجدا یبتغون فضلا من الله تم الکتاب بعون الملک الوهاب فی یوم پنجشنبه

دویم شهر جمادی الاولی
۱۳۴۴
فی سنه هجری
نبوی ص

رساله حکمت لقمان علیه السلام

علاج درد سر اب کشنیز باگلاب و سرکه بهم کنند در پیشانی بمالد ـ هرکه اب گرم خورد سوزش معده و بیخوابی را نافع است. هرکه اب ترب واب پیاز را گرفته و بر سر مالد سودا را ببرد هرکه استخوان گاو را بسوزاند و در سرکه امیخته و در سر مالد نافع است هرکه سرش درد کند. هرکه صداع داشته باشد صابون را

هرکه

باسرکه باهم کوفته ودر پنبه نهد و بر سر بندد نافع است علاج
درد شقیقه آب کرم در وقت خوابیدن بخورد نافع است هرکه
بنفشه بسیار بخورد برای درد سر نافع است علاج درد کوش
هرکه زهره کاومیش را در کوش بچکاند نافع است برائے کوش -
برائے چرک و ریم کوش سپند دانه را با آب نار در کوش چکاند نافع
است هرکه سپرز را درما زهره کوسفند بجوشاند و در کوش چکاند
درد کوش را نافع است ایضاً جهت درد کوش ترب را با پیاز بجوشاند
و در کوش نهد نافع است - هرکه را چیزی در کوش رفته باشد -
زهره کاو را در کوش چکاند نافع است و دیکر سرکه با عسل و روغن
کاو را کرم کرده در کوش چکاند کری را ببرد علاج زردی
کشنیز را با سرکه حل کند و بخورد و کاسنی را با سرکه بخورد علاج
خون بینی آب اسپند را در بینی چکاند نافع است علاج زکام
یا از کرمی یا از سردی یا فلان با سرکه ضم کند بعد در آتش اندازد
تا دودش بدماغ رود نافع است علاج درد دندان
زعفران با عسل با سرکه بجوشاند و غرغره کند هرکه دندان او
کوشت دسبده زنکار را قدری با عسل معجون کند و در میان کتان
کند و در انجا کذارد کوشت را ببرد ایضاً سماق در دهن کیرد درد
را ببرد علاج درد کلو تخم مرغ را نیم کرم کرده بخورد هرکه
شیر کوسفند را غرغره کند بخورد او را نافع است هرکه

وننزل من القرآن ما
هو شفاء و رحمة للمؤ
منین برحمتک یا ارحم
الراحمین و فرج دلو
[illegible]
[illegible]
دیکر [illegible]
[illegible]
[illegible]
دارد کاه کاه لرزد بر
اندام ورم پدید اید و
تمام اعضاء ورم درد
کند اکر علاج نکند در جزن
افتد علاج اینکه این
دعا را بنویسد و [illegible]
[illegible] در کوزه نو اندازد
و آب بر بالای ان بریزد
از آب ان بخورد و بعد
از ان [illegible] تا آخر
دارد انشاء الله

مداوای درد

شفا یابد عافیت
است بسم الله الر
حمن الرحیم سبحان
الملک الجبار سبحانک
انت الله الواحد القهار
سبحانک انت الله
العزیز الجبار یا عالم
السر والخفیات یا
قاضی الحاجات یا سا
مع الدعوات اللهم
اجعلنی سعیدا و
احشرنی فی زمرة
الشهداء اغفر خطیئتی
سیئاتی یا عظیم ملک
یا کریم جواد یا
الله یا رحمن یا عظیم
رحیم یا غفور یا شکور
اللهم انی اسئلک نفسی
الخ

والحاجات الیک رغبتی
ورهبتی والیک ملجای ومنجای بک
[illegible] الیک امنت
بک الذی انزلت وبک
سئلت الشیء ادنیت
واحفظنی من جمیع ازمان
الدنیا والاخرة وعدا
الاخرة سبحانک لا
علم لنا [illegible] الحکیم
[illegible] وذا النون اذ ذهب
هب [illegible] احفظ صاحب
اللهم احفظ من جمیع
هذا الدعاء من جمیع
البلایا والعلل وجع

کرز را زیر اتش بریان کند بخورد اوازش بگشاید خوردن انجیر
با شیر گاو جوشانیده اواز را باز میکند **برای درد معده**
کشنیز را با روغن گاو بریان کند بخورد ایضا پودانه را با نان بخورد
نفع دارد ایضا سر روباه خشک کند با عسل بخورد ایضا شش
روباه را بخورد طپیدن دل را برطرف کند **جهت ضعف جگر**
جگر گوسفند را بریان کرده بخورد نافع است **جهت خون**
شکم عدس را با سرکه بخورد ایضا برنج را ارد کرده با نمک بخورد
نافع است. هرکه را شکم برود به را زیر اتش کند بخورد ازا دفع
کند وحرارت معده را بنشاند مجربست. هرکه باد در شکم
باشد زهرهٔ گاو را با حنظل در شکم بمالد شکم را براند ایضا
بنفشه خشک را با شکر بخورد کرم شکم وصفرا را برطرف کند
برای درد ناف شربت انگبین را بخورد نافع است ـ
دفع سپرز تخم مرغ را با اتش گرم نماید عوض نمک دارچینی
بپاشد بخورد ایضا سپند دانه را با پودنه بجوشاند بر سپرز
نهد نافع است هرکه ترب سیاه را با صابون بکوبد و بر سپرز
نهد نافع است **برای** باد کهایدن پودنه را با نان بخورد باد را
نافع است **هرکه** کرم در شکم باشد تربد مجوف ناشتا
بخورد مجربست هرکه را اسپرز را داخل روغن کند بخورد باد را
برد و باد لقوه را برطرف برای سستی ذکر در جماع شلغم را با بو

حوت صاحب [illegible]
طالع دوالیت دارد درد
بخشش در هر ستان
مکان یهاپان گیرند
[illegible] دعا و سر او ازاد
کرده [illegible] درد هفت

[illegible]

اندام مبتلا گردد از
خواب مجهول حرارت
وصفرا دارد و سست
و سنگین و از خیم بد
نقصان نوع رسند
دل اگر کو دل باشد
از سرما و بیج دفع
جماع و دفع [illegible]
مثل التی [illegible]
است و خواجی [illegible]

و دفع جامه اذن
[illegible] نیت [illegible]
اللهم انک [illegible]
[illegible] الرحمن الرحیم
[illegible] دارد [illegible]
[illegible] بعد از [illegible]
کند علاج [illegible]
از دفع [illegible]
و بار دارد [illegible]
[illegible] دعا صحیح

بخورد

ونُنزّل من القرآن ما هو شفاء ورحمة للمؤمنین ولا یزید الظالمین [illegible]

بخورد و تخم مرغ را بهم رو کرده ناشتا بخورد وَرَد وُرد رم تخم ترب را
با روغن گاو جوشاند بر قضیب مالد سستی وا برد خراطین را
یعنی کرم جای نمناک را بر ذکر مالد دراز شود مغز گنجشک را برگ
ذکر مالد قوت مجامعت زیاد کند **برای بکارت** شیر مادیان را
با پنبه تر کند شاف کند باکره شود شاف کردن زهره گوساله را
همین فائده دارد **برای باد خصیه** یعنی باد فتق پیاز بریان
با شکر بخورد و تخم پیاز را با روغن بریان کند و بر خصیه ببندد
نفع دارد **جهت خراشیدن** پیاز سرخ را با گزر بریان ببندد
مالد خارش را برطرف کند فصد کردن نیز همین فائده دارد برای
گرفتن سگ دیوانه موی همان سگ را بسوزاند و بر
زخم گذارد نفع دارد زبان گربه سیاه را در میان **کفش**
گذارد نه پای برخورد و نه زمین بساید سگ دیوانه و جانو
ران باو رجوع ندارد اما **برای روشنائی چشم** زهره پلنگ
را در چشم کشد اما تخم مورچه در جائی که مو کنده باشد بمالند
و مو نیاورد **اولاد ذکور** هر که ماده خرگوش را بزن دهد
بخورد پسر زاید و مغز خرگوش را هر زنی بخورد حامله شود اما نگاه
مغز خرگوش را با شیر گاو بخورد بحالت جوانی ماند **بیضه**
اردک خانگی را بریان نماید مرد و زن بخورند بعد جماع نمایند
زن حامله شود **دید زخم** تخم مورچه را با مغز سر مگس خشک

[illegible]

را برطرف میکنند

باب [illegible] در درد چشم

زهرهٔ بز را خشک کند تا [illegible]
و در چشم کشد [illegible]
است و هرکه [illegible] را [illegible]
اما [illegible] باشد [illegible]
[illegible] چشم [illegible] نافع است
هرکه [illegible] را [illegible]

نموده در چشم کشد جنبان را ببندد زهرهٔ کربه سیاه را با خون
خروس در سایه خشک نموده و در چشم کشد تاریکی را ببرد -
اب خروس سفید را بپزند بخورد خفقان را برطرف کند بشرط -
پرهیز بیضهٔ کبوتر را در چشم کشد تاریکیرا ببرد هرکه سم شتر را
دود کند موشان خانه بگریزد **در فضیلت سنا و خوردن**
ان در حلیه از حضرت رسول ص منقولست که مداوا کنید بسنا اگر
چیزی مرگ را رد کند سنا هست **اما خوردن سنا و طریقه ان**
در جامع الفوائد مذکور است که حکیم داود خان دستور -
العمل معمول میدارد اول عامل بعد یک دو روز منضج جزئی
سه پیاله اب میجوشاند بعد پنج مثقال سناء مکی خوب بمیان
فوری یا ظرفی ریخته و از ان اب جوش را بریزند گذاشته -
دمش کشیده شود بعد درمیان یک پیاله اب از سناء مذکور
دوازده مثقال ترنجبین و یازده مثقال شیرخشت حل نموده
و داخل کرده که تمام هم مخلوط شوند پس صاف نموده پس
ثلث کرده و ثلث انرا میل نمایند و یک ثلث را در جا بگذارند
تا دو ساعت یا سه ساعت اگر حسب دلخواه اسهال داد
و اجابت نمود دیگر ضرور خوردن یک پیاله دیگر نیست
و هرگاه در عمل کوتاهی شد ان یک پیاله باقی مانده را به
خورد اما بخوردن سنا مثل چاهی است غذا روز بخورد جز اب

مرهم کند نافع است و
هرکه سفیدهٔ تخم مرغ و مرهم
تا با روغن کاو [illegible] نهند
کنند و در چشم [illegible] را ببرد
[illegible] بجهت [illegible]
علاج درد چشم با عسل
مثقال [illegible] برطرف شود
بخورد [illegible]

در فضیلت [illegible]

کلاب [illegible] کشنیز را
چشم کشد مشکوری را ببرد
کبوتر را در سایه خشک [illegible]
کند [illegible] بواسیر [illegible]
اب [illegible] را بخورد [illegible]
[illegible] کند [illegible]

خوردن [illegible] نافع است
کند بخورد [illegible]
هرکه [illegible] مرض را نافع [illegible]
بخورد [illegible]
کند و [illegible] طفل [illegible]
و چشم [illegible] روغن [illegible]
[illegible]

خوردرا

نوع دیگر باد لقوه [illegible] خون خروس [illegible] نفع دارد

علاج برص [illegible]

[illegible]

خود را بجناب قدس الهی بعد از توکل بر امینی بگذارد و وصیتی برای
اولاد صغیر خود تعیین نماید پس کفن خود را حاضر بسازد و شهادت
و اقرار بائمه اطهار و ادعیه که وارد شده بفرماید با تربت حضرت امام حسین
بر کفن بنویسد که پیش مهیا نکرده باشد اما مؤمن را سنت است که
کفن پیوسته با او باشد و بنابر روایت از حضرت امام جعفر صادق ع منقول
است که هر که کفن خود با او باشد در خانه اش او را از غافلان ننویسند
و هر وقت نظرش بر او بیفتد حسنه نوشته میشود و چون آثار احتضار
شود این دعا را بخواند اللهم اغفر لی الکثیر من معصیتک و اقبل منی
الیسیر من طاعتک تا جان کندن بر او آسان شود و باید اقرار برادران
مؤمن در اینحال او را تنها نگذارند و نزد او قران و دعا بخوانند سوره یس
و والصافات و عدیله نزد او بخوانند و اعتقادات و شهادتین و امامت
ائمه علیهم السلام و اگر نتواند بخواند بر او القا کنند مضامین او را
که در اینوقت شیطان بر او دست بیابد و در کتب دعا شهادتین
و اقرار امامت ائمه باین نحو است اشهد ان لا اله الا الله وحده
لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله ارسله بالهدی و دین
الحق لیظهره علی الدین کله و لو کره المشرکون و اشهد ان علیا
امیر المؤمنین علی بن ابیطالب امام حق بنص المعصوم من قبل الله
و قبل رسوله و بعده اولاده الحسن و الحسین ع و علی بن الحسین
و محمد بن علی و جعفر بن محمد و موسی بن جعفر ع و علی بن موسی ع و

[illegible] بر برص بمالد [illegible] نافع است [illegible]

فائده

علاج [illegible]

جراحت [illegible] جراحت [illegible] بجوشانند [illegible] باشد [illegible]

[illegible] نافع است [illegible]

معا[illegible] درد
چشم و رمد [illegible]
را خشك كند و درد را
[illegible] كند نافع است
وهركه [illegible] را [illegible] الماس
[illegible] باشد بنفشه [illegible]
[illegible] نافع است و [illegible]
وهركه [illegible] چشمش سرخ شد

محمّد بن علیّ وعلیّ بن محمّد والحسن بن علیّ ومحمّد بن الحسن **صاحب الزّمان** صلوات الله علیهم اجمعین هم ائمّتك ائمّة الهدی ابرار واشهد انّ الموت حقّ والبعث حقّ والنّشور حقّ والقبر حقّ والمیزان حقّ وسؤال منکر ونکیر فی القبر حقّ والحساب حقّ والنّار حقّ والصّراط حقّ والجنّة حقّ وانّ السّاعة آتیة لاریب فیها وانّ الله یبعث من فی القبور والیه النّشور هذا ما وعدنا الله ورسوله یا الله یا الله یا الله لیس کمثله شیئ وهو السّمیع البصیر ربّ لا تذرنی فردًا وانت خیر الوارثین **در کتاب زاد المعاد** وباید کلمهٔ طیّبهٔ لا اله الّا الله بسیار بگوید ومکرّر تلقین او کنند زیرا که در حدیث معتبر است که هرکه آخر سخن او **لا اله الّا الله** باشد داخل بهشت شود ودر حدیث صحیح از حضرت باقر علیه السّلام هرگاه کسی را در وقت جان کندن بیابید کلمات فرج را تلقین او نمائید وآن این است لا اله الّا الله الحلیم الکریم لا اله الّا الله العلیّ العظیم سبحان الله ربّ السّموات السّبع وربّ الارضین السّبع وما فیهنّ وما بینهنّ وربّ العرش العظیم والحمد لله ربّ العالمین چون این کلمات را تلقین کسی کنی امیر المؤمنین ع فرمود برو بر تو باکی نیست چون روح از او مفارقت کند سنّت است دهان او را بهم گذارند وچانه‌اش را بربندند وچشمها را بهم گذارند ودستها را بر پهلوی او بنرزد او قرآن بخوانند وزود بر

[illegible] آب انار را
با سفیده [illegible] مرغ
وشیر زنان [illegible] مرهم [illegible]
و بر چشم [illegible] نافع است
وهركه سفیده [illegible]
را با روغن گاو و مرهم
كنند و در چشم [illegible]
كنند و در درد علاج
[illegible] را [illegible] علاج
[illegible] با عسل [illegible]
بر طرف شود [illegible]

علاج [illegible]

چشم كشند [illegible]
و [illegible] كور [illegible]
ایضاً [illegible]
در [illegible] كور را
[illegible] خشك كنند
ودر چشم كشند [illegible]
كور [illegible]
سرفه [illegible]
[illegible] دوا [illegible]
بخورد شفا یابد [illegible]
[illegible] كنند
سرفه

[illegible] بخورد [illegible]
[illegible] ودانه [illegible]
[illegible] بخورد [illegible]
[illegible] كند [illegible] بخورد
[illegible] كند [illegible]
[illegible] بخورد [illegible]

بسیار نافع است -
اقتضا خوردن بلیله کبیر -
[illegible] کرم برای درد -
بسیار نافع است **فائده**
فائده خون خوردنی
بجالد دیگر الله نافع تر
علاج برص مجرب اتفاقا
در سرکه افکند و در
آفتاب نهند تا سه روز
که حل شود جعل بر برص
جالد بر طرف شود اتفاقا
خون نوشی و آب زیرا
همیکه علی حل جو بر برص
داب مفقود که ذکر شد
باشد بر برص مالد
نافع است و هرگز مثل
انجیر را بر برص مالد
زیاد فائده دارد هر که
زرنیخ سبز را که [illegible]
کرده او را بر برص مالد

مجرب

داروند مگر برای جمع شد مؤمنان که انتظار ایشان جایز است -

نماز میّت اینست

اوّل سه مرتبه گوید الصّلوة و بعد نیّت چنین کند اُصلّی علی هذا المیّت لوجوبه قربة الی الله الله اکبر اشهد ان لا اله الّا الله وحده لا شریك له واشهد انّ محمّدا عبده و رسوله ارسله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدّین کلّه ولو کره المشرکون **الله اکبر** اللّهمّ صلّ علی محمّد و آل محمّد و بارك علی محمّد و آل محمّد کافضل صلّیت و بارکت و ترحّمت و تحنّنت علی ابرهیم و آل ابرهیم انّك حمید مجید و صلّی الله علی محمّد و علی جمیع الانبیاء والمرسلین والملائکة المقرّبین **الله اکبر** اللّهمّ اغفر للمؤمنین والمؤمنات الاحیاء منهم والاموات تابع بیننا و بینهم بالخیرات انّك مجیب الدّعوات انّك قاضی الحاجات انّك علی کلّ شیء قدیر **الله اکبر** اللّهمّ انّ هذا عبدك و ابن عبدك و ابن امتك نزل بك وانت خیر منزول به اللّهمّ انّا لا نعلم منه الّا خیرا وانت اعلم به منّا اللّهمّ ان کان محسنا فزد فی احسانه وان کان مسیئا فتجاوز عنه و اغفر له وارحمه واحشره مع من کان یتولّاه من الائمّة الطّاهرین واخلف علی اهله فی الغابرین وارحمه برحمتك یا ارحم الرّاحمین **الله اکبر** واگر میّت طفل باشد بعد از تکبیر چهارم اللّهمّ اجعله لنا ولابویه فرطا واجرا سنّت است که پیش نماز

واگر میّت زن -
باشد و انثی
هذه امتك وابنة امتك
عبدك وابنة امتك
نزلت بك وانت خیر
منزول بها اللهمّ
انّا لا نعلم منها الّا
خیرا وانت اعلم
بها اللهمّ ان کانت
محسنة فزد فی
احسانها وان کانت
مسیئة فتجاوز
عنها واحشرها مع
من کانت تتولّاها
من الائمّة الطّیبین
الطّاهرین
بر میّت بتکبیر پنجم
بگوید
[illegible] نافع
حرکت

حرکت نکند تا جنازه را بردارند

آداب دفن میّت

چون داخل قبر شوی باید که سر و پای برهنه کنی و ردا و بالاپوش بیندازی و بندهای خود را بگشا و در اثناء دخول بگو اعوذ بالله من الشیطان الرجیم سورهٔ فاتحه و معوذتین و قل هو الله و آیة الکرسی بعد بگو اللهمّ اجعله روضة من ریاض الجنّة ولا تجعلها حفرة من حفر النیران و سنّت است که در اینحال عقاید حقّه را تلقین کند خصوصا ولایت ائمّه معصومین ع را و بهتر آنستکه ملقّن بدست راست بردوش راست میت را بگیرد و با دست چپ دوش چپ میت را بگیرد و حرکت دهد و تلقین کند و اگر باین نحو بگوید جامعتر است اسمع افهم سه بار بگوید یا فلان بن فلان بجای آن نام او و پدر او را بگوید هل انت علی العهد الذی فارقتنا علیه من شهادة ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد انّ محمّدا عبده و رسوله و سیّد المرسلین و خاتم النبیّین و انّ علیّا امیر المؤمنین ع و سیّد الوصیّین و امامٌ افرض الله طاعته علی العالمین و انّ الحسن و الحسین ع و علیّ بن الحسین ع و محمّد بن علی ع و جعفر بن محمّد ع و موسی بن جعفر ع و علی بن موسی ع و محمّد بن علیّ ع و علیّ بن محمّد ع و الحسن بن علیّ ع و القائم الحجّة المهدی صلوات الله علیهم ائمّة المؤمنین و حجج الله علی الخلق اجمعین و ائمّتک ائمّة الهدی ابرار یا فلان بن فلان اذا اتاک -

کند از سستی خود که [illegible] در کتاب ثواب الاعمال و عقاب الاعمال [illegible] است در کتاب [illegible] از حضرت پیغمبر ص و آل روایت است که هر که دو نماز لیلة الدفن انرا بگذارد بفضل وسعت و رحمت خود خصمان او را در روز قیامت هر چند بعدد ریگ باشند و برا جنت برود ان نماز گذارد حساب چون برق خمیده یا اول جمعی که داخل بهشت شوند و آن چهار رکعت است در هر دو رکعت که خواهد در دو رکعت اول فاتحه یکبار و قل هو الله بیست و یکبار و در رکعت دوم بعد از حمد قل هو الله هفت بار و در رکعت سیم هفتاد و چهار بار و در رکعت چهارم بعد از حمد قل هو الله احد صد بار و از انجا خواندن دعا بخواند که در [illegible] و مجمع الدعوات از بعضی روایت کرده که جابر

الملکان

الملكان المقربان الرسولان الكريمان من عند الله تبارك وتعالى
وسئلاك عن ربك وعن نبيك وعن دينك وعن كتابك وعن
قبلتك وعن ائمتك ولا تخف ولا تحزن وقل في جوابهما الله
جل جلاله ربي ومحمد صلى الله نبيي والاسلام ديني والقران كتابي
والكعبة قبلتي وامير المؤمنين علي بن ابيطالب امامي والحسن بن
علي المجتبى امامي والحسين بن علي الشهيد بكربلا امامي وعلي
زين العابدين امامي ومحمد بن علي الباقر امامي وجعفر الصادق
امامي وموسى الكاظم امامي وعلي الرضا امامي ومحمد الجواد
امامي وعلي الهادي امامي والحسن العسكري امامي والحجة
المنتظر امامي صلوات الله عليهم اجمعين ائمتي وسادتي وقادتي
وشفعائي بهم اتولى ومن اعدائهم اتبرء في الدنيا والاخرة -
ثم اعلم يا فلان بن فلان ان الله تبارك وتعالى نعم الرب -
وان محمدا نعم الرسول وان امير المؤمنين واولاده الائمة الاحد
عشر نعم الائمة وان ما جاء به محمد واله ص حق وان الموت
حق وسؤال منكر ونكير في القبر حق والبعث حق والنشور
حق والصراط حق والميزان حق وتطاير الكتب حق والجنة
حق والنار حق وان الساعة اتية لا ريب فيها وان الله
يبعث من في القبور ثم يقول ثبتك الله بالقول الثابت
وهداك الله الى صراط المستقيم عرف الله بينك وبين اوليائك

است مجرب
شفای همه دردها
انشاء الله تعالی
کند بخورد نافع است
نافع است

حضرت رسول
شخصی بحضرت
صادق ع عرض کرد
وشکایت کرد از
بسیاری امدن بول
عذاب میکشم فرمود
در بینی راست
یکقطره و در بینی چپ
دو قطره بچکان و در

نی منه غره من رحمته پس لحد او را بپوشانند و بگوید اللهم صل وحدته
وادن وحشته وامن روعته واسکن الیه من رحمتك رحمة تغنیه
بها عن رحمة من سواك واحشره مع من کان یتولاه و سنت است
که ولی میت یعنی اقرب خویشان بعد از آنکه مردم برگردند نزد سر
میت بنشیند بآواز بلند آن تلقین که گذشت تلقین
کند در اخبار وارد شده که چون این تلقین را کند منکر به نکیر گوید
بیا برویم این میت را حجتش کردند دیگر احتیاج بپرسیدن نیست
و در جمیع دعاها که گذشت و اگر میت زن باشد ضمیرها را مؤنث بخوانند

اما در باب نماز لیلة الدفن

و آن دو رکعت است در رکعت اول بعد از حمد آیة الکرسی و در
رکعت دویم بعد از حمد ده مرتبه انا انزلناه و بعد از سلام بگوید
اللهم صل علی محمد وال محمد وابعث ثوابها الی قبر فلان نام میت
را بگوید از حضرت پیغمبر صلعم روایت شده که رحم کنید بر مردگان
خود به تصدق دادن و اگر بیابید این نماز را بروشی که
مذکور شد حق تعالی میفرستد در همان ساعت بر
سوی قبر این میت هزار فرشته که با هر یک از ایشان جامه و
حله است از حله های بهشت و قبرش را وسیع میکنند تا دمیدن
صور و عطا میکند بنماز کننده از حسنات بعدد آنچه آفتاب بر آن
تابد بروایتی دیگر در مقابل دو رکعت اول بعد از حمد یک بار توحید در رکعت

دفن میت

دوم ده بار تکاثر

در اعمال ماه مبارک رمضان

سنت است طلب ماه رمضان و بعضی واجب دانسته اند در کتاب زاد المعاد از امام جعفر صادق ع منقولست که چون ماه رمضان را دیدی اشاره بسوی هلال مکن و بکو و دستها را بسوی خدا بلند کن و خطاب کن ماه را و بکو ربی و ربک الله رب العالمین اللهم اهله علینا بالامن والایمان والسلامة والاسلام والمسارعة الی ما تحب و ترضی اللهم بارک لنا فی شهرنا هذا وارزقنا خیره و عونه واصرف عنا ضره وشره وبلاءه وفتنته و بهترین دعاها دعای صحیفه کامله است و در روز اول سنت است که غسل کند در آب جاری و سی کف بر سر بریزد و از حضرت صادق ع منقولست که چون در اول چنین کند از جمیع دردها و بیماریها در تمام سال ایمن باشد و از حضرت امام جعفر صادق ع و حضرت کاظم منقولست که بعد از هر نماز در ماه مبارک این دعا بخوانند یا علی یا عظیم یا غفور یا رحیم انت الرب العظیم الذی لیس کمثله شیء وهو السمیع البصیر وهذا شهر عظمته وکرمته وشرفته وفضلته علی الشهور وهو الشهر الذی فرضت صیامه علی وهو شهر رمضان الذی انزلت فیه القرآن هدی للناس وبینات من الهدی والفرقان وجعلت فیه لیلة القدر وجعلتها خیرا من الف شهر فیا ذا المن ولا یمن علیک من علی بفکاک رقبتی من النار

و از انجمله خواندن دعائی است که ابن طاوس ره در ربیع الدعوات از حضرت پیغمبر صلوات الله علیه روایت کرده است که جبرئیل امین بان حضرت نازل شد و میگفت که ای محمد از امتان تو هر که باشد که مظلمه باشد از اشیاء رد کردن آن بر صاحبش و در حلیت خواستن از صاحبش عاجز بود این دعا بخواند الله تعالی آن مظلمه از او راضی و حاجت او را ادا کند و قضا کند و صاحب آن مظلمه را از او راضی کند و

در اعمال رمضان

آن این است یا نور السموات والارض یا غوث المستغیثین یا جار المستجیرین انت المنزل بکل حاجة استغفرک واتوب الیک من مظالم کثیرة لعبادک قبلی اللهم فایما عبد من عبیدک او امة من امائک کانت له قبلی مظلمة ظلمتها ایاه فی نفسه او فی عرضه او فی ماله او فی اهله و ولده او غیبة اغتبته بها او تحامل علیه بمیل او هوی او انفة او حمیة او ریاء او عصبیة غائبا کان او شاهدا حیا کان او میتا فقص

فقصرت بلیه رمضان
صیامه ووسع من
زدها البر والتعلیل
منه واسئلك یا من
عیالك الحاجات وهم
مستحسبین وعشیرة و
مسرعم الی اراده
ان تصلی علی محمد و
ال محمد وان ترضیه
عنی بما شئت من خزائن
رحمتك ثم هب لی من
لدنك رحمة انك
انت الواسع لفضلك العزیز
الغفور ولا یضرك
الموهبة والکریم
برحمتك یا ارحم الراحمین
وارحمنی یا ذنوب
انك واسع المغفرة
برحمتك یا ارحم الراحمین

و باید که چون تعریف
مبتلا از معصیتی دنیا
بشود میکرید
از حضرت امام رضا ع روایت
شده که طلب امرزش
کنند از گناه و حال اینکه
اصرار بر ان
گناه داشته باشند مانند کسی است که استهزا
کند با خدا و جناب
بعضی از اهل
استغفار
اعتقاد
آنکه گفتار
بنده
حضرت
سلطان فارس
انصار

فمن تمن علی وادخلنی الجنة برحمتك یا ارحم الراحمین و دعای
بسیار خوبیست اقلا شبی یکمرتبه خوانده شود خوب است
بسند صحیح منقولست که هر که در شب این ماه مبارک بخواند گناه
چهل ساله او امرزیده شود اللهم رب شهر رمضان الذی
انزلت فیه القران وافترضت علی عبادك فیه الصیام صل علی
محمد وارزقنی حج بیتك الحرام فی عامی هذا وفی کل عام واغفر لی
تلك الذنوب العظام فانه لا یغفرها غیرك یا رحمن یا علام
وغسل در شبهای طاق ماه مبارک رمضان سنت است از حضرت
صادق ع منقولست هر که سوره انا انزلناه را در وقت افطار و سحر
بخواند در ما بین این دو حالت بمیرد ثواب کسی را داشته باشد
که در راه خدا شهید شده باشد از حضرت رسول ص منقول است
که ترک نکنید امت من سحور خوردن را اگرچه یکدانه خرمای زبون
باشد یا یک جرعه اب خدا صلوات و رحمت میفرستد بر سحور خورندگان
و نیت روزه را بعد از سحور بکنند **اما دعای سحور**
بسند معتبر وارد شده که حضرت امام رضا ع فرمود که این دعا
است که حضرت امام محمد باقر ع در سحرها میخواندند و میفرمودند
که اگر مردم بدانند عظمت این دعا را نزد خدا و سرعت اجابت او را
هر اینه شمشیر کشند برای طلب این دعا یکدیگر قتال کنند و اگر
سوگند یاد کنم که اسم اعظم خدا در این دعا است راست است و

کفه

کفته ام پس چون این دعا را بخوانید از غیر اهلش پنهان دارید دعا
اینست اللهم انی اسئلك من بهائك بابهاه وکل بهائك
بهی اللهم انی اسئلك ببهائك کله اللهم انی اسئلك من جمالك
باجمله وکل جمالك جمیل اللهم انی اسئلك بجمالك کله اللهم انی
اسئلك من جلالك باجله وکل جلالك جلیل اللهم انی اسئلك
بجلالك کله اللهم انی اسئلك من عظمتك باعظمها وکل عظمتك
عظیمة اللهم انی اسئلك بعظمتك کلها اللهم انی اسئلك من
نورك بانوره وکل نورك نیر اللهم انی اسئلك بنورك کله
اللهم انی اسئلك برحمتك باوسعها وکل رحمتك واسعة
اللهم انی اسئلك برحمتك کلها اللهم انی اسئلك من کلماتك
باتمها وکل کلماتك تامة اللهم انی اسئلك بکلماتك کلها
اللهم انی اسئلك من کمالك باکمله وکل کمالك کامل اللهم انی اسئلك
بکمالك کله اللهم انی اسئلك من اسمائك باکبرها وکل اسمائك
کبیرة اللهم انی اسئلك باسمائك کلها اللهم انی اسئلك من
عزتك باعزها وکل عزتك عزیزة اللهم انی اسئلك بعزتك
کلها اللهم انی اسئلك من مشیتك بامضاها وکل مشیتك
ماضیة اللهم انی اسئلك بمشیتك کلها اللهم انی اسئلك
من قدرتك بالقدرة التی استطلت بها علی کل شیء وکل قدرتك
مستطیلة اللهم انی اسئلك بقدرتك کلها اللهم انی اسئلك من

اعفقوهم عفو احرار
وانت بالرفع باسکر
اولی بهم کرما فتشت
فی الورق فاعتقنی من
النار واجعل قراره
وحطنی بلك مغفرة
الیك انجو بها یا خیر من
غفار اذا [illegible]
من تراب فضر [illegible] تجاور
الوزر الکبیر فهو [illegible]

عبید هم رد رزقهم
ان الملوك اذا شابوا
الکرام فرولی بهم فارع
الجود والکرم وانت
امسنت صنفك یا ذا
وجدنا نحن اجار
موحشا فرد غریبا
فی القبر مظلم غدا
اصحابی والعشاء
اجیء واولادی و

سحر علی

احبك الی [illegible]
الی البشر [illegible]
علی الکریم [illegible]
من الحسنات والقلب
التسلیم فیها النار اذا
افیح کل شیء علی
کان الوفود علی
الکریم انا غسل

میت واجب کفائی
است او را سه غسل
دهند اول با آب
سدر دوم با آب
کافور سیم با آب
خالص و غسل [illegible]
حیض و غسل مس میت
ابن میت را با آب
سدر با کافور
خالص [illegible]
الی [illegible]
سدر و کافور از زیر
عوض [illegible]

علمك بانفذه وكل علمك نافذ اللهم انی اسئلك بعلمك كله اللهم
انی اسئلك من مسائلك باحبها اليك وكل مسائلك اليك حبيبة
اللهم انی اسئلك بمسائلك كلها اللهم انی اسئلك من قولك
بارضاه وكل قولك رضی اللهم انی اسئلك بقولك كله اللهم انی
اسئلك من شرفك باشرفه وكل شرفك شريف اللهم انی اسئلك
بشرفك كلها اللهم انی اسئلك من سلطانك بادومه وكل
سلطانك دائم اللهم انی اسئلك بسلطانك كله اللهم انی
اسئلك من ملكك بافخره وكل ملكك فاخر اللهم انی اسئلك
بملكك كله اللهم انی اسئلك من علوك باعلاه وكل علوك
عال اللهم انی اسئلك بعلوك كله اللهم من منك باقدمه
وكل منك قديم اللهم بمنك كله اللهم انی اسئلك من اياتك
باكرمها وكل اياتك كريمة اللهم انی اسئلك باياتك كلها اللهم
انی اسئلك بما انت فيه من الشان والجبروت واسئلك بكل
شان وجبروت وحدها اللهم انی اسئلك بما يجيبنی حين
اسئلك فاجبنی يا الله پس هر حاجتی که داری از حق تعالی
طلب کن که انشاء تع براورده است

اعمال ليالی قدر

اما اعمال اين سه شب بر دو نوع است اول آنکه در هر سه شب
بايد غسل کرد دويم آنکه مخصوص هر شبی اما اول بدانکه غسل
در هر سه شب سنت مؤکد است از حضرت رسول منقول است

سه غسل دهند
بعد کفن نمايند
و واجب سه پارچه
است لنگ پيراهن
سرتاسری اما عمامه
برای مرد و مقنعه
برای زن و در ان نيز
مستحب است و واجب
است ميت را حنوط
نمايند بکافور
موضع سجود وان [illegible]
و دو کف دست ها و
دو زانو و دو انگشت
مهين پاها سنت و
مؤکد است که دو جريده
تازه در کفن با ميت
گذارند و در اخبار
بسيار وارد شده است
که تا چوبها تر است ميت
را عذاب نميکنند و بهتر

دعا سحر

است که از درخت
خرما باشد اگر يافت
نشود سدر بعد بيد
بعد انار و اگر نشد
هر چوب تر خوب است
تازه بريده باشد و
چوب خشک هر چند
از درخت خرما باشد
[illegible] فايده نميکند و
در

کيفيت جريده [illegible] است [illegible] ذراع [illegible]

که هر که

شب قدر

که هر که در شب قدر دو رکعت نماز بجا آورد و در هر رکعت بعد از حمد هفت مرتبه قل هو الله احد بخواند و بعد از فارغ شدن هفتاد مرتبه استغفر الله و اتوب الیه بکوید از جای خود برنخیزد تا حق تعالی او را و پدر و مادر او را بیامرزد از حضرت امام محمد باقر ع منقول است که در این شبها مصحف را بکیرد بدست خود بکشاید و این دعا را بخواند اللهم انی اسئلک بکتابک المنزل و ما فیه و فیه اسمک الاکبر و اسمائک الحسنی و ما یخاف و یرجی ان تجعلنی من عتقائک من النار و تقضی حاجتی نسمیه بدل حوائجی للدنیا والآخرة پس حاجات خود را از حق تعالی طلب نماید که ان شاء الله برآورده است از حضرت جعفر صادق ع منقولست که مصحف را بکیرد و بر سر بکذارد و بکوید اللهم بحق هذا القرآن و بحق من ارسلته به و بحق کل مؤمن مدحته فیه و بحقک علیهم فلا احد اعرف بحقک منک پس ده مرتبه بکوید بک یا الله ده مرتبه بمحمد ده مرتبه بعلی ده مرتبه بفاطمه ده مرتبه بالحسن ده مرتبه بالحسین ده مرتبه بعلی بن الحسین ده مرتبه بمحمد بن علی ده مرتبه بجعفر بن محمد ده مرتبه بموسی بن جعفر ده مرتبه بعلی بن موسی ده مرتبه بمحمد بن علی ده مرتبه بعلی بن محمد ده مرتبه بالحسن بن علی ده مرتبه بالحجة پس هر حاجت که داری بطلب کن و زیارت امام حسین ع در این سه شب مستحب مؤکد است

را که فراموش کرده باشند جریدتین را بعد از دفن در قبر [illegible] کنانند و [illegible] بربند

دفن میت و آداب

قدر واجب آن است که میت را در قبر [illegible] در کودی پنهان کنند که بوی بد او از نعش بیرون و منتشر [illegible] و حیوانات او را [illegible] ایمن باشد [illegible] بکیرند آکاه [illegible] بکذارند و نقل نمایند [illegible] و سنت است که حاضران بر پشت کف خاک بریزند و سنت است سه بار بریزند و در دفن [illegible] بکویند اللهم ایمانا بک و تصدیقا بکتابک هذا ما وعدنا الله و رسوله و ما زادنا الا ایمانا و تسلیما در حدیث است که هر که چنین کند حق تعالی بعدد هر ذره [illegible] برای او افضال حسنه [illegible] بنویسد و خویشان [illegible] را مکروه است [illegible]

خصوصاً در شب بیست و سیم صد رکعت نماز سنت است هر دو رکعت بیک سلام و در هر رکعت بعد از حمد ده مرتبه قل هو الله بخوانند و در بعضی روایت معتبره وارد شده که هفت مرتبه یا پنج مرتبه یا سه مرتبه یا یک مرتبه اکتفا میتوان کرد و احادیث بسیار در فضیلت این صد رکعت وارد شده است و باید این صد رکعت غیر نافله شب بوده باشد و اگر ضعف داشته باشد نشسته هم میتوان کرد و بهترین اعمال در این شبها طلب آمرزش و دعا از برای مطالب دنیا و آخرت برای خود و پدر و مادر خود و خویشان خود و برادران مؤمن خود مرده و زنده ایشان را ذکر و صلوات آنچه مقدور شود و دعای جوشن کبیر را در این سه شب بخوانند و اما در این شب نوزدهم اینستکه صد مرتبه بگوید استغفر الله ربی و اتوب الیه و صد مرتبه اللهم العن قتلة امیر المؤمنین ع و دعائیکه در حاشیه ذکر میشود بخواند پس حوائج خود را از خدا طلب نماید شب بیست و یکم فضیلتش زیاده از شب سابق است غسل و اعمال سابقه همه را باید بعمل آورد و در این دهه آخر اعتکاف در مساجد جامعه سنت است و دهه استجابت دعا است و بسند بسیار معتبر از حضرت امام موسی ع منقولست که در شب بیست و یکم و بیست و سیم صد رکعت نماز بکن و در هر رکعت بعد از حمد

ایضاً مستحب است [illegible]

[illegible] میکنند و [illegible]

و مستحب است [illegible] قبر بگذارد و [illegible] انگشتان [illegible] و این دعا را بخوانند اللهم جاف الارض عن جنبیه واصعد الیک روحه ولقه منک رضوانا واسکن قبره من رحمتک ما تغنیه بها عن رحمة من سواک و هفت مرتبه انا انزلناه بخواند و مستحب است تعزیت [illegible] ایشان بروند و امر بصبر کنند و اقل تعزیت آن است که صاحب مصیبت ایشان را ببینند و مستحب است صاحب مصیبت [illegible] تغییر در وضع خود کند تا [illegible] و مستحب است [illegible] تا سه روز [illegible] طعام برای صاحب مصیبت [illegible]

ده مرتبه قل هو الله بخوان و در حدیث معتبر دیگر منقولست از حضرت امام محمد باقر ع این دو شب را احیا میکرد در نصف اول مشغول دعا میشد و در نصف آخر شب مشغول نماز و بسند موثق از حضرت صادق ع مرویست که اگر توانی در شب بیست و یکم و بیست و سیم ماه مبارک رمضان تا صبح بیدار باش و مستحب است مشغول نماز و تضرع باشی بدرستیکه امید شب قدر در یکی از اینها هست و شب قدر بهتر است از عمل و هزار ماه و هر امریکه در آن سال واقع میشود در شب قدر مقدر میگردد و دعا اینست

دعای شب بیست و سیم

یا رب لیلة القدر و جاعلها خیرا من الف شهر و رب اللیل و النهار و الجبال و البحار و الظلم و الانوار و الارض و السماء یا باری یا مصور یا حنان یا منان یا الله یا رحمن یا الله یا قیوم یا الله یا بدیع یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی و الامثال العلیا و الکبریاء و الآلاء اسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل اسمی فی هذه اللیلة فی السعداء و روحی مع الشهداء و احسانی فی علیین و اسائتی مغفورة و ان تهب لی یقینا تباشر به قلبی و ایمانا یذهب الشک عنی و ترضینی بما قسمت لی و آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار الحریق و ارزقنی فیها ذکرک و شکرک و الرغبة الیک و الانابة و

اهل قبور

مستحب است در عصر
پنجشنبه و روز جمعه
چون داخل قبرستان
شود بگوید السلام
علی اهل الدیار و القبور
من المؤمنین و المسلمین
انتم لنا فرط و نحن ان شاء
الله بکم لاحقون و در
احادیث بسیار وارد
شده که نزد قبر مؤمن
خود هفت بار انا انزلناه
را بخوان از فزع روز
قیامت ایمن گردد و در
روایت او را و صاحب
قبر را خدا بیامرزد
و در روایت دیگر مستحب
است که در نزد قبر رو
انا انزلناه • را و حمد
و آیة الکرسی و توحید
را یکبار و هر
یک از حمد و آیة
الکرسی و معوذتین
و توحید را سه بار
و قدر را هفت بار
بروایتی درسول صلعم
هرکه یازده بار
سوره • توحید را
بخواند و ثوابش را
بمرده گان قبرستان
دهد و [illegible]
عاید بعدد مرده
گان اجر باو
[illegible] آیة
الکرسی را [illegible]
خواند حق تعالی
بعدد هر حرفی ملکی
را خلق کند که از
برای او تسبیح
نمایند تا روز قیامت

التوفیق

والتوفیق والتوبة لما وفقت له محمدا وال محمد صلوات الله علیه و
علیهم ایضا بگوید اللهم امدد لی فی عمری وادرر لی رزقی
واصح جسمی وبلغنی املی وان کنت من الاشقیاء فامحنی من
الاشقیاء واکتبنی من السعداء فانک قلت فی کتابک المنزل علی
نبیک صلواتک علیه واله یمحوا الله ما یشاء ویثبت وعنده ام
الکتاب و قران هر قدر ممکن باشد بخواند در این شب و دعای
صحیفه کامله را بخواند و روزها را نیز حرمت دارد زیرا که
روز قدر در فضیلت باشد مثل شب قدر است

اما شب بیست و سیم

اکثر احادیث معتبره دلالت میکند بر آنکه آن شب شب قدر است
و در آن دو غسل سنت است یکی در اول شب و یکی در اخر شب
وحضرت فرمود که شب بیست وسیم شب جهنی است و در آن
شب جمیع امور بر وفق حکمت مقدر میگردد و در آنشب مقدر
میگردد مرگها و بلاها و اجلها و روزیها و قضا و آنچه در آن
سال واقع میشود تا شب قدر اینده پس خوشا حال کسی که احیا
کند آنشب را و بیدار باشد بعبادت گاه برود و گاه در رکوع
وگاه در سجود وگناهان خود را بیاد آورد بدیهای خود متمثل گرداند
و بر آنها بگرید و چون چنین کند امید وارم از فضیلت شب
قدر محروم نگردد انشاء الله تعالی بسند معتبر از حضرت صادق ع که هر

قیامت وباید که مربع
بکان را فرامعوض نیز
کند از اعمال دعای
جب خصوصًا د ربغان
شب بعید فرنصیر
ها ومنتا هد منبرفرا
عمل حاجات برای وا
لهذب وافره داء انکم
مرومن ایشان دا ان
جزاے خدا وخلف واکر
داند وجمیع وعبادت
از ایشان فوت باینچ
از ایشان سعی کند باینچ
باشد بجا اورد
یا بتفصیل صلوة در
وحضرت صادق برای فرزند
در هر شب برای
خرد وهر دو در برای
بلند وصادر خود دو
رکعت نماز میکرد
ودر رکعت دوم انا
اعطیناک الکوثر میخواند
ودو میت را دو د
رکعت میتوان نزید
قرار داد صاحب عال
در مکارم اورده
نماز بیست برای بدو
دعا در وان د و
رکعت است در رکعت
اول بعد از حمد ده
بار در رب اغفرلی
ولوالدی وللمؤمنین
والمؤمنات بعد ما قالت
ده بار ربنا ارحمها
کما ربیانی صغیرا
دو رکعت بعد
از حمد بیست بار
ابر درب ارحمهما

که بوده

دنیا بے صفرا واذا اخر
بعد از سلام ده بار ربنا
واجعلنا مسلمین لک الی
قوله التواب الرحیم ایضاً
خوانده دعای اللهم
صل علی محمد وآل محمد
عبدک ورسولک تا
آخر و جمیع کلمات
مذکور است حضرت
صادق علیه السلام [illegible]

گر سورهٔ عنکبوت را در شب بیست وسیم بخواند والله که او از اهل بهشت است ایضاً از آنحضرت هزار مرتبه انا انزلنا در اینشب بخواند وقرائت سورهٔ دخان نیز سنت است واز امام محمد تقی علیه السلام منقولست که هر که در شب بیست وسیم زیارت حضرت امام حسین ع کند مصافحه کنند با او روح صد و بیست وچهار هزار پیغمبر که همه در اینشب رخصت میطلبند از حقتعالی در زیارت آنحضرت امام محمد باقر ع هر که اینشب را احیا کند صد رکعت نماز بکند حقتعالی روزی او فراخ گرداند در دنیا وشر دشمنان را از او کفایت کند وپناه دهد او را از غرق وخانه خراب شدن وشر درنده ودفع هول منکر ونکیر

دعای سی روزه ماه رمضان

روز اول ماه اللّهمّ اجعل صیامی فیه صیام الصّائمین وقیامی فیه قیام القائمین ونبّهنی عن نومة الغافلین وهب لی جرمی فیه یا اله العالمین واعف عنّی یا عافیاً عن المجرمین **روز دویم** اللّهمّ قرّبنی فیه الی مرضاتک وجنّبنی فیه من سخطک وانتقامک ووفّقنی فیه لقرائة آیاتک برحمتک یا ارحم الرّاحمین **روز سیم** اللّهمّ ارزقنی فیه الذّهن والتنبیه وباعدنی فیه من السّفاهة والتمویه واجعل لی نصیباً من کلّ خیر تنزل فیه بجودک یا اجود الاجودین **روز چهارم** اللّهمّ قوّنی فیه

مستحب است ... فرج مبابد
به دعا و استغفار که به
رای او کنند بجای جهه
زنده برای هدیه بشاد
میشود و فرمود هر که
جهة میت عنا در روز
حج و تصدق و دنیا بر
اعمال خیر و دعا کرد
ثواب آن اعمال برای کی

رمضان

کرد برای مرده
هر دو نوشته میشود
و در حدیث معتبر منقول
است که شیخ ... [illegible]
بعد از وفات ... استغفار
که بجهت او استغفار ... با
کنند دو قسم مصحف با
کتاب از کتب علما که از
[illegible]

[illegible]
از ارشاد و هدایت خلق
[illegible]

ع

و قوّنی فیه علی اقامة امرک و ارزقنی فیه حلاوة ذکرک و اوزعنی فیه لاداء شکرک بکرمک و احفظنی فیه بحفظک و سترک یا ابصر الناظرین **پنجم** اللهمّ اجعلنی فیه من المستغفرین و اجعلنی فیه من عبادک الصالحین القانتین و اجعلنی فیه من اولیائک المقرّبین برأفتک یا ارحم الراحمین **روز ششم** اللهمّ لا تخذلنی فیه لتعرّض معصیتک و لا تضربنی فیه بسیاط نقمتک و زحزحنی فیه من موجبات سخطک بمنّک و ایادیک یا منتهی رغبة الراغبین **روز هفتم** اللهمّ اعنّی علی صیامه و قیامه و جنّبنی فیه من هفواته و آثامه و ارزقنی فیه ذکرک بدوامه بتوفیقک یا هادی المضلّین **روز هشتم** اللهمّ ارزقنی فیه رحمة الایتام و اطعام الطعام و افشاء السلام و مجانبة اللئام و صحبة الکرام بطولک یا ملجأ الآملین **نهم** اللهمّ اجعل فیه نصیبا من رحمتک الواسعة و اهدنی فیه لبراهینک الساطعة و خذ بناصیتی الی مرضاتک الجامعة بمحبّتک یا امل المشتاقین **روز دهم** اللهمّ اجعلنی فیه من المتوکّلین علیک و اجعلنی فیه من المقرّبین الیک باحسانک یا غایة الطالبین **روز یازدهم** اللهمّ حبّب الیّ فیه الاحسان و کرّه الیّ فیه الفسوق و العصیان و حرّم علیّ فیه السخط و النیران بعونک یا غیاث المستغیثین **روز دوازدهم**

کتاب و مانند و فرمود هر که برای منفعت عمل حج و عمل ایشان بر کند عمل افراد امضاعف مضاعف میشود و فتنه منفعع [illegible] **و از آداب جلیله رمضان** کتاب در روس گذارد نماز است در هر شب ایمانه در [illegible] رکعت فاتحه یکبار و توحید هو الله سه بار و رجوع یکبار و دهار بگوید سبحان من هو حفیظ و لا یغفل سبحان من هو رحیم و لا یعجل سبحان من هو قائم و لا یسهو سبحان من هو دائم و لا یلهو بعد هفت بار سبحان

ماه رمضان

الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و سه بار سبحانک سبحانک سبحانک یا عظیم اغفر لی الذنب العظیم و ده بار صلوات فرستد حم باعث آمرزش گناهان است و ممکن باشد اقامه دادن ایشان هر کریم استغفار در هر جوشن کبیر در دعای خواندن در هر شب این ماه دعای افتتاح است و خواندن سوره در هر شب از این ماه **و از اعمال** هر شب

اللهم

اللّهمّ زیّنّی فیه بالسّتر والعفاف واسترلی بلباس الصّبر والقنوع والکفاف واحملنی فیه علی العدل والانصاف وامنّی فیه من کلّ ما اخاف بعصمتک یا عصمة الخائفین **روز سیزدهم** اللّهمّ طهّرنی فیه من الدّنس والاقذار وصبّرنی فیه علی الکائنات الاقدار ووفّقنی فیه للتّقی وصحبة الابرار بعونک یا قرّة عین المساکین **روز چهاردهم** اللّهمّ لا تؤاخذنی فیه بالعثرات واقلنی فیه من الخطایا والهفوات ولا تجعلنی فیه غرضًا للبلایا والآفات بعزّتک یا عزّ المسلمین **روز پانزدهم** اللّهمّ ارزقنی فیه طاعة الخاشعین واشرح فیه صدری بانابة المخبتین بامانک یا امان الخائفین **روز شانزدهم** اللّهمّ وفّقنی فیه لموافقة الابرار وجنّبنی فیه مرافقة الاشرار وآونی فیه برحمتک الی دار القرار بالهیّتک یا اله العالمین **روز هفدهم** اللّهمّ اهدنی فیه لصالح الاعمال واقض لی فیه الحوائج والآمال یا من لا یحتاج الی التّفسیر والسّؤال یا عالمًا بما فی صدور العالمین صلّ علی محمّد وآله الطّاهرین **روز هجدهم** اللّهمّ نبّهنی فیه لبرکات اسحاره ونوّر فیه قلبی بضیاء انواره وخذ بکلّ اعضائی الی اتّباع آثاره بنورک یا منوّر قلوب العارفین **روز نوزدهم** اللّهمّ وفّر فیه حظّی من برکاته وسهّل سبیلی الی خیراته ولا تحرمنی قبول حسناته

آداب افطار

از حضرت رسول
منقولست که هر که
در وقت افطار بگوید یا
عظیم یا عظیم یا عظیم
انت الهی لا اله
غیرک اغفر لی الذنب
العظیم فانه لا یغفر
الذنب العظیم الا
العظیم بخواند از
گناهان بیرون آید
مانند روزیکه از
مادر متولد شده
باشد بروایت حضرت
امام حسن علیه السلام
در اول لقمه بگوید
بسم الله الرحمن الر
حیم اللهم یا واسع
المغفرة اغفر لی از
امام موسی مرویست که در

افطار

وقت افطار بگوید
اللهم لک صمت
و علی رزقک افطرت
و بک امنت و علیک
توکلت تا خداوند
مثال تو عطا کند
ثواب هر کس را که
در آن روز روزه دا
شته و حضرت رسول
صلی الله علیه
و اله هر وقت
افطار میکرد بخرما
[illegible]
[illegible]
[illegible]
بسیار بسیار
[illegible] امام جعفر
صادق منقولست

بایاری

یا هادیاً الی الحق المبین **روز بیستم** اللّهم افتح لی فیه
ابواب الجنان واغلق عنّی فیه ابواب النّیران و وفّقنی فیه لتلاوة
القرآن یا منزل السّکینة فی قلوب المؤمنین **روز بیست و یکم** اللّهم
اجعل لی فیه الی مرضاتک دلیلاً ولا تجعل للشّیطان فیه علیّ سبیلاً
واجعل الجنّة لی منزلاً ومقیلاً یا قاضی حوائج الطّالبین **روز**
بیست و دویم اللّهم افتح لی فیه ابواب فضلک وانزل علیّ فیه
برکاتک و وفّقنی فیه لموجبات مرضاتک واسکنّی فیه بحبوحات
جنّاتک یا مجیب دعوة المضطرّین **روز بیست و سیم** اللّهم
اغسلنی فیه من الذّنوب وطهّرنی فیه من العیوب وامتحن قلبی
فیه بتقوی القلوب یا مقیل عثرات المذنبین **روز بیست و**
چهارم اللّهم انّی اسئلک ما یرضیک واعوذ بک ممّا یؤذیک
واسئلک التّوفیق لان اطیعک ولا اعصیک یا جواد السّائلین
روز بیست و پنجم اللّهم اجعلنی فیه محبّاً لاولیائک
ومعادیاً لاعدائک مستنّاً بسنّة خاتم انبیائک یا عاصم
قلوب النّبیّین **روز بیست و ششم** اللّهم اجعل سعیی
فیه مشکوراً وذنبی فیه مغفوراً وعملی فیه مقبولاً وعیبی فیه
مستوراً یا اسمع السّامعین **روز بیست و هفتم** اللّهم
ارزقنی فیه فضل لیلة القدر وصیّر اموری فیه من العسر الی الیسر
واقبل معاذیری وحطّ عنّی الذّنب والوزر یا رؤفاً بعباده

کرده هر شب ماه
مبارک این دعا را
بخواند اللّهم انّی
اسئلک ان تجعل
فیما تقضی وتقدّر
من القضاء الّذی
لا یردّ ولا یبدّل
ان تکتبنی من حجّاج
بیتک الحرام المبرور
حجّهم المشکور سعیهم
المغفور ذنوبهم المکفّر
عنهم سیّئاتهم وان
تجعل فیما تقضی وتقدّر
ان تطیل عمری و
توسّع علیّ
رزقی وتجعلنی ممّن
تنتصر به لدینک ولا
تستبدل بی غیری
و مخصص بعد دعاها
سحر اینست بسم الله
الرّحمن الرّحیم

دعای سحر

یا مفزعی عند کربتی
و یا غوثی عند شدّتی
الیک فزعت وبک
استغثت وبک
لذت ولا الوذ بسواک
ولا اطلب الفرج
الّا منک فاغثنی
و فرّج عنّی یا من
یقبل الیسیر ویعفو
عن الکثیر اقبل
منّی الیسیر واعف
عنّی الکثیر انّک
انت الغفور الرّحیم
اللّهمّ انّی
اسئلک ایماناً
تباشر به قلبی ویقیناً
صادقاً حتّی اعلم انّه
لن یصیبنی الّا ما
کتبت لی ورضّنی
من العیش بما
قسمت لی

الصالحین **بیست و هشتم** اللهم وفر حظی من النوافل و اکرمنی فیه باحضار المسائل وقرب فیه وسیلتی الیک من بین المسائل یا من لا یشغله الحاح الملحین **روز بیست و نهم** اللهم غشنی فیه الرحمة وارزقنی فیه التوفیق والعصمة وطهر قلبی من غیاهب التهمة یا رحیما بعباده المؤمنین **روز سی ام** اللهم اجعل صیامی بالشکر والقبول علی ما ترضاه ویرضاه الرسول محکمة فروعه بالاصول بحق سیدنا ونبینا محمد واله الطاهرین والحمد لله رب العالمین

زیارت جناب امام حسین ؑ

السلام علیک یا وارث آدم صفوة الله السلام علیک یا وارث نوح نبی الله السلام علیک یا وارث ابرهیم خلیل الله السلام علیک یا وارث موسی کلیم الله السلام علیک یا وارث عیسی روح الله السلام علیک یا وارث محمد حبیب الله السلام علیک یا وارث امیر المؤمنین ولی الله السلام علیک یا ابن محمد المصطفی السلام علیک یا ابن علی المرتضی السلام علیک یا ابن فاطمة الزهرا السلام علیک یا ابن خدیجة الکبری ام المؤمنین السلام علیک یا ثار الله وابن ثاره والوتر الموتور اشهد انک قد اقمت الصلوة واتیت الزکوة وامرت بالمعروف ونهیت عن المنکر واطعت الله ورسوله حتی اتیک الیقین فلعن الله

نوزدهم اللهم اجعل فیما تقضی وتقدر من الامر المحتوم وفیما تفرق من الامر الحکیم فی لیلة القدر من القضاء الذی لا یرد ولا یبدل ان تکتبنی من حجاج بیتک الحرام المبرور حجهم المشکور سعیهم المغفور ذنوبهم المکفر عنهم سیئاتهم واجعل فیما تقضی وتقدر ان تطیل عمری وتوسع علی فی رزقی وتفعل بی کذا وکذا ما هو خیر لی فی دینی ودنیای واخرتی یا ارحم الراحمین

دعای شب بیستم یا عدتی فی کربتی ویا صاحبی فی شدتی ویا ولیی فی نعمتی ویا غایتی فی رغبتی انت الساتر عورتی والامن روعتی والمقیل عثرتی فاغفر لی خطیئتی یا ارحم الراحمین

زیارت وارث

دعای شب بیست و یکم یا مولج اللیل فی النهار ویا مولج النهار فی اللیل ویا مخرج الحی من المیت ومخرج المیت من الحی یا رازق من یشاء بغیر حساب یا الله یا رحمن یا رحیم یا الله یا الله لک الاسماء الحسنی والامثال العلیا والکبریاء والالاء و

قتلتك ولعن الله امة ظلمتك ولعن الله امة سمعت بذلك فرضيت
به يا مولاي يا ابا عبد الله اشهد انك كنت نورا في الاصلاب
الشامخة والارحام المطهرة لم تنجسك الجاهلية بانجاسها ولم
تلبسك من مدلهمات ثيابها واشهد انك من دعائم الدين
واركان المؤمنين واشهد انك الامام البر التقي الرضي الزكي
الهادي المهدي واشهد ان الائمة من ولدك كلمة التقوى واعلام
الهدى والعروة الوثقى والحجة على اهل الدنيا واشهد الله و
اشهد الله وملائكته وانبيائه ورسله اني بكم مؤمن وبايابكم
موقن بشرايع ديني وخواتيم عملي وقلبي لقلبكم سلم وامري لامركم
متبع صلوات الله وسلامه عليكم وعلى ارواحكم وعلى اجسادكم
وعلى شاهدكم وعلى غائبكم وعلى ظاهركم وعلى باطنكم —

پس خود را بر ضریح بچسبان و ضریح را ببوس و بگو —

بابي انت وامي يا ابا عبد الله بابي انت وامي يا بن رسول الله
لقد عظمت الرزية وجلت المصيبة بك علينا وعلى جميع اهل
السموات والارض فلعن الله امة قتلتك لعن الله اسرجت والجمت
وتهيات وتنقبت لقتالك يا مولاي
يا ابا عبد الله بالشأن الذي لك قصدت حرمك واتيت الى
مشهدك فاسئل الله بالشأن الذي لك عنده وبالمحل الذي
لك لديه ان يصلي على محمد وآل محمد وان يجعلني معكم في الدنيا

اسئلك ان تصلي على
محمد وآل محمد وان تجعل
اسمي في هذه الليلة
في السعداء وروحي
مع الشهداء واحساني
في عليين واسائتي
مغفورة وان تهب لي
يقينا تباشر به قلبي
وايمانا يذهب
الشك عني وترضيني
بما قسمت لي وآتنا في الدنيا
حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا
عذاب النار الحريق
وارزقني فيها ذكرك
وشكرك والرغبة
اليك والانابة و
التوفيق لما وفقت
له محمدا وآل محمد عليه
وعليهم السلام

دعاء آخر هم

اعوذ بوجهك الكريم
ان ينقضي ايام شهر
رمضان او يطلع الفجر
من ليلتي هذه ويبقى
لك قبلي تبعة او ذنب تعذبني
عليه يوم القاك

ايضا در شب آخر

اللهم لا تجعله آخر
العهد من صيام
شهر رمضان و
اعوذ بك ان يطلع
فجر هذه الليلة
الا وقد غفرت لي
حقیقتا که [illegible] اورا
قبل از صبح بنا کرده

متن صحیح
دعاء صباح
در صفحه بعد است

والاخرة پس دو رکعت نماز در بالای سر آنحضرت بخوان و در آن
رکعات هر سوره که میخواهی بعد از حمد بخوان چون از نماز فارغ
شوی این دعا را بخوان اللّهمّ انّی صلّیت و رکعت و سجدت لک
وحدک لا شریک لک لانّ الصّلوة والرّکوع والسّجود لا تکون
الّا لک لانّک انت الله لا اله الّا انت اللّهمّ صلّ محمّد وال محمّد
وابلغهم عنّی افضل التّحیّة واردد علیّ منهم والسّلام
اللّهمّ وهاتان الرّکعتان هدیّة منّی الی سیّدی ومولای
الحسین بن علیّ علیهما السّلام اللّهمّ صلّ علی محمّد وآل
محمّد وتقبّلهما منّی واجرنی علی ذلک بافضل املی و
رجائی فیک وفی ولیّک یا ولیّ المؤمنین - - پس برو
نزد پای قبر مبارک حضرت و بایست نزد قبر علیّ اکبر و بگو
السّلام علیک یا بن رسول الله السّلام علیک یا بن نبیّ
الله السّلام علیک یا بن امیر المؤمنین السّلام علیک یا بن
الحسین الشّهید السّلام علیک ایّها الشّهید وابن الشّهید -
السّلام علیک ایّها المظلوم وابن المظلوم لعن الله امّة قتلتک
ولعن الله امّة ظلمتک ولعن الله امّة سمعت بذلک فرضیت به
پس خود را بقبر بچسبان و ببوس ضریح را و بگو السّلام
علیک یا ولیّ الله وابن ولیّه لقد عظمت الرّزیّة وجلّت
المصیبة بک علینا وعلی جمیع المسلمین فلعن الله امّة

دعای جوشن صغیر

از زمان که بعد از
احادیث صحیحه از ائمه
علیهم السلام منقول
است که خواندن و
خود دانستن که بر
دعای جوشن صغیر
جلیل القدر است
از فضل [illegible]
بند دشمنان و دفع شر
ایشان هر صبح و شام
مداومت نماید و هر
فضلی را این دعا با خود
دارد علیحده وارد
شده بسم الله الر
حمن الرحیم الهی کم من
عدو انتضی علی
سیف عداوته وشحذ
لی ظبة مدیته وارهف

فوائد

لی شبا حده وداف لی
قواتل سمومه و
سدد نحوی
صوائب سهامه ولم
تنم عنی عین حراسته
واضمر ان یسومنی
المکروه ویجرعنی ذعاق
مرارته فنظرت یا الهی
الی ضعفی عن احتمال
الفوادح وعجزی عن
الانتصار ممن قصدنی
بمحاربته ووحدتی فی
کثیر عدد من ناوانی
وارصد لی بالبلاء
فیما لم اعمل فیه فکری
فابتدأتنی بنصرك وشددت
ازری بقوتك ثم

فللت

وذلک لی شبابه مع
وحذائه نعلیجمع عدد
ق وعدد من وخیامی
تراعلیه کرمی علیه و
وحمش منه ماسئل دائم
من مکانه الکبیر
وودود منه بحتی و
رویعف غلیله وکهف
ونه د حرارات غلظ
وقد غیض - انا ماله
واد بر نمولیا فلک قد

قتلتک وابرءُ الی الله والیک منهم فی الدّنیا والاخرة ـ ـ ـ
پس خود را بجانب پای حضرت علیّ اکبر ببوسی شهدا رضوان الله
علیهم و در زیارت ایشان بگوی

السّلام علیکم یا اولیاء الله واحبّائه السّلام علیکم یا اصفیاء الله واودّائه السّلام علیکم یا انصار دین الله السّلام علیکم یا انصار رسول الله السّلام علیکم یا انصار امیر المؤمنین ـ السّلام علیکم یا انصار فاطمة الزّهراء السّلام علیکم یا انصار محمّد الحسن بن علیّ الزکیّ النّاصح الامین السّلام علیکم یا انصار ابی عبد الله الحسین بن علی ع بابی انتم وامّی طبتم وطابت ـ الارض الّتی فیها دفنتم وفزتم والله فوزاً عظیماً فیا لیتنی کنت معکم فی الجنان فافوز معکم مع النّبیّین والصّدّیقین والشّهداء والصّالحین وحسن اولئک رفیقا السّلام علیکم یا سادتی وموالیّ جمیعاً ورحمة الله وبرکاته

واقلّ زیارت آنحضرت آنست که بر بامی یا صحنی کشاده در آید بجانب راست یا جپ ببالای سر آسمان نظر کند پس بانگشت اشاره کند بجانب راست قبله بگوید السّلام علیک یا ابا عبد الله السّلام علیک یا ابن رسول الله السّلام علیک یا ورحمة الله وبرکاته

زیارت امام رضا

السّلام علیک یا غریب الغرباء السّلام علیک یا معین الضّعفاء

انخفضت یا رب من مقتدر
الحمد یا رب وذی انا منه
لا تغلب وذی علی محمد
وتعجل صل علی محمد واجعلنی
وآل محمد واکرمنی
لا تعلک منا الکرب
ولا الایمان من الکرب
الهی فیکم من نائح نغایه
بمکانک وبصنع انزار

دعا

عصائک ورد کلیه
نفقد دعائم ر
اضنباء الیه اضنیاء
السیع نظر بدینه
انتظار لا انتهار
فرضیم وبر نظهر
بشاشه الملق ر
بمبسطه وجها وعن
طلوق فلما رایت

فد وجعلت حی
ممور دابرزدنم زنم
خفضه غ ریبم
بنام من نامه
الدوام [illegible]
اجمع عجباه
نه ملیته
فانظر و
علی مر بر
علیه [illegible]

السَّلامُ عَلَیكَ یا مُغیثَ الشیعةِ والزوّارِ فی یومِ الجزاءِ السَّلامُ عَلَیكَ یا سُلطانُ یا ابا الحسن یا علیّ بن موسی الرِّضا ورحمةُ الله وبرکاته پس دو رکعت نماز زیارت کن

دعای جوشن کبیر عظیم الشأن

در کتاب مقال از مصباح کفعمی از امام زین العابدین ع که او پدرش واو از علی بن ابیطالب ع واو از پیغمبر ص واو از جبرئیل علیه السلام روایت کرده وفضائل وخواص بسیاری در آن از برای خواننده و همراه دارنده این دعا مشتمل است بر صد فقره وهر فقره ده اسم از اسماء الله تع مگر فقره پنجاه وپنجم یازده اسم است که مجموعش هزار ویکست وبعد از اتمام هر فقره باید گفت سبحانك یا لا اله الا انت الغوث الغوث الی آخر **برای فتح مهمات** بسم الله الرحمن الرحیم اللهم انی اسئلك یا رحمن یا رحیم یا کریم یا مقیم یا عظیم یا قدیم یا علیم یا حکیم یا حلیم سبحانك یا لا اله الا انت الغوث الغوث خلصنا من النار یا رب **ف ٢ دفع بلیات** یا سید السادات یا مجیب الدعوات یا رافع الدرجات یا ولی الحسنات یا غافر الخطیئات یا معطی المسئلات یا قابل التوبات یا سامع الاصوات یا عالم الخفیات یا دافع البلیات سبحانك **ف ٢ عزة یافتن** یا خیر الغافرین یا خیر الفاتحین یا خیر الناصرین یا خیر الحاکمین یا خیر الرازقین یا خیر الوارثین

من طلبنا لقرابة [illegible] نقضا [illegible] فاستخذل [illegible] وانقمع بعد استطالته ذلیلا [illegible] جیشا الذی کان یؤمل ان یرانا فیها یوم سطوته ولو کنت یا رب لولا رحمتك عجلة حل بساحته فلك الحمد یا رب من مقتدر لا یغلب وذی اناة

دعای [illegible]

لا یعجل صل علی محمد وال محمد واجعلنی لانعمك من الشاکرین ولالائك من الذاکرین

جهت دفع حاسد ومفسد

الهی وکم من حاسد شرق بحسرته وعدو شجی بغیظه وسلقنی بحد لسانه ووخزنی بموق عینه وجعل عرضی غرضا لمرامیه وقلدنی خلالا لم تزل فیه فنادیتك یا رب مستجیرا بك [illegible]

یاخیر الحامدین یاخیر الذاکرین یاخیر المنزلین یاخیر المحسنین

ف ۴ نصرت یافتن یا من له العزة والجمال یا من له
القدرة والکمال یا من له الملک والجلال یا من هو الکبیر
المتعال یا منشئ السحاب الثقال یا من هو شدید المحال یا من
هو سریع الحساب یا من هو شدید العقاب یا من هو عنده
حسن الثواب یا من هو عنده ام الکتاب **ف ۵ بزرگی
یافتن** اللهم انی اسالک باسمک یا حنان یا
منان یا دیان یا برهان یا رضوان یا سلطان یا غفران یا سبحان
یا مستعان یا ذا المن والبیان **ف ۶ دفع اژدها** یا من تواضع
کل شیء لعظمته یا من استسلم کل شیء لقدرته یا من ذل کل شیء
لعزته یا من خضع کل شیء لهیبته یا من انقاد کل شیء من خشیته
یا من تشققت الجبال من مخافته یا من قامت السموات بامره یا من
استقرت الارضون باذنه یا من یسبح الرعد بحمده یا من لا یعتدی
علی اهل مملکته **ف ۷ دوشنا کادها** یا غافر الخطایا
یا کاشف البلایا یا منتهی الرجایا یا مجزل العطایا یا واهب
الهدایا یا رازق البرایا یا قاضی المنایا یا سامع الشکایا یا باعث
البرایا یا مطلق الاساری **ف ۸ درجۂ اعلیٰ یافتن**
یا ذا الحمد والثناء یا ذا الفخر والبهاء یا ذا المجد والعلاء
یا ذا العهد والوفاء یا ذا العفو والرضاء یا ذا المن والعطاء

اجابتک متوکلا علی
منازل اعرفه من حسن
دفاعک عنی عالما انه
لا یضطهد من ا
وی الی ظل کنفک
ولا تقرع الفوادح
من لجا الی معقل
الانتصار بک فخلصتنی
من باسه بقدرتک
فلک الحمد یا رب
من مقتدر لا یغلب
وذی اناة لا یعجل
صل علی محمد وآل
محمد واجعلنی لانعمک
من الشاکرین ولآلائ
ک من الذاکرین

الهی وکم من

سحائب مکروه جلیتها
وسماء نعمة امطرتها
واعین احداث طمستها
وناشئة رحمة نشرتها
وجنة عافیة البستها
وغوامر کربات
کشفتها وامور جاریة
قدرتها لم تعجزک اذ
طلبتها ولم تمتنع علیک
اذ اردتها فلک الحمد
یا رب من مقتدر لا
یغلب وذی اناة
لا یعجل صل علی
محمد وآل محمد
واجعلنی لانعمک
من الشاکرین ولا
لائک من الذاکرین

الهی وکم من

ظن حسن
حققت
ومن
کسر املاق
جبرت ومن
مسکنة فادحة

باذا

یا ذا المنّ و العطاء یا ذا الفضل و القضاء یا ذا العزّ و البقاء یا ذا الجود و السخاء یا ذا الآلاء و النعماء ٦ **ف ۹ امان**

یا فتح اللّهمّ انی اسئلك باسمك یا مانع یا دافع یا رافع یا صانع یا نافع یا سامع یا جامع یا شافع یا واسع یا باری **ف نیکوئی کا رُتبہ** یا صانع کلّ مصنوع یا خالق کلّ مخلوق یا رازق کلّ مرزوق یا مالك کلّ مملوك یا کاشف کلّ مکروب یا فارج کلّ مهموم یا راحم کلّ مرحوم یا ناصر کلّ مخذول یا ساتر کلّ معیوب یا ملجأ کلّ مطرود **ف ۱۱**

داشتن ایمان یا عدّتی عند وحشتی یا رجائی عند مصیبتی یا مونسی عند کربتی یا انیسی عند وحشتی یا صاحبی عند غربتی یا ولیّی عند نعمتی یا غیاثی عند کربتی یا دلیلی عند حیرتی یا غنائی عند افتقاری یا ملجای عند اضطراری یا معینی عند مفزعی **ف ۱۲ بخت و دولت** یا علّام الغیوب یا غفّار الذنوب یا ستّار العیوب یا کاشف الکروب یا مقلّب القلوب یا طبیب القلوب یا منوّر القلوب یا انیس القلوب یا مفرّج الهموم یا منفّس الغموم **ف ۱۳**

خاوند دولت اللّهمّ انّی اسئلك باسمك یا جلیل یا جمیل یا کفیل یا وکیل یا دلیل یا قبیل یا مدیل یا منیل یا مقیل یا محیل **ف ۱ دفع بدیہا**

امتنانا و الا تطولا ت
ربّ و احسانا و ابتغ
بیت الا انعاما و
بل فضلك علی الکبیر
ما ابتدأت و استنبت
ما اعطیت بلا سؤال
ما افضت و لقد تسئلون
تسئلون و لا تفضلون
یا مبتدئا بفضل و کرم
مستحقه ارذهن الاحسان
تعالی انفضت و من
جود و من صدیعم

یا ربّ الا احسانا و
و ابتنت یا ربّ الا انعاما و
الامر فبالك و احسانك
و اجراء علی معاصیك
و تغمدك یا الحدود لك و
غفلة عن و تغمدك و
طاعة تفضل و رع و تغمد
ا لم یعفك یا الهی

ف ۱

و ناصری اختلالی الهی
بالشکر عن اتمام
احسانك و لا یجزی
ذلك عن ارتکاب
مساخطك الّتی و
هذا مقام عبد ذلیل
اعترف لك بالتوحید
و اقرّ علی نفسه بالتقصیر
فی اداء حقّك و شهد
لك بسبوغ
نعمتك علیه و
جمیل عاداتك
عنده و احسانك
الیه فهب لی
یا الهی
و سیّدی من
فضلك ما
ارید
و تفضّل بما
اعتمد

الى مرضاتك وامن
بى من سخطك بعزتك
وطولك وبحق محمد و
اله صلوٰاتك بنبيك و
الائمة الطيبين الكا
هم من صلواتك عليهم
وعليهم اجمعين
فلك الحمد يا رب من
مقتدر لا تغلب و
ذى اناة لا تعجل صل
على محمد وال محمد و
اجعلني لانعمك من
الشاكرين ولالائك
من الذاكرين

الٰهی

وكم من عبد امسى
واصبح في كرب الموت
وحشرجة الصدر
والنظر الى ما تقشعر
منه الجلود وتفزع
له القلوب

وانا في عافية من
ذلك كله فلك
الحمد يا رب من مقتدر
لا تغلب وذى اناة
لا تعجل صل على محمد
واله محمد واجعلني
لانعمك من
الشاكرين ولالائك من
الذاكرين

الٰهی وكم من عبد
امسى واصبح سقيما
موجعا في انة
وعويل يتقلب
في غمه لا يجد
محيصا ولا يسيغ
طعاما ولا يستعذب
شرابا ولا يستطيع
ضرا ولا نفعا
وهو في حسرة

يا دليل المتحيرين يا غياث المستغيثين يا صريخ المستصرخين
يا جار المستجيرين يا امان الخائفين يا عون المؤمنين يا راحم
المساكين يا ملجاء العاصين يا غافر المذنبين يا مجيب دعوة
المضطرين **ف ۱۵ فراخی دولت** يا ذا الجود والاحسان
يا ذا الفضل والامتنان يا ذا الامن والامان يا ذا القدس
والسبحان يا ذا الحكمة والبيان يا ذا الرحمة والرضوان يا ذا
الحجة والبرهان يا ذا العظمة والسلطان يا ذا الرافة والمستعان
يا ذا العفو والغفران **ف ۱۶ کشایش مهمات** يا من هو
رب كل شئ يا من هو اله كل شئ يا من هو خالق كل شئ يا من
هو صانع كل شئ يا من هو قبل كل شئ يا من هو بعد كل شئ
يا من هو فوق كل شئ يا من هو بعد كل شئ يا من هو قادر على
على كل شئ يا من هو يبقى ويفنى كل شئ **ف ۱۷ برآمدن کام**
اللهم اني اسئلك باسمك يا مؤمن يا مهيمن يا ملقن يا مبين
يا مهون يا ممكن يا مزين يا معلن يا مقسم **ف ۱۸ فرج مافتن**
يا من هو في ملكه مقيم يا من هو في سلطانه قديم يا من هو بمن
عصاه حليم يا من هو بمن رجاه كريم يا من هو في صنعه حكيم يا
من هو في حكمته لطيف يا من هو في لطفه قديم **ف ۱۹ آسانی
کارها** يا من لا يرجى الا فضله يا من لا يسئل الا عفوه يا من
لا ينظر الا بره يا من لا يخاف الا عدله يا من لا يدوم الا ملكه

يا من

الاملكه يا من لا سلطان الا سلطانه يا من وسعت كل شيء رحمته
يا من سبقت رحمته غضبه يا من احاط بكل شيء علمه يا من
ليس احد مثله **ف ۲۰ سختیها و بلاها** يا فارج الهم يا
كاشف الغم يا غافر الذنب يا قابل التوب يا خالق الخلق يا
صادق الوعد يا موفي العهد يا عالم السر يا فالق الحب يا
رازق الانام **ف ۲۱ فراخی روزی** اللهم اني اسئلك باسمك
يا علي يا وفي يا غني يا ملي يا حفي يا رضي يا زكي يا بدي يا
قوي يا ولي **ف ۲۲ برای انتفاع** يا من اظهر الجميل
ويا من ستر القبيح يا من لم يؤاخذ بالجريرة يا من لم يهتك الستر
والسريرة يا عظيم العفو يا حسن التجاوز يا واسع المغفرة يا باسط
اليدين بالرحمة يا صاحب كل نجوى يا منتهى كل شكوى **ف ۲۳**
دفع غمها يا صاحب النعمة السابغة يا ذا الرحمة الواسعة
يا ذا المنة السابقة يا ذا الحكمة البالغة يا ذا القدرة الكاملة
يا ذا الحجة القاطعة يا ذا الكرامة الظاهرة يا ذا العزة الدائمة
يا ذا القوة المتينة يا ذا العظمة المنيعة **ف ۲۴ جهت**
رضای خدایتعالی يا بديع السموات يا جاعل الظلمات
يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا ساتر العورات يا محيي الاموات
يا منزل الآيات يا مضعف الحسنات يا ماحي السيئات
يا شديد النقمات **ف ۲۵ دفع اندوه** اللهم اني اسألك

وندامته وانا في صحة من البدن وسلامة في العيش كل ذلك منك بفضلك فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين

ف ۳۰ جهت [illegible] مکروهات

وكم من عبد امسى واصبح خائفاً مرعوباً مشفقاً وجلاً هارباً طريداً منحجراً في مضيق او مخبأ من المخابي قد ضاقت عليه الارض برحبها ولا يجد حيلة ولا منجى ولا مأوى ولا مهرباً وانا في امن وطمأنينة وعافية من ذلك كله فلك الحمد يا رب من مقتدر لا يغلب وذي اناة لا يعجل صل على محمد وآل محمد واجعلني لانعمك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين

ف الهی و [illegible]

باسمك

باسمك یا مصوّر یا مقدّر یا مدبّر یا مطهّر یا منوّر یا مُیسّر یا
مُبشّر یا منذر یا مقدّم یا مؤخّر **ف۲۶ دوستی خدا**
یا ربّ البیت الحرام یا ربّ الشهر الحرام یا ربّ البلد الحرام یا
ربّ الرّکن والمقام یا ربّ المشعر الحرام یا ربّ المسجد الحرام
یا ربّ الحلّ والحرام یا ربّ النّور والظّلام یا ربّ التحیّة والسّلام
یا ربّ القدرة فی الانام **ف۲۷ ملاقات امراء**
یا احکم الحاکمین یا اعدل العادلین یا اصدق الصّادقین یا
احسن الخالقین یا اطهر الطّاهرین یا اسرع الحاسبین یا
اسمع السّامعین یا ابصر النّاظرین یا اشفع الشّافعین یا اکرم
الاکرمین **ف۲۸ دیدن سلاطین** یا عماد من لا
عماد له یا سند من لا سند له یا ذخر من لا ذخر له یا حرز
من لا حرز له یا غیاث من لا غیاث له یا فخر من لا فخر له
یا عزّ من لا عزّ له یا معین من لا معین له یا انیس من لا انیس
له یا امان من لا امان له **ف۲۹ زبان بند** اللّهمّ انّی
اسئلك باسمك یا عاصم یا قائم یا دائم یا راحم یا سالم یا
حاکم یا عالم یا قابض یا باسط **ف۳۰ کمان کشیدن** یا عاصم
من استعصم یا راحم من استرحم یا غافر من استغفره یا ناصر من
استنصره یا حافظ من استحفظه یا مکرم من استکرمه یا مرشد من
استرشده یا صریخ من استصرخه یا معین من استعانه یا مغیث من

وکم من عبد امسی واصبح مغلولا مکبلا بالحدید بایدی العداة لا یرحمونه فقیدا من اهله وولده منقطعا عن اخوانه وبلده یتوقع کلّ ساعة بایّة قتلة یقتل وبایّ مثلة یمثّل به وانا فی عافیة من ذلك کلّه فلك الحمد یا ربّ من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صلّ علی محمّد وآل محمّد واجعلنی لنعمائك من الشّاکرین ولآلائك من الذّاکرین

ف اسلحه جوشن

وکم من عبد امسی واصبح یقاسی الحرب ومباشرة القتال بنفسه قد غشیته الاعداء من کلّ جانب بالسّیوف والرّماح وآلة الحرب یتقعقع فی الحدید مبلغ مجهوده ولا یعرف حیلة ولا یهتدی سبیلا ولا یجد مهربا قد ادنف بالجراحات او متشحّطا بدمه تحت السّنابك والارجل یتمنّی شربة من ماء او نظرة الی اهله وولده لا یقدر علیها وانا فی عافیة من ذلك کلّه فلك

استغاثه

فلک الحمد یارب من
مقتدر لا یغلب وذی
اناة لا یعجل صل علی
محمد وآل محمد واجعلنی
لنعمائک من الشاکرین
ولآلائک من الذاکرین

الهی وکم من

من عبد امسی واصبح
فی ظلمات البحار وعوا
صف الریاح والا
هوال والامواج یتوقع
الغرق والهلاک لا
یقدر علی حیلة او مبتلی
بصاعقة او هدم او
حرق او غرق او شرق
او خسف او مسخ او
قذف انا فی عافیة
من ذلک کله فلک الحمد
یارب من مقتدر لا
یغلب وذی اناة لا یعجل

ف [illegible]

صل علی محمد و
آل محمد واجعلنی ل
نعمائک من الشاکرین
ولآلائک من الذاکرین

الهی وکم من

عبد امسی واصبح مسا
فرا شاخصا عن اهله
وولده ووطنه وبلده
متحیرا فی المفاوز تائها
مع الوحوش والبهائم
والهوام وحیدا فریدا
لا یعرف حیلة ولا یهتدی سبیلا او
او متاذیا ببرد او حر او
جوع او عطش او
غیر ذلک من الشدائد
مما انا منه فی خلو وانا فی
عافیة من ذلک کله فلک
الحمد یارب من مقتدر
لا یغلب وذی

ف۳۱ تیر انداختن یا عزیزاً لا یضام یا لطیفاً لا یرام یا قیوماً لا ینام یا دائماً لا یفوت یا حیاً لا یموت یا ملکاً لا یزول یا باقیاً لا یفنی یا عالماً لا یجهل یا صمداً لا یطعم یا قویاً لا یضعف

ف۳۲ خاری دشمن اللّٰهمّ انّی اسئلک باسمک یا احدُ یا واحدُ یا شاهدُ یا حامدُ یا ماجدُ یا راشدُ یا باعثُ یا وارثُ یا ضارّ یا نافعُ

ف۳۳ محبت خلایق یا اعظمُ من کلّ عظیم یا اکرمُ من کلّ کریم یا ارحمَ من کلّ رحیم یا اعلم من کلّ علیم یا احکم من کلّ حکیم یا اقدمَ من کلّ قدیم یا اکبر مِن کلّ کبیر یا الطف من کلّ لطیف یا اجلّ من کلّ جلیلٍ یا عزیز من کلّ عزیز

ف۳۴ خوف از همسایه یا کریمَ الصّفح یا عظیم المنّ یا کثیرَ الخیر یا قدیم الفضل یا دائمَ اللّطف یا لطیف الصّنع یا منفّس الکرب یا کاشف الضرّ یا مالک الملک یا قاضیِ الحقّ

ف۳۵ ترسیدن در شب یا من هو فی عهدہ وفیّ یا من هو فی وفائہ قویّ یا من هُو فی قوّتہ علیّ یا مَن هُو فی علوّہ قریبٌ یا مَن هُو فی قربہ لطیف یا من هو فی لطفہ شریف یا من هو فی شرفہ عزیز یا من هو فی عزّہ عظیم یا مَن هُو فی عظمتہ مجید یا من هو فی مجدہ حمید

ف۳۶ خوف در روز اللّٰهمّ انّی اسئلک باسمک یا کافی یا شافی یا وافی یا مُعافی یا هادی یا داعی یا قاضی یا راضی یا عالی یا باقی

ف۳۷ دفع

دیر

دیو و پری یا من کل شیء خاضع له یا من کل شیء خاشع له
یا من کل شیء کائن له یا من کل شیء موجود به یا من کل شیء
منیب الیه یا من کل شیء خائف منه یا من کل شیء قائم به یا من
کل شیء صائر الیه یا من کل شیء یسبح بحمده یا من کل شیء هالک
الا وجهه **ف ۳۸ ترسیدن از سایه** یا من لا مفر الا الیه
یا من لا مفزع الا الیه یا من لا یقصد الا الیه یا من لا منجی
الا الیه یا من لا حول و لا قوة الا بالله یا من لا یستعان
الا به یا من لا یتوکل الا علیه یا من لا یرجی الا هو یا من لا
یعبد الا ایاه **ف ۳۹ دفع سنج باد** یا خیر المرهوبین
یا خیر المرغوبین یا خیر المطلوبین یا خیر المسئولین یا خیر
المقصودین یا خیر المذکورین یا خیر المشکورین یا خیر
المحبوبین یا خیر المدعوین یا خیر المستانسین **ف ۴۰ دفع
کربه** اللهم انی اسئلک باسمک یا غافر یا ساتر
یا قادر یا قاهر یا فاطر یا کاسر یا جابر یا ذاکر یا ناظر یا
ناصر **ف ۴۱ دفع قولنج** یا من خلق فسوی یا من قدر
فهدی یا من یکشف البلوی یا من یسمع النجوی یا من ینقذ
الغرقی یا من ینجی الهلکی یا من یشفی المرضی یا من اضحک و
ابکی یا من امات و احیی یا من خلق الزوجین الذکر و
الانثی **ف ۴۲ دفع درد بازو** یا من فی البر و البحر

وذی اناة لا یعجل
صل علی محمد و آل محمد
و اجعلنی لنعمائک من
الشاکرین و لآلائک من
من الذاکرین
الهی و سیدی و مولای
کم من عبد امسی و
اصبح فقیرا عائلا عاریا
مملقا مخفقا مهجورا
جائعا ظمآنا
ینتظر من یعود علیه
بفضل او عبد وجیه
عندک هو اوجه منی عندک و
اشد عبادة لک
مغلولا مقهورا قد حمل
ثقلا من تعب العناء
و شدة العبودیة و کلفة
الرق و ثقل الضریبة او
مبتلی ببلاء شدید لا قبل
له الا بمنک علیه و انا
المخدوم المنعم المعافی
المکرم فی عافیة مما هو
فیه فلک الحمد یا رب
من مقتدر لا یغلب
و ذی اناة لا یعجل صل
علی محمد و آل محمد و
اجعلنی لنعمائک من
الشاکرین و لآلائک من
من الذاکرین
الهی و سیدی و مولای
کم من عبد امسی و
اصبح علیلا مریضا
سقیما مدنفا
علی فرش العلة و
فی لباسها یتقلب
یمینا و شمالا لا یعرف
شیئا من لذة الطعام
و لا من لذة الشراب
ینظر الی نفسه حسرة
لا یستطیع لها ضرا و
لا نفعا

سبیله یا من فی الآفاق آیاته یا من فی الآیات برهانه یا من فی
الممات قدرته یا من فی القبور عبرته یا من فی القیمة ملکه یا من
فی الحساب هیبته یا من فی القضاء قدرته یا من فی المیزان قضاؤه
یا من فی الجنة ثوابه یا من فی النار عقابه **ف ۴۳ گذشتن از گناه**
یا من الیه یهرب الخائفون یا من الیه یفزع المذنبون یا من الیه
یقصد المنیبون یا من الیه یرغب الزاهدون یا من الیه
یلجأ المتحیرون یا من به یستأنس المریدون یا من به یفتخر المحبون
یا من فی عفوه یطمع الخاطئون یا من الیه یسکن الموقنون یا
من علیه یتوکل المتوکلون **ف ۴۴ امان یافتن**
اللهم انی اسئلک باسمک یا حبیب یا طبیب یا قریب یا رقیب
یا حسیب یا منیب یا مثیب یا مجیب یا خبیر یا بصیر **ف ۴۵**
خلاصی از قرض یا اقرب من کل قریب یا احب من کل
حبیب یا ابصر من کل بصیر یا اخبر من کل خبیر یا اشرف من کل
شریف یا ارفع من کل رفیع یا اقوی من کل قوی یا اغنی من کل
غنی یا اجود من کل جواد یا ارأف من کل رؤف **ف ۴۶**
درد سر یا غالبا غیر مغلوب یا صانعا غیر مصنوع
یا خالقا غیر مخلوق یا مالکا غیر مملوک یا قاهرا غیر مقهور
یا رافعا غیر مرفوع یا حافظا غیر محفوظ یا ناصرا غیر منصور
یا شاهدا غیر غائب یا قریبا غیر بعید **ف ۴۷ درد**

من الجوع و ذل من
القیام ینظر الی نفسه
حسرة لا یقدر لها علی
ضر و لا نفع و انا خلو
من ذلک کله بجودک و
کرمک فلا اله الا انت
سبحانک من مقتدر لا
یغلب و ذی اناة لا
یعجل صل علی محمد و
آل محمد و اجعلنی لا
نعمک من الشاکرین و
لآلائک من الذاکرین و
ارحمنی برحمتک یا
ارحم الراحمین
الهی و سیدی و مولای
و کم من عبد امسی و
اصبح مریضا علیلا و
سقیما مدنفا علی فرش
العلة و فی لباسها
یتقلب یمینا و شمالا

دعاء

لا یعرف شیئا
من لذة الطعام و لا
من لذة الشراب ینظر
الی نفسه حسرة لا
یستطیع لها ضرا و لا
نفعا و انا خلو من
ذلک کلها بجودک و
کرمک فلا اله الا انت
سبحانک من مقتدر لا
یغلب و ذی اناة لا یعجل
صل علی محمد و آل
محمد و اجعلنی لنعمک
من الشاکرین و لآلائک من
الذاکرین و ارحمنی
برحمتک یا ارحم الراحمین
الهی و سیدی و مولای
و کم من عبد امسی و

بومه ے حنفصر و قار احدی بر ملال الموت بے اعوانہ بعا لج الموت و سکرات الموت ضر بدو و غشاه حیا ضر بدو ونیما لا ینطق الی اختیار و اولادہ و احتار [illegible] اصدر [illegible] فد منع من الکلام و حجب الی الخطاب ینظر الی السیاع [illegible]

پیشانی یا نور النور یا منور النور یا خالق النور یا منور النور یا مقدر النور یا نور کل نور یا نور الیس کمثله نور **ف ۴۸ دفع ھمدردہا** یا من عطاؤہ شریف یا من فعله لطیف یا من لطفه مقیم یا من احسانہ قدیم یا من قوله حق یا من وعدہ صدق یا من عفوہ فضل یا من عذابہ عدل یا من ذکرہ حلو یا من فضله عمیم **ف ۴۹ درد چشم** اللّٰھم انی اسئلک باسمک یا مفصل یا مبدل یا مذلل یا منزل یا منول یا مفضل یا مجزل یا ممہل یا مجمل **ف ۵۰ روشنائی چشم** یا من یرٰی ولا یرٰی یا من یخلق ولا یخلق یا من یھدی ولا یھدی یا من یحیی ولا یحیی یا من یسئل ولا یسئل یا من یطعم ولا یطعم یا من یجیر ولا یجار علیہ یا من یقضی ولا یقضی علیہ یا من یحکم ولا یحکم علیہ یا من لم یلد ولم یولد ولم یکن لہ کفوا احد **ف ۵۱ تاریکی چشم** یا نعم الحبیب یا نعم الطبیب یا نعم القریب یا نعم الوکیل یا نعم المولٰی یا نعم النصیر **ف ۵۲ شبکوری** یا نعم الحبیب یا نعم الحسیب یا نعم الکفیل یا نعم الرقیب یا سرور العارفین یا منی المحبین یا انیس المریدین یا حبیب التوابین یا رازق المقلین یا رجاء المذنبین یا قرۃ عیون العابدین یا منفسا عن المکروبین یا مفرجا عن المغمومین یا الٰہ الاولین والاخرین **ف ۵۳**

یا نور بعد کل نور یا نور فوق کل نور

نفسہ ضرا ولا نفعا وانا لهما ضرا ولا نفعا خلق من ذلک بجود و کرمک فلا الٰہ الا انت سبحانک من مقتدر لا یغلب و ذی اناۃ لا یعجل صل علی محمد و آل محمد

شرح

واجعلنی من العابدین ولنعمائک من الشاکرین ولالائک من الذاکرین وارحمنی برحمتک یا ارحم الراحمین

[illegible]

من عبدا امسی واصبح فی مضایق الجوس والسجون و کربہا و ذلہا تجد برها بنداو لہ اعوانہا و دبلیتق فلا یدری ای حالا [illegible] ممثل [illegible] تعفل ٢٠ [illegible] تھوفح ضرہ من العشق و ضلالة من الحوف بنظر لہ لنفسہ حزبہ [illegible] ٢١

او یستطیع لها ضرا و لا نفعا و انا خلو من ذلك کله بجودك و کرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی لك من العابدین و لنعمائك من الشاکرین و لآلائك من الذاکرین و ارحمنی برحمتك یا ارحم الراحمین

الهی و کهفی مولائی و سیدی من عبد امسی و اصبح قد استحکم علیه القضا و احدق به البلاء و فارق احبائه و اخلائه و

دعا

امسی حقیرا اسیرا و ذلیلا بین الکفار و الاعداء و یتداولونه یمینا و شمالا قد حصل فی المطامیر و ثقل بالحدید لا یری شیئا من ضیاء الدنیا و لا من روحها ینظر الی نفسه حسرة لا یستطیع لها ضرا و لا نفعا و انا خلو من ذلك کله بجودك و کرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا یغلب و ذی اناة لا یعجل صل علی محمد و آل محمد و اجعلنی لك من العابدین و لنعمائك

درد سر اللّٰهم انّی اسئلك باسمك یا ربّنا و
الهنا یا سیدنا یا مولانا یا ناصرنا یا حافظنا یا دلیلنا یا
معیننا یا حبیبنا یا طبیبنا **ف ٥٤ درد بینی**
یا ربّ النبیّین و الابرار یا ربّ الصدّیقین و الاخیار یا ربّ
الجنّة و النّار یا ربّ الصّغار و الکبار یا ربّ الحبوب و الثّمار
یا ربّ الاشجار و الانهار یا ربّ الصّحاری و القفار یا ربّ
البراری و البحار یا ربّ اللّیل و النّهار یا ربّ الاعلان و الا
سرار **ف ٥٥ درد حلقوم** یا من نفذ من کل شیء
امره یا من لحق بکلّ شیء علمه یا من بلغت الی کلّ شیء قدرته یا من
لا یحصی العباد نعمه یا من لا یبلغ الخلائق شکره یا من لا ید
رك الافهام جلاله یا من لا تنال الاوهام کنهه یا
من العظمة و الکبریاء رداؤه یا من لا یردّ العباد قضائه
یا من لا ملك الا ملکه یا من لا عطاء الا عطائه **ف ٥٦**
نزد ملوك رفتن یا من له المثل الاعلی یا من له الصّفات
العلیا یا من له الآخرة و الاولی یا من له الجنّة المأوی
یا من له الآیات الکبری یا من له العرش و الثری یا من
له الحکم فی القضاء یا من له الحکم فی الهواء و القضا یا
له السّموات العلی یا من الرحمن علی العرش استوی —
ف ٥٧ درد دندان اللّٰهم انّی اسألك

ولنعمائك من الشاكرين ولآلائك من الذاكرين

الهی وسیدی ومولای

وکم من عبد امسی واصبح قد اشتاق الی الدنیا للرغبة فیها الی ان خاطر بنفسه وماله حرصا منه علیها قد رکب الفلك وکسرت به وهو فی آفاق البحار وظلمها ینظر الی نفسه حسرة فلا یقدر لها علی ضرّ ولا نفع وانا خلو من ذلك کله بجودك وکرمك فلا اله الا انت سبحانك من مقتدر لا یغلب وذی اناة لا یعجل صل علی محمد وآل محمد واجعلنی

جوشن

لك من الشاکرین ولنعمائك من الذاکرین وارحمنی برحمتك یا ارحم الراحمین

الهی وسیدی ومولای

وکم من عبد امسی واصبح قد استمر علیه القضاء والکفار البلاء والاعداء احدق الرماح والشیوخ وجدل التهام سریعا وقد نزبر الارض منه والکلب التیا والطیر من نخمه وانا خلو من ذلك

اللهمّ انّی اسئلك باسمك یا عفوّ یا غفور یا صبور یا شکور یا
رؤف یا عطوف یا مسئول یا ودود یا سبّوح یا قدّوس **ف ۵۸**
دفع تب کرد یا من فی السّماء عظمته یا من فی الارض آیاته
یا من فی کلّ شیء دلائله یا من فی البحار عجائبه یا من فی الجبال
خزائنه یا من یبدؤا الخلق ثمّ یعیده یا من الیه یرجع الا
الامر کلّه یا من اظهر فی کلّ شیء لطفه یا من احسن کلّ شیء
خلقه یا من تصرّف فی الخلائق قدرته **ف ۵۹ درد**
گوش یا حبیب من لا حبیب له یا طبیب من لا طبیب له
یا مجیب من لا مجیب له یا شفیق من لا شفیق له یا رفیق من
لا رفیق له یا مغیث من لا مغیث له یا دلیل من لا دلیل له
یا انیس من لا انیس له یا راحم من لا راحم له یا صاحب له
ف ۶۰ درد بنا گوش یا کافی من استکفاه
یا هادی من استهداه یا کالی من استکلاه یا راعی
من استرعاه یا شافی من استشفاه یا قاضی من استقضاه
یا مغنی من استغناه یا موفی من استوفاه یا مقوّی
من استقواه یا ولیّ من استولاه **ف ۶۱ درد**
پاها اللهمّ انّی اسألك باسمك یا خالق یا رازق یا ناطق
یا صادق یا فالق یا فارق یا فاتق یا راتق یا سابق یا سامق
ف ۶۲ درد گردن یا مقلّب اللّیل والنّهار یا من

یا مَن جَعَلَ الظُّلمات وَالانوار یا من جَعَلَ الظِّلَّ وَالحرور یا
مَن جَعَلَ الشمس وَالقمر یا من قدر الخیر وَالشّر یا من خلق
الموت وَالحیٰوۃ یا مَن لہ الخلق وَالامر یا مَن لم یتخذ صاحِبۃ
ولا ولدًا یا مَن لم لہ ولیّ مِنَ الذل **ف ۳ ع دفع درد**
کلو یا مَن یعلم مراد المریدین یا من یعلم ضمیر الصامتین
یا من یسمع انین الواھنین یا من یرے بکاء الفاقدین یا من
یملک حوائج السّائلین یا من یقبل عذر التّائبین یا من لا یصلح
اعمال المفسدین یا من لا یضیع اجر المحسنین یا من لا یبعد
عن قلوب العارفین یا اجود الاجودین سبحانک یا لا الٰہ الا
انت **ف ۴ ع کوبیر طفلان** یا دائم البقاء یا سامع
الدّعاء یا واسع العطاء یا غافر الخطاء یا بدیع السّماء یا
حسن البلاء یا جمیل الثّناء یا قدیم السّناء یا کثیر الوفاء
یا شریف الجزاء **ف ۵ ع پیخ ناف** اللّٰھمّ انّی اسئلک
باسمک یا ستّار یا غفّار یا قہّار یا جبّار یا صبّار یا بارّ یا مختار یا
فتّاح یا نفّاح یا مرتاح **ف ع درد سینہ** یا من خلقنی فسوّانی
یا من رزقنی وربّانی یا من اطعمنی وسقانی یا من قرّبنی وادنٰی یا
یا من عصمنی وکفانی یا من حفظنی وکلانی یا من اعزّنی واغنانی
یا من وفّقنی وھدانی یا من آنسنی وآوانی یا من اماتنی و
احیانی سبحانک **ف ۷ ع درد شکم** یا من یحق الحق بکلماتہ

کلمہ بجود لہ وکریاً
لہ یا مستجفاف معنی یا
لا الہ الا انت سبحانی
بد من مغفلدر لا
یغلب ودع انا لا
تجل صلعم محمد و
ال محمد واجعلنے لم
یغلب من الشاکرین
ولا لاملک من الذا
کبرین وار حمنی یا ار
حم الراحمین
مولائے وسیلۃ الیکم
وکن من عبد امسیے
وانصح ودعونک بالکریم
لا طلتن مما الذلیل و
لا یحق علیک ولحان
النبک ولا مددن بر
بجود د
البک مع جو ہما
در ومن اعوذ بنا

دعا

لا اجد لے الا
انت افرتذی وانت
معولے وعلیک متکلی
اسئلک باسمک الذی
وضعتہ علی السماء
فاستقلت وعلی الا
رض فاستقرت و
علی الجبال فرست
وعلی اللیل فاظلم
وعلی النہار فاستنار
ان تصلی علی محمد
وال محمد وان
تقضی لی جمیع
حوائجی وتغفر لی
ذنوبی کلہا صغیرہا
وکبیرہا وتوسع علی من
الرزق ما تبلغنی
بہ شرف الدنیا
والاخرۃ یا ارحم
الراحمین

باخ

ارحم الراحمین
مولای یا ربنا انسبنی
فصل علی محمد وآله
محمد واغفر لی
رب احسن صل علی
محمد وآل محمد واجعلنی
واغننی بطاعتک و
من طاعة عبادک و
ویتسع علمک عن مسئلة
خلقک وافضلنی من
ذل الفقر الی عز الغنی
ومن ذل المعاصی الی
عز الطاعة فقد فضلتنی
علی کثیر من خلقک جودا
وکرما منک لا استحقاقا
منی الهی فلک الحمد
علی ذلک کله صل علی
محمد وآل محمد واجعلنی
لنعمائک من الشاکرین
ولآلائک من الذاکرین

یا من یقبل التوبة عن عباده یا من یحول بین المرء وقلبه یا من ینفع الشفاعة الا باذنه یا من هو اعلم بمن ضل عن سبیله یا من لا معقب لحکمه یا من لا رادّ لقضائه یا من انقاد کل شیء لامره یا من السموات مطویات بیمینه یا من یرسل الریاح بشرا بین یدی رحمته سبحانک **ف ۶۸ درد بستان**

یا من جعل الارض مهادا یا من جعل الجبال اوتادا یا من جعل الشمس سراجا یا من جعل القمر نورا یا من جعل اللیل لباسا یا من جعل النهار معاشا یا من جعل النوم سباتا یا من جعل السماء بناء یا من جعل الاشیاء ازواجا یا من جعل النار مرصادا سبحانک **ف ۶۹ درد جگر** اللهم انی اسئلک باسمک یا سمیع یا رفیع یا شفیع یا منیع یا سریع یا بدیع یا کبیر یا قدیر یا خبیر یا مجیر سبحانک **ف ۷۰ درد کتف** یا حیا قبل کل حی یا حیا بعد کل حی یا حی الذی لیس کمثله حی یا حی الذی لا یشارکه حی یا حی الذی لا یحتاج الی حی یا حی الذی یمیت کل حی یا حی الذی لم یرث الحیوة من حی یا حی الذی یرزق کل حی یا حی الذی یحیی الموتی یا حی یا قیوم یا لا تاخذه سنة ولا نوم سبحانک **ف ۷۱ درد شانه** یا من له ذکر لا ینسی یا من له نور لا یطفی یا من له نعم لا تعد یا من له ملک لا یزول یا من له ثناء لا یحصی یا من

ه رجب

وارحمنی برحمتک
یا ارحم الراحمین
ثم تسجد وتقول
سجد وجهی الفانی
البالی لوجهک
الدائم الباقی سجد
وجهی الذلیل
لوجهک العظیم الجلیل
سجد وجهی الذلیل لوجهک
العزیز الجلیل
سجد وجهی الفقیر
لوجهک الغنی الکبیر
سجد وجهی وسمعی
وبصری ولحمی
ودمی وجلدی
وما اقلت الارض منی
لله رب العالمین
اللهم عد

یا من له جلال لا یکیف یا من له کمال لا یدرك یا من له قضاء
لا یرد یا من له صفات لا یبدل یا من له نعوت لا تغیر سبحانك
ف ۷۲ دفع غمها یا رب العالمین یا مالك یوم الدین
یا غایة الطالبین یا ظهر اللاجین یا مدرك الهاربین یا
من یحب الصابرین یا من یحب التوابین یا من یحب المتطهرین
یا من یحب المحسنین یا من هو اعلم بالمهتدین **ف ۷۳ دفع**
تنگدستی اللهم انی اسئلك باسمك یا شفیق
یا رفیق یا حفیظ یا محیط یا مقیت یا مغیث یا معز یا مذل
یا مبدئ یا معید **ف ۷۴ درد بازو** یا من هو
واحد بلا ضد یا من هو فرد بلا ند یا من هو صمد بلا عیب
یا من هو وتر بلا کیف یا من هو قاض بلا حیف یا من هو
یا من هو رب بلا وزیر یا من هو عزیز بلا ذل یا من هو
غنی بلا فقر یا من هو ملك بلا عزل یا من هو موصوف
بلا شبیه سبحانك **ف ۷۵ دفع درد کمر**
یا من ذکره شرف للذاکرین یا من شکره فوز للشاکرین یا
من حمده عز للحامدین یا من طاعته نجاة للمطیعین یا من بابه
مفتوح للطالبین یا من سبیله واضح للمنیبین یا من آیاته
برهان للناظرین یا من کتابه تذکرة للمتقین یا من رزقه عموم للطائعین
والعاصین یا من رحمته قریب من المحسنین **ف ۷۶ درد سینه**

عد علی جهلی بحلمك و علی فقری بغناك و علی ذلی بعزك و علی ضعفی بقوتك و علی خوفی بامنك و علی ذنوبی و خطایای بعفوك و رحمتك یا رحمن یا رحیم اللهم انی ادرء بك فی نحر فلان بن فلان و اعوذ بك من شره فاکفنیه بما کفیت به انبیائك من فراعنة عبادك و طغاة خلقك [illegible] برحمتك یا ارحم الراحمین انك علی کل شیء قدیر و صلی الله علی محمد و آله و علی خیر خلقه محمد و آله الطیبین الطاهرین المعصومین و الحمد لله رب العالمین

دعا ۷۷

و دیگر سید در کتاب منهاج الفلاح نقل از برای کسیکه جوشن صغیر را در ماه مبارک رمضان بر خواند فضیلت بسیار و ثواب بسیار ذکر کرده بعد

و از ادعیه مختصره مجربه

از زاد المعاد از حضرت رسول صلی الله علیه و آله منقول است که جبرئیل [illegible] عبادت [illegible]

یا من تبارک اسمه یا من تعالی جده یا من لا اله غیره یا من جل ثناؤه
یا من تقدست اسمائه یا من یدوم بقائه یا من العظمة بهاؤه
یا من الکبریاء رداؤه یا من لا تحصی آلاؤه یا من تعد نعماؤه سبحانک
ف ۷۷ درد پهلو اللهم انی اسئلک باسمک یا معین یا
امین یا مبین یا مکین یا متین یا رشید یا حمید یا مجید یا شهید
سبحانک **ف ۷۸ درد شکم** یا ذا العرش المجید
یا ذا القول السدید یا ذا الفعل الرشید یا ذا البطش الشدید
یا ذا الوعد والوعید یا من هو الولی الحمید یا من هو فعال لما
یرید یا من هو قریب غیر بعید یا من هو علی کل شیء شهید
یا من هو لیس بظلام للعبید سبحانک **ف (۷۹) دفع
سیرو** یا من لا شریک له ولا وزیر یا من لا شبیه له ولا نظیر
یا خالق الشمس والقمر المنیر یا مغنی البائس الفقیر یا رازق
الطفل الصغیر یا راحم الشیخ الکبیر یا جابر العظم الکسیر
یا عصمة الخائف المستجیر یا من هو بعباده خبیر بصیر یا من هو
علی کل شیء قدیر **ف ۸۰ دفع محنتها** یا ذا الجود
والنعم یا ذا الفضل والکرم یا خالق اللوح والقلم یا باری
الذر والنسم یا ذا البأس والنقم یا ملهم العرب والعجم
یا کاشف الضر والالم یا عالم السر والهمم یا رب
البیت والحرم یا من خلق الاشیاء من العدم سبحانک **ف ۸۱**

ایامی نزد حق تعالی محبوب تر نیست از ده روز اول ماه ذی حجه و چون این ماه داخل میشد صحابه و تابعان اهتمام عظیم در عبادت می کردند و به سند معتبر از حضرت امام جعفر صادق مرویست که پدرم امام محمد باقر علیه الصلوة والسلام [illegible] فرمود [illegible] البته ده شب اول ذی الحجه دو رکعت نماز بجا آورد در میان نماز شام و خفتن و در هر رکعت حمد و سوره [illegible]

جوشن

[illegible] یکبار توحید و این آیه را بخواند واعدنا موسی ثلثین لیلة واتممناها بعشر فتم میقات ربه اربعین لیلة وقال موسی لاخیه هرون اخلفنی فی قومی واصلح ولا تتبع سبیل المفسدین چون چنین کند [illegible] ثواب [illegible] حاجیان [illegible]

ماه ذی الحجه ثواب [illegible] روز اول [illegible] امام موسی [illegible] حضرت [illegible]

و بعد از ان عمل او ثبت نماید تمام عمر را در نامه و حق تعالی ثواب روزه بجز را دو روزه بدارد دو روز اول ماه ذی انست که هر کم ز و علیه السلام منقول احضار ازان امام بزاء او بنویسند هشتاد ماه روزه

گردد روزه ماه مبارک ذیحجه از روز اول تا روز عرفه مسلمان کردن چنانچه علماء گفته اند که احادیث صحیحه دلالت دارد و در روایت دیگر هر که از ظالم بترسد در اول انشاء بگوید

دعا

حسبی حسبی لمن سؤالی حسبی علمه بحالی احتفالی شر ان ظالم را از او بکند و زیارت حضرت امام حسین علیه السلام در شب و روز عرفه فضیلت بسیار دارد و ثواب بی نهایت از نزد رب ودود وارد شده و اما شب ان عید اضحی جمله جهاد شب و موکد است که ایمان منقول است که در شبهای دو رکعت نماز بسته غسل ... الله صلها

بدی امور اللّهمّ انّی اسئلك باسمك یا فاعل یا جاعل یا قابل یا كامل یا فاضل یا فاصل یا عادل یا غالب یا طالب یا واهب سبحانك **ف(۸۲) درد پهلو** یا من انعم بطوله یا من اكرم بجوده یا من جاد بلطفه یا من تعزّز بقدرته یا من قدّر بحكمته یا من حكم بتدبیره یا من دبّر بعلمه یا من تجاوز بحلمه یا من دنی فی علوّه یا من علی فی دنوّه **ف۸۳ دفع چکیدن بول** یا من یخلق ما یشاء یا من یفعل ما یشاء یا من یهدی من یشاء یا من یضلّ من یشاء یا من یعذّب من یشاء یا من یغفر لمن یشاء یا من یعزّ من یشاء یا من یذلّ من یشاء یا من یصوّر فی الارحام ما یشاء یا من یختصّ برحمته من یشاء سبحانك **ف۸۴ درد قبض دست** یا من لم یتّخذ صاحبة ولا ولدا یا من جعل لكلّ شیءٍ قدرا یا من لا یشرك فی حكمه احدا یا من جعل الملئكة رسلا یا من جعل فی السّماء بروجا یا من جعل لكلّ شیءٍ امدا یا من جعل الارض قرارا یا من خلق من الماء بشرا یا من احاط بكلّ شیءٍ علما یا من احصی كلّ شیءٍ عددا سبحانك **ف۸۵ درد ساق** اللّهمّ انّی اسئلك باسمك یا اوّل یا آخر یا ظاهر یا باطن یا برّ یا حقّ یا فرد یا وتر یا صمد یا سرمد سبحانك **ف۸۶ درد رانها**

دعای

یا حر

دعاے حاجیان بالاے
درود و غسل زیارت
حضرت امام حسین
علیه الصلوٰة والسلام
در این شب سنت
است و منقولست که
هرکه از حضرت را
در این شب زیارت
کند در این شب
گناهان گذشته و
آینده او در این شب
آمرزیده شود ـ

یا خیر معروف عرف یا افضل معبود عبد یا اجلّ مشکور شکر یا اعزّ مذکور ذکر یا اعلیٰ محمود حمد یا اقدم موجود طلب یا ارفع موصوف وصف یا اکبر مقصود قصد یا اکرم مسئول سئل یا اشرف محبوب علم سبحانک **ف ۸۷ درد زانو** یا حبیب الباکین یا سیّد المتوکّلین یا هادی المضلّین یا ولیّ المؤمنین یا انیس الذّاکرین یا مفزع الملهوفین یا منجی الصّادقین یا اقدر القادرین یا اعلم العالمین یا اله الخلق اجمعین سبحانک **ف ۸۸ درد پاشنه** یا من علا فقهر یا من ملک فقدر یا من بطن فخبر یا من عبد فشکر یا من عصی فغفر یا من لا تحویه الفکر یا من لا یدرکه بصر یا من لا یخفی علیه اثر یا رازق البشر یا مقدّر کلّ قدر سبحانک **ف ۸۹ درد گوش** اللّهمّ انّی اسئلک باسمک یا حافظ یا بارئ یا ذارئ یا باذخ یا فارج یا فاتح یا کاشف یا ضامن یا امر یا ناهی سبحانک **ف ۹۰ درد اعضا** یا من لا یعلم الغیب الّا هو یا من لا یصرف السّوء الّا هو یا من لا یخلق الخلق الّا هو یا من لا یغفر الذّنوب الّا هو یا من لا یتمّ النّعمة الّا هو یا من لا یقلّب القلوب الّا هو یا من لا یدبّر الامر الّا هو یا من لا ینزّل الغیث الّا هو یا من لا یبسط الرّزق الّا هو یا من لا یحیی الموتیٰ الّا هو سبحانک **ف ۹۱ درد رگها**

عید
اعمال قربان و
در زاد المعاد سنت
مؤکد است که غسل
در این روز عید قربان
سنت مؤکد است و
بعضی از علماء واجب
دانسته اند و نماز عید

جوشن

در ... را با غسل بکند
هم سنت است و نماز عید
فطر بنا بر مشهور در
زمان غیبت امام
زمان ؟ سنت است
و مؤکد است و کیفیت
نماز نیز

اعمال عید
فطر در
شب عید فطر

بعمل آوردن و
دعاے جوشن
هشتم از صحیفه
کامله را بخواند
و اول شب ابن
است اللّهمّ
از جمله امور مباح
واز جمله احکام
اند عید فطر
است و از
سنن

سنت موکد است و بعضی از علماء آن را واجب دانسته [illegible] امام جعفر صادق علیه الصلوة والسلام [illegible]

یا معین الضعفا یا صاحب الغرباء یا ناصر الاولیاء یا قاهر الاعدا
یا رافع السماء یا انیس الاصفیاء یا حبیب الاتقیاء یا کنز
الفقراء یا اله الاغنیاء یا اکرم الکرماء سبحانک **ف ۹۲**
درد هفت اندام یا کافی من کل شیء یا قائم علی کل شیء
یا من لا یشبهه شیء یا من لا یزید فی ملکه شیء یا من لا یخفی علیه
شیء یا من لا ینقص من خزائنه یا من لیس کمثله شیء یا من لا یعزب
عن علمه شیء یا من هو بصیر بکل شیء یا من وسعت رحمته کل شیء
ف ۹۳ درد مفاصل اللهم انی اسئلک باسمک یا مکرم
یا مطعم یا منعم یا معطی یا مغنی یا مقنی یا مفنی یا محیی یا مرضی
یا منجی سبحانک **ف ۹۴ درد جمیع اعضا** یا اول کل شیء
واخره یا اله کل شیء وملیکه یا رب کل شیء وصانعه یا باری کل
شیء وخالقه یا قابض کل شیء وباسطه یا مبدی کل شیء ومعیده
یا منشی کل شیء ومقدره یا مکون کل شیء ومحوله یا محیی کل شیء
وممیته یا خالق کل شیء ووارثه سبحانک **ف ۹۵ درد بینی**
یا خیر ذاکر ومذکور یا خیر شاکر ومشکور یا خیر حامد ومحمود
یا خیر شاهد ومشهود یا خیر داع ومدعو یا خیر مجیب ومجاب
یا خیر مونس وانیس یا خیر صاحب وجلیس یا خیر مقصود و
مطلوب یا خیر حبیب ومحبوب سبحانک **ف ۹۶ نجات**
از رنجها یا من هو لمن دعاه مجیب یا من هو لمن اطا

دعا

[illegible]

مصیب

یا حبیب یا من هو الی من احبه قریب یا من لمن استحفظه قریب یا من هو لمن رجاه کریم یا من هو بمن عصاه حلیم یا من هو فی عظمته رحیم یا من هو فی حکمته عظیم یا من هو فی احسانه قدیم یا من هو بمن اراده علیم **ف ۹۷ دفع جمیع بادها** اللهم انی اسئلک باسمک یا مسبب یا مرغب یا مقلب یا معقب یا مرتب یا مخوف یا محذر یا مذکر یا مستجبر یا معبر **ف ۹۸ کاهل نمازی** یا من علمه سابق یا من وعده صادق یا من لطفه ظاهر یا من امره غالب یا من کتابه محکم یا من قضائه کائن یا من قرآنه مجید یا من ملکه قدیم یا من فضله عمیم یا من عرشه عظیم سبحانک **ف ۹۹ خوابهای پریشان** یا من لا یشغله سمع عن سمع یا من فعله لا یمنعه فعل عن فعل یا من لا یلهیه قول عن قول یا من لا یغلطه سؤال عن سؤال یا من لا یحجبه شیء عن شیء یا من لا یبرمه الحاح الملحین یا من هو غایة مراد المریدین یا من هو منتهی همم العارفین یا من هو منتهی طلب الطالبین یا من لا یخفی علیه ذرة فی العالمین سبحانک **ف ۱۰۰ برای قبول طاعات** یا حلیما لا یعجل یا جوادا لا یبخل یا صادقا لا یخلف یا وهابا لا یمل یا قاهرا لا یغلب یا عظیما لا یوصف یا عدلا لا یحیف یا غنیا لا یفتقر یا کبیرا لا یصغر یا حافظا لا یغفل سبحانک یا لا اله الا انت

تما. کند باشد وتما
ارثی کو بیع نباشد ارثی کو
و هر کار. خانه باشد قرض باز
بیع باشد در آن جا بنا باشد و
ستن است کرا کس
نشر باشد با کار و
ماده. باشد و اکرکو
سفند سبع باشد من
باشد و مستحب است
که خود بکنند و هر کار
خود متواند و اکرکو د
سفند با انت و استنت
نیست و شطش
است تصدق کند
و اکر بحج عمره و اکر باز
جوان برای خود و
عمال خود بکند هر
برای والدین و اقرباء
مرده منسوان کرده ثوابش مضاعف است

جوش

ف دعای ذبح

از حضرت صادق منقول است که چون قربانی را بخوابانی رو بقبله کنی و در وقت ذبح کردن بگو وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما وما انا من المشرکین ان صلوتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت وانا من المسلمین اللهم منک ولک بسم الله

العوذ

العوث العوث خلصنا من النار یا رب یا رب یا رب

اعمال روز عید فطر

از حضرت رسول صلعم منقولست که کسیکه احیا کند شب عید فطر را نمیرد دل او در روزی که دلها از ترس بمیرد و جناب علی بن الحسین علیه السلام با امام محمد باقر علیه السلام فرمود که ای فرزند این شب کمتر از شب قدر نیست و غسل در این سنت مؤکد است حضرت صادق علیه السلام فرمود که چون آفتاب غروب کند غسل بکن و چون فریضه و بعد مغرب و نافله از اینجا آوری دستها را بسوی آسمان بلند کن و بگو یا ذا المنّ والطّول یا ذا الجود یا مصطفی محمّد و ناصره صلّ علی محمّد وآل محمّد واغفر لی کلّ ذنب احصیته وهو عندک فی کتاب مبین پس بسجده برو و صد مرتبه بگو اتوب الی الله پس هر حاجت که داری از حقتعالی طلب کن که انشاء الله برآورده است حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در شب فطر دو رکعت نماز میکردند در رکعت اوّل بعد از حمد هزار مرتبه قل هو الله و در رکعت دوّم یکمرتبه خواندند و بعد از سلام بسجده صد مرتبه اتوب الی الله میگفت و بعد میگفت یا ذا المنّ والجود یا ذا المنّ والطّول یا مصطفی محمّد صلّ علی محمّد وآله پس حاجات خود را از خداوند میطلبیدند و میفرمودند بحق محمّد خداوند بکه جانم در دست قدرت اوست هرکه این نماز را بکند هر حاجت که از حق نعم بطلبد البته از برای

بالله والله اکبر

تعبیر خواب

عذاب بود دیدن یاران [illegible] بود دیدن [illegible]

دیدن روغن [illegible] اندوه باشد دیدن درازی [illegible] ملک الموت دیدن [illegible] عمر بود دیدن [illegible] بشارت بود [illegible] دیدن روشنائی [illegible] دیدن [illegible] بود دیدن نعیم باید [illegible] از گناهان [illegible] کردن دیدن [illegible]

عید فطر

او مهیّا کند واگر بعدد ریگهای بیابان گناه داشته باشد خدا بیامرزد ودر روایت دیگر بجای هزار مرتبه قل هو الله نیز صد مرتبه وارد شده است وایضا سنّت است که بعد از نماز شام وخفتن وصبح شب عید ونماز عید این تکبیرات بخواند۔ الله اکبر الله اکبر لا اله الّا الله والله اکبر ولله الحمد والله اکبر علی ما هدینا ودر روز عید سنّت است که در اوّل روز افطار کند برخرما وغسل روز عید سنّت است مؤکّد وبعضی واجب دانسته اند واز حضرت صادق ع منقولست که غسل را در زیر سقفی بکن وپیش از غسل بگو اللّهمّ ایمانا بك وتصدیقا بکتابك واتباع سنّة نبیّك صلّی الله علیه واله پس بسم الله بگوید وغسل بکند چون از غسل فارغ شود بگوید اللّهمّ اجعله کفّارة لذنوبی وطهّر دینی اللّهمّ اذهب عنّا الدّنس وزیارت حضرت امام حسین ع در این شب وروز سنّت مؤکّد است وثواب بسیار وارد شد وامّا زکوة فطره واجب مؤکّد است وترکش با تحقق شرایط وجوب گناه کبیره است وشرط قبول روزه ماه مبارک است چنانچه منقول است که هیچ مال در دریا ودر صحرا تلف نشود مگر به ندادن زکوة فطره زکوة بدن است وبدن را پاکیزه نگه میدارد از بخل وسایر کثافات معنویه واو را تا سال آینده از جمیع بلاها حفظ میکند وامّا مقدار فطره

حاصل کردن دیدن
زعفران در تعبیر غم
بود دیدن دوزخ
از گناه توبه کند دیدن
عسل خوردن نعمت و خواری
دیدن نشستن از بیل
صراط علم شرع
کند دیدن به صحرا
رفتن خبر خیر بود دیدن
قصر زیاد دولت
بود دیدن مرده خوب
از جانب دیدن
نا غیب وسعادت
باید دیدن عمارت
وصحبت دولت بود
دیدن نردبان کار
بالا گیرد ودیدن کبر
خرگوش لنفور دیدن
دکان خوشحالی بود
دیدن اسب کار باره

ع

گیرد دیدن گریه
غم واندوه بود
دیدن سوختن در
آتش مصیبت بود
دیدن مشک هدیه
بود دیدن آسمان
فرج بود دیدن جمال
خود دولت بود
دیدن آفتاب و
مهتاب از سلطان
دیدن بیان بیند دیدن
عاجز کردن کارها
تخم بود دیدن
جنت عدل بیند
ایمن دیدن گرد
گنج بود دیدن دره
گنج بیند
تفریح دیدن اختر
دولت از ناله
گنج بیند دیدن

موافق مشهور یکمن تبریز و چهارده مثقال و ربع مثقال است
و باید بکسی بدهند که قوت سالیانه خود را نداشته باشند و
سائل بکف نباشد صالح باشد نماز عیدین وان دو
رکعت است رکعت اول بعد از حمد سوره سبح اسم را بخواند و
بعد پنج تکبیر بگوید و بعد از هر یک قنوت به خواند در رکعت دوم
بعد از حمد سوره والشمس را به خواند بعد چهار تکبیر و چهار
قنوت و نیت چنین کند اصلی علی العید الاضحی الفطر لندبهما
قربة الی الله ثم قنوتش اینست . . . اللهم اهل الکبریاء و
العظمة واهل العفو والرحمة واهل التقوی والمغفرة ـ
اسئلك بحق هذا الیوم الذی جعلته للمسلمین عیدا ولمحمد
صلی الله علیه واله ذخرا وشرفا وکرامة ومزیدا ان تصلی علی
محمد وال محمد وان تدخلنی فی کل خیر ادخلت فیه محمدا وال محمد
وان تخرجنی فی کل سوء اخرجت منه محمد وال محمد صلواتك علیه
وعلیهم اللهم انی اسئلك خیر ما سئلك به عبادك الصالحون
واعوذ بك مما استعاذ منه عبادك المخلصون صورت نماز فطر
و قربان هر دو یکسانند **در بیان تعبیر خواب** این رساله است
جهت تعبیر خواب از حضرت یوسف ع که علماء عظام کثر الله امثالهم
بدوازده باب باتمام رسانیده **باب اول** در دیدن پیغمبران و
واامامان و فرشتگان وانچه تعلق بدان دارد هر که پیغمبران را د

[illegible] بود دیدن [illegible] دیدن [illegible]
بود دیدن رسالة فتح [illegible]
دیدن [illegible] بود دیدن
از کوه بر آمدن [illegible]
دیدن [illegible] حرام بود دیدن
فاضح شدن خواب
دیدن شراب [illegible]
مال الحرام بود دیدن
آب روان نعمت [illegible]

تعبیر

دیدن [illegible]
[illegible] بود دیدن [illegible] حلال
[illegible] روزی حلال
[illegible] رسیدن
در خواب [illegible]
سلامتی بود دیدن [illegible]
[illegible] فرزند [illegible]

مرجع کتابخانه علوم باطنی

خواب ببیند کار دین و دنیاے وی نظام گیرد هر که فرشته در خواب ببیند دلیل حج بود دیدن پل صراط سهو سلطان بود دیدن افتاب و ماه و ستارگان از جمله خویشان خود حرمت ببیند یا حق تعالی فرزندے کرامت فرماید که از او خیر ببیند دیدن مرده در خواب از غم بیرون اید انشاء **باب دویم** در دیدن قران و علم اموختن و امامت و قضاوت و انچه تعلق بدان دارد دیدن بانگ نماز و اقامت گفتن دین قوے شود و حرمت او بیفزاید دیدن علماء و علم اموختن کارے از او صادر شود که ثواب حاصل اید دیدن امامت کردن بر قومی مهترے کردن و دیانت او زیاد شود دیدن خود را قاضی امر معروف کند دیدن بریاست عمل مشاقے در کار غالب اید دیدن خود را در کمدلت و خصومت از دشمنان حذر باید و زبان از غیبت خلق نگه دارد تا پشیمانی حاصل نگردد **باب سیم** در دیدن جواهرات و انچه تعلق بانها دارد هر که در خواب ببیند کار دنیا او نظام گیرد دیدن قراضه نقره رسنے و دلیل ایمنے بود دیدن انگشتر مردم را کراهت باشد بعضے گویند عزت و جاه بود دیدن جواهر و مانند ان سود زیاد بدست اید دیدن اهن و مس و روح و ارزیز و غیر ان تعلق به منفعت دنیا دارد دیدن شمشیر و کارد و سلاح قوت بوے رسد **باب سیم** در دیدن حیوانات

تعبد دیدن دوات ونشد تعبد دیدن بمبر و [illegible] دیدن بعد دیدن زاهد و فضل کردن [illegible] دیدن تعبد دیدن [illegible] اهنی و [illegible] تعبد دیدن از ابیعوض دیدن بابد گرد تعبد دیدن نعره شدن تعبیر مکتب بود دیدن تاج انگشتری دیدن حلقه دیدن فرزند تعبد دیدن خزینه و تعبود بود دیدن معراج شدن دیدن عبادت تعبد بود

باب [illegible]

در دیدن از اسمان بر نا امدن مجروح بود دیدن شغال دولت بود دیدن رهنمائی بود دیدن توانگر دیدن دستار زدن دیگر دولت بود ترنج دیدن هدیه و تحفه بود دیدن اسمان و ظفر بود دیدن هد هد حجره [illegible]

حیوان حسینی بود دیدن [illegible] عزت بود [illegible] خوف بود [illegible] اعتماد بود [illegible] دیدن پادشاهان [illegible]

دیدن کرباس و ریسمان و پنبه و کندم روزی حلال بود — بعضی کویند اندک از غم رهیدن اوردن روزی ناکهان بوی رسد دیدن ماش و برنج و نخود و حبوبات دیکر حلال بود دیدن پنبه و کرباس و مانندان حشمت زیاد **باب پنجم** در دیدن روغن بادام و پسته میراث بوی رسد دیدن روغن جوز روزی حلال باشد دیدن روغن کوسفند روزی و منفعتی باشد از خویشان بوی رسد دیدن روغن کتان و روغنی که متعلق بسوختن باشد رنج اندکی بوی رسد دیدن شراب انکور روزی حلال دیدن شرابهای دیکر دلخوشی و تندرستی بود **باب ششم** در دیدن میوهای تر و خشک وغیره دیدن انکور روزی با منفعت باشد دیدن خربزه مالی باشد که بسعی و سختی بوی رسد دیدن سیب از — خود شاد شود دیدن امرود بلهو مشغول شود دیدن آلو و میوهای دیکر تعلق بخوشدلی دارد و دیدن میوهای خشک چون مویز و کشمش و مانندان نیکوی باشد که دوستان در حق او کویند دیدن جوز و پسته و بادام و فندق و میوهای دیکر بامرد سفیه و کفتکوی بسیار و مناقشه در میان ایشان واقع شود **باب هفتم** در دیدن شیرینیها و برهنکی و خون کم کردن و طعامها و حلواهای تعلق بخوشدلی و تندرستی دارد از رنج و بیرون رفتن است دیدن نبات و شکر و انکبین و کل شکر و مانندان تعلق با نعیم

دیدن خوردن کوشت
عزت و دولت بود — دیدن
موش خجلت
زن باشد دو بدن
عبادت دیدن بردار افشاندن
مصیبت باشد بدیع بدن
ناامید کار عجب کردن
نیکو بود و دیدن کوشت
فربه مال میراث بود و
کوشت لاغر غم و اندوه
بودی دیدن کوسفند
مال حلال باشد دیدن
خرکوش از زنان بهره
بیند دیدن عنکبوت
مرد زاهد بود دیدن
کوشیدن برجلان
بود دیدن ظفر باشد
دیدن اهنکران از
سلطان رنج یابد
دیدن جهودان

تعبیر

منافق بود دیدن شمع بز
مادر بزرک دیدن کشتن
باشد دیدن غم و اندوه
بزغاله غم و اندوه دیدن
دیدن نماز کردن بیم
مسجد با خلق نزدیک
بود دیدن و خواندن
ترکان از ایشان منفعت
دیدن موی سر کم
درازشدن باشد
درازی عمر باشد
دیدن ماده کاو
زن خوب باشد
دیدن مرغابی
غم و اندوه بود
دیدن شیشه شدن
زن طلاق کند
دیدن خوردن
خال مال یتیمان
بعد دیدن خانه

بعضی

دارُد دیدن شیر بخی دیگر زن بخواهد دیدن دارُوها منفعت خلق باشد و از رنج بیرون آید دیدن طهارت کردن از اندوه بیرون آید دیدن خون کم کردن دلیل تندرُستی بود دیدن کرما رفتن رنجوری بُود دیدن سر تراشیدن از غم بیرون آید دیدن خون کم کردن دلیل تندرستی بُود و از غم بیرون آید دیدن خود را برهنه در میان مردم حرمت یابد

باب هشتم

در دیدن جامهاے سفید پاکیزه از جائے حرمت بلند دیدن جامهاے سُرخ دلیل سیاست سلطان دیدن دیدن جامهای زرد دلیل بیماری بُود دیدن جامهای سبز دلیل چیزے یابد حرمتش زیاد دیدن عمارت کردن اندکے غم بود دیدن عمارت کردن اندکے غم بود دیدن خانه آراستن بر فرشهاے نیکو زیادتی نعمت و دولت باشد دیدن رقص کردن و شنیدن آواز چنگ و طبل و مانند آنها تندرستی و ایمنی باشد دیدن خود را در بلند حرمت و جاه او زیاد شود دیدن برهنه بود غم هاے او زایل شود و بمراد برسد دیدن قبا پوشیدن زن شایسته حلال باشد دیدن نعلین و موزه در پا کردن زن گرفتن باشد و اگر از پا بیرون آورد زن طلاق دهد دیدن موے سر را دراز اندکے باشد دیدن صحبت کردن با زن جمله آن سال را بفراخی کند

تا خفتن جو شتهائے بود دیدن رفتن در دوزخ خصومت بود دیدن میوه دوزخ حلال بود دیدن سر کندن مال بود دیدن انگور سفید دوزخی زمین - دوزخ حلال باشد دیدن ماهی دوزخ بود دیدن بد مرده مبارک مرکب دیدن نشاده بود دیدن خار دار - بود دیدن تمار کدرانی بود دیدن آید - از شکم بیرون آید فرزند دشمنی کنان - دیدن زلزله خون از سلطان بود دیدن کردن غم مرد فاسق بود دیدن آزرده ها دشمن دزد باشد دیدن

قسم خوردن بیان بود دیدن کردن دشمن [illegible] دیدن [illegible] بود زن باشد [illegible] کردن شیطان خلال دیدن دین باشد دیدن طاوس عمر دراز بود والله اعلم بالصواب

به از بنده است و از خواب [illegible] است و خواب جاهل [illegible] از خواب [illegible] و خواب زن بد [illegible] خواب عالم [illegible] بهتر از [illegible]

بن

دیدن از اندام خود بریدن از خویش وی کسی بر طرف گردد دیدن افتادن دندان همین معنی را دارد دیدن شکستن دندان بزرگ مصیبت وجدل باشد دیدن موی کندن دلیل جدائی باشد دیدن موی ریش مال باشد دیدن جامه سوختن یا در آتش افتادن دلیل گرفتن سلطان اندک زحمتی یابد **باب نهم** در دیدن چهارپایان ونخچیر هر که خود را بر اسب بی زین سوار ببیند زن توانگر بخواهد که بمراد دل برسد و بر اسب بی هنر خوبیند دیدن قاطر از مردم بد فعل حرام زاده پرهیز کند تا در رنج نیفتد دیدن الاغ بخت ورا یاری کند دیدن گاو فربه امسال خوب بگذرد دیدن گاو لاغر آن سال نرخها گران غله کم شود دیدن گاوان سال بفراخی گذرد اگر شتر جهاز دار ببیند بکعبه رود یا بی کاری رود که ثواب کعبه را دریابد اگر شتر بی جهاز ببیند که بر گرد وی بر آمدند بر جماعتی مهتر گردد و اگر بر شتر سوار شدن دولت یابد و اگر مهار شتر در دست دارد و میکشد بر قومی حکم کند دیدن مراد حاصل شود دیدن نخچیر وگوزن و بز کوهی و آنچه تعلق بدان دارد روزی حلال بوی رسد دیدن خرگوش فرزند یابد تاجری بدو رسد خوشحال گردد **باب دهم** دیدن وحوش و سباع دیدن شیر از پادشاهان و بزرگان نیکوئی بیند و حرمت بزرگ بدست آوردن پلنگ نیز مثل

و خواب غیر از خواب
فقرا [illegible] والله اعلم
بالصواب

احکام زلزله

جهان شام تا عشا الی
زمین بلرزد از شمال
آبادی زیاد شود
رنج و غم و حرب زیاده شود
حرب مردم اعراب
و خصومت در دیار شاه
[illegible] زنان و
[illegible] اولاد علی [illegible] و امیری
در [illegible] ضعیف شد
تا صبح زمین بلرزد
غله گران به بعضی میوه‌ها
آفت رسد ابر نیسم
حرب کمی باران سلطان
پادشاهان با حرام
شود و بلا و [illegible]
دکان بسیار باشد

طلوع فجر

تا طلوع آفتاب زمین
بلرزد امیر خراسان
بمیرد و میوه‌ها را آفت
رسد و [illegible] و آبادانی
زیاد شود و [illegible]
غله و زیاد [illegible] نیکو بود
نان و ابر نیم [illegible]
[illegible]

از وقت عصر

تا غروب زمین بلرزد
بعد [illegible]
آفتاب [illegible]
بلرزد [illegible] شود
غله کم [illegible] باشد
و قحط و [illegible]
و بیماری و [illegible]
[illegible]

اعمال نوروز

از جانب – این روز
در هر عصرے از موصوف
ع از براے شادے
بوده و نیز از عظیم
وارد از جمله آنکه
امیر المومنین ع در این
روز بر مسند خلافت
نشست غسل کردن
و جامه پاکیزه پوشیدن
و قبل از نماز ظهر
رکعت نماز در دو رکعت
اوّل بعد از فاتحه سو
ره قدر ده بار و در
ثانی بعد حمد ده بار و در
ثالث توحید و در رابع
معوذتین ده بار و
در سجده این دعا را
بخواند اللهم صل علی
محمد و آل محمد الاوصیاء
المرضیین و صل
علی جمیع انبیائک و
رسلک بافضل
صلواتک و بارک
علیهم بافضل برکاتک
و صل علی ارواحهم
و اجسادهم اللهم بارک
لنا فی یومنا هذا الذی
فضلته و کرمته و شرفته
و عظمت خطره اللهم
و بارک لنا فیما انعمت به
علینا حتی لا نشکر
احدا غیرک و وسع
علینا فی رزقنا یا
ذالجلال و الاکرام
سیصد و شصت
و شش مرتبه یا
محول الحول و الاحوال
حول حالنا
الی احسن الحال
باید

ا	دلیلست بر یافتن مراد	اوّل	صحت ندارد
ب	دلیلست بر بلا و رنج	دوّم	تعبیرش برعکس است
ج	دلیلست بر شادے و فرح	سیّم	صحت دارد اما بتعویق
د	دلیلست بر بزرگے و سعادت	چهارم	صحت دارد اما بتعویق
ه	دلیلست بر خوشے کار	پنجم	خلاف ندارد
و	دلیلست بر یافتن مطالب	ششم	صحیح خلافے ندارد
ز	بر تنگے حالی	هفتم	خلافی ندارد
ح	دلیلست بر دشوارے کار	هشتم	تعبیران برخطا است
ط	دلیلست بر سفر و راحت	نهم	تعبیران برعکس است
ی	دلیلست بر جمعیت و اتفاق	دهم	صحت ندارد
ک	دلیلست بر راست آمدن کار	یازدهم	صحت دارد اما بتعویق
ل	دلیلست بر اخبار و اراجیف	دوازدهم	صحت دارد اما بتعویق
م	دلیلست بر بیرون آمدن از غم	سیزدهم	صحت ندارد
ن	دلیلست بیرون از ضعف	چهاردهم	صحت ندارد
س	دلیلست بر شرف و بلندے	پانزدهم	تعبیرش برعکس است
ع	دلیلست بر خوشے و سعادت	شانزدهم	صحت دارد اما بتعویق
ف	دلیلست بر پریشانے و ستم	هفدهم	صحت دارد اما بتعویق
ص	دلیلست بر تنگے احوال	هیجدهم	برعکس است تعبیران
ق	دلیلست بر صدق امانت	نوزدهم	برعکس است تعبیران
ر	دلیلست بر خرّمی و مسرّت	بیستم	صحیح است و موثر
ش	دلیلست بر راستی و امانت	بیست و یکم	صحت ندارد
ت	دلیلست بر تلف مال	بیست و دوّم	بسیار خوب است
ث	دلیلست از کسے دلتنگ شود	بیست سیم	تعبیرش برعکس است
خ	دلیلست بر فوت مال	بیست چهارم	برعکس است تعبیران
ذ	دلیلست بر یادے منصب	بیست پنجم	صحت ندارد
ض	دلیلست بر قوت و دولت	بیست ششم	تعبیرش برعکس است
ظ	دلیلست بر تباهے احوال	بیست هفتم	تعبیرش برعکس است

الجلال و الاکرام و در [illegible] لو حمعا و شعونا یا [illegible] و شرحها جمعا و اشتیاقا اغو [illegible] بلا [illegible] کرها و حرها [illegible] و ملاک قدیم استیلان [illegible] حصین و امن علد الکلم ان هذا یا حیز یا [illegible] و هم [illegible]

غ دلباست برجز و امانت	باب سی هشتم	تعبیرش بر عکس است
خواب اول شب و امتلاء معده تعبیر ندارد معوبن [illegible]	باب سی نهم	صحت ندارد
	سی ام	صحت ندارد
احکام دل ار قوع	احکام	فصد و حجامت
و در [illegible] بدن انسان [illegible] عام [illegible] که روز از ماه [illegible] نزد [illegible] بکند [illegible] فصد و حجامت [illegible]		[illegible] اول ماه [illegible] فصد [illegible] حجامت [illegible] بخواهد فصد [illegible]

اول ماه	در کف دست باشد	اول ماه	مضر نیست برکها
دوم	در کف پاها	دوم	خوب نباشد
سیم	در ساق پا باشد	سیم	باعث ضعف دماغ است
چهارم	در هیکاه باشد	چهارم	باعث درد سر است
پنجم	در بازوی راست است	پنجم	باعث زردی رنگ است
ششم	در بازوی راست است	ششم	باعث رعشه اعضا است
هفتم	در زبان است اول	هفتم	باعث موت فجاة است
هشتم	در بینی باشد	هشتم	باعث درد سر است
نهم	در پشت باشد	نهم	باعث درد اعضا است
دهم	در دندان باشد	دهم	باعث درد و الم است
یازدهم	در صورت چپ است	یازدهم	باعث خبط دماغ است
دوازدهم	در خصیه باشد	دوازدهم	باعث ضعف بدن است
سیزدهم	در زنخ است	سیزدهم	باعث حکه میشود

و ایضا روایت شده که هر کی [illegible] را با مشک و زعفران و گلاب بر کاسه چینی بنویسد و بشوید هر که از آن بخورد از مرضها و زخمها محفوظ ماند سلام علی موسی و هرون سلام علی [illegible] فی العالمین سلام علی [illegible] ابرهیم سلام قولا من رب رحیم سلام علیکم طبتم فادخلوها خالدین سلام هی حتی مطلع الفجر اکنون باید دانست که [illegible] باشد [illegible]

[illegible] باشد [illegible] ماده [illegible] نحس [illegible] سعد [illegible] باید [illegible] ماده است

سعد اکبر است در کتاب مفتاح الجنان مذکور است که اگر خواهد معلوم [illegible] که بیمار و مهربان [illegible] باید بداند که کدام روز و کدام ساعت متولد [illegible] علما گفته اند و هر ساعت [illegible] مهربان منسوب اند [illegible] روز و ماه داد و در انجب [illegible] هفت هفت طرح کند اگر یکی ماند یکشنبه دو ماند دوشنبه سه ماند سه شنبه چهار ماند چهارشنبه پنج ماند پنجشنبه شش ماند جمعه هفت ماند شنبه بوجود آمده و اگر [illegible]

چهاردهم	در زبان باشد	چهاردهم	باعث حکه میشود
پانزدهم	در بازوی چپ است	پانزدهم	باعث قولنج باشد
شانزدهم	در گردن باشد	شانزدهم	باعث فرح و شادی
هفدهم	در رگهای دست	هفدهم	باعث صحت بدن
هیجدهم	در پهلوی باشد	هیجدهم	باعث قوت بدن است
نوزدهم	در دندان باشد	نوزدهم	باعث دفع درد بدن
بیستم	در کف پا باشد	بیستم	باعث صحت است
بیست یکم	در انگشت پا باشد	بیست یکم	باعث روشنی دل
بیست دوم	در شکم باشد	بیست دوم	باعث قوت سر است
بیست چهارم	در دل باشد	بیست چهارم	باعث دفع صفرا
بیست سیم	در جگر می باشد	بیست سیم	باعث شاد شدن دل
بیست پنجم	در پستان می باشد	بیست پنجم	باعث صفای خاطر
بیست ششم	در سینه باشد	بیست ششم	باعث خلاصی از مرض است
بیست هفتم	در سپرز است	بیست هفتم	باعث ایمنی از ترس است
بیست هشتم	در گردن است	بیست هشتم	باعث قوت دل است
بیست نهم	در دست باشد	بیست نهم	باعث نجات از بیماری
سی ام	در پشت پا باشد	سی ام	هیچ حکمی ندارد

احکام سر تراشیدن	فائده از برای مباشرت
[illegible] حضرت امیر المومنین [illegible]	[illegible] انگشت [illegible] شهوت است [illegible] باعث حرکت است [illegible] والله اعلم ۷

باب [illegible] در دانستن

[illegible] حمل و قوس و اسد [illegible] مشرق [illegible] مغرب [illegible] و جوزا و دلو [illegible] میزان [illegible] شمال [illegible] و سرطان [illegible] و عقرب [illegible] و در مغرب [illegible]

[illegible] دارد و موکل او اسمعیل [illegible] است یکشنبه تعلق به [illegible] شمس دارد و موکل او [illegible] دوشنبه تعلق به قمر دارد و موکل او جبرائیل است سه شنبه تعلق به مریخ دارد و موکل او صمصائیل است چهارشنبه تعلق به عطارد دارد و موکل او میکائیل است پنجشنبه تعلق به مشتری دارد و موکل او [illegible] است و یوم [illegible]

و دیگر آنکه پادشاهان دیو و جن که موکل در روزها [illegible] اند اول باید دانست که هر یک کدام تعلق دارد نام ایشان را در [illegible] روز باید نوشت دیو [illegible]

اول ماه باعث کوتاهی عمر است	همینه اول
دویم حاجت روا گردد	اول ماه در زیر شصت پا باشد
سیم سبب درازی مو گردد	دویم در کف پا باشد
چهارم باعث غم و اندوه شود	سیم در ساق پا باشد
پنجم باعث سرور و شادگی است	چهارم در کعب پا باشد
ششم باعث بلای ناگهانی است	پنجم در ران باشد
هفتم از بزرگان دولت یابد	ششم در فرج باشد
هشتم سبب بیماری است	هفتم در ناف است
نهم درد ظاهر شود	هشتم در پستان باشد
دهم عزیز و محترم گردد	نهم در گردن باشد
یازدهم باعث غم و اندوه باشد	دهم در لب می باشد
دوازدهم میان مردم با شکوه گردد	یازدهم در رخساره باشد
سیزدهم با شخصی خصومت کند	دوازدهم در چشم باشد
چهاردهم باعث شادی است	سیزدهم در شقیقه باشد
پانزدهم باعث شادی است	چهاردهم در پیشانی باشد
شانزدهم باعث غم و اندوه است	پانزدهم در فرق سر باشد
هفدهم میانه است	همینه دویم
هیجدهم باعث ملال است	شانزدهم در زیر شصت پا باشد
نوزدهم توانگر گردد -	هفدهم در کف پا باشد
بیستم باعث ایمنی از بلا است	هیجدهم در کعب پا باشد
بیست و یکم از بزرگان دولت یابد	نوزدهم در ساق پا باشد
بیست و دویم باعث مفلسی باشد	بیستم در ران باشد
بیست و سیم کارها باصلاح آید	بیست و یکم در فرج باشد
بیست و چهارم و هکذا	بیست و دوم در ناف باشد
بیست و پنجم هم چنین است	بیست و سیم در پستان باشد

[illegible] اسم دیو [illegible] اسم دیو [illegible] دوشنبه [illegible] اسم دیو [illegible] سه شنبه [illegible] اسم [illegible]

و در کرو رکوع را بگوید بعد
از بیست پس برود بسجود
بعد در رکعت دوم هم
مثل رکعت اول بجا
بیاورد و قنوت ان نیز
مستحب است

احکام کسوف و خسوف

افتاب بگیرد در ماه محرم
دال بر باد وزان و حدوث
عیار و ربیع وظفر ملوک
بر اعداء و اتفاق وقوع
زلزله و بسیاری مرگ مردم را
و فراوانی غله و حیوانات
دیگر است والله اعلم

صفر المظفر

موجب مرض و گرسنگی
در مغرب و جنگ را بخا
وظفر پادشاه و فراوانی
امنیت و باران و شدت
سرما است هوا والله العالم

ربیع الاول

پدید امدن صلح و رفع
اختلاف وظفر پادشاه
مغرب حدوث باران
و فراوانی نعمت و ارزانی

ربیع الثانی

اختلاف در عبادت حج
وخروج بعضی و ترس
و بیم هلاک گردد
بسیار و دریا
و فتنه باران

از
واحسان ایشان
در رحمت پادشاه
تو سعه درو زرع

جمادی الاول

جمادی الثانی

غبار
میباشد واقعه
وشدت سرما و

بیست و ششم	از بلاها خلاص شود	بیست و چهارم	در گردن باشد
بیست و هفتم	پشیمانی عارض شود	بیست و پنجم	در لب باشد
بیست و هشتم	بسیار بسیار بد است	بیست و ششم	در رخساره باشد
بیست و نهم	از خلق پرهیز کنید	بیست و هفتم	در چشم باشد
سی ام	ایمن باشد از بلیات	بیست و هشتم	در شقیقه باشد
		بیست و نهم	در پیشانی باشد
		سی ام	در فرق باشد

در احکام ستاره دنباله دار

در هوا پیدا شود که ... و کاه [illegible] ... شود که ... کسوف ... منقلب چون کسوف است از اجزای دهنه ... کواکب بینست فلک ... [illegible] احکام مرتبا است با خصار ... [illegible] ... ذکر میشود [illegible]

در احکام قوس قزح

[illegible] ... قوس قزح ... غالب باشد دال بر ... [illegible]

فی طرف المشرق		فی طرف المشرق	
حمل	قتل در عالم پیدا گردد	حمل	نعمت در این سال فراوان با
ثور	اشوب در همه جا ظاهر گردد	ثور	بدی حال زنان باشد
جوزا	در همه جا بدی پدید اید	جوزا	ضعف عمال
سرطان	قحط پدید اید	سرطان	فراخی پدید اید
اسد	غلبه دزدان است	اسد	ایمنی ظاهر شود
سنبله	بدی عوام الناس باشد	سنبله	درد در انسان ظاهر گردد
میزان	کثرت دزدان باشد	میزان	خلاف زهاد بود
عقرب	بلای رعیت باشد	عقرب	قبض کارها بود
قوس	خونها ریخته شود	قوس	ایمنی و سکون باشد

غلّه وامدن برف
در مصر وفراوانی
جمادی الثانی
وفراوانی باران
فساد باشد وارزانی
باشد دیدن مواشی
کوشش عزت ودولت

رجب المرجب

دال برابادے زمین
امدن باران زیاده
درکوهها وامدن
ملخ در فارس اما
بے ضرر است

شعبان المعظم

دال بر بسلامتی مردم
از شر شاه وظفر یابد
شاه بر دشمنان و
درمغرب وحدوث

ستاره دنباله

رمضان

وقحط وغلا
دال بر اطاعت مردم
شاه وبیمارے وغالب
شدن روم وبعد بر
بر روم وامدن با
ران وبرف

شوال المکرم

بسیار یخ شدن در
هند فراوانی گیاه
در شرق وظاهر
شدن جراد جیف
در شهر ها و

جدی	اذیت مردان باشد		جدی	خلاف عوام الناس باشد
دلو	قتل پدید اید		دلو	اذیت عظیم باشد
حوت	کشتی غرق شود		حوت	نکبت زهّاد بود
فی	طرف المغرب		فی	طرف المغرب
حمل	بابل خراب گردد		حمل	قحط پدید اید
ثور	بدی عوام الناس باشد		ثور	نعمت فراوان گردد
جوزا	فساد پدید اید		جوزا	وبا ظاهر شود
سرطان	ملخ غلّه تباه کند		سرطان	بدی حال ملوک باشد
اسد	غلبه دزدان باشد		اسد	فراخی نعمت باشد
سنبله	زنا اشکار گردد		سنبله	وبا اشکار گردد
میزان	بدی رعیت بود		میزان	نعمت فراوان شود
عقرب	عزت ملوک باشد		عقرب	فراوانی غلّه گردد
قوس	اراجیف پیدا شود		قوس	نعمت فراوان شود
جدی	فتنه پیدا شود		جدی	ایضاً کذلک
دلو	غوغا پدید اید		دلو	قحط پیدا شود
حوت	قتل پدید اید		حوت	بیمارے زنان باشد

باب در اختلاجات وجهیدن اعضا که از براے هر عضو از راست وچپ را حکمے است اما اگر مرتبه باشد حکم ندارد

طرف	راست	طرف چپ	
پشت	بازو	پشت	بازو
دال بر تازه شدن خیر ونیکی حال مردم	دلالت بر بیمارے اما شفا عاجل	دال بر خرّمے وخوشحالی	دال بر خوشحالی پیدا شدن بزرگی
گردن	تمام سر	گردن	تمام سر
پناه ببرد بخدا وتوبه نما	دفع غم وتازه شدن دوستی	دال بر رسیدن خبر خوش	بقول حکما حکومت بقول اسکندر عزت

ذیقعد الحرام

دال بر بسیارے
باران وخراج
در فارس ونهب
دوا

دوانا با دانے سال نیز
و ولایات با ثبات است

در بیان احکام محرم الحرام

وزیدن باد دلیل که
بسیار دلیل مبعوضان
خرابی در شهرها
مغرب و بیع و گرانی
ما کمعلات در فارس

در احکام ماه صفر

علامت مردن مردم
بزرگ است و در مغرب
و کم میوه در جبل
و خرابی در بدن و
گرانی نرخها و فرح
در امورات والله اعلم

صفر المظفر

دال بر بیماری
در شهرها و زیاد
باران و خوبی گیاه
همه جا خوب حال
مردم در آخر سال
در جبل والله اعلم

ماه ربیع الاول

دال بر قتل بسیار
در مغرب و ناخوشی
برفان و درد
خرابی شهرها و کم
در [illegible]

ربیع الثانی

آمدن باران در
کوهها وارد
میوه و بعضی اهل
علمای [illegible]
در مغرب دفین ۸

بالای سر	مغز سر	بالای سر	مغز سر
آمدن مکرے خواهد دید یا از او یا از دیگرے	دال بر نجات از ترس یا دوری یا سفر	رسیدن بمراد بقولے شرف عظیم	ترس عظیم و بقولے تنگی سینه
پیشانی	شقیقه	پیشانی	شقیقه
شهرت گردن بنیکی یا رسید بعزت و مال	بعضی از اقربای او بمیرد یا غم بقولے	عزت میان مردم و بلندے نزد سلطان	صحت بدن یا شادی
گوش	ابرو	گوش	ابرو
شنیدن خبرے که باعث غم زیاد شود	دال بر رسیدن خبر خوشحالے	واقع شدن چیزیکه از او شاد	دال بر شادی بقول ضرر از مالے
پلک چشم	گوشه چشم	پلک چشم	گوشه چشم
بالا بر خبر خوشحالے و بر طرف شدن غم	بنکوئی و باصلاح آمدن خیال	بالا خبر زیر رسیدن مکروهے	آمدن خبرے که خوشحال گردد
دهان	زبان	دهان	زبان
دال بامدن غائب و خبر خوش	همه جای زبان تعب و بلا باشد	دال بر خوشحالی و سفر کردن است	دال بر دیدن چیزیکه غمناک شود
زنخ	بینی	زنخ	بینی
دال بر طرف شدن مرض و حصول شفا	دال بر زیادی مال که فائده عظیمی دارد	بقولی تعب آمدن با تمام	دال بر بلندی مقام و سعادت
طرف رو	دوش	طرف رو	دوش
کهنه شدن چیز نالایق در حق او یا دشمنی	دال است بر شادی و فتوح عظیم	خوشحالی از جائیکه او امید ندارد	واقع شد کاری که آخرش ندامت باشد

هو العالم

جمادی الاولی

انگیختن خون زیاد در بدن و رسیدن بلا یا دشنام و خروج بر دشمن و بیماری کمی

جمادی الآخر

دال بر بلاد سوء کوفه و موصل و بابل و ارزانی و فراوانی غلات

رجب المرجب

دال بر سلامت مردم و امدن طاعون و قحط در مغرب و بسیار باران در بابل و روم و فور امراض والله العالم

شعبان المعظم

دال بر کشته شدن امیر و بالا رفتن سعر

و قحط عظیم در مصر ظاهر گردد

رمضان المبارک

سختی سرما در جبل و زیادتی بودن و باران و زیادتی امراض و سیل و زیان هو العالم

شوال المکرم

دال غلبه یا دشمنان و شدت سرما و بسیاری باران در مغرب و در میان زنان و مرد

ذیقعده هو العالم

دولب	اخرچشم	دولب	اخرچشم
بالا تعب یا همت در حق او	امدن غائب و نیکنامی در عالم	زبرین غالب شدن بر خصم	بیرون امدن از فقر و سختی دیدن
کف پا	روی پا	کف پا	روی پا
یافتن مال و غنیمت زیاد	مراد میان دو یا بیست مردم از او غیبت کنند	خوشحال شدن شرط احسان در حق مردم	دال بر شادی و خوش حالی
ران	ظهار	ران	ظهار
دال بر خوشحالی و خرمی زیاد	شادی و روزی فراخ است	عارض شدن اندک غمیست	دلالت دارد بر برطرف شدن غم
هیتکاه	خنصر	هیتکاه	خنصر
دال بر خوشحالی و خرمی زیاد	دال بر مال و بزرگی سبب است	حاصل شدن مراد هر چه اراده کنی	دال بر شادیست و فراخ روزی
بنصر	سبابه	بنصر	سبابه
دال بر امدن مهمات و فراخی نعمت	دال بر گفتن سخنهای بد در باره او	بسیار بودن فراخی روزیست	خبر در حق مردم و دیدن چیز مکروه
مرفق	کف دست	مرفق	کف دست
شفا از بیماری و صحت بدن	ظفر یافتن بر دشمن و صلح بودن	رسیدن بر خیر و روشنائی چشم	وصول بسعادات و خیرات زیاد
وسط	ابهام	وسط	ابهام
رسیدن روزی بر سعی کردن	دال بر غم باشد اما زود زایل شود	دال بر ظفر یافتن بر دشمن	دال بر نکاح و اولاد صالح

دفیقعه احتلام

دال بر فتح یا بود و
بیاری شدن دفینه
ها و خجالت و خوشی
حاصل مردمان و
امدن یاران ا
بسیار دود هم کم
و هو العالم باحکام
و بجمیع الحرام

هلکو	شکم	هلکو	شکم
رسیدن غم اما زائل گردد	دال است بر رسیدن مراد	امنیت از بلا و بدبها باشد	دال بر رسیدن خوشحالی و نعمت
ناف	سینه	ناف	سینه
زیاد شدن عیال یا روزی حرام	تازه شدن زوجه یا جامه	تولد بعضی زیاد شدن اولاد یا حشمت	دال بر رسیدن دولت عظیم
دل	پستان	دل	پستان
دال است بر رسیدن چشم یا مراد تمام	دال بر رسیدن غم اما خلاصی	مکروه از زنان باو رسد	دال بر رسیدن دولت است
ذکر	بیضه	ذکر	بیضه
بقول دانایان دال بر زوجه صالحه	زیاد شدن اولاد است	نشان بزرگی و عزت و سعادت	خوشحالی و خور سندی است
نشیمن	کعب پا	نشیمن	کعب پا
دشمنان او بمیرند یا غیبت او گویند	دال بر خیر و خیر و روزی	یافتن چیزها مرغوب	عزت یافتن یا غم زیادی
زانو	پشت قدم	زانو	پشت قدم
سرور یافتن از مردم دنیاست	ظاهر شدن آشوب و فتنه	خوشدلی و خرمی	نکاح کردن زن جمیله
سبابهٔ پا	وسطی	پاشنه	سبابه
دال بر رسیدن اندوه و غصه	رسیدن به نعمت زیاد	دال بر غم و اندوه	دال بر نعمت و خوشنودی

در اول اختلاط رو بر روی
صلح بزرگی در مغرب
و پر دیم دعو
یاد شایه کند اما
نایب شود والله
اعلم بحقایق الامور

فائده از کتاب مقال در مستحبات وقت جماع

در اوقات جماع
شب جمعه و شنبه و شب
سه شنبه و شب
پنجشنبه و شب
جمعه خصوصا بعد
از غاز عشا و روز
دوال روز

حرام مکروه هست

اول رمضان
روز جمعه و روز
پنجشنبه بعد از عصر
اجتناب کند در
وقت جماع در
وقت حیض و در
سیر عینک
نظر

قطب در شب عید قربان
و نصف شعبان و شب
اول ماه و شبعیان
ماه و اخر ماه و در [illegible]
خواهد که با سفر برود
کی در روز جمعه باشد و [illegible]
کی از سفر آمده باشد [illegible]
و شب سیم ماه که قمر بعقرب
و در روز زلزله و
و در وقت برهنه بما
در وقتیکه دو
سعد قمر در وقتیکه
بعقرب با مریخ با نشست
قبله با مریخ در کشتی و
ت که قحطی با میغ و
وقت [illegible] غروب
آفتاب و در طرف تندن
سرخ مغرب و در دعا
طلوع صبح و طلوع
آفتاب و در وقت اذان
و اقامه و در وقت

اختیارات

اول شب و در
ساعت زوال و در
ثبت با مرد و وقت زن
داخل باشد کرد و ضو
ساز و در حمام که
کس غیر باشد و ان
زن در ان خانه باشد
خواه طفل خواه
غیر ان باشد
و اجتناب بکن در
حمام از حرف زدن
و از نگاه کردن بعورت
[illegible]
[illegible]
[illegible]
[illegible]

مجملی از اختیارات ایام هفته

روز شنبه	اساس نهادن و عمارت کردن و زراعت و جوی کندن و باغ نهادن و سفر و تجارت و با اهل قلم صحبت کردن و دفینه نهادن و فصد و حجامت کردن و نو بریدن و پوشیدن و عقد و نکاح کردن و مولودیکه بوجود آید مبارک است انش
روز یکشنبه	تعلق بآفتاب دارد خوبست نکاح و با دوستان الفت کردن و بیع و شری و باغ و خانه بنا کردن و جو کندن و نهال کردن اما نشاید سفر کردن و تجارت و حرب کردن و فرزندی که درین روز در اول سال بوجود آید مبارک است قدم او و طویل العمر با علم و فضل گردد والله العالم
روز سه شنبه	تعلق بقمر دارد میانه است اما نیکست پیغام فرستادن و دیدن اکابر و حاجت خواستن و نو بریدن و پوشیدن و در اول ساعت نکاح کردن و عمارت کردن و نهال کردن و کارهای بزرگ و فرزندی که درین روز بوجود آید مبارک است قدم او بروایتی هیچ کار خوب نیست والله هو العالم
چهارشنبه	تعلق بمریخ دارد میانه است اما نیکست حجامت و سلاح ساختن و سفر کردن اما نشاید در اول ساعت نزد بزرگ رفتن و نو بریدن و پوشیدن و شکار کردن بروایتی بکر حجامت اما سایر کارها خواهی برادر و درم شد مودلود راهزن شود

چهارشنبه

تعلق بمریخ دارد بسیار خوبست کودک بمکتب فرستادن
ومو تراشیدن اصحاب قلم ونهی است از حجامت و نوره کشیدن
وسفر کردن امّا خوبست ابتدای دروس و کتابت بر روی بیرون ذرا
دوا خوردن ونو بریدن و پوشیدن خوبست والله العالم

پنجشنبه

تعلق بمشتری دارد نیکست تزویج وطلب حاجت وسفر
کردن دیدن اکابر وملوک وابتدای کارهای بزرگ ونو بریدن
وپوشیدن وبیع وشرای گاو وگوسفند وفصد وحجامت وبنای
کارها وآلات حرب ساختن وخریدن آن ومولود در این روز
مبارکست وباعلم وبافضل گردد البته والله العالم

روز جمعه

تعلق بزهره دارد تزویج وعقد ونکاح مبارک ولیکن نیک است
بیع وشرای گاو وگوسفند واشتر ونو بریدن وپوشیدن وآرایش
باغ وبوستان وفصد ومعالجه درد وخوردن دوا روز
عید خاتم پیغمبرانست سید روزهاست مولود در این روز
مبارک است قدم او وطولانیست عمر او والله العالم

در اختیارات ایام ماه از جناب

اوّل ماه

روز بسیار مبارکی است خلق شده نیکو است طلب علم و
دخول سلاطین بیع وشری وخریدن چهارپایان و
حاجات که بخواهد تا شب بیابد مولود در این روز مبارک
است قدم او والله هو العالم بکل الامور

و در وقت بیرے معلق
و در زبود رخض صبوح
دارد در روی افتا
بمکس بریده با اسا بچه باب
زنهار د وازن جوانیها
نهان یارن در جهامر
خواب با ید خرمه
بجز نفع خود بالعکس
بمبلح ن وحرفر ان با
ستان جم حدوث زن
باعث عداوت بود
وچون خواهش شیطان
از نفود ودر شود در
وقت جماع بگو بسم الله
وبانه اللهم جنبنی
الشیطان وجنبه ما
لخبث الشیطان ود شود
در رضی دو در شود
وما یلک مرغ
د د روز هما
روز شنبه خبر خوش

تتمه

رسد روز یکشنبه
مسافر بیاید روز د
شنبه مریض شفا یابد
روز سه شنبه غم و اندوه
روز چهارشنبه
جدا روز پنجشنبه
روز جمعه باشد
دو سعت روز

جامه چهارشنبه بد باشد
نو دو شنبه
بپوشد روز
پنجشنبه
یکشنبه ملال بیاید
دو شنبه
بماند
مبارک باشد
بد

حا

بنجشنبه نوازنکه [illegible] جمعه [illegible] فانی [illegible] شنبه [illegible] بدید آید [illegible] شنبه [illegible] دوشنبه [illegible] سه شنبه [illegible] چهارشنبه [illegible]

صاحب خانه جهارشنبه [illegible] زمان و جمعه صاحب [illegible] معرفت رجال الغیب بدانکه جمعه [illegible] بندکان خاص خدا [illegible] بدانکه [illegible]

حوادث در این روز خلق شده مبارکست تزویج و بنای منال و سفر و حوایج خواستن اول روز مریض سنگین آخر روز مسلط مولود در این روز تربیت پذیر باشد و نذر و عهد خوب است	دوم
نحس و مستمر است آدم و حوا را از بهشت بیرون کردند بد است در این روز ملاقات ملوک بیع و شرے و طلب حاجت در هر کار نکنی که بخیر باز آید بیمارے دراز و مولود با روزے باشد	سیم
نیکو برای شکار و زراعت و بنا و تزویج کردن و مکروه است در آن سفر خوف بیند و هابیل در اینروز متولد شد و مولود صالح و مبارک باشد و گریخته در اینروز بدست آید	چهارم
نحس مستمر است و قابیل در اینروز متولد شد و قابیل در اینروز کشته شد و اول خون بناحق واقع شد در این روز نباید از منزل بیرون رفت مولود در اینروز نیکو خال	پنجم
نیکوست تزویج و طلب حوایج و سفر دریا و صحرا و خریدن کاو و گوسفند و مسافر با مقصود مراجعت نماید کم شده زود بدست آید و بیمار زود شفا یابد و مولود در این روز ایمن گردد از حوادث و بلاها والله اعلم	ششم
نیکوست برای هر کار خاصه خرید و فروخت بنا نهادن و زیارت مؤمنان و شروع بکتابت بنای عمارت و غرس اشجار و مولود در این روز نیکو تربیت یابد دیدن سلاطین و خرید برده در این بغایت نیکو برای هر کار چون بیع و شرے	هفتم

واما رجال الغیب [illegible] و هر روز از ایشان [illegible] در هر یک عالم [illegible] سیر میکنند چون [illegible] مشغول [illegible] شروع سفر نماید [illegible] روی خود [illegible] طرف نماید [illegible] السلام علیکم یا رجال الغیب السلام علیکم یا ارواح المقدسه اعینونی بعونة وانظرونی بنظرة یا نقباء یا نجباء یا ابدال یا اوتاد یا قطب [illegible] عون [illegible] حاجت خود [illegible] عرض نماید البته [illegible]

١ — ٩

بناء

۱-۹-۱۷-۲۵-
در مشرق
۵-۱۳-۲۱-۲۹
- جانب مغرب -

ما بین شمال مشرق [illegible]

ما بین جنوب مغرب [illegible]

۳-۱۱-۱۹-۲۷-
جانب شمال
۷-۱۵-۲۳-
در جنوب

ما بین شمال مغرب ۴-۱۲-۲۰-۲۸

ما بین جنوب [illegible]

هشتم	بنا و عزت نزد سلطان و کراهت دارد سوارے کشتی و جلب و عهد نامه مولود تربیت یابد و گریخته بیابد
نهم	نیک صالح است اراده کنے هر چه را خاصه قرض دادن و زراعت و سفر کردن بر غنیمت هر که جنگ رود غالب آید گریخته دست بیابد بیمار آزارش سنگین مولود تربیت یابد
دهم	نوح متولد شده مولود طویل العمر و بزرگ خلق و با ذوق نیک است بیع و شرے مریض و صحت کند طفل تربیتش دشوار باشد و بر و اینے برائے هر کار خوب است
یازدهم	شیث متولد شده نیک است شروع در هر کار و خاصه بیع و شرے و لیکن بد است دخول بر سلاطین گریخته باز آید مولود نیکو عیش باشد بمیرد تا فقیر گردد از سلطان بگریزد
دوازدهم	نیکوست برائے تزویج و کشادن کار و شرکت و سفر دریا کردن و بیمار احتمال خلاصی دارد و مولود تربیتش آسان و عقد و معاملات نیکو و نافع باشد انشا الله تعالی
سیزدهم	نحس مستمر است دندان پیغمبر ص را شکستند پرهیز از منازعت و دیدار سلاطین و استعمال عطریات سر تراشیدن گریخته سالم باشد بیمار صعب باشد مولود نماند والله العالم
چهاردهم	نیک است برائے هر کارے خاصه طلب علم بیع و شرے و قرض و استقراض و سوارے دریا و گریخته پیدا شود و مولود طویل العمر و غنی گردد و بیمار شفا یابد انشاء الله تعالی

[illegible]

۱-۱۱-۲۱-
مشرق
[illegible]

۲-۱۲-۲۲-
ما بین جنوب مغرب [illegible] طفل خواب [illegible] والله اعلم

۳-۱۳-۲۳
جنوب
در وقت زوال
در آفتاب بنا بدر
باعث علت میشود

۴-۱۴-۲۴
ما بین جنوب مغرب
در این ایام یحب
[illegible] نویسند با
محبوبے خواهند
شد البته

۵-۱۵-۲۵

[illegible]

و بسیار بگریند
نقل از تحفة الحکام
بکنند و دست بکنند
و فتح ابواب الحکام
بلباس نو ورد بکنند
در کتاب زاد المعاد از
امام محمد باقر ع روایت
که هر که در روز اول ماه
دو رکعت نماز بگزارد در
در رکعت اول بعد از
حمد سه مرتبه انا انزلناه
بخواند و بعد از نماز دست
بردارد سلام مع اغناه
و اخیر بار عوده و
بروایت دیگر بعد از
نماز این دعا را بخواند
بسم الله الرحمن الرحیم
وما من دابة الا علی الله رزقها و یعلم
مستقرها و مستودعها کل فی کتاب مبین
بسم الله الرحمن الرحیم
وان یمسسک الله بضر فلا کاشف له الا هو
وان یردک بخیر فلا راد
لفضله یصیب به من یشاء
من عباده وهو الغفور الرحیم
بسم الله الرحمن الرحیم
سیجعل الله بعد عسر یسرا ما شاء الله
لا حول ولا قوة الا بالله حسبنا الله
ونعم الوکیل نعم المولی ونعم النصیر
وافوض امری الی الله
ان الله بصیر بالعباد
لا اله الا انت سبحانک
انی کنت من
الظالمین

روز بیست و هشتم

روز سبکی است برای هر کاری اما محزون زیرا یعقوب
تولد یابد خفته بیمار سبک گردد بعد از محبس بیابد اما روز

و نهم ۲۹

۲۹ خوبست هر کار نو بریدن و بدن امراء مولود سقیم بیمار
شفا یابد خواب بسیع و ترس قرض و استقرض بیمار از روز شفا
یابد اثر گریختن و دزد برده گرفتار گردد مولود مبارک قدم است

[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]
[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]	[illegible]

در احکام مبدء السنة در ماه محرم از حساب

روز شنبه

محرم در اید دال بر نقصان سرد و برف و یخ تبها و مرض
طاعون و مرگ کودکان تبها کند و گران عسل کم
و مرغ و غات را افت سالم و میوه را افت رسد و مردم
با عرب جنگ و قتل ها بیند در این سال اتفاق افتد و شاید
یکی از آفتاب و ماه منخسف گردد و برو این مرگ چهارپایان و
در مردم درد کلو و زکام و درد ها تبها و مرگ
پیران و زنان در آخر سال خوبست و انگور و میوه خوب

روز یکشنبه

محرم در اید دال بر نقصان شکوه و زیادتی باران و زراعت
و درختان افتد شدگی عسل و در هوا اثر طاعون

رب انی لما انزلت الی
من خیر فقیر ربّ لا تذرنی
فرداً وانت خیر الوارثین
و در وقت دیدن ماه
نو هفت مرتبه سوره
حمد را بخواند انشاء الله از
درد چشم ایمن گردد
امّا در وقت رؤیت
هر ماه دعای صحیفه
کامله را بخوانند که فضیلت
دعاها است در رؤیت
هلال ماه رمضان و ماه
شوال واجب است و در
زوال اول ماه انداختن چیز
خوردن که دهان را خوش
کند و انسان طعام
[illegible]

بقیه پنجشنبه

و اخر سال گرانی اندک و غلبه پادشاه و ظهور دزدها و مرگهای صعب و کوکب دنباله داری در اسمان ظاهر و تمام ماه منخسف گردد و بروایتی زمستان سرد و تابستان معتدل و میوه و زراعت خوب و مشرق ارزانی و کوسفند و شتر بسیار

دوشنبه

محرم دراید دال بر زمستان نیکو و تابستان گرم و باران در وقتش بسیار گوسفند و عسل فراوان و در بلاد جبل یعنی اذربایجان میوه و مرض و زکام زیاد و گوشت و روغن فراوان لکن در کرم و بسیاری تزویج و معاش جهارپا خوب و در بلاد فارس و بیم هراس در مشرق و مرض زیاد در اخر سال و مرض و میوه و حبوب در مکه ارزان و شاید ماه و افتاب منخسف گردد والله اعلم بحقایق الامور

سه شنبه

محرم دراید دال بر یخ و سرما و برف و در مشرق گوسفند و عسل بسیار برنج گران و در اخر سال بروایتی زراعت بسیار و باران کم و در اخر سال در جمیع ولایات نرخها ارزان و بسیار ارزان و شکار در دریا فراوان و شخصی بر پادشاه غلبه کند و اضطراب پادشاه و در میان عرب و عجم قتال پدید اید شیخ عربی کشته شود کندم و جو و عدس فراوان گردد و انار در زمستان زیاد

چهارشنبه

محرم دراید دال بر زمستان وسط و باران بسیار در بهار و غلات و میوه در بلاد جبل یعنی مشرق فراوان امّا مردم بسیار بمیرند و ارزانی نرخها و ابریشم

۳	۶	۹
۱۲	۱۵	۱۸
۲۱	۲۴	۲۷
۳۰	۳۳	۳۶

احکام مبدء السنة البواقی المتوسطة

۲	۵	۸
۱۱	۱۴	۱۷
۲۰	۳۲	۲۶
۲۹	۳۲	۳۵

البواقی الجیّد

۱	۴	۷
۱۰	۱۳	۱۶
۱۹	۲۲	۲۵
۲۸	۳۱	۳۴

کم منفعتی و تشویش کند و بعضی عیوب ظاهر شود
د احتمال دعای [illegible]
کفته تعالی
روز بعد [illegible]
[illegible]

دعویر

وحر برادزان و بسیاری معاملات و از شهرها کسی بر پادشاه خروج کند و سلطان روم بمیرد و در آخر سال تا خوشی بسیار و احتمال مرگ حیوان و بروایتی زیادتی عسل و آب دجله طغیان کند و در شام مرگ بسیار و امان ملخ دد دال بر زمستان ملایم گذرد و باران و غله و عسل و میوه بسیار باشد و ظهور شب خاصه در بابل و روم را بر مسلمانان غلبه هم رسد و محاربات مغرب واقع شود و در اول سال که باران بخلاف آخر سال زیاد و وزیدن بادها شد و زیادتی راه زنان و نسیار مرگ کاو و شتر حکام دال بر زمستان سرما نباشد و آب رودخانه‌ها و چشمه‌ها کم و کمی باران و غله در بلاد جبل و گرانی در مغرب و آفت درختان و روم را بر فارس غلبه رسد و فساد عظیم در فارس در اول ربیع الاول تا آخر جمادی الثانیه در ظاهر و زنان آبستن بچه ضایع کنند خاصه وقت وضع حمل در آسمان ستاره دنباله‌داری ظاهر شود و فتنه‌های بزرگ بهم رسد

در احکام از نوروز فرسی اختیارات

نوروز در آید دال بر رنج خلاف رعیت و پادشاه و قابلیت گندم و جو بود و باران و سیل زیاد باشد

بقیه روز چهارشنبه روز پنجشنبه روز جمعه و شنبه

شود از بعد دادن
شکل پیدا کند اگر در
دوانید. خانه اول که
جید است باشد انکار
از شروع عنا بد و اگر در
متوسط باشد خراب است
اگر در دوم باشد نکنند

ساعات استخاره

از صبح تا چاشت استخاره کنند بعد از
زوال خوب است استخاره

یوم الاحد
از صبح تا ظهر و بعد از عصر
تا مغرب خوب است استخاره
نمایند فایده دارد

یوم الاثنین
از صبح تا غروب تا طلوع
آفتاب از وقت چاشت
تا ظهر بعد از عصر تا وقت
خفتن خوب است

یوم الثلث
از طرف چاشت تا ظهر
از عصر تا خفتن برای
استخاره خوب است

یوم الاربعاء
از صبح تا زوال بعد
از عصر تا وقت خفتن
خوب است استخاره کردن

یوم الخمیس
از صبح تا طلوع آفتاب
بعد از اذان تا وقت چاشت
تا وقت عشا استخاره
کردن خوب است

یوم الجمعه
از صبح تا طلوع آفتاب بعد از عصر تا
بعد از مغرب تا
عشا خوب خواهد
بود تا خفتن

کرفس

ایام

[illegible]

ایام هفته

روز شنبه
بسیار خوب است ناخن
گرفتن و سفر کردن و ریختن
و حجامت کردن

روز یکشنبه
نعوذ بالله بد است
خوب است

روز دوشنبه
ناخن گرفتن و حمام رفتن
ناخن گرفتن هو العالم
جایز است

روز سه شنبه
سر تراشیدن و
ناخن گرفتن بد است

روز چهارشنبه
ناخن گرفتن
حجامت و
نعوذ بالله بد است

نقش [illegible]

روز پنجشنبه
خوب است حمام رفتن
ناخن گرفتن و نعوذ
حجامت بد است

روز جمعه
خوب است سر تراشیدن
و ناخن گرفتن
[illegible] اما
داشت عجائب [illegible]

روز پنجشنبه

هند را آفت رسد و بیماری و کژدم و مور و ملخ کیاه
بسیار باشد و در آخر سال نرخها ارزان شود و عسل
کم و موش زیاد و کرم پیله ابریشم میانه بود و طبرستان فتنه
و سرمای بی محال آید و بیماری در زنان و کودکان زیاد
باشد اما گوسفندان را آفت رسد والله اعلم

روز یکشنبه

در آید دال بر حال بندگان و ملوک خوب است و وقوع
نکاح و بیماری و گندم و جو فراوان و ارزان و زراعت
و پنبه قصور کند و برف و سرما کم بود و انگور خوب و در
فصل بهار باران فراوان بیارد که مردم تنگ باشند و کشتی را
آفت رسد تابستان گرم و زمستان میانه بود و زیادتی نکاح و
طرب و نعمت فراوان و خداوند این سال در همه حال خوب
بود انشاء الله تعالی والله اعلم بالصواب

روز سه شنبه

در آید دال بر آنکه تابستان و زمستان میانه بود و نوعان
و گندم و غله خوب شود و حال ملوک و علما خوب است و فراوانی
نعمت و ارزانی نرخها و خوبی فالیز و زراعت کنجد و پنبه
و صیدها زیاد و سرمای بیوقت + اما فتنه و حرب کم
و بیماری زیاد باشد و مور و مگس کم و مار و عقرب
زیاد باشد حال پادشاهان خوب است و کار مردم
دیگر میانه بود انشاء الله تعالی والله اعلم بالصواب

بغضب
یا خضر بحق عباد [illegible]
الف ابهام و [illegible]
دست حیدر
[illegible] بسام
الف ابهام [illegible]
یا خضر و [illegible]
احسب
و [illegible]
[illegible] ابجد

شد از امیرمؤمنان ـ علیه السلام که بسبب مسائل بیست و چهار روز نحس است [illegible] که در صحیفه [illegible] آخر [illegible] تا شد الله تعالی [illegible] آخر است و اگر [illegible] و اگر در [illegible] در روز [illegible] کنند آنچه [illegible] است باشد ـ دوازده خانه اول بین الناس شکل آخر خود و آن عدد و این

سه شنبه ۔ روز یکشنبه ۔ روز جمعه

دوابد سال رنج بود و حال بزرگان و ملوک میانه بود و زمستان سرد و تابستان بسیار گرم شود و گران نرخها و زیادتی فتنه و آشوب و حرب و زیادتی گزندگان و زمین شام را آفت رسد و در فارس بیماری زیاد و زراعت را آفت رسد و در اول سال قحطی و تنگی و در آخر سال ارزانی شود و آبله و خشکی ظهور کند و کرم پیله میانه شود و در این حال علما نیکو و صلحاء و تغییر احوال سلاطین و زیادتی آشوب فتنه و ترقی نرخها و زیادتی ناخوشی در کیلان و طبرستان و حدود جرجان اشقنکی تنگی و قحطی ظاهر شود و تنگی کار مردم و باران بی وقت و آفت میوه را خصوصا تابستان بادها مخالف و زمستان برف و سرما بسیار و بهار خشکی ترسوا غلب مردم کرم پیله خوب سال عطارد صاحب سال مشتری است حال سادات و علما نیکو و نبات خوب و تابستان میانه و بیماری کم و ابریشم میانه بود و زیادتی جهانیان و خوبی کار عطار و گوهر فروش و صاحب درهم حال خوب است ـ صاحب سال زهره بود حال علما و قاریان و عباد و سلاطین خوب بود اما زراعت پنبه فاسد گردد و زراعت خوب و کرم ابریشم خوب شود زیادتی برف و سرما و تابستان بیماری و گرم باشد و زراعت و

محرم الحرام	۱۱-۲۱
صفر المظفر	۱-۲
ربیع الاول	۴-۳
ربیع الآخر	۱۲-۱۹
جمادی الاول	۱۱-۱۰
جمادی الثانی	۱۱-۱۰
رجب المرجب	۱۵-۱۳
شعبان المعظم	۴-۳
رمضان المبارک	۳-۲
شوال المکرم	۶-۷
ذیقعده	۵-۱
ذی الحجه الحرام	۷-۴

از قول امام حسن عسکری

محرم ۲۲	صفر ۱۰
ربیع الاول ۴	ربیع الآخر ۱۲
جمادی ۱۶	جمادی ۱۳-۲
رجب ۲۲	
شعبان ۲۶	
رمضان ۲۴	

شوال	ذیقعده	ذی الحجه		
۲۰	۲۲	۲۴		

قول امام جعفر صادق علیه السلام

۱ - ۲ - ۳

۸

۸	۹	۱۴	۱۷
۱۱	۲۰	۲۲	۲۳
۱۵	۲۷	۲۹	۳۰

ایام منحوسه ماه

۳	۵	۱۳	۱۶
۲۱	۲۲		۲۵

ایام متوسط

۱	۱۱	۱۲	۱۵
۱۸	۳	۲۸	

وغلات خوب نشت و مردم را لهو و لعب و طرب باشد

در بیان ساعات نوشتن دعا

بسم الله الرحمن الرحیم

امّا بعد عبد الله الفقیر و غیره کفته اند اشیعیان ما این نسخه را از برای امتان محمد مصطفی ص یاد کرده ایم که اسما نراد دوازده برج ا و این دوازده برج هفت کوکب است اگر خواهی طالع کسی را بدانی اول نام او را و مادر او را بحساب ابجد در آور دوازده دوازده طرح کند اگر یکی حمل آتشی بود اگر دو بماند ثور خاکیست سه ماند جوزا بادیست چهار سرطان آبی است پنج ماند اسد آتشی است اگر شش ماند سنبله خاکی است هفت ماند میزان بادی است هشت ماند عقرب آبیست نه ماند قوس آتشی است ده جدی خاکیست یازده دلو بادیست دوازده حوت آبیست پس جوزا و میزان و دلو بادی و نزد سرطان و عقرب و حوت آبی اند و نزد ثور و سنبله و جدی خاکی و ماذ اند حمل و قوس و اسد آتشی است و نزد حمل بجوزا موافق اسد میزان قوس بدلو موافق ثور بسرطان موافق است سنبله بعقرب موافق جدی بحوت موافق اگر طالع کسی آتشی باشد تعویذ حب را دوشنبه یا یکشنبه باید نوشت اگر طالع بادی است تعویذ حب را در چهارشنبه یا شنبه باید نوشت اگر طالع آبی است تعویذ حب را در بنه و شنبه نویسند اما حمل تعلق بمریخ دارد و

دانستن قمر در عقرب
در این ایام مرتکب
هیچ کار نشود بخصوص
تزویج و سفر کردن
و از این
است

حمل	۱۲	۱۶	یا نیم ۱۸
ثور	۱۳	۱۴	یا نیم ۱۵
جوزا	۱۱	۱۲	یا نیم ۱۰
سرطان	۸	۹	یا نیم ۸
اسد	۶	۷	یا نیم ۸
سنبله	۳	۴	یا نیم ۵
میزان	۱	۲	یا نیم ۳
عقرب	۲۸ نیم	۲۹	۳۰
قوس	۲۶	۲۷	یا نیم ۲۸
جدی	۲۶ نیم	۲۴	۲۵
دلو	۲۱	۲۲	یا نیم ۲۳
حوت	۱۹ نیم	۲۰	۲۱

ایام منحوسه
از امام جعفر صادق ع
منقولست
هر ماه دو روز
نحس است

محرم	صفر
۲۲	۱۰
ربیع الاول	ربیع الآخر
۴	۲۸
جمادی الاول	جمادی الآخر
۲۸	۲
رجب	شعبان
۲۶	۱۲
رمضان	شوال
۲۴	۲
ذیقعده	ذیحجه
۲۸	۸

دستور ماهها
حب

یکشنبه ما الله المذهب اسم جنی [illegible] دوشنبه ما الله [illegible] اسم جن [illegible] سه شنبه ما الله الاحمر اسم جن [illegible] چهارشنبه ما الله [illegible] اسم جن [illegible] پنجشنبه ما الله [illegible] اسم جن [illegible] نوع جمعه ما الله بغض است

ایضاً عداوت بنویسد اسم [illegible] بسمله [illegible] یا [illegible] ائیل یا [illegible] ائیل یا هموائیل یا [illegible] ائیل یا [illegible] ائیل یا [illegible] ائیل

ساعات هفته

یا [illegible] ائیل بحق [illegible] بحق [illegible] عقد [illegible] یا [illegible] یا ارحم الراحمین [illegible] بحق [illegible] الشخ کفیع اهیج کهیج مهیج

ثور به زهره جوزا به عطارد سرطان بقمر اسد بشمس میزان بزهره عقرب بمریخ قوس بمشتری جدی بزحل حوت بمشتری اما بدان و آگاه باش

جمعه چند چیز را نشاید اول حب **دویم** زبان بند **سیم** عقد الرجال و عقد النساء **چهارم** بغض عداوت را شنبه بغض یکشنبه حب دوشنبه عقد اللسان سه شنبه بغض چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه حب را نشاید و آن محل که عمل میکند در آذر دفن کردن یا بر درخت آویزان کردن یا بزمین بکر دفن کردن باید همین نیت کند که خطا نشود انما الاعمال بالنیات و هر کدام را که خواهد مهربان سازد نام هر دو را پیش بنویسد

دانستن موافقت

آتش باد خاک آب اما باد خاک موافق آتش خاک موافق آب خاک سزاوار آب باد برابد آتش با آتش باد بباد خاک بخاک خوب موافق باد با آتش موافق

ایضاً

شمس محبت نویسد زحل عداوت مریخ دشمن زهره محبت قمر خواب بند عطارد مرد بند مشتری مهر و محبت از ساعت نامه شیخ عبد الجلیل در روزها و شبهای ایام هفته

ساعات روزها	ساعات شبها
روز شنبه	شب شنبه
اول روز زحل [illegible] بنویسد [illegible] نیک بنویسد [illegible] بغض بنویسد [illegible] عطارد [illegible] عقد الالسن [illegible] بنویسد	اول مریخ بغض [illegible] شمس [illegible] زهره دو[illegible] عطارد [illegible] صبح [illegible] بنویسد والله اعلم

یا بدوح یا بدوح یا بدوح

[illegible] کنند تا اجر [illegible]

دعای وقت استخاره از کلام الله

اوّل یکبار حمد و سه بار قل هو الله بعد ازان آیة الکرسی و صلوات و آیه وعنده مفاتح الغیب لا یعلمها الّا هو و یعلم ما فی البرّ و البحر الی آخر اللّهمّ انّی توکّلت علیک و تفألت بکتابک فارنی ما هو المکتوم من سرّک المکنون فی غیبک یا ذا الجلال اللّهمّ ارنی الحقّ حقّا و ارزقنی اتّباعه و ارنی الباطل باطلا و ارزقنی اجتنابه برحمتک یا ارحم الراحمین

روز یکشنبه	شب یکشنبه
اوّل روز شمس دوستی باشد چاشت زهره دوستی نزدیک عطارد روز زبان بند شاید پیشین قمر را شاید حب میان دو نماز زحل دشمنی نماز دیگر مشتری حب را شاید آخر روز مریخ بست عداوت را	اوّل شب زبان بند عطارد نماز خفتن قمر دوستی نیم شب زحل دشمنی بانگ خروس مشتری صبح کاذب مریخ دشمنی صبح صادق شمس دوستی را شاید انشاء الله تعالی
روز دوشنبه	**شب دوشنبه**
اوّل روز قمر دوستی چاشت زحل عداوت نزدیک زوال مشتری دوستی نماز ظهر مریخ بغض میان دو نماز شمس حبّ آخر روز عطارد زبان بند۔ نویسد خالد هندی انشاء الله	اوّل شب مشتری عشا مریخ عداوت نیم شب شمس محبّت بانگ خروس زهره دوستی صبح صادق زحل دشمنی صبح کاذب قمر محبّت نویسد البتّه انشاء الله
روز سه شنبه	**شب شنبه**
اوّل روز مرّیخ عداوت چاشت شمس حبّ عطارد ما بین قمر حبّ عصر زحل آخر روز مشتری حبّ نزدیک زوال زهره دوستی را شاید انشاء الله	اوّل شب زهره حبّ عشا عطارد زبان بند نیم شب قمر حبّ بانگ زحل عداوت صبح کاذب مشتری حبّ صبح صادق مریخ و دشمنی نماز صبح شمس انشاء الله
روز چهارشنبه	**شب چهارشنبه**

حضرت امیرالمؤمنین بعد از حمد و سوره اذا زلزلت و ناد علی خوانده بیک قلم سیاه باین طریق ...... نقطه زند و در رمل کشد اگر ذکر شده معلوم شود بعد سبب مال یا غم بعد از رمل هفت هفت طرح کند یکی ماند از قبل پادشاه دو ماند از نسوان سه ماند از مولود چهار ماند از اقوام پنج ماند از دهقان شش ماند از برد هفت ماند از فلان زن بیمار منی دو دوستانش دیگر چهار چهار طرح

اول روز عطارد زبان بند خواب بندے نیم چاشت قمر حب نزدیك زوال زحل دشمنے ظهر مشترے — حب وقت مشترے مریخ دشمنے نو بسید نماز دیگر شمس آخر روز زهره حب درد دو نشاید	اول شب زحل دشمنے نماز خفتن قمر حب نشاید نیم شب مریخ بغض اول بانگ شب حب صبح کاذب زهره را شاید صبح صادق عطارد زبان بند وقت نماز مشترے حب نشاید
روز پنجشنبه	**شب پنجشنبه**
اول روز حب مشترے شاید نیم چاشت بغض مریخ زبان بستن زهره ظهر دوستی را شاید میان دو نماز عطارد زبان بند نماز عصر حب بستن بنویسد آخر روز زحل بغض نویسد فائده دارد	اول شب شمس محبت نماز خفتن زهره حب نویسد نیم شب عطارد زبان بند بانگ قمر حب صبح کاذب زحل عداوت صبح صادق مشترے محبت نویسد وقت نماز مریخ عداوت نویسد
روز جمعه	**شب جمعه**
اول روز زهره را شاید چاشت عطارد زبان بند وقت زوال قمر حب را شاید زحل دشمنے میان دو نماز مشترے محبت عصر مریخ عداوت را شاید آخر روز محبت را شاید بنویسد	اول قمر محبت نماز خفتن زحل بغض عداوت نیم شب مشترے محبت را شاید بانگ خروس زهره محبت صبح کاذب شمس حب نویسد صبح صادق مریخ عداوت شاید وقت نماز زبان بند
طریقه دیگر دهد اول ما	**نسخه دیگر مشترے محبت**
محبت تسخیر قلوب را شاید بنویسد	زحل دشمنے عطارد زبان بند

طرح کنند یکی ماند دشمن

دو ماند بد دوست است

سر دو ماند [illegible] دوست

است بباطن دو دشمن

چهار ماند دو دوست

دو دشمن دو دوست

[illegible] طرح کنند یکی

بشکست زبان بیخ بیعند

باید بست ادو

دو دو طرح کنند یکی ماند

ظاهر شود اگر دو ماند

ظاهر نشود

فرد امتیاز دو دو

سر سر طرح کنند یکی ماند

است دو ماند [illegible]

کاسه بسیار است چهار

طرح کنند یکی ماند

چهار طرح دو ماند

[illegible] ماند طرف

[illegible] ماند طرف

شمال چهار ماند بسیار باید

[illegible] طرح کنند

[illegible]

دو دو امتحان [illegible]

بیابد دو ماند مال نه باید والله اعلم بالصو

و یدن جیب و باشد

عکس نسبت

دو ده و طرح کند یکی ماند

نعا ند دو ماند نتواند

دید والله اعلم و

فرن مسیب [illegible]

طرح کند یکی

سیم ماند مستوره دو

ماند مستوره بیست

ماند دعا نشود است

سر ماند دعا

فرح داخل

سر سه طرح

کند یکی ماند حمل ندارد

دو ماند حامله نشود

ماند حامله بیمار سر طرح

نهم دو قسم خواب زبان بند
دهم سیم ماه عداوت و دشمنی نویسد
باید دانست که هر روز را هفت قسم
کردند چنانچه ذکر شد و هر قسمت و
ساعت بیکی از کواکب تعلق دارد
پس هرگاه دانستی که طالع در کدام برج
جست و ان برج بکدام کوکب تعلق
چه از ذکر چون دانستی روز را باید
بدانی ان هفت قسم را که هر روز به
هفت کوکب قرار داده اند کدام
ساعت روز است باید در همان ساعت
عمل نماید مثل اگر حب را سمش شاید

شمس قمر مریخ زهره
خواب بند باطل السحر بیماری شفا
دعا نویسد باید دانست که طالع
هرکس را بچه چیز باید نوشت طالع
زحل با سرکه و زعفران نویسد
با گلاب و زعفران و مشک طالع شمس
مریخ بشنجرف و چون مریخ طالع
عطارد را بمشک و زعفران بنویسد
و طالع زهره را نیز بمشک و زعفران
اما در جای خلوت نشیند و بدون سخن
گفتن تا عمل شود بتمام مراعات
و مزا نماید تا خطا نه شود

و دیگر در نسخه دیگر مذکور بود در وقت قط زدن قلم دعائی را بر
خواند و بتراشد و در موسمی که وارد شده قلم بتراشد و بنشیند و سر خط بر
دور خود بکشد و در وقت خط کشیدن این آیات بخواند بسم الله الرحمن الرحیم
وکفی بالله شهیدا محمد رسول الله الله لا اله الا هو له الاسماء
الحسنی المستغیر برحمتک یا ارحم الراحمین و چون تعویذ حب
نویسد این نامها را نیز بنویسد العجل العجل الساعة

حمره بیاض

کند یکی ماند عتبه

دو ماند شفا باید

سه ماند طول بکشد

صدقه دهد سم

طرح کند یکی ماند

کشد دو ماند سفر

مبارک سه ماند

زود باز آید

اعداد غایب

طرح کند

هفت هفت طرح

یکی ماند ادیر

نسبت غایب

فتح باید

غایب بیابد بعجز کند

است سه ماند

دو ماند غایب بدو

یکی ماند غایب آید

سر سه طرح

بجلد و عمل کند

یکی از ذنب دو از خون
سر از غاد و جهار از
کرد یا بنج از خون نشش
از سود بنج هفت از بر
بعداوت کردن
جها دجهار طرح کند
یکی از خواهر اند دو از
نبانات سر از جها دیاو
جهار از افتر و کرد
پیش صیصیر دو [illegible]

الساعر الساعر الوحا الوحا اهیّا اهیّا اصباو اصبات بحق بطاشیّا بطشیّا بطشیا بحق انشخ کنشخ اهتج مهتج یا بدوح یا بدوح یا بدح نغویذ والسمات مازبات نوسید نوخوس را بسوزاند ودر وقت نوشتن سر برهنه باشد دعا را بخواند وقلم را ببرتراشد وبر گرد خود خطی بکشد وتا دعا را تمام نکند سخن نگوید ودهان نگشاید تا تمام شود وهرگاه باین شروط عمل نکند وضایع شود برعامل فقیر باشد لعنت کند **دعای قلمتراش اینست**

بسم الله الرحمن الرحیم الملك الجبار العزیز الغفار الواحد القهار انك علی کل شیء قدیر غفلت قلب فلان بن فلان هذا المکتوبات غفلت قلبها وعینها واذنها وسمعها وبصرها وکلامها وراحتها وقرارها علیکم ایها الارواح انکنتم خرجتم علی عهد سلیمان اعظم علیکم باحزاب باجذا ذالبحر والوسواس ومن جنود ابلیس ومن جنود اول اولین ومن جنود جمیع الجن والشیاطین وبحق سبّد لد وبحق سبّد نا سند راسوا لد علی الخاتم یا جود هذه العزیمة برحمتك یا ارحم الراحمین **از اختیارات** مجلسی مذکور است **روز جمعه** ساعت اول هشتم نوشتن دعاهای محبت وهیکل حرز مناسب است روز شنبه ساعت اول هشتم عداوت بنجات وطلسمات نزخوب است **روز یکشنبه** ساعت اول هشتم محبت تالیفات عوام تسخیر ملوك چه خوب است

[illegible] وزن کند یکی ماند دو دو طرح پیش
دو وزن بماند دو بیش
مرده والله اعلم بر
بواصلان کار دها
دو دو طرح بماند
یکی ماند کار برابد
دو بماند کار بر باید
خبر یابد کرد البتة
عداوت دو نفر

فالنا

جهار جهار طرح
کنند یکی بماند صلح
دو بماند نجات سم
بماند صلح و نجات
بماند صلح طول کنند
جهکرت کردن
خو نسبت کنند یکی خوب است
دو دو و طرح ماند دو به
بماند خبر ماند دو
کشتن جعور
دیگر حکما گفته اند
اگر جوانه کرم شود
در ایام [illegible] وحکم ان
سه شنبه
کشته باشد به
طرف دیار برود
یا دو دزد هشتم این
کشتن بیابد مشتوی
بتوفیق خدا
در

دوشنبه
کمرشید باشند بجانب
شمال بجنبه دارند بعد
از کمرشید پیدا شود
و نفع تمام نماید الخ

سه شنبه
میان جنوب مشرق بگردد
با پنج روز پیدا شود
انشاء الله تعالی

چهارشنبه
طرف شمال بگیرد دو روز
ششم پیدا شود
انشاء الله تعالی و الله اعلم

پنجشنبه
سمت مشرق بر گردد بعد
شش روز بگیرد بعد
پیدا شود انشاء الله

جمعه
و
روز پیدا شود لیمیت در
قبله بگیرد دو یا هفت روز
پیدا شود انشاء الله

روز شنبه ساعت اول هشتم عزائم جن و دعا بمصروع دادن و عقد اللسان روز سه شنبه ساعت اول هشتم بغض عداوت جدائی اراده کردن برای اکثر کارها چهارشنبه ساعات مذکور تسخیر قلوب و احضار و تسخیر ارواح شیاطین نوشتن مناسب دانسته روز پنجشنبه ساعت اول هشتم جذب و فتح الرجال محبت و عزت و مرتبات و عقد اللسان نوشتن مناسب است

فالنامه امام جعفر صادق علیه السلام

اما بعد این فالنامه ایست که امام جعفر صادق ع از کلام ملک علام استخراج نموده هر گاه کسی مطلبی داشته باشد و بداخواهد باید بعد از نیت وضو خواندن ادعیه و نظر بست در بغل نماید انگشت بعدد محسوب دارد و در همان عدد و بروج معلوم

حمل اول	ثور ۲ و ۲	سرطان ۳ و ۳
و جعلنا لکم [illegible] مالا و [illegible] زن باد دنیا بشارت و [illegible] عزت و کفایت مهمات و حاجات انشاء الله تعالی	فرحین بما اتیهم الله من فضله [illegible] و بر مراد دل [illegible] انشاء الله تعالی	و اسر النبی [illegible] در این فال نتیجه و فضل [illegible] نصرت [illegible] انشاء الله
جوزاء ۱ و ۴	اسد ۲ و ۳	سنبله ۱ و ۳
فصبر جمیل [illegible] صبر کن و مقصود [illegible] دل [illegible] انشاء الله	یا ایها الذین [illegible] انشاء الله تعالی	[illegible] انشاء الله تعالی

فالنامه
استخاره از کلام الله
روایت از ابن طاوس علیه الرحمه اول حمد و توحید و ابتدا الکرسی و آیه و عنده مفاتح الغیب لا یعلمها الا هو الی آخر کرده [illegible] نام ساعت بخواند و بعد از آن مصحف را بگشاید و از طرف راست لفظ جلاله را بشمارد و بعد از آن صفحه [illegible] بعد همان لفظ جلاله را بشمارد یعنی بعد همان لفظ

لفظ بشمارد و بعد
ازان صفحه ۷ بیست
داشته بعدد همان لفظ
سطر بشمارد و همان سطر
اخر را ملاحظه نماید
اگر امر است و وعده بشارت
ان امر را خوب دانند
و اگر نهی است یا وعید
بد است و حال انکه نه
امر است و نه وعد و نه
نهی و نه وعید ان امر را
میانه دانند مراد از و
عد صفت جنت
است و وعید صفت
دوزخ است نعوذ
بالله نوع دیگر
از حضرت امیرالمؤمنین
علیه السلام منقول
است که هرکه خواهد اهل
مشورت با کلام الله

فائده

کند سه بار فاتحه
بخواند سه بار ان دعاء
مذکور را بخواند و مصحف
را بگشاید و از دست
هفت ورق را بگشاید و از ورق هفت
و بعد از [illegible] و بعد از صفحه
را بشمارد و بعد هفت
دسته را شمارد در اول
سطر بشمارد و هفتم نظر کند
[illegible]
خیر [illegible]
[illegible] کند و اگر [illegible]
استغفر [illegible]
[illegible]

میزان ۴ و ۴	عقرب ۱ و ۴	قوس ۲ و ۴
یوم تجد کل نفس [illegible] دراین خواهش بعد از رنج [illegible]	و نصر من الله و فتح قریب [illegible] مطلب حقیقی [illegible] میکند و جمع [illegible] وارد انشاء الله	و اسبغ علیکم نعمه ظاهره و باطنه بشارت [illegible] و بکام دل رسید [illegible]
جدی ۳ و ۲	**دلو ۵ و ۴**	**حوت ۱ و ۵**
و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه صعوبت [illegible] و تصدق بده که هر بلا [illegible] تا دفع بلا از تو شود	[illegible] الشیطان [illegible] خصومت مکن [illegible] پرهیز [illegible] احتیاط است	[illegible]
شمس ۲ و ۵	**قمر ۳ و ۵**	**زحل ۵ و ۵**
[illegible] یهب لمن یشاء [illegible] العزیز الحکیم [illegible] مطلب [illegible] انشاء الله	والقمر قدرناه منازل حتی عاد کالعرجون القدیم [illegible] انشاء الله	و نجیناه من الغم و کذلک ننجی المؤمنین [illegible] انشاء الله تعالی
دعای استخاره	**ایضاً از حضرت رسول صلعم مرویست که چون**	
[illegible] اللهم [illegible] انت الحق [illegible] بحق [illegible] ارحم الراحمین [illegible] بعد از استخاره	بکاری خواهش مشغول شوی بر نیت درست و صدق پاک انگشت بر سر این خانه ها بگذارد که شرح هر خانه از خوبی و بدی ان کار علاحده ذکر میشود معمول دارد	
خانه های مطالب بیست که در خانه بعد ذکر میشود والله اعلم		

خود وقت قوت را باید از
خطها بعین کرده عمل
ر باید هد الله اکبر لا
دیار یا با صاحبتر
لیکن مشغول دیت را با بر بنیق
کرده دال بر [illegible] و مراد ایکن د
[illegible] کار [illegible] ای
[illegible] باید د [illegible] یمن او
[illegible] کرده و منفعت
ملیشود و دال بر
و رحمت اکس
برابد در کار ب
دهنه را باید اکس

یک انا فتحنا لک فتحا مبینا					
بدانکه بعضی نصرت و [illegible] فتح و [illegible] [illegible] زود [illegible]					
	٣	٧	١	٢	٦
	٤	١	٨	٥	٩

دو ثانی اثنین اذ هما فی الغار	سه وعلى الثلاثة الذين	چهار فخذ اربعة من الطير
بدان از این نیت مشرف بیع تعاید گردد و ایمن باشد حق یعنی و لیکن در سفر امارت شود که از آن باشد [illegible] بعضی [illegible] زیان مرتب [illegible]	بدانکه اندوه از تو رفته باشد [illegible] هذا الجمع [illegible] تو را باید [illegible] و صبر کنید [illegible] نصرت تو را [illegible] بعد از [illegible]	بدان که [illegible] جمع [illegible] شغل [illegible] ایشان [illegible] باید [illegible] بهتر [illegible]
پنج ویقولون خمسة	شش فی ستة ایام	هفت وسبعة اذا رجعتم
بدان که [illegible] تو معقول [illegible] نیت [illegible] و صلح و [illegible] شود [illegible]	بدان که [illegible] دوستان [illegible] عداوت [illegible] زبان [illegible] اکبر [illegible]	بدان که [illegible] خصومت [illegible] از کار بد [illegible] در دو زبان [illegible]
هشت ثمانية ازواج	نه تسع آیات بینات	استخاره دیگر
بدان که دل [illegible] مهمان [illegible] رفتن [illegible] خفقان [illegible] کنی [illegible] خوب [illegible] انشاء الله تعالی	بدان که [illegible] اما [illegible] فاطمه [illegible] بیان [illegible] دوست [illegible] والله اعلم بالصواب	نقل است از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام هر که خواهد بد و نیک کار خود را

[illegible]

و دهنه را باید ابرو
مفهوم دارند را باید
س کار سعادت دارد
اکبر بیش را باید
بدو نیک طفل را باید
اکر صبر بنماید
چند روز صبر
کند اکر صبر نماید
دال بر شی کرده
در آخر بیرون آمد
از فقر و فاقه اکر
ط برآید بر هر کار
انشاالله تعالی

انجام کار جزء بود
وقع [illegible] الکفر برآید
مطلب [illegible] برد
[illegible] اکر [illegible]
[illegible] یقین [illegible]
[illegible] نمود [illegible]
انقضا [illegible] برابر در

با کاروش برابر – اگر ف برابر امید ریشانی و غم برابر ح اید اگر ق برابر مقبول القول کرده اگر ل برابر باید در خصومت افتد اگر ك برابر بسیار خوب است اگر م برابر باید صدقه بدهد اگر خوب باشد اگر ن برابر باید بسیار خوب است و اگر [illegible]

بداند بعد از وضوء و نیت رو بقبله نشیند صلوات فرستد دانه ناشمرده بردارد بعد از آن هشت هشت بردارد و طرح کند هرچه ماند نیک و بد در جدول ذیل معلوم گردد

١	زهره	در این نیت عیش و شادی رو دهد انشاء
٢	مریخ	این نیت بسیار بد است مرتکب نشود
٣	ذنب	از این نیت جنگ و خصومت پیدا شود
٤	زحل	در این نیت جهد کن بمراد برسی انشاء تع
٥	مشتری	در این نیت چند روزی صبر کن
٦	قمر	این نیت خوب است بمراد دل برسی انشاء تع
٧	عطارد	این نیت مبارک باشد صدقه بده
٨	شمس	در این نیت چند روزی صبر کن

فالنامه معتبره اول نیت کند بعد حمد یکبار و صلوات ده مرتبه و آیة الکرسی یک بار بعد انگشت بالای این خانها بگذارد و همان حروف بیاید پائین یا بالا الاضم نماید کلمه میشود از بد و خوبی معلوم نماید تا آن و حروفات در این جدول ذکر ذکر میشود هر که شک بیاورد مطلب مطابق واقع –

درست نیاید وحدوله

در صفحه
بیست
بعد ا

فالنامه حضرت امام رضا علیه السلام تعلیم فرموده دو رکعت نماز بکند و بعد از نماز صلوات مرتبه استغفر الله بگوید و نظر کند بدل خود بر هر بیتی در هر دو عنبت عبادت از دو رفتن و نزدیکی و از کید [illegible] [illegible] والله اعلم بحقایق الامور مرحوم مجلسی [illegible] احتیاط [illegible]

ب	ب	ا	ا	ی	ت	ت	ت	ب	ب
س	س	خ	خ	ا	د	و	و	م	م
ی	ی	ر	د	ع	ک	ف	ف	ط	ق
ا	ا	ش	ا	ل	ک	ی	ی	ل	ل
د	د	خ	ی	ی	ن	ن	ق	ب	د
خ	ب	و	ن	م	ب	ی	ی	م	م
و	د	ب	ب	د	د	ا	ا	ی	ی
ب	ا	ا	د	د	ا	ف	ف	ر	ر
س	س	س	س	ک	س	ث	ث	س	س
ث	ث	ث	ث	ن	ث	ی	ی	ی	ی

قاعده استخراج حضرت ثامن الائمه علیه السلام

باستدعای مامون الرشید از ان بزرگوار تا محتاج برمل و سایر فن نباشد فرمود هرگاه کسی مطلبی داشته باشد و بخواهد خیر و شر انرا بفهمد بعد از وضوء با اعتقاد کامل الحمد و قل هو الله و آیه و عنده مفاتح الغیب تا اخر آیه بخواند و ده بار صلوات بفرستد و ان مطلب را اول از چهار دائره بردارد با ان حروف که در وسط ان دائره است انجم ثلاثه همان مطلب را از شش دائره دیگر بردارد با ان حروف وسط دائره را بعد همان دو جزو فرا زیر لد که مجمع الحروف است ابتدا نماید و بعد دو نفر دست در بغل نماید انگشتان بعدد محصور برون

استخاره مسبحه

علامه مرحوم [illegible] مسبحه را در مصباح از حضرت صاحب الزمان ع روایت کرده [illegible] مرتبه بخواند اللهم انی استخیرک لعلمک بعاقبة الامور واستشیرک لحسن ظنی بک فی المأمول والمحذور [illegible] خیرة فی عافیة [illegible] قبضه از مسبحه [illegible] اگر [illegible] امد بکن [illegible] امد مکن

استخاره ذات الرقاع

در کتاب [illegible] از کافی مرحوم شیخ کلینی ره از حضرت امام جعفر صادق ع روایت کرده [illegible] که چون اراده کاری [illegible] که در او مردد باشی در شش پارچه کاغذ [illegible] و در سه پارچه کاغذ بنویس بسم الله الرحمن الرحیم خیرة من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلانة افعله و در سه پارچه دیگر کاغذ بنویسد بسم الله الرحمن الرحیم

[illegible]

اورند ان وقت بشمارد همان انکشتان از ان حروف بشمارد تا هر کجا که منتهی شود و در برابر حروف اسماء الله را بر دارد پس همان اسم مبارک را در مطالب شرح بیاید بعد بهمان عدد بشمارد سطر را مثلا از سؤالیکه کرده بشمارد تا اخر عدد جزو شرح معلوم کردد بشرط این دو نفر از بالا بیرون اورند هر کاه عامل تنها باشد انکشت بالای اعداد کذارد همان عدد معمول دارد

دو	هفت	یک	نه	پنج
شش	ده	چهار	سه	هشت

چهار دایره این است

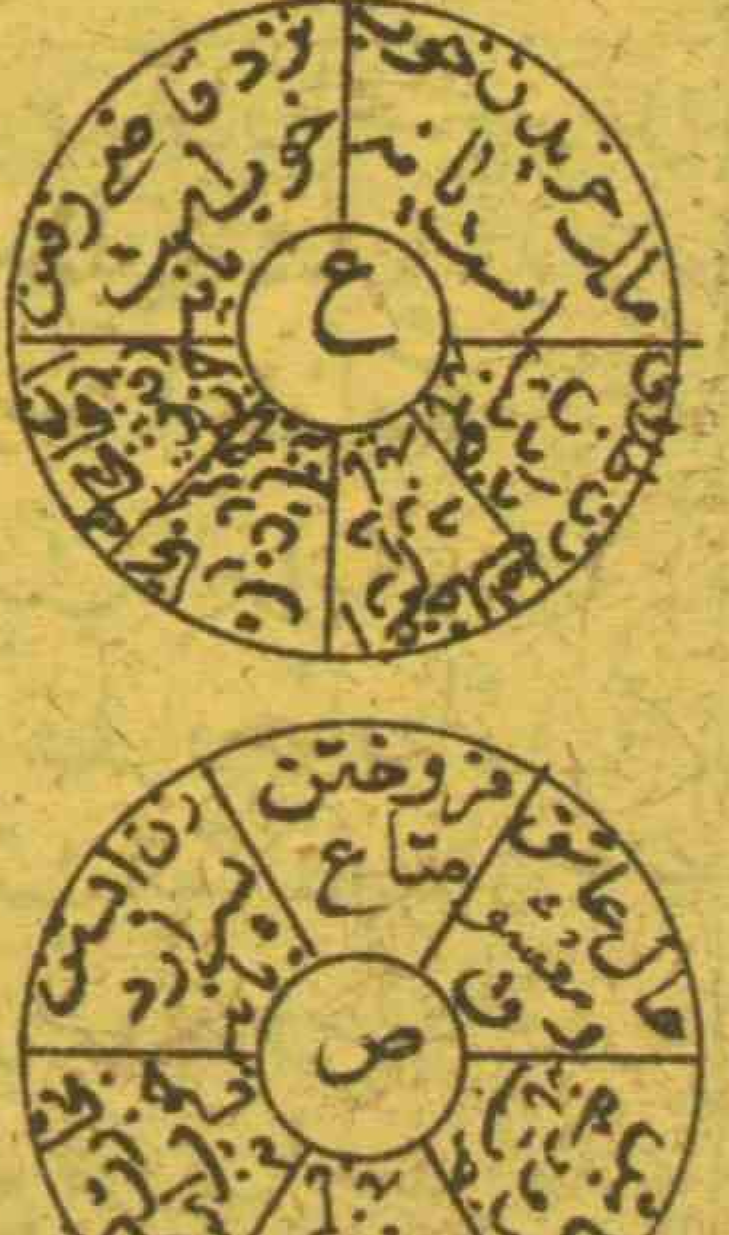

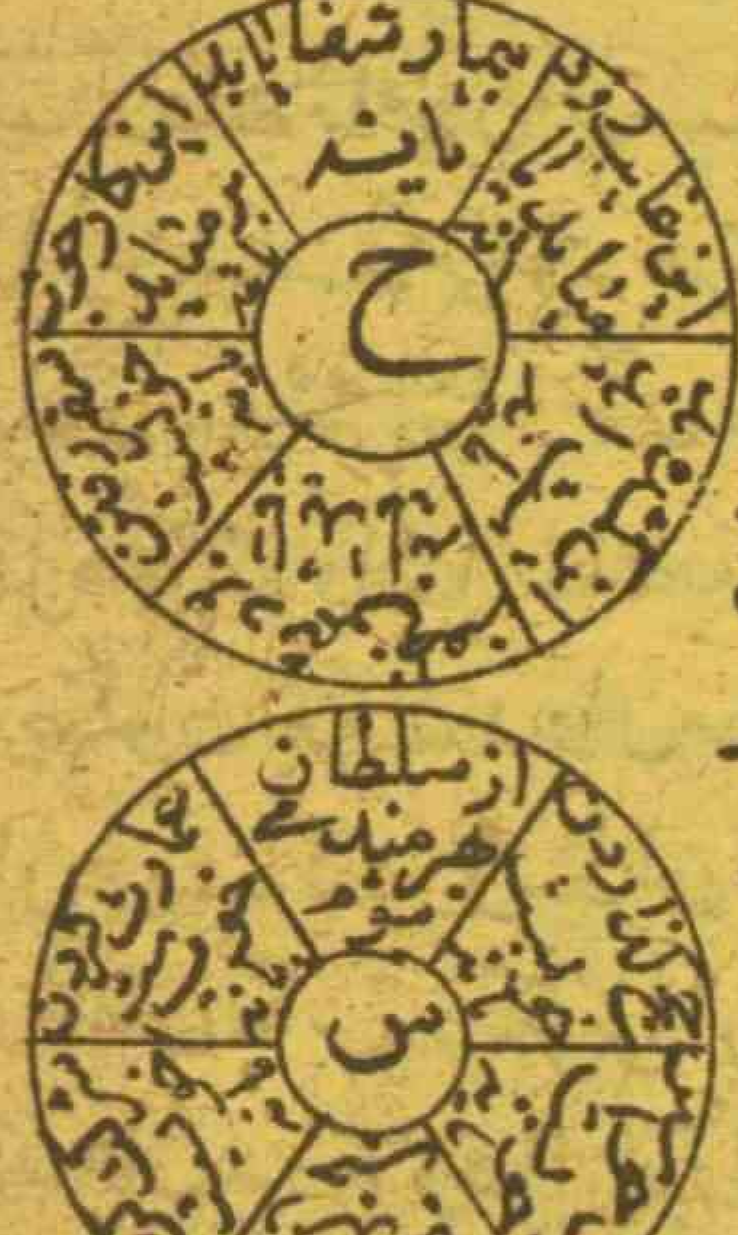

ان تجعل خیره من الله العزیز الحکیم لفلان بن فلان فلانه الی ان ... درین مقابل و انهار را در زیر جلد عزاز یکبار بعد در دو رکعت نماز کن و چون فارغ شوی در سجده صد بار بر کو استغفر الله و بگو جمره فی عافیه بعد از ان سلامی از سجده برداری و بنشیند و بگوید اللهم خره لی و اخیر لی فی جمیع اموری فی غیب منک و بعد از ان کل عدد هذا را برهم زن و بیرون اور انهار ابل بیک بیا کرسه یاد رجیم ابد درجه افعله بیرون ابد بیکان از کا اورا کبیرون مسم

فائده

باید لا تفعله امد پس ممکن ان کار را بیک کسا یا دیجید بیرون امد افعله و بیکبار هم بیرون امد لا تفعله بیرون پس با دیجید بیکبار بکن و دو مصلا خطر اورا اکبیر افعله باشد بکن و اگر بشرط لا تفعله ... شد الخیر ممکن

استخاره دف بنا صاحب مقال و در کتاب کلام از ائمه در این کرده که بعضی از اصحاب جوهری معدود اند که در کار ای

کارهای خود مشود زنا
یا الله ۱۳۰ با بن روزه
کردد دل خود فضا
ان کار کن و به نویس
بر دو یا ... کاغذ در
پیچ و دو ربع ... نعم
و داخل کن اشاره در
دو کلوله در کل یا
بعد دو رکعت نماز
کن و بکذار ان ها را
در دامن خود در دیر
دامن خود و بکو یا الله
ایه اشاو ودل ... و امر
هذا وانت ... سنار
و صبر وا ... علی ...
فیه صلاح و من علی
بعا فیه بعدا زان دو
حل کن دست خود را
در زیر دامن خود و
یکی ازان دو که
را بیرون اورد اکر نعم
یا باشد پس بکن و اکر
لا باشد پس مکن
و لا بنجز دیگر
اکر خواهی بنک و بد
کارهای خود را برتخ
اسم مبارک را علی در
بطریقیکه عوده شود
او دیکو علم سیاه
بنویسد ۲۰
حلقه از همان
سیاه بعط هم
زنش و زان هفتاد و نه

فانه مجرب

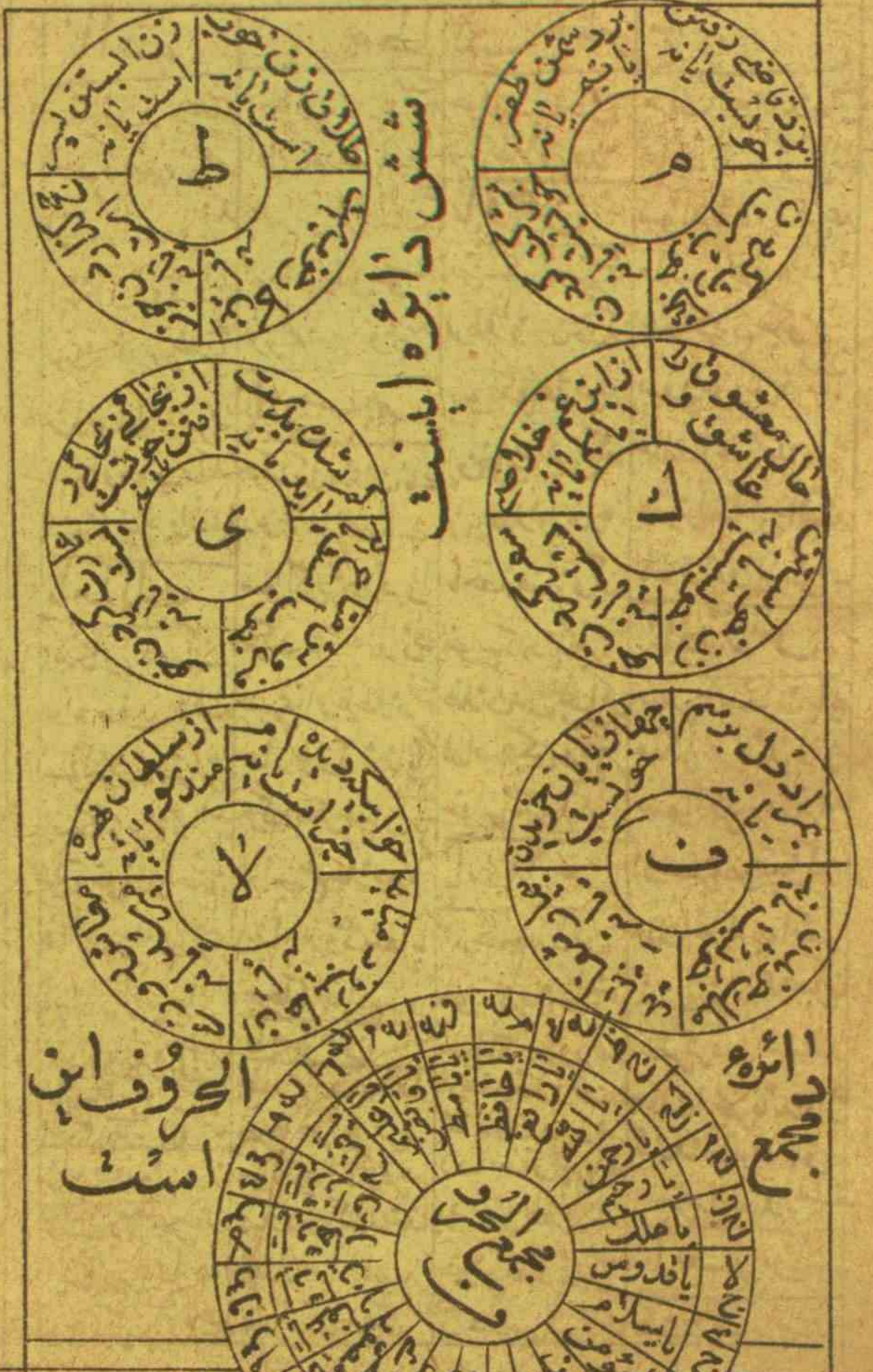

شش دایره اینست

دایره جمع الحروف این است

یا الله | **مطالب شرح**

یا الله

سؤال کردی عدد
نزد قاضی برو ظفر
از سلطان عزت یابد
اینکار بزودی بر آید
نزد قاضی برو ظفر یابی
نزد سلطان مرو
اینکار خوب بر آید
نزد قاضی مرو البته

یا مالک

اینکار را صبر کن
نزد قاضی برو البته
سؤال کردی عدد قرعه
اینکار بزودی بر آید
نزد قاضی ظفر خصم است
غایب میرسد اما صبر
اینکار بر آید بمراد دل
نزد قاضی مرو ظفر نیست
غایبکار براو دور
اینکار دیر بر آید

یا مهیمن

غایب بزودی میرسد
اینکار دیر عنا بد
سؤال کردی بعد قرعه

از جای رفتن خوبست
از این غم رهائی یابی
صبر کن بمراد دل رسی
از جای رفتن خوبست
از این غم فرج بتو میرسد

یا رحیم

حرکت کن سعادت یابی
زین غم خلاصی یابی
سؤال کردی عدد را
حرکت فائده ندارد
صبر کن از غم خلاص شوی
بیمار بزودی شفا یابد
حرکت مکن پشیمان گردی
از این غم خلاصی یابی
بیمار بزودی شفا یابد
هر جا که خواهی برو

یا مؤمن

بیمار بزودی شفا
هر جا خواهی برو
سؤال کردی علی قرعه
بیمار دور کشد شفا
بجائے مرو البته
دوست بتو میرسد

خوابی دیده خیر است
زن را طلاق مده

یا رحمن

خوابیکه دیده خیر است
از طلاق زن حذر کن
سؤال کردی علی قرعه
این خواب را بکسی مگو
زن طلاق مده
با خصم منازعه کن
خوابیکه دیدی خیر است
طلاق زن تعجیل مکن
مخاصمه مکن خیر است
خواب را بکسی مگو

یا سلام

از خصم حذر کن
خوابیکه دیدی خیر است
سؤال کردی بعد قرعه
از خصم حذر کن
بحر زیان دارد
زن آبستن پسر زاید
بر دشمن ظفر یابی
خوابیکه دیدی خیر است
زن آبستن پسر زاید

ملک را بخر فائده دارد
عمارت را بنا کن البته
سؤال کردی عدد قرعه
ملک را بخر فائده دارد
عمارت کردن نیکوست
سفر را عزم کن خوب است
ملک بخر فائده دارد
عمارت را بنا کن البته
با طرف مدارا کن

یا قدوس

سفر رو سعادت یابی
ملک را بخر فائده دارد
سؤال کردی علی قرعه
از سفر عرض حین کن
ملک را بخر که بد است
گمشده بتو میرسد صبر کن
سفر کردن ضرر ندارد
ملک را بخر فائده دارد
گمشده میرسد بتو
سفر مرو صلاح نیست

یا عزیز

گمشده بتو میرسد

یا علی

خواص سوره یس معروف بعفریتیه

راویان صحیح الاخبار روایت کرده اند که هر که خواهد که عمل او حفظ و خطا نه شود و اگر خواهد بنت غایب بغداد

تتمه

هفت نماز صبح مرتبه بخواند و بیاید طرف بلد مثل اهل حرمت سوره یس فلان بن فلان بن فلان را عیب جریان فلان را عمل یا مرحق در سنا عمل شود و اگر نقد خاص روی رند و بلد بالجمله کا عمل بعد هفت مرتبه بیسد و بخواند و بیان نعمت ارجمند و یکی به ثبت انبار زو نا غایب بنید بعید ربیت حقیقت هم کشت مطیع او بشنو زاید الی اخ اینکه بخواند بنام ایچ برایے دو و بحق او دو و ار خنده هم

طرح کند اگر یک دو نشست هشت ماند تیغ از صورت است الکریم ماند ید منا ید الکریم ماند و نهفت ماند بد اسوره دین بکند از نکوره و اکر ماند مال خوبست مواظبت بر این طریق

غایب بزودی برسد
اینکار بزودی برآید
تجارت مرو البته
غایب بکار خود مشغول
اینکار بزحمت برآید
تجارت کردن فایده
غایب بزودی برسد

یا خالق

تجارت بغایت خوبست
غایب بتو میرسد
سوالکرد بعدد قرعه
تجارت کردن خوبست
غایب بتو میرسد
حج گذاردن خوبست
تجارت برو نفع دارد
غایب میاید صحیح
در این تو تشنج مضر

یا قهار

چیزی داد مفروش
معشوقه بد بکرست
مراد دل برسی
چیزی داد مفروش
معشوقه مراد دل بتو نیست
مراد دل برسی انشاء

بیمار شفا یابد
از جائی بجائی رفتن خوب
دوست بتو میرسد
بیمار بزودی صحت یابد

یا متکبر

معشوقه بتو میرسد
بیمار بعد هفته شفا یابد
سوالکردی عدد قرعه
معشوقه بتو میرسد
بیمار بعد چند شفا یابد
چیزی مفروش البته
دوست بتو بیکدیگر برسد
بیمار بزودی شفا یابد
چیزی مفروش البته
دوست بتو میرسد

یا غفار

متاع مفروش البته
سوالکردی عدد قرعه
روزی تمام بتو میرسد
زن دختر زاید —
در شرکت حذر کن
روزی تمام بتو میرسد

یا رزاق

شرکت فایده ندارد

از خصم حذر کن

یا جبار

زن ابستن پسر زاید
از دشمن حذر کن
سوالکردی عدد قرعه
زن دختر زاید البته
بر دشمن ظفر یابی
معاش روزی بتو میرسد
زن ابستن پسر زاید
بر خصم ظفر یابی
مژده باد ترا روزی زیاد
زن ابستن پسر زاید

یا مصور

روزی زیاد میرسد
زن ابستن پسر زاید
سوالکردی عدد قرعه
روزی بتو میرسد
زن بخواه صلاح است
چهار پا بخر فایده ندارد

یا وهاب

زن خواستن برکت
چهار پا بخر فایده دارد
سوالکردی عدد قرعه
زن خواستن تعجیل مکن

سفر را صبر کن
سوالکردی عدد قرعه
گمشده بتو میرسد
سفر مرو نفع ندارد
چهار پا بخر فایده دارد
گمشده بتو میرسد
سفر برو خیر دارد
چهار پا بخر فایده دارد
گمشده بتو میرسد

یا بدیع

چهار پا بخر فایده دارد
گمشده بتو میرسد
سوالکردی عدد قرعه
چهار پا بخر فایده دارد
گمشده بتو میرسد
زن بخواه صلاح است
چهار پا بخر فایده دارد
حج برو توفیق یابی
در تجارت سود یابی
سوالکردی عدد قرعه
حج را موقوف دار
تجارت را موقوف کرد
از سلطان حذر کن
زن خواستن تعجیل مکن

هار در قتل را واقع شدن
باشد دوستی و
[illegible] بدو واکسیر هفت
و پاره صندل هفت بار
عنبر و ساعت هفت رحمن
و اشتری هفت [illegible] و برانش هند بار
[illegible] مسعود دو [illegible] از آن بار
[illegible] بخواند [illegible]
بار و ردو فلفل سفید
سیر و بار بد بران خوان
بنام مطلوب و نوع
بکوبد و در میان
چراغ [illegible] فتیله العوده کند
و روغن [illegible] دران
بریزد و در وی چراغ
را بسوزد خانه مطلوب
کند تا مراد حاصل
کند و دو بکرد روم
بپنجشنبه اول ماه
وقت آمدن آفتاب
این سوره را هفت
بار بر موم سفید
بخواند و بگوید الهی
دل و جان فلان بن
فلان را به محبت من
محبت فلان نرم کرد
گرداند بحق سوره
عنایت و [illegible] وان
موم را با خود دارد
تحبیب [illegible] شود
[illegible] عنایت قرار
[illegible] که باشد
[illegible] این سوره
بسم [illegible] بعیند
[illegible] بخواند و [illegible]
کند و حاجت
[illegible] دو بد [illegible]
[illegible] باطل گردد

بعون [illegible] بسوره [illegible] فلان
[illegible] تعالی و [illegible] بگذارد
[illegible] بخوانند و [illegible]
[illegible] بخواند و دل [illegible] جمع
[illegible] را [illegible] بخوانند
[illegible] و [illegible] سوره
[illegible] و [illegible] در زعفران
[illegible] الکرسی [illegible]

بخوانند بر نیت الکرسی فلان
و حاضر کردان در حال
حاضر کرده و الکرسی
سوره را با آب بخوانند
و با آن آب غسل کنند
و وضو بسازد و دو
رکعت نماز بجا آورد
و در هر رکعت بعد
از حمد ۹ مرتبه قل
هو الله احد را

تم

خواند و بعد از شرع
سلام مرا حاجت
عرض [illegible] در رجوع
الله [illegible] و از حضرت
اثر تعالی [illegible] منقول است
صادق ع [illegible] رسول ص
که حضرت [illegible] سوره
فرمود که هر که [illegible]
[illegible] را بخوانند و

نج برو فائده بینی
تجارت صلاح نیست
از سلطان عزت یابی
نج برو بغایت خوب نیست

یا علیم

از سلطان فایده یابی
نج بغایت خوب است
سوال کردی عدد قرعه
از سلطان عزت یابی
نج بغایت خوب است
نزد قاضی برو ظفر یابی
از سلطان عزت یابی
نج برو توفیق یابی
نزد قاضی مرو البته
از سلطان دور شو

یا رافع

نزد قاضی برو ظفر یابی
از سلطان جاه یابی

چیزی مفروش البته

یا فتاح

بمراد دل برسی اما
چیزی مفروش نفع ندارد
سوال کردی عدد قرعه
بمراد دل برسی اما
چیزی مفروش البته
از غم شادی میرسد
بمراد دل برسی
چیزی نفروش البته
از غم شادی میرسد
بمراد دل برسی

یا حافظ

از این غم شادی میرسد
بمراد دل برسی
سوال کردی عدد قرعه
از غم صبر کن بمراد برسی
بمراد دل برسی انش

معاش روزی بتو برسد
سوال کردی بعدد قرعه
شرکت سود ندارد
معاش روزی خوب نیست
زن را طلاق بده خوب نیست
شرکت نفع دارد
زن را طلاق مده
معاش بتو میرسد
شرکت عزیمت کن

یا باسط

زن را طلاق مده
در شرکت عزیمت کن
سوال کردی عدد قرعه
طلاق زن بتعجیل کن
شرکت مکن حذر کن
تعبیر خواب بخیر است
در طلاق زن تعجیل مکن
شرکت را سعی کن

جهاد بجز فایده دارد
در عمارت سعی کن
زر مخواه صبر کن
جهاد بجز فائده دارد
عمارت را سعی کن البته
زن بغایت مبارک

یا قابض

در عمارت بتعجیل کن
زن مبارک است
سوال کردی بعدد قرعه
عمارت نکردن مناسب است
در زن بتعجیل کن
خریدن ملک نفع دارد
عمارت کردن خراب است
زن مخواه غلط عظیم است
ملک را مخر فائده ندارد
در عمارت صبر کن
والله اعلم بحقایق الامور

فالنامه امام جعفر صادق ع

که ایجاب استخراج فرموده و بغایت پسندیده و تجربه ها کرده اند طریقه اینست بعد وضو یکبار و سوره اخلاص سه بار آیة الکرسی یکبار و آیه و عنده مفاتح الغیب را با این دعا بخوانند بعد از بسمله ما شاء الله لا حول و لا

[illegible] را بخوانند و
[illegible] اسنادید
از [illegible] نقد [illegible]
[illegible] را [illegible]
[illegible] سوده [illegible]
[illegible] بخوانند
[illegible]
[illegible]
[illegible]

کسی که صدور ورزن باشد
بعد از نماز خفتن یکبار
سه بار بخواند و صلوات
بمحمد و آل او بفرستد
حق تعالی روزی او را
فراخ گرداند و اگر بگلاب
و زعفران بنویسد
و بعجم بکرید و در آب
زند از دو و آن آب را
مرد و زن بخورند و
بعد الیسوره نباید
بازوی زنی که آبستن دارد
تا شوهر محبت دارد
بیار دری حفظ فرزند
نشود بماند در خواص
و فضیلت سوره دیگر
بسیار بود در مقام
اختصار ذکر شد باید

ولا قوة الا بالله اللهم لک الدنیا والآخرة تؤتی من تشاء وتمنع ممن تشاء اللهم انک غنی فاعننی من الفقر والعلة واقض دینی و وفقنی فی عبادتک وارزقنی جهاداً فی سبیلک برحمتک یا ارحم الراحمین صلوات سه بار و انگشت سبابه را بالای یکی از اینجا نمبرهای پانزده گانه بگذارد عدد را مشخص نموده بشمارد انوقت مطلب خود را از دائره بردارد و برابر آن سوره را بردارد بهمان عدد مشخص سوره را بشمارد تا همان سوره که منتهی شد همانی سوره را در شرح مطلب بیابد

بعد همان عدد
تا هر جا که
خوبی و بدی
اما در جمیع
مراتب نموده
نشود
دائره

۱	۲	۳	۴	۵
۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵

سطر بشمارد
منتهی شد
را معلوم نماید
احوال رعایت
تا غلط واقع
فافهم
ایت ا

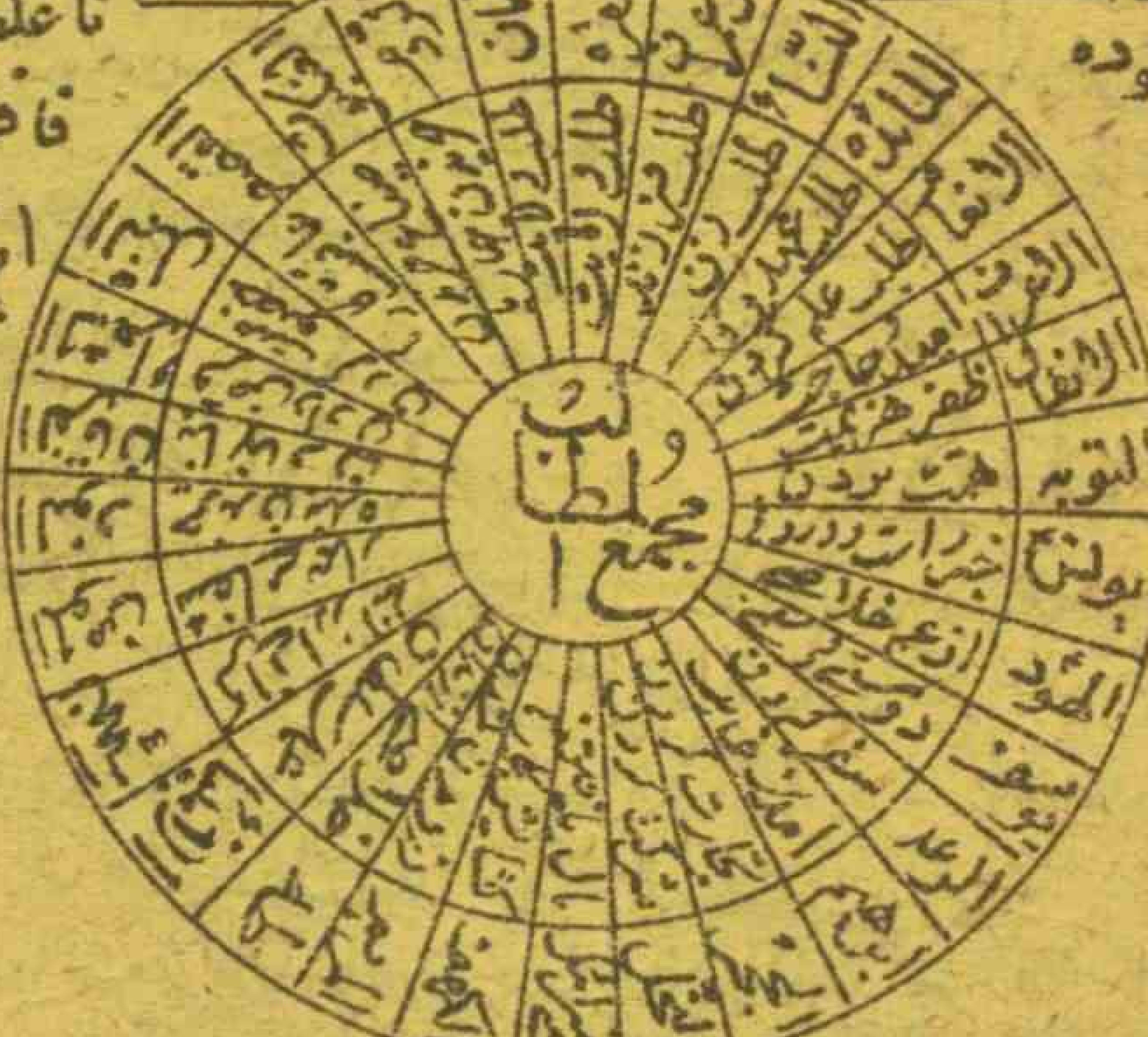

هر مطلب که دارد
مشرکه عدد نماید
بشمارد و انرا برابر
دعه بخواند بسم الله
الرحمن الرحیم یس ۱ الحمد
والقرآن الحکیم تا فتح اما
را بخواند
مبین این سوره و
السموات را بخواند
و حضد مطلب کند
انگشت خنصر

ولکن لطافت الحمد ۲
فی غوث [illegible]
فلا [illegible] محمد
یکی بد اللهم
ذوالحکم [illegible]
تیم در برم انا الفقر
و ایاک نستعین
بگوید ایاک نعبد
کند یا ارحم مرتبه
و عقد انگشت

المرسلین و الملائکة
المقربین وبحق
اعضا بحق ابناء
درحم وجبین وجمع
طلبی المحبة والجذب
فلان بن فلان بحق المحبة
اجذب قلب فلان بن
ارحم الراحمین اللهم
فی بیوت حل شانه
ناخرج تحبنك وقلب
لاینطق الا باذنه
الحمد لله اود فانه

والقرآن الحکیم وبحق یس
الم ذلك الکتاب
لا ریب فیه هدی
للمتقین الذین یؤ
منون بالغیب ویقیمون
الصلوة ومما رزقنا
هم ینفقون وبحق الم
الله لا اله الا هو
الحی
القیوم و
بحق الم تنزیل الکتاب لا ریب
فیه من رب العالمین
وبحق کهیعص و بحق
حمعسق وبحق طه ما
انزلنا علیك القرآن

سورة البقرة

رایت اسم الملك
لا بیع فیه ولا خلة
ومن اصنوا فیها
جنات عدن تجری
انما نعدهم عدا
عسرة فنظرة بینسا
ایها الذین امنوا
علیهم ربی انی
مسنی الضر فضنا
بسیرا الدنیا مکین
امین یبشرهم
ربهم لا تخف
نجوت ووجدك
ضنا لا فانفخ بلینی
وبینهم الذی

ولایت شاهی محکم
بود فروختن بنده
خوبست چهارپایان
ضیاع را بخر البته
خصومت بخر البته
قرض دادن را صبر کن
گرفتن این خوبست
بنا زود خراب کردد
بنده بخر نیکوست
بیمار بصدقه شفا
یابد تنگی وگرانی نرخها
میشود عمل سلطان
است عاقبت کارها
خوبست زندانی
خلاص شود گمشده
بیست اید کارها
گشاده شود

سورة آل عمران

نبشرك بیحیی
ما یملکون من قطمیر
فاواری سواة اخی
والخیل والبغال
نحن نرزقهم
وابتغوا حکما
والعافین عن
اسنوی بنیانه
او ما ملکت ایمانکم
ایاما معدودات
سبع سنابل فی
ومساکن طیبة
لك ایها العزیز
اذ اخرجنی من السجن
ونعلم ما تخفون

حفقعیر عطا فرما
پادشاهی بولایت بود
بنده را بفروش البته
چهارپایان را بخر
عاقبت کارها نیکو
خصومت صلح واقع
قرض را خدا میرساند
ابن سنامبارکت
بنده اطاعت کار
بیمار چند یوم بکشد
نعمت فراخ از انکر
ضیاع را بخر خوب
از عمل سلطان
خوبی ببیند اثر
زندانی زود خلاص
گشته اشکار شود

سورة النساء

وخلق منها
انی یکون لی ولد
وجعلکم ملوکا
وشروه بثمن بخس
الذی جعل لکم من
ومن ثمرات النخل

این زن بخواه مبارك
فرزند این پسر باشد
پادشاهی بزرگ شود
در نشانید فروشی
چهارپا بخر جز دارد
این ضیاع فایده دارد
عاقبت کار خوبست

سورة المائدة

اوفوا بالعقود
انی من ازواجکم
وضعتها انثی
لیستخلفنهم فی
وذروا البیع
سبحان الذی سخر
نخبرعالمین

عهد وفا بجا آورند
زن دیگر بخواهد
فرزند دختر آورد
ولایت بزرگی بود
بنده را بفروش البته
ستور را بخر مبارك
از ضیاع نشان ببیند

لتشقی الا تذکرة لمن
یخشی تنزیلا ممن خلق
الارض والسموات العلی
الرحمن علی العرش استوی
وبحق حمعسق وبحق
کهیعص وبحق المر
وبحق المص وبحق طسم
وبحق طس وبحق
والطور والشمس
والنازعات والتین
المرسلات والشفع
العصر

مرفوع والنجم والبحر المسجور
ويحق ن والقلم وما
يسطرون ويحق سورة
يحيج ويحق سورة القرآن العظيم
الكرسي اسماء الله
المفضل بسم الله الرحمن
ويحق العرش والكرسي
والملائكة المقربين
ويحق سموات السبع
والارضين السبع
والكواكب والنجوم
والسماء ذات البروج
واليوم الموعود ويحق
هود وشاهد ومشهود
والسماء والطارق
والنجم الثاقب ويحق
والفجر وليال عشر و
الشفع والوتر وذالك
لذي حجر

لعفوه امين قال
مثل ربح فيها
ومساكنكم لعلكم
او ما ملكت ايمانكم
ليبلوكم ايكم احسن
بنعمت من الله
لن يضروكم الا اذى
وله يخرجكم من ظلمات

خصومتش عاقبت خیرا ست
قرض ندهد و بگیرد
این بنا محکم ابدا ثر
بنده را بخر مبارکست
بیمارا نیکو شفا یابد
نرخ ها ارزان شود
از سلطان رنج کشد
زندانی زود خلاص شود

عاقبتهما انما
فليعمل العاملون
ونفخ بوق شیخ نفسه
بنیانهم الذی
فوجدا عبدا
الذین یذکرون
عام فیه نعاس
ولا ترکنوا الی الذین

عاقبت انکار خیرا است
با خصم برابر شود
قرض را زود دهد
این بنا نیکو گردد
بنده را بخر مبارک
بیمار بصحت شفا یابد
این سال برنج ارزان
از سلطان رنج کشند

سورة الانعام

سورة الاعراف

واعلم ما لا تعلمون
واوفوا بعهدی
فانکحوا ما طاب لکم
فبشرناها باسحق
لا یملکون مثقال
واحل الله البیع
والانعام خلقها
والزرع والزیتون
ابتغاء امواله لنبلا
فبهت الذی کفر
واحسن کما احسن
فوجدا عبدا
انه کان حوبا کبیرا
ولا علی المرضی ولا
وفاکهة کثیرة لا

در علم ماهر گردد
هر دو وفا کنند
زن را البته بخواهد
فرزند نرینه شود
پادشاهی بولایت بود
بنده را بفروشی بهتر بود
چهارپا را بخر خوب است
از ضیاع شادی بیند
عاقبت این کار دید است
خصومت نکند بد است
قرض خوب داده شود
عمارت کردن مبارک است
خریدن بنده خوب است
بیمار بصحت شفا یابد
هر نعمت ارزان شود

وواعدنا موسی
وعلمک ما لم تکن
یوفون بالنذر
فانکحوهن باذن
بنین وحفدة
وابعث ملکا
فامسکوهن بمعروف
هذه الانعام ما فی بطونها
فی سدر مخضود
ومن یعمل من الصالحات
وان تصلحوا
من ذا الذی یقرض
ومساکن طیبة
او ما ملکت ایمانهم
ان کنتم مرضی

مراد برود بخیر اید
علم اموزد بشهر ثابت باشد
عهد را خلاف کند
این زن را بخواه بترس
دال فرزند بمال باشد
دلیل پادشاهی بود
بنده خوب بفروشی بهتر بود
این ستور عیبها دارد
این ضیاع را بخر مبارک
عاقبت کار نیکو شود
خصومت بصلح آید
قرض را زود پس دهد
عمارت ضیاع نیکو بود
بنده خرید خوب است
بیمار دیر به شفا یابد

بحق والتین والزیتون
وطور سینین
وهذا البلد الامین
وبحق بیت الحرام
وبیت المقدس
وبحق حرمة انبیائک
واولیائک واصفیائک
وبحق عباد الله الصالحین
ورب العالمین

وبحق الصدیق والفاروق
بحرمة الصحابة والخلفاء
بحق قدر ما اهل الجنان
یا معین الضعفاء
واقع الدرجات
افضل عجایب
بحق ما تعالی بحمد
یا ارحم الراحمین
مرتبه بحق حرمة
تمام شد

واضرب لهم مثلا اصحاب
القرية اذ جاءها المرسلون
ذ لا يقوله وما علينا
البلاغ المبين اللهم
الا بعض وايا الذ
لسعفيق بعد يكغس
ما تعوذ سورة مجددا
مجوا الله بعض بعد يا يدر
كرنبه بعد ايا الذ بعد
وايا الذ دخلنا تسفيق
يسى بنحو اللاتم
انا الفقرة وانحا عقة

سورة الانفال		سورة التوبة	
ان تكن منكم	بر دشمنان ظفر يابد	وارتابت قلوبهم	همت برادش بد است
اجيب دعوة الداع	دعا تمام بمراد برآيد	بعد كفركم	نصرت ديگر برابر آيد
وعلم آدم الاسماء	هر كه بخواند علم در وى بشود	ان تدعوهم	اميد حاجت بر نيايد
وعهدهم راعون	عهد را خلاف نكند	لا يفقهون بها	علم بياموزى بجز مبر
ولا تنكحوا ما نكح اباكم	زن و بحرام شى نكن	من عهد وان	در وفا اورا تمام يابى
وهذا بعلى شيخا	فرزند به پيرى رسد	نشا لكم حرب	زن خوب بشايد خريد
الا يملك لهم	دليل پادشاهى نيست	وبنين شهودا	فرزند مال وار كردى
فتحرير رقبة من قبل	بنده فروختن آزاد شوى	قل اللهم مالك	ايزد تعالى عزت دهد
وان لكم من الانعام	ستور را بخر و بار كشد	اعملوا ما شئتم	بنده بمراد فرخنده شود
بواد غير ذى زرع	ضياع را بخر اصل هم	ودللناها لهم	ستور خريدن كشته شود
لا تخافوا ولا تحزنوا	مترس عاقبت كار بست	انهار خرما	ضياع را بخر غنا گشت
واصبر وما صبرك	در خصومت صبر كن	نفدا بيتمسك	عاقبت اينكار خوب است
واذا حييتم بتحية	قرض دادن خوب	فاصلح بينهم	در خصومت صلح كند
وبنينا فوقكم سبعا	اين عمارت محكم آيد	اذا انذرتهم بينت	بيهوده خصومت برسد
الحر بالحر والعبد	خريدن بنده بمراد آيد	مخشيفا	در اين بيا حذر كن

سورة يونس		سورة الهود	
ويستنبئونك احق	اين خبر بسيار است	نجينا هودا	از غم زود خلاص شود
بهتان عظيم	اين خبر دروغ	لا ريب فيه هدى	اين خبر درست است
لا تيأسوا من روح	اين كار ترا ظفر يابد	يظنون بالله	اين بهتر صبر دارد البشر
لا يائسوا من روح	مراد جمله روا گردد	فهم المنصورون	نصرت ترا باشد
وليعلم من تاويل	علم و حكمت آموزد	لا تقنطوا من	اميد مراد بجز تمام شود
ما وعد ربكم حقا	ويرا بشكنند	من السلم الا	علم آنكه بياموزد
لا تجدون نكاحا	زن را بكن از زن ديگر	معنا عند الله	بد عهد كند بيهوده

فلا تطعهما محرابه
لموسى ولئن غلبت
لبثت الحمد لله داود
فانه لا ينطق الا باذنه
ولسانه ما جنه
بفضلك وقلبه يدله
جلتنا واد ادحم
الراجعين يحق هذه
الدعوات ان
الله وملائكته يصلون
على النبى يا ايها الذين
آمنوا صلوا عليه و
سلموا تسليما فلما تجلى
ربه للجبل جعله دكا
وخر موسى صعقا
الجبل العجل
اقسمت عليكم يا احد
هذه الاسماء ان

يا نوح ... طائعين وتبك
ببلى بيحب ... كتاب مبين
حق قل اللهم صراط مستقيم مالك
الملك نعم الملك
در آل عمران ...
رجب حساب من
الرسول بما انزل
البر من ربه وابع
منعون كل امن
نابر

بالله وملائکته وکتبه
ورسله لا نفرق بین
احد من رسله وقالوا
سمعنا واطعنا غفرانک
ربنا والیک المصیر
اذا دعاه یا محتج نوریه
اشارة [illegible]
روحی ولا قوة الا
بالله العلی العظیم
یا مجیب الدعوات یا
ولی الحسنات یا رافع
الغشرات یا محمد
اقض حاجتی یا ارحم الراحمین
بفضلک یا احمد
حمیس یا محمد
حاجات قالوا انا نطیر
بکم لئن لم تنتهوا
الی قوله ضلال
مبین سورة انا
اعطیناک را بخواند

وعقد انگشت نماید
بخواند و عقد انگشت
وسط کند و انزده
بار بگوید اما بعد
فاذا لتستحیین
الغفور و الیه حجة
یس بگوید اللهم
سخر قلب فلان بن فلان
کما سخرت فرعون لموسی
ولین قلبه کما
لینت الحدید لداود

یا بشری هذا غلام	فرزند ندارد اما بعد امید	وقد افضی بعضکم	این را نخواهد گشت
فمن یعمل مثقالهم	پادشاه با بد حسنت	یبشرک بغلام اسمه	فرزند بیرا اما مولود
ولا تعملون من عمل	بنده فروختن خوب نیست	وهب لی ملکا لا ینبغی	دلیل مملکت پادشاهی
وقدمنا الی ما	شنود انجه مبارک است	ویعبدون من دونه	در فروش بنده نامد
ولکم فیها جمال	ضایع را البته بجوید	ویحمل اثقالکم	جمها یا بجوید خوب
لا یرجون نشورا	عاقبت کار در میانه بود	کم ترکوا من جنات	ضایع را بجوید فرزند خوب
حتی تضع الحرب	خصومت نکند بهتر	عند ربک ثوابا	عاقبت کار خوب است
ان رحمة الله قریب	داد ستد نکنست	ان ینصرکم الله	خصومت درست نیکو کرد

سورة یوسف سورة الرعد

قد شغفها حبا	در منتهی میان دو میان	وهو الذی مد الارض	داند سفر نعمت زیاد دارد
لا عاصم الیوم	و ناکن از غم برهی	علیک محبة منی	دوستی هر دو خوب نیست
قالوا الحق وهو	اینجا راست امت	وکشفنا ما بهم	از این غم زود رها شد
ان الظن وان	تهیه در فرع است حذر کن	وما هو بالهزل	انجه رو زود بهشت
وان یقاتلوکم	بیم قتل و هزیمت است	انه لقول فصل	این همت در روی است
والذین تدعون	اکنون این حاجت بنا	وینصرکم ویثبت	نصرت شده فرود نیست
ویعلمکم الکتاب	علم را دنیا مورد	معاشا قلیلا ما	امید پادشاهانه برات
تقولون ما لا	منافق است و غنا نکند	وفی اذا هم وقرا	در علم اموختن کار
لا هن حل لهم	این را نخواهد داد	ذلک عند ربک	وفا بجا اور خلاف نکند
له بنین وبنات	حامله دختر او دیقین	ازواجا حجرا	زن را نخواهد مبارک است
وما کان له علیهم	دلیل پادشاهی بود	لمن یشاء الذکور	فرزند نو بیند او درد
علیکم جناح لن	فروختن بنده بهتر بود	خلیفة فی الارض	پادشاهی را باشد
کمثل الحمار یحمل	خریدن شنود مبارک	واسروا الندامة	بنده فروختن پشیمان شود
واخرجت الارض	ضایع را البته بجوید	سخر لکم ما فی السموات	خریدن شنود مبارک است

امن
اوقفنا لا تقولوا
در سوره طه
والقصص علی عنه
علیک السحر ۲ مره
الرحمن والعصر
منا والا زا
فلیکم زیر الحله
تا خیر و فضل
الا ما ذلک و میان
ودم قام لا یستطیع
لینت الحدید

من الشکور بها
الاخر سوره ده
یس بگوید تا خیر الناصرین
[illegible] الراحمین
[illegible] محضرون
[illegible] الفقیر
وایاک نستعین
دو الحاجة [illegible]

المنة واحیناها لا
[illegible] انتم الا
ضلال مبین اذا جاء
نصر الله والفتح را بخواند
ند وعقد سه تا بکند
وبگوید ایاک نعبد
وایاک نستعین اللهم
سخره فلا نا [illegible]

ق

فالاخرة خیرا	عاقبت این کار خوب	جنات تجری من	اضباع را به خیر فائده دارد

سورة ابراهیم

سورة الحجر

مالها من قرار	غایب زود باز اید	وجعلنا لکم	در تجارت سود ببیند
من اطرافها	از این سفر زود اید	وجاء رجل من آل	این غایب باز اید
یحبّا الله والذین	این دوست از هر دو [illegible]	فسیحوا فی الارض	در این سفر زود [illegible]
ولن تفلحوا اذا	در غم نماند دعا نما	قلوبهم شتی	از این بند و مشقت [illegible]
تخرج من افواههم	خبر از اجنبیت [illegible]	ونجیناه من الغم	از این غم فرج یابد
اجتنبوا کثیرا من	این تهمت بی گمان است	یقولون قولا	خبر بعضی راست است
حزب الله هم	ایزد تعم نصرت دهد	علی الکذب وهم	همت در حق او [illegible]
ان فی هذا البلد	حاجت زود برآید	قد اوتیت ونجولک	از خدا یاری جو ظفر [illegible]
رب اشرح لی صدری	این علم زود آموزد	ولقد مننا	امید مراد زود برآید
صحف ابراهیم و	عهد روا مهربانی	بقوم یفقهون	علم هرچه آموزد
فانکحوا ما طاب	زن گرفتن [illegible] بود	کان صادق الوعد	وفا کند خلاف نکند
انی یکون لی غلام	فرزند نرینه پادشاه	وانکحوا الایامی	زن [illegible] وفادار
ولن تفلحوا اذا	ایزد تعم مملکت بندگی [illegible]	انا حملنا ذریتهم	فرزند [illegible]
رایت الله الملک	این سفر بدانست [illegible]	کان صادق الوعد	خلاف در وفا نکند
فبئس القرین ولا	در غم نماند دعا [illegible]	الذی جعل لکم	سرافراز و سود [illegible]
وعلی الله کل صا	اید سود را [illegible]	فاصبر صبرا جمیلا	در فرو رفتن مدد صبر کن

سورة النحل

سورة بنی اسرائیل

شرکائی الذین	در شرکت سود باشد	وامددناکم باموال	در حال ما [illegible]
فما ربحت تجارتهم	در تجارت راستی جوید	وقال الذین اشرکوا	در شرکت سود بیند
ولا الی اهلهم	غایب سالم است و دراید	والله فضل بعض	در تجارت [illegible]
فانتشروا فی الارض	در این سفر مراد حاصل	فمکث غیر بعید	امد ان غایب [illegible]
یحبهم و یحبونهم	این دوستی را بکن	علیهم اربعین سنة	سفر رفتن طول کشد

انه فلیس لکم [illegible]
الحمد لله الذی [illegible]
لا ینطق [illegible]
[illegible] بارحم الراحمین
تتلوا علیکم آیاتنا
اعظم [illegible]
ان کانت الا صیحة
واحدة فاذا هم جمیع
[illegible]

بالغیب و یقیمون الصلوة و مما رزقناهم ینفقون و بحق الم الله لا اله الا هو الحی القیوم و بحق الم تنزیل الکتاب لا ریب فیه من رب العالمین و بحق کهیعص ذکر رحمة ربک عبده زکریا اذ نادی ربه نداء خفیا و بحق طه ما انزلنا علیک القرآن لتشقی الا تذکرة لمن یخشی تنزیلا ممن خلق الارض والسموات العلی الرحمن علی العرش استوی و بحق حمعسق کذلک الیک و بحق الم و بحق الطور و کتاب مسطور فی رق منشور والبیت المعمور والسقف المرفوع والبحر المسجور و بحق ن والقلم وما یسطرون و بحق سورة العظیم و بحق جمیع سورة القرآن الحسنی و بحق اسمائک المطهرة و بحق الکریمة المقدسة العرش والکرسی والملائکة المقربین و بحرمة سموات السبع والارضین الکواکب السیارة والسماء ذات البروج والیوم الموعود وشاهد ومشهود و بحق والسماء و الطارق

فلهم اجرهم	از اینغم زود خلاص شوی	مودت بینکم	این دوستی دور کشند
انه الحق مثل ما	اینخبر دروغ هست	بضاعف لها	از غم زود خلاص شود
ان یسرق فقد سرق	این همه درست باشد	بل هو کذاب	این خبر البته دروغ است
فینقلبوا خاسرین	از این حرب حذر کن	جزاء بما کسبا	همه زود درست گردد
انا لننصر رسلنا	این دو رها حاجت بر آید	ما لکم من الله ما	در این جنگ حذر به
لیفقهوا والذین	از این علم بهره مند شود	قل هو من عند	امید حاجت آید که بر آید
یوفون بعهدهم	وفا کند بدو نخلاف	الرحمن علم القرآن	علم نفس آموزد
ان تنکحوهن باذن	زن کردن مبارک است	ولا ینقصون بالله	عهد را نشکست
ویمددکم باموال	فرزند نرینه ماده بیند	نساء لکم حرث	زن بری و سازگار است
یؤتی ملکه من یشاء	خدا نعم باد دهد با عطا	لاهب للغلام	این حمل نرینه باشد

سورة الکهف

سورة مریم

ان یبلغا اشدهما	کارها گشاده گردد	ووهبنا لهم	گشته زود دیده باشد
احسن الله لرزقا	روزی و مال بر تو فراخ	ان تستفتحوا الیوم	کارها گشاده گردد
ولا یشرک بعباده	در شرکت خطر است	وتحبون المال حبا	مال بسیار یابد
واذا راوا تجارة	در تجارت فایده بینی	لو کان فیهما	شرکت مکنید بد است
ارض الله واسعة	این غایب زود بخانه آید	ان الانسان لفی	تجارت کنید در این زمان
قد بدت البغضاء	این سفر بکن مبارک است	یرونه بعیدا	غایب دور است بخواهد آمد
بینهم العداوة	این دو دشمنی زیاد است	خرجوا من دیارهم	در این وقت سفر مکن بهتر است
ونجیناه من الغم	از غم فرج و راحت یابد	لحب الخیر لشدید	این دوستی حقیقت است
اولئک مجرمون	این خبر دروغ است	ام صبروا	از اینغم دعا نماید
علینا نصر المؤمنون	خصم تو نصرت بیند	ویحق الحق بکلماته	اینخبر راست است
انا لمردودون	این حاجت بر نیاید	انهم یاتون بما	همه بر تو اثر کند
علیهم بذات الصدور	در اموختن علم سعی	وینصرک الله نصرا	در این حرب بر خصم ظفر یابی
مما یقولون هم	از این تهمت سبکبار است	لا بشری یومئذ	امید مراد زود بر آید

نحفظنا یا ارحم الراحمین
نجمع جهد ربه بالذنوب
نجاه وان اعبدونی
هذا صراط مستقیم و
لقلتك الى ان هو الا ذکر
وقرانعینی یا ربوه
یا ربکم بید الا ان یغضب
یا الله المستغیث انا
الفقر والمجاعة بس
بحق اللهم امر مستجیب
قلت ادعونی استجب
لکم وانت ربی وقلت عقاب
رب فنجنی من الکرب اللهم
وانت غیاث کل مکروب
وانت قلت لا تقنطوا من
رحمة وانت تقول الحمد
دق عزیز مکذوب اللهم
احفظنی من آفات الدنیا
وهول المخوف و
فصحنی على رد و من
انجلا توفنی الیوم الموت

قوامون على النساء عهد الله مسئولا	این زن را بخواه مبارک این وفا منا کست	ویعلمك من تأویل واوفوا بالعهد	علم حکمت و تدبیر او ور عهد را بجا آورد البته

سورة طه

لا تخف انك انت	زندگی رود فرج یا
بحسبهم الجاهل	کشتی زود بدست
ففتحنا علیهم ابواب	کار بسته گشاده شود
سواء منکم من	نعمت به بند دستی با
وینجینی من فرعون	شرکت تجارت کن
وان لك لا اجرا	تجارت سود ببند
انهم عنها مبعدون	این غایب دور آید
ولا تمش فی الارض	این سفر خوبست
والف بین قلوبهم	میان دو خصم دوستی
ویحق الحق بکلماته	این غم را فرج دارد
وظننتم ظن السوء	این خبر راست است
لعنوا فی الدنیا	این همت درست گردد
فریقا تقتلون	در این حرب تمیز گردد
نزلا من غفور رحیم	همه به رسد
وعلمتم ما لا تعلموا	در علم بار و بار شود

سورة الانبیاء

ما آمنت قبلهم	از عمل سلطان ببند
یا صاحبی السجن	زندانی زود نجات یابد
خلوا سبیلهم	کشتی زود یابد
ان یریدا اصلاحا	کارها گشاده گردد
مال ولا بنون	بدرو بیشی شکر کن
یوم عسیر علی	شرکت راستی کن
فما ربحت تجارتهم	در تجارت سود ببند
فرحین بما آتیهم	غایب زود دید سالم
ومن اشتکا الغالبون	سفر کردن خوبست
ودّ والوتد هن	دوستی هر دو برابست
لا یلبثون الا خلاد	از اینغم خلاص شود
سانبئك بتاویل	این خبر حقیقت دارد
یرمون المحصنات	این همت برود سلطان میر
ها انتم هؤلاء عدد	بر دشمن ظفر یابد
الحمد لله الذی اذ	امید حاجت بر آید

سورة الحج

ونجیناه من الغم	در سلطان نیکی شود
ونجیناه من الغم	در سلطان نیکی ببند
جعل له مخرجا	این کشتی را منافی
ولو فتحنا علیهم	نیستکی کارها شد
بل یداه مبسوطتان	توانگری مال یابد
فما تزید ونفی غیر	در شرکت سود یابد

سورة المؤمنون

یرید الله بکم الیسر	دلبار است رخها از
نسقیکم مما فی بطونه	این بیمار و عسهل بجود
لا تخف نجوت من	زود خلاص شود
وضلوا انك السطعی	این کشتی پوشیده
حتی اذا فتحنا	کارها گشاده گردد
وانبتناه من الکنوز	مال بسیاری یابد

عوذ ذا انتقام کبیر الا
ضد له لا ند له ولا
شریك له ولا وزیر له
اسئلك یا عزیز یا الله
یا اقهر ان تفی و
مثل ما یقتضیه
ومکنی منعفن على الکل
خطیئتی انك على کل
شیء قدیر ولا حول
ولا قوة الا بالله
العلی العظیم [illegible]
[illegible]

سبحانك شلشلثت
نعبدنا ان صل علی
سیدنا محمد وآله اجمعین
لینذر من کان حیا
ویحق القول علی الکا
فنعبد الیه نعوله وحصیم آمادا بالا
مبین باغده اتاالدلستغنی
بعنایت وانا الفضل والیاجم
اللهم افتح لنا ابوابا
بجود وبفضلك وکرمك و
وبذلك بفضلك الراحمین
کرمك یا ارحم الراحمین
واذا لقوا الذین امنوا
قالوا امنا واذا خلوا
الی شیاطینهم واذا
خلا بعضهم الی بعض
در بقره الی اخر الایة
بعضهم من تفصیل الله
ان یا ... بالفتح در ملك
نصر الی قوله ... مبین
الذین یتربصون
فان کان لکم فتح من
الله فلما نسوا ما ذکروا
به فتحنا علیهم ابواب
السماء فلما نسوا ما
ذکروا به فتحنا علیهم
ابواب کل شیء وعنده
مفاتح الغیب لا یعلمها
الی اخر ... والفتح
مبین و
کذبوا
واستکبروا
ولا تفتح لهم
عنها لا
ابواب السماء و
ولا یدخلون الجنة
ربنا
رحیم
فتحنا
افتح بیننا وبین
قومنا بالحق وانت
خیر الفاتحین
ان اهل القری
امنوا واتقوا لفتحنا
علیهم برکات من
السماء

الاثیین فیها احقابا
لو انفقت ما فی الارض
ومن یخرج من بیته
وزدناهم سعیرا
وجدوا ابهه
وللبسنا علیهم
لهو الحق الیقین
لن تنالوا البر حتی
سیهزم الجمع

تجارت زیان بیند
ابن غایب بازاید
در راه سفر درماند
ایند وحقیقت بداند
غم بوسیله نجات یابد
در زندان رود فرج
ابن خبر دروغ نیست
ابن هنان کار بکام
ناکاه فتح نصرت شود

نادوا شرکائی الذین
ان لنا ایابهم
وان تك حسنة
واذا ضربتم فی الارض
منهم مودة والله
فی قلوبهم الرعب
الا انك مضرمی
ان الملوك اذا دخلوا
فماذا بعد الحق

در شرکت سود بیند
در تجارت سود بسیار یابد
ابن غایب مال بسیار
سفر کن تا غنیمت یابی
ایند وشئی محکم یابد
در غم دعا باید کرد
ابن خبر هیبان دروغ است
از سلطان زیان بیند
ابن تهمت دروغ است

سورة النور سورة الفرقان

او ما ملکت ایمانکم
یاکل مما تاکلون
ضیقا خرجا
ولا ترکنوا الی الذین
خالدین فیها
ودت البنا
ما یفتح الله للناس
ونقص من الاموال
ولا تشرکه مشیا
هل ادلکم علی من
عصینا والا یرجعون
لن تخرجوا معی
لهم الرحمن ودا
ولو تری اذ فزعوا

ابن بنده را رنج بسیار
بیمار بعد از موافق بود
تنکی کرانی نرخها
در کار سلطان شتاب
زندانی دور نماند
کشده بازاید
کار بسته را خدا کشاید
از مال نقصان یابی
شرکت را البته مکن
در تجارت نفع یابد
غایب زود بیاید
سفر کردن صلاح نیست
دشمن هر دو خراب
از غم زود خلاص بود

ویجعل لکم جنات
لما قام عبد الله
شیئا ملکا فی
یبسط الرزق
واجعل لنا من
بعد عسر یسرا
بارکنا فیها ومن
انا فتحنا لك فتحا
وجعلت له مالا
لا اشرك بربی
رؤس اموالکم
توکلنا والیك
لکم انفروا فی سبیل
بینکم العداوة

بنا با شما ساختن سود
بنده را نجح خوب بود
بیمار خدا شفا دهد
دوام مال غم مخور
از سلطان نیکی بیند
زندانی زود نجات یابد
دزد برد تمام نبود
کار بسته کشاده کرد
از مال فرزند غنی
شرکت احتراز کن
در تجارت سود بیند
غایب بشادی بنور رسد
سفر کن مال بسیار یابی
ایند وبید شئی رسد

فتحنا عليهم بابا من السماء فضلوا فيه يعرجون
ولما فتحوا متاعهم وجدوا بضاعتهم ردت اليهم
ان تستفتحوا فقد جاءكم الفتح وان تنتهوا فهو خير لكم
بركات من السماء والارض ولكن كذبوا فاخذناهم بما كانوا يكسبون

ولكن صدقوا	انجیز لی بك دانشار	نجتنا صالحا	الزانیغم راخر ما بلبا
سورة الشعراء		**سورة النمل**	
وانذر عشيرتك	همت تو عوض بن بدهد	نحن اولوا قوة	در خصومت دلقوی باد
رفيع الدرجات	بنا کن بنیاد خوب است	الا تاكلوا الربوا	داد و ستد خوب است
الا على ازواجهم	بنده ها دبیر بخرد خوب است	امن استرس	بنا بعد از اتمام مرغ
ونزل من القرآن	برای بنیاد نکو بشید	ولا تشتروا الا	بنده و ابخره بجلد از
لهم رزق معلوم	نعمت فراخ از انکرد	ما هو شفاء	صدقه و عاصحت با
يهدون بالحق	اعمل سلطان نیکی با	ثم يفتح بيننا	نعمت فراخ از این بود
الا ان يسجن	از زندان کاه بیرون	وكاين من قرية	از مسلطان زود فتح
واذا لم تاتهم	کشنده باد بادزاید	فانجيناه واهله	زندان زود خلاص بود
امنوا واتقوا	کارها بر کشاده گردد	ومن استبدلت	کشنده باز بناید البته
اني مستخر الحشر	ابن نعمها بسیار دهد	تلكو نوا تجارة	این کار هنوز بسته
عسى ربنا ان	شرکت براه کن خوب	واما اذا ما ابتليه	مال زنا ببر اند
وما من غائبة	تجارت ازد و دخوب است	ويوم يقول نادوا	در شرکت راسعی کنید
في السماء والارض	ابن غائب ازد و دراید	هم الاخسرون	در تجارت حذر کن
يوم يبعثون	در انسفر خبر بشنید	عليك القرآن	غایب زود باز آید
واتخذ الله ابرهيم	دوستی هر دو از دل بود	يوم يخرجون	سفر کن زود باز آید
سورة القصص		**سورة العنكبوت**	
عاقبة المجرمين	عاقبت اینکار نیک برآید	من الجنة غرفا	صناع تناخه شود
وان يصلحا بين	در خصومت صلح شود	ان الحمد لله	عاقبت کار خیر است
من ذا الذي يقرض	قرض دادن نیکو شود	ان يصلحا بينهما	میان خصمان بصلح کوشید
يبنا لهم لذى	بنا کردن نیکو اید	فرهان مقبوضة	قرض نباید داد

ياجوج وماجوج وهم
من كل حدب ينسلون
حتى اذا فتحنا عليهم بابا
ذا عذاب شديد اذا
هم فيه مبلسون سلام
قولا من رب رحيم و
السلام على يوم
ولدت ويوم اموت
ويوم ابعث حيا
ادخلوها بسلام
آمنين والسلام

قسم

على من اتبع الهدى
واذا خاطبهم الجاهلون
قالوا سلاما ولا تأثيما الا
قيلا سلاما سلاما
لا يسمعون فيها لغوا الا سلاما
ولهم رزقهم فيها
بكرة وعشيا و
سلاما قلنا يا نار كوني بردا
وسلاما على ابرهيم
قل الحمد لله وسلام على
عباده الذين اصطفى
سلام عليكم لا نبتغي الجاهلين
تحيتهم يوم يلقونه سلام
سلام قولا من رب رحيم

يكبر سلام على نوح في
العالمين سلام على ابرهيم
[illegible] سلام على مو
سى وهرون سلام
على الياسين فاصفح
عنهم وقل سلام فسوف
تعلمون وسلام
على المرسلين والحمد لله
رب العالمين ادخلو
ها بسلام آمنين قا
لوا سلاما قال سلام
قوم منكرون فسلام
لك من اصحاب اليمين
لو انزلنا هذا القرآن
على جبل الى آخر سوره
حشر ليك سوره انا انز
لناه را بخواند بعد از
ع بسوره ونسي خلقه
لنا مثلا و
قال من يحيي العظام
الى آخر سوره مبارك
كه اما چون بقادر
على ان يخلق مثلهم
برسد سر جمله
هذه سه بار بگويد
بلى قادر ٣ على ان
تقضي حاجتي آنوقت
سوره را تمام
وبعد از اتمام سوره
بگويد والهكم
اله واحد لا اله الا
الم هو الرحمن
الله لا اله الا
هو الحي القيوم
نزل عليك الكتاب
بالحق مصدقا
لما بين يديه و
انزل التوريه
والانجيل من
قبل

وحور عين كامثال	در خريدن بنده خيراست	مثل العنكبوت	بنا درست نمايد
والله واسع عليم	از صدقه شفا يابد	يطوف عليهم	بنده بجز خود مشكل را نشست
واذا مرضت فهو	نعمت فراخ ازو ازان شود	في قلوبهم مرض	بيمار پرهيز نكند
انه لا يحب المستكبرين	از سلطان نفع ببيند	ولنبلونكم بشيء	دليل بيچه گرانى بود
فلبث في السجن	زندانى ازغم و محبوس	يخادعون الله	از سلطان كسے خوبے ببيند
اين المفر كلا	گمشده زود باز آيد	لا يخاف دركا	زندانے زود راحت شود
اذا جاء نصر الله	كار بسته كشاده شود	لا ييأس من روحه	گمشده را زود بيابى
نمدهم من مال	مال دولت بسيار بايد	يفتح بيننا	كار بسته كشاده كرده
تجارة لن تبور	در تجارت نفع ببيند	امدكم بما تعلمون	در شركت فائده ببيند
وما تلبثوا بها الا	غايب باز آيد يا نامه فرستد	وتجارة تخشون	در تجارت سود زياد ببيند

سورة الروم

سورة لقمان

بما كسبت ايدى	خريدن ستور لازم است	ومن الناس من	بنده را فروختن صواب بود
وبدلناهم تبديلا	باغ فروختن خير است	واشعارها اثاثا	باغ وبستان خرم بود
عاقبة امورها	عاقبت اين كار زيان است	جنات عدن ومن	ستور را ابتدا بد است
يوم تجد كل نفس	در خصومت خدا يارے	والباقيات	عاقبت اين كار خوب است
ان تقرضوا الله	قرض را بد مرد دهد	واقض ما انت	خصومت بمهل تو كند
اولئك الذين	بنا بخرد ديگرے طلبد	كانهم بنيان	بنا را محكم نمايد البته
وكان امر الله قدرا	در خطرات صدقه بدهد	عبدا مملوكا	بنده را بخر و فرصت
عليكم نعمة ظاهرة	نعمت فراخ نرخ ارزان است	وان يمسسك الله	بيمار بصحت رسد و عافيت شود
ومن يامر بالعدل	از سلطان نيكى ببيند	كلوا واشربوا	نعمت ازان فراخ گردد
الا تخافوا ولا تحزنوا	گمشده را بيابى بى غم	القيته على وجهه	زندانى زود راحت شود
نصر من الله وفتح	بزودى كار كشايد	فتحسسوا من يوسف	گمشده را تمام بيابى
ووجدك عائلا	خصم توانگر دهد	وانت خير الفاتحين	كار درين كشاده گردد

قبل هدی للناس و انزل الفرقان ان الذین کفروا بایات الله لهم عذاب شدید والله عزیز ذو انتقام ان الله لا یخفی علیه شیء فی الارض ولا فی السماء هو الذی یصورکم فی الارحام کیف یشاء لا اله الا هو العزیز الحکیم شهد الله انه لا اله الا هو والملئکة واولوا العلم قائما بالقسط لا اله الا هو العزیز الحکیم ان الذین ... سریع الحساب الله لا اله الا هو لیجمعنکم الی یوم القیمة لا ریب فیه ومن اصدق من الله حدیثا ذلکم الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء اتبع ما اوحی الیک من ربک لا اله الا هو واعرض عن المشرکین

[illegible]

بنا در مثبت بباید	کشکل العنکبوت	در خریطه نبندم خرات	وحو بعین کامثال

فال نامه دیگر از حضرت امیر مؤمنان علیه السلام

بمیدانگاه یزدان شهر خیبر
شود از شر و خیر خویش آگاه
پس اگر هشت آید بیا فکر
مراد حاصل آید هرچه باشد
اگر هم ماند و محبت زن نهان
ز افسانه تو ناکه در سر چاه
اگر یک بماند سر بزبان
ولی بینی بسی رنج و مشقت
مراد تو شود مجموع حاصل
کمان دولت تو نوروز کن
بیابی نعمت شاهی و دولت
که کردی مدتها تو ملتمس
چو ماند هفت زان باشد عطا
همه کار تو مانند زاید
مرو در آن سفر زنهار زنهار

چنین فرموده بالفاظ گهربار
ز نقطه کو بزن سه سطر دیگر
توکل را بدرگاه خدا کن
بیابی دولت از لطف الهی
نخواهی کرد ایراد در آنکار
ترا ده روز دیگر صبر باید
ز من یک قول را خود دو مهلت
اگر باقی بماند چار بنگوست
ولیکن صبر میباید نه عاجل
چو ماند پنج از آن شر یکی دان
در این حالت نباشد هیچ وحشت
اگر باقی بماند شش قمر گیر
ترا دولت شود دنیا عاید
چو ماند هشت باید گشت از انکار
و گر نه آید دیگر زاغ عبار

که هر کس گو بگیرد فال نامه
که فرموده امام الناس در محشر
اگر ماند یکی از وی نباشد
اگر خواهی بنای پادشاهی
مرو این راه را جز کرد از این راه
ز بعد صبر اگر خواهی بشاید
بنای دولت شاهی و نعمت
زحل باشد یکی دولت بدست
اگر باشد ضرورت کم قدم زن
از آن حالت بغیبت سر بدر آن
قدم نه در آنکار ای برادر
سر عمر این تیغ عشق برگیر
ترا خورشید بخت از در آید
نخواهی ای برادر کرد آن کار

فال نامه مردان و زنان بقول حکما و عبد الله هلال

ایضا نام زن و مادر او را بحساب ابجد او را دوازده دوازده طرح کند	اول نام مرد و مادر او را بحساب ابجد دو از دو دوازده دوازده طرح کند

وسلام علی المرسلین والحمد لله رب العالمین وصلی الله علی محمد وآله الطاهرین ... برحمتک یا ارحم الراحمین ...

ببیند و فرزند بسیار
و در طالع خود دارد داماد
ببیند پیغمبر آنکس آنها ورد
و مال ابدی زن خود به
بکسب و از ضمیر یابد تفضیل
رسید یا رسید یابند ابل
و بیمار ... وی بشنبه
از زنا دزنی خون است
بنا هر که ... عیب وی جامت
کنند در طبع و ... کند
و خصلت است و به را
و خصلت سیاه و

هر چه مانند بطریق ما بو معمول دارد بترتیب بروجهات اما سعی نماید که خطا نشود بروج این است	یکے مانند حمل دو مانند ثور سه مانند جوزا چهار مانند سرطان پنج مانند اسد شش طاهر سنبله هفت مانند میزان ابر اشبعا

برج حمل الرجال ۱

حکما گفته اند حمل بنت را برج آتشی است دلالت تعلق بمریخ دارد و بر ستاره آدم صفتی است و او مردم دانا و عاقل و با تدبیر و خوش رفتار و دنیادار و دایم بزرگی خالی باشد با پادشاهان و دشمنان اقبال و دولت باشد هرچند بد کرد شود کار مثل الابتر گیرد در نزد بزرگان سخن وی مقبول افتد خانه مال گیرد بسیار باشد مال وی بسیار باشد اما فنا کند و راز دل خود را بکسی نگوید و دل اما خدا صاف کند دشمن و بدگوی بسیار دارد اما ظفر یابد ضامن ذات وی را دشمن دارد الکه بکسب بنا رحام یابد صد دینار حلال و رنج و محنت بسیار کشد و طاعت الهی بلعب و امثال البته و خواهر و اقربا الکر بیند و در دون تنگی خود دارد و از یکی زن خوشحالی بی بیند ×

برج حمل النساء

حکماء گفته اند هر زن زنے در این طالع بوجود آید ستاره خواهر است دارد زنے باشد خوش زبان و خوش قامت و دانا و با پرستار اکرام او با وفا و خالی باشد رفتار و دیانت نیک بختان باشد هوش بلند و زود از دلشاد شود بختی شود و زود خشم گیرد و زود شود نیکو کار دشمن بد و ... باشد و فرزند بسیار شود اما سر انجام بود خوش باشد بسیار دشمن و بیماری بسیار شود و در میان بطرف بود و ناز دو دشمن بلا رسد و در وقت بحرز اقربا و دشمن بلا بر آید شود خود با خود دارد و آکه نبا و در حامله رن باشد منتر با خود را باید وی در اندرون حیض فتاد و وی از تپ و اسهال اما بخوف دچوع و تولنج و اسب دور د کتابه

و خصلت سیاه و
لباس من سیاه الوان
لشنا زرد دارائی مسم
و جهار دیار دیگر طالع
شکار شرد و دیگر به
خوب است و حرب
و فه و وحت و زراعت
وی خوب بود و به
صاحب اینطالع نیاز زد

[illegible] ۱۰

ماه رجب و روز
پنجشنبه و یکشنبه
بیرون ده و درخت
الوان او را باشد
و چون ماه نو بیند
بر دوی کلام الله
نگاه کند و چون
خواهد از بلا ها
و فتنه ها و حوادث
دور کار این
خانه

برج
العقرب بوسیله و اهله هو
و دارد دری حوز
باشد با عطلب
با خود داشت
دحوزا بود وام
با خود دارد
جوش صحبت
جوش کبیر و
کبیر و
دو در کار

برج ثور النساء

باد و زینت امیر المؤمنین
و با خود دارد و اینه
اعلم بحقائق الامور

طالع ما در علیه ۳ و و
زنی باشد نیکو مهر بلند
بالا و خوش کنار در عفیفه
و باریک و دانا و کار دوان
و دراز دندان طلعت و دانا
رخ و بالا اعضای دیگر
نشانی باشد از نشان
بیجان بود و او را دو
بیش و بد کو بسیار دو
الکریبان خود را فدای
بدهم کنند قدر در بیانه
دانند هر چه پیدا کنند
فنا کنند و او را هیچ چیز
دل دلالا است بزبان
پنهان است و راز

فائده

دل را بیع چون
تعوید تا در بلا و افند
شخصی که بود چشم قدر
اندام باوی در مقام
عداوت باشد حل رساند
و اگر خبری بر عم دهد
در دادن خدان و
در کتیبش کتاب و کاه
گاه ما نشد انشاء و فرحن
شود و روز و دختر
گیرد و دو نماز که
ملح بکنند و از بیم
و ما در روز نیم
مند شود و بر
دران و خواهران
او را بیش برد ل
بیند اما نصیحت
ایشان را قبول نه
کنند و زندگی را
بار

برج ثور الرجال

لقمان
حکیم چنین فر
مود که برج ثور
خانهٔ زهره خاکی ماده هادی
قطع درعی سرد و خشک است و امثال آن
هشتم تا بیش ۱۸ یوم مقام کند ستاره حضرت
پیغمبر ع والد است اما دلالت دارد بر آنکه
گرد بود فصیح زبان و دیر بود و دانا و عفیف
دوست خوش نشان بخت بالا میان سعد
دو و باریک اندام و خانهٔ مال وی اسد
بود و دلالت بر آنکه دو بار مال یابد و آورد
بیرون کند تا آخر مال زیاده جمع کند اما
حقوق خلق و خدای خود را نگاه دارد و از
برادر و خواهر و اقربای وفا کند بیند و از
پدر و مادر زر لیلا است وفا کند بیند هر
دو پیش از او بمیرند خانهٔ نکاح وی عقرب
باشد دلالت بر یکی زن بخواهد اگر بگذرد ده
سه زن بنکاح آورد بنکاح آورد اما از
او فرزند بسیار شود و مهر از
از ایشان کم آید اگر نز
بشود تا عاند
عمد

* عیب کرد آن
زینب با خود یاد آرد
بجهود بد و فرزند بیاد و آن
ششم زهیم بکار بکنند در روی قیامت
سر شش موضع سر خود در ابطال کنند
تا ثبات بجا و خواد و بکنند و بر فرزندان ادب
وارد بکنند دعای بود با بود بیکبار فرزندان نشانند
سلامت ماند و در خواب حجاب الرحمن با بادرا
روزی شود و در ترکیاه فریب فرماید و فرزندان
رواشود و شکر حق تعالی بجای آرد تا بکند و دیم
بی و به سال است و حقوق از آن بکند و ماه
طبیع بر سند و صاحب این طالع را ایام
جمادی الاول و در رو دست شنبه و روز چهارشنبه
ای و نکس فرید زه و عقیق یمنی و ماه نو
روزی فلان نگاه کنند تا حرز تابد را باشد
وانا نرخ جهان بیرون نرود تا بد و لت برابر
وان دعا را با خود دارد و دعای اخراج شب
اصبح الملک و میمن د با مجیب المضطر نفر را
کاشف هم و غم و کریم یا انک اعلم بحال
وهمال اصبحابی واکفنی شر عدو
وهم باینه اینه عامل الشر
ننها بی و در ماه
عمد

عهد وی خوب است و ت
جهاد با بیم و نیکو فتنه ها
دبیر بیم بسیار است بد نشان د
او را کاهی در رنگین و
عقیق و ماه نعرا بعد
بخران نیک کند و اسم
اعظم را با خود دارد تا ان
بداها اعنی کدجدوان
دعا یا نور کل شی و
هادیه انت الله فلقت
الظلمات بنورک و الله
اعلم بحقایق الامور

و برج سرطان

حکما گفته اند که برج
سرطان ابی است و د
و تعلق بقمر دارد و
ستاره او در دین ء و
طبع وی سرد و تر است و
سرد و جیر دارد اول

هیج بالنا

مرد وی بود گندم
گون و سیاه مو و
شیرین کلام و طرب
دوست و ... ازان
سفید گونه و ابروان
کشیده سیم بلند که
ن دور و سفر بسیار
کند و صاحب خیر و کرم
بود و مردم ازاو نفع
بیند ولی با حقهم
صادق کند تا حاجت
بجز نشود اما او ان
کم نفع برد و او را
فتح اقبال در غربت
باشد و در جمیع دز
و مال بحرص بیند از
زن دعا بلد هر جه از
حاجت قاسم الارزاق
مقلد در مصحف مرسلو
و دوران

عجب
از دو حاجت
است از برای مرد
و زن دعا بکرد و بعد از دعی
وی مهربان بود باید از کار بود
بود سنقله و دل و کل و اندام او را بکرد
و علامت با داست دارد وی با مشتری کل منی
و هلیله زرد بادرغنی کاودزد معجون کند
خود و دعای دفع با خود دارد و صاحب این
طالع بعد وی در کردن دارد یا چشم امید
مردکان باید از کردن از اغنا بید تا در بلا
افتد و دعا د کاهلی بکند تا کار وی خوب
شود و سفر او را عجایب جمله نیکو باشد و د
سفر خطره بیند و در خدمت بزرگان عزیز
و مکرم باشد و او را دوستان بسیار باشند
اما یکی فاتن و دشمن و بدگو و بسیار دارد
اما ظفر یابند و از مردم فاجر دوری کنند و من
البته با غالدو فتنه نشیند و بزرگی و صفا
یابد وی را انسازد و از دنیا بیرون برو
تا بمرد دل برسد و از چهارپایان رنجور
و سخن کیش با خواهد کشید
و کشت و رنج
در طالع
عب

عیبی کاری
اشیا دکاری
کند رانند در میان
و حرص بسیار رجوع خود دارد رحم
کرم اخر خواست و نذر خود را ادا
نماید تا بمراد دل رسد و فرزندان قسمت باید
در طالع او دلالت دارد و بعضی مرض بنوع
از همان دیو و جادو [illegible] کند را ابتلای او
بماند باید دعای شش تغل و تعویذ دارد
بار شفا الی و دعای ماها را با خود هزارت
و دعای عزیمت بر او بخوانند و طلسم باید نماید
و در تعویذ دفن کند تا فرزند نهد تا [illegible]
مخصوص خود را باید از دردسر و فالج و
[illegible] وی با [illegible] های او [illegible]
دعا اید روزی [illegible] از اعدا [illegible]
[illegible] دعا بکرد و از [illegible]
و اختر [illegible] کند [illegible]
با شفا باید و [illegible] شود
اکر خواب ببیند بکند [illegible] سوا است
خیانت در امانت [illegible]
و ازان بد او ازان بکند در او را
حسن و بانز [illegible]

جوادهم را با خود دارد
تا بیاید مرسد اد دارد
کان بیند و در دعا خود
سرخ ماه بعد روی بیابا
و درخت سفید و بیکین
ماه دیرین و درد در شیند
کند و او را ابسار دهد
کی بعد صفا در کاهلان
جز بسته داراست قرار در
چون بر ابست دیر زیادی جابر
و در رابعت و بخت دنج بز
پزیه پشتک و ضمانت بکند

برج جوزا الرجال

حکم الحکمة الله برج جوزا
ماده نیت و بن تعلق
عطارد دارد و دنبالت
ستاره دنبالت بیاید هم
کلالت دارد او
باشد میان بالا و

فال

سرخ و سفید و
را کند هم کون
نیکو رو
و خوش سخن و خوش
خلق و شادی العقول
دروغ گوید و نیمه
دارد دل تنگ کند مال
بسیار باید و از دروغ
حلال قسمت دارد و ان
حرام او دروغ نیز باشد
آنکه بکلید دنیا دنبال
ابن صدد دنیا دنیا
و از حلال و راستی
نیز خود کند تا به
کوه مردل از بسیار حیم
خود را از حرام
نشد تا دربار
از حنبل نبد
وقال و نعمت دارد

عد دو چرتند
مال با بد یا آید
رود نفع کند و از دروغ
مال بسیار جمع کند و صاحب آن
بسیار آتش مزاج دود فرع نشیند اگر
دوست بیا البسند و هرچه از غم و
کند درد کار و عجز است و میراث از قبل زن
با خاله نصیب دارد و در بادت جوزا
نصیب دارد و از پدر و مادر نفع ابد
بیند و از برادران و خواهران نفع میابد
وارث بود بیمار بود و از پدر حاجت
و عمر دراز کرده و مسموم زن بطالع او دلالت
دارد بسیار مهربان است نرمان و فرزند
بسیار مهربان است اما از زبان و چشم
زخم مضرت رسد و خیال کج
بیشتر از خشکی درد کرد و درد زانو باشد
علامت در بدن دارد و خبرها با دکنی
بخورد در سفر بجا بنفع دریا کند و در
بدر کان طالع ندارد و در قمر
بدکرد بسیار دارد
اما

علم
تسعیب
و در
دوزر سرخ سبیل وجعه
ودرخت نور ابر و جهار اماد
نیز ماه مبارک و اطفال بیند
طالع با بد دعا حمد با شد و صاحب

برج جوزا النساء

ستاره ستاده خوانعدت واو زنه باشد کند
کون و چرب زبان و رحیم و دل خوش گفتار
نیکو و در نظر مردم عزیز و مکرم
واو را ابرا عضا تنابع با شد ان لشانه
بخت و دولت است و هر خانه که او باشد
دولت انخانه بیفزاید و باشد و اما باوی
وعز بنک کند و عوض بدیند و
از دل خود را نیکی نیکو تا در
انند و بکند دو شوهر کند که
سیاه چشم با وی عداوت کند
با بد و در دل

✱ بیرد دعای حوزابط
دعانه و هفانه و حیثیم
نظر برای اطفال بخود بیر
بکبد تا بماند و شانه
سر خود را بکنج ندهد
و موی خود را دفن
کنند تا کار وی ابستر
بکیرد و او را البسیار
بسیار زند دعای ماه
رمضان و در روز جهار
شنبه و پنجشنبه روز
ـ خش

✱ عجب
و از بد رو
مادر و خوش بهیات ن
که دارد و حرمت ایشان را و
نکاه دارد و هرج و بیشتر ز او
بعضی از ان زنان اندک مرتبه یابد و
بسیار او و خواهر خود نفع میانه بود و باشد و از
دیکر بستانند و دعای عجب و زنان بند
بکیرد تا از بلاها ایمن کرده و بیاد کست اما
برسد و قدم زن بر وی و بیاید هم بستانند و از زنها
از اقربا بکیرد و در ایام بسازند و از زنها
زن بکیرد اکر بکیرد در سرد زن را انکاح کند
اما از زنان او در ایم بود و فرزندان بسیار
در طالع دارد اکر بنا بد بنا بد نقص
از زن اوست هزار ده دارد از جهت زن
دعا بکیرد تا به شود و دعا بد و از اولاد
جز بسیار بیند اما دعای جمع رنج برای
ایشان بکیرد و از خدمت بزرکان نفع
بسیار بیند و دعای وی از درد کرد و
زانو و پیچ شکم و درد سر باشد و
عنا کل سپستان و
کلها نبع را

✱ هفتا و ـ
کنند که ستاره ٔ ـ
محل از طالع او باید در
روزه و از صدمه عیاد دل در صلب
دعاء فتح مهمات را خود دارد در دعا و
که هیچ نکند تا شوهر بان در و ازع نکند بد خلق
ازارد کنند تا در بلا بنفتند و بیماری وع درج
زانو و خشکی و درد سر باشد و باد بریان
باشد هلیله زرد و کل قند را با عسل معجون
کنند باشتا تا شتا جهار یوم بخورد شفا یابد
و از بد روز ما صد نفع میانه بود و از شوهر کاه
کاه ملالت بکشند و اطاعت او را عاید ما
سرانجام وی خوب شود اما دوازده نفر
فرزند در طالع دارد و بعضی از بریان
مضرت برسد بیشتر شود و کسی بد
دامن وی برآید و دستی خط شود
چون بد بنا آید ماشند کلک سنه و بعد از
چند مدت ضعف شود تا مال الکرده
درمیان عدد زبان رهملوی
چید او سودن نفع کنند هم
از رنج بریان
سر جنه ✱

ایه و حیوانات ما و دیم
ماه نو بر روی آب دو ن
و عقیق سرخ در دعای
هیکل تمام با خود دارد
تا از جمیع بلاها سالم
و ایمن کردد هو الله
العالم بحقایق
الامور و دقایق الصدور

فالنامه

ربیع لسنه

هر ان رنج که بدین
طالع باشد او رنج
باشد بنکو درو
صورت و خوش
خلق و میان بالا
و فراخ رو و رنج
عاقل و دیدار و رو
تا باشد ان نشان
اقبال و دولت
باشد و دو دوسیر
سکه بیشتر خود را
کم کند اما دو دو
بدست او دو و
در بیماری کاهلی
کند و دو سمن و
بدی کو بسیار دارد
و ظاهر علف خود بدر
در باطن او دو
کنند ✱

در زندگی محبوب
محبوب باشد کند
زبان دراز ... کند
و نگاه ... هر
معجون کند محبوب
با کل بیع و عسل
حفظ کند بهی بنفشه
دل ... دراز
کشاده ... باشد

در زندگی محبوبش کند در
در نیت عمر ... مشتری آید
باشد و ستاره او را
ماه شعبان و شنبه
و درخت سبز و بیع آب
نگین عقیق و ماه نو را بر
روی قران نگاه کند
تا از بلاها ایمن باشد

محبوب باشد
محبوب دیگر و دوست
دشمن خود را آشنا شد
گوید او لیسا دارد و مشغول بردم
باشد کسب او برکت نکند و در ناز عزت
نصیب او شود و قران طالع عمر او البشر
ستاره او را ماه دبیع و پنجشنبه و درخت
سبز آبی و نگین عقیق و حیوان کرم
ماه نو او ابر روی آب و دعای جهل افغال
و دعای شریف حرز جواد را با خود دارد
والله اعلم بحقایق الامور

برج اسد الرجال

برج اسد انتساب
ستاره جنا امیر المؤمنین
و آن مطلع با ستاره ... تعلق با فتادار
و سخن خوش جان افزا است و بانک
و از خدمت بزرگان مکون مواهب گیرند
از سلطان ... جان خود را فدا
خشم گیرد ... و روزی منکر گردد و
بپسندند ... و ... رسد زود

فال برج اسد النساء

ستاره ماند لیست
و آن زنی باشد نیک
و روشن و با ... و بلند
با او و ... دیده و با
عاقبت و ... بسیار
از نشانه ... اعضا
شان در ... بر
باشد هر ... الا
شود کار ... با کلام
فرزند نیکی دیباد و زنج
بکند ... ... کنند و
محبت ... باشد
اما ... و دشمن
بیع ... که باشد و
دو بیش ... کنند
کنند و ... عقب
هایش ... در فکر
خیال است ...
اکجا ...

کشاید دل خود را بیند
نیت کند بخت با دن یار
آشنا شد دوست و دشمنی خود
با وی عداوت کند اما ظفر یابد از مال و او
از دشمن در بیمال و اولاد بیند هر بدیع از
اولاد و مال بیاید هم از خشم بدان و حسود
است و از اهن حرامی بوی بد رسید و بیازار
اسب کشتیبان و خیانت و بیاید دامنی را دینار دو
سفر کشتیبان و ... باشم خود دارد
مزاج یابد را که بیع ... عراو زن
تا کار دیش ... نفع کند ... کسبین
از ... رنج ... باید ... دارد
عداوت با وی ... فرزند در طالع
عاقبت بخیر گردد و ... هم از علت ... آید
لیسا شود ... هم از دعا ام الصبیان
شود ... هم از علت باید و دعا ام الشفر
همراه خود دارد ... رخواند ... دعا
را خود دارد ... کند ... درد
جهل نا ... ... بکند

دارد و
ور اعضا نشانی
دارد دان نشانه ادبار
ود و لذت است و با هر کس وفا ملی
کند و محبت دیسا کند وهتان سروی
کفته است و ضمانت نکند و شرکت بروی
بنکو و در زراعت وی میانه است با ملول
است بند وی را قبول کند و از مال هر
دارد اما فنا کند اگر دشمنان مکر کنند
را با خذ اسیم صاف کند و تقوی را بیشتر
خود کند تا دشمنان وی مقهور گردند
و زن در طالع وی میانه است اگر از
بکرن بکذرد سه زن بنکاح در آورد
و فرزند دنیا در طالع دارد بعضی بوطن
شوند دعای ام الصبیان با خود دارد و بحق
سفر بجانب مغرب کند برای نیکو بود
وی بیشتر از درد کمر و درد اندرون و زکام
سر باشد دعای دفع باد و شفا کرده تا شفا
یابد و مملکت است دل در مراد بسته است
نه تر لدان میتوان کرد و به مراد حاصل
میشود و دائم در این ایام مراد
رسد اما
نصیحت

با نجام ب
انجام نیکش شتی
حیه شود بحال و درجه کرد
حسن از دعا یا نفع تعوید درود بعد را اشفق
کارنت هم بهار دل زابید و کلام
زبان در ازی کنند و سخن بیهوده کوید
کند و در دنیا ز کاهلی نکند تا کار بر آید
دیکنفر میانه الا دست خیانت در مال و
دارو و د اما غاصب بمحارم شود و از برادر
ایشان خورد و ما در دیکی بیندد و از ایشان
و خواهر بکیرد و فی و بیند بنای ایشان رنج کشد
اما قفل دراو را نه دارد و ابنا او را از دیر
طالع باشد طاق کنند آکه ان کتف بنا وده
باشاند دعا بکیرد و بلا از ابره درجان
باشد عشر دل دارد سستی تنبلی است
وهلیله بالکل فند با عسل بکوشاند بخورد
شفا یابد و دعای هفت حصار دهم بیک
دارد تا ایمن کرده و مال بسیار بدست
اورد و فنا کند و مرد بکم نهای خنده از آید
اند نو فنا بد تا ایمن مال منب در کرده
انه ما بد را در با انیشی بلد اشیفتاد و شانه سی
جعد را بکیجی بلدهد بلهاد با حیله
بیع اورا لبا زد
ماه محرم

عو وردد با کنیسه و رخنه
الوان و عقیق و حیوان
سیم مثلثه ماه نور
نیز ان نگاه کنند تا بدو
مبالد افتد و قران ۳
و صاحب قران احرازها
صحیح از جمایل اندازد نها
از بلاها ایمن شود
اثر نعیم داد الله اعلم

برج السنبله

برج ها جر ماده است
است و او زنی باشد
سعید
بلند بالا راسخ دل
بالدامن درجم
خوش سلوک با دادا
عاقل و دانا و در اعضا
نشانی باشد ان نشانه
سعادت باشد و مکرم
خلق عزیز و مکرم
و برد اقرباء دود
افتد و در زمین خیر
دیرا حصلیب شود بد
و بجود وی سخن کینه
را خواهد کشید بل
نفر بسر کونه یا وی عد
اوقت کند حذر کن
وهتان بروی کرده
و از مردم تا دان دوری
کند تا در بلا افتد

نفع یابد و برادر و
و ما در عهد با نه نیکند
جهات نکند و دیدو
بر سلد و در ما مور از
دیکی نکو بد عطلب
کعد و داد ذو لحذ
هلاله نیستن کنا ده
بیاورد کمد و کلاه
دارد در این ایام
و ابنعرادکرد در دل
خرام ب

معدم را کوشش
کنند و قران و دعی
بچهار دو هفت سالگی
بعد بعمر طبیعی برسد و دنیا از داو
او ماه ذی حجه و روز پنجشنبه و شنبه و
درخت الوان و چهارپا گاو و غنم و ما
بخورد سبزه و دعای محبت و زبان بند
با خود دارد تا از چشم بدان و بلاها
نگاهدارد در امان حق تعالی باشد انشاء الله تم

و برج سنبلة الرجال

برج سنبله برج خاک است با او تعلق
بمیمنت دارد ستاره امیر المومنین ع
است و او مردی نیک باشد میکوشد مو ابرو
کشیده با انصاف و با مروت و کار بیش
باشد در روی یا اعضا و شکلی دارد
باشد از ان نشانه مال و دولت باشد
و رنج و محنت بسیار کشد و طفلان
عظیم برود بسیار کوشد و صفا
[illegible] دارد و برا احسان
با بزرگان +

+ وخواهر بر
دل و رنجی بیش ندارند
هرچه دوستی کنند وفا کمتر بینند
ببیند و شوهر هر بکنند و مهر ان باشد
اگر گاهی مال [illegible] بکنند سحر کرده و دعا باطل
سحر با خود دارد و طاق [illegible] فرزند بسیار شود
و بعضی رنج [illegible]
را کشند ازان سبب [illegible]
بعد نابود و ام الصبیان [illegible]
تا بمانند و اگر تا اورد [illegible] یاد دارد
نشانها فایده دارد و بیماری او [illegible]
که بهر ملول است افسون در دواهای [illegible]
بخورد و قران وی بدو و [illegible] هرچه بیند
بگذرد بصد سال برسد و ماه ربیع المولود و روز [illegible]
[illegible] عشق [illegible] بکار کند
و رنج [illegible] ابرو و از ان [illegible] دارد
درخت و ماه [illegible] با خود دارد
مبارکست محبت و زبان بند [illegible] انشاء الله
و دعاهای [illegible] والله اعلم بحقیقة
[illegible] الامور +

کمتر نفع یابد و باز نان
مشفق و مهربان باشد
فرزندان [illegible] باشند
علت رنج [illegible] و چشم
[illegible] ایشان کار کنند
و سعی برجانب مغرب
نیکو بود و رنج و
بیشتر اورد در مرو در
نزله باشد دعا [illegible]
با خود دارد تا شفا

فالنامه

[illegible]

ازو عیب ندارد و از احتی
قبیل و مادر او [illegible]
همه را مثل خود بیند
خود را اشنا باشد و
نعو راست و در سخن
صادق القول باشد
[illegible] رنج کشد و مرد
[illegible] از فرزند و
کشد و مال بسیار بر
+ بخشند و بر [illegible]

[illegible] +

بع و بنقص بسفیاب گوید
یاوے دو در مقام عداوت
است میان زن و شو
هر تا مشار کار دلیست
الطاعت شوهر نباید
تا خدا خوشنود گردد
و بخورید وی بیمار ان
حیثیات و صعفر او و درد سر
و فوق شفا یابد تا باشد دعا یابد
شفا یابد و او را بد
تا با بدرده فرزند رطالع
دارد و بصحیح اگر نیاید

ان بکند و د
بر طبیع رسد صاحب
ابن طالع را بنا زد ماه جما
الا و دو ردو و زهاے مشنبه و درخت
بسر و سرخ و جهار پا کار و کوسفند و ماه نو
دا بر وے سبزه نگاه کند تا بروے گناه بلا گردد
و دعا جوشن کبیر و صغیر با خود دارد ماه
رسد و از بلاها ایمن گردد ان شاء الله

برج میزان الرجال

میزان خانه زهره است نر است بادی ستاره
بودن تو امشب هر که بدین طالع از مادر متولد
شود مرد خوش خلق از سخن خوش شاد
فدا کند و ضامن دارے و برادنا زد و اگر
تجارت کند نفع یابد و او را بر کردن جاه
دیگر نشانی است ان نشانه دولت و اقبال
است و خواب خود را بر کسی نگوید چرا پیغمبر
و در خواب بیند درد دنیا حاجت وی وارد
که دل از دل را نگوید چرا که
دشمن و بد کو
بسیار دارد

برج میزان النساء

ستاره مشتری گرم است انتقال
خلق بحث وی پر بود و در وی کرد داد
و او زن کلان وی بود و در وی گرد داد
و در بشت گرد آرود زن چرا که میزان مانند ترازو
تمن با او دو را طالع مزاج دو و زن عاقل و دانا
فضل جب او را در نمان نخشان باشد هر جای
دانا باشد و او را نسبت نخشان تخوش و رنج
باشد و زنان بد کلی کنند شوره و رنج و
بزرگ شود در سخن بر سر وے کننده اند
و یکبار ان سخن کند و فا دو و بدانند
محنت اسباب کند و اسباب انگار بنشسته دو
دشمن و بد کو در دل در مراد قیمتے ماصل شود
و مثل بسبب که در مراد است آید یاد ستاره
ان مستوانند که نبا امید دل خوش شد او را کشاده
کار ها دیده یا بسیار بود در دنیا کار فرمود
بیابد او نیاطالع تو بر بد باشد از تب ماند
نسبت که دو وقت بد و در دنیا بکار
که بد و بد بهتا بکنند
بد

میزان

چون از این بکند و در
طالع وی بر بشت دنیا که
خود را از دعا بند و قرآن
حلیه بره و دعا بکیرد و در
خوانند تا بماند اگر نشنود
دارد و غرابه بخوان وے بر
حرز امیر المؤمنین با خود
برات با زاد ان در رسد با بد
دارد و صحیح اگر نیاید

طبیع رسد و
صاحب این طالع را به
بنا زد ماه د بنقد
و از روز ها دو شنبه
و درخت سرخ و سفید
و نکین فیروزه و ماه
نو را بر روے سبزه
کند تا بر وے مبتلا
شود و حرز ابجد دعا نه
با خود دارد و از

برج عقرب الرجال

ستاره دو ماه با سیم
او و زنع با مشتری نیکو
طبع
تو و طریق خوب بر و دو
رنج تو خوش رنا ده و
ابرو کینه دیار
ستاره و رحم دل
و با ادب و او در
غز بر

بروج بری از آن نگاه کند
تا بروج [illegible] باید [illegible] کرد
عبدالله هر اول [illegible] دعوا
محبت ولی [illegible] مغرب [illegible] باشد
وارد شد از زبان [illegible] بیان
وحصولان ایمنی گردد
و بمراد دل برسد انشاء

قوس الرجال

حکما گفته اند برج قوس آتشی است نر و از طبع [illegible] دو پیکر و خشک است نشان داده [illegible] هرکه بدین طالع بوجود آید مردی [illegible] چهره [illegible] میل [illegible] و دایم [illegible] مزاج [illegible] و با بزرگان نشیند و سفر بسیار کند مال بسیار یابد [illegible] عاشق مزاج [illegible]

فال [illegible]

مه برسینه نشانی باشد
اعضا نشانی [illegible] باشد
آن نشانه بزرگ شود کار ایشان روا [illegible]
هرچند عزیز باشد صادق القول و در و در عکس
و او زنی باشد هر که او را [illegible] کند جفا بیند و دل را
دشمن بسیار دارد و از اهل خراجی [illegible] باد و رسیده باشد
با اهل صنعت [illegible] کند و از وی [illegible] و نیخص میانه
با امیر بسیار و [illegible] بزرگ بسیار کند طفر نیابد
در کار او در هیبت [illegible] باوی عداوت و کینه [illegible]
در کارها عم و عصه خورد و [illegible] کند و همیشه [illegible]
او را بضعف [illegible] او را قبول کند و لطف الله [illegible]
خالست که سرانجام خیر شود ابد از وی درد
کارهای او بمراد دل برسد [illegible]
و طالع او باشد در میان [illegible] ایران [illegible]
وی سنگین باشد هم از [illegible] و از [illegible]
[illegible] از اتم الصبیا با خود [illegible] خواهر بود [illegible]
میراث یابد [illegible] باشد [illegible] یابد و بعد از [illegible]
فرزند بسیار باشد مانند شاهزاده [illegible]
[illegible] مانند [illegible] او کبود شود
بر اعضا [illegible]

ورحیم دل
باشد و حرام بروع
ستاره گاه در بنا شد و در کار خود [illegible]
اگر دو ما نیز [illegible] اید چه باید کرد [illegible] دارد وا
صادق کند هفتم مطلب ع دارد [illegible] باشد و سفر
کند و عمر وی دراز باشد [illegible] بود [illegible]
بسیار کند اما نفع میانه بود و [illegible]
که چشم در مال وی دارند و [illegible]
و مال در نفع میانه بود هر دو پیش از
او عمر بد و زن وی [illegible] است اگر
کند در سر نکاح کند بغم نیاید در
در طالع دارد از کوچک نفع یابد
و از برادر و خواهر نفع یابد و از [illegible]
بد در خدمت کند و نیز خود را از [illegible]
در [illegible] کار هیچ نکند تا [illegible]
[illegible] وی [illegible] چون از این
بکند در عمر [illegible] برسد و چهار ماه
[illegible] و ماه [illegible]

و هر ایشان باشد [illegible]
اگر قصد [illegible] و [illegible]
هنر باشد [illegible]
[illegible] بود [illegible] اما [illegible]
و مزاج [illegible] کار [illegible]
بروی ستاره کارها [illegible]
[illegible] خدا و خلفا [illegible]
کند [illegible] اقبال و ادبار [illegible]
[illegible] خوش [illegible]
[illegible] بخند [illegible]
[illegible] دارد [illegible]
[illegible] و ما [illegible] دارد [illegible]
[illegible] نفع [illegible]
[illegible] و نکاح [illegible]

عہ اما قدر وی را نیک
نبد و قدر اعضا اشتباه
باشد و فرزند باشد و در
صاف القول و در [illegible]
او دشمن دارد و در آخر کار
بیکان خوش حال [illegible]
و شوهر با او نکاح کند [illegible]
بد [illegible] کند و مکر است
سر [illegible] و سینه [illegible]
کار و سینه [illegible]
دست [illegible]

عہ دو [illegible] دارد
اگر از او [illegible] بگذرد
جماع زن نکاح کند و در زن
آخر هفتم [illegible] بینند و از فرزند خبر و
زاحت [illegible] بینند اگر بیا و در دیر بان زا اذیت کرد
غلام غایب شود بخود [illegible] بیشتر از درد
شقر و باد [illegible] در [illegible] باشد نحس جا دارد و
صندل در بره کبود هر [illegible] نکاح یا عمل
و از بخور [illegible] و سفر هر طرف خوبست تجارت و
زراعت و ضمانت مباح بود قران وی [illegible] هفته
ملک و بنا زد او را ماه رمضان و جماد شنبه
درخت الوان و بکن فیروزه و جمادی [illegible]
و ماه نو زا بر وی زنان نگاه کند دعاء ختم
و کنج العرش با خود دارد از بلاها ایمن گرد

برج قوس للنساء

ستاره خلیجه کبری است و او زن بود خو[illegible]
[illegible] فربه اندام و پاکدامن و فراخ روزی
و با سخاوت و کاردان و هرجا
[illegible] با [illegible] شد و لیکن اغما[illegible]
عہ [illegible] بکند

ود را ایام [illegible]
جماع [illegible] سنت [illegible]
بماند [illegible] صابع کند [illegible]
بچه همراه [illegible] خود دارد اگر [illegible] در [illegible]
و دیع جن با خود و خوابها بیند هر [illegible]
با بر شود و دولت [illegible] بر سر [illegible] ماه
باشد دولت بر سر و اوران بکش
صفر و [illegible] رجب [illegible] ماه نو را با خود
برج حوت [illegible] کند و دعای خوشی [illegible]
کعد [illegible] نگاه کند و دعا [illegible] انشاء الله
دارد [illegible] از بلاها ایمن گردد

برج جدی للنساء

ستاره حوا است و او زنی باشد فراخ
روزی با حیا و کاردان و عاقل و زیرک و خوش
باشد هرچند [illegible] باشد کار و بسیار
دارد و دشمن [illegible] و بدگو و از دل خود
اما [illegible] باشند و رنج و زحمت
[illegible] بکوید [illegible]
[illegible]

دل [illegible] و مال زیاد
[illegible] درد و از [illegible]
اما در [illegible]
از فرزند [illegible]
کند و [illegible]
[illegible]

[illegible]

[illegible] و [illegible] با خود دارد
[illegible] بشود و [illegible]
[illegible] بیشتر از درد
[illegible]
[illegible] اما از [illegible]
و قران [illegible]
[illegible] بکند [illegible]

برج
و زنان با خود دارد
هفته [illegible]
[illegible] ماه
ستاره [illegible]
[illegible]
کار و [illegible]
[illegible] در درخت
[illegible] دارد و را ماه

برج دلو السنه

ستاره طالع در شب سیاهست و او در خانه باشد باخرد و نیکو و سعید خوشی اندام عاقل و در بدل باشد و ابر لب نشانه باشد و ان نشانه اقبال و دولت باشد هر چه دید بداند و در زبان بر جهان [illegible] هر که بنا کند [illegible]

و از بلا ایمن شود و القاهم با خرد نگاه دارد تا [illegible] بیماری و لباس [illegible] بنشاند و دو [illegible] بستر بخورد [illegible] دو فتح [illegible] شنبه موسی [illegible] بخود [illegible] [illegible] ۶ ۳

العقول [illegible] راست گفتار باشد و دروغ گو را دشمن دارد و بلیغ بر سر وی گذشته باشد بمراد دل دارد و بر دلان منسوب بمراد حاصل میشود و گنج شکسته ببیند همیشه در فکر و خیال است و هیجان عظیم بروی گو بند از پدر و مادر دور افتد و تقدم او بر شوهر بیمار باشد و اورا یازده فرزند در طالع بود اگر بیاورد [illegible] و زاینده [illegible] بشود و بماند [illegible] مراد لبند دعا [illegible] تا خود نگاه دارد و دعا نگاه دارد تا مراد برسد و [illegible] بیشتر دارد و باد [illegible] باشد والنتیجه [illegible] بخود [illegible] چون [illegible] بکند [illegible] طبیعی [illegible] صاحب طالع [illegible] ماه رجب روز جمعه [illegible] الوان [illegible] و ماه نو [illegible] نظر کند [illegible]

شود و [illegible] بیابند [illegible] و [illegible] بیجر [illegible] بخورد [illegible] دعا [illegible] تا شفا یابد [illegible] ودرد [illegible] با خود دارد [illegible] دعا [illegible] سر [illegible] ومویه [illegible] او دارد [illegible] دفن کند [illegible] با دوا و لاد او [illegible] وقران وی چون از [illegible] نصاحب بنطالع [illegible] ماه [illegible] بکنت [illegible] وزنجبت [illegible] راست [illegible] وبرای [illegible] صاحب [illegible] دعا [illegible] زبان بند [illegible] حاجت وی [illegible] با خود دارد تا از جمیع بلاها [illegible] القضیه [illegible] والله اعلم بحقایق الامور

برج حمل المرحال

برج حمل خانه زحل است و مریخ [illegible] ستاره [illegible] بوجود [illegible] [illegible]

بلیه ببیند [illegible] خود را [illegible] نگاه دارد [illegible] عرض [illegible] بنکو شود و کار [illegible] پدر و مادر [illegible] دشمنان بسیار [illegible] نفع ببیند [illegible] خواهران [illegible] شود [illegible] بعضی اوقات [illegible] صاحب [illegible] دو فرزند [illegible] طالع [illegible] مردم [illegible]

با هرکه جنگ کنند در عوض
بدی ببینند و بر دشمن
ظفر یابند بضمانت در ازین
نسازد و دزد اعنت و
تجارت سود ببینند و
هر نقصانی باو رساند
بدگوئی خلق خواست و دنیا
برای خود و اهل و مال
بکند تا ایمن کردد و اما
از خرج اه مردم امید و
مردم عسلی او کویند ظفر
یابند و قران وی خفت
مال چهل ازاو بکذرد
تصدیق سال بر سد و
دنیا زد او را ماه رجب
و در روز پنجشنبه و بها د
و درخت و نکبت و بکیرند
نحس و جهار باران ماد بیم
و ماه نور تا ابدی مبارک

بزرکان دنیا صحبت
کنند هرچند امر غیرت به
کنند و کار او بالا گیرد و دعوی
بزرگی کنند با هرکس وفا کنند جفا بینند
و از بیخ خویش خویشان را فنا کنند و شرکت و او
خانه ساز و کار را باشد و در آخر عمر لبعات ایمان
خاین شود و دیده و رختها تعمیر کنند مبادا
و الفت اولاد و از هر اولاد دعا با خود دارد تا
از بلا ایمن کردد و میراث از اقربا باو رسد
و از پدر و مادر دو نفع ببینند و از برادران
و خواهران نفع میانه بود و قدم زن
بروی مبارک است اگر زن بنکاح در آورد
و از فرزند دو روزی مند شود و فرزندان اگر
نشود یا نمانند برای زن دعا بکیرد تا دو
کیش بعد از ده چهل محفوظ و دو دوکان تها
بتعجیل کنند و ضامن نشود و تجارت
و زراعت برای وی خوب است و سفر
معرض خوب است و نزدیک و هشت
سال کی و اولاد او از دوستان
بیناد و باشد ...
نفع و

و
منفعت بر
او ظفر یابد بر
فرزندان را دین بیند و دشمن او را
عبادت باید با بهار برسد و دلیل زد
او را ماه شعبان روز دو بیستم و رجب
و نیز بیاد عوت و حیوان کرد بیست یکم سعد ماه
و از جدی ابد بهای محبت و دو زبان بند با خود دارد

برج دلو الرجال

بادی است ستاره علی بن ابیطالب
خانه زحل بادی است سبز رنگ و فراخ روی
است و او مرد طویل العمر و رحیم دل و با علم
و مهمان از او خیری بیند و حصن زن در طالع
و همه از او راضی باشد و او راز زیر ابتلا باشد
و در دنیا بد و اگر شود همه از خشم بد بیند مردم
و مکر دنیا بد و زن دشمنی بکیرد و بر
است و از خرج تمام خواهد برادران از دل خود
اسیدان از حق تمام بکلی بد جز آنکه دوست
نفع و بیم باشد بعد یعنی خود دارد
و به بیند
بیند

برج دلو النساء

نظر کنند تا عبدی مبارک
باشد و دعای
حرز جواد با خود دارد
تا از چشم بد ایمان
باشد والله اعلم

برج حوت الرجال

برج آبی است برخانه
مشتری و ستاره او
دلو است هرکه در
طالع بوجود آید
بنا بر وجه حرج بان
دیدار نفع بیرو
از دامن و فراخ
دو دزغ صادق القول
در وعده نکو و اد
دارد و سفر بخیر
معتبر نیکو بود و از
خیر بود درخت نشود
ببیند و از پدر دو
ماد در نفع ببینند
و جاوید

رحجان اینها ... [illegible] از آن بد و خیر و بدی از ... [illegible] رو و دریفق ... [illegible] طالع دارد ... [illegible] از خصم واژه در یابد ... [illegible] ... از ... [illegible] رمانند و او [illegible] ... [illegible] باشد وان ... [illegible] اقبال السعد ولت باشد و ... [illegible]

برج حوت النساء

ستاره ماه در توش ۴ است
او زنی باشد خوب رو و
نیکو خوش رفتار غریب دوست

[illegible] با ... [illegible] عاقل ... [illegible] کند ... [illegible] باشد ... [illegible]

دائره خمسة الاسماء المبارکه از حضرت امیر المؤمنین علیه السلم

منقولست که برای دفع طاعون این دائره را نوشته با آب بشویند
از آن بصاحب طاعون داده بخورد ... [illegible] آب زان بکشد ببند
اما باید سر روز روزه باشد زیاده بنا شد و شب کرده باشد و
دیگر بجهت دفع خصم چون در برابر خصم در آید این پنج اسم که در دائره
نوشته بخواند ده مرتبه الله اکبر بگوید و این دائره را در برابر خصم
بدارد بعد از نزد بکشد ده بار یا عدل یا حکیم بگوید یا فرد
یا قدوس یا مخذل الکفار دشمن مقهور شود انشا تع واینست

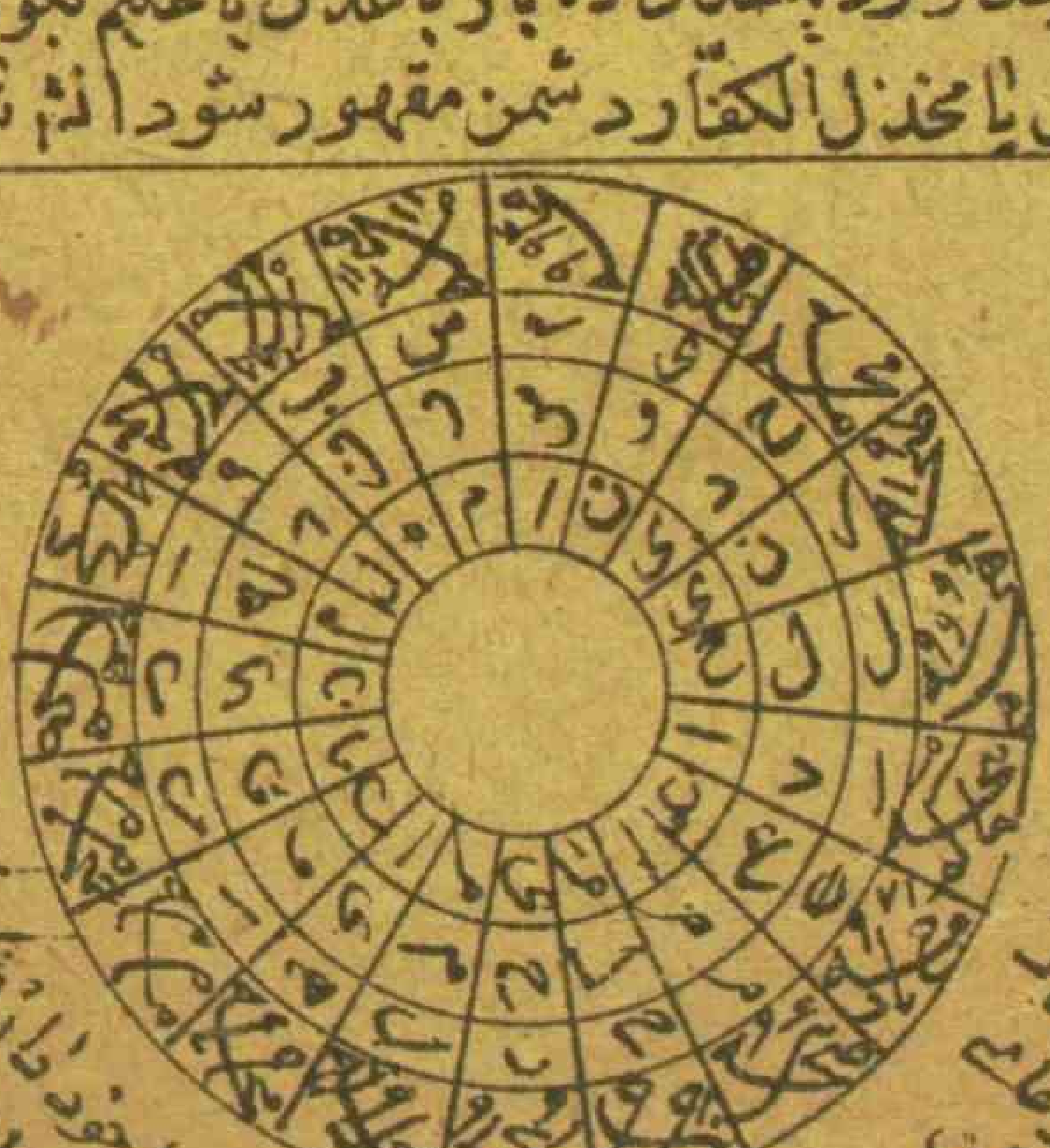

... [illegible] بشود واز ... [illegible] کند و ... [illegible] خواب بخورد ... [illegible] کند و ... [illegible]

فائده

است و در زنان ... [illegible]
که صلح نکند و ... [illegible]
خود را ... [illegible]
های بسیار ... [illegible]
گردد و از مردمان
... [illegible]
... [illegible] سال ... [illegible]
... [illegible] باشد
... [illegible] رمضان و ... [illegible]
و فصل خزان و ... [illegible]

... [illegible] شود ... [illegible]

... [illegible] خود ... [illegible]